

## توضیحات مقدماتی:

### ۱) پیشگفتار:

- خواننده گرامی، نظر بر این بود که این کتاب در وهله اول کلاً به زبان ترکی به چاپ برسد، اما بعداً تغییر نظر داده و چاپ آن را با توضیحات فارسی ضروری دانستم، چرا که متاسفانه هموطنانمان از یادگیری زبان ترکی و مادری خود محروم و بی بهره اند، اکثر کسانی که با سوادند جبراً تنها به نوشتن و خواندن زبان فارسی آشنائی دارند. و...

شعری از ابوالقاسم حسینزاده: [آتا سوزو]

آرمیت کالدیر یئمک اولمور هر سؤزو آچیب دئمک اولمور...

آنلایانا بیرجه میلچک سازدیر، آنلامایانا زورنا - قاوالدا آزدیر...

- با وجودی که مدت زیادی از چاپ اول و دوم و سوم این کتاب می گذرد، متاسفانه به دلیل گرفتاریهای مختلف کار و زندگی، هنوز موفق به آماده کردن جلد دوم و جلد ترکی آن نشده ام.

- بعد از چاپ اول همین کتاب، عده ای از خوانندگان محترم، به وسیله تلفن و یا نامه چاپ آن را تبریک گفته و بعضی از آنان نیز بعد از تعریف و تشویق، نظرات انتقادی خود را که عمدتاً به فشرده و ناروشن بودن مطالب آن [به ویژه در بخش اول کتاب و همانا به در هم و برهم بودن بخش‌های مختلف آن بوده است] بیان کرده اند. در این رابطه همه جانبه ترین نظریه انتقادی را مرحوم آقای دکتر زهتابی، در نامه ای که جنبه تشویق نیز داشته (نامه وی در انتهای ۱ اول کتاب قدیمی درج شده بود)، ذکر کرده است. (ص ۷)

با در نظر گرفتن مطالب مطرح شده و راهنمایی‌های خوانندگان محترم، تصمیم بر این شد که این کتاب به بخش‌های جدا گانه تجزیه شود و هر بخش آن با توضیحات و مثال‌های بیشتری که به آسانی قابل فهم و یادگیری باشد، مجدداً به زبان فارسی به چاپ برسد.

- محتوای مطالب این کتاب همانند چاپهای قبلی آن می باشد، ولی با توضیحات، مثالها، نقل قولها و اشعاری که از شعرای آذربایجان به آن افروده شده و بدین سان حجم آن بیش از سه برابر چاپ اول و دوم و سوم گشته است، در نتیجه این کتاب به یک خود آموز دستور زبان ترکی آذربایجان مبدل شده است.

- به امید اینکه شما خوانندگان محترم، نظریات انتقادی و همانا نارسائی‌هایی که به نظرتان می‌رسد، به اطلاع برسانید و بدین وسیله برای بهتر و کامل ترشدن چاپ ترکی آن به من یاری برسانید.

## ۲) سخنی در رابطه با چاپ کتاب:

در چاپ اول این کتاب، «دیوان ترکی فضولی»، «اشعار علی اکبر صابر طاهرزاده» (هوپ هوپ نامه)، کتاب «اصلی ایله کرم»، اشعار «واحد»، کتاب دستور زبان وهاب زاده، کتاب درسی و دستوری ترکی استانبولی به زبان آلمانی از آقای دکتر اُتو ایشپیس و دکتر بِلما امیرجان و کتاب درسی آلووتکلی «گون آیدین» را در دسترس داشته و مورد استفاده قرار داده بودم که متسافانه در چاپ کتاب، درج اسمی آنان از یاد رفته بود.

بعد از چاپ اول، کتابهای زیادی خریداری و همانا به کتابخانه دانشگاه مونیخ (بخش تورک لوگی، ترک شناسی) که در آن کتابهای مختلفی به زبان ترکی، از جمله ترکی آذربایجان و فارسی نگاهداری می‌شود دسترسی پیدا کرده و از مطالب و شیوه کار آنها نیز در این چاپ بهره برده است.

در این چاپ، از اشعار شعرای مختلف آذربایجان استفاده شده که اسمی آنها در بخش‌های مختلف همین کتاب در کنار قطعه شعرشان درج شده است، اشعار بعضی از شعرائی نیز درج شده که کتاب آنها در دسترس من نبوده، ولی آنها را از کتابهای آقای دکتر هیئت به نام «آذربایجان ادبیات تاریخیه بیر باخیش» [در دو جلد] و یا از کتاب آقای یحیی شیدا به نام «ادبیات اوچاغی»، رونویسی و به اسم خود شرعاً درج کرده است؛ در این اشعار، به منظور قدردانی از خدمات آنان برای فرهنگ مردم و همچنین برای بهره برداری از آنها به عنوان اثر تاریخی، همچنین برای متنوع کردن مطالب و همانا برای نشان دادن صحت مطالب و... در نظر گرفته شده است.

در تنظیم این کتاب، از شیوه کار و مطالب کتابهای دستور زبان زیر نیز استفاده شده است: «معاصر ادبی آذربایجانی» از دکتر زهتابی، «مبانی دستور زبان آذربایجان» [در دو جلد] از دکتر محمد علی فرزانه، «آنا دیلی» از ابراهیم رف رف، کتاب «گرامی قاسم حسن اف - کامیل علی یوف فریدون جلیل اف» و کتاب دستوری لهجه ترکی استانبولی از آقای دکتر «Mehmet Hengirmen» مِحمِت هئنقیرمان به نام «تئور کجه دیل بیلگی سی در سال دو هزار».

- در آماده کردن چاپ اول این کتاب دوستان عزیز آقای مهندس بهرام شمسا، آقای یونس فیض الله زاده و در اصلاح نگارش آقای عباد میرزا ایف، خانم مهندس گلبرگی و آقای علی کریمی و در اصلاح نگارش چاپ حاضر آقای مهندس مرتضی دیزجی و خانم فریبا مالک و در چاپ آن نیز محمد کاظمی به من یاری رسانده اند، که بدین وسیله از زحمات ایشان و سایر دوستان عزیز قدردانی کرده و با صمیم قلب تشکر می‌کنم.

### ۳) در رابطه با ریشه زبان ترکی:

a) ریشه اولیه زبان ترکی:

اکثر تحلیل گران و زبان شناسان، زبان ترکی را زبان منشعب شده از زبانهای «آلتای و اورالی» معرفی می‌کنند.

مهمترین زبانهایی که اساس و ریشه اولیه آنها را به زبانهای «آلتای و اورالی» نسبت می‌دهند به شکل زیر می‌باشند:

زبانهای زنده و رسمی در آسیا:	زبانهای زنده و رسمی در اروپا:
زبان ژاپنی	زبان فنلاندی
زبان مغولی	زبان مجاری
زبان کره ای	زبانهای ُلکائی
زبان منچوری	زبان ایسلندی
زبان ترکی و لهجه های مختلف آن	و...

- توجه شود که بعضی از زبانهای اسکیموئی در آسیا و همانا بعضی از زبانهای سرخ پوستان قاره آمریکا نیز جزء گروه مذکور شمرده می‌شوند.

b) زبان ترکی به لهجه های مختلف زیر تقسیم می شود.

- بخشی از لهجه های مهم زبان ترکی به شکل زیر می‌باشند:

ترکی کاپارتائی	ترکی آلتایی	ترکی تاتاری	ترکی ترکیه(عثمانی)
ترکی یا قوتی	ترکی بالکانی	ترکی اویغوری	ترکی آذربایجانی
ترکی اویغورشرقی	ترکی ملداوی	ترکی باشقورتی	ترکی ازبکی
ترکی جوواشی	ترکی هاکازی	ترکی قاراکالی	ترکی فراقی
ترکی قبرسی	ترکی قاراچائی	ترکی تاوائی	ترکی ترکمنی
ترکی نوقائی و ...	ترکی تاوائی	ترکی داغستانی	ترکی قرقیزی

- اهالی بعضی از کشورها را می‌توان به شکل قرقیزستانی (قیرقیزستانی)، ازبکستانی (اوزبکستانی) و ترکمنستانی (تورکمنستانی) نیز بیان کرد.

- شماره صفحه

فهرست مطالب:

عنوان مطالب و مباحث مختلف

توضیحات مقدماتی:

- ۱) پیشگفتار:  
۲) سخنی در رابطه با چاپ کتاب:  
۳) در رابطه با ریشه زبان ترکی:  
۴) فهرست کتاب:  
۵) مقدمه:

بخش یکم:

- ۱) توضیحات در رابطه با الفباء:  
۲) حروف و الفباء ترکی آذربایجان:  
۳) شیوه بیان حروف ترکی آذربایجان:  
۴) الفباء و چگونگی نامیدن آنها:  
۵) ویژگی‌های الفباء عربی در زبان ترکی آذربایجان:  
۶) عدم هم آوائی الفباء عربی با حروف زبان ترکی آذربایجان:  
۷) الفباء لاتین و چگونگی هم آوائی آنها با حروف زبان ترکی:

بخش دوم:

- ۱) حروف و تجزیه آنها در ترکیب کلمه:  
۲) طریقه ترکیب سیلاپ و کلمه و هجی کردن آنها:  
۳) حروف ترکی آذربایجان در ترکیب کلمه و پسوند و...:  
۴) چگونگی تفاوت آهنگ تن صدای حروف و اصول هماهنگی آنها:  
۵) حروف صدادار و تجزیه آنها به دو گروه فعال و غیر فعال:  
۶) حروف صدادار فعال و نحوه به کارگیری آنها در ترکیب پسوندها:  
۷) نحوه به کارگیری حروف در ترکیب کلمه و پسوند:  
۸) حروف بی‌صدای قوی و تقسیم بندی آنها به دو گروه:  
- حروف بی‌صدای ضعیف:

- شماره صفحه

فهرست مطالب:

عنوان مطالب و مباحث مختلف

بخش سوم:

- ۹۶) کلمه:  
۱۰۷) اسم:  
۱۲۳) اسم و علائم جمع:  
۱۳۰) فعل:  
۱۳۴) اسم فاعلی:  
۱۳۶) مصدر:  
۱۴۰) اسم مصدری:

بخش چهارم:

- ۱۴۵) ضمایر شخصی و ضمایر منفصل شخصی:  
۱۴۷) ضمایر متصل شخصی:  
۱۴۸) طریقه صرف کلمات با فعل «ایمک» (پسوند صرفی و یا ریشه مصدر):  
۱۶۳) ضمایر نامشخص شخصی:  
۱۶۴) ضمایر اشاره ای:  
۱۶۵) ضمایر انعکاسی و فرمهای مختلف آن:

بخش پنجم:

- ۱۷۰) اسم و حالت‌های تصریفی آن:  
۱۷۶) ضمایر شخصی در حالت‌های تصریفی:  
۱۷۸) چگونگی به کارگیری و عملکرد حالت‌های تصریفی اسم و ضمیر:  
۱۸۱) حالت مفعول با واسطه «در» (ده، دا) با اسم و ضمیر و کلمه «کی»:  
۱۸۷) پسوند ملکی و عملکرد آن:  
۱۹۴) پسوند ملکی و چگونگی تکرار آن در ترکیب اسم و ضمیر نسبت داده شده:  
۱۹۹) اسمی که آخرین حرف آن صدادار باشد با یک حرف «س» صرف می‌شود:  
۲۰۰) پسوند ملکی در ترکیب با کلماتِ تک سیلاهی:

## فهرست مطالب:

### عنوان مطالب و مباحث مختلف

#### - شماره صفحه

- ۹) پسوند ملکی و حذف آن در محاوره از اسم نسبت داده شده:  
۲۰۲
- ۱۰) مخفف شدن پسوند ملکی از اسمی که آخرین حرف آن صدادارمی باشد:  
۲۰۳
- ۱۱) پسوند ملکی همراه اسم با حالت مفعول با واسطه «در» و .. «کی»...:  
۲۰۶
- ۱۲) تغییر پسوند اسم نسبت داده شده به دوم و سوم شخص مفرد و ...:  
۲۰۸

### بخش ششم:

- ۱) صرف حالتهای تصریفی ضمایر اشاره ای و انعکاسی:  
۲۱۶
- ۲) حالتهای تصریفی ضمیر انعکاسی «اُزروم»:  
۲۱۹
- ۳) تکرار ضمیر انعکاسی «اُزروم» همراه پسوند ملکی:  
۲۲۶
- ۴) ضمیر انعکاسی «کند»:  
۲۲۷
- ۵) ضمیر انعکاسی «بیله»:  
۲۲۸
- ۶) ضمیر انعکاسی اُزگه (özgə):  
۲۲۹
- ۷) ضمیر انعکاسی باشقا (başqa):  
۲۳۱
- ۸) کلمه «بیر» به عنوان ضمیر مشخص و نا مشخص عددی و ...:  
۲۳۲

### بخش هفتم:

- ۱) کلمات ملکی و ضمیر ملکی و «مال» (ثروت، دارائی، حیوان):  
۲۳۶
- ۲) کلمه «وار var»، «یوخ yox» و پسوند ملکی:  
۲۳۰ - ۲۳۷

### بخش هشتم:

- ۱) صفت و انواع مختلف آن:  
۲۴۸
- ۲) قید و انواع مختلف آن:  
۲۵۶
- ۳) کلمات و علائم نفی:  
۲۷۱
- ۴) حروف اضافه «لی» (قید و یا صفت اهلیت):  
۲۷۶
- ۵) قید علت و قید سوال و ...:  
۲۷۸
- ۶) کلمات و علائم ربطی:  
۲۸۹
- ۷) حروف و یا علائم ربطی («له، لا» و «این» .. و «ایب»):  
۲۹۹

## فهرست مطالب:

### - شماره صفحه

### عنوان مطالب و مباحث مختلف

- |           |   |
|-----------|---|
| ۳۰۶       | ۸) علائم و حروف ربطی « ده، دا »:                        |
| ۳۰۸       | ۹) حروف و یا پسوند ربطی « جه ۵۹ » ( علامت مخصوص زبان ): |
| ۳۱۲       | ۱۰) پسوندها و اصول و به کارگیری و ... :                 |
| ۳۱۴       | ۱۱) پسوندهای تک و چند سیلاجی:                           |
| ۳۱۵ - ۳۲۱ | ۱۲) پسوند و میانوند:                                    |

### بخش نهم:

- |         |  |
|---------|--|
| ۳۲۲     | - فعل و صرف آن :   |
| ۳۲۷     | ۱) صرف فعل « ایمک » در فرم‌های مختلف:                                |
| ۳۳۴     | ۲) صرف فعل در زمان حال ( استمراری ):                                 |
| ۳۴۳     | ۳) فعل مصدری در زمان حال ( استمراری ):                               |
| ۳۴۸     | ۴) صرف فعل در زمان آینده نزدیک:                                      |
| ۳۵۵     | ۵-۱) فعل آینده نزدیک و مفاهیم مختلف آن در ترکی آذربایجان:            |
| ۳۵۸     | ۵) صرف فعل به شکل امری:  |
| ۳۶۵     | ۶) صرف فعل در آینده دور:   |
| ۳۷۱     | - تغییر حرف ریشه فعل:  |
| ۳۷۵     | ۷) فعل فاعلیت صفتی:  |
| ۳۸۰     | ۸) فعل « در لحظه آغازین کار »: ( در ترکیب با علامت فعل فاعلیت صفتی ) |
| ۳۸۵     | ۹) فعل « از آغازین کار »: ( در ترکیب با علامت فعل فاعلیت صفتی )      |
| ۳۸۹     | ۱۰) فعل « تا پایان کار »: ( در ترکیب با علامت فعل فاعلیت صفتی )      |
| ۳۹۲     | (۱۰-۱) فعل فاعلیت صفتی در جمله و حالت‌های تصريفی آن:                 |
| ۳۹۶-۴۱۴ | ۱۱) فعل کمکی با ترکیبات مختلف در ۱۱ فرم:                             |
| ۴۱۵-۴۳۱ | ۱۲) فعل الترامی با ترکیبات مختلف در ۱۴ فرم:                          |
| ۴۳۲-۴۳۸ | ۱۳) فعل آرزوئی واقعی در فرم‌های مختلف:                               |
| ۴۳۸     | ۱۴) فعل امری آرزوئی  |

## فهرست مطالب:

عنوان مطالب و مباحث مختلف	-	شماره صفحه
۱۳-۱) فرم قدیمی فعل امری آرزوئی: ۱۵) فعل شرطی: ۱۶) فعل شرطی واقعی در زمان حال: ۱۷) فعل شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک: ۱۸) فعل شرطی واقعی در زمان آینده دور: ۱۹) فعل مجھولی در فرم‌های مختلف: - استثناء در فرم مجھولی و صرف آن در فرم‌های مختلف: ۲۰) فعل ماضی با ترکیبات مختلف در ۱۹ فرم: ۲۱) نفی و صرف فعل با ترکیبات گوناگون در ۲۱ فرم مختلف: ۲۲) نفی فعل در زمان گذشته با ترکیبات گوناگون در ۱۳ فرم: ۲۳) فعل سوالی (علامت مخصوص سوالی)، فعل سوالی با ترکیبات گوناگون در ۱۱ فرم صرف شده است: ۲۴) صرف فعل گذشته در شکل سوالی در ۶ فرم: ۲۵) نفی فعل سوالی در ترکیبات مختلف در ۸ فرم: ۲۶) نفی فعل گذشته در فرم سوالی با ترکیبات گوناگون در ۶ فرم: ۲۷) فعل شرطی واقعی با علامت ماضی و نفی آن: ۲۸) فعل و یا جمله «آرزوی غیر واقعی» با علامت مخصوص گذشته: ۲۹) فعل و یا جمله «شك و تردید» در فرم‌های مختلف: ۳۰) فعل یا جمله غیر شهودی: ۳۱) فعل مرکب یا جمله گذشته در آینده: ۳۲) فعل ترکیبی در فرم جمله ناکامل: ۳۳) فعل «تداوی کار» در فرم جمله: ۳۴) فعل یا «کار متقابل» در شکل جمله:	۴۳۵ ۴۳۸ ۴۵۵ ۴۶۱ ۴۶۶ ۴۶۸ - ۴۹۲ ۴۷۶ ۴۹۳ - ۵۶۵ ۵۶۶ - ۶۲۷ ۶۲۸ - ۶۶۱ ۶۶۲ - ۶۷۸ ۶۷۹ - ۶۸۸ ۶۸۹ - ۶۹۹ ۷۰۰ - ۷۱۰ ۷۱۱ - ۷۱۶ ۷۱۷ - ۷۲۲ ۷۲۳ - ۷۲۷ ۷۲۸ ۷۲۸ ۸۲۹ ۷۳۰ ۷۳۰	- ۱۴-۱) ۱۵) ۱۶) ۱۷) ۱۸) ۱۹) - ۲۰) ۲۱) ۲۲) ۲۳) ۲۴) ۲۵) ۲۶) ۲۷) ۲۸) ۲۹) ۳۰) ۳۱) ۳۲) ۳۳) ۳۴)

## فهرست مطالب:

### عنوان مطالب و مباحث مختلف

#### - شماره صفحه

۳۵) فعل در «مدت عملی شدن کار» در شکل جمله: ۷۳۱

### بخش دهم:

جمله بندی در زبان ترکی آذربایجان و ویژگی‌های آن: ۷۳۲

۱) جمله ساده: ۷۳۵

۲) جمله مرکب: ۷۳۶

- فرم جملات زیر را علائم فعل (گلیر، گلر، گلسه، گله و...) تعیین می‌کند:

۳) جمله سوالی: ۷۳۸

۴) جمله امری: ۷۳۹

۵) جمله شرطی: ۷۳۹

۶) جمله آرزوئی واقعی: ۷۳۹

۷) جمله آرزوی غیر واقعی: ۷۴۰

۸) جمله شک و تردید: ۷۴۰

- فرم جملات زیر را کلمات و طرز بیان آنها تعیین می‌کند:

۹) جمله تعجبی: ۷۴۰.

۱۰) بیان نقل قول در جمله: ۷۴۱

۱۱) بیان نقل به معنی در جمله: ۷۴۱

۱۲) جمله طرز: ۷۴۲

۱۳) جمله خبری: ۷۴۳

۱۴) کلمه و یا جمله ناکامل و

- آوا و کلمه در شکل جمله: ۷۴۳

- طریقه فهماندن حرفی که در بیان کلمه به درستی فهمیده نمی‌شود: ۷۴۴

## ۵) مقدمه:

- در این کتاب همراه خط عربی از خط لاتین نیز استفاده شده است زیرا الفبای عربی که الفبای ترکی نیز از آن گرفته شده، نه تنها برای توضیح و صرف افعال زبان ترکی نارسا است، بلکه مشکلاتی نیز برای نوشتند و خواندن صحیح و آموزش سریع آن به بار می‌آورد، چرا که بعضی از حروف الفبای عربی و به ویژه حروف صدادار آن با حروف الفبای ترکی هماهنگی ندارند.

مثلا برای فهماندن حرف «أ»، آن را در اول کلمه به شکل أ، ئ، ء، در وسط کلمه به شکل «ه» و یا به شکل هـ همزه و در آخر کلمه به شکل ئهـ، هـ می‌نویسند و همچنین حروف ةـ، تـ، تـ را به شکل ؤـ، ؤـ، وـ، اوـ، ئـ، عـ، أـ و... مورد استفاده قرار می‌دهند که هیچ کدام از آنها با اصوات حروف ترکی هماهنگی کامل ندارند.

- در زبان ترکی آذربایجان نه (۹) حرف صدادار موجود است که نزدیک به چهل در صد ساختار و ترکیب این زبان را تشکیل میدهد.

- زبان ترکی علاوه بر حروف صدادار حروف دیگری هم دارد که زبان عربی آن را ندارد، (مثل: ڦـ، پـ، گـ، چـ) و زبان عربی نیز حروفی دارد، که مورد استفاده ترک زبانها نمی‌تواند قرار گیرد. (برای مثال در مقابل «زـ»، ذـ، ضـ، ظـ» یک «زـ» بیان می‌شود.)

- به نظر می‌رسد استفاده از خط لاتین همراه خط عربی میتواند کمک زیادی به آموزش سریع و نوشتمن صحیح زبان ترکی باشد.

- در این کتاب ترجمه لغت به لغت بعضی از جملات ترکی به زبان فارسی مفهوم واقعی آنها را نمی‌رساند بنا بر این از واژه‌ها و جملاتی استفاده می‌شود که مفهوم مترادف با آنها را بیان می‌کنند.

- برای بعضی از واژه‌های دستوری که از لحاظ مضمون تفاوت‌هایی با واژه‌های فارسی دارند توضیحاتی در آغاز مطلب ذکر شده داده می‌شود. مثال:

مصدر ، فعل ، فعل آینده نزدیک و ماضی و...

## پیشش یکم:

### ۱) توضیحات در رابطه با الفباء:

در این کتاب ، همراه الفبای عربی از الفبای لاتین نیز استفاده شده است، زیرا الفبای عربی که الفبای ترکی نیز از آن گرفته شده، نه تنها برای توضیح و صرف افعال زبان ترکی نارسا است، بلکه برای نوشتن و خواندن صحیح و آموزش سریع مشکلاتی نیز به بار می آورد؛ چراکه بعضی از حروف عربی و به ویژه حروف صدادار آن با حروف زبان ترکی همخوان و هم آوائی نداشته است.

حروف صدادار در زبان ترکی آذربایجان نه ( ۹ ) عدد می باشد که آنها تقریباً نزدیک به چهل در صد ساختمان و یا ترکیب کلمات و پسوند آنها را تشکیل می دهند که نوشتن و خواندن آنها با خط عربی، بسیار مشکل می باشد. مثال:

برای فهماندن حرف صدادار «إ» ، آن را در اول کلمه به شکل «إ ، إ، ع» و در آخر کلمه به شکل «ئ ، ه ، ھ » می نویسند.

چهار حرف صدادار «ة ، ت ، ت ، ئ» ، با الفبای عربی به شکل «أؤ ، أؤ ، ؤ ، و ، او ، ئو» مورد استفاده قرار گرفته شده که اصوات هیچ کدام از آنها با اصوات و آواهای حروف زبان ترکی هماهنگی و هم آوائی کامل نداشته است.

علاوه بر مطالب مذکور، زبان عربی حروفی دارد که آنها مورد استفاده ترک زبانها نمی-توانند قرار گیرند: الفبای عربی چهار حرف «ز ، ذ ، ض ، ظ» دارد، که همه آنها در زبان ترکی به شکل حرف «ز» تلفظ می شوند. حروف «ذ ، ض ، ظ» تنها در کلمات عربی و فارسی، که داخل زبان ترکی شده اند مورد استفاده قرار می گیرند.

- به نظر می رسد، استفاده از الفبای لاتین در کنار الفبای عربی، کمک زیادی به آموزش سریع و نوشتمن صحیح کلمات زبان ترکی می کند.

- ترجمه لغت به لغت بعضی از واژه های ترکی به زبان فارسی مفهوم واقعی آنها را نمی رساند، بنابر این در این کتاب از جملات و واژه های استفاده می شود، که مفهوم متادف با آنها را بیان می کنند.

## ۲) حروف و الفباء ترکی آذربایجان:

اصواتی که انسان از دهان و یا گلو خارج می‌کند، در این کتاب «آواها» می‌نامیم. آواهایی که برای رساندن معنودی در ترکیب کلمه به کار گرفته می‌شوند حروف می‌نامیم؛ حروفی که به وسیله علائم مختلف نوشته و یا خوانده می‌شوند الفباء می‌گوئیم.

حروفی که در زبان ادبی ترکی آذربایجان به شکل «الفبا» در آمده اند ۳۲ حرف می باشند، که با خط عربی و لاتین به شرح زیر نوشته شده و در ترکیب کلمات به کار گرفته می شوند:

الفبای لاتین	الفبای عربی	نحوه به کارگیری الفباء در نوشتن کلمات ترکی
a, A	آ، آ، عا، عا	adət آدام، ana آنا، الغان <i>elan</i> ، عادت <i>adam</i>
b, B	ب، ب	بaba بابا، baci باجی، bibi بیبی (بی بی)، ادب <i>edəb</i>
c, C	ج، ج	آج، <i>cüçə</i> جوجه، cavab جواب، آجاج <i>ağac</i>
ç, Ç	چ، چ	Qoç چیچک، çalmaq چالماق، قوچ <i>çığçak</i>
d, D	د، د	دادش، <i>dadaş</i> دده، میداد (مداد)، داش <i>dədə</i>
e, E	أ، ه، ھ، ع، ے	ابال، <i>Həmid</i> حمید، ننه <i>nənə</i> ، عباس <i>əbbas</i>
e, E	ئ، ئ، ى، ە، ئ، ە	إیطاعت [ایطاعت] <i>Ebad</i> عباد، <i>eşit</i> ائشیت، إیشیت <i>ita et</i>
f, F	ف، ف	فال، <i>fal</i> فَلَك، <i>fəhlə</i> فَحْلَه، عَلْف <i>ələf</i>
g, G	گ، گ	گول، <i>göl</i> گُل، <i>get</i> گَت، <i>gül</i> گوْل، گُؤل <i>göll</i>
h, H	ھ، ھ، ھ، ح، ھ	اھر <i>əhər</i> ، حسَن <i>Həsən</i> ، <i>həmişə</i> همیشه، <i>həməşə</i> حسن، <i>əhər</i> اھر
ğ, Ğ	غ، غ	بۇغاز <i>boğaz</i> آغیز، <i>ağız</i> غُونچا، <i>ığonça</i> آغیز، <i>ağız</i> بۇغاز <i>boğaz</i>
i, I	اي، ي، بى، يى	دايى <i>dayı</i> ايدىرييم، <i>ildirim</i> ايشىقليلق، دايى <i>dayı</i> ايدىرييم، <i>ildirim</i> ايشىقليلق
i, I	اي، ي، بى، يى	دَمِير <i>dəmir</i> دَمِير <i>diş</i> ايشكى، <i>iki</i> ايشكى، دَمِير <i>dəmir</i> دَمِير <i>iş</i> ايش

- بقیه حروف را در صفحه بعدی ملاحظه پفر مائید:

الفبای لاتین	الفبای عربی	الفباء در نوشتن کلمات ترکی
j, J	ژ، ژ	juqlu, ژاپن، jest ژست، japon ژاپن، ژاله
k, K	ك، ك	Babek بابک، kal کال، kərəm کرم، Babək بابک، کاباب
l, I	ل، لـ	qal قال، lap لـاـپ، lal لـالـه، lala لـالـاـلـه
m, M	م، مـ	Kərim کـرـیـم، dəmir دـمـیر، mama مـامـا، mama مـامـا
n, n	ن، نـ	nəxçəvan نـحـجـوـان، nar نـهـ، nənə نـنـهـ، nar نـارـ، nar نـارـ
o, O	أـوـ، أـ، عـ، وـ، ئـ	omman ـعـمـانـ، on اـونـ، omman ـعـمـانـ، oktəbr اـكتـبـرـ، dolmaقـ، سـوـنـ
ö, Ö	أـءـ، ؤـ، أـ، عـ، ئـ	ölkə اـؤـلـكـهـ، öpmək اـؤـپـمـكـ، bölmək بـئـلـمـكـ، عمرـ
q, Q	قـ، قـ	alaq آـلاقـ، qəhvə قـارـداـشـ، qardaş قـهـوهـ، qardaş قـهـوهـ
p, P	پـ، پـ	top توـپـ، parça پـنـجـرـهـ، pəncərə پـنـجـرـهـ، pəncərə پـنـجـرـهـ
r, R	رـ، رـ	əhər اـهـرـ، araz آـرـازـ، reyhan رـئـيـحـانـ، araz آـرـازـ، reyhan رـئـيـحـانـ
s, S	ثـ، صـ، سـ، سـ	səlcüq سـلـجـوـقـ، sabah صـابـاحـ، səbr سـبـرـ، səbr سـبـرـ، sabah صـابـاحـ، ثـاوـابـ
ş, Ş	شـ، شـ	daş دـاشـ، şəhər شـهـرـ، şəhər شـهـرـ، şənlilik شـنـلـيـكـ
t, T	تـ، تـ	tarix تـارـيـخـ، tatar تـاتـارـ، otaq أـطـاقـ، tat تـاتـ
u, U	أـوـ، وـ	doğru دـوـغـرـوـ، ulduz اـولـدوـزـ، uşaq اـۇـشـاقـ
ü, Ü	اوـ، اوـ	düşünmək دـوـشـونـمـكـ، ürək اـورـكـ، düşünmək دـوـشـونـمـكـ، دـؤـزـمـكـ
v, V	وـ، وـ	Vəli ولـىـ، ev اـئـوـ، vurmaq وـوـرـماـقـ، ev اـئـوـ، vurmaq وـوـرـماـقـ
y, Y	يـ، يـ	yalqız يـالـقـىـزـ، yaylıq يـايـلىـقـ، yay يـايـ، yay يـايـ
x, X	خـ، خـ	yox يـاـخـشـىـ، xəbər خـبـرـ، xəmir خـمـيرـ، yox يـاـخـشـىـ، xəmir خـبـرـ، yox يـاـخـشـىـ
z, Z	ظـ، ضـ، ذـ، زـ	zəmir ضـمـيـرـ، zəfər ظـفـرـ، zəfər ظـفـرـ، zəmir ضـمـيـرـ، zat ذاتـ، Zöhrə زـهـرـهـ

- به شعری از نسیمی، که باورهای خود را به نام سی و دو حرفی مخصوص ترکی آذربایجان بیان کرده است، توجه کنید:

من اوتوز ایکی حروفم لم بیزل  
بۇندور اۇرتاغىم نه مثلىم نه بدل

### ۳) شیوه بیان حروفِ ترکی آذربایجان:

حروف، اصوات و یا آواهای هستند، که به وسیله عملکرد ویژه ماهیچه‌های ریه، گلو، دهان، زبان، لبها و... با هوای تنفس شده به وجود می‌آیند؛ با این مفهوم که ماهیچه‌های ارگانهای مذکور با عملکردهای خود فشار هوا را تغییر می‌دهند و تغییرات به شکل امواج صوتی در هوای اطراف به حرکت در می‌آیند و آنها به پرده گوش برخورد می‌کنند؛ به همین منوال اطلاعات لازمه به مغز رسیده و مغز آنها را تجزیه و تحلیل می‌کند و آنها را می‌شناسد و به اصطلاح کلمات بیان شده شنیده و فهمیده می‌شوند.

هر حرفی با شیوه خاصی به وسیله ماهیچه‌های ارگانهای مختلف دهان بیان می‌شود. با وجودی که شیوه بیان حروف، موضوع فونوتیکی زبان می‌باشد و تا حدودی با دستور زبان که مسئله اصلی این کتاب می‌باشد فرق دارد، اما به دلیل ویژگی‌های زبان ترکی که در آن هماهنگی حروف صدادار مسئله مهمی است، در نتیجه آشنائی با شیوه بیان کلمات هر چند هم که کوتاه باشد، کمک زیادی به توضیح و یادگیری مسائل دستور زبان و اصول به کارگیری هماهنگی حروف صدادار آن می‌کند، به همین دلیل قبیل از آغاز مسئله دستوری لازم است، هر چند به شکل خلاصه، توضیحاتی در رابطه با شیوه بیان حروف داده شود.

#### a) عملکرد مشترک ارگانهای دهان در بیان حروف بی‌صدا:

حروف بی‌صدا، در زبان ترکی آذربایجان ۲۳ حرف هستند که با ویژگی‌های زیر بیان می‌شوند :

- در بیان حروف بی‌صدا، دهان به نسبت حروف صدادار کمتر باز می‌شود ، به طوری که دندانهای بالائی و پائینی حداکثر تا یک سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند.
- «تن» و صدای تک تک حروف بی‌صدا، به نسبت حروف صدادار کوتاه‌تر است.
- در تکلم حروف بی‌صدا، هوای خارج شده از دهان، به نسبت حروف صدادار کمتر است.
- در ذکر حروف بی‌صدا، راه هوای بیرون داده شده، به وسیله بعضی از ارگانهای دهان ( گلو، زبان، دندانها و لبها ) کمی گرفته شده و با باز شدن آنها هوای جمع شده در ریه و یا در دهان با فشار در لحظه کوتاهی به بیرون داده می‌شود.
- تن صدای حروف بی‌صدا خیلی کوتاه است، به همین دلیل نیز آنها بدون حروف صدادار قابل

هچی نیستند و در نتیجه سیلاپ نیز محسوب نمی‌شوند، چرا که تن صدای حروف بی‌صدا، به وسیله تن حروف صدادار به بالا و پائین کشیده و سیلاپ تشکیل شده و هچی می‌شود.

**b) عملکرد مهم ارگانهای دهان در بیان تک تک حروف بی‌صدا:**  
حروف «ی، گ» (y, g):

در بیان حرف «y و g»، دهان کمی باز می‌شود، انتهای زبان به طرف سقف دهان بالا کشیده و نوک آن گرد می‌شود و مختصراً نیز از دندانهای جلو فاصله می‌گیرد؛ در عین حال لبها کمی به حالت لبخند در می‌آیند.

در بیان حرف «گ، ی»، جلوی خروج هوا به وسیله زبان و سقف دهان گرفته می‌شود و با باز شدن آنها هوا از میان آنها به طرف و دندانهای پائینی و لب و سپس به بیرون هدایت می‌شود. حرف «گ» ترکی، هم آوا با «گ» فارسی [مثل: «گ»، گرد و خاک، گرداب و...، «ی y» ترکی نیز هم آوا با «ی» فارسی [مثل: «ی»، یا این یا آن، پاسمن Yasəmin، یا یلیق yaylıq] می‌باشد.

حروف خ x :

در بیان حرف «x»، دهان کمی باز می‌شود، در همان حال انتهای زبان به سقف دهان می‌پیوندد، ولی نوک آن در پائین دهان می‌ماند، اما مختصراً از دندانهای جلوی فاصله می‌گیرد و یا به عقب کشیده می‌شود. در بیان حرف «خ»، هوا از بین انتهای زبان و دهان بیرون می‌آید و به سقف دهان، دندانهای بالائی در جلوی دهان و سپس به لب پائینی برخورد می‌کند و بدین سان به بیرون هدایت می‌شود.

توجه شود که تلفظ «خ» ترکی، ما بین حرف «ح، خ» فارسی می‌باشد؛ «خ» ترکی به وسیله انتهای دهان و زبان گفته می‌شود، در صورتی که «خ» فارسی در گلو بیان می‌شود و بدین سان خر خر حرف «خ» در زبان فارسی زیاد تر است.

**حروف ق q ، ک k :**

در بیان حرف «q و k»، دهان کمی باز می‌شود، لب بالائی و پائینی نیز به شکل لبخند در می‌آید، در عین حال نوک زبان گرد می‌شود و از دندانهای پائینی در جلوی دهان فاصله می‌گیرد. در بیان دو حرف «q و k»، انتهای زبان به طرف سقف دهان و گلو کشیده می‌شود، به طوری که به

انتهای سقف دهان می‌پیوندد؛ با باز شدن انتهای زبان و سقف دهان هوا به بیرون داده می‌شود و به سقف دهان، به دندانهای بالائی، سپس به لب پائینی برخورد می‌کند و به بیرون هدایت می‌شود. در بیان حرف «ق» جلوی هوا به وسیله انتهای زبان و سقف دهان گرفته می‌شود و با باز شدن آنها، هوا با فشار به بیرون داده می‌شود.

حرف «ق» ترکی، با «ق» فارسی کمی فرق دارد، زیرا «ق» فارسی بیشتر به «قاف» عربی نزدیکتر می‌باشد و در گلو گفته می‌شود، در صورتی که «ق» ترکی عمدتاً با انتهای زبان و سقف دهان بیان می‌شود و نزدیک به حرف «گ» (تقریباً هم آوا با «گ» گفت و گو) فارسی می‌باشد. آواز حرف «ك k» در زبان ترکی، تقریباً هم آوا با «ك» فارسی [مثل: کردار، کرد، کرم و ...] می‌باشد.

### حرف ح، ه، هـ، h:

در بیان حرف «ح» دهان کمی باز شده، انتهای زبان نیز مختصراً به طرف بالا و سقف دهان کشیده و راه خروجی هوا کمی تنگتر می‌شود، ولی جلوی آن به طور کامل سد نمی‌شود. در بیان حرف «ح»، نوک زبان در پائین دهان می‌ماند، اما از دندانهای جلوی در پائین دهان کمی فاصله می‌گیرد، در عین حال هوا از گلو خارج می‌شود و به سقف دهان، به دندانهای بالائی، سپس به دندانها و لب پائینی برخورد می‌کند و از بین دو لب که کمی حالت لبخند به خود می‌گیرند، به بیرون هدایت می‌شود. در الفبای عربی، دو شکل (۵، ح) موجود است که هر دوی آنها در زبان ترکی به یک شکل «h، ه» تلفظ می‌شوند.

### حرف غ، ڻ:

در بیان حرف «غ»، دهان کمی باز می‌شود، در عین حال زبان به طرف گلو و سقف دهان کشیده می‌شود، نوک زبان نیز از دندانهای جلوی در پائین دهان مختصراً فاصله می‌گیرد، در همان حال هوا از گلو خارج می‌شود و به خروسك و به اطراف گلو و انتهای زبان برخورد می‌کند و آنها را می‌لرزاند و سپس به سقف دهان برخورد می‌کند و به بیرون هدایت می‌شود.

### حرف ب، b، پ، p، م، m:

در بیان حرف «پ، b، m»، دهان کمی باز می‌ماند، ولی لبها کاملاً بسته می‌شوند، در عین حال

نوك زبان در پائين دهان مى ماند و به دندانهای جلوی در پائين دهان مى پيوندد، انتهای آن نيز کمى به طرف بالا و عقب کشیده مى شود.

در بيان سه حرف مذكور لبها بسته و هوا در دهان جمع مى شود و با باز شدن آنها با فشار به بيرون داده مى شود. بيان حرف «م» کمى با دو حرف «ب، پ» فرق دارد، زيرا در بيان حرف «م» فشار هوای بيرون داده شده کمتر از حرف «پ، ب» می باشد؛ در بيان حرف «پ، ب» جلوی هوا کاملاً سد مى شود، ولی در بيان حرف «م» کمى هوا از بینی به بيرون داده مى شود. تن صدای حرف «م» کمى بم تر(کلف تر) از «پ، ب» می باشد. حرف «پ، ب، م» در زبان ترکی و فارسي تقریباً هم آوا تلفظ مى شوند.

#### حرف و ۷، ف ۴:

در بيان حرف «۷، ۴»، دهان کمى باز مى شود، به طوری که دندانها تا نيم سانتی متر از هم فاصله می گيرند، در عين حال زبان در پائين دهان مى ماند، ولی نوك آن مقداری به عقب و به سمت گلو کشیده مى شود. لب بالائي نيز کمى به طرف بالا مى رود و از دندانهای بالائي در جلوی دهان فاصله می گيرد. لب پائيني نيز به طرف بالا کشیده مى شود، به طوری که به پائين دندانهای بالائي در جلوی دهان مى پيوندد و بدین سان جلوی هوا کمى گرفته مى شود، در عين حال با باز شدن لب پائيني و دندانهای بالائي، هوای جمع شده در دهان به بيرون داده مى شود.

#### حرف د d ، ل l ، ن n ، ت t :

در بيان حرف «d، l، n، t»، دهان کمى باز شده، زبان از روی دندانهای پائيني در جلوی دهان به بالا کشیده مى شود و به بين سقف دهان و انتهای دندانهای بالائي در جلو مى پيوندد، لبها نيز به شكل لبخند از هم فاصله می گيرند و با باز شدن سقف دهان و نوك زبان، هوا به بيرون داده مى شود. در بيان حرف «ل» کمى هوا از دو طرف زبان بيرون مى آيد و در بيان «ن» مقداری هوا از بینی به بيرون داده مى شود. «تن» صدای حرف «ن» تا حدودی «بم تر» از حرف «د، ل، م» می باشد. در بيان حرف «د» و «ت» جلوی هوا به وسیله زبان و سقف دهان کاملاً سد مى شود و با باز شدن آنها هوا در يك لحظه کوتاهی به بيرون داده مى شود. در بيان حرف «ل» و «ن» جلوی هوا کاملاً سد نمى شود. در بيان حرف «ل» نيز نوك زبان به ما بين سقف دهان و انتهای

دندانهای بالائی در جلو می‌پیوندد.

## حروف ر : ۲

در بیان حرف «ر»، دهان کمی باز می‌شود، به طوری که دندانها تا نیم سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند، در عین حال نوک زبان به سقف دهان می‌پیوندد و هوا از گلو خارج شده، با فشار به طرف بیرون داده می‌شود، به طوری که نوک زبان را به حالت لرزه (رر) تکان می‌دهد و بدین سان چند بار با سقف دهان برخورد می‌کند. حرف «ر» در مواردی نیز به شکل ضعیف به کار گرفته می‌شود، به طوری که حرف «ر» اصلاً شنیده نمی‌شود. برای مثال کلمه «بیر» (یک) را در نظر بگیریم که در مواردی به شکل «بی» (مثل: بیدنه) به کار گرفته می‌شود.

( به بخش حروف قوی و ضعیف در صفحات ۹۵-۸۶ توجه کنید.)

## حروف س ، ز : s ، z

در بیان حرف «س s ، ز z»، دهان کمی باز می‌شود، بطوری که دندانها تا نیم سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند؛ میانه زبان به میانه سقف دهان و به نزدیک دندانهای بالائی در جلو کشیده می‌شود، در عین حال هوا از گلو خارج می‌شود، از بین زبان و سقف دهان می‌گذرد و به دندانهای بالائی و به دندانها و لب پائینی برخورد می‌کند و سپس به بیرون هدایت می‌شود. حرف «س» عمدتاً با میانه زبان و حرف «ز» با طرفِ جلو و نوکِ زبان (بدون اینکه جلوی هوا کاملاً سد شود) گفته می‌شود. تن صدای حرف «س، ز» کمی طولانی تر از سایر حروف بی‌صدا می‌باشد.

در بیان حرف «ز» فشار هوا بیشتر از حرف «س» می‌باشد. کلماتی که از زبان عربی وارد زبان ترکی شده اند، حرف «z» به شکل «ذ، ض، ظ» نیز نوشته می‌شود، ولی همه آنها در زبان ترکی به شکل «ز» تلفظ می‌شود. حرف «s» نیز با الفبای عربی به سه فرم «س، ث ، ص» نوشته می‌شود، اما آنها در زبان ترکی هم آوا با حرف «س» تلفظ می‌شوند. حرف «س» و «ز» در زبان فارسی و ترکی تقریباً هم صدا تلفظ می‌شوند.

## حروف ج ، چ : چ ، چ

در بیان حرف «ج ، چ»، دهان خیلی کم باز می‌شود، در عین حال لب بالائی کمی به طرف بالا کشیده می‌شود و لبها کمی باز شده و همانا طرفِ جلو و میانه زبان به طرف بالا کشیده می‌شود

و به جلوی سقف دهان و انتهای دندانهای بالائی در جلوی دهان می‌پیوندد و با باز شدن آنها هوا به بیرون داده شده و سپس به دندانهای بالائی و به لب پائینی برخورد می‌کند و به بیرون هدایت می‌شود.

در زبان ترکی، تلفظ دو حرف «ج، چ» با زبان فارسی کاملاً فرق دارد؛ زیرا در بیان «ج، چ» فارسی، لبها به طرف بیرون و به شکل نیم دایره در می‌آیند؛ در بیان «ج، چ» ترکی لب بالائی کمی به طرف بالا و بیرون کشیده می‌شود و بدین سان لبها کمی حالت لبخند به خود می‌گیرند. تن صدای «ج» و «چ» در زبان فارسی پائین تر [کلفت تر] از تن صدای «ج، چ» ترکی بیان و شنیده می‌شود.

### حروف ژ [j]، ش [ʃ] :

در بیان حرف «ژ، ش»، دهان کمی باز و لبها از هم جدا می‌شوند، در همان حال لب بالائی به طرف بالا و به بیرون کشیده می‌شود، در عین حال زبان کمی به حالت نیم دایره در می‌آید و به طرف درونی دهان کشیده می‌شود و کمی نیز از دندانهای جلو فاصله می‌گیرد، طرف راست و چپ آن نیز با سقف دهان برخود می‌کند؛ بدین سان هوا از بین و میانه زبان و سقف دهان به بیرون داده می‌شود و به دندانهای بالائی، سپس به دندانها و لب پائینی برخورد می‌کند و بعداً به خارج از دهان هدایت می‌شود. صدای حرف «ش»، به وسیله میانه زبان و سقف دهان، ولی حرف «ژ» با طرف جلوی زبان و سقف دهان بیان می‌شود، تن صدای «ش» نیز کمی کشیده تر از حرف «ژ» می‌باشد.

### حروف ی - უ :

در بیان حرف «ی»، لبها به حالت نیمه لبخند از هم جدا می‌شوند، به طوری که دندانها نیم سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند، در عین حال زبان کمی گرد می‌شود و از دندانهای پائینی در جلوی دهان فاصله می‌گیرد و به طرف میانه سقف دهان کشیده می‌شود و بدین سان راه هوا را کمی سد می‌کند. در بیان حرف «უ» هوا از گلو خارج می‌شود، به میانه سقف دهان، به انتهای سقف دهان برخورد می‌کند، از میان آنها می‌گذرد و به انتهای دندانهای بالائی، به لب پائینی برخورد می‌کند و سپس به بیرون هدایت می‌شود.

c) نحوه بیان حروف بی صدا را می توان به گروه های زیر نیز تجزیه کرد:

الف) در بیان حرف «ب b ، پ p ، ج c ، چ ç ، د D ، ک k ، گ g ، ق q و ت t »، جلوی هوا به وسیله ارگانهای مختلف دهان، لبهای زبان و سقف دهان کاملاً گرفته می شود و با باز شدن آنها، هوا در لحظه کوتاهی به بیرون داده می شود.

ب) در بیان حرف «ح h ، س s ، ش ş ، ژ ž ، ز z ، ي y ، خ x ، غ ğ ، ف f ، ر r و ل l »، جلوی هوا بیرون داده شده به طور کامل ( همانند گروه یک ) گرفته نمی شود، به همین دلیل نیز صدای این حروف، به نسبت سایر حروف بی صدا، کشیده تر می باشد؛ اما صدای هر دو گروه مذکور به نسبت تن صدای حروف صدادار کوتاه تر است.

در بیان دو حرف «م m ، ن n »، کمی هوا از بینی نیز خارج می شود؛ با این تفاوت که در بیان حرف «ن n »، لبها باز می مانند، اما در بیان حرف «م m » لبها بسته می شوند.

در بیان چهار حرف «ل l ، ژ ž ، ز z ، ي y »، هوا همزمان از دهان بیرون داده شده و صدا کمی در بینی بیان می شود. حرف «ك k ، گ g » با انتهای زبان و دهان گفته می شود.

حرف «خ x ، غ ğ » بیشتر با انتهای زبان و دهان و کمی نیز با گلو ساخته می شود.

در بیان حرف «ب b ، پ p ، م m » لبها بسته و سپس باز شده و هوا به بیرون داده می شود. حرف «ج j ، د d ، س s ، ش ş ، ز z ، ل l » با جلوی زبان و سقف دهان بیان می شود.

d) عملکرد مشترک اعضاء دهان در بیان حروف صدادار:

در بیان حروف صدادار، دهان کمی بیشتر از حروف بی صدا باز می شود، به طوری که دندانهای بالائی و پائینی از یک و نیم تا دو و نیم سانتی متر از هم فاصله می گیرند.

در بیان حروف صدادار، هوا خارج شده از گلو و دهان به مانع بزرگی برخورد نمی کند. صدای حروف صدادار، طولانی تر از حروف بی صدا بیان می شود.

در گفتن سه حرف «ا a ، ئ e ، ئ ئ ö »، لبها کمی به حالت لبخند از هم جدا می شوند.

در تکلم چهار حرف «ع u ، ئ ئ ئ ü ، ئ ئ ئ ö »، لبها به حالت دایره ای در می آیند و به شکل حلقه به جلو و بیرون کشیده می شوند.

در بیان حروف صدادار هوای بیشتری به نسبت حروف بی‌صدا از دهان خارج می‌شود.

در ذکر حروف صدادار با آهنگ بالائی (آ، ئ، ة، ئ، ئ)، زبان در پائین دهان می‌ماند، نوک آن نیز به دندانهای پائینی در جلو می‌پیوندد و قسمت میانی آن کمی به طرف بالا کشیده می‌شود و بدین سان راه هوای بیرون داده شده را کمی تنگتر می‌کند. صدای این حروف به نسبت سایر حروف صدادار نازکتر می‌باشد و به همین دلیل نام آنها حروف صدادار با آهنگ بالائی (صدای نازک) نامیده می‌شوند.

در بیان چهار حرف «آ، ئ، ة، ئ»، زبان به حالت نیم دایره‌ای در می‌آید، کمی نیز به طرف انتهای دهان کشیده می‌شود و همانا نوک آن از دندانهای جلوئی فاصله می‌گیرد.

در بیان چهار حرف «آ، ئ، ة، ئ»، راه هوا باز تر شده، در نتیجه «تن» صدای آنها بم تر از سایر حروف صدادار شنیده می‌شود، به همین دلیل نیز اسم آنها را حروف صدادار با آهنگ پائینی (با صدای بم) می‌نامیم. صدای حرف «آ» به شکل الف ساکن (۰) بیان می‌شود و آوا و تن صدای آن، به نسبت سایر حروف صدادار، کوتاه تر شنیده می‌شود.

۶) عملکرد اعضاء مختلف در بیان تک تک حروف صدادار با آهنگ پائینی:

### حروف آ، ئ، ة، ئ:

در بیان حرف «آ»، دهان کمی باز می‌شود، به طوری که دندانهای بالائی و پائینی تا دو سانتی‌متر از هم فاصله می‌گیرند. در بیان حرف «ئ»، زبان بطرف گلو کشیده می‌شود و همانا نوک زبان از دندانهای جلوی در پائین دهان فاصله می‌گیرد، لبها نیز به حالت نیم دایره‌ای در می‌آیند؛ در عین حال هوا از گلو خارج و بدون برخورد به مانع مهمی به طرف بیرون هدایت می‌شود.

### حروف ا (ای، ئ، ی، ئ):

حروف «ا»، تا حدود زیادی به شکل «الف ساکن» تلفظ می‌شود. در بیان حرف «ا» دهان کمی باز می‌شود، به طوری که دندانهای جلوی تقریباً تا دو سانتی‌متر از هم فاصله می‌گیرند؛ همانا نوک زبان کمی گرد شده، به طرف عقب و بالا، به انتهای دهان کشیده می‌شود و از دندانهای جلو در پائین دهان فاصله می‌گیرد. صدای حرف «ا» با آهنگ پائینی (بم) می‌باشد و به وسیله انتهای زبان و سقف دهان گفته می‌شود. تن صدای حرف «ا»، به نسبت سایر حروف

صدادر کوتاهتر، ولی مثل صدای « a, o, u » کلفت تر شنیده می‌شود.

### حروف ۵ ( او ، او ، گ ):

در بیان حرف « o »، دهان کمی باز می‌شود، به طوری که دندانها تا دو و نیم سانتی‌متر از هم فاصله می‌گیرند، زبان نیز گرد شده و مختصراً به طرف گلو، به انتهای سقف دهان به طرف بالا کشیده می‌شود، در عین حال لبها به شکل حلقه به طرف بیرون داده می‌شوند.

در بیان حرف « ۵ »، هوا از گلو خارج می‌شود و از سقف و انتهای دهان بین دو لب دایره‌ای (حلقه) شده به بیرون داده می‌شود.

### حروف ۶ ( او ، او ، ئ ):

در بیان حرف « u »، دهان کمی باز می‌شود، بطوری که دندانها تا دو سانتی‌متر از هم فاصله می‌گیرند، زبان نیز کمی به طرف گلو و سقف دهان عقب کشیده می‌شود، همزمان با آن لبها به حالت دایره‌ای در می‌آیند و حلقه وار به طرف بیرون کشیده می‌شوند؛ در عین حال هوا از گلو خارج شده و از میان زبان، سقف دهان و از میان لبهای بیرون داده می‌شود.

k) عملکرد اعضاء مختلف در بیان تک تک حروفِ صدادار با آهنگ بالائی:

### حروف ۷ ( ا ، او ، ی ، ی ):

در بیان حرف « ا ، او ، ئ ، ی »، دهان کمی باز می‌شود؛ به طوری که دندانهای جلوی تقریباً یک و نیم سانتی‌متر از هم فاصله می‌گیرند.

در بیان حرف « e » میانه زبان کمی به طرف بالا کشیده می‌شود، در صورتی که نوک زبان به دندانهای جلو در پائین می‌پیوندد؛ لبها نیز به شکل نیمه لبخند از هم جدا می‌شوند، در عین حال هوا از گلو به بیرون داده می‌شود و به سقف دهان، به دندانهای بالائی در جلوی دهان برخورد می‌کند و سپس به بیرون هدایت می‌شود. حرف « e » بیشتر با میانه زبان و سقف دهان بیان می‌شود.

### حروف ( آ ، ی ، ی ):

در بیان حرف « آ ، ی ، ی »، دهان کمی باز می‌شود، به طوری که دندانهای بالائی و پائینی تا دو سانتی‌متر از هم فاصله می‌گیرند، در عین حال نوک زبان نیز به دندانهای جلوی در پائین دهان

می پیوندد و میانه زبان نیز مختصری به طرف بالا کشیده شده و لبها نیز کمی از هم جدا می شوند.  
در بیان حرف «ة» هوا از گلو خارج می شود، به میانه سقف دهان، به دندانهای بالائی، بعداً  
به دندانها و لب پائینی برخورد می کند و به بیرون هدایت می شود.

### حرف ة ( او ، ۇ ، ئ ، ئ ):

در بیان حرف «ة»، دهان کمی باز می شود، بطوری که دندانهای بالائی و پائینی تا دو سانتی  
متر از هم فاصله می گیرند، در ضمن زبان در پائین دهان می ماند، ولی نوک آن به دندانهای جلوی  
در پائین دهان می پیوندد، در همان حال لبها نیز به حالت نیم دایره ای در می آیند و به صورت  
حلقه وار به طرف بیرون کشیده می شوند.

در بیان حرف «ة»، میانه زبان به طرف بالا کشیده و هوا از ریه بیرون داده می شود و از گلو  
خارج و از میان انتهای زبان و سقف دهان می گزند و از بین لبها حلقه وار شده به بیرون  
داده شده و به خارج دهان هدایت می شود.

### حرف ت ( او ، ۇ ، ئ ، ئ ):

در بیان حرف «ت»، دهان کمی باز می شود، به طوری که دندانهای جلوی یک تا دو سانتی متر  
از هم فاصله می گیرند، در عین حال لبها به حالت دایره ای و حلقه وار به طرف بیرون داده  
می شوند؛ همانا قسمت میانی زبان، به طرف بالا کشیده می شود، در صورتی که نوک زبان به  
دندانهای پائینی در جلو می پیوندد و هوا از میان انتهای زبان و سقف دهان می گزند و سپس  
از میان لبها به بیرون هدایت می شود.

### حرف ا ( ای ، ې ، ئی ):

در بیان حرف «ا ، ای»، دهان کمی باز می شود، به طوری که دندانهای جلو تقریباً نیم تا یک  
سانتی متر از هم فاصله می گیرند؛ در عین حال لبها کمی باز می شوند؛ نوک زبان نیز به دندانهای  
پائینی در جلو می پیوندد، در همان حال میانه و انتهای زبان به طرف بالا کشیده می شود، هوا از  
میان زبان و سقف دهان به طرف بیرون هدایت می شود.

حرف «ای» با خط لاتین در بالا یک نقطه (ا) همراه دارد، این حرف در زبان ترکی هم آوا

با « ای » ( مثل ایران ) تلفظ می شود.

m) در رابطه با سه حرف « y, i, ı » به مطالب زیر نیز توجه کنید، که چگونه صدای آنها متفاوت و چگونه به کارگرفته می شوند:

از اینکه سه حرف « y, i, ı »، با خط عربی با علامت « ی » نوشته شده اند، چشم و گوش نیز به عنوان یک حرف به آن عادت کرده است، در نتیجه در وهله اول چنین به نظر می رسد که آنها تفاوت چندانی با هم ندارند، ولی هر سه حرف مذکور در زبان ترکی آواهای متفاوتی دارند و هر کدام از آنها با شیوه مشخصی بیان و یا در ترکیب کلمه به کارگرفته می شود. مثال:

در بیان حرف « y » دندانها حداکثر تا نیم سانتی متر از هم فاصله می گیرند، اما در بیان حرف « ı » دندانها از نیم تا یک سانتی متر از هم فاصله می گیرند، در صورتی که در بیان حرف « i » دندانها یک و نیم تا دو سانتی متر باز می شوند. در بیان حرف « y » انتهای زبان به عقب کشیده می شود؛ جلوی آن نیز از دندانها جلوی تا یک و نیم سانتی متر فاصله می گیرد، انتهای زبان به بالا کشیده می شود، به سقف دهان می پیوند و بدین سان جلوی هوا گرفته می شود. در صورتی که در بیان حرف « ı » زبان به دندانها پائینی در جلوی دهان می پیوندد و انتهای آن کمی بالا کشیده می شود و راه هوای بیرون داده شده را کمی تنگتر می کند. اما در بیان حرف « i » زبان به عقب و کمی به بالا کشیده می شود، از دندانها پائینی در جلوی دهان تا دو سانتی متر فاصله می گیرد و راه هوا نیز کاملاً باز می ماند.

حرف « y »، حرف بی صدائی است، که صدای آن به شکل ساکن بیان می شود. حرف « ı »، حرف صدادار و صدای آن کشیده و کمی نیز نازک شنیده می شود. حرف « i »، صدای کشیده و کلفت دارد. به این نکته دقت شود، که حرف « y » در زبان فارسی نیز موجود است، که با خط عربی به شکل « یه » و یا « یا » نوشته می شود. حرف « ı » نیز به شکل « ایران » بیان می شود. اما حرف « i » در زبان فارسی موجود نیست که آن به شکل « الف » ساکن تلفظ می شود.

توجه: در داد و فریاد کردن و یا آواز خواندن، بیان حروف و فشار هوا در ریه و دهان و شکل باز شدن دهان، دندانها و لبها با مکالمات روز مرہ و یا خواندن متنی فرق می کند، که در این مبحث به آن پرداخته نمی شود.

### ۳) الفباء و چگونگی نامیدن آنها:

عالئمی که آوا و حروف را در خود منعکس می‌کنند، الفباء می‌گوئیم، به عبارت دیگر عالئمی که حروف به وسیله آنها نوشته و خوانده می‌شوند، «الفباء» می‌نامیم.

«الفباء» در زبان ترکی «آلفابت al,fa,bet» (آل - فا - بت) نیز نامیده می‌شوند.

حروفی که به وسیله الفباء (آلفابت) نوشته و خوانده می‌شوند، هر کدام آنها با اسم خاصی معرفی شده و نوشته و یا خوانده می‌شوند: (۱)

#### a) حروف بی‌صدا و چگونگی نامیدن آنها:

- حروف بی‌صدا، در زبان ترکی آذربایجان، تا چند دهه گذشته به شکل «ا، ب، پ و...» نوشته شده اند، ولی در مکاتبات با نام عربی آنها، به شکل «الف، جیم، لام، میم و...» خوانده و یا معرفی می‌شده اند، اما امروزه به اشکال زیر نوشته و خوانده می‌شوند:

de	د	xe	خ	ğe	چ	ce	ج	pe	پ	be	ب
me	م	le	ل	je	ژ	ge	گ	ke	ك	fe	ف
ve	و	ye	ې	ğe	غ	qe	ق	še	ش	ne	ن
		se	س	re	ر	ze	ز	he	ھ	te	ت

(۱) اولین اثر تاریخی مردم ترک زبان که به شکل شعر داستان نوشته شده و به فرم کتاب در آمده، کتاب «دده قورقوت» است. در این رابطه از نوشته دکتر زهتابی چنین فهمیده می‌شود که این کتاب (احتمالاً) از سده اول اسلام در آذربایجان به جا مانده است. آن کتاب با عالئم مختلف عربی همانند زبان کنونی آذربایجان با ۳۲ حرف نوشته شده است.

توجه شود که در منطقه خاور میانه تنها زبان ترکی آذربایجان با ۳۲ حرف نوشته شده است. چراکه زبان عربی بیشتر از ۳۲ حرف و زبان فارسی کمتر (زیرا: ص، س، ث و... حرف محسوب می‌شوند) و زبان ترکی استانبولی ۲۹ حرف دارد. نسیمی در شعری همراه با بیان باورهای مذهبی خود، به وجود سی و دو حرف زبان آذربایجان نیز اشاره کرده است: من اوْتوز ایکی حروفم لم بیزل یۇخدۇر اۇرتاغىم نە مثلیم نە بدل

- در موارد کمی، بعضی از حروف مذکور به شکل «آ، ای، کا، وی ۱، ۷» و یا «ا» همانند حروف زبانهای اروپائی و یا به شکل عربی مثل «الف، چیم، دال» خوانده می‌شود:

**b)** حروف صدادار با خط لاتین به شکل ساده، یعنی به شکل اصلی خود نوشته می‌شوند، ولی با خط عربی با علائم مختلف به کارگرفته می‌شوند:

a, o, e, ə	u	ü	o	ö	ı	i	e	ə	a
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ

- این چهار علامت «ـ» در روی حروف با آواتی «a, o, e, ə» بیان می‌شوند.

**۵**) اگر در بیان کلمه ای، حرفی از آن شنیده و یا فهمیده نشود، برای فهماندن آن حرف، کلمه ای گفته می‌شود، که اولین حرف آن حرفی باشد، که به درستی فهمیده نمی‌شود. مثال: سن «یـ، ـی» حرفینی بؤیوک یاز! (به صفحه ۷۴۳ نیز توجه کنید.)

سوال: یازدین می؟

بلی، من «بـ» حرفی نی بؤیوک یازدیم. یوخ یوخ، سن باشا دوشمه دین!

من دئمه دیم، «بـ (به)» حرفینی بؤیوک یاز.

من دئدیم، «ـی» حرفینی بؤیوک یاز.

منیم دئدی بیم سوز، «ـی (ـیه)» حرفی دیر؛ یحیی کیمی(گیمی) یازیلان، بیر «ـی» دیر!

یای کیمی یازیلان بیر «ـی»، یاشار کیمی یازیلان بیر «ـی» دیر. و...

## ۵) ویژگی‌های الفبای عربی در زبان ترکی آذربایجان:

در زبان ادبی ترکی آذربایجان، ۳۲ الفباء موجود است که با خط عربی، ۸ حرف آنها به یک شکل درشت و یک فرم کوچک نوشته می‌شوند، در صورتی که ۱۳ حرف آنها با علائم مختلف و یا به اشکال گوناگون نوشته می‌شوند:

**a)** الفبائی که با خط عربی به یک شکل درشت و به یک فرم کوچک نوشته می‌شوند، به شرح

زیر ۱۸ حرف می باشند:

d	د د د	x	خ خ خ	چ چ چ	ج ج ج	p	پ پ پ	b	ب ب ب
m	م م م	ا	ل ل ل	ژ ژ ژ	گ گ گ	k	ک ک ک	f	ف ف ف
v	و و و	y	ي ي ي	غ غ غ	ق ق ق	ش ش ش	n	ن ن ن	

- در رابطه با خواندن و نوشتن حروف مذکور به مطالب زیر توجه کنید:

حرف «و»، در خط عربی، یک حرف بی صدا محسوب می شود، اما همراه علامت دیگر، به جای حرف صدادار ( a , u , ۹ , ئ ) نیز به کار گرفته می شود. مثال:

سوال ، مؤسس ، اوزمک ، دوزمک ، دُونماق و ...

- اگر حرف بی صدا، در آخر سیلاپ و یا در آخر کلمه به کار گرفته شود، ساکن تلفظ می شود: گلمک galmak ، قارداش qardaş ، گول gü و ...

- اگر در ترکیب کلمه ای، دو حرف بی صدا در کنار هم قرار گیرد، در بیان و هجی از هم جدا می شوند. مثال: قار - داش ، یو - داش ، تر - بیز ، و ...

- در زبان ترکی، دو حرف بی صدا در یک کلمه در کنار هم خیلی کم به کار گرفته می شوند. ولی چند کلمه ای هست، که در ترکیب آنها دو حرف بی صدا در کنار هم قرار می گیرند، که هر دوی آنها ساکن بیان و در یک سیلاپ به کار گرفته می شوند:

تورک türk ، یورد yurd ( یورت ) ، دورت dört ، بُورک böرك ، قورت qurt و ...

توجه: چهار علامت «چ ، ز ، ژ ، گ» را در زبان ترکی و فارسی به الفبای عربی اضافه کرده اند.

(b) الفبائی که با خط عربی با چند علامت نوشته می شوند:

حروفی که با خط عربی به چند شکل و یا با چند علامت نوشته می شوند ۱۳ حرف هست که ۹ حرف آنها صدادار و ۵ حرف آنها بی صدا می باشد:

در زبان ترکی ۹ حرف صدادار ( a , e , i , ö , ü , a , ۹ , ۰ , u ) موجود است، که همه آنها

با خط عربی به چند شکل و با چند علامت نوشته می‌شود:

حرف « a » با خط عربی به پنج فرم زیر نوشته می شود:

أَعْلَمُ بِهِمْ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِأَنفُسِكُمْ

عالیم مذکور در زبان عربی به فرمهای مختلف، اما در زبان ترکی هم آوا با حرف «آ، a» تلفظ و به شکل زیر در نوشتن کلمات به کار گرفته می‌شوند. مثال:

‘ ( Mustafa, Müstəfa ) Mostəfa مصطفی ، baba بابا ، mo,amele معامله

يحيى ( Yahya ) Yəh y a سؤال süal و ...

حرف «ه»، با خط عربی به شش فرم زیر نوشته می‌شود:

أ ، ه ، ع ، أَع ، ـ (حرکه) ، أ (الف با همزه)

شش علامت ذکر شده در زبان عربی به فرمهای مختلف، ولی در زبان ترکی هم آوا با حرف «ا، ئ» تلفظ شده و به شرح زیر در نوشتن کلمات به کار گرفته می‌شوند. مثال:

أكابر، Ekber، اللَّكَ alak، دَدَهَ dedə، نَهَهَ nənə، عَبَاسَ Abbas

اعمال ( *müalicə* ) معالجه ، ( *moalecə* ) علاج ، ( *əlac* ) علاج ( *Abas* )

مَنْ ، سَنْ ، بَيْهِ وَ ...

علامت الف با همزه (أ)، در زبان ترکی هم آوا با حرف صدادار (أ) خوانده و یا تلفظ می‌شود. مثال:

مأمور *məmur* ، تأمين *təmin* ، مأيوس *məyus* و ...

حرف «ء» با خط عربی به شش فرم زیر نوشته می‌شود:

ا، ائ، ئ، ئ، ع، اع، بـ (حرکه) علائم فوق، در نوشتن کلمات به شکل زیر

به کارگرفته می‌شوند. مثال:

+ إِشَارَةٌ (إِشَارَةٌ) + مِصْرٌ (مِصْرٌ، مِصْرٌ)، شِكَائِتٌ (شِكَائِتٌ) + ائْتِمَكٌ ، يَئْمِكٌ yemək

دئ + اعتماد ، «عِبَاد» (عیاد ibad) + تهران و ...

حروف «ا» با خط عربی به ۳ شکل زیر نوشته می‌شود:  
ای، یه، یے، ی (ى)

علامه مذکور در زبان ترکی هم آوا با «ای»، «ایران» و یا «یه»، «پیران» تلفظ شده و در نوشتن کلمات نیز به شرح زیر به کارگرفته می‌شود. مثال:

ایشله مك *ışləmək* ، دیشله مک *dişləmək* ، ائشیتمک *eşitmək* ، دئدی *dədi* ، یئدی *yədi*

حروف «ا» با خط عربی به چهار شکل زیر نوشته می‌شود:  
ای، یه، یے، ی

علامت «ا»، که بر روی آن («ای» و یا «یه») علامتی نهاده نمی‌شود، هم آوا با حرف «ا» تلفظ و به شرح زیر در ترکیب کلمات به کارگرفته می‌شود. مثال:

ایلخیچی *aiçici* ، ایلخیچیلیق *aiçılıq* ، بیخیلماق *yıxılmaq* ، بیخیلماق *yıxıılmaq* ،

آلی *ali* ، آلدی *aldi* ، دایی *dayı* (دائی)، آبی *ayı* ، آبیلماق *ayılmaq* ، یاخشی *yaxşı*

- علامت «یه، ی»، با خط عربی به جای سه حرف «ا، ا، ی»، به اشکال زیر به کارگرفته می‌شود. مثال:

- «یه» به جای حرف «y». مثال: یای *qaya* ، تای *tay* ، قایا *qaya* و ...

- «یه» به جای حرف «ا». مثال: ایشیق *ışık* ، قیزیل *qızıl* ، قیریر *qırır* و ...

- «یه» به جای حرف «ا». مثال: ایچیر *içir* ، بیچیر *bıçır* ، تیکیر *tikir* و ...

حروف «و» همراه الف و علامه مختلف دیگر به جای حرف «و، ö، ü، u، y» به کارگرفته می‌شود:

a) حرف «و» همراه حرکت (اعراب) به جای حرف بی‌صدای «v» به شکل زیر به کارگرفته می‌شود: حسن و حسين. *Həsən və Hüsen* ، من و سن *mən və sən* و ...

b) حرف «و» با همزه (ؤ) ، در زبان ترکی به شکل «أ، ئ، ئـ» تلفظ می‌شود. مثال:

مؤثر *müəßer* ، مؤسس *müəssis* (mooses) ، مؤلف *müələf* ، مؤنث *müənəth* و ...

امروزه در موارد زیادی ، علامت حرکت (اعراب) و یا همزه ، بر روی حرف «و» نهاده

نمی شود. مثال:

مؤثر، سؤال، مؤسس، مؤلف، مؤنث، و... (کلمات عربی)

c) حرف او « ئ »:

حرف « و » با سه علامت ( و ، ا ، ئ ) به شکل « او » و با دو علامت به شکل « ئو » ( و ئ )

به جای حرف « ئ » نوشته می شود. مثال:

اولدۇز *ulduz* ، اوشاق *uşaq* ، اویغور *uyğur* ، دۇرماق *durmaq* ، سۇساماق *susamaq*

يۇپولماق *yuyulmaq* ، دۇرماق *durmaq* ، وۇرماق *vurmaq* ، و... (ن)

d) حرف « و »، همراه الف و همزه به شکل « او، و » (ن) نوشته می شود. مثال:

اوشومەك *üşümək* ، دوشىمەك *düşümək* ، سوزمەك *süzmək* و...

ا) حرف « و »، بعد از الف و همراه علامت سکون به شکل « او » و در وسط کلمه

با علامت سکون مثل « و » به جای « ۵ » ( او ، و ) به کارگرفته می شود. مثال:

اوخوماق *oxumaq* ، دۇلماق *dolmaq* ، سۇلماق *solmaq* ، يۇلماق *yolmaq* و...

m) چهار حرف « ئ ، ئ ، ئ ، ئ »، با خط عربی به شکل « او ، او ، ئ ، او ، ئ » نیز نوشته

می شوند. مثال:

أُستاد *ostad* ، أُپىمەك *öpmək* ، عمر *Ömər* ، عُمان *omman* ، گۈل *göl* و...

y) حرف « ئ » و « ئ »، در زبان عربی با شیوه مخصوص عربی به دو شکل و در زبان

ترکی هم آوا با حرف « ۵ » تلفظ می شود:

أُكتىبر *oktobr* ، اوغانان *oğlan* ، عُمان *omman* و...

علامت « ئ »، در ترکیب کلمات عربی به شکل سکون به کارگرفته می شود. مثال:

ظلّم، مضطَفٍ، مَحْمُود، اللَّه و...

حروف بی صدائی که با خط عربی به چند نوع نوشته می شوند:

حروف بی صدا، در زبان ترکی آذربایجان، ۲۳ حرف می باشد، که ۱۸ حرف آنها با خط عربی

به یک شکل کوچک و یک فرم درشت و ۵ حرف آنها ( h , s , t , y , z ) به شرح زیر

با فرمهای مختلف نوشته می‌شوند. مثال:

۱) حرف «s» با خط عربی به سه شکل زیر نوشته می‌شود:

س ، ث ، ص

سه علامت (حرف) فوق ، در زبان عربی به سه فرم مختلف ، ولی در زبان ترکی هم آوا  
با حرف «س s» تلفظ می‌شود. مثال:

- سلام salam ( ) ، سَمَّك əsmək ، سَحْر səhər و ...

- ثواب savab ( ) ، ثَمَر səmər ، مثال misal ( ) ، اثَر əثر و ...

- صمد Səməd ( ) ، صباح sabah ، صَابَاح müstəfa ، مصطفی Mustafa و ...

۲) حرف «z» با خط عربی به ۴ شکل زیر نوشته می‌شود:

ز ، ذ ، ض ، ظ

چهار علامت (حرف) مذکور، در زبان عربی به فرمهای مختلف، اما در زبان ترکی هم  
آوا با حرف «ز ، z» تلفظ می‌شود.

- علائم ذکر شده، به شکل زیر در نوشتن کلمات به کارگرفته می‌شوند:

عزيز əziz ، ذات zat ، ضرورت zərurət ، ظلوم zülüm ( ) [ظلم] ، زهره Zohre و ...

۳) حرف «ت t» با خط عربی به دو شکل نوشته می‌شود: ت ، ط

دو علامت مذکور، در زبان عربی به دو شکل مختلف و لیکن در زبان ترکی هم آوا با حرف  
«ت t» تلفظ و به شکل زیر در نوشتن کلمات به کارگرفته می‌شود:

تبریز təbriz ، تهران tehran ، طلب tələb ، مصطفی Mostəfa ( ) و ...

۴) حرف «و و» ، به جای کلمه ربطی (و و və) به شرح زیر به کارگرفته می‌شود. مثال:

یئمک «و و» دئمک yemək və demək ، حسن «و و» حسين Həsən və Hüse(y)n و ...

توجه: حرف «و و» همراه علائم مختلف دیگر به جای حرف صدادار نیز به کارگرفته می‌شود. مثال:

دۇرماق، دۇلماق، اوشومك، گۈرمك و ...

۵) حرف «h» با خط عربی به دو شکل زیر نوشته می‌شود:

دو علامت ذکر شده، در زبان عربی به دو فرم مختلف، ولی در زبان ترکی هم آوا با حرف «h»، «ه» تلفظ و در ترکیب کلمات به شرح زیر به کارگرفته می‌شود. مثال:

... məhələ محلة ، Mohəmməd محمد ، Həmid حميد ...  
... şəhər شهر ، Əhər اهله ، Təvəcüh توجه ، Mehdi مهدی ...

توجه: اگر حرف «ه»، به حرف بعدی خود پیوند نخورد، در زبان ترکی هم آوا با حرف «آه» تلفظ می‌شود. مثال: گله، گنده، گنده جک و ...

علمات حرکت: (حرکات [حروف] فتحه، کسره، ضمه) در خط عربی، پنج علامت حرکت (۱) موجود است که دو حرکت آنها بر روی حروف (۱) مثل: (ا، ا)، یک حرکت (۱) بر زیر حروف (۱، ۱) و یک حرکت از آنها نیز بر روی الف (۱) و دیگری طرف راست و کنار ال (۱) نهاده می‌شود. همه چهار علامت مذکور در زبان ترکی هم آوا با حرف صدادار تلفظ و به اشکال زیر در ترکیب کلمات به کار گرفته می‌شوند. مثال:

گلمک gelmek ، سپمک şepmek ، رضا Reza ، سلام salam ، رضایت رضایت (Riyasat)،  
تهان زهه Zohre ، ظلم ظلوم (Zolim) محسن و ...

- دخانیات (دوخانیات)، خُر افات (خُور افات)، معلم (موعِلِم)، اوْغلان، اُکتیر، عُمان، عُمر،

دُنيا (دو نیا)، سوال، دوزمک، دُورماق، اعمال و ...

- اکبر Ehsan، احسان Ömid، امید oktibr، اکتیبر Ismat، اسمت ایسمت

آدَمُ adam ، آنَا ana ، آمَّا amma ، مُصْطَفِيٌّ ، اللَّهُ وَ...

علامت تشدید (—)

تشدید، در زبان ترکی وجود ندارد، ولی کلمات (تشدید دار) عربی که در آن نفوذ کرده اند، عمدتاً به شکل اصلی خود (با تشدید) نوشته شده، اما با شیوه مخصوص ترکی به

شرح زیر به کارگرفته می‌شوند. مثال:

«آما»، به شکل «اما» نوشته شده، ولی «آم ما» (آمما) گفته می‌شود.

«الله»، به شکل الله نوشته شده و «آل لاه» و یا «آلله» [allah] بیان می‌شود.

حل کردن: «حَلْ ائتمك» نوشته و «حل لئتمك həllətmək» تلفظ می‌شود.

حس کردن: «حس ائتمك» نوشته و «حس سئتمک hissətmək» ذکر می‌شود. و...

- در کلمات ساده ترکی، دو حرف هم نوع (که در عربی و فارسی به شکل تشدید خوانده و نوشته می‌شود) خیلی کم در کنار هم به کارگرفته می‌شود. در چند کلمه‌ای که دو حرف هم نوع در کنار هم قرار می‌گیرند، هر دوی آنها به شرح زیر نوشته و خوانده می‌شود:

(پنجاه)	əlli	اللی	( واضح یا روشن )	bəlli	بَلْلی
(هشت)	səkkiz	سککیز	( نه )	doqquz	دوقيقوز
(هفت)	yeddi	يئددی	( یاستی yasti ، پهن )	yassi	يَاسِّى

حروف مذکور به شرح زیر جدا از هم هجی و تلفظ می‌شوند. مثال:

يئد دی(يئد دی)	əl li	اللی (آل لی)	bəl li	بَلْلی (بل لی)
----------------	-------	--------------	--------	----------------

- در زبان ترکی چند کلمه‌ای موجود است که آنها در زبان فارسی نیز به کارگرفته می‌شوند، ولی نحوه بیان آنها با زبان ترکی متفاوت است. برای مثال به سه کلمه زیر توجه کنید:

a) این کلمات در زبان ترکی بدون علامت تشدید نوشته و خوانده می‌شوند:

دره dərə، تپه təpə، لپه ləpə

آخرین حرف کلمات مذکور حرف «ه» می‌باشد، که هم آوا با حرف «أ» تلفظ می‌شود:

b) سه کلمه مذکور در زبان فارسی با علامت تشدید به کارگرفته می‌شوند:

دره dərre، تپه təppe، لپه ləpə

آخرین حرف کلمات مذکور در زبان فارسی حرف «ه» می‌باشد که در زبان فارسی به شکل حرف «إ e» تلفظ می‌شود.

توجه: حرف «ء» غیر فعال بوده و در آخر کلمات ترکی به کارگرفته نمیشود.

علائم تنوین: (حرکات حروف ف ف فتحه، کسره، ضمه) علائم تنوین که به شکل «فتحه، کسره و ضمه» [ف ف] بیان میشوند، در زبان ترکی موجود نیستند، اما کلمات تنوین داری که از زبان عربی وارد این زبان شده اند، اکثراً به شکل اصلی خود با تنوین نوشته شده، ولی با شیوه مخصوص زبان ترکی تلفظ میشوند. مثال:

«احتمالاً» (احتمالا) نوشته و «احتمالاً ehtimalən» گفته میشود.

«حتماً» (حتما) نوشته شده و به شکل «حتمن hətmən» تلفظ میشود. «جعماً» (جعما) به شکل «جم آن cəmən»، «مطلاً» (مطلا) به شکل «موتلەقىن mütləqən»، «عملاً» (عملا) به شکل «عَمَلَن əmələn»، جبراً (جبرا) به شکل «جبر آن cəbrən» (جبرن)، جميلاً به شکل «جميلن»، شكرأً به شکل «شوکور» (شوکرن)، مجموعاً به شکل «مجموعان» تلفظ میشود. ...

- علائم تنوین، در زبان عربی بیشتر در حالت‌های ویژه‌ای (شیوه حالت تصریفی. مثل: کتاباً، کتابٍ، کتابٌ) به کارگرفته میشوند. مثال:

سلام عليکم (سلام بر شما باشد، سلام بر شما) و...

کلمات تنوین دار عربی، در زبان ترکی حالت‌های ویژه مذکور را از دست داده و از لحاظ دستوری در حالت فاعلیت (فاعلی) به کارگرفته میشوند. مثال:

من اونا «سلام عليکوم» دئدیم.

به عبارت دیگر «سلام عليکوم» به شکل کلمه مرکب با مفهوم «سلام» به کارگرفته میشود:

(سلام وئرم سلام آلماز گۈرۈم سلام گىسىن سنى! : از كتاب كۈر اوغلو)

او منىم «سلام عليکم» دئمە يىمى ائشىتمە دى. (او مينم سلامىمى ائشىتمە دى.)

در مواردی «سلام عليکم» به شکل «سلامون عَلَى كوم əleyküm səlamun» و جواب آن نيز به شکل «عليکوم آس سلام» (عليکوم آس سلام) گفته میشود؛ ولی مفاهيم آنها به شکل کلمه «سلام» ساده، در حالت فاعلیت، فهمیده میشود.

علامت همزه «ء» :

علامت همزه ، در زبان ترکی موجود نیست. ولی کلماتی که از زبان عربی وارد این زبان شده اند، به اشکال مختلف زیر به کار گرفته می شود:

- علامت همزه (ء) که در آخر کلمات عربی نوشته می شود، در زبان ترکی هم آوا با آخرین حرف صداداری که ما قبل آن قرار گرفته تلفظ می شود. مثال:

« استثناء » نوشته شده و « ایستینا istesna 』 تلفظ می شود، « ابتداء » ( ابتدا ) نوشته شده و « ایتیدا ، [ ابتدا ، ibtida ، ebteda ] بیان می شود. به عبارت دیگر ، علامت الف و همزه (اء) در آخر کلمه هم آوا با حرف « آ a 』 بیان می شود.

- اگر علامت همزه (ئ)، در وسط کلمات عربی به کار گرفته شود، در زبان ترکی به شکل « ي ye 』 و یا به شکل « يى yi 』 تلفظ می شود. مثال:

دائره ( دایره ) dayirə ( دایرہ ) dayerə ، پائیز ( پاییز payız ، آئین ( آینین ayın ) و ...

- اگر علامت همزه (ء) همراه حرف « ه h 』 ( مثل : ئ ئه ئه )، در آخر کلمات عربی به کار گرفته شود، در زبان ترکی هم آوا با حرف صدادار « آ a 』 تلفظ می شود. مثال: نقطه noqtə و ...

- اگر پشت سر حرف « ع u 』 ، حرف « ه h 』 با همزه ( به شکل عهه )، یعنی سه علامت در کنار هم ) قرار گیرد، در زبان ترکی هم آوا با حرف « آ a 』 تلفظ می شود. مثال: قطعه qətə و ...

- علامت « ل l 』 در کلمات عربی در بالای حرف « ي i 』 و در کنار حرف « ل l 』 قرار داده شده و هم آوا با حرف « آ a 』 تلفظ می شود. مثال:

مسائل ، اللـه ( آلهه alah ، آلهه الله ) ، مصطفی ( Mostəfa ) ، مطلقا و ...

- اگر در کلمات ترکی، حرف « ك k 』 در بین دو حرف صدادار قرار گیرد، هم آوا با حرف « ي ye 』 تلفظ شده و به شکل « گگ 』 و یا « يى yi 』 نوشته می شود. مثال:

گلمه بیم ( گلمه گیم gəlməyim ) ، یئمه بیم ( یئمه گیم yəməyim ) و ...

- الف با همزه (أ) به شکل «ء» تلفظ می شود. مثال:

تأسف منشأ ... و *mən,sə tə,əsüf*

## حرف «ع» :

حروف «ع»، در زبان عربی به شکل حرف بی صدا به کار گرفته شده که در زبان عربی با شیوه مخصوصی در گلو گفته می‌شود. این حرف در زبان ترکی همراه حرکت و یا الف، هم آوا با حرف صدادار (آ، ئ، آ، ئ، ع، ئ، ع) تلفظ می‌شود:

- حرف «ع»، در اول کلمه، با علامت حرکت (ـ، ـ، ـ) و یا با الف (عا)

نوشته شده و هم آوا با یکی از حروف صدادار «*a*, *o*, *e*, *ö*» تلفظ می‌شود. مثال:

علي Ali ، عباس Abbas ، عاشق eṣq (عشق) ، عمان omman ، عِمَاد Emad ، عَبَّاس عَادِل adil ، عبدالله Ebdulla (الله) عمر Ömr ، عاشق عاشيق [ و ... ]

- حرف «ع» در کلمات عربی که همراه الف و حرکت با سه علامت نوشته می شود، همه

آنها هم آوا با یک حرف صدادار تلفظ می‌شوند. مثال:

اعٰء، اعٰء اعمال emal، اعمال emal، اعتماد etimad (اعتماد etimad) و...)

- حرف «ع»، در کلمات عربی همراه الف و حرکت (اعراب) نوشته و با شیوه مخصوص عربی خوانده می‌شود، ولی در زبان ترکی هم آوا با حرف «آ a» تلفظ می‌شود:

عاشق [ عاشيق *qasiq* ] ، عامل *amel* ( عامل ، amil ) و ...

- حرف «ع»، در وسط کلمات عربی، با علامت سکون (۲) نوشته شده و حرف بی صدا محسوب می شود، ولی همین علامت در زبان ترکی هم آوا با حرف صدادار ما قبل خود تلفظ می شود. مثال:

«مَعْمُول» نوشته شده، همچون «مَمْوُل məmul» تلفظ می‌شود.

«**معقول**» نوشتہ شدہ ، به شکل «**مقول** məqul» تلفظ می شود۔ و ...

«مِعمَار» نوشتہ شدہ، «memar مِمار» گفته می شود.

- اگر حرف «ع»، در آخر کلمات عربی نوشته شود، در زبان ترکی هم آوا با آخرین حرفِ

صدادر کلمه ما قبل خود تلفظ می شود. مثال:

«ممنوع» به شکل «ممنو məmnu»، یعنی حرف «و» به جای دو حرف «و، ع» به کار گرفته می شود. «موضوع» نوشته شده و به شکل موضوع mozu تلفظ می شود.  
«طالع» نوشته شده و به شکل «tale» تلفظ می شود.

- حروف «ع، ع، اع، اع» مخصوص کلمات عربی می باشند، که وارد زبان ترکی شده اند. این حروف با خط عربی به شکل اصلی خود نوشته شده ولی با شیوه زبان ترک همانطوری که در خط لاتین ملاحظه می کنید، تلفظ می شوند. مثال:

کلمات عربی، علی ali، عmad Emad، عُمان omman، عادل [عادیل] adil، عَبدالله Abdulla، عمر Ömr، أَعْمَال emal، اِعْمَال اعمال، معقول qul، عاشق aşiq، معشوق maşuq، عالم aləm (دنيا)، عالیم (عالیم) alim و... حروف «ع»، «اع» و «عا» معمولاً در کلمات ترکی به کار برد نمی شوند. مثال:

آل a، آلک ələk، اسمک əsmək، من mən، سَن sən و...

توجه: سایر حروف عربی (مثل: ص، ث، ذ، ظ، ض، ط) مخصوص زبان عربی است که در زبان ترکی کار برد کمی دارند، ولی به جای آنها عمداً از حروف «س، ز، ت» استفاده می کنند.

۶) عدم هم آوائی الفبای عربی با حروف زبان ترکی آذربایجان:  
الفبای عربی، به ویژه حروف صدادار آن، با حروف زبان ترکی هماهنگی و هم آوائی ندارند، به همین دلیل نوشتن و خواندن کلمات ترکی با خط عربی با مشکلات زیادی همراه است. برای مثال به مطالب زیر توجه کنید:

برای نوشن چهار حرف صدادار «ة، ئ، ئ، ئ» و یک حرف بی صدای «ئ» ترکی، در خط عربی از حرف «و» و علامت حرکت و الف استفاده می شود. مثال:  
او، ؤ، او، و، او، اُ، او، و...

حروف مذکور، در زبان ترکی به جای حروف صدادار به کارگرفته می‌شوند، ولی متناسفانه در توضیحات دستوری، نمی‌توانند جایگزین حروف صدادار ترکی شوند و آواهای حروف ترکی را به درستی در خود انعکاس دهند. برای مثال به ترکیب کلمات زیر که با حرف «و» نوشته می‌شوند، توجه کنید: (حروف «و» همراه علامت مختلف)

تۇخۇيۇرام، اوپوشموير dövüşmüür ، اوشويور öpüşmüür ، دۇوشموير دۇوشموير سۇرۇشمۇير، وۇرۇلمۇير vurulmuyur ، دۇرۇلمۇبور دۇرۇلمۇبور oxuyur و... - دو علامت «ع، ا» (عا) نیز به شکل یک حرف صدادار «a» بیان می‌شوند:

عاشق [عاشقıq] ، عامل amıl (عاملıq) و...

- در زبان ترکی، دو حرف صدادار «ı, a» و یک حرف بی‌صدا «y» موجود است که هرسه آنها با خط عربی به وسیله علامت «ای، یے» نوشته می‌شوند. نوشتن و خواندن حرف «یے»، به جای سه علامت «ا، ı، y»، بسیار مشکل می‌باشد، زیرا سه حرف «ا، ı، y» در زبان ترکی با شیوه و آواهای مختلفی بیان می‌شوند که حرف «یے» عربی آنها را در خود انعکاس نمی‌دهد و در نتیجه در موارد زیادی ویژگی‌های آواهای ترکی دگرگون شده، همانند «یے» عربی به یک شکل خوانده می‌شوند. مثال:

ایشلیییر işliyir ، ایچمیییر içmiyir ، یئمیییر yemiyir ، ایسیییر iyiyir ، ایلیییر iyiliyir یئدی yedi ، گئیییر gey ، گئییمک gemicik ، هئی hey ، یاپیلماق yayılmaq ، ییغمیییر yiğmisiir ، یاپیلیر yayılır ، ایلخی ılxı ، ایلدیریم ıldırıım ، ایلقیشلاماق ıqlışlamaq سینییر sınır ، یاپییر yayır ، دابی day ، آیی ay ، آیلیق aylıq ، آییی aylıq و....

- اگر حرف «h»، در اول کلمه قرار گیرد و به حرف بعدی خود بپیوندد، هم آوا با حرف «h» تلفظ می‌شود. مثال: هریز heriz ، هرکیم hərkim و... اگر حرف «h»، در وسط کلمه قرار گیرد و به حرف بعدی خود بپیوندد، هم آوا با «h» تلفظ می‌شود. مثال:

اھر ahər ، شەھەر şəhər زەھەر zəhər و...

- اگر حرف «ه»، در وسط کلمه نوشته شود، هم آوا با حرف «آ» تلفظ می‌شود. مثال:

گله بچک *gələcək* ، زهره خانیم، گنده بیلمنک و...

- اگر حرف «ه»، در آخر کلمه قرار گیرد، هم آوا با «آ، ه» تلفظ می‌شود. مثال:

نه *nənə* ، دده *dədə* ، بیه *bəbə* ، جوجه *cüçə* ، ذوه *dəvə* و...

- اگر حرف «ه»، در آخر کلمه عربی و فارسی (کلمه ای که وارد زبان ترکی شده است)

قرار گیرد، در زبان ترکی به شکل «آ» تلفظ می‌شود، ولی در موارد کمی نیز هم آوا با حرف «ح» تلفظ می‌شود. مثال:

کلمات فارسی: (به شکل «آ و آ») قهوه خانا *qəvəxana* (قهوه خانه)، (به شکل «ح») به به *bəhbəh* ، آه *ah* و...

کلمات عربی: (به شکل «آ») علمیه *elmiyə* ، مهربه *mehriyə* و... (به شکل «ح») توجه *təvəcöh* ، الله (آل لاه) *allah* و...

#### a) مشکلات املائی با الفبای عربی:

از اینکه آواهای زبان ترکی با حروف عربی هماهنگی ندارند، در نتیجه تلفظ آواهای حروف ترکی با الفبای عربی به درستی بیان نمی‌شوند و به همین دلیل نیز نوشتمن و خواندن آنها مشکل می‌باشد. واضح است که الفبای عربی برای نوشتمن حروف زبان عربی به وجود آمده و در نتیجه با آواهای زبان ترکی هم خوانی ندارند. بنابراین الفبای زبان ترکی باید طوری باشد که حروف مختلف ترکی از هم قابل تفکیک باشند. ولی متناسفانه با خط عربی چنین نیست و در نتیجه نوشتمن کلمات ترکی با مشکلات زیادی مواجه است:

- حرف «آه»، با خط عربی به اشکال مختلف زیر نوشته می‌شود:

۱) با علامت «ه»: ننه [نه نه] ، دده [ده ده]

۲) با علامت «آ»: آل، اکبر، اگر، البتہ

۳) با علامت «ع»: علی، عباس، علاج، علاقه

۴) با علامت حرکت: گل، جواب، سواد، سپمک

۵) با حرف «ؤ» همراه همزه: مؤلف، مؤثر، مؤسس و...

۶) با علامت «ا ع»: اعمال و...

- حرف «ا» با خط عربی به اشکال مختلف زیر نوشته می شود:

۱) با علامت «آ»: آما، آلى، آلچا و...

۲) با علامت «عا»: عالم، عاشيق، عاديل [عادل] و...

۳) با علامت «ا ل»: بابا، قالا، ساتا و...

۴) با علامت «و» همزه و الف به شکل «ؤا»: سؤال و...

۵) حرف «ى»، به جای حرف «آ»: مصطفی، يَحْيَى و ...

- در خط عربی، دو حرف «ط، ت» موجود است که هر دو در زبان ترکی همانند

حرف «ت t» تلفظ شده، ولی به شکل زیر در ترکیب کلمات به کار گرفته می شود:

تبریز təbriz ، تهران təhran ، طلب tələb ، طیاره و...

- در زبان عربی، سه حرف «س، ص، ث» موجود است که هر سه در زبان ترکی هم آوا

با حرف «س s» تلفظ شده، ولی به شکل زیر نوشته می شود. مثال:

سوداد səvad (ساواد)، صابون sabun (صابین)، ثواب səvab (ثواب) و...

- در الفبای عربی، چهار حرف «ز، ذ، ظ، ض» موجود است که همه در زبان ترکی

هم آوا با حرف «ز» [z] تلفظ شده، اما به شرح زیر نوشته می شوند. مثال:

زهرا zəhra ، ذات zat ، ظلم zolm (ظلوم)، ضمیر zəmir و...

- اگر جهت تسهیل بخواهیم کلمات طولانی را جدا از پسوندها بنویسیم، با خط عربی ممکن

نیست و با مشکلات نوشتاری (اتوگرافی) مواجه می شویم، در صورتی که با خط لاتین می توان

آنها را به وسیله کاما (،) از هم جدا کرد. مثال:

آدام ين، آدامین (adam,in). داداش ين، داداشین (dadaş,in) قُويونون (قويونون ون)

اویونون (اویونون ون) oyun,un ، گله جکلردن gələcək,lərdən ، باجی qoyun,un

قارداشلیق qardaş,lıq ، گلمه یه چییدی bacı,qardaş,lıq ، ڈدھ نہ لیک di

نه نه بالالیق و...

## ۶) مشکلاتِ الفبایِ عربی و راه حلهایِ پیش بینی شده:

مشکلاتی که با الفباء عربی برای نوشتن و خواندن حروف ترکی و به ویژه حروف صدادار آن موجود بوده، برخی موقع نویسنده‌گان و شخصیتهای ادبی آذربایجان را به خود مشغول کرده است، به طوری که بعضی از آنان برای پیدا کردن راه حل مناسب علائم ویژه ای را به کار برد و در جامعه مطرح کرده اند. برای مثال به حروف صدادار ارائه شده از طرف چند نویسنده آذربایجانی توجه کنید، که در دهه های اخیر نگاشته شده اند:

- آقای دکتر زهتابی، در کتاب «معاصر آذربایجان ادبی دیلی»، حروف صدادار ترکی را با خط عربی با علائم زیر نوشته است:

چهار حرف صداداری که آهنگ پائینی دارند:			
ا	آ	ا	آ
ئ	ې	اي	ا
ۇ	ۇ	او	و
ۈ	ۈ	او	و

پنج حرف صداداری که آهنگ بالائی دارند:			
ه	ه	آ	ه
ئ	ئ	ائ	ائ
ئ	ئ	ائ	ائ
ئ	ئ	او	او
و	و	او	و

- آقای دکتر ابراهیم رف رف، در کتاب دستور زبان خود به نام «آنا دیل»، حروف صدادار ترکی آذربایجان را به شرح زیر مطرح کرده است:

حروف صداداری که آهنگ بالائی دارند.

ه	آ	ئ	و	ئ	ئ	ئ	ه
---	---	---	---	---	---	---	---

حروف صداداری که آهنگ پائینی دارند:

ا	آ	ئ	و	ئ	ئ	ئ	ه
---	---	---	---	---	---	---	---

قایق (قاییغی)، قالین، بُویون (بُویُونُو) و ...

- آقای دکتر حمید نطقی ، حروف صدادار ترکی را در کتاب «فرهنگ لغات متشابه در زبان و ادبیات آذربایجان...» (نوشته علی اسماعیل اف) ، با الفبای زیر نگاشته است:

حروف صدادار با آهنگ بالائی:				حروف صدادار با آهنگ پائینی:			
اول کلمه	وسط کلمه	آخر کلمه	اول کلمه	وسط کلمه	آخر کلمه	اول کلمه	وسط کلمه
ا	ا	ا - ل	آ	ه	ه - ه	آ	ه
ئ	ي	ي	اي	ئ	ئ - ئ	ئ	ئ
ؤ	و	و	او	و	و - و	و	و
ئۈ	ۇ	ۇ	او	ۇ	ۇ - ۇ	ۇ	ۇ

اگر ، دده ، ننه ، ائو (او) ، سئل ، اوردك ، ائپمك ، سورمك ، آلماق ، ياماق ، بىخماق ، بىغماق ، اوتاق (اطاق) ، اوچماق ، قۇرماق و ...

- در کتاب «آذربایجان دیلینین گرامری» نوشته فریدون جلیل که به وسیله آقایان قاسم حسن اف ، کامیل علیوف و آقای عادل ارشادی فر به خط عربی برگردانده، الفبای حروف صدادار ترکی را با علائم زیر به کار برده اند.

- حروف صدادار با آهنگ بالائی:

ا	ئ	و	ئ	ا	ئ	ا	ئ
---	---	---	---	---	---	---	---

اللک، مله مک، علی، علامت، ایچمک، سیلمک،

اپمک، سئنمک، دونمک، اوشومک، سوزملک

- حروف صدادار با آهنگ پائینی:

ا	ئ	و	ئ	ا	ئ	ا	ئ
---	---	---	---	---	---	---	---

آلما، ایلدیریم، یاردیم، یولماق، تۆخوماق، اوچماق، دۇرماق و ...

## c) پیشنهاد سمینار علمی تهران:

- بنا بر اطلاعات اینترنتی، در تاریخ ۲۶-۲۷ خرداد ۱۳۷۹ هجری شمسی، سمیناری در تهران با شرکت جمعی از نویسندگان، زبان شناسان و شخصیتهای ادبی آذربایجان برگزار شده بود. بر اساس همین اطلاعیه، شرکت کنندگان بر اصل شور و رای، علائم ویژه زیر را برای نوشتن ۹ حرف صدادار ترکی انتخاب کرده اند.

- حروف صدادار با آهنگ پائینی: (حروف انتخابی سمینار تهران)

آغیز، آتا، آد
ایلدیریم، قیز، دیرناق، آبی، داری
اوغۇز، سۇن، دۇن
اوجۇز، اوتۇز، دۇز

ا	ئ	آ	A	a
ى	ې	اي	I	i
ۇ	ۇ	اۋ	O	o
ۈ	ۈ	اۇ	U	u

- حروف صدادار با آهنگ بالائی:

ال، اريمك، سپه له مك، دده، ننه
ائو، گتممك، يئمك، بىع، دى
ايکى، بىز، دىز، دلى، درى
اورنلک، گۈن، دؤنن
اوج، گون، دونن

ه	ە	ا	ئ	ا
ئى	ئ	ئ	E	e
ي	ي	اي	ئ	i
ؤ	ئۇ	اۋ	Ö	ö
و	و	اۇ	Ü	ü

- با وجودی که الفبای انتخابی مذکور نیز قادر به بیان آواهای زبان ترکی نمیباشد، ولی از اینکه کار این عزیزان عمل جمعی میباشد، در نتیجه با پشتیبانی از این عمل مثبت آنان، در این کتاب از حروف صدادار انتخابی آنان استفاده شده است؛ ولی متاسفانه در مواردی برنامه کامپیوتری من با علائم ویژه آنها همگامی نکرده و در نتیجه بعضی از حروف به درستی نوشته نشده است.

## ۷) الفبای لاتین و چگونگی هم آوائی آنها با حروف زبان ترکی:

- اکثر الفبای لاتین، آواهای حروف زبان ترکی را در خود انعکاس می‌دهند؛ ولی بخشی از آنها در شکل اصلی خود، آواهای حروف زبان ترکی را به درستی در خود منعکس نمی‌کنند؛ اما الفبای لاتین این ویژگی را دارند که با تغییر نام و تغییر شکل ، با حروف زبان ترکی هماهنگی و هم آوائی کامل پیدا می‌کنند.

در رابطه با تغییر الفبای لاتین برای هم آوا کردن آنها با حروف ترکی می‌باشد به این موضوع نیز توجه شود که بعضی از الفبای لاتین در کشورهای اروپائی (در سده های قبلی) تغییر نام و تغییر شکل داده شده اند، زیرا مردم کشورهای مختلف اروپائی زبانهای متفاوت و نا همگونی با ریشه های مختلفی داشته اند که برای نوشتن آنها خواسته و نا خواسته الفبای لاتین را مورد استفاده قرار داده اند و برای هم آوا کردن آنها با آواهای زبان خود، تغییراتی نیز در آنها به وجود آورده اند. بنابر این با انتخاب چند عدد از علائم تغییر داده شده ، همراه سایر الفبای لاتین برای نوشتن و خواندن حروف زبان ترکی به شکل یک خط ایده آل در آمده است ، به طوری که با این الفباء ، تمام آواهای زبان ادبی ترکی آذربایجان ، به شکل اصلی خود نوشته و خوانده می‌شوند.

در زبان ترکی آذربایجان ۹ حرف صدادار موجود است، که آنها در دستور زبان ترکی نقش مهمی را بازی می‌کنند ؛ با وجودی که این حروف با خط عربی با علائم مختلف نوشته می‌شوند، ولی متاسفانه در بندهای مختلف کلمه به شکل صحیح خوانده نمی‌شوند، در صورتی که همه آنها با خط لاتین با علامتِ ویژه ای نوشته می‌شوند و در تمامی بندهای کلمه نیز به شکل اصلی و واحدی نوشته شده و یا خوانده می‌شوند؛ بدین سان، خط لاتین بر عکس خط عربی، تمام مشکلات دستوری و هماهنگی حروف صدادار ترکی را به شکل منطقی حل و فصل می‌کند.

a ) الفبائی که در خط لاتین برای نوشتن کلمات ترکی تغییر

## نام داده می‌شوند:

۱) این علامت «c»، در زبان ترکی به جای حرف «ج» به کارگرفته می‌شود. مثال:

جوچه cüce، جوراب corab، جواب cəvab (جاواب)، جان can و...

۲) این علامت «w»، به جای حرف «گ» نوشته می‌شود. مثال:

گلمک gəlmək، گولمک gülmək، گورمک görmək، گئتمک getmək و...

۳) این علامت «ا» (اب، ي، ئى) بدون نقطه، به شکل الف ساکن (أ) با آهنگ پائینی

(بىم، كلفت) تلفظ می‌شود. مثال:

ايلىخىا، آيى ayı، ييخىلماق yıxılmaq، يىغماق yiğmaq، دىغىرلاماق dığırılamaq و...

۴) این علامت «x»، به جای حرف «خ، ئى» نوشته می‌شود. مثال:

حالا xala، ساخلاماق saxlamaq، آختارماق axtarmaq، خلق xəlq (xalq)، خبر xəbər و...

۵) این علامت «j»، به جای حرف «ژ» به کارگرفته می‌شود. مثال:

ژاپن japon، آژدەها ejdəha، ژاندارم jandarm، ژاست jest، ژورنال jurnal و...

۶) این علامت «Q»، به شکل «ق» به کارگرفته می‌شود. مثال:

آلماق almaq، قالماق qalmaq، قارقا كىبيي qarıldamaq، قاريلداماق qarqa kibi و...

۷) این علامت «V»، به جای حرف «و» به کارگرفته می‌شود. مثال:

وۇرماق vurmaq، حسن ve Hüseyin (حسين) ve Həsən، ولی Veli و...

## b) الفبائي که برای نوشتن کلمات ترکی تغيير شكل داده می‌شوند:

۱) بر زیر حرف «c» به شکل زیر علامتی افزوده شده و به جای حرف «چ» (ç) به کارگرفته می‌شود. مثال:

چىچك ciçək، چىمن çimən، باخچا baxça [باچقا]، چومچه çömcə و...

۲) بر روی حرف «g» علامتی افزوده شده و به جای «ğ» (غ) خوانده می‌شود. مثال:

آغ ağı، داغ dağ، باغ bağ، ياغ yağ، غم ğəm، غصه و...

۳) بر زیر حرف «s»، علامتی افزوده شده و به جای حرف «ş» (ش) نوشته و خوانده

می شود. مثال:

ایشله مک işləmək ، دیشله مک dişləmək ، بیشیر مک bışirmək ، شیشیمک şişirmək و ...  
۳) بر روی حرف « u » ، دو نقطه افروده شده و به جای حرف « او » ( ö ) به کارگرفته  
می شود. مثال:

اوشومک əşümək ، اوزمک üzəmək ، گولمک düşmək ، دوشمک duşmək و ...  
گولدورمک güldürmək ، اوتوله مک ütüləmək ، اوزمک üzəmək و ...  
۵) بر روی حرف « ö » ( او ) ، دو نقطه افروده شده و به جای حرف « ئ » ( ئ ) به  
کارگرفته می شود. مثال:

اؤپمک öpmək ، دؤزملک dözmək ، بؤلمک bölmək ، دؤنمک dönəmək و ...  
۶) این علامت « ئ » ، در زبان ترکی آذربایجان به جای حرف « آ »، « ئ »، « ئ »،  
« ئ » به کارگرفته می شود. مثال:

عباس ( Abbas ) ، علی ( Ali ) ، اعمال ( əmal ) ، حمید ( Həmid ) ، نئه ( nənə ) و ...

- با تغییرات مذکور، الفبای لاتین با آواها و حروف زبان ترکی هم آوائی کامل پیدا می کنند  
در نتیجه این هم آوائی، تمام مشکلاتی که خط عربی عمداً به دلیل عدم هماهنگی حروف  
صدادار ( o , ö , u , ü , e , i , a , ə ) ، برای نوشتن و خواندن کلمات زبان ترکی  
به بار آورده را از بین می برد.

بعضی از الفباء عربی، به ویژه علامت حروف صدادار آن ، هویت اصلی آواهای حروف  
ترکی را از آنها سلب می کند و بدین سان قانون هماهنگی حروف صدادار زبان ترکی را به  
هم می زند و این زبان را به شکل زبان بی قاعده و در هم برهمن نمایان می سازد ، اما  
بر عکس آن الفبای لاتین با حروف زبان ترکی هم آوا می شوند و هویت اصلی آواهای زبان  
ترکی را به شکل اصلی در خود انعکاس می دهند و اصول و فرمول بندیهای مختلف این  
زبان را به شکل منطقی بیان می کنند و قانونمندی تکامل یافته ، حساب شده ، با قاعده و  
علمی بودن آن را هر چه بیشتر آشکار می سازند، در نتیجه به وسیله این خط، یادگیری و

اصول هماهنگی حروف صدادار ترکی بسیار آسان می‌شود. (۱ پاورقی)

- الفبای لاتین به شکل زیر به یک فرم بزرگ (درشت) و کوچک نوشته می‌شوند. مثال:

... Z,z ، M,m ، L,l ، D,d ، C,c ، B,b ، A,a

- در این کتاب اولین حرف اسامی اشخاص (انسانها) با خط لاتین درشت نوشته می‌شود. مثال:

علی *Əli* ، یاشار *Yaşar* ، لاله *Lalə* ، احمد *Əhməd* ، اصلی *Əslı* ، کرم *Kərəm* ،

بابک *Babək* ، نبی *Nəbi* ، رسول *Rəsul* و ...

- در این کتاب اولین حرف اسامی حیوانات و حشرات، اشیاء، همانند سایر کلمات به شکل کوچک نوشته می‌شوند. مثال:

اُنو *ev* ، آغاج *ağac* ، بادام *badam* ، بُوغدا *buğda* ، نار *nar* ، سُو *su* ،

قاش *qaş* ، گؤز *göz* ، باشماق *başmaq* ، مدرسه *mədrəsə* ، مدرسه *baş* ،

قاشقاباق *qaşqabaq* ، دده *dədə* ، کپنه ک *kəpne k* ، آدام *Adəm* ، پیشیک *pışık* ،

دَوه *dəvə* ، میمون *ümür* ، قاریشقا (قارینجاق) *qarışقا* ، میغ میغ *mıg* و ...

---

(۱) با وجودی که اسامی خیلی از مقولات و اولین حرف جمله با همین خط در جمهوری آذربایجان و ترکیه همانند بعضی از کشورهای اروپائی با خط درشت نوشته می‌شوند، ولی در این کتاب تنها اولین حرف اسامی انسان با خط درشت نوشته می‌شوند. زیرا درشت نویسی اولین حرف اسامی، هیچ زمینه علمی اثبات شده‌ای ندارد، ولی روشن است که کار مغز را در املاء نویسی مشکل می‌سازد. اولین حرف اسامی در خط عربی کوچک نوشته می‌شوند که هیچ مشکلی در آن مشاهده نمی‌شود. ناگفته نماند که در مواردی در بعضی از کشورهای اروپائی (از جمله آلمان) در رابطه با غیرمنطقی و مشکل بودن بزرگ نویسی اسامی و...، مباحثی مطرح می‌شود. بزرگ نویسی اسم انسان که در این کتاب به کار گرفته شده است، هیچ انگیزه علمی ندارد و تنها اسم انسان را از سایر اسامی قابل تفکیک می‌سازد.

## بخش دوم:

### ۱) حروف و تجزیه آنها در ترکیب کلمه:

حروف و آواها، صداهایی هستند، که انسان برای رساندن مفهومی، از دهان خارج می‌کند.

حروف از لحاظ صدا به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند، که بخشی از آنها «تن» صدای «ساکن» و بخش دیگری از آنها «تن» صدای کشیده دارند.

حروف با صدای «ساکن» و با صدای «کشیده» به ترتیب پشت سر هم چیده شده و برای فهماندن مطلبی به شکل سیلاپ (بند، بخش) و کلمه بیان می‌شوند. مثال:

بُو bu (این): کلمه دو حرفی که یک حرف کشیده و یک حرف ساکن دارد.

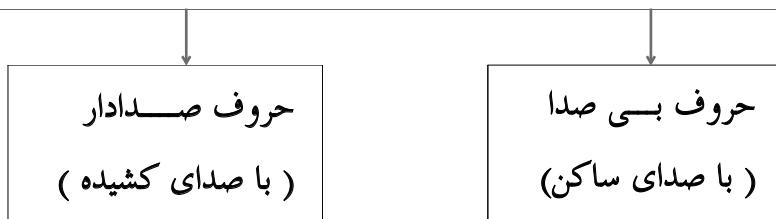
گولمک mək (خندیدن): کلمه ای که دو حرف کشیده و چهار حرف ساکن دارد.

- حروفی که «تن» صدای کشیده دارند، در مواردی به تنها نیز سیلاپ محسوب می‌شوند:

او o (او): «o»، حرف کشیده ای است، که به تنها سیلاپ و کلمه محسوب می‌شود.

آنا a,na (مادر): «آنا a,na»، کلمه ای است، که دو حرف کشیده و یک حرف ساکن دارد که حرف اول آن سیلاپ محسوب می‌شود.

حروف با «تن» صدای کشیده و ساکن در این کتاب با اسمی زیر به کارگرفته می‌شوند:



- کلمات به شکل زیر به حروف بی صدا و حروف صدادار تجزیه می‌شوند:

آنا a,na ، کلمه ای که دو حرف صدادار [a, a] و یک حرف بی صدا [n] دارد.

باجی ba,ci ، کلمه ای است، که دو حرف بی صدا [b, c] و دو حرف صدادار [a, i] دارد.

گؤل aتو ، کلمه ای می‌باشد، که یک حرف صدادار [تا] و دو حرف بی صدا [ا, او] دارد.

چیچک ci,çek ، کلمه ای است که از سه حرف بی صدا [و, چ, چ] و از دو حرف صدادار

[ئ، ئ] تشکیل یافته است.

- یوْلداش *yol,daş* ، کلمه ای که از دو حرف صدادار (a, o) و چهار حرف بی صدا [ y, l, d, ş ] می باشد.
- ترکیب می یابد.
- گؤزلیلیکلر *göz,əl,lilik,lər* ، کلمه ترکیبی است که از هفت حرف بی صدا [ r, ə, i, ɔ, e, ə, ə ] می باشد.
- و چهار حرف صدادار [ e, ə, i, ɔ ] ترکیب می یابد.
- یوْلداشلیق *yol,daş,lıq* ، کلمه ای می باشد که از سه حرف صدادار [ o, a, ə ] و شش حرف بی صدا [ y, l, d, ş, i, q ] ترکیب یافته است.
- قارداشلیقدان *qar,daş,lıq,dan* ، کلمه ترکیبی که از هشت حرف بی صدا و چهار حرف با صدا ترکیب می یابد.
- آداملیقدان *a,dam,lıq,dan* ( اینسانلیقدان ) ، کلمه ترکیبی است که از شش حرف بی صدا و چهار حرف صدادار تشکیل یافته است.
- گلیب گتمک *gəl,ib,get,mək* ، کلمه مرکبی می باشد که از هفت حرف بی صدا و چهار حرف صدادار ترکیب یافته است.
- آلیش وئریش *al,ış,ver,iş* ، کلمه مرکبی که از پنج حرف بی صدا و چهار حرف صدادار تشکیل یافته است.
- باجیقارداشلیقدان *ba,çı,qar,daş,lıq,dan* ، کلمه مرکبی که از ده حرف بی صدا و شش حرف صدادار ترکیب می یابد.
- چنانکه از ترکیب کلمات مذکور روشن می شود، تقریباً صفت در صد ترکیب کلمات ترکی را حرف بی صدا و چهل در صد آنها را حرف صدادار تشکیل می دهند. یعنی از مجموعه ۳۲ حرف زبان ترکی، ۲۳ حرف آنها بی صدا ( یعنی هفتاد و یک ممیز شش در صد ) و ۹ حرف آنها صدادار ( یعنی بیست و هشت ممیز چهار در صد ) می باشند. به عبارت دیگر حروف صدادار در زبان ترکی به نسبت کمیت خود خیلی بیشتر از حروف بی صدا به کار گرفته می شوند. چرا که سیلاپ به وسیله آنها تشکیل می یابد.
- حروفی که صدای ساکن دارند، در این کتاب حروف بی صدا می گوئیم و حروفی که صدای کشیده دارند، حروف صدادار می نامیم.

## ۲) طریقه ترکیب سیلاپ و کلمه و هجی کردن آنها:

- بخش کو کی از کلمه را سیلاپ (بند، بخش) می‌نامیم. اساس سیلاپ در زبان ترکی حروف صدادار می‌باشند. حروف صدادار به تنهاei و ya همراه با iک و ya چند حرف بی‌صدا به شکل سیلاپ بیان می‌شوند. سیلاپ بخشی از کلمه است که صدا و آواز آن یکنواخت بیان می‌شود و قطعه قطعه و بریده نمی‌شود. مثال:

حسن Həsən : کلمه حسن به شکل «Hə,sən» دو سیلابی می‌باشد.

- کلمه در زبان ترکی به تعداد حروف صدادار به سیلاپ(بند ، بخش) تجزیه شده و هجی (بند بند، بدون قطع صدا خوانده ) می‌شوند. یعنی اگر کلمه ای یک حرف صدادار داشته باشد ، آن کلمه تک سیلابی و اگر آن چند حرف صدادار داشته باشد، به تعداد آنها هجی شده و يا به سیلاپ تبدیل می‌شود:

كلمات تركي به شكل زير به سيلاب تجزيه شده و هجي می‌شوند:

- کلمه یک حرفی و تک سیلابی:

او o ( او ضمیر سوم شخص مفرد می‌باشد).

- کلمه تک سیلابی و دو حرفی:

بئ ye ، دئ de ، آل al ، ائل el ، ایت it ، آل al ، اول o ، بؤ bu ، سو su ، آش aş ، و ...

- کلمه تک سیلابی و سه حرفی:

گل ał ، گئت get ، يئل yel ، گؤل göl ، گؤز göz ، يوں yol ، سوں ، باش baş ، ساچ saç ، يېغ yığ ، بول bul ، دۇر dur ، آنا ، آجى و ...

- کلمه تک سیلابی و چهار حرفی:

کلمه ای که یک حرف صدادار و سه حرف بی‌صدا دارد و تک هجایی می‌باشد:

دئرت dört ، تورک türk ، يۇرت yurd ( يۇرد yurd ) ، قۇرت qurt و ...

- کلمات دو سیلابی:

گلمک: گل - مک - mək . get - مک - گلت: گت - mək .

ایتمک: ایت - مک - it-mək . دُورماق: دُور - ماق - maq .

- کلمه چند سیلا بی با یک و یا چند پسوند: ( توجه شود، که پسوند ها در هجی کردن از کلمه جدا شده و به تعداد حروف صدادار هجی می شوند.)

- کلمه با یک پسوند: گتمک: گلت - مک - mək . get - مک - گلت: گت - mək .

- کلمه با دو پسوند: سؤندورمک: سؤن - دور - مک - mək . sön - dür - mək . گلیرسن: گل - ایر - سَن - sən .

گندیرسن: گند - ایر - سن - sən . ged - ir - sən .

- کلمه با چند پسوند: قالاچاقسان: قال - آ، جاق - سان، san - a - caq ( قال - آ - جاق - سان )

آلیش وئریش: آل - ایش - وئر - ایش - al - iş - ver - iş .

باجی قارداشیقدان: با - جی - قار - داش - لیق - دان ، dan - qar - daş - liq - dan . گله بیملیسن: گل - ه - بیل - مه - لی - سن - sən .

( gəl - h - bəl - mə - lɪ - sən ) قالاچاقسان: قال - آ - جاق - سان، san - a - cak .

- توجه شود که در مواردی در هجی کردن کلمات، بی قاعدگی مشاهده می شود ( مثل: گله بیل، قالابیل، آدامین و...); دلیل آن خط عربی می باشد، زیرا بعضی از حروف مثل حرف « ا » و... یک حرف صدادار است، که با خط عربی با دو علامت ( مثل: ا - ئ ) نوشته می شود؛ علائمی نیز همچون « ه و یا ئ » هستند، که به تنهائی هجی نمی شوند.)

- در موارد کمی، یکی از حروف پسوند را همراه حروف ریشه کلمه هجی می کنند. مثل: « آدامین » adamın ( آ ، دام ، این ) را به شکل « آ - دا - مین ». « داداشین » dadaşın ( دا - داش - این ) را به شکل « دا - دا - شین » هجی می کنند.

- دو حرف بی صدا و هم نوع، در کلمات ساده ترکی به ندرت در کنار هم به کار گرفته

می شوند، ولی چند کلمه ای هست که دو حرف بی صدا و هم نوع در یک کلمه در کنار هم قرار می گیرند، آنها به شکل زیر جدا از هم هجی می شوند:

آل لی : ال - لی al - li

بللی bəl li : بل - لی bəl - li و ...

- در زبان ترکی چند کلمه ای است که در آخر آنها دو حرف بی صدای هم نوع در کنار هم قرار می گیرند، اگر پسوند چنین کلماتی با حرف صدادار آغاز شود، یکی از آن دو حرف هم نوع همراه حرف صدادار پسوند هجی می شود.

برای مثال، کلمات « تورک türk ، قورت qurt ، دُورت dort (دورد) به شکل « من تور- کوم türküm (تورکم) ، قُور- du ، دُور- دونجو dör , dün,cü » هجی می شوند.

- در صرف و یا در بیان کلمه ای که بر روی یکی از حروف صدادار آن تکیه می شود، خود آن حرف یک سیالب به حساب می آید. برای مثال کلمه « اوشاق usaq » (بچه) را که بر حرف اولی (u) آن تکیه می شود، در نظر می گیریم که به شکل şaq - u او - شاق ( ) هجی می کنیم. ولی اگر بر روی حرف « u » تکیه نکرده و به جای « şaq - u » به شکل « uş - aq » هجی کنیم، کلمه کاملاً غلط تلفظ شده و اصلاً فهمیده نمی شود.

هجی کردن کلمه « آنا anal » نیز به همان شکل است. اگر « آنا » را به شکل « آ - na - » هجی کنیم درست است، ولی اگر آن را به شکل « آن - آ an - a » هجی کنیم، کلمه کاملاً غلط بوده و فهمیده نمی شود. برای مثال به سیالبهای کلمات زیر نیز توجه کنید: اُخوماق: او - خُ - ما ق - maq ( غلط: ox, um ,aq ) و ...

عادت a - dət ، على a - ( A,li ) و ...

- معمولاً در محاوره به بخش آخر اسامی شهرها و دهات تکیه می شود و آنها را به شکل کشیده بیان می کنند، ولی چنین حروفی ( حتی اگر صدادار باشد ). جدا هجی نمی شوند. مثال:

تهران tehran ، تبریز təbriz ، باکی baki ، ایستانبول istanbul ، آستارا آستارا ، ماراغا ماراغا ، اورمیه اورمیه ، زنجان زنجان و ...

- کلمات عربی که با تشديد نوشته می شوند، در زبان ترکی با دو حرف هم نوع نوشته شده و از هم جدا هجی می شوند. مثال:

دقت: دیق - قَت diq - qət ( دققت ).

اما: آم - ما am - ma ( آمما ).

همت: هوم - مَت hüm mət ( هوممت ) و ...

- در کلمات عربی و فارسی که دو حرف بی صدا در کنار هم قرار می گیرند، در مواردی در زبان ترکی به آنها یک حرف صدادار اضافه کرده و به شکل زیر هجی می کنند:

رسم: رسیم ، رَ - سیم rə, sim . شکر şokr : شو - کور şükür و ...

دققت: دققت ، دیق قت. diq, qət

در بعضی از کلمات عربی، حروف صدادار آنها را تغییر داده و به شکل زیر تلفظ و هجی می کنند:

کِتاب: کیتاب، کی - تاب ki-tab . عموم: عمی، عَ - می mi

دائی: دایی، دا بی ya - da . خاله: خالا، خا - لا

محمد: مَحْمَد ( ترکیه دیلینده: مُحَمَّد )، عَبَاس: عاباس و ...

- کلمات عربی که حرف «ع» همراه دارند، آن حرف در زبان ترکی به شکل حرف صدادار ما قبل و یا ما بعد خود تلفظ شده و هجی می شود. مثال:

ساعات ( ساعت ): ساعت sa - at ، ممنوع məmnu و ...

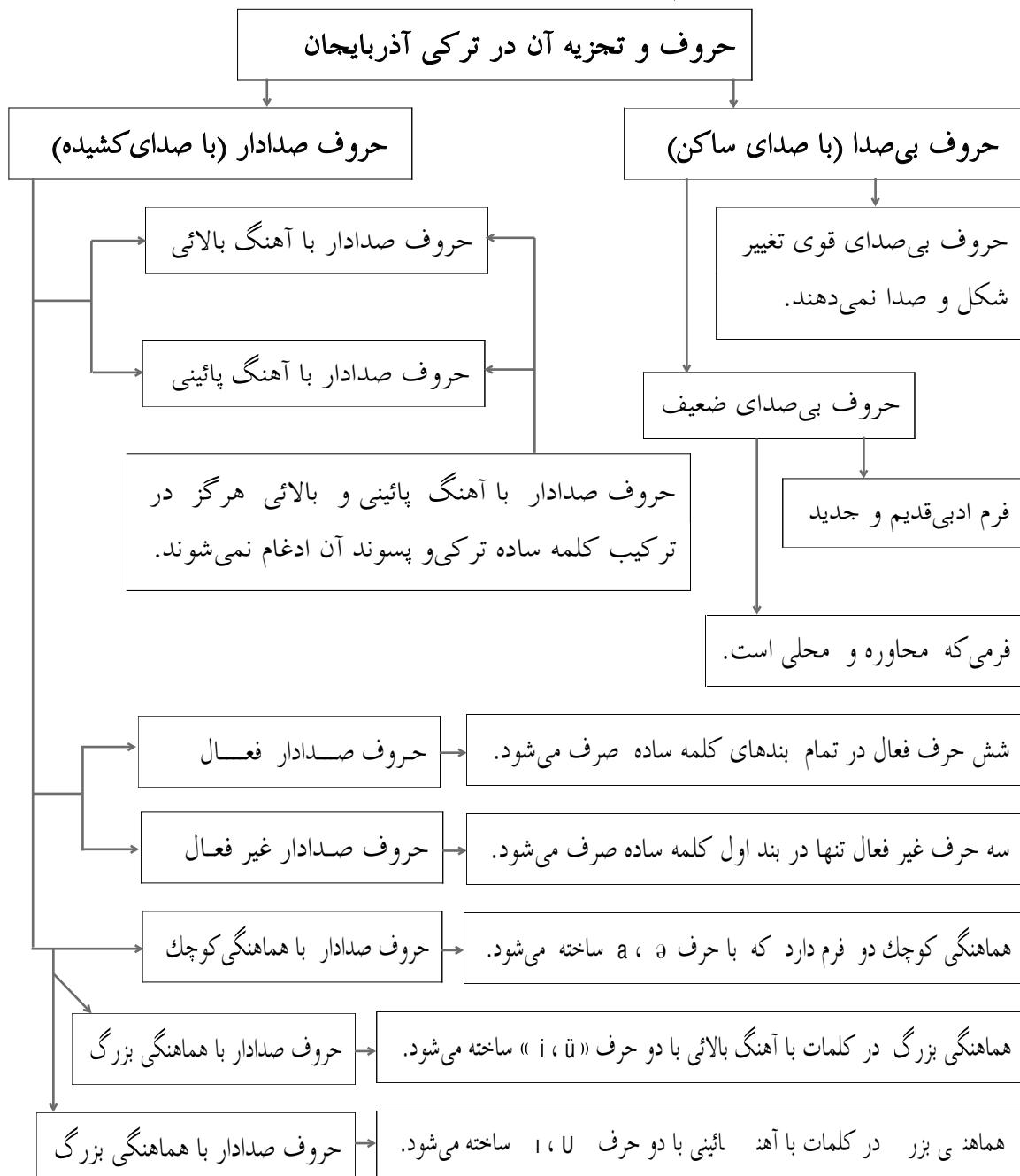
کلمات عربی که با حرف «ع» همراه الف، همزه و یا حرکت ( اعراب ) به کار گرفته می شوند، در زبان ترکی به شکل یک حرف صدادار هجی می شوند. مثال:

علی: ئالی ئali : مأمور məmur ،

عادت: عادت adət : a - dət

- صمد بهرنگی به درستی در رابطه با تغییرات کلماتی که از سایر زبانها وارد زبان ترکی شده است می گوید، آنها در آسیاب این زبان خرد و تبدیل به کلمات ترکی می شوند. [ نقل به معنی ]

### ۳) حروف ترکی آذربایجان در ترکیب کلمه و پسوند به گروه های زیر تقسیم می شوند:



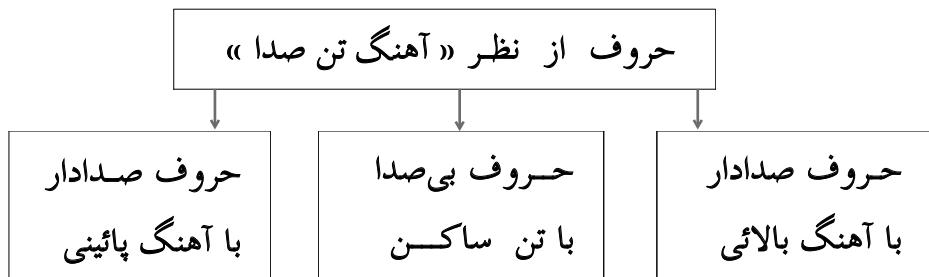
- چنانکه مشاهده می شود، حروف به دو گروه مختلف تقسیم شده و برای رساندن منظور در کنار هم قرار گرفته و کلمه را تشکیل داده و بدین سان مفهوم را می رساند:

### - حروف از نظر «تن صدا» :

- حروف در ترکیب کلمه به دو گروه اصلی، یعنی حروف بی صدا [ساکن] و حروف صدادار [کشیده] تقسیم می شوند.

حروف صدادار نیز از نظر تن صدا به دو بخش یعنی با «تن صدای کشیده با آهنگ بالائی» (نازک) و با «تن صدای کشیده با آهنگ پائینی» (بم) تقسیم می شوند.

- در نتیجه حروف در ترکیب کلمات زبان ترکی از نظر «آهنگ تن صدا» به سه بخش زیر تجزیه می شوند:



حروف صدادار با آهنگ بالائی و حروف صدادار با آهنگ پائینی در کلمه و پسوند سازی دو گروه متضادی را تشکیل می دهند، که آنها هرگز در یک کلمه ساده ترکی و پسوند آنها ادغام نمی شوند. در نتیجه این گروه بنده متضاد حروف صدادار کلمات و پسوندها در زبان ترکی به دو شکل زیر ساخته می شوند:

۱) کلماتی که با ترکیب حروف بی صدا و حروف صدادار با آهنگ بالائی ساخته می شوند:  
گلیرم ، بیلملی دیر ، ننه لیک ، دده لیک و ...

۲) کلماتی که با ترکیب حروف بی صدا و حروف صدادار با آهنگ پائینی ساخته می شوند:  
قارداشلیق ، آلمالیدر ، قورمالی دیر و ...

- حروف صدادار با آهنگ بالائی و پائینی در کلمه و پسوند سازی جدا از هم به کار گرفته می شوند؛ در نتیجه حروف صدادار کلمات و پسوندهای ترکی در دو فرم یعنی با حروف صدادار با آهنگ بالائی و یا با آهنگ پائینی ساخته می شوند.

## چگونگی تجزیه حروف صدادار:

- حروف صدادار، در زبان ترکی آذربایجان ۹ حرف به شکل زیر می باشند:

اُ U او اُ ü او Ö او O اي i اي اِ E اي عَ ئَ A

توجه: حروف صدادار در زبان ترکی به چند گروه تجزیه شده و با ویژگی‌های خاصی به کار گرفته می‌شوند و این سه‌گانه آنهاست.

- حروف صدادار در ترکیب کلمات و پسوندها از لحاظ «آهنگ تن صدا» به دو بخش متضاد تجزیه مم شوند: (۱: پیور فی) (۲: پیور فی)

(۱) پاورچن) حروف و مفهوم «تن» صدا در دستور زبان ترکی:

حروف صدادار و حروف بی صدا ، اصطلاحاتی هستند که امروزه در زبان فارسی به ویژه در رابطه با آموزش زبانهای خارجی (انگلیسی، فرانسوی و...) به کار گرفته می شوند. این اصطلاحات، در این کتاب نیز مورد استفاده قرار می گیرند، اما به این نکته باید توجه کرد، که حروف «بی صدا»، به ویژه در رابطه با زبان ترکی نادرست است. چرا که حروف ( چه بی صدا و صدادار) هر یک برای خود آوا و صدائی دارد؛ زیرا همه آواها با عملکرد مختلف عضلات ریه، گلو، دهان و لبها با هوای تنفس شده به وجود آمده و از دهان خارج شده و به شکل امواج صوتی در هوای اطراف پخش می شوند و به پرده گوش برخورد می کنند و بدین سان شنیده و سپس تجزیه و تحلیل شده و به اصطلاح فهمیده می شوند. وصف اصطلاح «بی صدا» به حروفی که همانند سایر حروف، تن صدا و امواج صوتی دارند، واژه درستی نمی باشد. علاوه بر آن در به کار گیری اصلاحات حروف «صدادار» و «حروف بی صدا» در زبان ترکی به مطالب زیر توجه کنید:

یک) حروف صدادار ترکی در تقسیم بندی حروف کلمه و پسوند عملکردی همانند حروف صدادار در زبانهای خارجی دارند.

(دو) در زبان ترکی حروف صدادار به دو بخش اصلی با آهنگ بالائی و با آهنگ پائینی تقسیم می‌شوند و آنها هرگز در ترکیب کلمات ساده ترکی و پسوند آنها (بقیه در پاورقی بعدی)

a) حروف صدادار با آهنه بالائی (با صدای نازک)،

آذربایجان نج عدد به شرح زیر می‌باشد:

ə	á	e	í	أئ	i	اي	ö	اؤ	ü	او
---	---	---	---	----	---	----	---	----	---	----

b) حروف صدادار با آهه مائینی (با صدای کلفت)،

آذربایجان هار عدد به شرح زیر می باشند:

a	آ	ا	ای	o	اُ	اُو	u	اُو
---	---	---	----	---	----	-----	---	-----

حرف صدادار کلمات ساده ترکی و سوند آنها تنها با یکی از این دو روه مذکور ساخته می شوند، این اصول را در این کتاب، هماهنگی حروف صدادار در کلمه و سوند سازی و

- اورقی از صفحه قبلی:  
ادغام نمی شوند.

سه) در زبان ترکی حروف صدادار با آهنے بالائی و مائینی در ترکیب کلمات ، به بخش فعال و غد فعال تقسیم شوند که به اصول آن ده صفحات زیر . داخته مرسود.

هار) ا ر کلمات ترکی، با خط عربی نوشته شوند، تمام علائم زیر به شکل حروف صدادار تلفظ شوند.

- علائم ل، آ، و، ؤ، او، او، ي، ی و... و همانا علائم حرکات (اعراب) به حای، حروف، مالدات، مقتدرات، نسبات، کار، فته و شناختی

- ا ر حرف ع با علائم حرکت و يا الف و يا هر سه آنها به کار رفته شود، به شکل حرف صدادار تلفظ می شود. مثال: عَدَ، عِدَ، عُدَّةٌ، عَادَ، أَعْدَادٌ، إِعْدَادٌ

۱- ر علامت ع در وسط و آخر کلمه به کار رفته شود ، به شکل حرف صدادار ما قبل و یا ما بعد خود تلفظ نمایشود. مثال: معمول məm n̩u ، ممنوع məm n̩u و ...

یا قانون هماهنگی حروف صدادار می‌نامیم. با این مفهوم که تمام حروف صدادار کلمات ساده و سوندها با یکی از دو روح مذکور ساخته می‌شوند؛ دو روح مذکور هر چه در ترکیب کلمات ساده ترکی و سوند آنها ادغام نمی‌شوند. مثال:

الف) کلماتی که حروف صدادار آنها با آهه بالائی می‌باشند:

نه nənə، دده dədə، بیبی bibi، پلک çiçək، الک الک، به بلک، سه بلک (سه رملک)، سه رک (سه رملک)، دَرَك (درملک) و ...

- کلمات و سوند هایی که حروف صدادار آنها با آهه بالائی می‌باشند:

دَدَه نِين dədə,nin، بَلْ كَلْرِين çiçəklərin، بَلْ كَلْرِين bibidən، بَلْ كَلْرِين بَلْ كَلْرِين دَن، نَهَ دَن، آلهَ كَدَن و ...

ب) کلماتی که حروف صدادار آنها با آهه مائینی می‌باشند:

آدام adam، باجی bacı، قارداش qardaş، قُويون qoyun، يولداش، سالماق، قالماق، يازماق، قارداش و ...

- کلمات و سوند هایی که حروف صدادار آنها با آهه مائینی می‌باشند:

باجی نِين bacının، آدامام adamam، باجی نی bacını، بالانین، قارداشین، آنانین، بابانین و ...

توجه: کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده و حروف صدادار آنها با هماهنگی صرف نشده اند، عموماً آنها حروف صدادار خود را حفظ می‌کنند، اما حروف صدادار سوند آنها وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می‌باشند، که باید با قانون هماهنگی به کار رفته شوند. مثال:

کلمه عربی: مملکت مملکتler، məm lə kət lər مملکتler، məmləkət مملکت، məmləkətlərdən مملکتلردن

کلمه فارسی: نامردلیک kar ger çi lik، na mərd lik کار ریلیک و ...

### ۳) چگونگی تفاوت آهنگ تن صدای حروف و اصول هماهنگی آنها:

- برای بیان چگونگی و اصول هماهنگی حروف صدادار، جدول هائی در صفحات زیر آمده اند، که در سطر اول آنها حروف صدادار با آهنگ بالائی، در سطر دوم آنها حروف بی صدا و در سطر سوم آنها حروف صدادار با آهنگ پائینی درج شده اند. مثال:
- جدول زیر را سه سطر مختلف تشکیل می دهند، که هر سطر آن برای نشان دادن محدوده های امواج صوتی یک بخش حروف ترکی در نظر گرفته شده است:

i Ú ü e ö ē ē ē ī ē ī ö ī	حروف صدادار با آهنگ بالائی:
b s c f g x j q d l n r	حروف با «تن ساکن»:
a ī u a ī a u o ī a u	حروف صدادار با آهنگ پائینی:

البته به این مطلب باید دقت شود، که منظور از تقسیم و گروه بندی حروف صدادار از لحاظ تن صدا، سنجیدن تفاوت دقیق آواهای حروف به وسیله دستگاههای مدرن الکترو-نیکی نمی باشد، بلکه نشان دادن ابتدائی ترین مسئله صوتی (و فنتیکی) می باشد، که با کمی توضیح و دقت، با گوش معمولی قابل درک می باشد، که کمک زیادی به روشن شدن مسائل هماهنگی حروف صدادار در دستور زبان ترکی می کند و بدین سان مسئله ای که مد نظر این مبحث است، حل و فصل می شود.

- اکنون در جدول دیگری، یک کلمه ترکی «نه لیک دن nənəlikdən» را در نظر می گیرم که حروف صدادار آن با آهنگ بالائی و با هماهنگی به کار گرفته شده است. در جدول زیر حروف مختلف کلمه «نه لیکدن nənəlikdən» را با یک خط زیگزاگی از بین حروف مختلف سه سطر جدا می کنیم و بدین سان خط زیگزاگی، که در بین حروف مختلف سه سطر به بالا و پائین کشیده می شود، تفاوت آواها و حرکت امواج صوتی آنها را نشان

می دهد. مثال: (نَهْ لِيْكْ دَنْ nənəlikdən

حروف صدادار با آهنگ بالائی:	ü ö e ə öi ü ə i e ü i ü p t ö l ə i ü l i
حروف با تن «ساکن»:	ğ k n ğ k n hm l q km k r d p l n n m l
حروف صدادار با آهنگ پائینی:	a u i o a u i o a u i u a

- اکنون برای مثال دیگر، کلمه ترکیبی «قارداشلیقدان qardaşlıqdan» را در نظر می گیریم که حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با هماهنگی به کار گرفته شده است:

حروف صدادار با آهنگ بالائی:	ə m ü ö e ü i ö ə ö i ü e i ö i e
حروف با تن ساکن:	p q t c r m d l k ş h l q t q s d m s n p
حروف صدادار با آهنگ پائینی:	o l s a i a l q a l a i u l o i a u a u o

- در رابطه با تقسیم بندی حروف و چگونگی بیان آنها به مطالب زیر توجه کنید:
- a) در بیان حروف صدادار با آهنگ بالائی (در سطر اول) دهان کمی باز می شود، ولی راه هوای بیرون داده شده کمی تنگتر می شود. صدای حروف سطر اول کشیده تر از حروف سطر دوم و همانا نازکتر از حروف سطر دوم و سوم می باشد.
  - b) در بیان حروف بی صدا (در سطر دوم) جلوی هوا به اشکال مختلف به وسیله زبان، دندانها، لبها و ... سد شده و با باز شدن آنها هوا و یا صدا در لحظه کوتاهی از دهان خارج شده و فوراً نیز قطع می شود.
  - c) در بیان حروف صدادار با آهنگ پائینی در سطر سوم ، دهان کمی بیشتر از دو گروه بالائی باز می شود ؛ تن صدای حروف صدادار با آهنگ پائینی کمی بم تر (کلفت تر) از سطر اول و دوم می باشد.

- از اینکه حروف صدادار کلمه «قارداشلیقدان» با آهنگ پائینی می باشند ؛ در نتیجه خط زیگزاگی در بین دو سطrix که در یکی از آنها حروف صدادار با آهنگ پائینی و در دیگری حروف بی صدا (یا ساکن) نوشته شده است ، به بالا و پائین کشیده می شود.

- اکنون برای مثال، کلمه مرکب « مصطفی‌زاده Mostəfəzadə » را در نظر می‌گیریم، که از دو کلمه عربی (مصطفی) و فارسی (زاده) تشکیل یافته و حروف صدادار آن با هماهنگی به کار گرفته نشده است، به همین دلیل نیز خط زیگزاگی در بین سه سطر مختلف به بالا و پائین کشیده می‌شود: (مصطفی‌زاده Mostəfəzadə : اسم مرکب عربی‌فارسی)

ه e ö e ü i i ö e e ö ü i ü i e i ö e i	حروف صدادار با آهنگ بالائی:
ğ M s p s k t m g f l k z p m f d o l z	حروف با تن ساکن:
ı o u o u i m t ü q a i a o i u a l u p l u	حروف صدادار با آهنگ پائینی:

## ۵) حروف صدادار و تجزیه آنها به گروه فعال و غیرفعال:

حروف صدادار علاوه بر تجزیه به گروه آهنگ بالائی و پائینی، به شکل زیر به دو گروه فعال و غیرفعال نیز تقسیم می‌شوند.

- حروف صدادار، در زبان ترکی آذربایجان ۹ حرف می‌باشند، که در ترکیب کلمات به شکل زیر به دو بخش فعال و غیرفعال تقسیم می‌شوند:

a , ə , i , ı , u	شش حرف صدادار فعال:
e , օ , او	سه حرف صدادار غیرفعال:

### الف ) « حروف صدادار غیرفعال »،

حروفی هستند، که تنها در بند اول کلمات ساده ترکی (به عنوان اولین و دومین حرف کلمه) شرکت می‌کنند و در دیگر بندهای کلمه ساده و پسوند آنها اصلاً به کار گرفته نمی‌شوند. به همین دلیل است که اسم این حروف را « حروف صدادار غیرفعال » می‌نامیم.

- حروف صدادار غیرفعال سه عدد به شکل زیر می‌باشند:

o	او	ة	أؤ	ئ	ائ
---	----	---	----	---	----

- حروف صدادار غیرفعال تنها در کلمات تک هجائي و يا در بند اول کلمات چند سیالابي به کار گرفته می‌شوند. مثال:

حروف صدادار غیر فعال در کلمات تک سیلاhi:

ي e ، د de ، اوپ öp ، ائل eɪ

حروف صدادار غیر فعال در بند اول کلمات چند سیلاhi:

دوشە مك döşəmək ، سۇيۇنماق soyunmaq ، ائشىتمك eşitmək و ...

- از سه حرف صدادار غیر فعال دو حرف آنها به شکل زیر با آهنگ بالائی و یک حرف آنها با آهنگ پائینی می باشند:

حروف صدادار غیر فعال با آهنگ بالائی: ائ e ، او ئ ö

حروف صدادار غیر فعال با آهنگ پائینی: او o

- حروف صدادار غیر فعال با آهنگ بالائی به شکل زیر تنها در سیلاپ اول کلمات به کارگرفته می شوند:

ائشىتمك eşitmək ، ائتمك etmək ، دئمك demək ، يېيلمك، گئيلمك، سئو sev ، سئومك sevmək ، سئویلملی دیر seviləmlidir ، اوپمك öpmək و ...

- حروف صدادار غیر فعال با آهنگ پائینی به شکل زیر تنها در سیلاپ اول کلمات به کارگرفته می شوند: اوخلاماق، سؤلماق، يۈلماق، سۇساماق، يېغماق، دېغماق و...  
توجه: کلماتی که از سایر زبانها وارد زبان ترکی شده اند، حروف «غیر فعال» خود را در بندهای مختلف کلمه حفظ می کنند، ولی پسوند آنها باید با قانون هماهنگی حروف فعال به کارگرفته شوند. مثال:

لۇندۇن London لۇندۇن (لندن)، لۇندۇندا دىر Londondadır (در لندن است) لۇندۇن -

داكى london dakı (آن چه که در لندن است). نيكاراڭووا nikaraquva نيكاراڭوادا كى لاار nikaraquvadadırلار نيكاراڭوادا دا كى لاار و ...

- کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده و آخر آنها با حرف غیر فعال «e» باشد، آن حرف به شکل حرف «آ ā» تلفظ می شود. مثال:

مهرييە mehriyə ، علميه elmiyə ، جمييله cəmilə و ...

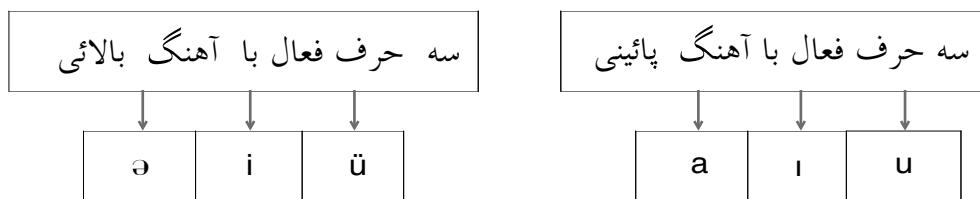
## ب) « حروف صدادار فعل » ،

حروفی هستند، که در تمام بندهای کلمات و پسوندها به کار گرفته می‌شوند، به همین دلیل اسم این حروف را در این کتاب « حروف صدادار فعل » می‌نامیم.

- حروف صدادار فعل شش عدد به شرح زیر هستند:

U	I	A		İ	Ə	Ü
---	---	---	--	---	---	---

- از شش « حرف صدادار فعل »، سه عدد آنها « با آهنگ بالائی » و سه عدد دیگر آنها « با آهنگ پائینی » هستند:



حروف صدادار کلمه و پسوندها در زبان ترکی آذربایجان با یکی از دو گروه مذکور یعنی با حروف صدادار با « آهنگ بالائی » و یا با « آهنگ پائینی » ساخته می‌شوند:

- اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای با آهنگ بالائی باشد، سیلابهای پسوند آن با یکی از سه حرف صدادار فعل با آهنگ بالائی ( Ü, İ, Ə ) ساخته می‌شود. مثال:

گله جکدیر gələcəkdir ، گلمکده دیر olmamışdır ، گلمکده یه جک و ...

- اگر حرف صدادار کلمه ای با آهنگ پائینی ( a, ı, u ) باشد، بندهای مختلف پسوند آن با یکی از سه حرف فعل « u, ı, a » ساخته می‌شود. مثال:

آلماق almaq ، دُنور donur ، آلمقادادır almaqdadır ، اولمامیشدیلار olmamışdılار

توجه: حروف صدادار تقریباً چهل درصد از کلمات ترکی را تشکیل می‌دهند. حروف صدادار غیر

فعال سه عدد هستند، که تنها در بند اول کلمات شرکت می‌کنند.

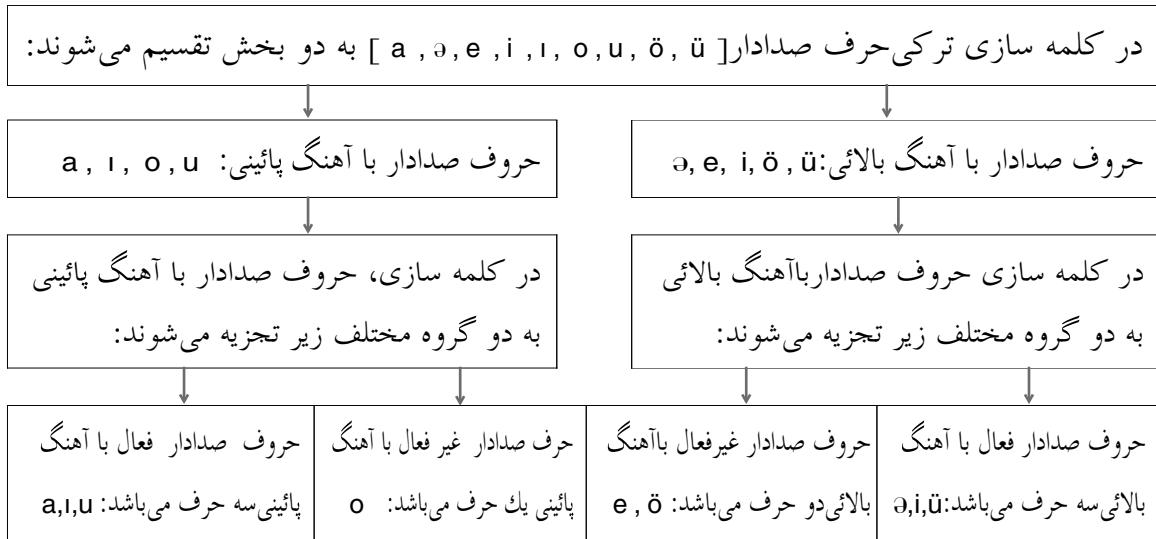
بقیه بندهای کلمه و پسوندها با شش حرف صدادار فعل ساخته می‌شوند. حروف

صادار فعل به نسبت کمیت خود خیلی بیشتر از سایر حروف در ترکیب کلمات

به کار گرفته می‌شوند.

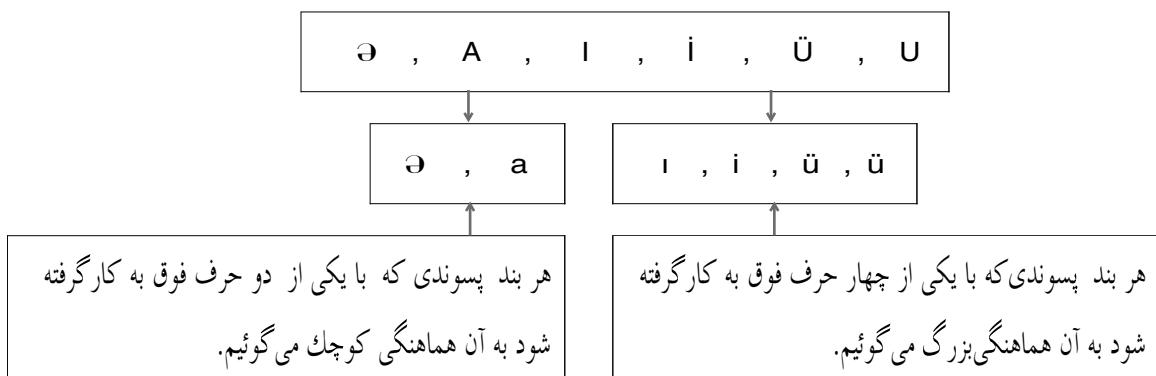
به جدول تقسیم بندی حروف صدادار در کلمه سازی توجه کنید:

برای آشنائی هر چه بهتر با تقسیم بندی حروف صدادار در کلمه سازی و به کارگیری ۹ حرف صدادار در ترکیب آنها به جدول زیر توجه کنید:



## ۶) حروف صدادار فعال و نحوه به کارگیری آنها در ترکیب پسوندها:

حروف صدادار فعال شش حرف هستند که در پسوند سازی به شکل زیر به دو گروه تجزیه شده و با دو شیوه مختلف به کارگرفته می شوند:



- اکنون به چگونگی به کارگیری هماهنگی کوچک با دو حرف « ئ ، ا » به پسوند کلمات

مختلف در جدولهای زیر توجه کنید:

الف) هماهنگی کوچک در پسوند سازی با دو حرف فعال « a, e » به شکل زیر در دو فرم عملی می‌شود:

یک فرم ) هماهنگی کوچک با حرف « e »:

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف « i, e, ö, ü » باشد، پسوند مصدری آنها به شکل زیر با هماهنگی کوچک با حرف صدادار « e » ساخته می‌شود. مثال:

آخرين حرف صدادار افعال زير با يكى از پنج حرف صدادار با آهنگ بالائي ü, ö, i, e مى باشد.	پسوند مصدرى
mək	gəl mək گلمک
mək	get mək گتمک
mək	iç mək ايچمک
mək	gör mək گورمک
mək	gül mək گولمک

- برای مثال دیگر، افعالی را در نظر می‌گیریم، که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی می‌باشد که پسوند آنها در زمان آینده نزدیک با هماهنگی کوچک ساخته می‌شود:

پسوند زمان آینده نزدیک	فارسی	ترکی	پسوند
ər	او می‌آید	gələr گلر	
ər	او انجام می‌دهد	edər ائدر	
ər	او گم می‌شود	itər ایتر	
ər	او می‌بوسد	öpər اوپر	
ər	او می‌خندد	gülər گولر	

توجه: - اگر در ترکیب پسوندی یکی از دو حرف ( a, e ) به کار گرفته شود، آن شیوه کار را هماهنگی کوچک می‌نامیم .

- پسوندهای صرف شده در دو جدول مذکور يك سیلابی می باشند.

- اکنون برای مثال دیگر، به پسوندی توجه کنیم که از دو سیلاپ تشکیل می شود، که هر دو سیلاپ آن با هماهنگی کوچک با حرف صدادار « ئ » ساخته می شود. مثال:

پسوند آینده دور		ترکی	فارسی
əc,ək	{ فرمول دو سیلانی هماهنگی کوچک: ə , e , i , ö , ü = ə	gəl əcək او گله جك	او خواهد آمد
əc,ək	{ ریشه فعل و پسوند آینده دور	ed əcək او ائده بچك	او انجام خواهد داد
əc,ək		it əcək او ایته جك	او گم خواهد شد
əc,ək		öp əcək او اؤپچك	او خواهد بوسید
əc,ək		gül əcək او گوله جك	او خواهد خنید

دره جك، سره جك، اسه جك، دؤزه جك، دوزه جك، سوره جك و ...

- چنانکه ملاحظه می شود، پسوند افعال مذکور دو سیلاپی هستند، که هر دوی آنها با حرف صدادار فعل « ئ » و با هماهنگی کوچک ساخته می شوند ( əcək ).

### ( ۱ - پاورقی ) :

**چگونگی تکامل هماهنگی حروف صدادار در زبان ترکی:**

- کتب و اشعار مختلفی که از دورانهای مختلف گذشته به یادگار مانده اند، نشانگر این واقعیت است که از قدیم قانون « هماهنگی حروف صدادار » در ترکیب کلمات ترکی به کار گرفته شده و در هر دوره ای نیز به نسبت دوران قبلی اصول آن بهتر رعایت شده است. برای مثال به اشعار مختلف گذشته و حال توجه کنید:

- از کتاب دکتر زهتابی به نام « ایران تورکلرینین دیلی و ادبیاتی »، شعر از دوران حاکمیت « مادها » « الپ ارتُنکا اُلدیمو؟ » ( Alp Artunka öldimü? ) ( با لهجه کونی: آلب آرتونقا اولدمو؟ ) « اُذلک اُوجن آلدیمو؟ آمدی یئرك بیرتیلور ». ( özlək öcen aldımı amdi yörək yırtılur . )

( بقیه در پاورقی صفحه بعدی )

## دو فرم ) هماهنگی کوچک با حرف « a »:

اکنون افعالی را در نظر می‌گیریم، که آخرین حرف صدادار آنها با یکی از چهار حرف صدادار با آهنگ پائینی می‌باشد، که پسوند مصدری آنها با هماهنگی کوچک با حرف صدادار « a » ساخته می‌شود. مثال:

پسوند مصدری	آخرین حرف صدادار کلمات زیر با یکی از چهار حرف « a , I , O , U » می‌باشد:			
maq	فرمول دوم هماهنگی کوچک :	{	al m aq	آلماق
maq	a , I , O , U = a		ayil maq	آییلماق
maq	{ مصدر( ریشه فعل با پسوند مصدری)		don maq	دونماق
maq			oxu maq	اوخوماق

- کلمات مذکور از دو بخش تشکیل می‌یابند:

بخش اول آنها ریشه فعل و بخش دوم آنها پسوند مصدری می‌باشد، که با هماهنگی کوچک ساخته می‌شوند.

### پاورقی از صفحه قبلی:

( با لهجه کنونی: فلک اوچون آلدیمی؟ ایندی اوره ک بیرتیلیر )

- شعری از کتاب « دده قور قود » ( از کتاب محمد خانی « گونئیلی » )

« اوّنلار داخى بۇ دۇنيا يالى گلدى كىچىدى، كَروان كىبى قۇندى كوچدى » ...

( با لهجه کنونی: اوّنلار داهى بۇ دۇنيا يالى گلدى كىچىدى، كاروان كىمى قوندو كۈچدو

- شعری از کتاب شیخ قاسم انوار:

عاشق اوّلدو غم بىلورسن جانىمە جفا قىلورسن. حال زارىمى سئورسن چلىمى اوّنوتما...

اوّدا ياقە سن جانىم سن يېرە تؤكە سن قانىم سن و ...

( با لهجه کنونی: عاشق اوّلدو غم بىليرسن جانىمما جفا قىلىرىسان حال زارىمى سئورسن چلىمى

اوّنوتما... اوّدا ياخاسان سن جانىم سان يېرە تؤكە سن قانىم سان و ...) » ( پاورقی از صفحه بعدی )

- برای مثال دیگر، افعالی را در نظر می‌گیریم که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می‌باشد و پسوند آنها با هماهنگی کوچک با حرف صدادار «a» ساخته می‌شود:

پسوند آینده نزدیک	آخرین حرف صدادار افعال زیر با یکی از چهار حرف u, o, i, a می‌باشد:	
ar	فرمول دوم هماهنگی کوچک: a, i, o, u = a	او می‌گیرد
ar		او جمع می‌کند
ar		او می‌شود
ar		او پرواز می‌کند

- اکنون برای مثال دیگر، افعالی را در زمان آینده دور صرف می‌کنیم که پسوند آنها دو سیلاخی (ac, aq) می‌باشد، که هر دو سیلاخ آنها با هماهنگی کوچک ، با

پاورقی از صفحه قبلی:

- به شعری از ناظم حکمت (حیکمت) از ترکیه توجه کنید:

شعر با لهجه آذربایجانی:	اصل شعر با لهجه استانبولی:
من يانماسام سن يانماسان بيز يانماساق	بَن يانماسام سن يانماسان بيز يانماساك
ئىچەرە ئىچىخار قارانلىقلار آيدىن ليغا ...	ناسيل چيڪار كارانلىقلار آيدىن ليغا...
بىردىن بىرە قايالاردان تۈكۈلدۈلر	بِيرَدَن بِيرَه قَايالارْدَان دُوكُولْدُولَر
گۈيىدىن ياغار، يېردىن - بىتىركىسى (كىمى)	گُئِكتَن ياغار، يېرَدَن - بِيتَر كِيمِى
بۇ توپراغىن وئردىيگى آن سۇن اڭرىكىمى(كىمى)	بۇ توپراغىن وئردىيگى إن سۇن اڭرىكىمى

- شعری از وهاب زاده: ( از آذربایجان شمالی )

بۇ نىچە دۇنيادىير آنلامىرام من، ( bu necə dunya dir anlamıram mən, )

[ بقیه در پاورقی صفحه بعدی ]

حرف صدادار « a » ساخته می شوند. مثال:

آخرین حرف صدادار افعال زیر با آهنگ پائینی و یا با یکی از چهار حرف « a,i,o,u » می باشد:		پسوند آینده دور	
↓		↓	
ac,aq	فرمول دوم هماهنگی کوچک: $a, i, o, u = a$	o al acaq	او خواهد گرفت
ac,aq		o qıraq acaq	او خرد خواهد کرد
ac,aq		o ol acaq	او خواهد شد
ac,aq		o uç acaq	او پرواز خواهد کرد

توجه: ا رکلمه ای مرکب و یا از زبانهای دی ر وارد زبان ترکی شده باشد و حروف صدادار آن با هماهنگی صرف نشده باشد، سوند آن کلمه باید با قانون هماهنگی حروف صدادار ترکی به کار رفته شود. مثال:

کلمه عربی: **محمد ده دیر** ، **لاله دکی** ، **Mohəmməd də dir** ، **ممالکتلریندن** ، **مخالفتیکلردن** ، ...

پاورقی از صفحه قبلی:

نه گلیش بللى دیر، نه گئدیش بیزه.. ( nə gəliş bəlidir nə gediş bizə...)

خبریمیز اولمور گلیشیمیزدن، ( xəbərimiz olmur gəlişimizdən ,)

اینانا بیلمیریک گئتمه بیمیزدن... ( inanabilmirik getməyimizdən...)

- همانطوری که از اشعار مذکور مشاهده می شود، هماهنگی حروف صدادار در اشعار قدیمی نیز به کار گرفته شده است، ولی امروزه از طرف نویسنده‌گان ترک زبان به ویژه در ترکیه و جمهوری آذربایجان با دقت زیادی رعایت و به کار گرفته می شود. اما متأسفانه آن از جانب خیلی از نویسنده‌گان ترک زبان در آذربایجان جنوبی به شکل صحیح به کار گرفته نمی شود. امید است که این عزیزان در آینده به این مسئله مهم و تکاملی زبان ترکی دقت کنند. قانون هماهنگی حروف صدادار در زبان ترکی سرعت عمل بیان و فهماندن مطالب را بالا می برد و مصرف انژی ارگانهای دهان، گلو، ریه و مغز را کمتر می کند و همانا اشتباه در خواندن، شنیدن و نوشتن کلمات را به حد اقل می رساند:

## ب) هماهنگی بزرگ:

هماهنگی بزرگ شیوه عملی است که حرف صدادار پسوند با یکی از چهار حرف صدادار «فعال» زیر ساخته می‌شود.

	i	ı	ü	ö
--	---	---	---	---

«هماهنگی بزرگ» فرمی از پسوند سازی است، که پسوندها به چهار فرم ساخته می‌شوند؛ دو فرم آنها مخصوص کلماتی هستند که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و دو فرم دیگر آنها مخصوص کلماتی هستند، که آخرین حرف صدادار آنها

### (۱: پاورقی) تاثیر هماهنگی حروف صدادار در زبان ترکی:

- چنانکه در جدولهای صفحاتِ قبلی اشاره شد، در بیان کلمات «قارداشلیق» و «نه لیک دن»، خط زیگزاگی که به عنوان علامتِ امواج صوتی در نظر گرفته شده است، تنها در محدوده‌های دو سطر به بالا و پائین کشیده می‌شود؛ در نتیجه عضلات دهان و گلو و... در یک حالت نسبتاً آرامی، ولی با باز دهی بهتر به فعالیت خود ادامه می‌دهند، در صورتی که در بیان کلمه «مصطفی‌زاده»، خط زیگزاگی در بین سه سطر در نوسان است. بدین سان مغز و یا عضلات ریه، دهان و... برای بیان حروف مختلف باید موقعیت قبلی خود را تغییر دهند که برای آن نیاز به زمان طولانی و مصرف انرژی بیشتری دارند. این چنین دلائلی هستند که بیان کلمه «مصطفی‌زاده» خیلی مشکلتر از گفتن کلمه «قارداشلیقدان» و یا «نه - لیک دن» است. برای تجربه کردن هر چه بهتر مسئله مطروحه، کلمات جدول زیر را چندین بار بخوانید، یقیناً به راحتی متوجه مشکل و آسان بودن آنها خواهید شد:

حاله [ خالا ] ، دیوار [ دُوار ] ، شهر [ شَهر ] ، قالب [ قالیب ] ، برادر [ داداش ] ، عباس [ عاباس ] ،  
دانه [ دانا ] ، آدم [ آدَم ] و...

xala	duvar	səhər	qalib	dadas	Abbas	dana	adam	با هماهنگی حروف صدادار	ترکی
xale	divar	səhər	qaleb	bəradər	Əbbas	dane	adəm	بدون هماهنگی حروف صدادار	فارسی

- چنانکه ملاحظه می‌شود کلماتی که حروف صدادار آنها با هماهنگی به کار گرفته می‌شوند، خیلی آسانتر و سریعتر بیان می‌شوند، در صورتی که بیان کلماتی که حروف صدادار آنها با هماهنگی نیستند مشکلتر است؛ (بقیه در صفحه بعدی)

با آهنگ پائینی می باشد:

دو حرف با آهنگ بالائی	دو حرف با آهنگ پائینی
i	ü

- در قانون هماهنگی بزرگ، حروف صدادار پسوندها با یکی از چهار حرف صدادار به کارگرفته می شود:

فرم اول:

- هماهنگی بزرگ با حرف «i» :

اگر آخرین حرف صدادار فعلی به یکی از سه حرف «i, e, ə» ختم شود، پسوند آن در زمان حال با هماهنگی بزرگ با حرف صدادار «i» ساخته می شود. مثال:

پسوند زمان حال		پسوند افعال زیر در زمان حال، با هماهنگی بزرگ با حرف «i» ساخته می شود:		
ir	ir	} فرمول اول هماهنگی بزرگ : ə, e, i = i	gəl i r او گلیر	او می آید
ir	ir		ed i r او ائدیر	او انجام می دهد
ir	ir		iç i r او ایچیر	او می نوشد

- به مثالهای زیر نیز توجه کنید:

آسیر asır ، سسله بیر səsləyir ، وئریر verir ، دئیر deyir ، گندیر gedir و ...

پاوقی از صفحه قبلی: چرا که ارگانهای فعل دهان گلو و... برای بیان حروف متفاوت با آهنگ بالائی و پائینی می باشد لحظه به لحظه موقعیت خود را تغییر دهند، تا بتوانند فشار هوا و امواج صوتی را تغییر دهند. در نتیجه فعالیت اضافه نسبی، احتیاج به انرژی بیشتر و به زمان طولانی تری دارند؛ به همین دلیل کار مغز نیز مشکل و خسته کننده تر و برای ماهیچه های چانه و گلو درد آور است؛ این چنین است که سخنرانی در زبان ترکی آسانتر، ولی در زبان فارسی مشکلتر و خسته کننده تر می باشد. درست به دلیل آسان بودن بیان کلماتی که حروف صدادار آنها هماهنگی دارند، بچه های کوچک در آغاز سخن، کلماتی را به شکل «به، به نه، دده، بُبُو، او او، بُبُو ماما، پاپا و...» به زبان جاری می کنند چرا که بیان آنها آسانتر است. علاوه بر مطالب مذکور، اگر در نوشتمن و یا در خواندن کلمه ای، حرفی از آن جا به جا شود، با قانون هماهنگی و طریقه به کارگیری حروف صدادار فعل و غیر فعل، به آسانی می توان آن را اصلاح کرد. از اینکه در زبان ترکی بعضی از حروف بی صدا در کنار بعضی از حروف صدادار به کارگرفته نمی شوند، آن نیز به اصلاح آنها کمک می کند..

## فرم دوم ) هماهنگی بزرگ با حرف « ئ »:

اگر آخرین حرف صدادار فعلی به یکی از دو حرف « ء ، ئ » ختم شود ، پسوند آن در زمان حال به شکل زیر با هماهنگی بزرگ با حرف صدادار « ئ » ساخته شده و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

		آخرین حرف صدادار کلمات جدول زیر با یکی از دو حرف « ء » و یا « ئ » می باشد.		
ür	{ فرمول دوم هماهنگی بزرگ: ö , ü = ü	döz,ür      دؤزور düşün,ür      دوشونور	او      او او      او	صبر می کند فکر می کند
ür				

- به صرف پسوند افعال زیر نیز توجه کنید:

اوپور öp,ür ، اوشویور üşüy,ür ، دئووشور dövüş,ür ، دئونور dön,ür ،  
دوشور düş,ür ، سئونور، دئزور، سوزور، دوزور، بوزور، اوزور و ...

## فرم سوم:

### - هماهنگی بزرگ با حرف « ا »:

اگر آخرین حرف صدادار فعلی به حرف « ا » و یا « a » ختم شود، حرف صدادار پسوند آن در زمان حال با حرف « ا » به کار گرفته می شود:

		پسوند زمان حال		
	{ فرمول سوم هماهنگی بزرگ: a , ı = ı	al ır      آلیر yıx ır      ییخیر	او      او او	می گیرد ( بر زمین) می زند
ır				

- به صرف پسوند افعال زیر نیز توجه کنید:

، sıxır      سیخیر	، atılır      آتیلیر	، ayılır      آیلیر	، aşır      آشیر
، satılır      ساتیلیر	، axtarır      آختاریر	، aldadır      آلدادیر	، aparır      آپاریر
، diğir      دیغیر	، yıxır      ییخیر	، sıxır      سیخیر	، qırır      قیریر
	ییغیر	دیغیر	سینیر
	و ....		

## فرم چهارم)

### - هماهنگی بزرگ با حرف « u » :

اگر آخرین حرف صدادار فعلی به یکی از دو حرف « o , u » ختم شود، حرف صدادار پسوند آن در زمان حال با هماهنگی بزرگ با حرف صدادار « u » ساخته می‌شود:

آخرین حرف صدادار افعال در جدول زیر با یکی از دو حرف o و یا u می‌باشد.		پسوند زمان حال
ur	{ فرمول چهارم هماهنگی بزرگ: o , u = u	ol ur او لور او ut ur او تور او
ur		( بازی را ) می‌برد او می‌شود

- به صرف پسوند کلمات زیر نیز توجه کنید:

susuyur	سُو سُو یُور	,	ucur	او چُور	,	sonur	سُونُور	,	donur	دو نُور

سُورُور ، sorur ، دُونُور ، دُونور ، قُونور و ...

### - فرمول هماهنگی بزرگ به چهار فرم زیر می‌باشد:

آخرین حرف صدادار افعال		پسوندهای مختلفی که با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.		ریشه افعال مختلف
a , i		al	qıll	
o , u		ol	uç	{ حرف صدادار با آنگ پائینی
				i r
ə , e , i		gəl	sev	u r
ö , ü		döz	üz	{ حرف صدادار با آنگ بالائی
				i r
				ü r

- اگر حروف صدادار پسوندی با یکی از چهار حرف « u , ü , i , a » به کار گرفته شود، آن را هماهنگی بزرگ و اگر حروف صدادار پسوندی با یکی از دو حرف « ə , ö » به کار گرفته شود، آن را هماهنگی کوچک می‌گوئیم:

به پسوند سازی و هماهنگی حروف صدادار آنها در جدول زیر توجه کنید:

حروف صدادار پسوندها با شش حرف صدادار فعل با دو شیوه مختلف با « هماهنگی

کوچک » و با « هماهنگی بزرگ » به شکل زیر به کارگرفته می‌شوند:



## ٧) نحوه به کارگیری حروف در ترکیب کلمه و پسوند:

اکنون برای آشنائی هر چه بهتر با شیوه نوشتن و خواندن کلمات ترکی با خط عربی ولاطین و طریقه به کارگیری تک تک حروف صدادار فعال و غیر فعال در ترکیب سیلابهای کلمات به مطالب صفحات زیر توجه کنید:

بخش اول) چگونگی نوشتن و خواندن حروف صدادار با آهنگ بالائی:

- حروف صدادار با آهنگ بالائی پنج عدد به شکل زیر می باشند:

ü , e , i , ö , ü

- از پنج حرف صدادار با آهنگ بالائی دو عدد آنها (ö, e) حروف صدادار غیر فعال و سه عدد آنها (ü, i, ø) حروف صدادار فعال هستند.

- در کلمه و پسوند سازی ، حروف صدادار غیر فعال (ö, ü, ø) تنها در ترکیب بند اول کلمات صرف می شوند، ولی آنها در ترکیب بندهای دیگر کلمات ترکی و پسوند آنها اصلاً به کارگرفته نمی شوند.

حرف «e» یکی از حروف صدادار فعال است که در تمام بندهای کلمات و پسوندها به کارگرفته می شود. مثال:

حرف «آ» در اول کلمه:

آل اه ، الین *əlin*: آتک *ətək* ، آتسیز. آت *ət* ، آتلر *ətlər* . الـحـكـ *əlcək* ، الـجـكـلـرـ *əlcəklər* . آمـكـ *əmək* ، آـکـمـهـ *əkməyin*. آـکـینـ *əkin* ، آـکـنـدـهـ *əkəndə*. آـرـیـکـ *ərik* ، آـرـکـ *ərk*. آـسـمـکـ *əsmək* ، استـیـرـمـکـ *əstirmək* ، الـكـ *ələk* ، الـکـلـرـ *ələklər* ، الـمـکـ *əlkə*. (الـمـکـ *əlkə*)، الـمـرمـ *ələməm*، الـهـ مـهـ *əməm*، الـهـ مـکـدـهـ *əmkədə*، الـهـ دـئـیـلـیـمـ *əməmə* و ...

حرف «آ» در وسط کلمه:

( حرف «e» با خط عربی در وسط کلمه به شکل حرکت [ اعراب ے ] نوشته می شود.)  
ذـدـهـ *dədə* ، نـهـ *nənə* ، بـیـهـ *bəbə* ، گـلـهـ جـکـ *gedəcək* ، حـسـنـ *Həsən*

حروف «ا» در آخر کلمه:

اگر حرف «ه» عربی در آخر کلمه به کار گرفته شود، در زبان ترکی به شکل «ا» تلفظ می شود:

دده (د د) dədə، ننه (نه نه) nənə، گله gələ، ائشیده eşidə سنه sənə، علی یه əliyə، کرمہ kərəmə، حسنه Həsənə و ..

- در رابطه با به کار گیری حرف «ه» به مطالب زیر توجه کنید:

همه حروف صدادار کلمات و پسوند های مذکور با آهنگ بالائی بوده و با هماهنگی به کار گرفته شده اند. تمام حروف صدادار پسوند های کلمات مذکور به وسیله حروف صدادار فعال ساخته شده اند.

حروف «ه»، یکی از دو حرفی است که هماهنگی کوچک به کمک آن ساخته می شود.

- با خط عربی حرف «ه» در اول کلمات ترکی به شکل «ا»، ولی در کلمات عربی به شکل «أ، ع، أَع» نیز نوشته می شود. مثال:

کلمات ترکی: آل ə، آلین əlin. آتك atək، آتکسیز atəksiz. آت at و ...

کلمات عربی: علی əli، عمل əmal، اعمال əmal، أكبر و ...

- بعضی کلمات عربی که به وسیله حرف «ع» همراه علائم حرکت (إعراب) — و یا همراه الف نوشته می شود (ع، أَع)، در زبان ترکی به شکل یک حرف صدادار (ے) تلفظ شده و با خط لاتین به شکل «ه» نوشته می شود. مثال:

علی əli، عباس Abbas (Abbas)، عهد əhd، تعهد tə,əhud (tə,əhüd)، تَعْمُل tə,əmül، مُعَلِّم mü,əlim (مؤَلِّم) مُحَمَّد، رمضان و ...

- چند کلمه فارسی و عربی موجود است، که آخر آنها با حرف «ه» نوشته می شود، ولی آن به شکل (h) تلفظ می شود. مثال:

کلمه فارسی ترکی: «به به» نوشته شده و به شکل «bəh,bəh» تلفظ می شود.

کلمه عربی: الله نوشته شده و به شکل آلاه (allah) تلفظ می شود.

« توجه » به شکل « təvəcüh تَوْجُّه » تلفظ می‌شود.

- اگر با خط عربی علامت « ه » در اول و وسط کلمه به حرف بعدی خود بپیوندد، به شکل « hه » تلفظ می‌شود. مثال:

هله لیک (هله‌لیک) hələlik ، اهر əhər ، بهرام Bəhram ، همیشه həmisiçə ، هر hər ، هرکس hərkəs ، همزه əhməz ، همدان həmdan ، هئریز əhəriyəz و ...

حرف صدادار « إ e ، ع ı »:

حرف « e » (إ ، ائ ، ئ ، ؕ) ، یکی از سه حرف صدادار « غیر فعال » است که تنها در بند اول کلمات ترکی صرف می‌شود.

حرف « e » در بند اول کلمات ترکی به شکل زیر (إ، ا) به کارگرفته می‌شود. مثال:

ائتمک etmek ، ائشیتمک eşitmək ، ائللر ellər ( طایفه‌ها، خلقها ) ، ائلچی əlcى ( پیام آور، سفیر، خواستگار ) ائلچیلیک ( سفارتخانه ) ، ائلو ev ، ائلوی evli ، ائلونمک evlənmək و ...

- حرف « e إ » در وسط کلمات به عنوان دومین حرف کلمه به شکل « ئ ؕ » به کارگرفته می‌شود. مثال:

سئل sel ، یئل yel ، بئل bel ، هئل hel ، گئتمک getmek ، سئویشمک sevişmək ، دئول devlər ، گئچ geç ، سئچ seç ، سئو sev ، سئوگی sevgi ، سئمک demək ، یئمک yemək

- حرف « ائ ، إ e » در آخر کلمات یک بندی به شکل « ؕ ؕ » به کارگرفته می‌شود. مثال:

ئيئ ye ، دئ دئ de و ...

- حرف « e » در کلمات عربی به شکل « إ ، ع ، إع ، إع » نیز نوشته می‌شود. مثال:

کلمات عربی:

اداره edare ، عِمَادِ عِمَادِ emad ، اِعْتِمَادِ etimad ، atemad

توجه: a) تمام حروف صدادار پسوندهای کلمات مذکور به وسیله حروف صدادار « فعال »

ساخته شده و حروف صدادار « غیر فعال » در ترکیب آنها حق شرکت ندارند.

b) بعضی کلمات عربی که با حرف « ع » همراه علامت حرکت(ع) و یا با حرف حرف

الف و... (ا) نوشته می‌شوند و در زبان ترکی به شکل يك حرف صدادار «ا، ائ»

تلفظ شده و با خط لاتین نیز به شکل «e» نوشته می‌شوند. مثال:

عماد Ebad (عیاد)، عبادت ebadət (عیادت)، اعمال emal و...

### حروف صدادار «ای ا»:

حروف «ا» (ای، ب، ی)، یکی از شش حرف صدادار «فعال» است، که در تمام بندهای کلمات و پسوند ها به کار گرفته می‌شود:

حروف «ا، ای، ب» در اول کلمه به شکل «ای، ا» نوشته می‌شود. مثال:  
ایکی iki، ایکینچی， ایسته مک istəmək، ایتمک itmək، ایللر illər، اینکلر inəklər (اینه کلر)، ایپک ipək، ایپکدن، ایپکدندیر، اینجه incə، ایندی، ایندیدن indidən، ایتمک itmək، ایش، ایشله مک، ایشله دیلمک، ایشله دیلمه مک، ایشله بیرم، ایشله میرم، ایشله مَرم، ایشله نمیر و...

- حرف «ا» در وسط کلمه به شکل (یے، یے) زیر نوشته می‌شود. مثال:

آکین akin، اکیلمک， اکینلر， گلییر gəlir، گلمییر، ایشله بیر işləyir، ایشله مه بیر، دئدیم dədim، دئییرم deyirəm، دئییردیم deyirdim، دییه جیم، ایسته بیرم istəyirəm، ایسته می بیرم، دیل، دیللر dillər، دینمک dinmək، دینمه مک، دیله نمک dilənmək، دیلنچی، دیشچی işçi، دیشیم dışım، دیشله مک dişləmək، سیرکلَمَك sirkələmək [سیرکه له مک]، تیتره مک titrəmək، دَبَدِيرم dedədirəm، یئییر yeyir، یئمییر yemiyir، یئیلیمیر yeyilmir، یئیلیمز yeyilməz و...

حروف «ا» در آخر کلمه به شکل زیر نوشته می‌شود. مثال:

دَدَه سی (دَدَسی) dədəsi، نَنَه سی (نَه نَه سی) nənəsi، بَبِي سی، بیبی سی، ایکیسی ikisi، دَمِيرْچى dəmirçi، اکینچى akińci، ایشچى işçi، یئددی yeddi (یئدی)، دئدی dedi، یئیلدی yeyildi، دئیلدی deyildi، گئیلدی geyildi و...  
توجه: تمام حروف صدادار کلمات و پسوندهای مذکور با حروف صدادار با آهنگ بالائی ساخته

شده و حروف صدادار با آهنگ پائینی حق ادغام با آنها را ندارند.

- حرف «ا» یکی از چهار حرف فعال (ا، ئ، ئى، ئۆ) است، که پسوندها به وسیله آنها با هماهنگی بزرگ ساخته می‌شوند.

### حرف صدادار «أ ة»:

حرف «ة» (او، و) یکی از سه حرف صدادار غیر فعال است، که تنها در بند اول کلمات ترکی به کار گرفته می‌شود:

حرف «ة» در اول کلمه به شکل «أو ة» نوشته می‌شود. مثال:

أُپِرِنِمَك öyrənmək ، أُرْدَك ördək ، أُنْدَه öndə ، أُلْجَى ölçü (ألاڭى) ، أُزْوَم özüm ،  
أُنْلُوك önlük ، أُنْلُويُوم önlüyüm ، أُلْكَه ölkə ، أُلْكَه لرَدَه ölkələrdə ، أُزْگَه özgə  
أُزْگَه لرَدَن özgələrdən ، أُپْمَك öpmək ، أُپْمَه مَكَّاً، أُپْورَمَّا، أُپْشَمَّا، أُپْدَوْمَا،  
أُپْدَوْرَدَوْمَا، أُپْدَورَمَه دَيْمَا، أُپْولَمَكَّا، أُپْولَمَه مَكَّا، أُپْوَشَمَكَّا، أُپْوَشَمَه مَكَّا و... .

- حرف «ة» در وسط (به عنوان دومین حرف) کلمات به شکل زیر نوشته می‌شود:

بَؤْلَ böл ، بَؤْلَمَكَ bölmək ، بَؤْلَونَمَكَ bölməنək ، گَؤْلَلَرَ göz ، گَؤْلَلَرَ، گَؤْزَؤْمَ، گَؤْزَلُوكَ،  
گَؤْرُونَمَكَ، گَؤْرُمَكَ، گَؤْرَ gör ، گَؤْرُورَمَ، سَؤْزَümَ söz ، سَؤْزَسَوزَ، دَؤْزَ döz ،  
دَؤْزَمَكَ، دَؤْنَ dön ، دَؤْشَ döş ، دَؤْشَومَ، دَؤْرَتَ و... .  
توجه: - حرف «ة» با خط عربی در کتب مختلف به شکل «أ، ئ، و، ئُ و... .

نیز نوشته شده است.

- تمام حروف صدادار پسوندهای کلمات مذکور به وسیله حروف صدادار «فعال» ساخته شده اند، که حروف صدادار «غير فعال» در ترکیب آنها شرکت ندارند.

### حرف صدادار «او ئا»:

حرف «ئا» (او، و) یکی از شش حرف صدادار فعال است که در تمام بندهای کلمات و پسوندها به کار گرفته می‌شود.

حرف «ئا» در اول کلمه به شکل زیر نوشته می‌شود. مثال:

اوزملک üzmek ، اوشومک üşümek ، اوشوردوم ، اوشويورم ، اوزورم üzürəm ، اوزولمک üzülmək ، اوزولورم üzüm ، اوزوم üzülürəm ، اوستو üstü ( اسدو ) ، اوتو ütü ، اوتللمک ، اوتلوردو ütülürdü و ...

- حرف صدادار « او ئا » در وسط کلمه به شکل زیر نوشته می شود:

دووزولمک düzülmək ، دوزوردوم düzürdüm ، دوشورمک düşürmək ، دوشوردوم düzürdüm ، دوشونمک düşünmək ، دوشونردوم düşünürdüm ، گولوشمک gülüşmək ، دوشونمه مک ، سوزولور sözüllür ، سوزولمور ، سوزولملى ، سوزولمه مک ، سوزدورمک و ...

- حرف صدادار « او ئا » در مواردی در آخر کلمه به شکل « ئا » و يا « ا » نیز نوشته و يا خوانده می شود. مثال:

اؤکوزو öküzo نتىء ( اوکوزی öküzi )، بؤلو [ بُلۇ ] bülü ( بُلۇ )، دوشدو düşdi ( بُلۇ )، دوشدو düşdü ( بُلۇ )، دوشدو düşdü ( دوشدى )، گوللو gülli ( تولكى )، تولكو tülkü ( تولكى )، دوشدو düşdü ( دوشدى )، دوغرو ( دوغرى )، قورو ( قورى )، دوزو ( دوزى ) و ...

## بخش دوم:

چگونگی به کارگیری حروف صدادار با آهنگ پائینی:

حروف صداداری که تن صدای آنها « بم » ( کلفت ) شنیده می شود، به آنها در این کتاب حروف صدادار با آهنگ پائینی می گوئیم.

حروف صدادار با آهنگ پائینی چهار عدد به شکل زیر می باشد:

ا ، او ، او ، او

- از چهار حرف صدادار با آهنگ پائینی [ a , i , o , u ] سه حرف آنها [ a , i , u ] « فعال » و یک حرف از آنها [ o ] « غیر فعال » می باشد.

- سه حرف صدادار « فعال » [ a , i , u ] در تمام بندهای کلمات ترکی و پسوند آنها شرکت داده می شوند؛ ولی حرف صدادار « غیر فعال » ( o ) تنها در بند اول کلمه به عنوان

اولین و یا دومین حرف کلمه شرکت می‌کند و در بندهای دیگر کلمه اصلًا به کارگرفته نمی‌شود.

- چهار حرف صدادار با آهنگ پائینی به اشکال زیر در ترکیب کلمات به کارگرفته می‌شوند:

حروف «آ a»، یکی از شش حرف صدادار فعال است، که در تمام بندهای کلمه و پسوند به کارگرفته می‌شود.

- حرف «آ a» در اول کلمه به شکل زیر نوشته می‌شود. مثال:

آنَا ana ، آتا ata ، آلماق almaq ، آلینماق alınmak ، آچیق açıq ، آچیقلیق açıqlıq ، آلداتماق aldatmaq ، آیدین aydın ، آیدینلیق aylıq ، آییق ay ، آیلیغیمیز آییلماق ， آییتماق ، آییتیرماق (آییتیرماق)، آتماق، آتماماق، آتیلماماق، آتلیماماق ، آتدیرماق ، آتدیریلماق ، آتدیریلماماق ، آتیرام ، آتیردیم ، آتمیردیم، آتارام، آتمارام، آتانمارام و ...

- حرف «آ a» در وسط کلمه به شکل زیر نوشته می‌شود. مثال:

با با baba ، بابالار babalar ، بؤیوک بابا böyük baba ، بابالاریمیز ، با غلار bağlar ، با غلار bağ ، داغلار dağlar ، داغلاردان، قاچماق qaqmaq ، آنلاماق anlamaq ، قاچدیرماق ، قاچدیرماق ، تاپماق tapaç ، تاپیلماق ، سالاق salaq ، سالدیرماق salaq ، یاتاق yataq ، یاپدیرماق ، دانیشماق danışmaq ، پارلاماق parlamaq ، تانینماق tanınmaq ، قارداش qardaş ، قارداشیلیق ، قارداشدان qardaşdan (تاریدان tarıdan )، آتادان، خالا دان و ...

- حرف «آ a» در آخر کلمه به شکل زیر نوشته می‌شود. مثال:

آتا ata ، آتادا atada ، آنایا anaya ، او نا ona ، او نلار onlar ، قالا qala ، قالایا astara ، آلماماما mama ، آستارا astara ، آلماتا almata ، آستانة astana ، آستانایا qalaya ، او جا uca ، ماراغا marağa (مراغه) و ...

توجه - تمامی کلمات مذکور با حروف صدادار با آهنگ پائینی ساخته شده و حروف صدادار با آهنگ بالائی حق ادغام با آنها را ندارند.

- اگر حرف «ع» همراه «الف» (عا) به کارگرفته شود ، در زبان ترکی به شکل حرف

صاددار «a» تلفظ می شود. مثال:

عاشيق aşıq (کسی که «ساز» ترکی می زند، یا عاشق، معشوق، عاشق شدن) و ...

- حرف «a» یکی از دو حرف صدادار فعال است، که بخشی از پسوندها به وسیله آن با هماهنگی کوچک صرف می شوند.

حرف «ای، ا»:

حرف «ای، ا» یکی از شش حرف صدادار فعال است، که در تمام بندهای کلمه و پسوند به کار گرفته می شود.

«ای، ا» با خط عربی در اول کلمه به شکل «ای»، در وسط کلمه به شکل «یے» و در آخر کلمه به شکل «ی» و با خط لاتین به شکل «ا» (بدون نقطه) نوشته می شود.

- حرف «ای، ا» مثل الف ساکن تلفظ شده و در اول کلمات ترکی خیلی کم صرف می شود.

- حرف «ای، ا» در اول کلمه به شکل زیر به کار گرفته می شود:

ایشيق aşıq، ايشيقلار aşıqlar، ايشيلدير aşıldır، ايشيلداماق aşıldamaq، ايليق iliq

(ايлик ix) ايликدير ilıqdir، ايلىرىم idirim، ايلىرىيمىلار， ايلىخى irxى و ...

حرف «ای، ا» در وسط کلمه به شکل زیر به کار گرفته می شود:

آچيلير açılır، آچمىير axtarır، آختارىر tapır، تاپىر، ديرماشير dırmaşır

باليق balıq، ياليق yaylıq، قيز qız، قيزيل qızıl، آرتيق artıq، قيرماق qırmaq

قيريلماق qırılmaq، آشيرماق aşırımaq، سيراماق sıramaq، ييختماق yıxmaq، ييخيلماق

yıxılmaq، ييختير، ييخيلير، ييخيلمير، ييختلماز و ...

- حرف «ای، ا» در آخر کلمه به شکل زیر نوشته می شود:

آلدى aldi، آلمادى apardı، آپاردى ايشىغى اوğrı، ايشىغى اوğrı، آنسى anası

باجيسى bacısı، آيريلدى ayıldı، آيلىدى ayırdı، يازى yazı، آيريسى ayısı، دايى dayı،

يابى yayı، آبى ayı، سابى sayı، تانرى tanrı (تارى)، قارىقارى و ...

توجه: تمامی کلمات مذکور با حروف صدادار با آهنگ پائینی ساخته شده و حروف صدادار با

آهنگ بالائی حق ادغام در ترکیب آنها را ندارند.

حرف «اً»

حروف «۵» یکی از سه حرف صدادار غیرفعال است که تنها در بند اول کلمات ترکی به عنوان اولین و یا دومین حرف سیلاپ به کارگرفته می‌شود.

- حرف غیرفعال «۵» در اول کلمه به شکل زیر صرف می‌شود:

اوْيۇندا دىگىل (دىليل) و... اوْيناماقدادىر oyundur ، اوْيونلار oyunlar ، اوْيۇندان oyundan ، اوْيناماقدادىر oyunmaqdadir ، اوْيناماق oynamaq ، اوْيناماق oyunsuz ، اوْيۇنسوز oyuna ، اوْيۇن ئەملىكى olmaq ، اوْنۇنكى onunku ، اوْنۇن ئەملىكى onun ، اوْغلاڭ oglan ، اوْخوماڭ oxumaq ، اوْد od (آتش)، اوْدلاრ odlar ، اوْت ot (علف)، اوْتلارىدان otlardan ، اوْخوماڭ oxumaq ، اوْغلاڭ oglan ، اوْنۇن ئەملىكى onunku ، اوْنۇن ئەملىكى onun ، اوْنۇن ئەملىكى onunku ، اوْنۇن ئەملىكى onun ، اوْيۇن ئەملىكى oynatmaq ، اوْيۇن ئەملىكى oynamaq ، اوْيۇن ئەملىكى oyunsuz ، اوْيۇن ئەملىكى oyuna ، اوْيۇن ئەملىكى oyun ، اوْيۇن ئەملىكى oyundan ، اوْيۇندا دىگىل (دىليل) و...

- حرف «۱۵» در وسط کلمات یک سیلابی، به عنوان دومین حرف کلمه به شکل زیر نوشته و پا خوانده می‌شود. مثال:

سۇي، soy، سۇيۇنماق soyunmaq، بۇيانماق boyanmaq، بۇيا boya، يۇلداش yoldaş، يۇلداشلىق yoldashlıq، تۇخوماق toxumaq، بۇيانماق boylanmaq، پۇزولماق pozulmaq، پۇزماق pozmaq، چۇخدان çoxdan، بۇش boş، بۇشونا boşuna، بۇشاتماق boşatmaq، بۇشلاماق boşlamaq، دۇنور، dondurur، دۇنماق donmaq، دۇندورماق dondurmaq، يۇندورماق، يۇنماق، يۇندورماماڭ، يۇندورلماق، يۇندورلماق و... .

توجه: حرف «۵» با خط عربی در کتب مختلف به اشکال مختلف (مثل: «او، او، اؤ، و...») نیز نوشته شده است.

## حروف «ا» و «ع» :

حرف «اُ و » یکی از شش حرف صدادار فعل است، که در تمام سیلاپ کلمات و پسوندها به کار گرفته می‌شود.

حروف "ا" در اول کلمه به شکل زیر صرف می‌شود. مثال:

اُوزون *uzun* ، اُلوس (ملت) *ulus* ، اُتانماق *utanmaq* ، اُلاماق *ulamaq* ، اُچاق *uçaq* ، اُچماق *uçmaq* ، اُچoram *uçuram* ، اُنوتماق *unutmaq* ، اُزاق *uzaq* اُزاقلىق *uzaqlıq* ، اُزانماق *uzanmaq* ، اُزاندىرماق *uzandırmaq* و ... - حرف « اُ u » در وسط کلمه به شکل زیر نوشته می شود. مثال:

بُولوت *bulut* ، بُولوتلار *bulutlar* ، بُورماق *burmaq* ، بُورولماق *burulmaq* ، قوش *quş* ، قوشلار *quşlar* ، تُتماق *tutmaq* ، تُتولماق *tutulmaq* ، تُتدورماق *tutdurmaq* ، يُرتداش *yurtdaş* ، يُرتداشلىق *yurtdaşlıq* ، دُرماق *durmaq* ، قُرماق *qurmaq* قُرولماق *qurulmaq* ، دُوز *duz* ، دُزلاماق *düzlamaq* ، دُزسوز *düzsüz* ، دُزسوزلىق *düzsüzliq* و ...

- حرف u « اُ » در آخر کلمه به شکل زیر نوشته و يا خوانده می شود: بُونو *bunu* ، اوْنۇ *onu* ، دُلۇ (تگرک) *dolu* ، اوْخۇ *oxu* ، قۇزۇ *guzu* ، بِلۇ، قۇرو، بِلۇخو و ... توجه: کلماتی که آخر آنها به حرف « u » ختم شود، در مواردی به جای « u » با حرف « ا » نیز نوشته و بیان می شود. مثال:

خُويلى *xoyli* (خُويلى)، دُوزلۇ *duzlu* (دُوزلى)، بُوزلۇ *buzlu* (بُوزلى)، سۇ *su* ، سولۇ (سولۇ)، آغقويونلۇ (آغقويونلى)، قاراقويونلۇ (قاراقويونلى) و ...

در رابطه با خط عربى و نوشتن چهار حرف صدادار « u, ü, ö, ő » و همانا سه حرف « y, i, a » به مطالب زیر توجه کنید:

الف) با خط عربى چهار حرف صدادار « u, ü, ö, ő » و همچنین حرف بى صدای « v »، به وسیله حرف « و » (عربى) نوشته می شود، که در مواردی علائم دیگر نیز همراه دارد. مثال: ائو، اووا (يوا) *uva* ، سۇ *su* ، سۇوارماق *suvarmaq* ، سۇواماق *suwamaq* ، توخۇماق *toxumaq* ، توخونماق ، يۇخو، يۇخۇلاماق *yuxulamaq* ، اوشومك *vuruşmaq* ، وۇرۇلماق *vurulmaq* و وۇرۇشمەك *dövüşmek* ، دۇۋوشەك *üşümek*

سُؤیمك söymek ، سُؤیوشمك söyüşmek ، دوشمك düşmek ، دوشورمك duşumoruk ، دوشوندورمك düşündürmek ، اویناماق oynamak ، اویناتماق، دۇلماق، دۇلدۇرماق، سۇلماق، سۇلدۇرماق، سۇرماق، دۇنماق و ...

ب) در زبان ترکی سه حرف (y, i, ı) موجود است، که دو حرف آنها صدادار (ı, i) و یک حرف دیگر آنها بی صدا (y) می باشد، که هر سه آنها با خط عربی با علامت «ی یه» نوشته می شود.

حروف «ı» بدون نقطه به شکل الف ساکن (مثل: ایلدیریم، ایشیق)، حرف «i» با نقطه به شکل [ای مثل: ایران] و حرف بی صدای «y» (یالیق) به شکل «ی یه» ساکن تلفظ می شود.  
در زبان ترکی حرف صدادار «ı» با آهنگ بالائی و حرف صدادار «ı» با آهنگ پائینی می باشند، که آنها در ترکیب یک کلمه ساده ترکی به کار گرفته نمی شوند، ولی هر دوی آنها با حرف بی صدای «y» در یک کلمه و یا در کنار هم به کار گرفته می شوند. مثال:

- دو حرف «ı، y» در کنار هم به شکل زیر به کار گرفته می شوند:

دئیلیمیر deyilmir (دئمک، دئیلیمک)، یئیلیمک yeyilmək ، گئیلیمیر geyilmir ، گئییلیمیر iyimək ایییمک ایییمک iyimək ، یییییر iyiyir ، ایییییر iyiyir ، اییییمیییر iyimiyir ، ایله مک iyılmak ، ایلیییر iyiliyir ، ایله می بییر iyılmayıp ، دئیلیمک deyilmək ، یئریییر yeriyir و ...

- دو حرف «y» و «ı» با خط عربی و لاتین در کنار هم به شکل زیر نوشته می شوند:  
آئی ay ، آییلیمیر ayılmır ، یای yay ، یایلیمیر yayılmır ، آی ay ، آیلیق aylıq ، ییخماق yıxmaq ، ییخیلیمیر yıxılmır ، ییخدیرمیر yıxdırmır ، ایلدیریم ıldırmır ، یازی yazı ، یازیلیمیر yazılmır ، یازیق yazıq ، یازیقلیق yazıqlıq و ...

## ۸) حروف بی‌صدا و تقسیم بندی آنها به دو گروه ضعیف و قوی:

حروف بی‌صدا در زبان ترکی آذربایجان ۲۳ حرف می‌باشند که در ترکیب کلمات به دو بخش، یعنی «حروف بی‌صدا قوی» و «حروف بی‌صدا ضعیف» تقسیم می‌شوند:  
 - آواهای حروف بی‌صدا به شکل سکون بیان می‌شوند و بدون حروف صدادار هجی نمی‌شوند؛  
 در نتیجه برای بیان آنها، به آخر آنها یک حرف صدادار (e) افزوده شده و به شرح زیر به شکل سیلاپ معرفی می‌شوند. مثال:

بِ b ، تِ t ، جِ j ، خِ x ، سِ s و ...

### الف) حروف بی‌صدا قوی (حروف با ثبات):

حروف بی‌صدا قوی، به حروفی گفته می‌شوند، که در نوشتار و گفتار تغییر صدا و تغییر شکل نداده و همیشه به شکل اصلی خود به کار گرفته می‌شوند. به عبارت دیگر این حروف در ترکیب کلمات موقعیت با ثباتی دارند.

حروف بی‌صدا قوی (یا حروف با ثبات) در زبان ترکی آذربایجان ۲۱ حرف می‌باشند؛  
 یعنی از ۲۳ حرف بی‌صدا، ۲۱ حرف آنها به شرح زیر قوی و با ثبات هستند:

ح H	گ G	ف F	د D	چ Ç	ج C	ب B
ر R	پ P	ن N	م M	ل L	ژ Z	غ ğ
ز z	خ X	ـ Y	ـ V	ـ T	ـ S	ـ S

- در رابطه با حروف بی‌صدا قوی به مطالب زیر توجه کنید:

a) از حروف مذکور حرف «ر» موقعیت دو گانه دارد:

با وجودی که حرف «ر» به عنوان یکی از حروف بی‌صدا قوی محسوب می‌شود، ولی در مواردی در ترکیب بعضی از کلمات به شکل خیلی قوی در نوک زبان مثل «رر» تکرار می‌شود. مثال: گلور [rr]، دئیر و ...

حروف «ر»، در موارد کمی نیز به شکل ضعیف به کارگرفته می‌شود. برای مثال کلمه «بیردنه bir dənə» (یک دانه) را در نظر بگیریم که در بیان کلمه «بیر bir» در مواردی حرف «ر» اصلاً شنیده نمی‌شود و کلمه «بیر» به شکل «بی bi»، بدون حرف «ر» [بی‌دنه، «biy dənə»] تلفظ می‌شود. مثال: بی (بیر) کیسه پول، بی (بیر) دنه کتاب و ...

- (b) در زبان ترکی چهار حرف (ş, n, s, y) بیشتر از سایر حروف به کارگرفته می‌شوند:
- حرف «ن n»، حرفی است که همانند سایر حروف در کلمه سازی به کارگرفته می‌شود؛ علاوه بر آن به شکل علامت ضمیر ملکی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثال: سَنِين اوْيىن sənin ev,in ، سَنِين باجىن sənin bac,in ، اوْنۇن باجىسى on,un baci,si ، و ...
  - حرف «س s»، علاوه بر شرکت در کلمه سازی (همانند سایر حروف) به شکل حرف اضافه و تکمیلی در بین دو حرف صدادار نیز به کارگرفته می‌شود. مثال: اوْنۇن خالاسى onun xala,si ، نَه سى nənə,si ، اوْنۇن باباسى onun baba,si ، جوجه سى
  - حرف «ي y»، علاوه بر شرکت در کلمه سازی (همانند سایر حروف) به شکل علامت تکمیلی در بین دو حرف صدادار نیز صرف می‌شود. مثال: لاله يه Lalə,yə ، على يه Ali,yə ، باجى يا Bacı,yə ، بىبى يه bibi,yə ، دوه يه دوه ye و ...
  - حرف «ش ş»، علاوه بر شرکت در کلمه سازی، به عنوان حرف اضافه و یا علامت گذشته به شرح زیر نیز به کارگرفته می‌شود:
- یه میش yemiş (میوه خشک شده)، گیریش giriş (دخول)، چیخیش çıxış (خروج)، آلیش وئریش alışveriş (خرید و فروش)، گلیش گندیش (آمد و رفت)، گلمیشدی، گولموشدو، قالمیشدی، گلمیش میش، قورموشموش و ...
- (c) - سه حرف «ء، ئ، ئ» تنها در سیلاب اول کلمات شرکت می‌کنند و بدین سان کمتر از سایر حروف به کارگرفته می‌شوند.
- حرف بی صدای «ژ» در زبان ترکی به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ب) حروف بی‌صدای ضعیف (بی‌ثبات):

منظور از حروف بی‌صدای ضعیف و یا حروف بی‌ثبات، حروفی هستند، که در شرایط ویژه‌ای تغییر صدا و تغییر شکل می‌دهند و آوا و شکل اصلی خود را از دست داده و با شکل و صدای دیگری به کار گرفته می‌شوند.

حروفی که تغییر صدا می‌دهند، در زبان ترکی آذربایجان دو عدد به شرح زیر می‌باشد:

یك ) « k »

دو ) « q »

الف) اگر حرف « k »، در صرف بین دو حرف صدادار قرار گیرد، به حرف « ی y » تبدیل می‌گردد. مثال:

صرف کلمه مصدری و تغییر حرف k به y	کلمه مصدری
گلمه ییم (آمدن من) gəlməyim	گلمک (آمدن) gəlmək
ائمه ییم (انجام دادن من) etməyim	ائتمک (انجام دادن) etmək
یئمه ییم (خوردن من) yeməyim	یئمک (خوردن) yemək
دئمه ییم (گفتن من) deməyim	دئمک (گفتن) demək
ایچمه ییم (نوشیدن من) içməyim	ایچمک (نوشیدن) içmək
بیچمه ییم (دروکردن من) biçməyim	بیچمک (دروکردن) biçmək
بیلمه ییم (دانستن من) bilməyim	بیلمک (دانستن) bilmək
گئرمه ییم (دیدن من) görməyim	گئرمک (دیدن) görmək
دؤنمک (برگشتن من) dönəməyim	دؤنمک (برگشتن) dönəmək

به بک: به به ییم. اینک: اینه ییم.

الجک: الجه ییم. سؤزلوک: سؤزلویوم و ...

- اگر حرف «k» (با خط عربی)، در بین دو حرف صدادار قرار گیرد، (به ویژه در کتب قدیمی) به شکل «گ» نیز نوشته می‌شود، ولی صدای آن هم آوا با حرف «ی y» شنیده می‌شود. مثال:

گلمه گیم، آمه گیم، بیه گیم، ائمه گیم، یئمه گیم، ایچمه گیم، بیچمه گیمیز، بیلمه گیمیز، کؤپه گیمیز، گئرمه گیمیز، دونمه گیمیز، گولمه گیمیز و ...

- کلمات مذکور با خط عربی به شکل «گلمنگیم [ گلمیم ]، گولمنگیم [ گولمیم ] و ... نیز به کار گرفته می‌شوند.

- حرف «ك»، در کتب و اشعار قدیم نیز (در بین دو حرف صدادار) تغییر صدا داده و در مواردی با خط عربی به وسیله «گ» و در مواردی نیز با علامت «ي» نوشته شده است :

- از کتاب «دده قورقود» (از کتاب «حسین - محمد خانی گوئیلی»)

وای، گؤز آچوب گوردو گیم(گوردویوم)، گئنول وئریب سعو دیگیم

Abbas صحت: قلبی قان حالی یامان خانه خراب گؤزیاشی ایچدیگی سو، باغری کباب  
فضولی: بقا ملکون دیلسن وارینی یوخ ائله دونیا تک اتك چك گوردویوندن آفتاب عالم آراتک

- اگر حرف «ك» در این کتاب در بین دو حرف صدادار قرار گیرد، با خط عربی به شکل «گ» و «ي» (وابسته به زیائی و تفهیم کلمه دارد) و با خط لاتین به شکل حرف «y» نوشته می‌شود.

توجه: - کلمه ای که آخرین حرف آن به حرف «ك k» ختم شود و در جلوی آن حرف

صادداری قرار نگیرد، صدای آن تغییر نمی‌کند. مثال:

تورک türk (ترک): من تورکم məm türkəm من تورک هستم [

بیز تورکوک biz türkük ما ترک هستیم [

ارک ərk : دیوار ارک [ ارکین دُواری ərkin duvari

- کلمه «کورک kürk» را به شکل «منیم کورکوم mənim kürküm» [ پالترو پوستی من ] می‌گویند.

ب) اگر حرف «ق q»، در صرف بین دو حرف صدادار قرار گیرد، تبدیل به حرف «غ ğ» می‌گردد. برای مثال به صرف کلمات مختلف مصدری توجه کنید:

صرف کلمه مصدری برای اول شخص مفرد	مصدر (ریشه فعل با علامت مصدر)
آنلاماغیم <i>anlamağım</i> (فهمیدن من)	آنلاماق <i>anlamaq</i> (فهمیدن)
آغلاماگیم <i>ağlamağım</i> (گریه کردن من)	آغلamac <i>ağlamaq</i> (گریه کردن)
سایماگیم <i>saymağım</i> (شمردن من)	سایماق <i>saymaq</i> (شمردن)
قالماگیم <i>qalmağım</i> (ماندن من)	قالماق <i>qalmaq</i> (ماندن)
آتیلماگیم <i>atılmağım</i> (پریدن من)	آتیلماق <i>atılmaq</i> (پریدن)
بیخیلماگیم <i>yıxılmağım</i> (افتادن من)	بیخیلماق <i>yıxılmaq</i> (افتادن)
ییغماغیم <i>yığmağım</i> (جمع کردن من)	ییغماق <i>yığmaq</i> (جمع کردن)
سۇلماگیم <i>solmağım</i> (پژمرده شدن من)	سۇلماق <i>solmaq</i> (پریشان شدن)
اوْتۇزماگیم <i>utuzmağım</i> (باختن من)	اوْتۇزماق <i>utuzmaq</i> (باختن)
اوْنۇتماگیم <i>unutmağım</i> (فراموش کردن من)	اوْنۇتماق <i>unutmaq</i> (فراموش کردن)
اوْخۇماگیم <i>oxumağım</i> (خواندن من)	اوْخۇماق <i>oxumaq</i> (خواندن)

قایناق، قایناغیم. یونجالیق، یونجالیغیم. قالاق، قالاغیم. آیاق (آیاخ) آیاغیم. بارماق، بارماگیم.

توجه: - در به کار گیری کلمات ترکی آذربایجان همیشه باید به تغییر صدای دو حرف «ك» و «ق»

توجه کرد، زیرا در اکثر موارد به آنها برخورد می‌کنیم و آنها بدون استثناء در همه جا تغییر

صدای و تغییر شکل می‌دهند. اگر در صرف کلمات، صدای حرف «ك ، ق» را تغییر

ندهیم، کلمات نا درست بوده و فهمیده نمی‌شوند.

- در مواردی کلمات مصدری را به شکل مخفف شده مثل «گلمم، بیلمم، قالمام،

اوْخومام» صرف می‌کنند. ولی چنین صرفی ایراد دارد، چرا که آن هم شکل با مخفف

شده نفی فعل آرزوئی می‌باشد. صرف مذکور عمدتاً در ترکی استانبولی به کارگرفته می‌شود.

- به اشعار زیر که در آنها حرف «ق» در بین دو حرف صدادار قرار می‌گیرد و تغییر شکل و تغییر صدا می‌دهد، توجه کنید:

شهریار: او بیر اوغلان کی، پری لر سو ایچر چاناغیندا	اینجی قاینار بُلاغیندا،
طبيعي بير سئو گلى بولبول کى، اوخور گول بُوداغيندا،	سحرین ، چنلى چاغيندا.
مشتری: اولدی گؤزل عمر صرف حيف کى نادانليغا	هر نه قالير اوچور ايندى پشيمانليغا
زولف سيه ذوقينه (ذوقونا) اويمما خطا دير كؤنول	فاريغ ايسن سنى سالما پشيمانليغا
- کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده اند، اگر در ترکیب آنها حرف «ك» و حرف «ق» در بین دو حرف صدادار قرار گیرد، عمدتاً به شکل اصلی خود صرف شده و تغییر شکل و صدا نمی‌دهند. مثال:	

خالیقیم xalıqım ( خالق من )	خالیق xalıq(xalıq)	{ کلمات عربی:	
اخلاقیم əxlaqım ( اخلاق من )	əxlaq		
بلوکوم bolukum ( بلوک من )	boluk	بُلوک	{ کلمات غربی:

- اما حرف بی صدای ضعیف «ك، ق» در ترکیب کلمات ترکی به شکل زیر تغییر شکل و صدا می‌دهد. مثال:

بَيْهِ يَم bəbəyim ( بيه گيم )	bəbək	به بلک	{ کلمه ترکی:
شَنْلِيَّيْم şənliyim ( شنلى گيم )	şənlik	شنلىك	
أَوْغَلَاغِيَّم oğlağıym ( اوغلاغيم )	oğlaq	اوغلاق	
قُونَاغِيَّم qonağıym ( قوناغيم )	qonaq	قوناق	

اسم: بابلک بین ساواشینین و اوونون ایستگینین خاطیره سی، اوونون خلقی نین اور گینده یاشایار.

( Babəkin savaşının və onun istəyinin xatırəsi, onun xəlqinin(xalqının)ürəyində yaşayar.)

( خاطره مبارزه [ جنگ ] و خواسته های بابلک، در درون قلب خلق وی زنده می‌ماند.)

ث) حروف بی صدای ضعیف ( زبانهای محلی و قدیمی آذربایجان ):

در مواردی، در بعضی کتب و اشعار قدیمی و همانا در بعضی از لهجه های محلی، در شرایط به خصوصی، شکل و صدای بعضی از حروف را تغییر می دهند. ولی این تغییرات با اصول مشخصی نبوده و به قانون نیز مبدل نشده است.

تغییرات مذکور به دو شکل زیر انجام می گیرد:

- حروف بی صدای ضعیف در زبان قدیمی و در ترکی استانبولی ۹ حرف هستند ، که آنها در زبان کنونی ترکی آذربایجان ملغی شده و امروزه تنها ۲ ( ک ، ق ) حرف است.

امروزه این ۹ حرف بی صدا در موارد خیلی کمی به شکل ضعیف به کار گرفته شده است:

q	t	ç	s	ş	ش	p	پ	k	ک	f	ه	h	ح	چ
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

( در چاپ اول کتاب این ۹ حرف به نادرست ۸ حرف نوشته شده بود.)

- توجه شود که این قانون در زبان ترکی آذربایجان به جز در رابطه با حرف q, k، « ملغی محسوب می شود، ولی بعضی از آنها به ویژه در زبانهای محلی در مناطق مختلف کم و بیش به اشکال زیر مشاهده می شود. مثال:

کلمه « داغیت dağıt » ( به پراکن ) ، تبدیل به « داغیدیرام dağıdırıam » ( می پراکنم ) می گردد ، یعنی حرف « ت » تبدیل به « د » می گردد ؟ به عبارت دیگر به جای « داغیتیم » به شکل « داغیدیم » به کار گرفته می شود.

فعل مذکور در صرف برای زمان حال و آینده با حرف « د » به کار گرفته می شود. مثال:  
dagidiram ، dagidaram ، dagidağam ، dagidağagam ...

اما فعل مذکور در گذشته به اشکال زیر با حرف « ت » صرف می شود. مثال:  
dağıtdıam ، dağıtmışam ، dağıtmışdım ، dağıtdıdim و ...  
بیز داغیتدىق dağıtdıq ، سیز داغیتدىنیز dağıtdınız ، داغیتدىلار و ...  
- کلمه « دورت » ( چهار ) می بایست در صرف به شکل « دورتونجو » ( با حرف « ت » )

به کارگرفته شود؛ ولی به شکل «دوردونجو» (با حرف «د») به کارگرفته می‌شود. مثال:

- اونون دئردونجو او شاغی. من دئردونجو کلاس دایام. سن کلاسدا دوردونجو سن. و...
- من دئردونجیم، سن دئردونجو سن، او دئردونجو دور، بیز دئردونجو یوک و...
- کلمه «یوغرت» (قاتیق، ماست). منیم یوغرودوم. یوغردو. یعنی در کلمه مذکور حرف «ت» تبدیل به «د» گشته است:

گشت	get	گشتدیم	گشتدیم	به شکل گشتدیم geddim نیز بیان می‌شود.
ائتملک	etmek	ائتیرم	ائتیرم	و ... edirəm
دمیر	dəmir	دمیرچی	دمیرچی	به شکل (دمیرچی)، dəmirçi
قابی	qapı	قابیچی	قابیچی	به شکل (قابیچی) و ...

- تغییرات مذکور در موارد کمی در کتب قدیمی به اشکال زیر مشاهده می‌شود:

به قطعه شعری از فضولی توجه کنید: (ائتمک: ائدمک)

ائده لر غافلله ره تکمیل اسباب غرور .. » (ائده) « اهل عرفان دیر جهان کیفیتین تحقیق ائدن ... (ائده)

هر یعنی مهرویا صرف ائتمه فضولی عمرونو ... (ائت) « بیر قول اوغلونو کؤنول ملکونه سلطان ائتدیم (ائت) مصر ایدی ، پادشاهین یوسف کنعان ائتدیم ... (ائت)

در مواردی نیز حرف «د» را می‌بین حرف «د» و «ت» تلفظ می‌کنند و حرف «گ» را به شکل «گ» (مثل ich آلمانی و یا مثل نون سنگک [səngək] بیان می‌کنند.

در مواردی نیز کلمه «گلمک gelmək» (آمدن) به شکل «گلمکته gəlməkta» (در حال آمدن) به کار گرفته می‌شود. یعنی حرف «د» تبدیل به «ت» می‌گردد.

در صورتی که در زبان کنون آذر، با ایحان کلمه «گلمک qəlmək»، عمدتاً به شکا «گلمکده

صرف می شود.

- توجه شود که تغییرات مذکور در زبان کنونی آذربایجان ( به غیر از حرف « ک، ق » ) به ندرت به کار گرفته می شود ، در صورتی که در زبان ترکی استانبولی به شکل رسمی در آمده و به کار گرفته می شود. مثال:

به صرف کلمات مختلف ترکی استانبولی در جدول زیر توجه کنید، که چگونه حرف « د » در صرف به حرف « ت » تبدیل می شود:

در صرف کلمات زیر پسوند تصریفی « ده ، دا » تبدیل به « ته ، تا » می گردد:

سینیف ، سینیفتنه ، سینیفتمن	آغاچ ، آغاچتا ، آغاچتان
چُوجوک ، چُجوکتا ، چُچوکتان	فاتیح ، فاتیحته ، فاتیحتن
اوْتوبوس ، اوْتوبوسته ، اوْتوبوستین	کیتاب ، کیتابتا ، کیتابتان
یُورت ، یُورتنا ، یُورستان	کوش ، کوشتا ، کوشستان

- کلمات جدول مذکور از کتاب دستور زبان ترکی استانبولی از « دکتر محمد هئنگیرمئن در سال دو هزار » ( از خط لاتین به خط عربی) رونویسی شده است.

حرروف صدادار کلمات جدول مذکور در ترکی آذربایجان قوی محسوب شده و به شکل زیر با پسوند « ده ، دا » صرف می شوند:

سینیف ، سینیفده ، سینیفدن	آغاچ ، آغاچدا ، آغاچدان
چُوجوق ، چُجوقدا ، چُچوقدان	فاتیح ، فاتیحده ، فاتیحدن
اوْتوبوس ، اوْتوبوسدا ، اوْتوبوسدان	کیتاب ، کیتابدا ، کیتابدان
یُورت (یُورد)، یُورتما ، یُورتدان	کوش ، کوشدا ، کوشدان

- در مواردی « آغاچ » به شکل « آغاچ » نیز صرف می شود.

کلماتی که یک سیلا بی هستند، از قانون مذکور پیروی نکرده و در ترکی استانبولی نیز همچون

ترکی آذربایجان تغییر شکل و صدا نمی‌دهند، برای مثال به ترکیب کلمات مختلف در جدول زیر توجه کنید:

ترکی	فارسی
ətim آتیم	آت گوشت من
ipim ایپیم	ایپ طناب
qoçum قوچوم	قوچ من
sütüm سوتوم	سوت شیر
tutum توُتوم	توت توت من

د) تغییرات بعضی از حروف در زبان محاوره ای ترکی آذربایجان:  
در زبان ترکی آذربایجان حروف دیگری نیز موجود هستند که در مواردی (به ویژه در زبانهای محلی کنونی) همانند بعضی از اشعار قدیمی، تغییر صدا داده اند، ولی این تغییرات نیز به قانون و اصول مبدل نشده است. مثال:

در سمت راست جدول زیر کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و در سمت چپ آن کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی نوشته شده اند، توجه کنید:

کیتابی « ساتاندان » ، به شکل « ساتاننان »	آغاچی « اگندن » به شکل « آگن نن »
آلمالاری « بیغاندان » ، به شکل « بیغاننان »	بُورادان « گندنلن » به شکل « گندنلن »
اونلار « لندن دان » ، به شکل « لندن نن »	بُوغدارلاری « بیچنلن » به شکل « بیچن نن »
سینین « دُونوندان » ، به شکل « دُونوننان »	سینین « سؤزونلن » به شکل « سؤزونن »

- توجه شود که چنین تغییراتی را نمی‌توان تکامل فوتیکی زبان معرفی کرد، چرا که چنین تغییراتی عمده‌تاً در آذربایجان جنوبی به کار گرفته می‌شود که در آنجا حق تدریس به زبان مادری نیست.

### بخش سوم:

#### ۱) کلمه: ( انواع مختلف کلمه و مفاهیم و خصوصیات آن )

کلمه از ترکیب چند حرف بی‌صدا و صدادار تشکیل می‌یابد و برای رساندن مقصودی بیان و یا نوشه می‌شود.

در ترکیب کلمات ترکی، حروف صدادار کلمات ساده را یکی از دو گروه با آهنگ بالائی ( ۰, ö, e, i ) و یا با آهنگ پائینی ( a, ı, o, u ) تشکیل می‌دهند ، به طوری که آنها هرگز در ترکیب کلمات ساده ترکی ادغام نمی‌شوند. برای مثال به دو جدول زیر توجه کنید ، که حروف صدادار کلمات نوشته شده در یکی از آن جدولها با آهنگ بالائی و دیگری با آهنگ پائینی می‌باشند:

a) کلمات ساده ای که با حروف صدادار با آهنگ پائینی ساخته می‌شوند ، به شکل زیر به کار گرفته می‌شود:

bala	بالا	badam	بادام	baci	باجی	ata	آتا	ana	آنا
baba	بابا	qayıq	قایق	qoyun	قویون	Turan	تُوران	Yaşar	یاشار
dayı	دایی	qaşıq	فاشیق	qarqa	قارقا	ağaç	آغاچ	quzu	قوزو

b) کلمات ساده ای که با حروف صدادار با آهنگ بالائی ساخته می‌شوند، به شکل زیر به کار گرفته می‌شود:

bülbül	بولبول	gözəl	گؤزل	bəbə	بیه	nənə	ننه	dədə	دده
gülmək	گولمک	gəlir	گلیر	eşit	ائشیت	yəmək	یئملک	çıçək	چیچک
göydən	گؤیدن	inək	اینك	yəri	یئری	iydə	اییده	bibi	بیبی

توجه: کلمه ساده ای که در ترکیب آن حروف صدادار با آهنگ بالائی و پائینی ادغام شود، آن کلمه از سایر زبانها وارد این زبان شده و کلمه ترکی نمی‌باشد.

۱-۱) کلمه از لحاظ ترکیب در سه بخش « ساده » ، « ترکیبی » و

## « مرکب » بکارگرفته می شود :

کلمه ساده ، به کلمه ای گفته می شود، که با هم نوع خود و یا با پسوندی ترکیب نیافته باشد. مثال: تُران Turan ، گول *gül* ، چیچک *çiçek* ، آدم adam ، گل *gəl* ، قاج *qaç* ، یاخشی *yaxşı* ، چیچیک *çiçik* ، بُیوک *büyök* ، بُیر *böyr* ، گئی *göyi* و ...

کلمه ترکیبی (با پسوند ، کلمه پسوندی) ، کلمه ای است، که با یک و یا با چند پسوند ترکیب می یابد ؟ یعنی اگر برای رساندن مفهومی کلمه ساده ای موجود نباشد، برای بیان آن مفهوم می توان کلمه ساده را با پسوند ترکیب داد و به کارگرفت. مثال:

- کلمه ترکیبی با یک پسوند:

گوله *gülə* ، قالا *qala* ، سالما *salma* ، بیلمنک *yalımk* ، یازماق *yalımcak* ، گوزلوك *gözlük* ، گوزلو *gözlu* ، آلمالیق *alma,lıq* ، چیچکلیک *çiçeklik* ، گلمی *gölmeli* ، گولمی *gülümeli* و ...

- کلمه ترکیبی با دو پسوند:

گلیرم *gəl,ir,əm* ، گولورم *gül,ür,əm* ، بیلمنکده *yalımkde* و ...

- با سه پسوند: - یونجالیقلاردان *yonca,lıq,lar,dan* ، گئروشمکده *gör,üş,mək,də* ، چیمنلیک لردن *çimən,lik,lər,dən* ، قالماقدادیر *qal,maq,da,dır* ، آگاجلیقدادیر *qal,maq,da,dır* و ...

- در کلمه سازی باید به این نکته توجه کرد، که حروف صدادار پسوندها تابع آخرین

حروف صدادار کلمه می باشند و با هماهنگی آن صرف می شوند.

کلمات می توانند در خود یک مفهوم و یا چند مفهوم داشته باشند:

کلمات تک مفهومی: کلمه ساده: آدم adam ، ننه *nəne* ، دده *dədə* ، گول *göl* ، بیع *bie* و ...

کلمه ترکیبی با یک مفهوم: قوْملوق *qəmələq* ، گلیرم *gəlirəm* ، گولورم *gülürəm* و ...

کلمات چند مفهومی ، کلماتی هستند که چند معنی و مفهوم دارند. مثال:

کلمه ساده: بُیر *yer* ( زمین ، مکان ، جا ، کره زمین ) باش [ سر ، اعلا ].

چای *cay*: چای نوشیدنی. چای: رود خانه

آی ( ماه ): ماه سال ، طلوع ماه.

دلیل: زبان مادری، زبان در دهان.

گول اتو: بوته گل، بگو بخندن. (بۇ گول سارى دىر. من دئییم سن گول.)

### كلمه مرکب:

اگر برای بیان مفهومی، کلمه ساده و یا ترکیبی (کلمه پسوندی) موجود نباشد، کلمه مرکب را می‌توان از ترکیب چند کلمه به وجود آورد و به کار گرفت. برای مثال به ترکیب کلمات مختلف زیر توجه کنید:

- کلمه مرکب با ترکیب دو اسم:

داغ داش، باجی قارداش، ننه بالا، دده ننه، آر آرواد، آدى گؤزل، محمد علی و ...

- کلمه مرکب از ترکیب دو فعل: گل گلت، آل وئر، دئ گول، بئے ابچ و ...

کلمه مرکب از ترکیب دو فعل همراه پسوند «ایش»: گیریش چیخیش، آليس وئیش و ...

کلمه مرکب با میانوند ایپ و پسوند مصدری: دئییب گولمك، گلیب گتتمك، دانیشیب گولمك و ...

کلمه مرکب با میانوند (a, ئ) و پسوند مصدری: گله بیلمك، گوله بیلمك، آلا بیلمك و ...

- کلمه مرکب از ترکیب دو صفت: آز چۈخ، ياخشى پیس، آلچاق اوچا، آلت اوست و ...

- کلمه مرکب از ترکیب دو قید: تئز گئچ، سحر آخشم، گئجه گوندوز، بۇگون صباح و ...

- کلمه مرکب از ترکیب دو ضمیر: او بۇ o,bu، بۇ او bu, o و ...

- کلمه مرکب از ترکیب عدد و اسم: قیرخایاق qırxayaq، يارى يۇل yarıyol و ..

- کلمه مرکب از دو صفت با پسوند: ياخشى پیسلر yaxşıpisıslar، قام قارانلىق qamqaranlıq

- کلمه مرکب هم نوع با میانوند و پسوند: چال ها چالدان، قاچ ها قاچ ایدى و ...

- کلمه مرکب از ترکیب دو قید با پسوند: سحر آخشاملیق səhər axşamlıq

- کلمه مرکب از ترکیب صفت و قید با پسوند جمع: ياخشى گونلر yaxşıgünlər و ...

- کلمه مرکب از ترکیب دو اسم متضاد: آر آروادا ئارارفادان qizoğlan، دۇس دوشمان

- کلمه مرکب از دو صفت متضاد: پیس ياخشى، آلچاق اوچا، آغ قارا، آلت اوست و ...

- کلمه مرکب از دو قید متضاد: تئز گئچ، گئجه گوندوز، سحر آخشم و ...

- اگر دو کلمه ترکیب یافته از يكديگر مستقل باشند، آنها را می‌توان در کنار هم قرار داد و

با مفهوم جدیدی به کار گرفت. مثال:

داغ داش ، قۇيۇن قوزو ، ار آرواد ، مال حیوان (حئیوان) ، داش دمیر ، دىشى پىشىك ، ارکەك ايت ، ذلى آدام و ...

- اگر در ترکیب کلمه مرکب، يكى از کلمات ترکیب يافته وابسته به کلمه دیگرى باشد ، آن کلمه به کمك يك «ى» ملکى (با هماهنگى بزرگ) به کلمه قبلى نسبت داده شده و به شکل زير به کار گرفته مى شود. مثال:

بادام آغاجى badamağacı ، آلما گولو almagülü ، قىزىل گول كۈلۈ qızılgülkolu ، ائۋېپىشىنى (پىشىگى)، ائ و ايتى، ايت قۇيروغۇ، تىكانگولو، قۇچ بۇرنۇزو و ...

- کلمه مرکب همراه پسوند «لى ، لو»: قاراساقاللى، آغ ساقالى، قاراقۇيونلو و ...  
توجه: اگر اسم مرکب با «ى» ملکى همراه باشد و با علامت «لر ، لا ر» جمع بسته شود، پسوند ملکى (ى) به آخر کلمه کشیده مى شود. مثال:

مال حیوان اتلرى (حئیوان)، قۇزو توكلرى ، ارىيك آغاچلارى و ...

- کلمات مرکب را مى توان با يك و يا چند پسوند به کلمه جدیدی مبدل کرده و با مفهوم جدیدی به کار گرفت. مثال:

- با پسوند «لىك»...، «لوق» (اسم): گول چىمن لىك، داغداشلىق، باجى قارداشلىق و ...  
- همراه پسوند تصريفى: نئه دده لىكلەرن، باجى قارداشلىقلاردان و ...

- با پسوند صرفى به شکل جمله: آدى گۈزل دير، محمد على دير، الھوردى دير (آللاھ وئردى) و ...  
- کلمه مرکب با ميانوندهاي (مثل: ه ، ها ، به و ...) مختلف. مثال:

قاچا بىلەك qaçabilmek ، آلايىلمك alabilmek ، گله بىلەك ، چال ھا چال ، قاچ ھا قاچ ، دال با دال ، قال با قال، سۆز بە سۆز، دىز بە دىز، چىيىن بە چىيىن و ...

- کلمه مرکبى كه آخرین حرف صدادار کلمه اول آن با آهنگ بالائى و آخرین حرف صدادار کلمه دوم آن با آهنگ پائينى مى باشد. مثال:

حويز آغاجى covizağacı ، ايىدە يارپاڭى iydəyarpağı ، گول يارپاڭى ، گچى بۇرنۇزو ، قىچى چۈلاق ، آيرى آغاج ، جىبى بۇش ، آلى بۇش ، بىئىنى بۇش و ...

- کلمه مرکبی که آخرین حرف صدادار کلمه اول آن با آهنگ پائینی باشد، حرف صدادار میانوند آن با حرف صدادار با آهنگ پائینی ساخته می شود. مثال:

آلا بیلمک (al a bil mək) ، یانا بیلمک ، دۇنا بیلمک ، قۇرا بیلمک و ...

کلمه مرکبی که آخرین حرف صدادار کلمه دومی آن با آهنگ بالائی باشد، پسوندهای آن کلمه با حروف صدادار با آهنگ بالائی ساخته می شود. مثال:

قیرمیزی گوللردن، ياشیل چیمنلرینکی، قۇجا کیشی لردن، كۈركۈرۈمۈش، گولوسۇلموش ، سسى باتمیش ، رنگى سارالمیش و ...

- کلمه مرکبی که آخرین حرف صدادار هر دو کلمه ترکیب یافته آن با آهنگ پائینی باشد، پسوند و میانوند آن با حروف صدادار با آهنگ پائینی ساخته می شود. مثال:

قۇچون بۇرنۇزلارى ، آغاچىن يارپاڭلاریندان ، قادىن پالثارلاریندان و ...

- کلمه مرکبی که آخرین حرف صدادار هر دو کلمه ترکیب یافته آن با آهنگ بالائی باشد، میانوند و پسوند آن با حروف صدادار با آهنگ بالائی ساخته می شود. مثال:

گله بیلمک ، گوله بیلمە مك و ...

- کلمه اى که از ترکیب دو فعل با میانوند و پسوند ساخته می شود. مثال:

گله بیلیر ، گندە بیلیر ، گوله بیلیر ، دۇنا بیلر ، سۇرا بیلر و ...

- کلمه مرکب با سه اسم همراه « ا » ملکی:

دېشى قۇزو اتلرى ( malheyvantükləri ) ، مال حئیوان توکلرى ( dişiquuzu etləri ) ، قۇپۇن قۇزو اتى، مال حئیوان سۇرۇسو، توْز توپاق رنگى و ...

- کلمه با علائم مختلف سوالی: گلیرمى؟ گولورمو؟ آلمالى دىر مى؟ و ...

کلمه با علائم نفى: آلماسىن ، سوزمه ، دئمە ، ادبىيىز ، پۇلسوز و ...

- کلمه مرکب با پسوندهای مختلفی که حروف صدادار آنها با هماهنگی کوچك و بزرگ در کنار ھم به کار گرفته می شوند:

بادام آغاچلاريندا ( badamağaclarında ) ، داغ داشلارين ( dağdaş ların ) ، داغ داشلارينکى ( dağdaş larınkı ) ، آلماءغاclarında ( almaağaclarında )

آلاپیلمکدە آدی گوزلده دیر ( Adığözəldədir ) ( alabilməkdə ) ...

- در رابطه با کلمه مرکب همیشه باید به دو نکته مهم زیر توجه کرد:

یک) حروف صدادار پسوند کلمات مرکب باید با آخرین حرف صدادار کلمه آخری هماهنگی

داشته باشد. مثال: جویز آغاجلاریندان cəvizağaclarından ، ایده یارپاقلاریندان

دو) در ترکیب کلمه مرکب، حرف صدادار میانوند وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه اولی میباشد. مثال:

آلاپیلمک vurabilmək ، alabilmək و ...

گله بیلمک ədəbilmək ، gələbilmək و ...

- کلماتی که در ترکیب با کلمات دیگر مفاهیم اصلی خود را از دست داده و با مفهوم دیگری

به کار گرفته می شوند. مثال:

بُورت داش yurddas : هم وطن ( ترکیب یافته از: وطن و سنگ ) و ...

پُولداش: رفیق ( ترکیب یافته از : راه و سنگ ) و ...

آمک داش: همکار ( ترکیب یافته از : زحمت و سنگ ) و ...

- کلماتی که در ترکیب با کلمات دیگر مفهوم خود را حفظ می کنند. مثال:

داغ داش ، اوْجا بُری ، دره تپه ، گون چیخان ، ساری گول و ...

کلمات با بیان خصوصیات:

کلمات با بیان خصوصیات، کلماتی هستند که خوب و بد و خصلت اسم را بیان می کنند. مثال:

- کلمه ساده: سوپیق ، ایسی ( گرم ) و ...

- کلمه ترکیبی: رحیمسیز rəhimsiz ( بی رحم ). ادبیز، اورکلی و ...

- کلمه مرکب: داش اورک daşürək ( سنگ دل ). بئینی قان، بئینی بوش و ...

کلمات مختلف با معنی واحد:

ادبسیز adəbsiz ( بی ادب ) اخلاقسیز. زهر تُلوغو zəhər tuluğu. آجی دیل. منیم یاریم ،

سئوگیم، عزیزیم، خانیمیم، آروادیم، حیاط پُولداشیم، باهار bahar ، یاز yaz ( بهار ).

چیچک çiçək ، گول gü . جیقیلی ciqılı ، بالاجا balaca ، چیچیک. پُلوم یوخ،

پُلسوزام pulsu ، حبییم بوش، الیم بوش و ...

## ۱-۲) کلمات غیر ترکی:

کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده اند، اگر در ترکیب آنها دو حرف صدادار و یا دو حرف بی‌صدا در کنار هم قرار گیرند، در موارد زیادی یکی از آن دو حرف را به اشکال مختلف تغییر داده و یا به میان حروف صدادار یک حرف بی‌صدا و به میان دو حرف بی‌صدا یک حرف صدادار اضافه کرده و صرف می‌کنند:

### a) کلمات عربی:

«احتیاط» به شکل «احتیاط»، «متفق» به شکل «موتفیق» و «عقل» به شکل «عاغیل»، «سلام عليکم» به شکل «سلامون علیکوم»، «شُکر» به شکل «شوکور»، «روحًا» به شکل «روحن»، «سهوًا» به شکل «سهون»، «عمدًا» به شکل «عمدن»، «عمدی»، «قصدًا» به شکل «قصدن»، «قصدیدن» روحًا و جسمًا (روحن جیسمن)، گفته می‌شود.

### b) کلمات مرکب عربی و ترکی:

کلماتی که از عربی گرفته شده اند، در مواردی با کلمات ترکی ترکیب یافته و به شکل کلمات مرکب عربی ترکی به کار گرفته می‌شوند. مثال:

- کلمه مرکب با دو کلمه همراه پسوند مصدری:

حُوكْم ائیله مَكْ ، بحث ائتمَكْ ، حلّ ائتمَكْ (حل لئتمك)، امرائِتمَكْ ، غَيْب اوْلماق ، حل اوْلماق ، غَيْب ائتمَكْ ، حاضير اوْلماق ، بحث ائیله مَكْ ، تعليم وئرمَكْ ، مواظِب اوْلماق ، صبر ائتمَكْ ، عجله ائیله مَكْ ، تقاضا ائتمَكْ

- کلمه مرکب عربی ترکی با میانوند ملکی (ى: با هماهنگی بزرگ) همراه پسوند مصدری: بحثی اوْلماق، موشکولو اوْلماق، عیبی اوْلماق، عاغلی اوْلماق، (عاغیلی) صبری اوْلماق، خطری اوْلماق و...

- کلمات عربی ترکی به شکل فعل:

صبر ائیله، عجله ائیله، قبول ائیله مه، تظاهر ائیله مه و...

- در مواردی بعضی از کلمات عربی به اشکال مختلف زیر نیز صرف می‌شوند. مثال:

عاغیلسیز، عاغلی یوْخ، عاغیلی. ُعمُور، عمرو چُوخ، عمورو. عمرو یوْخ، عمورسوز، عمرو اوزون، رسم: رَسِيم، رسمیم (رسیمیم)، رسمی وار، رسیمی یوْخ و...

- وقت : واختیم یوْخ ، واخ بؤخدور. واختیم (واحدیم) یوْخدور. چوخ واخت ایستر. و...

#### كلمات عربی با پسوند ترکی:

بعضی از کلمات عربی را می‌توان با پسوندهای مختلف ترکی به کلمات ترکیبی جدیدی تبدیل کرد و به کار گرفت. مثال: کیفیتلر، شخصیت سیز، رسمیت سیز، صبیرسیز، صبیرلی، صبیرسیزلیک و...

#### ۵) کلمات غربی:

- کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده و در ترکیب آنها(بعد از بند اول) حروف صدادار غیر فعال به کار گرفته شده اند ، در موارد زیادی آنها را با حروف صدادار فعال عوض می‌کنند. مثال: قهوه خانا qəhvəxana ، تراکتور raktur(traktor) و...

- کلماتی که در ترکیب آنها دو حرف بی‌صدا در کنار هم قرار گیرند، در مواردی در بین آنها یک حرف صدادار افروده شده و صرف می‌شوند. مثال:

قیرام (گیرام qıram) به جای گرم ، تیرئن tıren به جای ترن tren ، فیلیم filim ، به جای فیلم film فیلم‌لر. سینما ، سیناما ، سیناما لار. ایسلاوی (islavi) به جای سلاوی (slavi) و...

- کلماتی که در ترکیب آنها دو حرف بی‌صدا در کنار هم قرار گیرند، عمدتاً به شکل اصلی خود نوشته می‌شوند، ولی در محاوره یکی از آن دو حرف بی‌صدا را حذف کرده و به شکل زیر تلفظ می‌کنند. مثال:

به جای کمونیست، در محاوره می‌گویند: کمونیس، بیر کمونیس، آدامین فیکری و...  
به جای بیر کمونیست حزبین مانیفستی، می‌گویند: بیر کمونیس حیزبین مانیفسی (ستی) و...  
به جای سوسیالیست می‌گویند: سوُسیالیس، بیر سوُسیالیس آدامین فیکری، کمونیس، سوُسیالیس لرین حزبی و...

#### d) کلمات فارسی:

بعضی از کلمات فارسی که وارد زبان ترکی شده اند، در موارد زیادی حروف آنها را به اشکال زیر تغییر می‌دهند:

- «دوست» به شکل «دُوس» (دُوست) تلفظ شده و به شکل «دُسلار» جمع بسته و به شکل

دُسدون ، دُسدون ، دوسدو موْز ، و... نیز صرف می‌شود.

- کلمه خواهش به شکل خاهیش (xahiş) ، قهوه خانه به شکل قهوه خانا (qəhvəxana) ، آبگوشت به شکل «آبگوش» بیان می‌شود. و...

- بعضی از کلمات فارسی را نیز با کلمات ترکی ترکیب داده و به شرح زیر به شکل کلمات مرکب فارسی ترکی به کار می‌گیرند. مثال:

خاهیش ائدمک ، زَهْر ائتمک (آغی)، زهر اولماق ، زهرمار ائتمک (زَهْر) ، زهر تُولوغو، دردی اولماق ، درد سروئرمک و...

- بعضی از کلمات فارسی را می‌توان با پسوندهای ترکی ترکیب داده و به شکل زیر به کار گرفت: دُسلوق (دُستلوق)، رنگسیز rəngsiz (بُویاقسیز) ، رنگلی ، رنگلر و...

### ۳-۱) اطلاعات متفرقه در رابطه با کلمات ترکی:

a) در زبان ترکی پسوندها فرم فعل ، زمان ، جمع و مفرد بودن فاعل را در خود انعکاس می‌دهند. مثال: گلیر، گلیرلر، گلدی ، آلمیش و...

b) در مواردی در گفت و شنود روزمره، بعضی از پسوندهای کلمات ترکی را به نادرست تغییر می‌دهند و به شکل زیر صرف می‌کنند. مثال:

کلمات «آلماق» (almaq) در محاوره به شکل «آلماخ» (almax) ، ایشله بیرم (işləyirəm) به شکل ایشلیرم (işlirəm) ، «اوخُویُورام» (oxuyoram) به شکل «اوْخُورام» (oxuyuram) به کار گرفته می‌شوند.

۵) در زبان ترکی چند کلمه‌ای موجود است، که در ترکیب با کلمات دیگر ، یکی از حروف صدادار آنها را حذف می‌کنند:

کلمه «قئین qeyin» (برادر زن) که در ترکیب با کلمه «آنا»(مادر) به شکل «قئین آنا qeynana» (به جای قئین آنا : مادرزن) ، قئین آتا qeynata (به جای قئین آتا: پدرزن) به کار گرفته می‌شود. اگر به دو کلمه «قئین آنا qe,yin,a,ta» و «قئین آتا qe,yin,a,na,tal» دقت شود، ملاحظه می‌شود، که آنها از چهار سیلاپ تشکیل یافته اند، که با حذف یک حرف صدادار به کلمه سه سیلاپی تبدیل می‌شوند:

قئینانا qey,na,na ، قئیناتا qeynata و ...

### - حرف صدادار چند کلمه زیر نیز در صرف حذف می‌شود:

کلمه « قارین » به شکل « قارنیم » (به جای قارینیم) ، کلمه « بُورون » به شکل بُورنوم (به جای بُورونوم) ، بئینین (معز) به شکل « منیم بئی نیم » (به جای منیم بئی بینیم)، بُویون، منیم بُوینوم (به جای منیم بُویونوم) بیان می‌شود.

k ) کلماتی که در ترکیب آنها حرف « ل » در کنار حرف « ن » قرارگیرد، در محاوره حرف « ل » را به نادرست به شکل « ن » تلفظ می‌کنند. مثال:

آنلاماق ( an lamaq ) به شکل آنلاماق ( annamaq ) ، اونلؤ ( önlü ) به شکل اۇننو ( önnü ) ، دانلاماق ( danlamaq ) به شکل دانلاماق ( dannamaq ) و ... تلفظ می‌شوند.

m ) کلمه‌ای که آخرین حرف آن همچون اولین حرف پسوند صرفی صدادار باشد، در صرف یکی از آنها را حذف می‌کنند. مثال:

گله: به شکل « گلم » ( اصل فعل: گله يم )  
قالا: قالام ( اصل فعل: قالايم ) و ...

n ) در زبان ترکی، افعال مختلف را می‌توان با پسوندهای متعددی به شکل فعل در آورد و (با مفهوم فعل کامل، ولی به شکل جمله نا کامل) به کارگرفت. مثال:

يازديرىلماقدادىر ( در حال نوشته شدن است.)، وۇرولماقدادىر، اۋپوشىمكىدە دېرلىر، وۇرولدورولدو ( به فرمان کسى، شخصى زده شد.)، اۋلدورولدو و ...

z ) کلمات مرکبی که آخرین حرف کلمه اولی آن همانند اولین حرف کلمه دومی آن صدادار باشد، در صرف یکی از آن دو حرف را حذف می‌کنند. مثال:

كلماتی امثال آلم آغاجى ( alma ağacı ) به شکل آلماغاجى ( almağacı ) ، جمعه آخشارمى ( cümbə axşamı ) به شکل جۇماخشارمى ( cümaxşamı )، قەھەر آلتى ( qəvə altı ) به شکل قەھەر آلتى ( qəvaltı ) و ... بیان می‌شوند؛ چرا که بیان چنین کلماتی آسانتر و همانا يك سیلاپ كمتر از اصل آنها می‌باشند.

### ۱-۳) کلمات و تقسیم بندی آنها از لحاظ دستور زبان:

- در دستور زبان هر کلمه‌ای در ترکیب جمله عملکرد ویژه‌ای دارد، که بر اساس همین ویژگی‌ها نامگذاری شده و به کارگرفته می‌شوند:

اسم (آد)	پری Pəri ، یاشار Yaşar ، قوچ، قویون، قوش، میغمیغ و..
فاعل	حسن گلیر. او گولور. بُو بهی یاشار دیر. علی دئیر.
فعل (ایش)	گل گل، گلیر golir ، آلیر alir ، قالدیم ، گولدم و...
مصدر	گلمک galmak ، دئمک demek ، آلماق almaq ، دوشوندورمک و...
صفت	یاخشی yaxşı ، گؤزل güzel ، دلی dəli ، سئفخ و...
قید	قاباق qabaq ، صباح sabah ، سحر sehər ، گنجه gecə ، آحشام و...
ضمیر	من mən ، سن sən ، او o ، بیزLER ، سیزLER و...
کلمات ربطی	بلکه ، کینه ، البته ، اوْناڭۋەرە ، بۇجور ، اوْجور و...
کلمه(علامت) ندا(۱)	آی، واي، آه، آمان، هاراي، يامان، واه، پى، په و....
کلمه سوالی	نه؟ نه اوچون؟ مى؟ نىيە؟ نىچە؟ كىم؟ هاچان؟ نىچە؟ و...
کلمه و علائم نفى	دئگىل ، مە ، مز ، ماز ، سىز ، سوز ، يۇخ و...
کلمه و علائم التزامی	گرگ ، (گل) ملى ، (قال) مالى ، مجبور ، اجبار و...
کلمه آرزوئی	نه اوْلا ، بىر ، نۇلا ، آللاه ائيلە يە ، شانس وئرە و...
کلمه شک و تردید	اگر ، بىھ ، شايد ، دئيە سن ، ائله بىل ، بىھ ، بلکه و....
کلمه تعجبی	بى ، يۇخ بابا ، عجب ، نىچە ، اورا باخ ، يۇخ ha و...
پسوندهای ربطی	دە ، دا ، (كتاب على دە وار. ياشاردا دا وار.) و...

(۱) کلمه و یا علامتی که حالت‌های حسی انسان را در رابطه با شادی، تعجب، ترس، نفرت، شوخی،

تمسخر و... بیان کند، کلمه «ندا» می‌گوئیم.

## (۲) اسم: (Ad)

- اسم کلمه ای است که برای نامیدن موجودات به کار گرفته می شود. مثال:

اسم انسان: کیشی، قادین، قیز، اوغلان، عباس، حسن، یاشار و...

اسم حیوان: مئیمون، پیشیک، قوچیون، قوژو، ایت، اؤکوز و...

اسم حشرات: قاریشقا، چیین، میغمیغ، کپه نک (کپه نک) و...

اسم اشیاء (بی جان): ائو، قلم، کاغاذ (کاغذ)، داغ، یئر، آی، یئل و...

اسم پدیده هائی که دیده نشده و یا لمس نمی شود:

فیکیر(فکر)، یۇخو، نظر، ایده و...

- اسم در جمله به شکل زیر شناخته می شود:

a) اگر کلمه ای در مقابل کلمات سوالی امثال «کیم»، «نه»، «نه منه دیر»، «هارا» و... قرار گیرد، اسم محسوب می شود. مثال:

کیم گلیر؟ عباس گلیر. اۇ کیم دیر؟ اۇ عباس دیر.

کیم يئدی؟ حسن يئدی. بۇ کیم دیر؟ بۇ حسین دیر.

اۇ نه دیر؟ اۇ ئودیر. بۇ نه دیر؟ بۇ ماشین دیر.

- نه دئدین؟

من «های های» دئدیم. «لای لای» دئدیم.

(«لای لای»، «های های» در جمله مستقل به کار گرفته شده و اسم شمرده می شود.)

نه دئدین؟ من حسن دئدیم. (حسن اسم می باشد.)

نه مه پیس دیر؟ (نه پیس دیر؟) پیسلیک پیس دیر. (پیسلیک پیس دیر)

- آی بابا. نه دئدین؟ من آی بابا دئدیم. (آی بابا، در مقابل سوال «نه»

قرار گرفته و اسم محسوب می شود.)

- نه بابا. سن نه دئدین؟ من «نه بابا» دئدیم. سن «نه بابا» دئمه.

(«نه بابا» در مقابل کلمه سوالی «نه» قرار گرفته و اسم محسوب می شود.)

b) کلمه ای که در حالت تصrifی صرف شود، اسم نامیده می شود. مثال:

من بۇ کیتابى حسن دن آلدیم.      کیتاب کیم ده دیر؟      قلم حسن ده دیر.

( کلمه « حسن ، کیتاب » ، در حالت تصريفی صرف شده و اسم محسوب می شود.)

- من « دئمکدن » يۇرولدوم. دئمکدن دیلینمە توک بىتدى. نه دن دیلیندە توک بىتدى؟

( دئمکدن، از مصدر « دئمك » است که در حالت تصريفی صرف شده و اسم محسوب می شود)

- من گۈزلەن گۈسدۈم. (کلمه « گۈزل » صفت است، که در جمله در حالت تصريفی صرف شده و  
اسم محسوب می شود.)

- من آخشامدان بۇرادايم. (« آخشام » قيد است که در حالت تصريفی صرف شده است.)

c) کلمه اى که در جمله معرفی شود، اسم به حساب می آيد. مثال:

بۇ بى حسن دير. حسن ياخشى آدام دير. قارا، نه دير. قارا رنگ دير. قارادان دا قاراسىوارمى؟

d) اگر کلمه « بى معنى » و یا « معنى دار » باشد و در جمله مستقل به کارگرفته شود، اسم  
محسوب می شود. مثال:

لاکين [ کلمه ربطى ] : بۇ جمله ده « لاکين » يازما.

كى [ کلمه ربطى ] : « كى » معناسىز بىر سؤز دئگىل.

دە [ حروف ربطى ] : « دە » بىر ربطى کلمه دير.

اوچون [ کلمه ربطى ] : « اوچون » دە بىر ربطى کلمه دير. و ...

های [ كىك ، توجه ] : های سالما ، هاراي هاراي دئمه. های گوی سالما

- در رابطه با « لای لای » به شعر زير توجه کنيد:

لای لای دئديم ياتاسان      قىزىل گوله باتاسان.

قىزىل گولون اىچىنде      شىرىن يۇخو تاپاسان

e) کلمه اى که جمع بسته شود، اسم محسوب می شود. مثال:

ياخشى، ياخشى بىر سۇز دور. بىزدىن ياخشى لار، بىزدىن ياخشى دير [ لار ].

مجید صباح ایرانى (يالقىز): اۆزومۇزدىن قۇپان ھايىلار، چاتاجاق ھايىمىزا

اۆزگە يېردىن گلن ھايىدان بىزە بىرھا ئۇلماز...

## ۲-۱) اسم در ترکیب حمله با نامهای مختلف زیر به کارگرفته میشود:

در دستور زبان اسم به انواع مختلف تقسیم شده و هر کدام از آنها از لحاظ ترکیب، معنی و عملکرد به گروه های گوناگون تجزیه شده و با نام و با ویژگی های خاص خود به کارگرفته میشود:



اسامی مذکور با ترکیبات مختلف به اشکال زیر به کارگرفته میشوند:

- اسم را میتوان به شکل زیر به طور خلاصه معرفی کرده و شرح داد:

اسم ساده، اسمی است که تنها یک جزء دارد و با اسمی دیگر و یا با پسوندی ترکیب نیافته است. مثال:

پاشار yaşar ، باغ bağ ، آگاج ağaç ( ) ، حسن Həsən ، داغ dağ ،

بادام badam ، دده dədə ، گول gül ، داش daş ، یئر yer ، و ...

اسم ترکیبی، (اسم پسوندی) اسمی است، که با پسوند ترکیب می‌یابد؛ یعنی اگر اسم ساده ای برای بیان مفهومی موجود نباشد، با ترکیب اسم ساده و پسوند می‌توان اسم جدیدی به وجود آورد و به کار گرفت. مثال:

- اسم ترکیبی با یک پسوند:

دمیرچی dəmirci ، آداملیق adamlıq (آدمیت)، گوللوك güllük (گلزار)، چیمنلیک çimənlik (چمنزار)، گوزلوك gözlük (عینک)، بیلگی bilgi (دانش)، سئوگی ، و ...

- اسم ترکیبی با چند پسوند:

دمیرچیلیک dəmirçilik ، ایشچیلیک، چوبان چیلیق، چودار چیلیق، و ...

- اسم قیدی، کلمه قیدی است، که در جمله در جای اسم به کار گرفته می‌شود :  
تئز، گئج، دونن، صباح، سحر، بُوگون، بُوگون سحر و ...

دونن هوا ایسی بدی . dünən hava isiydi ، بُوگون آخشم هوا سؤیوقدور و ...

- کلمات قیدی را می‌توان به وسیله پسوند « لیق، لوك » (که با هماهنگی بزرگ ) به شکل اسم جدیدی در آورد و به کار گرفت. مثال:

تئزلیک، صباح لیق، بُوگونلوك، هفتہ لیک، ایلیلیک، یایلیق، قیشلیق، ساعات لیق، و ...

اسم صفتی، کلمه صفتی است که در جمله به جای اسم به کار گرفته می‌شود. مثال:

قارا، اوْجا، ياخشى، پیس: قارا ياخشى دئگیل. من قارا سئومه رم ( سئومرم ). اوْ قیرمیزی

سئومز. قارادان گوزلی بۇخدور. قارا نه دىرى؟ قارا بۇياقدىر و ...

- کلمات صفتی را می‌توان به وسیله حروف پسوندی « لیک ، لوك ، لوق » به اسم جدیدی تبدیل کرد و به کار گرفت. مثال:

- اسم صفتی با یک پسوند: ياخشى لیق yaxşılıq ، پیسلیک pislik ، گوزللىک و ...

- اسم صفتی با چند پسوند: گوزللىکلر، پیسلیکدن ، ياخشى ليقلار ، و ...

- اسم فعلی ، فعلی که در جمله به جای اسم نشانده می‌شود. مثال:

- اسم فعلی با پسوند «آق»: قاچاق، قوناق، آخاق، ياتاق، آتاق و...
- اسم فعلی (فاعلیت صفتی) با پسوند «آن، آن»: گلن، گولن، قالان، سالان و...
- اسم فعلی با پسوند، «چى» و «لیك ، لوك»: قاچاقچى: قاچاقچىلىق، قوناق: قوناقچىلىق، چالىشقاڭ: چالىشقاڭچىلىق و...
- اسم مركب، كلمه اي است كه از تركيب دو يا چند جزء ساخته مى شود. يعني اگر در زبان كلمه ساده و تركيبي برای بيان اسمى موجود نباشد، با تركيب دو و يا چند كلمه مى توان اسم جديدي به وجود آورد و به کار گرفت. مثال:
  - از تركيب دو اسم: گول چىچىك *gülçiçək* ، داغ داش *dağdaş* ، قۇيۇنقوزو *qoyunquzu* و...
  - از تركيب صفت و اسم: قارا(قره) باغ ، قارا داغ ، قاراغاج ، آغ بۇلاق ، سارى گول و...
  - اسم مركب با پسوند «لى، لو»: آغ ساقاللى، قاراساقاللى، اوچا بۇيلو و...
  - اسم مركب با پسوند «لى، لو» و علامت جمع: تورك دىلللى لر، آغ قۇيۇنلولار، قارا قۇيۇنلولار، قاراساقاللى لار و...
  - اسم مركب با صفت همراه «ى» ملكى (با هماهنگى بزرگ): آياق آلتى *ayaqaltı* ، آياق قابى *ayaqqabı* ، آياق آدامى، گولوستان باغمى، گولباغى، آغاچ كئكىو، قۇيۇن سۇتو، قۇيۇن توکو و...
  - دو اسم همراه علامت جمع با حرف «ى» ملكى: آياق آداملارى ، گولوستان باغلارى و..
  - صفت و اسم با حروف اضافى «لى»: آغ ساقاللى، سارى توكلو، قارا ساچلى و...
  - اسم با دو كلمه مستقل با علامت جمع: قارا قوشلار، قۇيۇن قۇزولار، مال حئيوانلار و...  
توجه: اگر كلمه مركب ، با علامت «لر، لار» جمع بسته شود ، پسوند ملكى به آخر كلمه كشيده شده و حرف صدادار آن نيز تنها به دو فرم «ا، ئا» صرف مى شود. چرا كه آخرين حرف صدادار پسوند جمع حرف «ا، ئا» مى باشد. مثال: آياق آلتلارى *ayaqaltları* ، آياق آداملارى *ayaqadamları* ، قۇچ بۇرنۇزلارى ، قۇيۇن توکلرى و...
  - در اسم سازى مى توان جاي كلمات تركيب يافته را پس و پيش كرده و با مفهوم جديدي

به کار گرفت. مثال:

- صفت در جلو و اسم در پس:

ساری باش sarıbas ، آغ ساقال aqsaqal ، بُوش بئین boşbeyin ، فاراگوز ...

- اسم با « ئى » ملکی در جلو و صفت در پس:

باشی ساری başısarı ، ساقالی آغ saqlıağ ، بئینی بُوش beyniboş ، قارنی يۇغۇن ،

باشی يىكە، باشی اۇجا، بىغى بۇرما، بۇركوسارى ...

- علامت جمع در وسط: ساچلاری ساری، بىغلاری بۇرما، بۇرنۇزو ایرى ...

علامت جمع در آخر: باشی اۇحالار، بىغى بۇرمالار، باشماخى يېرتىق ...

- اسم با ترکیب سه کلمه که صفت در پیش قرار می گیرد:

قاراباش اۇغلان. ساری ساقال کىشى. آغ بىرچىك قادىن. ...

صفت در پیش همراھ « لى »: ساری چىچكلى گول. ساری گولو آغاچ. ...

اسم در جلو: چىچكلى ساری گول. يارپاقلى ساری آغاچ. ...

اسم مرکب با پسوند « لىق ، لوق »: داغداشلىق، باغباخچالىق، قارى قۇجالىق ...

- اسم و صفت:

- صفت در پیش و اسم در پس:

بئيوك آقا Böyükäga ، بالا خانىم Balaxanım ، اۇجاداڭ ucadaq ، ائنلى خىابان ، اۇجاپۇيى

، سارى گول sarıgül ، قىرمىزى گول aülgü , qırmızı ، درين قۇيو قۇيوي ...

- اسم ( با « ئى » ملکی) در پیش و صفت در پس: باشی يىكە، اوزو قارا، ساقالی آغ ...

اسم با ترکیب سه کلمه که کلمه صفتی در وسط قرار می گیرد:

ساقالى آغ کىشى. باشى سارى قۇزو. بىرچە بى آغ قادىن. ...

- فعل با اسم، فعل در پیش، اسم در پس: آخر سۇ axar,su ، گولر اوز ، قانماز آدام ...

- اسم با ترکیب دو فعل با علامت « آن ، آن »:

گلن گىدىن، گىدىن گلن، ائشىدىن بىلەن، يالان يۇلان ...

- فعل و علامت « آن » در پیش و اسم در پس: آسنى يەل ، بىشىن آش ، قاچان سرباز ...

- اسم فعلی با يك علامت « ایب » همراه با « آن ، آن » :  
دئیب گئدن. چالیب اوینایان. گلیب گئدن. ائشیدیب بیلن. و ...
- فعل در پیش و اسم در پس: قاچان کیشی qaçankishi ، دانیشان قیز danışanqız و ...
- دو اسم همراه پسوند « ى » ملکی:  
آلمـا آغاـجـى alma ağaçı ، آـنـادـیـلـى ana dili ، دـاغـ پـیـشـیـیـى dağ pişiyi ، اـئـوـ اـیـتـى ev iti و ...
- اسم مرکبی که با کلمه صفتی و تکرار ضمیر ملکی( به شکل: « این » ، « ى » ) ساخته می شود:  
ائـوـینـ قـابـاغـىـ evin qabağı ، ماـشـینـ چـيرـاغـىـ ، دـامـينـ اوـسـتوـ ، چـولـونـ اـيـسـىـسىـ و ...
- اسم با فعل فاعلیت صفتی ( با علامت « آن ، آن » ):  
اسم همراه « ى » ملکی در پیش و فعل با علامت « آن ، آن » در پس:  
ائـوـیـ آـلـانـ ، دـۇـوـارـیـ بـیـخـانـ ، سـۇـیـوـ سـاتـانـ ، دـۇـزـوـآـلـانـ و ...  
( اسم ساده با فعل و بدون علامت ملکی) اـلـانـ ، دـۇـوـارـ سـالـانـ ، سـۇـسـاتـانـ ، ماـشـینـ سورـنـ و ...
- اسم ترکیبی( مجھولی ) با فعل و میانوند و اسم: ( سات - ایل - آن - ماشین )  
سـاتـیـلـانـ ماـشـینـ ، سـالـیـنـ دـۇـوـارـ ، بـیـخـیـلـانـ اـئـوـ ، قـیرـیـلـانـ اـیـپـ و ...
- اسم با ترکیب دو فعل و يك اسم همراه میانوند با مفهوم حمله:  
بـیـخـیـلـیـبـ تـیـکـیـلـ اـئـوـ ، كـسـیـلـیـبـ سـاتـیـلـانـ آـغـاجـ و ...
- اسم مرکب با ترکیب دو اسم و دو اضافه ملکی( « این » و « ى » ):  
تـارـیـخـینـ اـثـرـیـ tarixinəsəri ، گـونـونـ اـیـشـیـغـیـ ، پـایـیـزـینـ یـئـلـیـ ، باـهـارـینـ یـاـغـیـشـیـ و ...
- اسم مرکب با ترکیب دو اسم و يك اضافه ملکی(ى): تـارـیـخـ اـثـرـیـ. گـونـ اـیـشـیـغـیـ. پـایـیـزـ یـئـلـیـ
- اسم مرکب، اسم در پیش و فعل( فاعلیت ) در پس:  
گـؤـنـهـ باـخـانـ günəbaxan ، دـوـیـوـسـوـزـنـ و ...
- اسم با مصدر، اسم در پیش و مصدر در پس:  
قـۇـلاقـ آـسـماـقـ qulaqasmaq : قـۇـلاقـ آـسـماـقـدانـ( يـۇـرـولـدـومـ ) ، سـۇـ اـیـچـمـکـدـنـ( شـیـشـدـیـمـ ) و ...
- اسم مرکب با ترکیبات متضاد:  
اسم مرکب با دو اسم متضاد:
- اسم مرکب با دو اسم متضاد:

، آرآرواداد ərarvad ، قىز اۇغلان qizoğlan ، دۆس دوشمن dosdüşmən ، نە دەدەن nənədədən

آل آیاق olayaq ، باش آیاق başayaq ، یئرگۈي yergöy ، دره تپە dərətəpə ، دده ننه ،

قىز اوغلان، اوغلان قىز، گئى يئر، ايت پىشىك و....

- اسم همراه پسوند « لیق، لوق، لیک » : دُوس دوشمانلیق ، نَه دده لیک ، آلت اوسلوک و ...

- اسم مركب ( فعل مركب ) با تركيب فعل متضاد:

آل وئر، گل گلت، یاز پوْز، آت توت، یات اویان و....

- اسم مركب با فعل متضاد همراه میانوند و پسوند « ایش » :

گلیش گندیش (آمد و رفت)، آلیش وئریش، گیریش چیخیش (دخول و خروج)،

گندیش گلیش (رفت و برگشت) و ...

- اسم مركب با دو صفت متضاد: **الجاق اوجا** و... پيس ياخشى، ياخشى پيس،

(با پسوند مصادری: ) آلچاق او جالیق، باش او جالیق، قام فارانلیق و ...

- اسم مركب مصدری با میانوند ایب، او ب: گلیب گتتمک، او تورو ب قالخماق و ...

اسم بدلی، کلمه‌ای است که در جمله جایگزین اسم می‌گردد. مثال:

یاشار پهلوان دیر. (پهلوان به شکل صفت)، پهلوان گلیر. (پهلوان اسم بدلتی، یاشار میباشد.)

- بابل ایستیقلال اوچون ساواشدی. او بیزیم ائلیمیزین قهرمانی دیر. ائلین قهرمانی کیم دیر؟ ائلین

قهرمانانی با بلک دیر. بیزیم قهرمانانیمیزین آدی و اونون آزادلیق اوچون ساواشلاری، بیزیم ائلیمیزین خاطره

سیندن سیلینمز. عباس، علی نین قارداشی دیر. اگر بگوئیم علی نین قارداشی گلیر. «علی نین قارداشی»

اسم بدلي عباس مي باشد. على نين قارداشى پهلوان دير. پهلوان گلير.

- اسامی مختلفی که مفهوم واحدی دارند، به شکل اسم بدلی نیز محسوب می‌شوند. مثال:

قادینیم، آروادیم (arvadım) منیم خانیمیم (mənim xanımım)، حیاط یولداشیم (həyat yoldaşım) و ...

اسم خاص، کلمه‌ای است که اسم و شئی خاصی را با نام خاص خود منعکس می‌کند:

- اسم خاص ساده: تبریز təbriz ، باکی baki ، تهران tehran ، ایستانبول و ...

- اسامی مذکور اسامی خاصی هستند که تنها مختص خود آنها می‌باشد.

اسم خاص مرکب، اسمی است که به شخص و یا شئخاصی دلالت کند و برای گوینده و

شونونده مطلب شناخته شده و مشخص باشد. مثال: ( همراه با اضافه ملکی) **أَحْمَدِيْن قَادِيْنِيْ qadını (خانم احمد)، رسولون ائوی، لاله نین اری، حسین قارداشی، پاشارین باجیسى، حسین ائوینین قاپىسى، اوونون ائوینین قاپىسى. سین خالانین ائوی.** [در محاوره: سین خالاوین ائوی.] در جملات مذکور، حسن، خانه، در خانه حسن و... برای ما مشخص و شناخته شده هستند و در نتیجه اسم خاص (خاص به خود) محسوب می‌شوند.  
اسم عام، کلمه‌ای است که افراد و اشیاء هم نوع را در یک کلمه با مفهوم عام بیان می‌کند. مثال: (اسم عام ساده)

قابی **qapi**، ائو **ev**، یول **yol**، شهر، کد (کند)، داغ و...  
- در زبان ترکی کلمات مختلف را می‌توان با پسوند «لیق، لوق» به اسم مصدری تبدیل کرد و به شکل زیر با مفهوم اسم عام به کارگرفت. مثال:

با اسم: **مئشه لیک، قۇملۇق، داشلىق، اۇتلۇق، يۇنجالىق، تۆزلۈق** و...  
با صفت: **پىسلىك، ياخشى ليق، گۈزلىك، اوجالىق، چۈخلۈق** و...  
با قيد: **تەزلىك، گونلوك، آيليق، هفتە لیک، ايللىك** و...  
با عدد: **اۇنلوق، اللى لیک، يوزلۇك**، و...

- اسم عام را می‌توان با علامت «لر، لار»، به شکل زیر جمع بسته و به کار گرفت:  
آدام لار **adamlar**، قابیلار **qapılar**، ائولر **evlər**، یوللار **yollar**، يۇنجالىقلار،  
مئشه لیکلر، قۇملۇقلار، داشلىقلار، اۇتلۇقلار و...  
اسم عام مرکب: (همراه پسوند ملکی «ى»)

ائو قابیسى **ev qapısı** (در خانه)، ائو کیلیدی **ev kilidi** (کلید خانه) ائو پیشیسى **ev pişiyi** (گلید خانگی- اهلی)، چۈل پیشیسى **cöl pişiyi** (گربه وحشی) و...

- اسم عام به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شود:  
بۇ ایل ائو قابیسى باهادیر. بۇ چۈل - ده چۈل پیشىگى اولماز.

مدرسه اوشاقلاری تۆپ اۇینياڭلار. (mədrəsə uşaqları top oynayarlar.)  
تورکمن آتى گوزل دير. (اسب ترکمن زیبا است.)

- در موارد کمی ضمیر ملکی «ی» (مثل: آتی) را از اسم مرکب حذف کرده و به جای آن حروف ملکی «این» را به آخر کلمه پیوند می‌زنند. مثال:

تورکمن آتین. turkmən atın. (اسب ترکمن)

آگاچ یارپاغین. ağaç yarpağın. (برگ درخت)

مدرسه اوشاغین. mədrəsə uşağıın. (بعچه مدرسه)

- اسم عام مرکب به شکل زیر نیز ساخته شده و با «لر، لار» جمع بسته می‌شود: دره تپه لیک (لر)، داغ داشلیق (لار)، بارباداملیق (لار)، اوت علفلیک (لر) و ...

- اسم خاصی که از دو اسم ترکیب می‌یابد به شکل زیر با تکرار علامت ملکی (in) این)، اسم دوم را به اسم اولی نسبت می‌دهد. مثال:

قاپیسی، ماشینین لامپاسی، باجی سینین اری، قارداشینین قئین آتاسی و ...

bizim evimizin qapısı	بیزیم ائویمیزین قاپیسی	mənim evimin qapısı	منیم ائویمین قاپیسی
sizin evinizin qapısı	سیزین ائوینیزین قاپیسی	sənin evinin qapısı	سینین ائوینین قاپیسی
onların evlərinin qapısı	اوْنلارین ائولرینین قاپیسی	onun evinin qapısı	اوْنون ائوینین قاپیسی

- توجه شود که اسمی مرکب با مفهوم یک جمله ناقص (نا کامل) نیز فهمیده می‌شوند.

### حذف اضافه ملکی از اسم خاص:

در صرف اسم خاص اگر اسمی به اسم دیگری نسبت داده شود، آن اسم به وسیله تکرار ضمیر ملکی به شکل «این، این» عملی می‌شود؛ ولی در مواردی (به ویژه در محاوره در رابطه با اشیاء) یکی از این علائم را حذف کرده و آن را تنها یک مرتبه صرف می‌کنند. مثال:

منیم ائوین قاپیسی (به جای: منیم ائویمین قاپیسی)

سینین ائوین قاپیسی (به جای: سینین ائوینین قاپیسی)

اوْنون ائوین قاپیسی (به جای: اوْنون ائوینین قاپیسی)

بیزیم ائوین قاپیسی (به جای: بیزیم ائویمیزین قاپیسی)

سیزین ائوین قاپیسى sizin evin qapısı ( به جای: سیزین ائوینیزین قاپیسى )

اونلارین ائوین قاپیسى onların evin qapısı ( اونلارین ائولرینین قاپیسى )

- در موارد کمی (در محاوره در رابطه با اشیاء) هر دو ضمیر ملکی را از اسم حذف می‌کنند. مثال:  
( به جای منیم ائویمین قاپیسى )

منیم ائو قاپیسى، سنین ائو قاپیسى، اونون ائو قاپیسى ،

بیزیم ائو قاپیسى، سیزین ائو قاپیسى، اونلارین ائو قاپیسى (قاپیلاری )

اسم عام و خاص،

- اسمی است، که به شکل مفرد بیان می‌شود، ولی در معنی عده کثیری از اسم هم نوع را در خود منعکس می‌کند. مثال:

آدام ، ائو ، قاپى ، داغ ، داش و ...

- اسم عام و خاص با این مفهوم بیان می‌شود، که در اطراف ما هزاران چیز موجود است، که «آدام» و «ائو» در بین آنها برای ما با اسم خاص خود آشنا هستند و در نتیجه اسم خاص محسوب می‌شوند؛ اما آدام و ائو در بین هزاران آدام و ائو دیگر برای ما نا مشخص و نا آشنا می‌باشند، در نتیجه آنها با مفهوم عام نیز به کار گرفته می‌شوند، زیرا منظور از «خانه» و «آدم»، شخص و خانه خاص و مشخصی به حساب نمی‌آید.

- اسم عام و خاص را می‌توان از لحاظ ترکیب، همانند سایر کلمات در فرمهای ساده، ترکیبی و مرکب به کار گرفت. مثال:

- اسم عام و خاص ساده: ائو ev ، شهر şəhər ، یوْل yol و ...

- اسم عام و خاص ترکیبی: باداملیق badamlıq ، آغاجلیق ağacılıq و ...

- اسم عام و خاص مرکب: داغ داش dağdaş ، دره تپه dərətəpə و ...

داغ داشلیق ، دره تپه لیک ، مئر مئشه لیک و ...

- اسمی عام و خاص با علامت «لر، لار» به شکل زیر جمع بسته می‌شود:

- اسم عام ساده با علامت جمع: اولر، داغلار، دۇوارلار، کیتابلار و ...

- اسم ترکیبی با علامت جمع: باداملیقلار، بونجالیقلار، خیارلیقلار، آیدینلیقلار و ...

- اسم مرکب با علامت جمع: داغداشلار، چیر چیمن لر، اوْت علف لیکلر و ...

- اسم عام و خاص با کلمات سوالی:

او ائو کیمین دیر؟ ( او: ضمیر مشخص. کیم: ضمیرنا مشخص )

او ائو و قاپی حسین دیر. ( « او »، « قاپی » و « حسن »: کلمه مشخص و خاص )  
حسن کیم دیر؟ ( نا مشخص ) حسن بۇ ائوین و قاپینین صاحبی دیر؟ ( مشخص و خاص ) هانسی دیر?  
بۇدور. اوْدور. هارادادیر؟ بۇردادیر. اوْرادادیر. ( کلمه « او » و « بۇ » ضمیر شخصی مشخص و  
کلمه سوالی « کیم »، « هانسی » ضمیر نا مشخص و « نه ره » و « هارا » قید نا مشخص و « بۇرا »  
و « اوْرا » قید مشخص می باشدند ).

- اوْ کیمین ائوینین کیلیدی دیر؟ « او ائوین »: ضمیر مشخص است، ولی « گیمین »:

ضمیر نامشخص:

جواب: منیم ائویمین کیلیدی. mənim evimin kilidi (açarı).

( اسم خاص و مشخص ) سیزین ائوینیزین قادینی. sizin evinizin qadını.

( اسم خاص و مشخص ) اکبرین ائوینین پیشیی. Əkbərin evinin pişiyi.

( اسم خاص و مشخص ) اوْنون ائوینین ایتی onun evinin iti [سگ خانه او]

- در رابطه با کلمات مذکور به سوال و جوابهای زیر نیز توجه کنید:

او کیم دیر؟ ( او: مشخص. کیم: نامشخص )

او بۇ ائوین و قاپینین صاحبی دیر. ( او ائوین صاحبی حسن دیر ).

بۇ قاپی نه يین دیر؟ ( بۇ قاپی: مشخص. نه يین: نامشخص). بۇ قاپی، بۇ ائوین دیر.

او گؤزل آت، کیمین دیر؟ ( کیمین: نامشخص ) او گؤزل آت، تورکمنین دیر. ( مشخص )

او تورکمنین آتی گؤزل دیر. ( o türkmenin atı gözüldür. ) [ اسب آن ترکمن زیاست ].

او تورکمنین آتی هانسی دیر؟ ( هانسی: نامشخص ) اوْنون آتی، او ، گؤزل آت دیر. ( مشخص )

او اوْشاقلار کیمین اوْشاقلاری دیر لار؟ من اوْنلاری تائیمیرام، آمما اوْنلار بۇ مدرسه نین اوْشاقلاریدیر لار.

bu mədrəsənin uşaqları futbol (futbol) oynayırlar. اوینا بىر لار.

bu yarpaqlar bu ağaçın yarpağıdır. بۇ يارپاقلار، بۇ آغاچین يارپاغى دير(لار). ( يارپاقلاريدير لار ).

### اسم جمع:

اسم جمع، کلمه‌ای است که همانند اسم عام و خاص به شکل اسم ساده و مفرد بیان می‌شود، ولی مفهوم و معنی افراد و اشیای زیادی را در خود بیان می‌کند:

ائل el ، خالق xalq ، تُپلوم toplum ، سورو sürü ، قوشون qoşun ، ایلخی İlxi ، ناخیر naxır ، کاروان karvan ، مئشه ، قوشون و...

- اسم جمع را می‌توان به وسیله علامت (لار، لر) جمع بسته و به کارگرفت. مثال:  
ائللر ellər ، خالقلار xalqlar ، تُپلوملار toplumlar (اجتماع) ، سورولر sürüler ، قوشونلار qoşunlar ، کاروانلار karvanlar ، مئشه لر و...

توجه: با پسوند «لیق»، «لوق» (با هماهنگی بزرگ)، می‌توان اسم مصدری ساخته و با مفهوم «اسم جمع» و «اسم عام» به کارگرفت. مثال:  
قۇملۇق، شۇخوملۇق، مئشه لىك məşəlik ، اوْتلۇق، داشلىق، چىمن لىك و...  
سۇزلۇك، داغلىق dağlıq ، قىمشىلىك، كوللۇك (مکان خاکستر)، گوللۇك (گلنزار) و...  
اسم ذات، اسمی است که وجودش به اسم دیگری وابسته نبوده و مستقل از خواست و فکر کسی موجود باشد. مثال:

ياشار Yaşar ، تبریز təbriz ، کیتاب kitab ، یئر yer و...

اسم معنی، اسمی است که وجودش بر عکس اسم ذات مستقل نبوده و بر اسم دیگری وابسته می‌باشد. مثال: بیلیم ، علم ، هوش، فکر (فیکیر)، ساواد (سود) و...

a) کلمات مذکور مستقل بر ذات خود نیستند، زیرا اگر شخصی (اسم ذات) موجود نباشد، هوش و فکر و یا اندیشه ای و... نیز نمی‌تواند موجود باشد، در نتیجه وجود اسم معنی وابسته به اسم دیگری (اسم ذات) می‌باشد. مثال:

حسن هوشلودور. (کلمه «هوشلو» در این جمله صفت است.)

هوش ، حسن اوچون بیر بئیوک نعمت دیر. (کلمه «هوش» در این جمله اسم است. در جمله مذکور «حسن» اسم ذات و «هوش» اسم معنی می‌باشد.)

b) اسمی همچون «آغاج يارپاخى، قۇزو اتى، اينك سوتۇ، اوْشاق سىسى» از دو اسم تشکیل

می‌باشد، که اسم اولی مستقل (به شکل اسم ذات) و اسم دومی وابسته به اسم اولی می‌باشد.

اسم معرفه، اسمی است که برای بیان کننده و شنونده مطلب شناخته شده (معرفی شده) باشد.

اگر فردی بدون معرفی شخصی، بگوید «حسن گلیر»، با این مفهوم است که وی و شنونده مطلب «حسن» را می‌شناسند، به همین دلیل نیز بیان کننده مطلب، اسم «حسن» را بر زبان می‌آورد؛ در غیر این صورت وی می‌گفت «شخصی می‌آید»، مثل «بیر آدام گلیر»، «بیر کس گلیر»، «بیری گلیر»... و ...

- اگر بگوئیم «حسن گولور»؛ از این جمله چنین مفهوم می‌شود، که گوینده و شنونده کلام با «حسن» آشنائی دارند. (یعنی در اصطلاح دستور زبان، حسن، اسم معرفه می‌باشد.)

- اگر اسمی برای گوینده مطلب آشنا و برای شنونده نا آشنا باشد، گفته می‌شود «حسن یولدادیر»، افراد بُرایا گلنده، من او نو سن ایله (له) تانیش ائله یه رم. حسن برای شنونده اسم نکره است، ولی وقتی حسن به وی معرفی شود، حسن برای او نیز اسم معرفه می‌شود.

اسم نکره، اسمی است که برای گوینده و شنونده مطلب نا آشناست. علامت «نکره» در زبان ترکی کلمه «بیر، شخص، نفر، ذاد (ذات)، شئیی» می‌باشد که به شکل زیر صرف می‌شود: بیری گلیر. بیر نفر گلیر. من بیر کتاب آلاجاغام. بیر گون واریمش، بیر گون یۇخىمۇش، تانرىدان سۇنرا ھېچ كىيم يۇخىمۇش. و ...

اسم مجرد، اسمی که قابل لمس و دیده شدن می‌باشد. مثال: آغاج ağac، آدام adam، بیر، گون، کیتاب، گول و ...

اسم غیر مجرد، اسمی است که دیده نشده و لمس نمی‌شود. مثال: هوش huş، فکر (فیکیر) fikir، عاغیل، ایده، سواد [ساواد] و ...

اسم جنسیت، کلمه ای است که جنسیت را در خود منعکس می‌کند. مثال: اسم نر (ارکل)، اسمی که جنسیت نر را در خود بیان می‌کند. مثال: آتا ata، کیشی kişi، بی بی bəy، اوغلان oğlan، کوراڭن kürəkən، تکه təkə، اؤکوز öküz، کَل اکَل kəl، قوچ qoç، خروس (خُوروس) xırıss، آقا، آرَكَك ərkək و ...

اسم ماده [دیشی]، کلمه ای که جنسیت ماده را در خود بیان می‌کند:

آنا ana ، قادین qadın ، بیان bayan ، قیز qız ، گلین gelin ، اینک inek ، جامیش camış ، قوین qoyun ، گچی، تُیوق، فریک و... - اسمی جنسیت نیز به وسیله علامم «لار، لر» جمع بسته می شوند. مثال: گلین، گلینلر gelinler. قادین، قادینلار qadınlar ، قیز، قیزلار qızlar ، اوغانان، اوغانلار oğlanlar ، اینکلر inekler ، گچیلر geçilər و... اسم نامشخص و خنثی :

كلماتی امثال «ذات»، «شيء» و... برای بیان اسم خنثی و یا برای نامیدن اسم غیر مشخص به شکل زیر به کار گرفته می شوند: بُورادا بیر شئی یوْخدور. اوْطرفدن بیر ذاد گلیر. بُورادا بیر ذاد وار. بُورایا بیر شئ گلیر. اسم اصغر (کوچک) :

اگر پسوند «چه ھە، چا çə» و یا «جه، جا» (که با هماهنگی کوچک صرف می شود) به اسمی پیوند بخورد، به شکل زیر با مفهوم اسم کوچک (اصغر) بیان می شود. مثال:

کیتاب:	کیتابچا	kitabça	[ چیچیک کیتاب ]،
باغ:	باغچا	bağça	[ چیچیک باغ + باخچا ]،
دفتر:	دفترچه	defterçe	[ چیچیک دفتر ]،
بالا:	بالاجا	balaca	[ چوخ چیچیک ]، بالاجا بیر قیز و...

- اسم با علامت اصغر (مثل: بالاجا) با مفهوم «زیبا» و «عزیز» نیز به کار گرفته می شود. مثال: بالاجا قیزیم balaca qızım [ دختر کوچک و زیای من ]، منیم بالاجا بالام.

- اسم اصغر، به کلماتی نیز گفته می شود، که اسم را از لحاظ سن و سال (توان، حق و حقوق [ نسبتاً ] و...) نا بالغ می نامد:

اوْشاق، اوْغلان، قیز، قۇزو، چۈجۈق، قاحاق، جوجه، فریک و... اوْ هله اوْشاقدیر. اوْ هله جوجه دیر. اوْ هله جۈجۈقدور. اوْ هله سۈت امر دیر. و... توجه: - در مواردی علامت «جه، جا» برای کوچک کردن شخصیت انسان نیز به کار گرفته می شود:

آلچاق: آلچاقجا، آلچاقجاسینا، آنلامازجاسینا و ...

حئیوان جاسینا، دلی جه سینه، سئفح جه سینه و ...

- در مواردی حروف «جه، جا» با مفهوم «تقریباً، حدوداً» نیز به کارگرفته می‌شود. مثال:

منیم یاشیم اونجا وار. سن منجه سن. اونون دا بیزجه پولو وار. بونون وزنی اونجادیر.

علام مقیاس به شکل اسم:

کلمات مقیاس (مقدار معین و غیر معین) کلماتی هستند که برای بیان مقدار مشخص و نا مشخص به کارگرفته می‌شوند. (این کلمات به شکل قید عددی و صفت نیز به کارگرفته می‌شوند.)

- اسم مقدار معین به شکل کلمه ساده:

اون on، ایرمی iyirmi، یؤز yüz، مین min، میلیون milyon و ...

- اسم مقدار معین و مرکب: اون ایکی oniki، ایکی بوز ikiyüz، اون مین onmin، بوزمین yüzmin، بیرمیلیون birmilyon، بیرمیلیارد و ...

- اسم نامعین ساده: چوخ، آز، آرتیق، اسکیک و ...

- اسم نامعین ترکیبی: سایسیز، سایی بوخ، چوخلارجا و ...

- اسم مقدار نامعین ترکیبی و مرکب: چوخلارجا، سایی چوخ، سایدان آرتیق و ...  
(توجه شود که کلمات مذکور در موارد زیادی به شکل صفت و قید نیز به کارگرفته می‌شوند.)

- اسم جمع به شکل مقدار معین مقیاس «عرض، طول و وزن»:

امروزه در آذربایجان کمیت، وزن، بزرگی، طول، عرض، عمق و قطر و ... به وسیله کلماتی که از زبانهای غربی گرفته شده اند، بیان می‌شوند. مثال:

کیلو kilo، تون (تن) ton، متر metir (متر)، کیلو متر kilometir

هیكتار hiktar (هیكتار)، اون هیكتار و ...

- توجه شود که مردم آذربایجان مقدار اندازه گیری را از ایام قدیم، با نامهای «آرشین»، «باتمان»، آتدیم، فَرِیچ، ایپ، میسقال و ... بیان می‌کرده اند، ولی امروزه چنین واژه‌هایی جای خود را به کلمات غربی (مثل: کیلو، کیلو متر) به عنوان مقیاسهای بین‌المللی) می‌دهد.

اسم مرکب با مفهوم جمله نا کامل:

اسم مركب، به شكل جمله ناکامل ( بدون فعل و فاعل ) نيز فهميده مى شود. مثال:

ياشيل يارپاق yaşılyarpaq ( برگ سر سبز )، گوللو چيمن ( چمن پر از گل )، قارانليق گنجه ( شب سياه و تاریک )، قاران قولوق گنجه و ...

بخته ور قيز، خوش بخت قادين، ايگيت اوغلان، و ... ( جمله ناکامل در صفحه ۷۳۹ )

اسم و ضمير پنهاني در کلمه معنى دار و بي معنى:

اسم در مواردي به شكل ضمير منفصل شخصي ( من ، سن ، او و ...) و در مواردي نيز ( به و يزه در محاوره ) به شكل پنهاني در ضمير متصل شخصي به کارگرفته مى شود. مثال:

او گلير. ( او: ضمير سوم شخص مفرد. )

به به گلير. ( اسم سوم شخص مفرد به شكل پنهاني در پسوند بيان مى شود. )

باخ گئور، گلن وار مى؟ بلى وار. دئ گلسين ايچري. ( به جاي او نا دئ، او گلسين ايچريه. )

- اسم در جمله به شكل حروف « بي معنى » :

هئي، هاي ( اي آقا : اي مرد. اي زن. ) هئي گل. aeo həy ( اي آقا، اي خانم بيا ) هاوار گلين ( يعني اي کسي که مرا مى شنوی بيا. )، هاراي هاراي ( کمك ، يارديم ) و ...

### ۳) اسم و علائم جمع:

علامت جمع در زبان ترکي، دو پسوند « لر lər و lar لار » مى باشد، که هر کدام از آنها از دو حرف بي صدا و يك حرف صدادار تشکيل مى يابد. حرف صدادار علامت جمع با هماهنگي کوچك به شكل « a ، e » صرف مى شود. به عبارت ديگر کلمه اي که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالاتي باشد، با پسوند « لر » و کلمه اي که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائيني باشد، با علامت « لار » جمع بسته مى شود.

- برای آشنائي هر چه بهتر با اصول جمع بستن اسم، جدولهائی در صفحات زير کشیده شده و در هر کدام از آنها کلماتي درج شده اند، که آخرین حرف صدادار آنها با يكى از ۹ حروف صدادار ( e ، i ، o ، u ، a ، ئ ، ئى ، ئا ) ساخته شده است؛ لطفاً به جمع بستن کلمات مختلف

در جدولهای زیر توجه کنید:

الف) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف «ا، ئ، ئ، ئ، ئ» باشد، با پسوند «لَر» جمع بسته می‌شود:

(a) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف «ئ» می‌باشد:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع	
دست	آل	ا	لَر	لَر	
گوشت	أت	ئ	لَر	{ لَر	أَلْلَر
الک	الك	ئ	لَر		أَلْكَلَر

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

الحک *elçək* ( دستکش ) : الحکلر *elçəklər* : آمکلر *əməklər* ( زحمت ) : آمک *əmək*

چیچک *çiçək* ( گل ) : چیچکلر *çiçəklər* . دده *dədə* لر *dədələr* . دده *dədə* :

(b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف «ئ» می‌باشد:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع	
حلق	ائل	ا	لَر	لَر	ائللَر
پاکت	پاکت	ئ	لَر	{ لَر	پاكتلَر
خانه	ائو	ئ	لَر		ائولَر

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید: سئل *sel*، yellər *yellər*. باد *yal* ( باد ). سئل *sel*، yellər *yellər*.

سئللر. دئو *dev* ( دیو )، devlər *devlər*. بئل، بئللر. بئل، بئللر و ...

توجه: حرف «ئ» یکی از سه حرف صداداری است، که تنها در بند اول کلمات ترکی آذربایجان به کارگرفته می‌شود.

- اگر کلمه ای تنها یک حرف صدادار داشته باشد و آن نیز در اول و یا در آخر کلمه

قرار گیرد، آن حرف در قانون هماهنگی، آخرین حرف صدادار کلمه محسوب می‌شود و

حرف صدادار پسوندها با هماهنگی آن صرف می‌شوند.

c) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف «ا» می‌باشد:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
سگ	ayt	i	aytler	ler
طناب	ayıp	i	ayıpler	ler
جوانمرد	ayıgit	i	ayıgitler	ler

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

دئیز deniz دئیزلر. پیشیک pişik، پیشیکلر pişiklər. دیشی dişi (ماده) dişilər دیشیلر.  
ایکی، ایکیلر. پیس، پیسلر. بیر، بیرلر. مین، مینلر. سیز، سیزلر. و ...

d) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف «ۆ» می‌باشد، به شکل زیر به کارگرفته می‌شود:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
چشم	göz	ö	gözlər	ler
حرف	söz	ö	sözlər	ler
چوب خرد	çöp	ö	çöplər	ler

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

دؤرت dort دئورتلر. گۈل öö (دریاچه)، göllər گۆللر. بئرك börk (کلاه)، börlər بئركلر. كۈك، كۈكلىر. دئش، دئشلر. و ...

توجه: حرف «ۆ» یکی از سه حرف صداداری است، که تنها در بند اول کلمات ترکی به کارگرفته می‌شود.

e) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف «ئ» می‌باشد به شکل زیر

صرف می شود:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
گُل	gül	ü	گوللر	lər
بلبل	bülbül	ü	بولبوللر	lər
اتو	ütü	ü	اتولر	lər

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

- اوج چتا ( سه ) ، اوقچلر. اوست üst ( بالا ، روی ) ، اوست لر. دوز düz ، دوزلر، یوز، یوزلر. سوز، سوزلر ، و ...

توجه: هر کلمه ای که با علامت « لر ، لار » جمع بسته شود، اسم محسوب می شود.

ب) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف ( a , i , o , u ) باشد، همانند کلمات درج شده در چهار جدول زیر با علامت « لار »

جمع بسته می شود:

a) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
مادر	ana	a	آنالار	lar
آدم	adam	a	آداملار	lar
سنگ	daş	a	داشلار	lar

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

بادام badam ، باداملار badamlar ، آلمالار alma ( سیب ) ، باغلار bağlar ، باغ bag ، قوچاق almalar ( با جرأت ) ، پیچاق ( کارد ) piçaqalar . و ...

b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با حرف « i » باشد به شکل زیر

صرف می شود:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
نور	ایشیق iq	ا	ایشیقلار işiq lar	lar
دختر	قیز qız	ا	قیزلار kız lar	
خواهر	باجی bacı	ا	باجی لار bacı lar	

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

عاشیق ، عاشیقلار aşiqlar . آجی acı (تلخ) ، آجیلار acılar . آجیلیق acılıq . آجیلیقیلار acılıqlar . آیدینلیق ، آیدینلیقلار . یازی ، یازی لار. و ...

توجه: اگر کلمه ای تنها یک حرف صدادار در اول و یا آخر کلمه داشته باشد، آن حرف در قانون هماهنگی آخرین حرف صدادار محسوب شده و حروف صدادار پسوندها با هماهنگی آن به کارگرفته می شود.

c) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با حرف « ۵ » باشد، به شکل زیر

با پسوند « لار » جمع بسته می شود:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
آتش	اوْد od	ا	اوْدلار od lar	lar
راه	يُول yol	ا	يُوللار yol lar	
علف	اوْت ot	ا	اوْتلار otlar	

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

توْز toz ، توْزلار tozlar . اوْخ ox (تیر)، اوْخلار oxlars . توْخ (سیر) ، توْخلار. اوْن و ...

توجه: حرف « ۵ » یکی از سه حرف صداداری است، که تنها در بند اول کلمات ترکی

آذربایجان به کارگرفته می شود: tox ، yol ، sol

d) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با حرف « u » باشد، به شکل زیر

با پسوند « لار lar » جمع بسته می شود:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
نخود	noxud	u	نوْخودلار noxudlar	lar
نمک	duz	u	دُوزلار duzlar	lar
پول	pul	u	پُول لار pul lar	lar

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

دُول dul (بیوه)، دُللار dullah. سُو su (آب)، سُولار sular. قُزو قوزلار quzular. بُورد yurd (بورت)، بُوردلار yurdalar. اُون، اُنلار. و...

- در زبان ترکی، تمام اسمای ترکیبی و مرکب همانند اسمای ساده به وسیله علائم « لر » و « لار » جمع بسته می شوند؛ حرف صدادار آن در کلمات مرکب وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه آخر می باشد. مثال:

- اسم ترکیبی (اسم پسوندی) به شکل زیر جمع بسته می شود:

گوللوکلر güllükler، چیمنلیکلر cimənliliklər (چمنزارها)، گوزلوكلر gözlükler (عینکها)، باداملیقلار badamlıqlar (دانشها، دانستنیها)، یونجالیق لار yoncalıqlar، باداملیق لار bilgilər (یلگیلر)

- اسم مرکب به شکل زیر جمع بسته می شود:

گول چیمن لر gülçimənlər. دده نه لر dədə,nənələr. داغداشلار dağdaşlar. قوینقوزولار qoyunquzular. گول چیچکلر. آغاج یارپاقلاری. و...

- اسم جمع نیز به وسیله « لر، لار » به شکل زیر جمع بسته می شود:

- اسم جمع ساده با پسوند: ائل، ائللر ellər. توپلوم، توپلوملار toplumlar. سورو، sürü, sürüller. مئشه، مئشه لر məşələr و...

- اسم جمع مرکب با پسوند: داغداشلیقلار، گول چیچکلیک لر و...

- اسم جمع مرکب با تکرار صفت: چیرچیمنلیکلر، بارباداملیقلار، یوم یونجالیقلار و...

- اسمای که از سایر زبانها و بخصوص از زبان عربی گرفته شده و در زبان فارسی با اصول زبان

عربی جمع بسته می‌شوند، در دستور زبان ترکی همانند اسامی ساده و مرکب به سادگی با علامت «لر، لار» جمع بسته می‌شوند و نیازی به یادگیری و به کارگیری علائم جمع عربی در این زبان موجود نیست. مثال:

متافق: متافق لر müttəfiqlər [متافقین]، خالق: خالقلار xalqlar [خلقها]، مخالف: مخالفلار ، مخالفیتلیکلər ، احتیاج: احتیاجلار ehtiyaclar ، احتیاط: احتیاطلار، اتحادیه لر، جمعیت لر، حیزب لر، عالیم لر، اینسانلار و ...

- بعضی از کلمات فارسی که وارد زبان ترکی شده اند همانند سایر کلمات به شکل زیر جمع بسته می‌شوند: دؤسلار (دوستلار)، قهوه خانالار، آبگوشلار و... دانشگاھلار، دانشمندلر، شاگردلر و....

### جمع بستن اسم با اعداد (با تعداد معین):

اسم را می‌توان به وسیله عدد نیز جمع بست. اگر اسمی با اعداد (شماره) معین جمع بسته شود، دیگر نیاز به کارگیری علامت جمع (لار، لر) نمی‌باشد. مثال:

ایکی آدام ikiadam ، اوں اوغلان on oğlan ، یوز کیشی yüz kişi ، مین قادین ...

اوں يۇلداش، آلتى کیشى، بېش قادین، اوچ تۇمن پۇل، ایکى كىلىپ پىئير و...

مینلر جه آدام ، اوئنلارجا سازمان (قۇرولتاي) ، مینلر جه قۇيۇن ، مینلر جه حئیوان و..

مینلر جه سورو ، مینلر جه دسته ، مینلر جه گروه ، اوئنلارجا ناخییر و...

- ولی در مواردی اسامی عدد معین را به شکل زیر با علامت «لر، لار» جمع بسته و به عنوان عدد تقریبی (ما بین عدد معین و غیر معین) به شکل زیر به کار می‌گیرند:

اوئنلار، يوزلر، مین لر، میليونلار، میلياردلار، مئتىرلر، كىلومئتىرلر، هيكتارلار، آغاھلار،

آرسىنلار، مینلر كىلومئتر، اوئنلار هيكتار، يوزلر باتمان و...

- با کلمات مقدار نا معین: چۈخلار، آزلار، آرتىقلار و...

عدد با علامت «جه» به شرح زیر به شکل صفت و قید نیز به کارگرفته می‌شود:

اسم عددی با پسوند «جه، جا» و «لر» با مفهومی «مثل»، «تقریباً»، «حدوداً» به کارگرفته

می‌شود. مثال: يوزلر جه آدام، يوزلر جه شەھر، بىنلر جه آدام، بىن لر جه آغاچ،

میليونلارجا باليق، میليونلارجا اولدوز و...

### ۳) فاعل:

فاعل کسی یا چیزی است که انجام عملی (در جمله) به آن نسبت داده شود.

فاعل می‌تواند در جمله به شکل انسان، حیوان و شئ ظاهر شود. مثال:

- انسان به شکل فاعل: عباس [ عاباس ] گلیر. *Əbbas gəlir.*

در جمله مذکور عباس کاری را انجام می‌دهد و فاعل می‌باشد.

احمد بُوگون بُورایا گلیر. ( *Əhməd bu gün buraya gəlir.* )

احمد کاری را انجام می‌دهد و او فاعل جمله محسوب می‌شود.

- حیوان و حشرات به شکل فاعل:

قوزو اُشاغى وُرور. بولبول اُخُويور. کپه نك اُچور. قویون مله يير.

- شئ به شکل فاعل: آگاج بؤیویور. *ağaç böyüür* ( درخت رشد می‌کند.) ایلدیریم

آدامى وُردو. ( *ildirim adamı vurdu* ( vurdı ) ) ( برق آدم را زد.)

تیرن بُوگون گلیر. ( *tiren bu gün gəlir.* ) ( قطار امروز می‌آید.) در

جملات مذکور آغاچ، ایلدیریم، تیرن و قوزو فاعل هستند.

فاعل در جمله با علائم زیر شناخته می‌شود:

- فاعل در جمله در جواب سوال چه کسی «کیم kim» و یا چه چیزی «نه nə»، «نمeh

» بیان می‌شود. مثال:

- جمله به شکل خبر: یاشار بُوگون گلیر. [ یاشار امروز می‌آید.]

سوال: کیم بُوگون گلیر؟ *kim bu gün gəlir?* ( چه کسی امروز می‌آید؟)

جواب: یاشار بُوگون گلیر. ( امروز یاشار [ فاعل ] می‌آید.)

- بیان مطلب به شکل خبر: آگاج بؤیویور. *tiren* بُوگون گلیر.

سوال: نه [ نمeh ] بؤیویور؟ «نه» ( نه نمeh ) بُوگون گلیر؟

جواب: آگاج بؤیویور. [ درخت رشد می‌کند.] *Tərən* بُوگون گلیر.

- بیان مطلب به شکل خبر: قوچ وُرور. [ قوچ می‌زند.] قویون مله يير. قوزو امير. و ...

سوال: نه وُرور؟ نه مله يير؟ نه امير؟ و ...

جواب: قوچ و ورور. قویون مله ییر، قوزو امیر. و ...

- فاعل می‌تواند در جمله به شکل مفرد، جمع، عام، خاص، ساده و مرکب و یا به شکل ضمیر به کارگرفته شود. مثال:

۱) فاعل به شکل اسم ساده و مفرد: کریم گلیر. (کریم اسم مفرد و خاص و معرفه است.)

۲) فاعل به شکل اسم مرکب: علیرضا گلیر. (علیرضا اسم مرکب و خاص و معرفه می‌باشد.)

۳) فاعل به شکل ضمیر مفرد: او بُوگون گله جك. (ضمیر در شکل فاعل)

بیان فاعل با فعل کامل و یا با فعل نا کامل:

- بیان فاعل در جمله به وسیله فعل کامل:

تئن ساعت ۸ ده گلدي. (قطار در سر ساعت ۸ آمد.)

در جمله مذکور کلمه «گلدي»، ترکیبی از ریشه فعل همراه با ضمیر متصل سوم شخص مفرد و علامت زمان گذشته (دى) می‌باشد. به عبارت دیگر جمله مذکور با فعل کامل به کارگرفته شده و فاعل نیز به طور مشخص، کاری را در زمان مشخصی انجام داده است. (به بخش فعل مراجعه شود.)

- بیان فاعل در ترکیب فعل ناکامل:

اگر جمله تنها با فعل «ایمک» (پسوند صرفی، بدون علامت دیگری) به کارگرفته شود، فعالیت و زمانِ کارِ فاعل مشخص و روشن نمی‌شود، بلکه تنها اسم (فاعل) معرفی می‌شود. مثال:

(به نحوه صرف فعل «ایمک» در بخش فعل توجه کنید.)

اوون آدی یاشار دیر. او قیز چوخ گؤزل و آدلی دیر.

- در دو جمله مذکور، «یاشار و قیز» معرفی شده اند، ولی آنها کاری را انجام نداده اند، اما اگر پرسیده شود، فاعل جملات مذکور چه کسانی هستند؛ در جواب گفته می‌شود، فاعل جملات مذکور «یاشار و قیز» می‌باشند.

- اسم و فاعل می‌تواند در جمله به شکل اسم مصدری، قیدی، صفتی ظاهر شده و به کارگرفته شود. مثال:

فاعل به شکل اسم: حسن گلیر.

فاعل به شکل اسم مصدر: گلمک چتین دیر. ( گلمک به جای اسم به کار گرفته شده است.)

فاعل به شکل اسم صفتی: یاخشی، پیسدن یاخشی دیر. ( یاخشی در جای فاعل نشانده شده است.)

فاعل به شکل اسم قیدی: زامان تئز گنجیر. زامان قیصادیر. زامان یوخ ، واخ یوخ و ...

فاعل به شکل اسم عددی: اونلار( ایله ) بیر، اولار اون بیر. ( ده با یک می شود یازده.)

### پسوند صرفی در جای اسم و فاعل:

اگر فاعل در جمله مشخص باشد، در مواردی برای کوتاه و یا برای زیبا کردن جمله، فاعل را از جمله حذف می کنند و به جای آن ضمیر شخصی و یا پسوند صرفی را به کار می گیرند: حسن دونن گلدی و حسن بُوگون گنتدی.

در جمله مذکور « حسن » به عنوان اسم و فاعل و علامت « گذشته » به شکل « دی » دو مرتبه تکرار شده است، که یکی از آنها را می توان حذف کرد و به اشکال مختلف زیر در آورد و به کار گرفت. مثال:

حسن دونن گلدی و او بُوگون گنتدی .

- از جمله مذکور می توان حرف ربطی ( و ) را نیز حذف کرد و به جای آن « کاما » به کار گرفت. مثال:

حسن دونن گلدی، بُوگون گنتدی.

- از جمله مذکور می توان یکی از دو علامت گذشته ( دی ) را حذف کرد و به جای آن پسوند « ایب » را ( که فعل آخری را در خود انعکاس می دهد ) به فعل اولی پیوند زد. مثال: حسن دونن گلیب و او بُوگون گنتدی ». ( در جمله فاعل و علامت گذشته از پسوند « دی » فهمیده می شود.) از جمله مذکور می توان ضمیر شخصی و حرف ربطی ( و ) را نیز به شکل زیر حذف کرد:

حسن دونن گلیب ، بُوگون گنددی [ گنتدی ].

از جمله مذکور می توان « کاما » را نیز حذف کرد:

حسن دونن گلیب بُوگون گنتدی.

## فعل، به عنوان فعل و فاعل جمله:

در مواردی در محاوره، اگر فاعل برای طرفین صحبت کننده مشخص و آشنا (اسم معرفه) باشد، اسم آن را از جمله حذف می‌کنند. مثال:

- جمله خبری: حسن منه دئمیشدى کى، او بۇگون بۇرايا گله جك، آمما او گلمه دى.

جواب: عجله ائله مە، گلر. (به جای، سن حوصله ائله، او گلر.)

- در جمله «حوصله ائله، گلر»، اثری از فاعل و ضمیر وی نیست، ولی

آن در ترکیب کلمه «گلر er ər gə» به شکل پنهانی بیان شده است.

سوال: سن نىچە سىن؟ (حال تو چطور است؟)

[ نه جورسەن؟ نه سىل سان؟ ]

جواب: ياخشى يام، ساغ اول [بحاي من ياخشى يام، سن ساغ اول]. دو كلمە «ياخشى يام، ساغ اول» بدون ضمير شخصی به کار گرفته شده و فاعل به شکل پنهانی در صرف فعل «ايىك» بیان می‌شود.

- تعارف: بۇيۇرون بىرچاى اىچىن! (بحاي: سىز بۇيۇرونۇز [بۇرايا، ائوه] بىرچاى اىچىنiz.)

جواب و تشکر: ساغ اولون، آغزىنیز شىرىن اولسۇن، واخ يۇخ، گىركىڭىم. (بحاي: سىز ساغ اولونۇز، سىزىن آغزىنیز شىرىن اولسۇن، منىم واختىم يۇخدۇر؛ من گىركىڭىم.)

- جمله خبری: حسن دونن بىزە گىلدى، بۇگون دوروب گىتىدى.

جواب به شکل زیر با حذف اسم بیان می‌شود:

آى باب! او ائله كىچىن اىيلدە گلىپ اىكى گون قالدى، « دئدى گىدىرم »، بىزىنە قدر يالواردىق كى « بابا بۇجور اولماز، بىر اىكى هفتە قال، سۇنرا گېت »، ھۆكمىن دئدى « يۇ يۇ اولماز، ائله بىر بىلە بىس دىر »؛ ائله بۇجور دۇرۇب « شىطان آتىنا مىنېب »، شىء شوپۇن يېغىب باغلادى و بىزى دە باخاباخا قۇيوب، خدا حافظ لە شدى و چىخىپ گىتىدى.

- در رابطه با حذف فاعل و بیان آن به وسیله فعل «ايىك»، به شعر زیر توجه کنید:

صمد وورغۇن:

يىخىلېپ يانىنا اولمك اىستە رم آنالىق مەھرىنى گۈرمك اىستە رم

در شعر مذکور، شاعر خودش فاعل است، ولی وی اسم و ضمیر خود را حذف کرده است.

## ۵) اسم فاعلی،

کلمه ای است، که از ترکیب اسم و علامت (پسوند فاعلی) «چی» ساخته شده و فاعلیت شغلی شخص را در خود انعکاس می‌دهد.

علامت اسم فاعلی (چی ای) از ترکیب یک حرف بی‌صدا (ء) و یک حرف صدادار (ا) تشکیل می‌باشد و حرف بی‌صدا آن (چ) در مواردی در بین دو حرف صدادار به شکل حرف «ج» (در فرم قدیمی) صرف می‌شود و حرف صدادار آن نیز با هماهنگی بزرگ به شکل «ا، ای، آ، آن» به کارگرفته می‌شود. برای مثال در جدول زیر به طریقه ساختن اسمی مختلف مصدری توجه کنید:

اسم فاعلی ترکی	اسم فاعلی فارسی	اسم ترکی	اسم فارسی
işçi	ایشچی	کارگر	کار
dəmirçi	دمیرچی	آهنگر	آهن
yazıcı(cı)	یازیچی	نویسنده	نوشته
çölçü	چولچو	بیابانگرد	بیابان
qayıqçı(cı)	قاییقچی	{ قایق ران	{ قایق
qapıcı(cı)	قاپیچی	دربان	در
gəmiçi (ci)	گمیچی	کشتی ران	کشتی
yolçu	یولچو	راه بان	راه
başçı	باشچی	سردار	سر

گول: گولچو، معدن: معدنچی، ساغ: ساغچی، اوْت: اوْتچو و...

- اسم فاعلی در جمله، به شکل زیر به کارگرفته می‌شود:

من کارگر هستم. (من کارگرم). من ایشچی يم. (mən işçiyəm.)

من ایشچی يم و بورادا ايشله ييرم (ايشه ليزم). (mən işçiyəm və burada işləyirəm.)

من ایشچی اولاراق بۇرادا ایشله بىرم ( ایشلیرم ). ( mən işçi olaraq burada işləyirəm . )  
 من اوپىرنىجىم. ( شاگىردىم ، من دانشجويم . ) ( mən şagirdəm ( öyrənciyəm . )  
 من اوپىرنىجى اولاراق بىر ايل ديركى، بۇرادا ياشاييرام ( من شاگىردىم و بىر ايلدىر كى بۇرادا ياشاييرام ).  
 [ ياشيرام ]. ( mən şagird ( öyrənci ) olaraq, bir ildir ki burada yaşayıram . )  
 من اوپىرنىجىم و بىر ايلدىر كى، بۇرادا ياشاييرام .

اسم فاعلى همانند ساير کلمات با فعل « ايمك » برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچك و برای ساير ضمایر شخصى با هماهنگی بزرگ صرف مى شود:

اسم	سېدچى	دەميرچى	قاييقچى	سوروجو ( چو )	قۇروخچو (محافظ)
من	سېدچى يەم	دەميرچى يەم	قاييقچى يام	سوروجويم	قۇروخچويم
سن	سېدچى سن	دەميرچى سن	قاييقچى سان	سوروجوسان	قۇروخچوسان
اۋ	سېدچى دىر	دەميرچى دىر	قاييقچى دىر	سوروجودور	قۇروخچودور
بىز	سېدچى يىك	دەميرچى يىك	قاييقچى يىك	سوروجويوك	قۇروخچويوق
سىز	سېدچى سىنiz	دەميرچى سىنiz	قاييقچى سىنiz	سوروجوسونوز	قۇروخچوسونوز
اونلار	سېدچى دىرلر	دەميرچى دىرلر	قاييقچى دىرلار	سوروجودورلر	قۇروخچو دورلار

توجه: در موارد كمى، حرف « چ » در بين دو حرف صدادار به شكل « ج » تلفظ مى شود. مثال:  
 سوروجو، قاييقچى ( قاييقچى ) و ...

- اسم فاعلى با پسوند « لر، لار » به شكل زير جمع بسته مى شود:  
 دەميرچىلر، ايشچىلر، باخىجيالار، يازىچىلار، قوشچولار، اوغچولار، چالىجىلار،  
 دوه چىلر، آتچىلر، اوتكىلار و ...

- اسم فاعلى به وسيله عدد معين نيز به شكل زير جمع بسته مى شود:  
 ايگى دەميرچى، اون ايشچى، يوز يازىچى، يوز اوغچو و ...

## ۶) مصدر:

(a) مصدر کلمه ای است، که از دو بخش تشکیل می‌یابد، بخش اول آن را ریشه مصدر (ریشه فعل) و قسمت دوم آن را پسوند مصدری (علامت مصدری) می‌نامیم.

در زبان ترکی آذربایجان علامت مصدری پسوند «*mək* مک» و «*maq* ماق» می‌باشد. پسوند «ماق» به افعالی (ریشه مصدرهای) پیوند می‌خورد، که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف «*ı, o, u, a*» می‌باشد؛ پسوند «مک» به افعالی پیوند می‌خورد، که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف «*ə, e, i, ö, ü*» می‌باشد. مثال: یک) ریشه مصدر و یا فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف «*ü, ö, e, i, ə*» باشد، به شکل زیر با پسوند «مک» به کلمه مصدری تبدیل می‌گردد:

پسوند مصدری	ریشه مصدر (ریشه فعل و یا فعل ساده)				
<i>mək</i> مک	<i>gəl</i>	<i>get</i>	<i>iç</i>	<i>döz</i>	<i>düş</i>
<i>mək</i> مک	<i>ələ</i>	<i>ye</i>	<i>din</i>	<i>söy</i>	<i>gül</i>

- لطفاً به طریقه ساختن مصدرهای زیر نیز توجه کنید:

ə) ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادار آن «*ə*» می‌باشد:

گلمک *gəl, mək* ، ذلمک *dəl, mək* ، آله مک، سیمک، سرمک و...

e) ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادار آن «*e*» می‌باشد:

ائتمک *et, mək* ، یئمک *ye, mək* ، دئمک، گئتمک، وئرمک، سئومک، دئشمک و...

i) ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادار آن «*i*» می‌باشد:

ایچمک *iç, mək* ، بیتمک *bit, mək* ، بیلمنک، سیلمنک، دینمنک، بیشمنک و..

ة) ریشه مصدر و يا فعلی، که آخرین حرف صدادار آن « ة » می باشد:

اوپمک öp,m ə k ، دونمک dön,m ə k ، گئرمک، اوئتمک، سؤنمک و ...

تا) ریشه مصدر و يا فعلی، که آخرین حرف صدادار آن « تا » می باشد:

دوزملک düz,m ə k ، دوشملک düş,m ə k ، گولملک، سورملک، اوشوملک، سوزملک و ...

- مصدر در جمله به شکل زیر به کار گرفته می شود:

صمد و ورغون: بیخیلیب یانینا اولملک ایسته رم آنالیق مهرینی گئرمک ایسته رم

- در رابطه با مصدر به شعر زیر نیز توجه کنید:

بیل حقی مصدر کیمی اصل کلام عافم حقین کلماتی تمام هیدجی:

مصدر و مشتق ده یوخ فرق چوخ مصدر اگر اولمايا ، مشتق یوخ

(دو) ریشه مصدر و يا فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف « ئ ، ئا ، ئو ، ئى » باشد، به شکل زیر با پسوند « ماq » به مصدر تبدیل می شود:

پسوند مصدری	ریشه افعال ( ریشه مصدر )
ماq	al yix don dur {

- لطفاً به طریقه ساختن مصدرهای زیر نیز توجه کنید:

a) ریشه مصدر و يا فعلی، که آخرین حرف صدادار آن « a » می باشد:

آلماق al,maq ، قالماق qal,maq ، سالماق ، تاپماق ، دانماق ، یازماق و ...

ا) ریشه مصدر و يا فعلی، که آخرین حرف صدادار آن « ا » می باشد:

ییغماق yığ,maq ، سیخماق six,maq ، بیخماق ، قیلماق ، جیرماق و ...

و) ریشه مصدر و يا فعلی، که آخرین حرف صدادار آن « و » می باشد:

اولماق ol,maq ، دولماق dol,maq ، سولماق ، دونماق ، سویماق ، قویماق و ...

و) ریشه مصدر و يا فعلی، که آخرین حرف صدادار آن « و » می باشد:

اوتماق ut,maq ، توتماق tut,maq ، بولماق ، دورماق ، قورماق و ...

- مصدرهایی که آخرین حرف صدادار ریشه آنها با یکی از چهار حرف « a, i, o, u » می‌باشد (مثل: قالماق، سالماق) در مواردی به ویژه در محاوره به نا درست به شکل « قاتماخ، سالماخ » صرف می‌شوند؛ ولی همین مصدرها را در حالتهای تصریفی به شکل صحیح مثل « قالماغیم »، « سالماغیم »، صرف می‌شوند. با این وصف که « ق » حرف بی‌صدای ضعیفی است، که در بین دو حرف صدادار به « غ » تبدیل می‌شود، در صورتی که حرف « خ » تغییر صدا نمی‌دهد. برای مثال در جدول زیر به صرف کلمات مختلف ( به شکل صحیح و نادرست ) توجه کنید:

تعییر حرف در صرف کلمه	نحوه صرف محاوره ای	اصل ادبی کلمه	تعییر حرف در کلمه	نحوه صرف محاوره ای	اصل ادبی کلمه
قالماغیم	قالماخ	قالماق	آلماغیم	آلماخ	آلماق
سینماغیم	سینماخ	سینماق	بیخماغیم	بیخماخ	بیخماق
اوْخوماغیم	اوْخوماخ	اوْخوماق	قوْخماغیم	قوْخماخ	قوْخماق
دوْیماغیم	دوْیماخ	دوْیماق	سوْلماغیم	سوْلماخ	سوْلماق
قوْرماغیم	قوْرمماخ	قوْرماق	دوْرماغیم	دوْرماخ	دوْرماق
صحیح	نادرست	صحیح	صحیح	نادرست	صحیح

- چنانکه، ملاحظه می‌شود، مصدر « آلماق » و صرف « آلماغیم » صحیح و مصدر « آلماخ » نادرست می‌باشد.

- کلمات مصدری به شکل زیر در حالتهای تصریفی صرف می‌شوند. مثال:

mənim gülməyim	گولمک: منیم گولمه بیم	mənim gəlməyim	گلمک: منیم گلمه بیم
onun danışmağı	اوْنۇن دانىشماغانی	sənin qalmağıın	قالماق: سئین قالماغین

باناماق: خۇروسوں بانناماگى و ...

سۇملەك: سۇومە بیم، ياتماق: ياتماگیم،

b) مصدر از لحاظ ترکیب:

چنان که قبلًاً اشاره شد، مصدر کلمه‌ای است، که از دو بخش تشکیل می‌یابد، قسمت اول آن را ریشه مصدر (ریشه فعل) و قسمت دوم آن را پسوند مصدری می‌نامیم.

چنین مصدرهایی را در زبان ترکی می‌توان «مصدرهای ساده» نامید؛ چرا که در این زبان با پسوندهای مختلف می‌توان فعل ترکیی و مرکب ساخته و با پیوند زدن علامت مصدری آنها را به مصدرهای جدیدی تبدیل کرد و به کارگرفت. برای مثال به نمونه‌هایی از آن **شوجه کنید**:

- ریشه فعلی که با حروف نفی «مه» همراه شود با پسوند «مل» به مصدر نفی تبدیل می‌گردد:

با پسوند « مه »	{	gelmə	getmə	içmə	dözmə	düşmə	{	mək	مک
-----------------	---	-------	-------	------	-------	-------	---	-----	----

**نفي مصدر:** گلمه مک ، گتنه مک ، ایچمه مک ، دوزمه مک ، دوشمه مک و ...

- در زبان ترکی، کلمات مختلف ( اسم ، صفت ، قید ) را می‌توان با علائم « له ، لا » به شکل فعل در آورد و با پیوند زدن علامت مصدری آنها را به مصدر جدیدی تبدیل کرد:

- افعال مذکور به شکار زی به مصدر تدبیر مه شوند:

﴿ افعال ترکیبی با پسوند « لا » ﴾ { qar,la qır,la son,la duz,la { maq

- به مصدرهای که یا کلمات مختلف ساخته می‌شوند، توجه کنید:

مصدری که از صفت ساخته می‌شود: او جالدی پیماق و ..

مصدری که از کلمه قیدی ساخته می‌شود: گنج، گنجله نمک، گنجله مک و ...

مصدری که با قید عددی ساخته می شود: بی، بی له شمک، بی له شلمک و ...

- مصادرهایی، که با ترکیب دو فعل، یا یک میانهند ( $\theta$ ؛  $\theta$ ) هم از سوند مصادری ساخته

می شوند. مثال: گوله بیلمک، بیخاییلمک، قاچا بیلمک، سالا بیلمک و ...

مصدر مرکبی که با دو مصدر ساخته می شود:

گلمک بیلمک، یئمک بیلمک، او خوماق بیلمک و ...

- مصدر مرکبی که با ترکیب دو فعل همراه یک میانوند «ایب» و پسوند مصدری ساخته می شود :

چیخیب دوشمک، گلیب گئتمک، دُرُوب او تورماق و ...

## ۷) اسم مصدری:

اسم مصدری به کلمه ای گفته می شود، که به آخر آن حروف اضافه و پسوندی « لیق ، لیک ، لوق » پیوند بخورد.

پسوند « لیک » ، « لوق » را می توان به کلمات مختلف از جمله اسم ، صفت ، قید ، عدد پیوند زد و آنها را به اسم مصدری تبدیل کرد. مثال:

اسم: آداملیق، قارداشلیق، ننه لیک، باجی لیق، دده لیک و ...

صفت: یاخشیلیق، پیسلیک، آلچاق لیق، او جالیق، بئیو کلوک و ...

قید: هفته لیک، آیلیق، تئزلیک، حله لیک، صاباحلیق و ...

عدد: بیرلیک، یوزلوك، او نلوق، مین(بین) لیک و ...

آخرین حرف علائم مصدری دو حرف ضعیف « ق » و « ک » می باشد، که در صرف در بین دو حرف صدادار به حرف « غ ، ئی » تغییر شکل می دهند. مثال:

آداملیق: آداملیغیم و ...

یوزلوك: یوزلوبیم و ...

حرف صدادار پسوند « اسم مصدری » با هماهنگی بزرگ به چهارشکل ( که دو فرم آنها با حروف صدادار با آهنگ بالائی و دو فرم دیگر آنها با آهنگ پائینی می باشد ) صرف می شوند:

کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف صدادار « ئ ، ئ ، ئ ، ئ » باشد، به دو شکل زیر به اسم مصدری تبدیل و با هماهنگی بزرگ

### صرف می شود:

فرم اول) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف «ا، a » می باشد:

اسامی مصدری با پسوند «ا، aq»		کلمات ساده		
فارسی	ترکی	فارسی	ترکی	نام کلمه
بادام زار	badam, lıq بادام لیق	بادام	badam بادام	اسم
خوبی	yaxşı, lıq یاخشی لیق	خوب	yaxşı یاخشی	صفت
یاپلیق	yay, lıq یاپلیق	تابستان	yay یا	قید
میلیاردی	milyardlıq میلیاردی لیق	میلیارد	milyards میلیارد د	عدد
هستی	varlıq وارلیق	هست	var وار	فعل

فرم دوم ) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این دو حرف u , o باشد ، به

شكل زیر صرف می شود:

اسامی مصدری با پسوند «auq»		کلمات ساده		
فارسی	ترکی	فارسی	ترکی	
نیستی	yox, luq یوخلوق	نیست	yox یوخ	
شن زار	qum, luq قوم لوق	شن	qum قوم	
خویشاوندی	qohum, luq قوهوم لوق	خویش	qohum قوهوم	
بندگی	qulluq قوللوق	بنده	quı قول	
ده تومنی	onluq اوْنلوق	ده	on اوْن	

- کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف

صدادار «ü, ö, i, e » باشد، به دو شکل زیر به اسم مصدری تبدیل می‌شود:

یک فرم ) کلمه‌ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این سه حرف « i, e, ö »

باشد ، به شکل زیر صرف می‌شود:

اسم مصدری با پسوند «lik»		اسم ساده	
فارسی	ترکی	فارسی	ترکی
چمن زار	çimən,lik چیمن لیک	{	چمن
کشاورزی	əkinçilik آکینچی لیک		کشاورز آکینچی
کارگری	işçi,lik ایشچی لیک		کارگر ایشچی
دانشوری	bilgilik بیلگی لیک		دانش bilgi بیلگی
بدی	pis,lik پیسلیک		بد pis پیس
پنجاه تومانی	əllilik الی لیک		پنجاه əli الی

دو فرم ) کلمه‌ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف « ü, ö » باشد، به

شكل زیر صرف می‌شود:

فارسی		ترکی	
فارسی	ترکی	فارسی	ترکی
پیش بند	ön,lük اونلوك	{	پیش ön اون
لغت نامه	söz,lük سؤزلوك		حرف söz سؤز
راستی	düz,lük دوزلوك		راست düz دوز
گلزار	gül,lük گوللوك		گل güل گول
صد تومانی	yüzlük يوزلوك		صد yüz يوز

- اسم مصدری به شکل زیر در حالت‌های تصريفی صرف می‌شود: سؤزلوك :

سۆزلۈيۈم، سۆزلۈيۈمە، سۆزلۈيۈمدە، سۆزلۈيۈمو، سۆزلۈيۈمون  
قۇملوق (شىزار): قۇملوغا، قۇملوقدا، قۇملوغو، قۇملوغون و...

اسم مصدرى در تركىيات گوناگون زير نيز به کارگرفته مى شود:

- با تركيب دو اسم:

dosduşmanlıq: دۇسدوشمانلىق	دۇسدوشمان: دۇسدوشمانلىق	nənədədəlik: ننه دده لىك
otələflik: اوْت علف	اوْت علف: اوْت علفلىك	dağdaşlıq: داغداشلىق
baciqardaşlıq: باجىقارداشلىق	باچىقارداش: باجىقارداشلىق	nənəbalalıq: ننه بالالىق

تۇز تورپاق، تۇز تورپاقلىق. كت شالوار، كت شالوارلىق. قىرقۇم، قىرقۇملوق.

بار باداملىق، دوم دوزلوق، دام داشلىق و...

اسم مصدرى را مى توان همانند ساير كلمات به شكل زير با علامىم « لار، لر» جمع بست و به کارگرفت. مثال:

almalıqlar: المالىق لار	çotinlikler: چىتىنلىك لر
otluqlar: اوْتلوق لار	önlükler: اونلوك لر
xıyarlıqlar: خىيارلىق لار	meşəlikler: مئشه ليكلىك

دۇسلوق لار، اينسانلىق لار، ياخشىلىقلار، قانمامازلىق لار، پىسىلىك لر، يۇنجالىق لار، كوللوكلر، و...

- کلمه مرکب: داغداشلىقلار، چىرچىمنلىكلر، تۇز تورپاقلىقلار و...

- با تركيب صفت تكراري:

düm Düzlük: دوم دوزلوك	çirçimənlik: چىرچىمنلىك
çirçiçöklik: چىرچىچىكلىك	bomboşluq: بۇم بۇشلوق

مئر مئشه ليك، بار باداملىق، قام قارانلىق، سئر سئىھلىك،

دوم دوزلوك، يام ياشىلىق، زيم زىغلىق، مئر مئشه ليك و...

- كلماتى كه از ساير زبانها وارد زبان ترکى شده اند، همانند كلمات ترکى به وسيله پسوند

مصدری ( لیک ، لیق ، لوق ) ، به اسم مصدری تبدیل شده و با مفهوم جدیدی به کارگرفته میشوند. مثال:

کلمات عربی: اینسان *insan* ، اینسانلیق *insanlıq*. حلال *həlal* ، حلالیق *həlallıq*. عَمَله، عمله لیک ( ایشچیلیک ). عالیم، عالیم لیک. اتحادلیق، عدالتچی لیک. اشتراکچی لیق. شراکتیلیک. متغیرلیک. عداوتلیک. دین چیلیک. امت چیلیک. ارتجاجلیق. مؤلالیق. حزب الله چیلیق ، شیطانلیق ، شیطانچی لیق و ... کلمات غربی: مئتیرلیک. کیلومئتیرلیک. هئکتارلیق. کمونیستچیلیک. ایشچیلیک. فاشیست چیلیک. پروفوسور چولوق. و ...

- کلمات مذکور به شکل زیر در حالتهاي تصریفی صرف میشوند. مثال:

منیم اینسانلیغیم ، سنین اینسانلیغین ، اوونون اینسانلیغی ، بیزیم اینسانلیغیمیز ، سیزین اینسانلیغینیز ، او نلارین اینسانلیقلاری و ...

- از کلمات فارسی نیز میتوان اسم مصدری ساخت. مثال:

دوس(دوست) ، دُوس دوشمان، دُوس دوشمالیق، دُوسدوشمانچیلیق کارگرچیلیک، بیکارچیلیق، همکارچیلیق. و ...

- اسم مصدری را میتوان در ترکیبات مختلف زیر نیز به کار گرفت:  
یاخشیلیق ائتمک ( خوبی کردن ) ، یونجالیق اکمک ( یونجه زار کاشتن ) ، اینسانلیق بیلمک ( طریقه انسانیت ) ، اینسانلیق ائتمک ، اینسانلیق آنلاماق پیسلیک ائتمک ، سیرتیخلیق ائتمک ، قارداشلیق ائتمک ، اوستونلوك وئرمک ، پیسلیک ائتمک ، یاخشیلیق ائتمک ، سعفنه لیک ائتمک ، آداملیق بیلمک ، آداملیق قانماق ، حیوانلیق ائتمک، دُوشمالیق ائتمک، عداوت لیک ائتمک و ...  
توجه: - کلمات مذکور را میتوان جمله ناکامل نیز به حساب آورد.

- کلمات مذکور را میتوان به شکل زیر در جای اسم به کارگرفت. مثال:  
سیرتیخلیق ائتمک ( ائدمک ) هر آدامین ایشی دئگیل.  
بیری ایله دُوشمالیق ائتمک، منطیق دن اوْزاق دیر.

## پخشش چهارم:

### ۱) ضمایر شخصی و مسائل مختلف در این رابطه:

ضمیر به کلمه ای گفته می‌شود که در جمله جایگزین اسم گشته و شخص و یا شئ مورد نظر را در خود منعکس می‌کند.

ضمایر شخصی در ترکیب جمله به دو شکل، یعنی به شکل « منفصل » ( جدا از کلمات دیگر ) و « متصل » ( پیوسته در شکل پسوند ) به کار گرفته می‌شوند:

**الف) ضمایر منفصل شخصی،** ضمایری هستند که به شکل زیر مستقل ( حرف صدادار آن وابسته به کلمات دیگر نیست ) و جدا از کلمات دیگر به کار گرفته می‌شوند:

ضمایر منفصل ترکی	فارسی	نام ضمایر شخصی فارسی
bən	من	من
sən	تو	من
o	او	من
biz	ما	من
siz	شما	من
onlar	آنها	من

در رابطه با ضمایر منفصل شخصی به مطالب زیر توجه کنید:

a) ضمایر شخصی در زبان ترکی جنسیت ( نر، ماده ) نمی‌شناسد.

b) ضمایر سوم شخص مفرد و جمع ( او، بُو، اونلار، بُونلار )، ضمایر اشاره ای نیز محسوب می‌شوند.

c) ضمایر سوم شخص مفرد و جمع ( او، بُو، اونلار، بُونلار ) در رابطه با حیوانات و اشیاء نیز به کار گرفته می‌شود.

d) ضمیر شخصی و اشاره ای سوم شخص جمع (اونلار onlar ، بُونلار) کلمات مرکبی هستند، که به شکل زیر از سه بخش تشکیل می‌یابند، اما آنها دو سیلاجی هجی می‌شوند. مثال:

الف) تجزیه کلمه «اونلار»: ۱) او : ضمیر شخصی، ۲) «ن»: حرف اضافه،

۳) لار: علامت جمع،

ب) هجی کلمه «اونلار»: ۱) اون، ۲) لار

c) کلمه «اونلار، بُونلار»، در محاوره به شکل «اولار» و «بُولار» نیز بیان می‌شوند.

m) ضمیر اول شخص مفرد در زبان ترکی «بن bən» می‌باشد، که امروزه آن به شکل

«من mən» بیان می‌شود:

جمع «بن bən» می‌شود «بیز biz»، جمع «سن sən» می‌شود «سیز siz» و

جمع «او o» می‌شود «اونلار onlar».

چنانکه ملاحظه می‌شود، اولین حرف ضمایر شخصی مفرد و جمع به یک شکل (sən ، biz ، bən)

o + siz به کار گرفته می‌شوند، در صورتی که اولین حرف کلمه «من mən» با کلمه

«بیز biz» هم شکل نمی‌باشد و «من mən» را نمی‌توان به شکل «میز miz» جمع بست.

کلمه «بن bən» امروزه در ترکی آذربایجان به شکل «mən» صرف می‌شود، در نتیجه در این کتاب

نیز به شکل «من» به کار گرفته می‌شود. در کتب و اشعار قدیمی (همانند ترکی استانبولی) ضمیر اول

شخص مفرد را به شکل «بن bən» نیز به کار برده اند. برای مثال به شعری از خلیلی توجه کنید:

نیته کیم عشقینده بن فریاد و افغان ائله رم مرغ جانی هر سحر شوقیله نالان ائله رم

z) در صرف افعال، ضمیر شخصی در جمله به دو فرم (به شکل منفصل و متصل) تکرار می‌شود. مثال:

من گلیرم. من گندیرم. گولورم. و...

در جمله «من گلیرم»، ضمیر شخصی یک بار به شکل ضمیر منفصل (من) و یک بار دیگر به شکل

ضمیر متصل (صرف فعل ایمک: ام) به کار گرفته می‌شود.

- در مواردی پسوند صرفی (دیر) را از سوم شخص مفرد و جمع حذف می‌کنند. مثال:

«او گلیردیر»، به شکل «او گلیر» و «اونلار گلیردیلر»، به شکل «اونلار گلیرلر» صرف می‌شود.

٢) ضمایر منفصل و متصل شخصی:

ضمایر متصل شخصی کلماتی هستند، که از صرف فعل (ریشه مصدر) «ایمک» به وجود می‌آیند و به شکل پسوند صرفی به کلمات مختلف پیوند می‌خورند. به عبارت دیگر مصدر «ایمک» از دو بخش (سیلاپ) ترکیب می‌یابد، که بخش اول آن حرف صدادار «ا» (که در صرف به شکل ضمیر متصل شخصی در می‌آیند) و بخش دوم آن پسوند مصدری (mək) می‌باشد.

- مصدر «ایمک» بر عکس سایر مصدرها، به شکل مصدر به کار گرفته نمی‌شود، بلکه ریشه آن به شکل «ام، سن، دیر» (هستم، هستی) و گذشته آن به شکل «دی، ایمیش» (بودم، بودی) و ... برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. پسوند صرفی فعل ایمک (مثل: ام، سن، ایک) در مباحث مختلف این کتاب با نامهای مختلف (ریشه مصدر ایمک، ریشه فعل، پسوند صرفی و ضمیر متصل شخصی) به کار گرفته می‌شود: (حرف صدادار ضمایر متصل وابسته به کلمه ما قبل خود است.)

- در جدول زیر فعل «ایمک» (پسوند صرفی) به تنهاei به شکل ضمیر متصل و یا به شکل

فارسی	ترکی
صرف ضمایر	صرف ضمیر منفصل و متصل برای ضمایر شخصی
من هستم	mən, əm من، ام
تو هستی	sən, sən سَنْ، سَنْ
او است	o, dur اوْ دور،
ما هستیم	biz, ik بِيَزِيلُكْ، ايَلُكْ
شما هستید	siz, siniz سِيز سِينيز،
آنها هستند	onlar, dır (lar) اوْنلار دير (لا)
	ضمیر منفصل
	ضمیر متصل شخصی

- حرف صدادار ضمیر متصل اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک صرف می شود.

- در رابطه با فعل ایمک (ضمیر متصل شخصی) به مطالب زیر توجه کنید:

a) ضمیر سوم شخص مفرد (۵) و جمع (onlar) با حرف صدادار با آهنگ پائینی ساخته می‌شود، در نتیجه پسوند آنها نیز با حروف صدادار با آهنگ پائینی به کار گرفته می‌شوند. مثال:

o , onun , onunku . onlar , onların , o,nlarinkilar.

b) فعل «ایمک»، فعلی است که اسم و موقعیت آن را معرفی و کلمات مختلف جمله را به یکدیگر ربط می‌دهد، ولی عمل و زمان کارِ فاعل را روشن نمی‌کند. مثال:  
یك او حسن دير. Həsən dir (او حسن است).

- چنانکه ملاحظه می‌شود کلمات مختلف جمله به کمک پسوند صرفی (دیر)، به هم ربط داده می‌شوند.

- با وجودی که در جمله مذکور اشاره ای به فاعلیت حسن نشده است، ولی پسوند «دیر» فاعل بودن حسن را نشان می‌دهد و در نتیجه حسن فاعل جمله محسوب می‌شود.

دو) حسن پاخصی آدام دير. Həsən yaxşı adamdır. [او آدم خوبی است.]

در جمله مذکور حسن فاعل جمله محسوب می‌شود. از صرف فعل ایمک چنین فهمیده می‌شود، که بیان کننده جمله از قبل با حسن آشنا شده است، به همین دلیل نیز می‌تواند به کمک فعل ایمک موقعیت (خوب و بد بودن) حسن را دانسته و معرفی کند. بدین سان فعل «ایمک» به عنوان فعل ربطی و کمکی به کار گرفته می‌شود.

### ۳) طریقه صرف کلمات با فعل «ایمک»... :

فعل «ایمک» در صرف کلمات مختلف به شکل پسوند (پسوند صرفی، یا ضمیر متصل شخصی) به آنها پیوند می‌خورد.

فعل «ایمک» به عنوان پسوند صرفی، در صرف کلمات تغییر شکل می‌دهد و به همین دلیل آن را فعل بی‌قاعده می‌نامیم. توجه شود که در زبان ترکی، تنها یک فعل بی‌قاعده موجود است، که آن همین فعل «ایمک» می‌باشد که به اشکال زیر در صرف، تغییر شکل می‌دهد:

a) فعل ایمک به عنوان پسوند صرفی در صرف اشکال مختلف فعل تغییر شکل داده و در ترکیبات متفاوت به کار گرفته می‌شود. مثال:

گله سن ، گلدین ، گلمیش ( سن ، دین ، میش ) و ...

۶) در صرف فعل « ایمک » قانون هماهنگی به درستی به کار گرفته نمی شود، با این مفهوم که در قانون هماهنگی ، حروف صدادار پسوندها به یک فرم یعنی با هماهنگی بزرگ و یا با هماهنگی کوچک به کار گرفته می شوند ، در صورتی که حرف صدادار فعل ایمک ( a ) در مواردی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می شود.

۵) در صرف فعل ایمک ، حروف بی صدا به آن افزوده می شود و تغییر شکل می دهد. مثال:

گلدى ، گلسین ، گله جك ( دى ، سين ، اجك ) و ...

- تغییرات فعل ایمک به شرح زیر می باشد:

من آم ، سن سن ، او دۇر ، بىز يك ، سىز سىنىز ، اۇنلار دىرلار( ام ، سن ، دۇر ، اىك ، سىنىز ، دىرلار )

- برای آشنائی با طریقه صرف فعل « ایمک » به جدولهای زیر توجه کنید:

کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف صدادار با آهنگ پائینی ( a , i , o , u ) باشد ، به شرح زیر با هماهنگی بزرگ و کوچک به کار گرفته می شود: [ فرم هماهنگی : a , e , i , ö , ü = a ]

( a ) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این چهار حرف « a , i , o , u » باشد ، به شکل زیر با هماهنگی کوچک برای اول شخص مفرد صرف می شود:

صرف کلمات مختلف با فعل « ایمک »				
آخرین حرف صدادار کلمه		پسوند صرفی		
a		am		من ياشارام
i	فرمول هماهنگی:	am		من عاشيغام
o	a , i , o , u = a }	am		من توخام
u		am		من يۇرقۇنام

- کلمات زیر نیز با پسوند « am » صرف می شوند:

من يازيرام ( am ) ، ساليرام ، قيريرام ، من اوخويورام

اولورام ، يونورام ، دولورام ، سولورام و ... oxuyuram ( am )

b) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « a , o , u , i » باشد، به شکل زیر با هماهنگی کوچک برای دوم شخصی مفرد صرف می شود:

صرف کلمات مختلف با فعل « ايمك »		آخرین حرف صدادار کلمه	پسوند صرفی	آخرین حرف صدادار آهنگ پائینی	
a		san		sən Yaşar, san	سن ياشارسان
i	فرمول هماهنگی	san		sən aşiq, san	سن عاشيق سان
o	a , i , o , u = a {	san		sən tox, san	سن توخسان
u		san		sən yorqun, san	سن يورقون سان

- کلمات زیر نیز با پسوند « san » صرف می شوند:

يازيرسان ( san ) ، ساليرسان ، قانديرسان ، قازيرسان ، قيريرسان ، yazırsan ( san )

سن اوخويورسان ( san ) ، دولورسان ، سولورسان ، يونورسان ، دولورسان ، oxuyursan ( san )

سولورسان ، اوتوزورسان و ...

c) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این چهار حرف « a , i , o , u » باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ به دو فرم « dir , dur » برای سوم شخص مفرد صرف می شود:

صرف کلمات مختلف با فعل « ايمك »		آخرین حرف صدادار کلمه	پسوند صرفی	آخرین حرف صدادار آهنگ پائینی	
a	فرمول هماهنگی	dir		o Yaşar,dir	او ياشاردير
i	a , i = i {	dir		o aşiq,dir	او عاشيقدير
o	فرمول هماهنگی	dur		o tox,dur	او توخدور
u	o , u = u {	dur		o yorqun,dur	او يورقوندور

- کلمات زیر نیز با دو پسوند « dir , dur » صرف می شوند:

او قارادیر، آغدیر، آتا دیر، داغ دیر، آنادیر، قارداشدير، قازدار،  
 يازيردير، قازيردير، قيريردير، ساليردير، اوددور، اوتدور، يولدور،  
 قولدور، دوندور، بولدور، يونوردور، دولوردور، يونوردور، اولوردور،  
 سولوردور، قوروردور و ...

d) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « a , i , o , u » باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ به دو فرم « uq , iq » برای اول شخص جمع صرف می شود:

آخرین حرف صدادار کلمه		پسوند صرفی	صرف کلمات مختلف با فعل « ايمك »		
a	فرمول هماهنگی a , i = i {	iq	biz adam,iq	بيز آداميق	
o	فرمول هماهنگی o , u = u {	uq	biz aşıq,iq	بيز عاشيقينق	
u		uq	biz tox,uq	بيز توْخوق	
			biz yorqun,uq	بيز يورقونوق	

- کلمات زیر نیز با دو پسوند « iq , uq » صرف می شوند:

يازيريق ( iq ) yazırıq ، قازيريق، سايريق، آچيريق، قيريريق ( iq ) qırırıq ، سولوروق ( uq ) suluruq ، قوروروق، ييخيريق، سيريريق، قيزيريق، يغيريق، دُوروروق ( uq ) dururuq ، تُتوروق، يوخوق، چوخوق و ...

توجه: اگر آخرین حرف کلمه همانند اولین حرف پسوند صرفی با حرف صدادار باشد، در صرف بین آنها یک حرف تکمیلی(y) افروده می شود. مثال:

من آنایام ، باجي يام ، خالايم ، قاپىچى يام ، قوروخجويام و ...  
 بيز آناييق ، باجي ييق ، خالاييق ، قاپىچى ييق ، قوروخچويق و ...

e) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « a , i , o , u » باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ به دو فرم برای ضمير دوم شخص

جمع صرف می شود:

آخرین حرف صدادار کلمه		پسوند صرفی	صرف کلمات مختلف با فعل « ايمك »
a	فرمول هماهنگی	SINIZ	سيز قارداش سينيز
I	a , I = I {	SINIZ	سيز عاشيق سينيز
O	فرمول هماهنگی	SUNUZ	سيز يورقونسونوز
U	O , U = U {	SUNUZ	سيز توخسونوز

- کلمات زیر نیز همچون کلمات جدول مذکور با دو پسوند « SİNİZ , SUNUZ » صرف

می شوند:

سيز يازيرسينيز (SİNİZ) ، آيلرسينيز ، قاليرسينيز ، قيليرسينيز ، قانيرسينيز ، بيخيرسينيز

yixirsiniz ، بيعيرسينيز ، يۇنورسونوز ، اۇلورسونوز ، يۇخسونوز ، سيز اوخۇيورسونوز و ...

(i) کلمه اي که آخرین حرف صدادار آن با يکى از اين چهار حرف « a,I,O,U » باشد، به شکل

زير با هماهنگی بزرگ به دو فرم برای سوم شخص جمع صرف می شود:

آخرین حرف جمع		پسوند صرفی و علامت جمع	صرف کلمات مختلف با فعل « ايمك »
a	فرمول هماهنگی	dirlar	اونلار آغاج دير(لار)
I	a , I = I {	dirlar	اونلار عاشيق دير(لار)
O	فرمول هماهنگی	durlar	اونلار توخدور(لار)
U	O , U = U {	durlar	اونلار يورقوندور(لار)

- کلمات زیر نیز همچون کلمات جدول مذکور با دو پسوند « DIR , DUR » صرف می شوند:

اونلار يازيرديرلار (yazirdirlar) ، دانيرديرلار ، قيرير (دير) لار ، سالير (دير) لار ، قانديريير (دير) لار ،

يۇخدورلار ، چۇخدورلار ، توخدورلار ، دۇلور (دور) لار ، يۇنور (دور) لار ، اۇلور (دور) لار ،

سۇلۇر(دور) لار، قۇرۇر(دور) لار، دۇرۇنور(دور) لار، دورور دور(دور) لار و ...

توجه: - کلمات مختلف را می‌توان با علامت «لر، لار» به دو شکل جمع بست و به کارگرفت:

علامت جمع در پس: اۇخۇپور (دور) لار، دۇلۇر(دور) لار، يۇنور(دور) لار، اۇلۇر(دور) لار.

- علامت جمع در وسط: اۇنلار اۇخويولار(دیر)، دۇلۇرلار(دیر)، يۇنورلار(دیر) و ...

- حرف صدادار ضمایر متصل سوم شخص مفرد و اول و دوم و سوم شخص جمع با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. (دیر، دور، ایک، سینیز، دیر)

کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف «**ü, e, ə, i, ö**» باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ و کوچک به کارگرفته می‌شود:

[ هماهنگی کوچک به دو شکل صرف می‌شود:

$$2) \quad \text{ə,e,i,ö,ü} = \text{ə}$$

$$2) \quad \text{a,i,o,u} = \text{a}$$

(a) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این پنج حرف «**ü, e, ə, i, ö**» باشد، به شکل زیر با هماهنگی کوچک برای اول شخص مفرد حرف می‌شود:

		آخرین حرف صدادار کلمه	پسوند صرفی	صرف کلمات مختلف با فعل «ایمک»
ə			əm	مەن دەدەيەم
e			əm	مەن سەلەم
i			əm	مەن ايگىيەم
ö			əm	مەن گۈكەم
ü			əm	مەن اوزگۈنەم
فرمول هماهنگی ə, e, i, ö, ü = ə				

- کلمات زیر نیز با پسوند «əm» صرف می‌شوند:

من گلیرم (əm)، گەلەرەم، گەنەرەم، دەنەرەم، ائەرەم، اکىنچى يەم، ايشچى يەم، دەنۈرم، دۆزۈرم، گۈرۈرم، گۈلۈرم، سوزۇرم، دوزۇرم، دوشۇرم، اوشۇرم (اوشويورم)، بوزۇرم و ...

b) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این پنج حرف « ü , ö , i , e , ə » باشد، به شکل زیر با هماهنگی کوچک برای دوم شخص مفرد صرف می‌شود:

آخرین حرف صدادار کلمه	آخرین حرف صدادار کلمه	پسوند صرفی	صرف کلمات مختلف با فعل « ایمک »
ə	فرمول هماهنگی ə , e , i , ö , ü = ə {	sən	sən dədə,sən سن ڏده سن
e		sən	sən sel,sən سن سئلسن
i		sən	sən igid,sən سن ایگیدسن
ö		sən	sən gök,sən سن گئکسن
ü		sən	sən üzgün,sən سن اوزگونسن

- کلمات زیر نیز با پسوند « sən » صرف می‌شوند:

سن گله سن، گنده سن، بیله سن، گوره سن، گوله سن، گلیرسن، گنديرسن،  
گورورسن (sən görürsən ) ، اوشويورسن و ...

c) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این پنج حرف « ü , ö , i , e , ə » باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ به دو فرم برای سوم شخص مفرد صرف می‌شود:

آخرین حرف صدادار کلمه	آخرین حرف صدادار کلمه	پسوند صرفی	صرف کلمات مختلف با فعل « ایمک »
ə	فرمول هماهنگی ə , e , i = i {	dir	ə dədə,dir او ڏده دير
e		dir	ə sel,dir او سئلدير
i		dir	ə igid,dir او ایگيددير
ö		dü	ə gök,dür او گئکدور
ü		dü	ə üzgün,dür او اوزگوندور

- کلمات زیر نیز با دو پسوند « دير، دور » صرف می‌شوند:

او گليردير، يازيردير، تبلدير، گلوردور، او گوزدور، گوززدور،

سوزدور، دوشدور، دوزدور، اوزومدور، گولدور و...

e) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این چهار حرف «ü, ö, e, ə» باشد،

به شکل زیر با هماهنگی بزرگ به دو فرم برای اول شخص جمع صرف می‌شود:

صرف کلمات مختلف با فعل «ایمک»		پسوند صرفی با علامت جمع	آخرین حرف صدادار کلمه	فرمول هماهنگی	
ə			ik		biz dədəy,ik بیز دده بیاک
e	ə , e , i = i		ik		biz sel,ik بیز سئلیک
i			ik		biz igid,ik بیز ایگیدیک
ö	فرمول هماهنگی		ük		biz gök,ük بیز گئکوک
ü	ö , ü = ü		ük		biz üzgün,ük بیز اوزگونوک

- کلمات زیر نیز با دو پسوند صرف می‌شوند:

گلیریک، اکیریک، بیچیریک، اندیریک، آزیریک، یئیریک، سونوروک،

گئروروک، دئزوروک، سوزوروک و...

a) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این پنج حرف «ü, ö, e, i, ə» باشد، به

شکل زیر با هماهنگی بزرگ به دو فرم برای دوم شخص جمع صرف می‌شود:

صرف کلمات مختلف با فعل «ایمک»		پسوند صرفی	آخرین حرف صدادار کلمه	
ə		siniz		siz dədə,siniz سیز دده سینیز
e	ə , e , i = i	siniz		siz sel,siniz سیز سئلیسینیز
i		siniz		siz igid,siniz سیز ایگیدسینیز
ö	فرمول هماهنگی	sünüz		siz gök,sünüz سیز گئکسونوژ
ü	ö , ü = ü	sünüz		siz üzgün,sünüz سیز اوزگونسونوژ

- کلمات زیر نیز با این دو پسوند siniz, sünüz صرف می‌شوند:

سیز گله سینیز، دَرَه سینیز، بَلَه سینیز، بِیْلِر سینیز، دِینِر سینیز، سِیْلِر سینیز،  
 گُئُرُور سونوز، دُؤزُور سونوز، اوچونجو سونوز، دُؤر دُونجو سونوز، يوزونجو سونوز و ...  
 - کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این پنج حرف « ئ , ة , ئ , ئ , ئ » باشد، به  
 شکل زیر با هماهنگی بزرگ به دو فرم برای سوم شخص جمع صرف می‌شود:

صرف کلمات مختلف با فعل « ایمک »		آخرین حرف صدادار کلمه	پسوند صرفی	آخرین حرف صدادار آن	صرف کلمات مختلف با فعل « ایمک »
ئ	فرمول هماهنگی	dirlər		onlar dədə,dirlər	اونلار دَدَه دیر(لر)
ئ		dirlər		onlar sel,dirlər	اونلار سَلَلَدِير(لر)
ئ		dirlər		onlar igid,dirlər	اونلار اِيْكِيْدِير(لر)
ۆ	فرمول هماهنگی	dürlər		onlar gök,dürlər	اونلار گُئَ كَدوْر(لر)
ۇ	ۆ ، ۈ = ۈ	dürlər		onlar üzgün,dürlər	اونلار اوْز گُوندوْر(لر)

- کلمات زیر نیز با دو پسوند « dir ,dür » صرف می‌شوند:

علامت جمع در پس:

اونلار گلیردیلر، گندیر(دیر) لر، ائدیر(دیر) لر، ایچیر(دیر) لر، دئییر(دیر) لر،  
 چیمن(دیر) لر، چؤنور(دور) لر، گئورور(دور) لر، گولور(دور) لر، ائپور(دور) لر،  
 اوشویور(دور) لر، دؤشور(دور) لر، دوز(دور) لر، سوزور(دور) لر، و ...

علامت جمع در پیش: اونلار گلیرلر (دیر)، اونلار گندیرلر (دیر)، اونلار ائدیرلر (دیر)، و ..

توجه: از اینکه علامت جمع « لر، لار » با هماهنگی کوچک با حرف « ئ ، ئ » صرف می‌شود، در نتیجه پسوندهایی، که به دنبال آنها با هماهنگی بزرگ صرف شوند، تنها با یکی از دو حرف صدادار « ئ ، ئ » ساخته می‌شوند. (یعنی به دنبال علامت جمع، دو حرف « ئ ، ئ » به کار گرفته نمی‌شوند).

- اکنون برای مثال دیگر کلمه سوالی « کیم » را با فعل ایمک صرف می‌کنیم. پسوند صرفی چنین کلمات نیز برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر

شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. مثال:

kim,əm	من کیم؟	فعل «ایمک» برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگ کوچک صرف می‌شود:
kim,sən	سن کیم سن؟	
kimdir	او کیم‌دیر؟	فعل «ایمک» برای اول شخص و دوم شخص جمع همانند سوم شخص مفرد و جمع با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.
kim,ik	بیز کیمیک؟	
kim,siniz	سیز کیم سینیز؟	
kim,dirlər	اونلار کیم‌دیرلر؟	

- کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود: (هارادا؟ درکجا؟)

haraday,am?	من هارادایام؟	فعل ایمک برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک صرف می‌شود:
harada,san ?	سن هاراداسان؟	
harada,dır?	او هارادادیر؟	فعل «ایمک» برای اول و دوم شخص جمع همانند سوم شخص مفرد و جمع با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.
haraday,ıq?	بیز هاراداییق؟	
harada,sınız?	سیز هاراداسینیز؟	
harada,dırlar?	اونلار هارادادیرلار؟	

توجه: کلمه ای که آخرین حرف آن همانند اولین حرف پسوند صرفی صدادار باشد، در بین آنها یک حرف «ای» افروده می‌شود. البته چنین تغییراتی در صرف کلمات برای اول شخص مفرد و جمع به وجود می‌آید، زیرا اولین حرف پسوند صرفی آنها حرف صدادار می‌باشد. مثال:

من هارادایام haraday,am ، من آنایام anayam ، من ننه یم mən nənəyəəm ، من بابایام ، هاراداییق haraday,ıq ، (محاوره ای: هاراداییق harday,ıq) بیز آنایق anayıq ، بیز اوراداییق ، بوراداییق ، ایچه ریده بیک ، ائشیکده بیک ، چؤلدە بیک ، ائودە بیک و ...

در رابطه با ضمیر متصل شخصی به مطالب مهم زیر نیز توجه کنید:

a) در صرف کلمات برای سوم شخص مفرد و جمع، پسوند صرفی (دیر، دور) را می‌توان حذف کرده و به کارگرفت. مثال:

- با علامت « دیر »: او گلیردیر. او گولوردور. او آلیردیر. او سولوردور.

- بدون علامت « دیر »: او گلیر. او گولور. او آلیر. او سولور.

- ضمیر سوم شخص جمع با علامت « دیرلار، لاردیر » و بدون « لار »:

با علامت جمع و پسوند صرفی: اونلار گلیردیرلر. اونلار گولوردورلر.

با علامت جمع و بدون پسوند صرفی: اونلار گلیرلر. اونلار گولورلر. اونلار آلیرلار.

بدون علامتجمع و پسوند صرفی: اونلار گلیر. اونلار گولور. اونلار آلیر.

- چنانکه ملاحظه می‌شود، همه فرمهای مذکور صحیح بوده و درست فهمیده می‌شوند.

b) فعل « ایمک » در زبان فارسی معنی « بودن » را می‌دهد که در زبان ترکی مترادف با آن

فعل « وار » از مصدر « وارماق » (به مقصد رسیدن) نیز هست، با وجودی که صرف

هر دو فعل (ایمک: ام، وارماق: وار) در زبان فارسی معنی « بودن » را می‌دهد،

ولی آنها در زبان ترکی با دو مفهوم متفاوت به کارگرفته می‌شوند. مثال:

منم (منم، من هستم). من حسنم. سنین قارداشین منم.

من سنین قارداشینام. من یاشایرام. و...

- صرف فعل « وار » از مصدر « وارماق » با مفهوم « موجود بودن »، « چیزی داشتن »

به کارگرفته می‌شود:

من وارام. (من هستم. من زنده هستم. من هستی دارم. من هستی دارم.) بُورادا بیرکیتاب وار. در اینجا یک کتابی موجود است. بُورادا کیتاب وار.

به شکل سوالی: بُورادا کیتاب وار [ دیر ] می؟ (آیا کتابی در اینجا موجود است؟)

۵) اگر ضمایر شخصی در مقابل کلمات سوالی « کیم، نه » قرار گیرد، ضمیر منفصل شخصی در اول جمله قرار می‌گیرد و سپس اسم با پسوند صرفی (فعل ایمک) صرف می‌شود؛

چنانکه در مباحث قبلی نیز اشاره شده است، ضمیر شخصی در جمله دو بار تکرار می‌شود، یعنی یک مرتبه به شکل ضمیر منفصل (من، سن) و دفعه دوم به شکل ضمیر متصل (ام، سن) به کارگرفته می‌شود. مثال:

جواب	سوال
məm Səməd,əm من صمدم.	سن کیم - سن؟
sən Səməd,sən. من صمد سن.	من کیم - ام؟
bu Həsəndir. بو حسن دیر.	بو کیم - دیر؟
biz işçiyik. بیز ایشچی بیک.	سیز کیم - سینیز؟
siz tanışsınız. سیز تانیش سینیز.	بیز کیم - ایک؟
oňnalar mدرسه اوشاقلاریدیرلار اوّنلار مدرسه اوشاقلاریدیرلار	اوّنلار کیم - دیرلر
o sudur. او سو دُور.	او نه - دیر؟
onlar davardırlal. اوّنلار داواردیر (لار).	اوّنلار نه - دیرلر؟

توجه: - چنانکه ملاحظه می‌شود، سوال و جوابهای مذکور همراه ضمیر منفصل و متصل شخصی به کارگرفته می‌شوند.

- حرف صدادار پسوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می‌باشد و با هماهنگی آن صرف می‌شود.

d) اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای با آهنگ بالائی (ü, ö, i, e, ə) باشد ، صرف فعل «ایمک»، هم شکل با ضمیر دوم شخص مفرد به کارگرفته می‌شود. مثال:

سن کیم سن؟ سن ننه سن. سن گولور سن. سن ایچیر سن. سن گندیر سن و...  
سن گئک سن. سن اوچونجو سن. سن دور گون سن. و...

- در جملات مذکور «سن» اولی به عنوان ضمیر منفصل شخصی و «سن» دومی به عنوان پسوند صرفی فعل ایمک (ضمیر متصل دوم شخص مفرد) به کارگرفته می‌شود. به عبارت دیگر در ترکی آذربایجان، پسوند صرفی دوم شخص مفرد، هم شکل با ضمیر دوم شخص منفصل

( «سن سن» تو هستی) به کارگرفته میشود.

- توجه شود که این دو کلمه در ایام قدیم نیز به شکل «سن سن» به کارگرفته شده است.  
برای مثال به اشعار زیر توجه کنید. مثال:

کتاب دده قورقود: از چاپ حسن محمد خانی:

کندونه (کندینه) بیر هامپا ایستر میشسن و ...  
اوغلول سن قیز دیله مزسن،

خطائی (شاه اسماعیل، اولین شاه سلسله صفویه):

اودی بوراخان بُو جانه سن سن،  
مقصودی وئره ن جهانه سن سن.

بیلدیر منه کیم، نه پیشه سن سن،  
القصه بورادا نیشه سن سن

عزیز محسنی:  
سن منیم خلقیمین دیله گی سن، ایسته گی،

اوره گی و آرزولارینین جانلی تجسمی سن

سن منیم شعریم، ماھنیم، ذوقوم،  
حسیم و پارلاق گونشیم سن

یالاش آذر اوغلو:  
آنامین مهربان ای گؤزه ل دیyar

گونول طرانی اوچوب قۇندوغو  
اوونون چوخ سئودیگی بۇداغی سن سن

من بُو دونیا دا آرخاندیغیم  
سن سن دوشوندو گوم، سن سن آندیغیم

یېتىر آلىشدىغىم، يېتىر ياندىغىم  
شعریمین قلبیمین سوراغى سن سن.

سن بابك يۈرۈسەن آذر تۇرپاگى  
اصلانلار اوپلاڭى، ياتاغى سن سن ...

توجه: - فعل «ایمک» در زبان ترکی استانبولی برای ضمیر دوم شخص مفرد،

به شکل «سین» صرف میشود و آن از هم شکل بودن صرف فعل

«ایمک» با ضمیر دوم شخص مفرد جلوگیری میکند، اما در صرف

فعال آرزوئی امری و ... مشکل به وجود میآورد.

- ضمیر دوم شخص مفرد در زبان ترکی استانبولی به شکل «سین sen»

کارگرفته میشود، که آن در صرف مشکلی را ایجاد نمیکند.

k) در رابطه با ضمیر متصل شخصی به پسوندهای کلمات مختلف در

جدولهای زیر توجه کنید:

### - کلماتی که آخرین حرف آنها با آهنگ بالائی می باشد:

من: ببه - یم	من: اوسته - یم	من: من - ام
سن: ببه - سن	سن: اوسته - سن	سن: سن - سن
اُو: ببه - دیر	اُو: اوسته - دیر	اُو: اُو - دور
بیز: ببه - بیلک	بیز: اوسته - بیلک	بیز: بیز - یلک
سیز: ببه - سینیز	سیز: اوسته - سینیز	سیز: سیز - سینیز
اُونلار: ببه - دیرلر	اُونلار: اوسته - دیرلر	اُونلار: اُونلار - دیرلار
من: ائل - م	من: بیل - م	من: سعل - م
سن: ائل - سن	سن: بیل - سن	سن: سعل - سن
اُو: ائل - دیر	اُو: بیل - دیر	اُو: سعل - دیر
بیز: ائل - یلک	بیز: بیل - یلک	بیز: سعل - یلک
سیز: ائل - سینیز	سیز: بیل - سینیز	سیز: سعل - سینیز
اُونلار: ائل - دیرلر	اُونلار: بیل - دیرلر	اُونلار: سعل - دیرلر

### - کلمه ای که آخرین حرف آن صدادار باشد ، در صرف برای اول شخص مفرد و جمع یک حرف تکمیلی «ا» به خود می گیرد:

من: ائلچی - یم	من: ایشچی - یم	من: دیری - یم
سن: ائلچی - سن	سن: ایشچی - سن	سن: دیری - سن
اُو: ائلچی - دیر	اُو: ایشچی - دیر	اُو: دیری - دیر
بیز: ائلچی - بیلک	بیز: ایشچی - بیلک	بیز: دیری - یلک
سیز: ائلچی - سینیز	سیز: ایشچی - سینیز	سیز: دیری - سینیز
اُونلار: ائلچی - دیرلر	اُونلار: ایشچی - دیرلر	اُونلار: دیری - دیرلر

### - به صرف کلمات زیر با فعل «ایمک» توجه کنید:

من: گول - م	من: چوپ - م	من: کوک - م
سن: گول - سن	سن: چوپ - سن	سن: کوک - سن
اُو: گول - دور	اُو: چوپ - دور	اُو: کوک - دور
بیز: گول - وک	بیز: چوپ - وک	بیز: کوک - وک
سیز: گول - سونوز	سیز: چوپ - سونوز	سیز: کوک سونوز
اُونلار: گول - دورلر	اُونلار: چوپ - دورلر	اُونلار: کوک دورلر
من: اوچونجو - یم	من: اوژوم - م	من: گول - م
سن: اوچونجو - سن	سن: اوژون - سن	سن: گول - سن
اُو: اوچونجو - دور	اُو: اوژو - دور	اُو: گول - دور
بیز: اوچونجو - یوک	بیز: اوژوموز - وک	بیز: گول - وک
سیز: اوچونجو سونوز	سیز: اوژونوز سونوز	سیز: گول - سونوز
اُونلار: اوچونجو دورلر	اُونلار: اوژلری دیرلر	اُونلار: گول - دورلر

- حرف صدادار ضمیر منفصل شخصی سوم شخص مفرد و جمع ( onlar ، ۵ ) با آهنگ پائینی است.

- کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر با فعل «ایمک» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من: ساغ - آم	من: ساغدا - یام	من: او جا - یام
سن: ساغ - سان	سن: ساغدا - سان	سن: او جا - سان
او: ساغ - دیر	او: ساغدا - دیر	او: او جا - دیر
بیز: ساغ - بیق	بیز: ساغدا - بیق	بیز: او جا - بیق
سیز: ساغ - سینیز	سیز: ساغدا - سینیز	سیز: او جا - سینیز
او نلار: ساغ دیر لار	او نلار: ساغدا دیر لار	او نلار: او جا دیر لار

- کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر صرف می‌شود:

من: قوچ - آم	من: بیوخ - آم	من: توخ - آم
سن: قوچ - سان	سن: بیوخ - سان	سن: توخ - سان
او: قوچ - دُور	او: بیوخ - دُور	او: توخ - دُور
بیز: قوچ - ُوق	بیز: بیوخ - ُوق	بیز: توخ - ُوق
سیز: قوچ سُونوز	سیز: بیوخ سُونوز	سیز: توخ سُونوز
او نلار: قوچ دُور لار	او نلار: بیوخ دُور لار	او نلار: توخ دُور لار

- کلمه ای که آخرین حرف آن صدادار باشد، در صرف برای اول شخص مفرد و جمع یک حرف تکمیلی «ع» به خود می‌گیرد:

من: دُوقوزونجو - یام	من: دُوقوز - آم	من: بُوشلو - یام
سن: دُوقوزونجو - سان	سن: دُوقوز - سان	سن: بُوشلو - سان
او: دُوقوزونجو - دُور	او: دُوقوز - دُور	او: بُوشلو - دور
بیز: دُوقوزونجو - بیق	بیز: دُوقوز - ُوق	بیز: بُوشلو - بیق
سیز: دُوقوزونجو سُونوز	سیز: دُوقوز سُونوز	سیز: بُوشلو سُونوز
او نلار: دُوقوزونجو دُور لار	او نلار: دُوقوز دُور لار	او نلار: بُوشلو دُور لار

- کلمه ای که آخرین حرف آن صدادار باشد، در صرف برای اول شخص مفرد و جمع یک حرف تکمیلی «ئ» به خود می‌گیرد:

من: تاجیر - ام	من: آغییر - ام	من: عاغیللی - یام
سن: تاجیر - سان	سن: آغییر - سان	سن: عاغیللی - سان
او: تاجیر - دیر	او: آغییر - دیر	او: عاغیللی - دیر
بیز: تاجیر - بیق	بیز: آغییر - بیق	بیز: عاغیللی - بیق
سیز: تاجیر - سینیز	سیز: آغییر - سینیز	سیز: عاغیللی - سینیز
او نلار: تاجیر دیر لار	او نلار: آغییر دیر لار	او نلار: عاغیللی دیر لار

- حرف صدادار ضمیر متصل شخصی سوم شخص مفرد و جمع (dur, onlar dırlar) با آهنگ پائینی است.

### ۳) ضمایر نا مشخص شخصی:

ضمایر نا مشخص شخصی کلماتی هستند، که به جای شخص و یا شئ نا مشخص به کار گرفته می شوند؛ به عبارت دیگر ضمیر نا مشخص جایگزین اسمی می شود که برای گوینده مطلب مشخص و شناخته شده نمی باشد. برای مثال به دو جمله زیر توجه کنید:

a) اسم مشخص: حسن منیم قارداشیم دیر. او بُورایا (بُورا) گلیر. در جمله اول، «حسن» اسم مشخص و در جمله دوم «او» (حسن) ضمیر مشخص می باشد.

b) اسم نا مشخص: اُورادا نه وار؟ اُورادا بیر شئ یۇخدور. اما بُ طرفده بیرذاد گۇرونور. در جملات مذکور، دو کلمه «بیرشئ، بیرذاد»، به شکل ضمیر نامشخص به کار گرفته می شوند، زیرا آنها برای گوینده جمله نا آشنا و نا مشخص می باشند.

- کلمات زیر در زبان ترکی به جای اسم و یا ضمیر نا مشخص شخصی به کار گرفته می شوند:  
بیر، بیر آز، بیر چۇخ، بیر چۇخو [چۇخى]، بیر شئ، بیر زاد، بیر کس، هر کیم، هر آدام، بیر آدام، بیر يېر، بیر داغ، بیر نفر، بیر کس، بیر گون، کیم، نه، هئچ، هئچ شئ و... هر کس بُورایا گله بیلمز. هر کیم نه سؤیله سه کی، آدام اونو اینانماز. او طرفده بیر شئ گۇرونور.  
بُرگون بُورایا کیم گله جڭ؟

- کلمات سوالی امثال کیم، کیمسه، نه، نه ره، هارا، نه يېر و... نیز به جای ضمایر نا مشخص به کار گرفته می شوند. مثال:

سوال: ياشار هارادادیر؟ («هارا»، به شکل قید مکانی و یا ضمیر نا مشخص است.)  
جواب: ياشار بُورادادیر. («بُورا»، به شکل قید مکانی و یا ضمیر اشاره ای مشخص می باشد.) او طرفدن بیرى بُورایا گلیر. («او»، «بُورایا»، ضمیر مشخص و «بیرى» ضمیر نا مشخص می باشد.)  
بُورایا بیر شئ گلیر. («بیر شئ»، ضمیر نا مشخص می باشد.) او گلن کیم دیر؟ («کیم» ضمیر نا مشخص می باشد.) او منه بیر زاد دئدى، آمما من دوشونن مه دیم. («بیر زاد» ضمیر نا مشخص می باشد.)  
بُ طرفده بیر شئ وار. («بیر شئ» ضمیر نامشخص می باشد.) سن نه ره دن گلیرسۇ؟ سن هارایا گلدیرسۇ؟ («نه ره، هارا»: قید و یا ضمیر نا مشخص می باشد.)

## ۵) ضمایر اشاره ای:

ضمایر اشاره ای به کلماتی گفته می‌شوند که جایگزین اسم و یا ضمیر در جمله می‌باشند. به عبارت دیگر اگر نخواهیم اسم را در جمله تکرار کنیم و به شخص مشخص و یا غیر مشخصی اشاره کنیم، از ضمیر اشاره ای استفاده می‌کنیم.

توجه شود که ضمایر اشاره ای «او» و «اونلار» هم شکل با ضمایر سوم شخص مفرد و جمع بیان می‌شوند.

### a) ضمایر اشاره ای مفرد،

کلماتی هستند، که به شکل کلمه ساده همانند ضمایر مفرد شخصی به کار گرفته می‌شوند و معنی فرد و یا شئ مفرد را بیان می‌کنند:

بُوْ bu (این)، اوْ o (آن، او)

شُوْ şu (این)، شول sul (این، این یکی)

بُورا bura (اینجا)، اُورا ora (آنجا)

شُورا şura (اینجا)، اوْيان، بُويان و...

- توجه شود که حرف صدادار ضمایر اشاره ای مستقل بوده و وابسته به کلمات دیگر نیست.

### b) ضمایر اشاره ای جمع،

ضمایری هستند، که به شکل کلمه ترکیبی با علامت جمع (لر، لار) بیان می‌شوند و معنی شخص و یا شئ جمع را در خود بیان می‌کنند:

بُونلار bunlar (محاوره ای): بُولار bular ، بُرالار buralar (اینها)

اُنلار onlar (محاوره ای): اُلار olar ، اُرالار oralar (آنها)

شُورالار şuralar (اینها)

توجه - ضمیر اشاره ای «شو şu»، (این)، امروزه در زبان ترکی آذربایجان صرف

نمی‌شود، اما آن در بعضی کتب و اشعار قدیمی (همانند زبان ترکی استانبولی)

به کار گرفته شده است.

- ضمایر اشاره در رابطه با اشخاص، حیوانات، حشرات و اشیاء به یک نوع صرف می‌شود.

## ۶) ضمایر انعکاسی و فرمهای مختلف آن:

ضمایر انعکاسی کلماتی هستند، که در جمله به جای اسم و یا ضمایر شخصی نهاده می‌شوند و اسم و یا ضمیر شخصی را در خود انعکاس می‌دهند.

ضمیر انعکاسی در زبان ترکی، کلمات « اوز öz » و « کند » و « بیله » با مفهوم « خود »، کلمه « özgə اوزگه » با مفهوم « بیگانه » و کلمه « باشقما » با مفهوم « دیگری ، آن یکی ، آن دیگری » به کار گرفته می‌شود:

۱-۶) کلمه انعکاسی « اوز öz » ( خود ، خودی )، به شرح زیر در جمله صرف می‌شود:

من اوز دئدیسیمی دانمارام. آذربایجان بیزیم اوز اولکه میز دیر.

سن منیم اوز قارداشیم سان. او سنین بالان و اوز جانین دیر.

- در رابطه با به کار گیری کلمه « اوز »، به اشعار زیر توجه کنید:

فضولی: نامه و قاصد پیامیله خوش اولماز خاطریم اوز لبیندن لهجه گفتارین ائیلر آرزو

مجید صباح ( بالقیز ):

خوْشدور يئنه صحبت ائله يك اوز ائلیمیزدن

اوز اولکه میز، اوز میلتی میز، اوز ائلیمیزدن...

- کلمه « اوز öz » همراه ضمیر منفصل شخصی با پسوند ملکی به شکل خاصی به کار گرفته

می‌شود و ضمیر شخصی را در خود انعکاس می‌دهد:

بیز اوزوموز özümüz	biz	( ما خودمان )	من اوزوم mən özüm ( من خودم )
سیز اوزونوز özünüz	siz	( شما خودتان )	سن اوزون sən özün ( تو خودت )
اونلار اوزلری onlar özləri	o	( آنها خودشان )	او اوزو özü ( او خودش )

- ضمایر انعکاسی به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شوند:

من اوزوم تک باشیما بُو ایشی گوردو. سن ده اوزون بُو سؤزو ائشیدین.

- شعر از مجید صباح ایرانی:

اۆزون گىتمىش سۈزۈن قالمىش دوشىرىنى يادە

محفل دە قالان دوستلار دا شعرىندىن سنين عطرىن آلار بىرگۈن

طريقه صرف ضمير انعكاسي «اۆز» با فعل ايmek:

a ) ضمير انعكاسي «اۆز» به شكل زير به وسيله فعل «ايmek» (با مفهوم: من خودم هستم ، تو خودت هستي) برای ضماير شخصى صرف مى شود:

biz özümüzük	بىز اۆزومۇزوك	mən özüməm	من اۆزومم
siz özünüzsünüz	سيز اۆزونۇزسوونۇز	sən özünsən	سن اۆزون سن
onlar özləridir (lər)	اۇنلار اۆزلىرىدىر (لر)	o özüdür	اۇر اۆزو دور

من اۆزومم. اۇ حسن اۆزودور. بلى اۇ حسن اۆزو دور.

توجه: ضمير انعكاسي «اۆز» همانند ساير كلمات برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگى كوچك و برای ساير ضماير شخصى با هماهنگى بزرگ صرف مى شود.

b ) ضماير انعكاسي مذكور در جنب افعال و كلمات ديگر نيز به كارگرفته مى شوند. برای مثال كلمه «اۆز» را با فعل «وار» (با مفهوم «موجود بودن، وجود داشتن، زنده بودن») در نظر گرفته و برای ضماير شخصى صرف مى كنيم:

biz özümüz varıq	بىز اۆزومۇز واريق	mən özüm varam	من اۆزوم وارام
siz özünüz varsınız	سيز اۆزونۇز وارسىنىز	sən özün varsan	سن اۆزون وارسان
onlar özləri vardırlar	اۇنلار اۆزلىرى واردىرلار	o özü vardır	اۇر اۆزو واردىر

من اۆزوم بۇگۈن بۇرادا وارام. من اۆزومدە بۇگۈن اۇرادا وارام.

٢-٤) ضمير انعكاسي «بىلە»:

- در بعضى مناطق آذربایجان، به وىزە در محاوره ضمير انعكاسي «بىلە» (خود) را نيز صرف مى كنند.

ضمير انعكاسي «بىلە» همراه پسوند مخصوص به خود به كارگرفته مى شود. ضمير انعكاسي «بىلە م» مفهومى همانند «اۆزوم» دارد، كه به شكل زير ضماير شخصى را

در خود انعکاس می‌دهد:

کلمات فارسی	علام و حروف اضافه ضمایر انعکاسی	ضمیر انعکاسی « بیله »
من خودم	با پسوند اضافه « م »	من بیلم
تو خودت	با پسوند اضافه « ن »	سن بیلن
او خودش	با پسوند اضافه (۱) « سی si »	اُف بیله سی
ما خودمان	با پسوند اضافه « میز Miz »	بیز بیله میز
شما خودتان	با پسوند اضافه « نیز Niz »	سیز بیله نیز
آنها خودشان	با پسوند اضافه « لری Leri »	اُنلار بیله لری bilələri

- ضمیر انعکاسی « بیله » به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شود:

من بیلم بُو سوزو سنه دئدیم. (من اُزوم بُو سوزو، سنه دئدیم.)

سن بُو سوزو بیله وه دئ. (سن بُو سوزو [اُزوه] اُزونه دئ.)

سن بُو سوزو بیله ن بیله سینه دئ. (سن بُو سوزو اُزونه دئ.)

سن بیلن بُو سوزو اُنون بیله سینه دئ. (سن اُزون، بُو سوزو اُنون اُزونه دئ.)

من بُوسوزو سین بیله وه دئدیم. سن مندن دئمه، بیلن دن دئ ،

آی قارداش، سن بیر بئله بیله وی شیشیدمه. سن بُو سوزو بیله وه دئ.

ضمایر منفصل شخصی، به شکل زیر همراه ضمیر انعکاسی « بیله » به کمک فعل « ایمک »

برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند: ( با مفهوم « من خودم هستم. )

من بیله مم	( من اُزومم )	بیز بیله میزیک ( بیز اُزوموزوک )
سن بیله ن سن	( سن اُزون سن )	سیز بیله نیزسیز ( سیز اُزونوزونوز )
اُنلار بیله لری دیر	( اُنلار اُزله ریدیر )	اُف بیله سی دیر ( اُف اُزو )

بُورادا حسن کیم دیر؟ بُوپورون من بیله مم. بُو اونین صاحبی کیم دیر؟ اُف بیله سی دیر.

### ۳-۶) ضمیر انعکاسی « کند » :

- کلمه « کند » همراه علامت ملکی « این ، ای » به شکل زیر ضمایر شخصی را در خود انعکاس می دهد.

من کندیم،	سن کندین،	او کندی (کندیسی) ،
بیز کندیمیز،	سیز کندینیز،	اونلار کندلری.
سن چالیش، کندین بُوگون بُورایا گل و بُو ایشی بُویا و باشا چاتدیر.		

- کلمه « کندیم » ، به شکل زیر با فعل ایمک برای ضمایر شخصی صرف شده و با مفهوم « من خودم هستم » به کارگرفته می شود:

من کندیم.	سن کندین سن.	او کندی دیر.
بیز کندیمیزیک.	سیز کندینیز سینیز.	اونلار کندیلریدیر.
بُو ماشینی سورن.		
من کندیم.		

کتاب دده قورقود: از چاپ حسن محمد خانی:

اوغول سن قیز دیله مزن، کندونه (کندینه) بیر هامپا ایستر میشسن و ...

### ۴-۶) کلمه انعکاسی « باشقا »: (دیگری ، آن یکی ، استثنائی)

- ضمیر انعکاسی باشقا به شکل زیر صرف شده و ضمایر شخصی را در خود معنکس می کند:

من باشقا یام،	سن باشقاسان،	او باشقا دیر
بیز باشقا یق،	سیز باشقا سینیز،	اونلا باشقادیرلار

- ضمیر انعکاسی باشقا همراه حروف اضافی « سی » به شکل زیر به وسیله فعل « ایمک » برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من باشقا سی یام،	سن باشقا سی سان،	او باشقا سی دیر
بیز باشقا سی یق،	سیز باشقا سی سینیز،	اونلار باشقا سی دیر لار
بُو ائو منیم دگیل،	او باشقا سینین دیر.	
بُو ماشین منیم دگیل،	منیمکی باشقا سیدیر.	

## ۶-۵) ضمیر انعکاسی « اوزگه »:

کلمه « اوزگه »، معنی « دیگری » و یا « بیگانه » را می‌دهد و به شکل زیر با فعل ایمک برای اول شخص و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود:

biz özgəyik	بیز اوزگه بیک	mən özgəyəm	من اوزگه یم
siz özgəsiniz	سیز اوزگه سینیز	sən özgəsen	سن اوزگه سن
onlar özgədirlər	اوْنلار اوزگه دیر(لر)	o özgədir	او اوزگه دیر

- کلمه « اوزگه » به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شود:

بۇ آقا کیم دیر؟

او اوزگه دگیل منیم قارداشیم دیر. او تانیش دیر، اوزگه دگیل (دیل) دیر.

اوْنو من تانیمیرام، اوزگه بیری دیر. او اوزگه سی دیر. او اوزگه بیریسی دیر.

من اوْنو تانیمیرام؛ اوْ منیم تانیشلاریدمان دئگیل، اوْ اوزگه دیر.

اوْ منه تانیش دئگیل، اوْ اوزگه بیر آدام دیر. (او اوزگه دیر.)

اوْ بۇرالى دئگیل، اوزگه بىردىن گلىبىدىر. اوْ اوزگه دیر.

من اوْنا اوزگه یم. بیز بۇبىرلىرنە ده اوزگه بیک. بیز بۇ بىرى آداملارا دا اوزگه بیک.

من ياشار ايله دوشونه مه ديم، بیز هميشه بير بيريميز ايله اوزگه قالدىق.

اوزگه اميدىنە بىل باغلاماق اوْلماز. اوزگه اوْغلۇن دان، آداما اوْغۇل اوْلماز.

- در رابطه با به کارگیری و صرف کلمه « اوزگه » به اشعار زیر توجه کنید:

غم گونو اوستومده سندن اوزگه بۇخ اى دود آه  
فضولى:

لطف ائديب مندن گۇتورمه سايە اقبالينى ...

بختىار وهاب زاده: ايندى داها دؤبۈشورم دۆزۈملە  
اليملە اوزۇمە دىر بۇ حملە ...

... اوزگە نى دىنلە سەن كۈك دن دوشرىنى،

سن اوزۇن اوزۇنە اوزگە لىشىسىن

كلمه اوزگە همراه « سى » نىز صرف می‌شود. مثال: من دىن بۇ دئگىل اوزگە سى دير.

## یخچش پنجم:

### ۱) اسم و حالت‌های تصريفی آن:

- اسم را در زبان ترکی «آد»، حالت تصريفی آن را «آدین دُورو مو adın durumu» [ موقعیت اسم] و یا «آدین حالی» [ حالت اسم] می‌نامیم.
- حالت تصريفی اسم، به حالتی گفته می‌شود، که اسم در جمله به خود می‌گیرد و بدین وسیله حالت و موقعیت خود را در بین کلمات دیگر جمله آشکار می‌سازد.
- اسم در جمله در شش حالت تصريفی صرف می‌شود، که یک حالت آن در زبان ترکی به شکل ساده و پنج حالت دیگر آن به وسیله پسوند به کار گرفته می‌شود.  
حروف صدادار پسوندهای حالت‌های تصريفی وابسته به آخرین حرف صدادار اسم می‌باشد، که آنها در صرف به دو بخش با آهنگ بالائی و پائینی تحزیه شده و با هماهنگی کوچک و بزرگ صرف می‌شوند.

### تشریح نام حالت‌های تصريفی اسم در زبان فارسی و علائم آن در زبان ترکی:

نام حالت‌های تصريفی اسم (متهم و علائم آن) در زبان فارسی		علائم حالت‌های تصريفی اسم ترکی
حالت فاعلیت اسم (ساده، بدون پیشوند، میانوند و پسوند است)	یالین آد (اسم ساده ، بدون پسوند)	۱
حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « به »	θ + a: پسوند	۲
حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « در »	də + da: پسوند	۳
حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « از »	dən + dan: پسوند	۴
حالت مفعول بی واسطه با حروف اضافه « را »	i, ü + u, ı: پسوند	۵
اضافه ملکی (به شکل حرف - e)	in, ün + in, un: پسوند	۶

- در زبان فارسی از شش حالت تصريفی اسم چهار حالت آن (در جدول فوق شماره ۲، ۳، ۴، ۵) به شکل جملات دراز و طویل بیان می‌شود، که اگر بخواهیم آنها را در این کتاب به شکل اصلی خود بنویسم، صفحات آن پر می‌شود و زمان طولانی برای خواندن و نوشتن آنها که در توضیحات دستوری تکرار می‌شوند و زمان زیادی را به هدر می‌برد و بدین وسیله یادگیری

اصول زبان مشکل و خسته کننده می‌شود. برای رفع این مشکل تصمیم بر این شد که چهار حالت مذکور فارسی در این کتاب به شکل مخفف شده صرف شود:

- «حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه «به» ، به شکل «حالت به»
- «حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه در» ، به شکل «حالت در»
- «حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه از» ، به شکل «حالت از»
- «حالت مفعول بی واسطه با حروف اضافه را» ، به شکل «حالت را»

حالات و موقعیت اسم در زبان فارسی به اسمی گفته می‌شود که با یکی از علامت فاعلیت(به ، در، از ، را ، اضافه ملکی) به کار گرفته شود. مثال: به حسن. در علی. از علی. علی را. و...

#### نام حالت‌های تصریفی اسم در زبان ترکی:

- اسم در شش حالت تصریفی صرف می‌شود، که هر کدام از آنها با نام خاصی به کار گرفته می‌شود. برای معرفی نام حالت‌های تصریفی اسم، جدولی در زیر کشیده شده که درست راست آن اسمی مخفف شده حالت‌های فارسی، در وسط آن کلمه «حالی» با پسوند (در دو فرم با حروف صدادار با آهنگ بالائی و پائینی) و در سمت چپ آن نام حالت‌های ترکی درج شده است:

نام حالت‌های اسم فارسی	پنج پسوند تصریفی به دو شکل با آهنگ بالائی و پائینی صرف می‌شود.	نام حالات ترکی
۱	حالت فاعلیت	yalın ad
۲	حالت «به»	ə halı
۳	حالت «در»	də halı
۴	حالت «از»	dən halı
۵	حالت «را»	i halı
۶	اضافه ملکی	in,ün halı
این پسوندها با حروف صدادار با آهنگ پائینی هستند.		این پسوندها با حروف صدادار با آهنگ پائینی هستند.

- در رابطه با نام حالت‌های تصریفی اسم ترکی به چهار مطلب زیر توجه کنید:

a) حالت‌های تصريفی اسم ترکی، در زبان فارسی معانی زیر را در خود انعکاس می‌دهند:  
دُوروم: (چگونگی ایستادن، موقعیت، حالت.)

۱) یالین آد (اسم لخت، ساده، بدون پوشش)،  
۲) بیانل دُورمو (سمت و سو، طرف، جهت)

۳) قالما دُورومو (ایستا، ساکن، ماندگار)،  
۴) چیخما دُورومو (خروج، بیرون رفت، در آمدن)

۵) بله نمه دُورومو (نشان شده، هدف مشخص شده)،  
۶) وارلیق دُورومو (داشتن، هستی، سرمایه)

b) کلمه حالت، کلمه عربی است که در زبان ترکی به آن «حال» (دُوروم) گفته می‌شود و «حال اسم» نیز «آدین حالی» و یا «آدین دُورومو» نامیده می‌شود.

c) پنج پسوند «حال تصريفی اسم» را می‌توان در زبان ترکی با سه نام مختلف زیر به کار گرفت:

حال فاعلیت	حالت به	حالت در	حالت از	حالت را	اضافه ملکی	↓
۱	آ، آحالی	ده، دا حالی	دن، دان حالی	ای، او حالی	این، اون حالی	یالین
۲	آ، آدُورومو	ده، دا دُورومو	دن، دان دُورومو	ای، او دُورومو	این، اون دُورومو	آد
۳	بیانل دُورومو	قالما دُورومو	چیخما دُورومو	بله نمه دُورومو	وارلیق دُورومو	

d) با وجودی که در این کتاب از سه نام حالت تصريفی صحبت می‌شود، ولی در توضیحات این کتاب عمدهاً از واژه «آحالی»، «آحالی» (حال آ، حالت ۱) استفاده می‌شود، چرا که آن آسان‌تر است و در زبان فارسی نیز فهمیده می‌شود.  
اسم در حالت‌های تصريفی:

اسم در شش حالت صرف می‌شود، که در زبان ترکی یک حالت آن به شکل ساده و پنج حالت دیگر آن به وسیله پسوند به کار گرفته می‌شود.

حرف صدادار پسوندهای حالت‌های تصريفی وابسته به آخرین حرف صدادار اسم می‌باشد، که در صرف به دو گروه با آهنگ بالائی و پائینی تجزیه می‌شود، که سه حالت آن با هماهنگی کوچک و دو حالت دیگر آن با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. مثال:

a) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف « a , o , u , i » باشد، به شکل زیر با پسوند حالت تصریفی به کارگرفته می‌شود:

حالت فاعلیت	یالین آد	yalın ad	نام حالت‌های ترکی	پسوند حالت‌های تصریفی به شکل زیر با اسم ترکیب می‌شود.	علائم فارسی
۱	حالت به	a ، hali	آحالی	بدون پسوند	قُوم قُول قیز یاشار
۲	حالت در	da ، hali	داحالی	این سه حالت با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.	قوُما قُومدا قُومدان
	حالت از	dan, hali	دانحالی		یوْلا قیزا یاشارا
	حال را	ا ، u ، hali	ایحالی		یوْلدا قیزدا یاشاردا
۴	اضافه ملکی	in,un ، hali	اینحالی	این دو حالت با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.	یوْلادان قیزدان یاشاردان
					قُومو قیزی یاشاری یاشارین
۵					قُومون قیزین
۶					

b) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف « e , ə , ö , ü , i » باشد، به شکل زیر با پسوند تصریفی به کارگرفته می‌شود:

حالت فاعلیت	یالین آد	yalın ad	نام حالت‌های ترکی	پسوند حالت‌های تصریفی به شکل زیر با اسم ترکیب می‌یابد.	
۱	آحالی	ə hali	گول	بدون پسوند	چؤل خلیل ائل حسن
۲	دهحالی	də hali	گوله	این سه حالت با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.	چؤله خلیله ائله حسنہ
	دنحالی	dən hal	گولدہ		چؤلدہ خلیلده ائلده حسنده
	ایحالی	i,ü hali	گولدن		چؤلدن خلیلدن ائلدن حسنندن
۴	این، اونحالی	in,ün hali	گولو چؤلو خلیلی	این دو حالت با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.	ائلي حسنی
			گولون چؤلون خلیلین		ائلين حسنین
۵					
۶					

- در رابطه با اسم و حالت‌های تصریفی آن به چهار مطلب زیر توجه کنید:

a) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد ، سه حالت آن با هماهنگی کوچک با حرف « a » و دو حالت دیگر آن با هماهنگی بزرگ با یکی از دو حرف

صدادر « ئ ، ئى » ساخته می شود.

ب) اسمی که آخرین حرف صدار آن با آهنگ بالائی باشد، سه حالت آن با هماهنگی کوچک با حرف « ئ » و دو حالت دیگر آن با هماهنگی بزرگ با یکی از دو حرف صدار آن « ئ ئى » ساخته می شود.

ج) در زبان ترکی هر پنج پسوند حالت تصريفی با خط عربی پیوسته به اسم نوشته می شوند، ولی آنها را می توان با خط لاتین به وسیله « کاما » از اسم نیز جدا نوشت:

پسوند ئ	də	پسوند ئى	dən	پسوند ئى	in	پسوندهای حالات اسم
Həsən,ə	Həsən,də	Həsən,dən	Həsən,i	Həsən,in	اسمی که آخرین حرف صدار آن با آهنگ بالائی می باشد. {	
el,ə	el,də	el,dən	el,i	el,in		
gül,ə	gül,də	gül,dən	gül,ü	gül,ün	اسمی که آخرین حرف صدار آن با آهنگ پائینی می باشد. {	
daş,a	daş,da	daş,dan	daş,i	daş,in		
duz,a	duz,da	duz,dan	duz,u	duz,un		

این دو پسوند با هماهنگی بزرگ صرف می شود.

د) اسمی که آخرین حرف آن همچون اولین حرف پسوند تصريفی حرف صدار باشد ، در « حالت را » و « اضافه ملکی » یک حرف « n » و « در حالت به » یک حرف « y » به خود گرفته و صرف می شود:

این سه حالت با هماهنگی کوچک صرف می شود.					این دو حالت با هماهنگی بزرگ صرف می شود.	
dədə,yə	dədə,də	dədə,dən	dədən,i	dədən,in	اسمی که آخرین حرف صدار آن با آهنگ بالائی می باشد.	
bibi,yə	bibi,də	bibi,dən	bibin,i	bibin,in		
ütü,yə	ütü,də	ütü,dən	ütü,nü	ütün,ün	اسمی که آخرین حرف صدار آن با آهنگ پائینی می باشد.	
ata,ya	ata,da	ata,dan	ata,ni	atan,in		
quzu,ya	quzu,da	quzu,dan	quzu,nu	quzun,un		

این دو حالت با حرف اضافه « n » به کار گرفته می شود.

سوال: چرا « حالت به » با حرف اضافه « n » صرف نمی شود؟

جواب: زیرا اگر با حرف «n» صرف شود، هم شکل با کلمات دیگر می‌شود. مثال:  
 با حرف «y»: آنایا (به مادر)، کلمه «آنا» اگر با حرف n صرف شود، به شکل  
 «آنانا» یعنی هم شکل با «به مادر تو» در می‌آید، در نتیجه به شکل  
 «آنایا» صرف می‌شود.

- اگر کلمه صفتی، قیدی، عددی و سوالی در حالتهای تصریفی به کارگرفته شود،  
 اسم محسوب می‌شود. مثال:

حالت فاعلیت	آ، آ حالی	دا، ده حالی	دان، دن حالی	ای، او حالی	این، اوں حالی
bura	بُورا	بُورادا	بُورادان	بُورانی	بُورانین
ora	اُورا	اُورادا	اُرادان	اُرانی	اُرانین
nə	نے	نَدَه	نَدَن	نَئِی	نَئِین
kim	کیم	کیمده	کیمدن	کیمی	کیمین
hara	هارا	هارادا	هارادان	هارانی	هارانین
nərə	نَرَه	نَرَدَه	نَرَدَن	نَرَنی	نَرَنین
gözəl	گۆزلە	گۆزلەدە	گۆزلەدن	گۆزلی	گۆزلین
alt	آلت	آلتا	آلدان	آلتنی	آلتنین
سه حالت مذکور با همانگی کوچک صرف می‌شود.					
دو حالت مذکور با همانگی بزرگ صرف می‌شود.					
حالت فاعلیت					

- در رابطه با کلمات جدول مذکور به دو مطلب زیر توجه کنید:

۱) بعضی از کلماتی که آخرین حرف آنها (مثل: هارا، بُورا) صدادار است، در حالتهای تصریفی (را، اضافه ملکی) به بین کلمه و پسوند یک حرف «n» افزوده می‌شود، ولی در موارد کمی هر کس به دلخواه خود کلمات مذکور را با حرف «y» نیز صرف می‌کند:  
 بُورایی. اُرایی. هارایی. (به جای بُورانی، اُرانی، هارانی) و ...

۲) کلمه « نه nə » در جدول مذکور « در حالت به »، « در حالت را » و « اضافه ملکی »

به وسیله حرف « y » به کارگرفته می شود ، چرا که تک سیلا بی می باشد.

در زبان ترکی کلمات تک سیلا بی که آخرین حرف آنها همانند اولین حرف پسوند تصریفی صدادار باشد، در میان آنها حرف « n » اضافه نشده بلکه با یک حرف « y » به کارگرفته می شوند. مثال:

نه؟ nə ، نه یه؟ nəyə? ، نه بی؟ nəyin? ، نه بی؟ nəyə?

## ۲) ضمایر شخصی در حالت‌های تصریفی:

- ضمایر شخصی نیز در شش حالت تصریفی صرف می شوند، که یک حالت آنها بدون پسوند و پنج حالت دیگر آنها با پسوند به کارگرفته می شوند. حرف صدادار پسوندهای تصریفی وابسته به آخرین حرف صدادار ضمایر شخصی می باشد، که در صرف به دو گروه با آهنگ بالائی و پائینی تجزیه می شود.

- حرف صدادار ضمیر اول و دوم شخص مفرد و جمع با آهنگ بالائی و ضمیر سوم شخص مفرد و جمع با آهنگ پائینی می باشد، که سه حالت آنها با هماهنگی کوچک و دو حالت دیگر آنها با هماهنگی بزرگ به شکل زیر صرف می شوند:

حالت فعالیت(فعالی)	من	سن	او	بیز	سیز	اونلار	بدون پسوند
این سه حالت با هماهنگی کوچک صرف می شود.	او نلا را	سیزه	بیزه	او نا	سن ه	من ه	حالت « به »
	او نلا رد ا	سیز ده	بیز ده	او ندا	سن ده	من ده	حالت « در »
	او نلا رد ان	سیز دن	بیز دن	او ندان	سن دن	من دن	حالت « از »
این دو حالت با هماهنگی بزرگ صرف می شود.	او نلا ری	سیزی	بیزی	او نو	سنی	منی	حالت « را »
	او نلا رین	سیزین	بیزیم	او نون	سنین	منیم	اضافه ملکی

- در رابطه با ضمایر شخص و حالت‌های تصریفی به شش موضوع زیر توجه کنید:

یک) ضمیر سوم شخص مفرد تنها یک حرف صدادار ( o ) دارد، که آخرین حرف صدادار کلمه

نیز محسوب می‌شود و در حالت‌های تصريفی یک حرف «n» به خود می‌گیرد:

او o : اونون o nun ، او ندا o ndan ، او نو o nu ، او ندان o ndan ، او نا o na

دو) ضمیر سوم شخص مفرد و جمع (onlar، o) با حروف صدادار با آهنگ پائینی ساخته می‌شود، در نتیجه پسوند آن با حروف صدادار با آهنگ پائینی به کار گرفته می‌شوند. مثال:

o : on;a ، on,un ، on un,kun,da . onlar : onlar;a ، onlar,in ، onlar,in ,kin,da

سه) پسوند حالت‌های تصريفی با خط عربی پیوسته به ضمایر شخصی نوشته می‌شوند، ولی آنها را می‌توان در توضیحات دستوری با خط لاتین به وسیله «کاما» از ضمایر شخصی نیز جدا نوشت:

بدون پسوند	mən,bən	sən	o	biz	siz	onlar	یالیـن آد
{ این سه ضمیر با همانگی کوچک صرف می‌شوند.	mən,ə	sən,ə	on,a	biz,ə	siz,ə	onlar,a	ا، ə + حالی
	mən,də	sən,də	on,da	biz,də	siz,də	onlar,da	+ də حالی
	mən,dən	sən,dən	on,dan	biz,dən	siz,dən	onlar,dan	+dən حالی
{ این دو پسون با همانگی بزرگ صرف می‌شوند.	mən,i	sən,i	on,u	biz,i	siz,i	onlar,i	ا i ، ای حالی
	mən,im	sən,in	on,un	biz,im	siz,in	onlar,in	+ in,un این حالی

چهار) در زبان ترکی اولین حرف ضمایر شخصی مفرد و جمع هم شکل می‌باشد، در نتیجه ضمیر اول شخص مفرد به شکل «بن bən» اول شخص جمع به شکل «بیز biz» می‌باشد، که امروزه در آذربایجان به شکل «من mən» به کار گرفته می‌شود، ولی در اشعار قدیمی به شکل «من» و «بن» نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

پنج) ضمایر شخصی با علامت ملکی (مثل: منیم ، سنین) در زبان فارسی موجود نیست، ولی مفهوم آن با کلمه عربی «مال» و اضافه ملکی به شکل «مال من، مال تو» بیان می‌شود و در مواردی (به ویژه در اشعار قدیم فارسی)، آن را با ترکیب کلمه «از، آن من» (از آن من) و در مواردی نیز به شکل «ز آن من» به کار برده اند. ولی «مال من» مفهوم کاملی دارد که مترادف با ترکی آن (منیم mənim) بیان می‌شود.

شش) در زبان ترکی ضمیر اول و دوم شخص جمع کلمه «بیز ، سیز» می باشد، که به وسیله علائم «لر، لار» مجدداً جمع بسته شده و به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می شود:

چگونگی حالت تصریفی	siz	سیز	biz	بیز	ترکی	فارسی
بدون پسوند	sizlər	سیزلر	bizlər	بیزلر	yalılın adı	حالت فاعلیت
این سه حالت تصریفی با همانگی کوچک صرف می شوند.	sizlərə	سیزلره	bizlərə	بیزلره	ə + e	حالت «به»
	sizlərdə	سیزلرده	bizlərdə	بیزلرده	e + də	حالت «در»
	sizlərdən	سیزلردن	bizlərdən	بیزلردن	e + dən	حالت «از»
این دو حالت با همانگی بزرگ صرف می شوند.	sizləri	سیزلری	bizləri	بیزلری	i + e	حالت «را»
	sizlərin	سیزلرین	bizlərin	بیزلرین	i + in	اضافه ملکی

### ۳) چگونگی به کارگیری و عملکرد حالت‌های تصریفی اسم و ضمیر و کلمه «کی»:

در صفحات قبلی چگونگی ترکیب اسم و ضمیر با پسوندهای تصریفی شرح داده شد. اکنون در صفحات زیر به تشریح به کارگیری و عملکرد آنها در کنار سایر کلمات در جمله پرداخته می شود.

برای روشن شدن هر چه بهتر چگونگی صرف و عملکرد تک تک حالت‌های تصریفی اسم و ضمیر در صفحات زیر توضیحاتی داده و مثالهای آورده می شود ؟ سپس چند قطعه شعر از شعرای آذربایجان که در آنها نیز اسم و ضمیر با پسوند حالت‌های تصریفی به کارگرفته شده اند، برای نمونه و به عنوان سند تاریخی درج شده اند؛ لطفاً به آنها نیز دقت کنید:

#### ۱-۳) حالت فاعلیت (فاعلی) اسم:

حالت فاعلیت اسم را در زبان ترکی، «yalılın ad» می نامیم، که آن در جمله بدون پسوند به کارگرفته می شود. مثال: لاله گلیر. خالا گلدیر. حسن دانیشیر.

حسن آیاخ يالین دير. حسن كيم دير؟ حسن منيم قارداشيم دير.

در جملات مذکور « حسن ، او ، لاله و حالا » در حالت فاعلیت به کارگرفته می شود.

- « حالت فاعلیت » اسم ( یالین آد ) در جمله با دو مفهوم زیر به کارگرفته می شود:

a) لاله بُوگون بُورایا گلیر. « لاله » در جمله با مفهوم « فاعلیت »، به عنوان « کننده کار، فاعل » و یا « کسی که عملی را انجام می دهد »، به کارگرفته می شود.

b) لاله یاخشی آدام دیر. « لاله » در جمله در حالت فاعلیت ( یالین آد ) به کارگرفته می شود؛ با وجودی که لاله کاری را انجام نمی دهد، ولی وی در جمله فاعل محسوب می شود.

۳-۲) حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « به »، در زبان ترکی « یئونل دُورو مو » و یا

« a ، e ، حالي » نامیده شده و با هماهنگی کوچک صرف می شود. مثال:

a) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی می باشد:

او منه دئیر. o mənə deyir. ( سوال: کیمه دئیر؟ جواب: منه دئیر.)

او بیزه گتیریر . o bızə gətirir. ( سوال: نه ریه گتیریر؟ جواب: ائوه گتیریر.)

من سنه دئیرم. من سیزه گلیرم. سن کیتابی کیمه وئردین؟ من اونو لاله يه وئردیم.

b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد:

من یاشارا دئدیم. سن بُو کیتابی یاشارا آلدین. سن بُو کیتابی خالایا وئردین.

اونا باخ، او آیاخ یالین دیر. آی یا ( aya ) باخ. سویا آت.

اونا سؤیله. اونا اویرت. آغاجا دیرماش، آغاجا چیخ.

c) از اینکه « حالت به » حرف صدادار « a, e » می باشد ، اگر آخرین حرف اسم نیز صدادار باشد، در صرف در بین کلمه و پسوند یک حرف « y » افزوده شده و به شکل زیر به کارگرفته می شود:

آنا یا anaya ، دده یه dədəyə ، نه یه nənəyə. باحی یا baciya. خالایا xalaya

- در رابطه با به کارگیری حالت مفعول با واسطه « به » ( a,e ) به اشعار زیر توجه کنید:

وهاب زاده: واخت منی پروانه تک باشینا دولاندیریر دونن قانمادیغیمی بُوگون منه قاندیریر...

من اوز آزادلیغیما تانزی دئدیم بیرحؤکومه بیر فرمانا من باشیمی ایمه دیم

خاقانی: سؤزه بُوگون ائیله رونق وئردی که(کی) فتح ائتدی اونونلا بوتون دونیانی

میرزا ابراهیم اوف: آختاریب شأن و شرف چۈخلارى گىتدى اۇزاغا

يادلارا سجدە قىلىپ سالدى اۆزونو آياغا

از كتاب علیار صفری (آذربایجان ادبیاتی تاریخی): قۇددو گلمىشىك سىزە حورمت ائدىن بىزە

بۇ گىچە قىز سىزدە دير صاباح آپارىق بىزە

### ۳-۳) حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه «در»:

حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه «در»، در زبان ترکی «قالماڈۇرۇمو» و یا «دە، دا  
حالى» نامىدە شدە و با هماهنگى كوچك (də ، da) صرف مىشود. مثال:

a) كلمه اي كە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى باشد، به شرح زير با پسوند «دە» در  
حالت تصریفى صرف مىشود:

كتاب مندە دير. kitab məndəd ir. اينك چىمن دە دير. (لر) inək çıməndədir.

كتاب كيم دە دير؟ كيتاب احمدده دير. او كىمده دير؟ قلم لاله دە دير.

كتابلار بىزدە ديرلر. قلم سندە دير. كىتاب مندە دير. ...

b) كلمه اي كە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائىنى باشد، به شرح زير در جمله به  
كارگىرفته مىشود:

من بۇرادا يام. (mən buradayam)، من باڭدايام. (mən bağdayam)، كيتاب ياشاردا دير.

سو دريادادير. آنا ماشىندا دير. ماشىن يۇلدَا دير. ماشىن رسول دادير. يارپاق آخاج دا دير

سؤال: او كىمده دير؟

جواب: او اوندا دير. او اونداندئىگىل. او ياشاردا دير.

بۇ كىمده دير؟ بۇ مندە دير. بۇ اونلاردا دير. او اونلاردا دئىگىل دير.

- در رابطه با حالت مفعول با واسطه «در» (دە ، دا) ، به اشعار زير توجه كنيد:

از كتاب علیار صفری: (آذربایجان ادبیاتی تاریخی)

قارا كىلىك، گوندە من كؤلگەدە سەن، گوندە من

سن يات قايادىيىنده قۇرى قارالىم گوندە من

واحد: گۈزلىم، گۈزلىيىن صحبتى هر يانلدا اۇلور بۇ ملاحتلى باخىشلار قۇزى جىئىراندە(دا) اۇلور.

توجه: فعل را می‌توان با پسوند «د» در فرم فعل و اسم به کار گرفت:  
به فعل در «لحظه آغازین کار» توجه شود.

۳) حالت مفعول با واسطه «در» با اسم و ضمیر و کلمه ربطی «کی» ترکیب می‌یابد و با مفاهیم زیر به کار گرفته می‌شود:  
- پسوند حالت مفعول با واسطه «در» (د، دا) و کلمه «کی» را می‌توان با اسم و یا با ضمیر شخصی ترکیب داد و به شکل «منده کی» با مفهوم «آنچه [که] در پیش من است» و یا «حسنده کی»، «آنچه [که] در پیش حسن است» (به شکل کلمه انعکاسی) به کار گرفت و بدین سان به جای جمله طولانی از کلمه ترکیبی کوتاه (شیوه جمله) استفاده کرد. مثال:

a) پسوند «حالت در» (د) و کلمه ربطی «کی» به شکل زیر با ضمیر شخصی ترکیب می‌یابد و با مفهوم «آنچه [که] در پیش من است» به کار گرفته می‌شود.  
از اینکه آخرین حرف کلمه «کی» صدادار است، در نتیجه در حالت‌های تصrifی یک حرف اضافه «ن» به خود می‌گیرد و به شکل زیر صرف می‌شود:

شماره	نام ضمایر شخصی	من	سن	او	ییز	سیز	او نلا
۱	حالت فاعلیت	{ منده کی }	منده کی	منده کی	بیزده کی	سیزده کی	اونلاردا کی
۲	حالت «به»	{ منده کی نه }	منده کی نه	منده کی نه	بیزده کی نه	سیزده کی نه	اونلاردا کی نا
۳	حالت «در»	{ منده کی نده }	منده کی نده	منده کی نده	بیزده کی نده	سیزده کی نده	اونلاردا کی ندا
	حالت «از»	{ منده کی نیدن }	منده کی نیدن	منده کی نیدن	بیزده کی نیدن	سیزده کی نیدن	اونلاردا کی ندان
۵	حالت «را»	{ منده کی نی }	منده کی نی	منده کی نی	بیزده کی نی	سیزده کی نی	اونلاردا کی نی
	حالت ملکی	{ منده کی نین }	منده کی نین	منده کی نین	بیزده کی نین	سیزده کی نین	اونلاردا کی نین

توجه: - ترکیب کلمات و پسوندهای مذکور به شکل «من، من د کی» می‌باشد، که عملکردی همچون ضمایر انعکاسی می‌باشد. مثال:

کیمده کی؟ بیزده کی (آنچه در پیش ما است.)، سیزده کی (آنچه در پیش شما است.)

نه ره ده کی؟ نه یerdeh کی. بöyerdəh کی. او ييرده کي.

- کلمات مذکور را می‌توان با خط عربی در ترکیبات مختلف نوشت. مثال:

منده کینین (منده کی نین)، سنده کینین (سنده کی نین) و ...

b) پسوند «ده» همراه اسم به شرح زیر با کلمه ربطی «کی» ترکیب می‌یابد و به شکل «حسنده کی» با مفهوم «آنچه [که] در پیش حسن است.» به کارگرفته شده و در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود. مثال:

حالات فاعلیت	حسنده کی	ائلدہ کی	گولده کی	گولده کی نه	رسول داکیندا	رسول داکینا	یؤل داکی نا	یؤل داکی
حالات «به»	حسنده کی نه	ائلدہ کی نه	گولده کی نه	گولده کی نه	رسول داکیندا	رسول داکینا	یؤل داکی نا	یؤل داکی
حالات «در»	حسنده کی نده	ائلدہ کی نده	گولده کی نده	گولده کی نده	رسول داکیندا	رسول داکینا	یؤل داکی ندا	یؤل داکی
حالات «از»	حسنده کی ندن	ائلدہ کی ندن	گولده کی ندن	گولده کی ندن	رسول داکیندان	رسول داکینا	یؤل داکی ندان	یؤل داکی
حالات «را»	حسنده کی نی	ائلدہ کی نی	گولده کی نی	گولده کی نی	رسول داکینی	رسول داکینا	یؤل داکی نی	یؤل داکی
اضافه ملکی	حسنده کی نین	ائلدہ کی نین	گولده کی نین	گولده کی نین	رسول داکینین	رسول داکینا	یؤل داکی نین	یؤل داکی

توجه: - کلمات جدول مذکور از سه بخش ترکیب می‌یابند. مثال:

حسن - ده - کی (حسنده کی)

- کلمات جدول مذکور همانند سوم شخص مفرد، با پسوند صرفی (دیر) با مفهوم «چه کسی» و یا «چه چیزی» مورد سوال و جواب قرار می‌گیرند:

کیمده کینده دیر؟ حسنده کینده دیر. منده کینده دیر. سنده کینده دیر.

نه ده کینده دیر؟ او نداکیندا دیر. بونداکیندادیر.

- اگر کلمات ترکیب یافته با اسم انسان آغاز شود، با خط لاتین اولین حرف آنها درشت

نوشته می‌شود: Həsən,də,kinə , Rəsul,da,ki , Əli,də,kin,də,ki .

- حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی «از»، در زبان ترکی «چیخما دُرُومو» و یا

«دن ، دان حالی» نامیده شده و با هماهنگی کوچک به کارگرفته می‌شود. مثال:

a) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می‌باشد:

( من کتاب را از او می‌گیرم.) mən kitabı ondan alıram. من کیتابی اوندان آلیرام.

( او از اینجا می‌رود.) o buradan gedir. او بورادان گندیر.

هوا سوپرقدور اطاقدان ائشیگه چیخماق اولمور. کیتابی یاشاردان آلدیم. او قاراباغدان گلیز.

سۇ داغدان گلیز. بۇ يارپاق او آغاج دان دیر. قاپی تاختادان (تخته دن) دیر. و ...

b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی است:

( او از بیرون می‌آید.) o eşikdən gəlir. او ائشیکدن گلیز.

( او از تو قهر می‌کند.) o səndən küsür. او سندن کوسور.

بۇ ایشدن بیزه چؤرك چیخماز. سندن بیزه خئییر گلمز. اونلار گزمکدن گلیزلر.

من بۇ کیتابی کیمدن آلدین؟ من بۇ کیتابی حسنندن آلدیم. و ...

- حالت با واسطه با حروف اضافه « از » ( دن ، دان ) در جمله با مفاهیم مختلف زیر به کار گرفته می‌شود. مثال:

(a) به شکل بیان اهلیت:

( او از کجا می‌آید.) o haradan gəlir. او هارادان گلیز؟

( او از تبریز می‌آید.) o təbrizdən gəlir. او تبریزدن گلیز.

او آمریکادان گلیز. او زنجان داندیر.

او آذربایجاندان دیر. او زنجاندان دئگیل.

(b) به شکل حالت « از »: ( او از کجا می‌آید?)

( او از کار می‌آید.) o işdən gəlir. او ایشدن گلیز.

او ائدون چیخدی. او آلیش وئریشدن گلیز. او باغدان گلیز.

او ، پالتو بازاردان آلدی. او چؤلدن گلیز. او بورادان گشتی. و ...

( طرفدار ، هواخواه بودن) ( طرفدار ، هواخواه بودن)

( او طرفدار کی است .) o kimdəndir. او کیم دن دیر؟

( او از ما است. [طرفدار]) o bizdəndir. او بیزدن دیر.

او بیزدن دئگیل. ( او از ما نیست.[طرفدار] ) o bizdən deyil.

او سولجولاردان دیر. او ساغچی لارдан دیر. او هئچ کیمدن دئگیل.

d) از چه موادی است: ( از چه چیزی ترکیب یافته است .)

او ائو نَدَن دیر؟ ( آن خانه از چه ساخته شده است؟ ) o ev nədəndir?

او ائو پالچیدان دیر. ( آن خانه از گل [ساخته شده] است.) o v palçıqdandır.

او ماشین دمیردن دیر. ( آن ماشین از آهن[ساخته شده] است.) o maşın dəmirdəndir.

بُو قاپی نه دن دیر؟ بُو قاپی دمیردن دیر. (تخته دندیر)

k) به شکل تشییه‌ی و وصفی:

بُو ائو اوْندان اوْجا دیر. bu ev ondan uca,dır.

بُو گول اوْندان گوْزْل دیر. bu gül ondan gözeldir.

بُو اوْندان ياخشیدیر. ( این از آن یکی بهتر است.) bu ondan yaxşıdır.

بُو آغاج ، اوْ اوْدن اوْجاراقدیر. اوْ ائو ، بُو اوْدن اوْجا دیر.

- در رابطه با حالت مفعول با واسطه « از » ( ترکی: دن ، دان )، به اشعار زیر توجه کنید:

کتاب دده قُورقود: آپول آپول يۇروشىندىن آسلام كىيى تۇروشىندان( يوروشوندان. دۇروشوندان)...

ھونرى اوْغول آتادان مى گۈرە ر، اوْ گرە نر، يۇخسا آتار، اوْغولدان مى اوْ گرە نر؟ ..

وهاب زاده: ... خبریمیز اوْلمور گلىشیمیزدن، اینانا بىلمىريلك گىتمە يىمیزدن.

... يۇرۇلدوق زمان - زمان بُو وۇرۇشدان بُو قالدان. عمرور يۇلۇ مجھولدان ...

على واحد: چىخ ، اى قان ايچىن يېرىتىجى، چىخ تۇرپاغىمیزدان!

خائىن گۈزۈنى چىك ده ره مىزدىن، داگىمیزدان! ...

توجه: با پسوند « دن » مى توان فعل را به فعل فاعلیت صفتی تبدیل کرد:

فعل در لحظه آغازین کار

- حالت مفعول بى واسطه « را » ،

در زبان ترکی « بله نمه دۇرومۇ bələnmə durumu » و يا « ئى ، ئى ، ئى ، ئى حالى » نامیده شده و

با ھماهنگى بزرگ صرف مى شود. مثال:

a) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد ، به شرح زیر در حالت‌های تصریفی به کار گرفته می‌شود:

منی*	سنی*	سیزی	بیزی*	او بیزی سئویر.
( او ما را دوست دارد.)	o bizi sevir.			
( ما گاؤ نر را می‌بینیم.)	biz öküzü görürük.			
من گولو دردیم. من لاله نی گورمورم. سن کیتابی کیمه وئردین؟ من کیتابی حسنہ وئردیم.				
b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شرح زیر صرف می‌شوند:				
( تو او را می‌بینی.)	sən onu görürsən.			سن اوْنو (اوْنی) گورورسن.
( تو درخت را می‌بری.)	sən ağacı kəsirsən.			سن آغاجی کسیرسن.
من ده اوْنو گوردو. من رسولو گورمه دین می؟ من یاشاری گوردو.				من ده اوْنو گوردو.
من قۇزۇنۇ قۇردو. من سۇيو ایچدیم.				من قۇزۇنۇ قۇردو.
- در رابطه با به کار گیری حالت بی واسطه «را» (ا, ئ, ا, ئ)، به اشعار زیر توجه کنید:				
ای کؤنول ۇمرۇمو وئردین يەله عاشقىلىق ايلە فضولى:				

با خما هر غنچه لب و گلرخه، آه ائسمه داخى

بنى خزر: مرمر دیوارلارا چىripادى اوْزۇنۇ... ائلوم شُكتى ايلە دئدى سۇزۇنۇ...

زینال جبار زاده: قارانلىغى چكدىن دارا شفق ساچدىن هر دىيارا

(پناھ اوْلدۇن مظلوملارا گۈزل ، آزاد وطنېمىز)

توجه: اگر آخرین حرف صدادار اسمی صدادار باشد، در «حالت را» يك

حرف «n» به خود می‌گیرد. مثال: nənə, ni , quzu, nu , Əli, ni

- حالت اضافه ملکی:

حالت اضافه ملکی، پسوند «اين ، in » می‌باشد ، که «وارليق دۇرۇمو varlıq durumu » و

يا «un , ün , in , in حالي» نامیده می‌شود و حرف صدادار آن وابسته به آخرین حرف صدادار اسم

و يا ضمیر می‌باشد که با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. مثال:

( تو دو دست داری. )	sənин iki əlin var.	سینین ایکی الین وار.
( من يك بز دارم . )	mənim bir geçim var .	منیم بیر گچیم وار.
( تو هم يك سگ داري. )	sənин də bir itin var.	سینین ده بیر ایتین وار.
( او هم برای گفتن حرفی دارد.)	onunda deməyə sözü var.	اووندا دئمیه سؤزو وار.
( من كتاب دارم.)	mənim kitabım var.	منیم کیتابیم وار.
( من يك دختر دارم. )	mənim bir qızım var.	منیم بیر قیزیم وار.
( او يك گوسفند دارد.)	onun bir qoyunu var.	اوون بیر قویونو وار.
( تو هم يك بره داری. )	sənин də bir quzun var.	سینین ده بیر قۇزون وار.
( اسم تو ياشار است. )	sənин adın Yaşardır .	سینین آدین ياشار دیر.
( توهم كتاب داري. )	sənин də kitabım var.	سینینde کیتابین وار.
( تو يك پسر داري.)	səninen bir oğlun var.	سینین بیر اوغلوون وار.

a) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با پسوند ملکی

صرف می شود:

أئوين قاپيسى،      بۇ ائو كيمىن دير؟  
أوكوزون بۇرنزو،      بۇ ائو سىزىن دير مى؟      بۇ چىچك، بۇ گولوندور. بۇ يىملر او أوكوزوندور. و..

b) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به کار گرفته

می شود:

اوغلانىن يولداشى،      قىزىن قارداشى،  
قوچون بۇرنزو دور،      آغاچىن يارپاگى دير،      داغىن باشى دير      و...

c) کلمه ای که آخرین حرف آن صدادار باشد، « حالت ملکی » آن يك حرف « n » به خود

می گیرد و به شکل زیر صرف می شود. مثال:

علىنىن بير ماشىنى وار. ئolinin bir maşını var ، ننه نين ائوى ، دده نين قارداشى ، آتانىن  
يولداشى ، باجىنن اوغلو ، بىبىنن حالاسى ، دايىنن دا ائوى وار و...

- در رابطه با به کارگیری پسوند ملکی، به اشعار زیر توجه کنید:

حقانی شروانی: او کمان قاشینین دیوانه سیم  
حسنونون او دونون پروانه سیم

مجید صباح ایرانی: ظلم ایله بیزی آبری سالیب لارائیمیزدن، دیلیمیزدن  
آبری سالالی هم ائلیمیزدن

وهاب زاده: زمانین آلیندن نه غملر یعدی،  
یعنی ده دنیادان اوزو دونمه دی...

باش چیخارماق هم چتین دیر هم آسان  
ایلیسیندن، مله ییندن دونیانین

## ۵) پسوند ملکی و عملکرد آن:

a) علامتی که به آن پسوند ملکی می‌نامیم، مفاهیم «نسبت دادن، تعلق داشتن، متعلق بودن، تعلقات خویشاوندی داشتن، مال و ثروت داشتن، صاحب شدن و...» را در رابطه با اشخاص، حیوانات، حشرات و اشیاء در خود انعکاس می‌دهد. مثال:

منیم قارداشیم، منیم اثویم، منیم ننه م، منیم ماشینیم، ماشینین صاحبیم،  
دانگین قاری، ائوین قاپیسی، آغاچین باری و...  
حسنین ایتی، قوچون بورنزو، ایتین قویروغۇ، قویونون سوتۇ و...

- با وجودی که علامت «in» را پسوند ملکی می‌نامیم، ولی از آن مالکیت دادن انسان به انسان و حیوان به حیوان، حشرات به حشرات و اشیاء به اشیاء دیگر فهمیده نمی‌شود، ولی برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم در توضیحات این کتاب به ویژه در رابطه با انسان به جای بیان «مالکیت داشتن» و یا «تعلق داشتن» از واژه «نسبت دادن» اسم به اسم دیگر استفاده می‌شود. مثال: علی نین خالاسینین اوغلۇ.

يعنى در اين حمله به جاي بيان « تعلق داشتن ، مالك بودن » از كلمه « نسبت دادن » « اوغلان به خالا و خالا به على» استفاده مى شود.

پسوند ملکی بعضی از علائم دستوری ( مثال: تعلق داشتن ، نسبت دادن ، مسند و مستندالیه و...) را در خود انعکاس می‌دهد و بدین سان مسائل و مشکلات دستوری را آسان تر می‌سازد، اما آن چیزی که در این زبان مشکل به نظر می‌رسد، صرف حرف صدادار آن

است، که در صفحات زیر چگونگی آن بررسی شده و تشریح داده می‌شود:

پسوند ملکی، اسم نسبت داده شده را در ترکیب اسم قبلی بیان می‌کند:

(b) پسوند ملکی (in.ün)، در ترکیب اسم، اسم (دیگری) را که به آن نسبت داده شده را در خود منعکس می‌کند و در فرم سوم شخص مفرد صرف می‌شود. به عبارت دیگر پسوند ملکی علامت شخص سومی است که در ترکیب اسم و ضمیر به وسیله «in» (مثل: لاله نین، منیم، سنین، اونون) بیان می‌شود. برای مثال در مقابل بیان کلمه «رسولون، لاله نین، منیم، سنین»، سوال و جوابهای زیر مطرح می‌شود:

سؤال: رسولون نه یین؟ منیم نه ییم؟ سنین نه یین؟ اونون نه یی؟ منیم کیمیم؟  
سنین کیمین؟ اونون کیمی؟

جواب: منیم قارداشیم. منیم اثویم. منیم بالام. سنین اثوین. سنین قارداشین. سنین ماشینین. اونون باجی سی. سنین یوردون. اونون ننه سی. اونون ماشینی. ....

- برای نمونه دیگر، کلمه «سنین» را در نظر می‌گیریم، که پسوند ملکی به کلمه «سن» پیوند می‌خورد و بدین سان اسم بعدی را برای آن نسبت می‌دهد و به وسیله پسوند صرفی «دیر» به شکل سوم شخص مفرد مورد سوال و جواب قرار می‌گیرد. مثال:  
سنین: سنین نه ییندیر؟ سنین کیمین دیر؟ سنین ماشینین دیر.  
بیزیم: بیزیمدیر. کیمین؟ کیمیندیر؟ سیزیندیر.

اونون: اونوندور. اونون باجی سی نیندیر. اونون دده سی نیندیر. اونون حالاسی نیندیر.

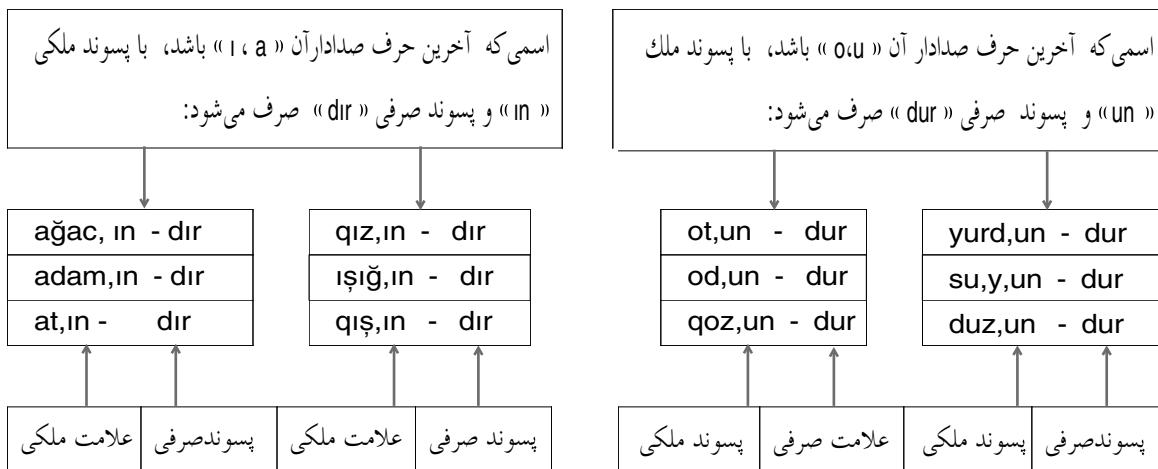
حرف صدادار پسوند ملکی و چگونگی صرف آن با پسوند صرفی (دیر):

حرف صدادار پسوند ملکی و پسوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می‌باشد، که در صرف به دو گروه با آهنگ بالائی و پائینی تجزیه شده و به شرح زیر در فرم سوم شخص مفرد با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

یک) پسوند ملکی (in) و پسوند صرفی (dir) در صرف با اسم:

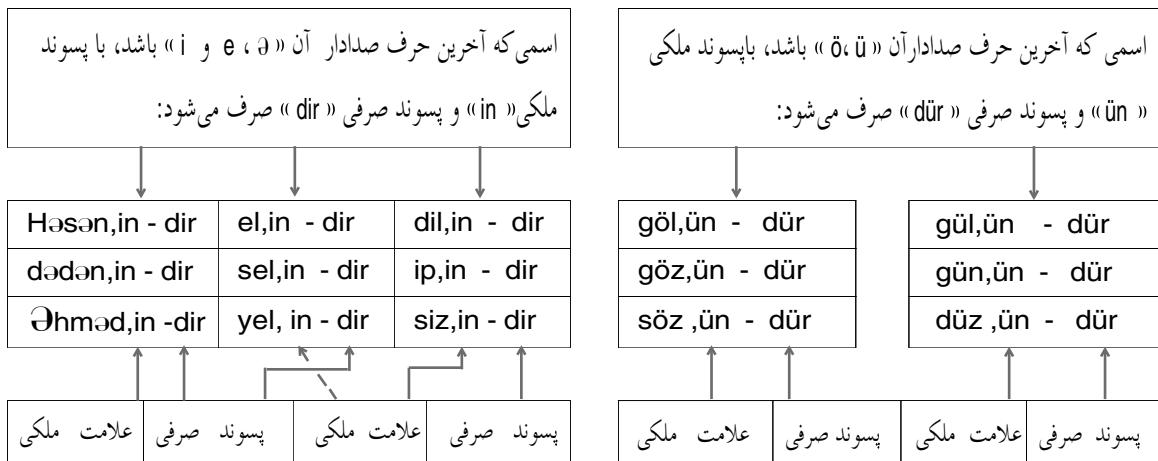
(a) پسوند ملکی و پسوند صرفی همراه اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی

باشد، در فرم سوم شخص مفرد با هماهنگی بزرگ به کارگرفته می‌شود:



بۇ يارپاقلار، بۇ آغاچىندير(لار). بۇ كىتاب لار كىمىن دير(لر)? اوئنلار منيم دير(لر).

b) پسوند ملکی (این) و پسوند صرفی (دیر) همراه اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر به کارگرفته می‌شود:



- اسمی مذکور در ترکیب با پسوند ملکی و پسوند صرفی به شکل زیر در کنار کلمات دیگر در جمله به کارگرفته می‌شوند. مثال:

حسن منیم يۇلداشىم دير. بۇ كىتاب كىمىن دير؟ بۇ كىتاب حسنىن دير. بۇ كىتاب رسولوندور.

نه منیم دير؟ بۇ كىتاب منیم دير. او منیم نه يىمىدىر؟ او منیم اوئىمىدىر. او منیم باجىم دير.

c) اسمی که آخرین حرف آن صدادار باشد، در صرف به خود يك حرف «n» مىگىرد و به شکل زیر با پسوند ملکی (این) همراه پسوند صرفی (دیر) برای ضمایر شخصی صرف

می شود. مثال:

nənə,nin dir	ütü,nün dür	bibi,nin dir	اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی است:
--------------	-------------	--------------	---

bacı,nın dir	quzu,nun dur	o,nun dur	اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی است: ana,nın,dir. dayı,nın,dir. ananın dir.
--------------	--------------	-----------	---

(دو) پسوند ملکی و پسوند صرفی «dir» در صرف با ضمایر شخصی:

- در صرف ضمایر شخصی، حرف صدادار پسوند ملکی و پسوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار ضمایر شخصی می باشد، که در فرم سوم شخص مفرد با هماهنگی بزرگ و با چهار پسوند (im , in , un ) به کارگرفته می شود. مثال:

a) پسوند ملکی با ضمیر اول شخص مفرد و جمع با هماهنگی بزرگ و با علامت «im » صرف می شود:

منیم im ، بیزیم biz ، کیمیندیر؟ منیم دیر. بیزیمدیر.

b) پسوند ملکی با ضمیر دوم شخص مفرد و جمع با هماهنگی بزرگ و با علامت «in » صرف می شود:

سنین: sən in ، سیزین: siz in ، کیمین دیر؟ سنین دیر. سیزیندیر.

- پسوند ملکی (in ) و پسوند صرفی (دیر ) به شکل زیر در رابطه با دوم شخص مفرد با پسوند سوم شخص مفرد مورد سوال و جواب قرار می گیرد. مثال:

سنین. سنین نه بیندیر؟ سنین کیمیندیر؟ سنین اثویندیر. سنین باجیندیر. و ...

c) پسوند ملکی با ضمیر سوم شخص مفرد با هماهنگی بزرگ و با علامت «un » به شکل سوم شخص مفرد به کارگرفته می شود: اونون دئگیل دیر.

d) پسوند ملکی با ضمیر سوم شخص جمع با هماهنگی بزرگ و با علامت «in » صرف می شود:

اونلارین in, onlar ، بۇنلارین in bunlar, بۇنلاریندیر(لار).

کیمیندیر؟ نه بین دیر؟ اونلاریندیر. کیملریندیر(لر)?

- با وجودی که حرف صدادار پسوند ملکی وابسته به آخرین حرف صدادار اسم( و یا ضمیر)

می باشد و با هماهنگی بزرگ صرف می شود، ولی بین آنها تفاوتی نیز مشاهده می شود:

یعنی حرف صدادار پسوند ملکی اسم با یکی از چهار حرف صدادار «ا، ئ، ا، ا» و پسوند ملکی ضمایر شخصی با یکی از سه حرف صدادار «ا، ئ، ا» به کار گرفته می شود؛ چراکه آخرین حرف صدادار شش ضمیر شخصی (mən, sən, o, biz, siz, onlar) فقط با یکی از چهار حرف صدادار «ا، ئ، ا، ا» به کار گرفته می شود، یعنی در ترکیب آنها دو حرف صدادار «ئ، ئ» شرکت داده نمی شود، در نتیجه پسوند ملکی آنها به وسیله حرف «ئ» ساخته نمی شود؛ در صورتی که آخرین حرف صدادار اسم با یکی از ۹ حرف صدادار (ا، ئ، ا، ئ، ا، ئ، ا، ئ، ا) به کار گرفته می شود، در نتیجه پسوند آنها با یکی از چهار حرف صدادار «ئ، ئ، ا، ا» ساخته می شود:

- برای آشنائی هر چه بهتر با نحوه به کار گیری هماهنگی حروف صدادار در ترکیب پسوندهای ملکی، جدولهایی در زیر آمده، که در جدول اول ضمایر شخصی در اول جمله و در جدول آخر اسم در اول جمله قرار گرفته است:

(a) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، پسوند ملکی آن با یکی از دو حرف صدادار «ا، ا» ساخته شده و به شکل زیر برای ضمایر شخصی نسبت داده می شود:

این دو اسم به ضمیر ما قبل خود نسبت داده شده اند.					
mən,im		qardaş	qız	im	
biz,im		qardaş	qız	im,iz	
sən,in	{	qardaş	qız	in	
siz,in		qardaş	qız	iniz	
on,un		qardaş	qız	i(n)	
onlar,in	{	qardaşlar	qızlar	i(n)	
				im,in,un,in	im,in,i

این دو اسم به ضمیر ما قبل خود نسبت داده شده اند.					
mən , im		ox	duz	um	
biz , im	{	ox	duz	um uz	
sən , in		ox	duz	un	
siz , in		ox	duz	unuz	
on , un		ox	duz	u (n)	
onlar,in	{	oxlar	duzlar	i (n)	
		im,in,un,in		üm,ün,ü,i	

اسم با یکی از این چهار نوع پسوند به ضمیر نسبت داده می شود.	
امیم قارداشیم. منیم قیزیم. منیم یولداشیم. و ...	اسم با یکی از این چهار نوع پسوند به ضمیر نسبت داده می شود.

- اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به ضمایر شخصی نسبت

داده می شود:

اسامی زیر به ضمایر ما قبل خود نسبت داده شده اند.						
mən , im		əl	el	dil		im
biz , im	{	əll	el	dil	{	im,iz
sən , in		əl	el	dil		in
siz , in		əl	el	dil		iniz
on , un		əl	el	dil		i (n)
onlar,in	{	əllər	ellər	dillər	{	i (n)
← im,in,un,in				im,in,i ↑		

اسامی زیر به ضمایر ما قبل خود نسبت داده شده اند.					
mən,im	{	söz	gül	{	üm
biz,im		söz	gül	{	ümüz
sən,in		söz	gül		ün
siz,in		söz	gül		ün üz
on ,un	{	söz	gül	{	ü (n)
onlar,in		sözlər	güllər	{	i(n)
im,in,un,in			üm,ün,ü,i		

اسم با یکی از این پسوندها به ضمیر شخصی نسبت داده می‌شود.

b) اسمی که به اسم ما قبل خود نسبت داده شود، اولین و آخرین پسوند ملکی آن با هماهنگی بزرگ به شکل « in, in, ün, un » در فرم سوم شخص مفرد صرف می‌شود:

Yas <u>ar</u> ,in	{	əl	el	dil	}	in
Bac <u>ı</u> n,in		əl	el	dil		in
R <u>e</u> sul,un		əl	el	dil		in
Bab <u>e</u> k,in		əl	el	dil		in
Nader,in		əl	el	dil		in
qiz,in		əllər	ellər	dillər		in
Ya <u>s</u> ar,in		saç	aş	baş		in
R <u>e</u> sul,un		qız	bıg	qıl		in

Yasar,in	söz	gül	ün
Bacın,in	söz	gül	ün
Rəsul,un	söz	gül	ün
Babək,in	söz	gül	ün
Nader,in	söz	gül	ün
qız,in	sözlər	güllər	in
Lalə,in	don	yol	un
Rəsul,un	duz	suy	un

- پسوند ملکی به وسیله عالمت «لر، لار» جمع بسته شده و در فرم سوم شخص مفرد با هماهنگی بزرگ با پسوند «دیر» صرف می‌شود. مثال:

كيمينديرلر؟ اونندورلار. اونلارينديرلار. بيزيمديرلر. نه لَريندغير (لر)؟ بُونلاريندير (لار).

توجه: - مترادف با کلمه «منیم ، سینین ، اونون» ، کلمه ای در زبان فارسی موجود نیست، ولی مفهوم

آن را به کلمه عربی «مال» با اضافه ملکی به شکل «مال من، مال تو، مال او» و یا با کلمه

ترکیبی «از آن من» و «ز آن من» بیان می‌کنند.

- در ترکی استانبولی به نادرست پسوند صرفی (im) را به شکل «im» تغییر داده اند، در نتیجه صرف پسوند ملکی و پسوند صرفی برای اول شخص مفرد به شکل هم صرف می‌شود: ترکی استانبولی: **benim** (بنیم با دو معنی «من هستم ، مال من است ، معنی می‌دهد). ترکی آذربایجانی: **mənim** (منم **bənəm**) مال من. **mənəm** (منم **ənm**) من هستم.

حرف «ا» نیز علامت ملکی است که متراծ با پسوند «in» به کارگرفته می‌شود:

- چنانکه در صفحات قبلی بیان شد، پسوند ملکی در صرف با ضمایر شخصی برای اول شخص مفرد و جمع به شکل «im» و برای دوم شخص مفرد و جمع به شکل «in» و برای سوم شخص مفرد به شکل «un» و برای سوم شخص جمع به شکل «in» و در رابطه با اسم به شکل «in, in, ün, un» صرف می‌شود. اما اگر پسوند ملکی در ترکیب آخرین کلمه جمله (نصرع ، بیت و یا اسم عام ترکیبی) به کارگرفته شود، با هماهنگی بزرگ با یکی از چهار حرف «u, ü, i, ö» به کارگرفته می‌شود. مثال:

منیم کیتابیمین جیلدی. mən,im kitab,in cil,di. حسینین کیتابلاری.  
چوبانین ایتی. رسولون اوغلو. علینین پیشیگی. داداشین اوینین قاپیسى. یاشارین اوغلونون کورکو.  
رسولون قولونون توکلری. اوکوزون قۇرۇغۇنون قىلالاری. و...  
حسینین کیتابینین صفحه سی جیریلدی و رسولون دا میدادینین اوجو سیندی.

- پسوند «in» و «a» هر دو با مفهوم پسوند ملکی به کارگرفته می‌شوند، ولی آنها در مواردی نیز عملکردهای متفاوتی دارند. مثال:

الف) به شکل اسم خاص: ۱) آغاچین یارپاغین، گولون کؤکون و... (سوال: نه بین یارپاغین؟)  
۲) آغاچین یارپاغی، گولون کؤکو و... (سوال: نه بین یارپاغی؟)

ب) حسینین کیتابی: در جملات مذکور پسوند اولی (in Həsən) می‌گوید که حسن کیتاب دارد. پسوند دومی (kitibi) می‌گوید که کتاب مال حسن است. (نه آغاچی؟)  
به شکل اسم عام: آلماغاجی (آلما آغاچی)، آغاچ یارپاغی، گول کؤکو و...  
نارگولو، آلماسویو، قویون سوتو و...

۵-۱) پسوند ملکی، اسم نسبت داده شده را از لحاظ مفهوم وابسته می‌کند:

اگر اسم و ضمیر به شکل ساده بیان شود، آن کلمه کامل محسوب شده و با مفهوم مستقل به کار گرفته می‌شود. مثال: حسن، سن، او

اگر اسم و ضمیر با پسوند ملکی (به شکل: حسین، سین، اونون) صرف شود، مفهوم آن به شکل کامل و مستقل بیان نمی‌شود؛ چرا که شنونده کلمات مذکور مضمون آنها را نفهمیده و منتظر شنیدن اسمی می‌شود، که به وسیله پسوند ملکی به آن نسبت داده می‌شود. مثال:

ضمیر با پسوند ملکی: منیم - کیتابیم (دیر)، سین - کیتابین (دیر)، اونون - کیتابی (دیر)،

اسم با پسوند ملکی: حسین - کیتابی (دیر)، آغاچین - یارپاغی (دیر)، رسولون - ماشینی (دیر)

- کلمات مذکور با مفهوم واحدی (همچون اسم ترکیبی) از هم جدا نوشته می‌شوند:  
منیم کیتابیم، آغاچین یارپاغی، رسولون ماشینی و ...

۶) پسوند ملکی و چگونگی تکرار آن در ترکیب اسم و  
ضمیر نسبت داده شده :

a) اگر اسمی به اسم و یا ضمیری نسبت داده شود، پسوند ملکی دو بار صرف می‌شود، یعنی پسوند ملکی یک بار در اسم و یا ضمیر و یک بار دیگر در اسم نسبت داده شده تکرار می‌شود. مثال:

منیم کیتابیم mənim kitabım ، رسولون ائوین Rəsulun evin ، منیم کیتابیم mənim kitabım

منیم قیزیم mənim qızım ، منیم او کوزوم mənim öküzüm ، منیم قوزوم. منیم قوزوم.

منیم قارداشیمین ائوین mənim qardaşımın evin

تکرار پسوند ملکی و مفهوم متفاوت آن:

- اگر پسوند ملکی به اسم و یا ضمیری پیوند بخورد، اسم بعدی را به اسم و یا ضمیر قبلی

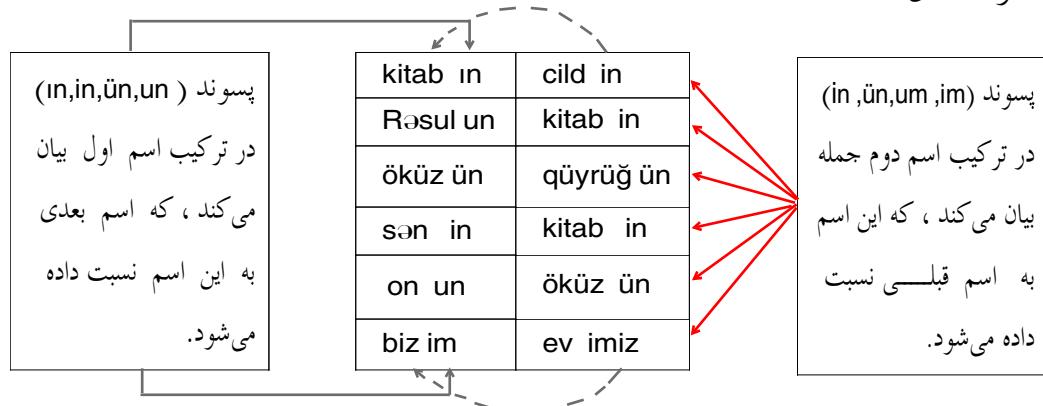
نسبت می‌دهد. مثال:

( Rəsulun kitabı : يعني اسم بعدي به «رسول» نسبت داده می‌شود. (مثال:

( mənim kitabı : يعني اسم بعدي به «من» نسبت داده می‌شود. (مثال:

سینی: يعني اسم بعدي به «تو» نسبت داده می‌شود. (سینی چارخین. سینی ائوین).

- پسوندی که به دومین اسم جمله پیوند بخورد ، تعلق داشتن و نسبت داده شدن آن را برای اسم و یا ضمیر قبلی بیان می‌کند. برای مثال اگر کلمه «کیتابیم» را به تنهائی بیان کنیم، با وجودی که ناقص است ولی از آن چنین فهمیده می‌شود، که «کیتاب» به «من» تعلق دارد. مثال:



تکرار پسوند ملکی مفهوم جمله را دقیق تر می‌کند:

تکرار پسوند ملکی، علاوه بر بیان «نسبت دادن و متعلق بودن» و....، معنی کلمه را کامل تر کرده و از دو پهلو بودن مفهوم کلمه و جمله جلوگیری می‌کند. برای مثال اگر جمله «بیزیم ائویمیزین فرشی» را در نظر بگیریم و آن را در زبان فارسی بیان کنیم، به شکل «ما در خانه مان فرشی داریم، که مال خانه خود مان است» معنی می‌دهد، در صورتی که همان جمله در زبان فارسی به شکل «ما در خانه فرش داریم» بیان می‌شود. یعنی در زبان ترکی به وسیله تکرار پسوند ملکی می‌توان به سوالاتی که برای شنونده جمله پیش می‌آید، جواب داد: شما چه کسی هستید؟

جواب: من صاحب خانه هستم ، که فرش مال آن است.

خانه مال کیست؟ خانه مال ماست.

فرش مال کیست؟ فرش مال خانه ما است.

پسوند ملکی «in» و تکرار آن (in, in) با مفهوم متفاوت در اسامی و سط جمله:

اگر اسامی گوناگون در سط جمله به یکدیگر نسبت داده شوند، پسوند ملکی به تعداد اسم

صرف شده دو بار به کار گرفته می‌شود. مثال:

اونون قیزینین قین آناسینین عمی سینین اوغلو. onun qız,ının qeynanaş,ının əmis,inin oğlu.

- چنانکه ملاحظه می‌شود، در جمله مذکور پسوند ملکی در ترکیب اسامی و سط جمله تکرار و با

دو مفهوم مختلف به کار گرفته شده است. برای مثال به دو پسوند کلمه «in, qız» توجه کنید:

۱) پسوند اولی (in qız in) می‌گوید که «قیز» به اسم و یا به ضمیر قبلی نسبت داده می‌شود.

۲) پسوند دومی (in in qız) می‌گوید که اسم بعدی به «قیز» نسبت داده می‌شود.

- برای واضح تر شدن موضوع به صرف کلمات مختلف در جدول زیر نیز توجه کنید:

پسوند ملکی اولی در ترکیب کلمه «kitab im in» متعلق بودن کتاب را به اسم و یا به ضمیر قبلی بیان می‌کند.	پسوند دوم در ترکیب کلمه «kitab im in»، متعلق بودن «cild» را بر «kitab» بیان می‌کند.
---	---

<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 33%;">mən,im</td><td style="width: 33%;">kikab,im,in</td><td style="width: 33%;">cild,i</td></tr> <tr> <td>yaşar,in</td><td>qoyun,un,un</td><td>tüklər,i</td></tr> <tr> <td>öküz,ün</td><td>quyruğ,un,un</td><td>uc,u</td></tr> <tr> <td>quş,un</td><td>qanat,in,in</td><td>üst,ü</td></tr> <tr> <td>gül,ün</td><td>qonças,in,in</td><td>alt,i</td></tr> </table>	mən,im	kikab,im,in	cild,i	yaşar,in	qoyun,un,un	tüklər,i	öküz,ün	quyruğ,un,un	uc,u	quş,un	qanat,in,in	üst,ü	gül,ün	qonças,in,in	alt,i	<p>پسوند ملکی در ترکیب آخرین اسم جمله به شکل مخفف شده «ا، ا، آ، آ» صرف می‌شود، که نسبت داده شدن آخری را به اسم قبلی بیان می‌کند و نقطه پایانی را به پسوندهای ملکی در جمله (نصرع، بیت) می‌گذارد.</p>
mən,im	kikab,im,in	cild,i														
yaşar,in	qoyun,un,un	tüklər,i														
öküz,ün	quyruğ,un,un	uc,u														
quş,un	qanat,in,in	üst,ü														
gül,ün	qonças,in,in	alt,i														
<p>این دو پسوند، اسم دومی را به اسم اولی نسبت می‌دهد.</p>																

توجه: اگر به کتاب نیز چیزی نسبت داده شود آن نیز دو پسوند ملکی «in, in» به خود

mən,im kitabım in cildin in rasm i.

می‌گیرد. مثال:

### صرف پسوند ملکی «i» و «inin» برای سوم شخص و اشخاص دورتر:

- پسوند ملکی (i)، نه تنها «نسبت داده شدن» اسم را برای سوم شخص مفرد بیان می‌کند، بلکه اشخاص دورتر را نیز به یکدیگر نسبت می‌دهد. منظور از «اشخاص دورتر» این است، که در زبانهای زنده جامعه بشری، برای بیان اشخاص دورتر علامت ویژه‌ای (مثل ضمیر و پسوند ملکی و یا پسوند صرفی) به وجود نیامده است، در نتیجه برای بیان آنها از علائم سوم شخص مفرد استفاده می‌شود. مثال:

«من، سنین قارداشینین قیزینین ائوینین قاپیسینین آچارینی تاپدیم.»

چنانکه ملاحظه می‌شود، تکرار پسوند ملکی (به شکل: in,in) نه تنها برای سوم شخص مفرد صرف می‌شود، بلکه برای اشخاص دورتر نیز در همان فرم و مفهوم به کارگرفته می‌شود. به عبارت دیگر در جمله مذکور «من» اول شخص، «سن» دوم شخص، «قارداش» سوم شخص شخص و «قیز» چهارم شخص، «ائو» پنجم شخص، «قاپی» ششم شخص، «قیغیل» هفتم شخص و «آچار» هشتم شخص مفرد می‌باشد، که همه آنها با پسوند ملکی سوم شخص مفرد به کارگرفته شده‌اند، چراکه علامت ویژه‌ای برای اشخاص دورتر موجود نیست؛ در نتیجه آنها به شکل سوم شخص مفرد صرف شده‌اند. در مواردی نیز به جای آن اعداد ترتیبی به کارگرفته می‌شود. مثال:

a) با پسوند ملکی: منیم باجی قیزیمین قین ینین باشینین ساغ طرفینین تؤکلری آغاریدیر.

b) با شماره و پسوند ملکی: بُو ایشین ایچیندە تک ایکینچی و اوچونجو شخصین الی یوخ، بلکه دئردونجو و بئشینچی شخصین ده الی وار.

- برای آشنائی هر چه بهتر با نحوه به کارگیری هماهنگی حروف صدادار پسوند ملکی و تکرار آن به شکل «in in» در صفحه بعدی جدولهای آمده‌اند، که اولین کلمه جدول اولی با ضمیر شخصی و اولین کلمه جدول دومی با اسم آغاز می‌شود:

a) اولین کلمه جمله برای ضمیر اول و دوم شخص مفرد و جمع با پسوند «im»، برای ضمیر دوم شخص مفرد و جمع به شکل «in»، برای ضمیر سوم شخص مفرد به شکل «un»، برای سوم شخص جمع به شکل «in» و برای اسامی مختلف دیگر در وسط جمله به شکل

«in in» تکرار شده و با پسوند «i» (با هماهنگی بزرگ) برای آخرین اسم جمله به کار گرفته می‌شود:

آخرین پسوند ملکی جمله با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.										
اول شخص فرد و جمع	{	mən,im	qardaş	ımin	qız	ınin	baş	ınin	səclar	i
biz,im		qardaş	ımızın	qız	ınin	səs	ınin	ucalığ	i	
دوم شخص فرد و جمع	{	sən,in	qardaş	ınin	oğl	unun	səs	ınin	ucalığ	i
siz,in		baci	nızın	qız	ınin	maş	ınin	ön	ü	
سوم شخص فرد و جمع	{	on,un	qardaş	ınin	qız	ınin	maş	ınin	motor	u
onlar,in		qardaş	ınin	qız	ınin	maş	ınin	təkər	i	
این پسوند ملکی مخفف شده است. پسوند ملکی در اسمی وسط جمله به شکل «inin» تکرار می‌شود.										

- پسوند اولین اسم جمله به شکل یک پسوند و پسوندهای اسمی وسطی جمله با دو پسوند «inin» و پسوند آخرین اسم جمله به شکل مخفف شده «i» با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود:

Həsən	in	at	ınin	qulağ	ınin	üst	ünün	yaras	i	
yaşar	ın	at	ınin	qulağ	ınin	alt	ınin	yaras	i	ı
it	in	başı	ınin	yan	ınin	tüklər	ınin	tökültüs	ü	ü
Rəsul	un	it	inin	boyn	unun	tüklər	ınin	rəng	i	i
yol	un	üst	ünün	torpağ	ınin	rəng	ınin	sarılığ	i	i
gül	ün	üst	ünün	torpağ	ınin	rəng	ınin	sarılığ	i	i
آخرین پسوند ملکی در اولین اسم جمله تکرار نمی‌شود. پسوندهای وسطی جمله تکرار می‌شوند.										

توجه: - چرا در اولین کلمه جمله پسوند ملکی تکرار نمی‌شود؟ برای اینکه آن به اسم دیگر نسبت داده نمی‌شود.

- چرا در آخرین اسم جمله پسوند ملکی تکرار نمی‌شود؟

به این دلیل که اسم دیگری به آن نسبت داده نمی‌شود.

- چرا در اسمی وسطی جمله، پسوندها تکرار می‌شوند؟ زیرا یکی از آنها اسم را به اسم قبلی نسبت

می‌دهد و دیگری اسم بعدی را به آن نسبت می‌دهد و بدین سان جمله کامل شده و مفهوم آن

غیر قابل تغییر و تفسیر می‌شود.

## ۷) اسمی که آخرین حرف آن صدادار باشد، با حرف «س» و پسوند ملکی به کار گرفته می شود:

عموی او	onun əmisi	اُونون عمی سی	{	مادر او	onun nənəsi	اُونون ننه سی
خواهر او	onun bacısı	اُونون باجی سی		عمه او	onun bibisi	اُونون بیبی سی
پدر او	onun atası	اُونون آتاسی		نوه او	onun nəvəsi	اُونون نَوَه سی
حاله او	onun xalası	اُونون حالاسی		اتوی او	onun ütüsü	اُونون اوتوسو
فرزند او	onun balası	اُونون بالاسی		بَرَه او	onun quzusu	اُونون قُوزوسو

- کلمات مذکور در آخر جمله با حرف اضافی «s» همراه پسوند ملکی «ا» صرف می شوند. مثال:

شبستری: مُحتَشِم دِير تورك بالاسى گئى مسجد أركين قالاسى

توجه: اگر حرف «س» در ترکیب اسمی وسط جمله به کار گرفته شود، پسوند ملکی آن همانند سایر کلمات به

شكل «in in» تکرار می شود و پسوند آخر جمله نیز با پسوند ملکی «ا» صرف می شود. مثال:

اُونون آتاسینین دوه سی. اُونون گچی سینین بالاسی. اُونون اوْداسینین هاواسی.

- از اینکه آخرین حرف کلمات جدول مذکور حرف صدادار می باشد، در نتیجه در حالت های

تصریفی یک حرف «n» به خود گرفته و به شکل زیر صرف می شود:

پدران آنان	پدر آنان	{	فارسی	ترک	نام حالتها
اُنلارین آتالاری	اُنلارین آتاسی		پدر او	onun atası	حالت فاعلیت
اُنلارین آتالارينا	اُنلارین آتاسی نا		به پدر او	onun atasına	حالت «به»
اُنلارین آتالاریندا	اُنلارین آتاسی ندا		در پدر او	onun atasında	حالت «در»
اُنلارین آتالاريندان	اُنلارین آتاسی ندان		از پدر او	onun atasından	حالت «از»
اُنلارين آتالاريني	اُنلارين آتاسی نی		پدر او را	onun atasını	حالت «را»
اُنلارين آتالارينين	اُنلارين آتاسينين		مال پدر او	onunatasının	اضافه ملکی

توجه: سوم شخص جمع (اُنلارین آتالاری) حرف «س» به خود نمی گیرد، چرا که آن با پسوند «لار»

جمع بسته می شود، در نتیجه آخرین حرف آن ( مثل: آتالار ) به حرف «ر» تبدیل می گردد.

## ۸) پسوند ملکی در ترکیب با کلماتِ تک سیلاپی:

- اسامی تک سیلاپی که آخرین حرف آنها صدادار باشد ، در حالتهای تصريفی ( بر عکس کلمات چند سیلاپی ) حرف « n » به خود نمی‌گیرند، بلکه با حرف تكميلي( u ) به کار گرفته می‌شوند. مثال:

bizim	suyumuz	بیزیم	سُویوموز	mənim	suyum	منیم
sizin	suyunuz	سیزین	سُویونوز	sənin	suyun	سنین
onların	suları	اونلارین	سُولاری	onun	suyu	اونون سُویو

- به صرف کلمات مذکور در جملات زیر نیز توجه کنید:

- |   |   |
|---|---|
| بُو چئشمه نین سُویو، بُو ساعاتدان منیم دیر. | ( منیم سُویومدور. بیزیم سُویوموزدور.)       |
| بُو کهریزده منیم اوچ ساعات سُویوم وار.      | ایندی بُو کهریزین سُویو منیم دیر.           |
| من بُو سُویوم لا باغلاريمی سُووارارام.      | بُو دئیزین سُویو درین و دالقالی دیر.        |
| بُو چئشمه نین سُویوندان ایچمه رم.           | من بُو چشمه نین سُویوندان ایچملی و سریندیر. |
| بُو چشمه نین سُویوندان ایچمک اولماز.        |   |

- کلمه « نه » نیز یک سیلاپی و آخرین حرف آن نیز صدادار است، در نتیجه آن نیز با حرف

« u » صرف می‌شود

نه يين؟:	او منیم باجیم دیر.	او منیم ائویم دیر؟	نه يينه؟: nəyinə
	بُو منیم باجیم دیر.	بُو منیم ائویم دیر؟	
	بُونلار منیم کیفیم دیر.	بُو منیم ماشینیم دیر.	
		بُو منیم ائویم لازیم دیر.	
		بُو منیم ائویم لازیم دیر.	نه يينه؟: nəyinə
		بُونلار منیم ائویم لازیم دیر.	
		بُو آدام چوخ پیس آدام دیر.	نه ييني؟: nəyini
		سن هله، او آدامین نه ييني گئرموسن؟	
		سن اونون نه ييني سئودین؟	
		نه يينين؟: nəyinin	

- کلمات تک سیلاپی که آخرین حرف آنها صدادار باشد، با حرف تكميلي « u » به شکل زیر

در حالتهای تصريفی صرف می‌شوند:

mən,im	sən,in	on,un	biz,im	siz,in	on,lar,in	ضمیر و پسوند ملکی
suyum	suyun	suyun	suyumuz	suyunuz	suların	حالات فاعلیت
suyuma	suyuna	suyuna	suyumuza	suyunuza	sularına	
suyumda	suyunda	suyunda	suyumuzda	suyunuzda	sularında	
suyumdan	suyundan	suyundan	suyumuzdan	suyunuzdan	sularından	
suyumu	suyunu	suyunu	suyumuzu	suyunuzu	sularını	
suyumun	suyunun	suyunun	suyumuzun	suyunuzun	sularının	

↑      ↑      ↑

سوم شخص جمع حرف **u** به خود نمی‌گیرد. چنین اسمی برای دوم و سوم شخص مفرد به یک شکل صرف می‌شود.

↑

توجه: a) در محاوره کلمه « سُوْ » برای دوم شخص مفرد با پسوند ملکی « uv » نیز به کار گرفته

suyuvun      , suyuvu      , suyuva      : می‌شود

b) از اینکه آخرین حرف سوم شخص جمع ( لر، لار ) حرف بی‌صدا می‌باشد ،

در نتیجه در صرف یک حرف اضافی ( u ) به خود نمی‌گیرد.

suların , sularına , sularında , sularından , sularını , sularının .

c) از اینکه حالتهای تصريفی « سُوْ » برای دوم و سوم شخص مفرد شبیه هم

صرف می‌شوند ، بهتر است آنها همراه ضمیر شخصی ( من ، سن ، اوْ ) به

کار گرفته شوند. مثال:

منیم سُویومدان. سنین سُویوندان. اوونون سُویوندان. و ...

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شوند:

گؤزله يين، اوشاقلار ياغيش سُویوندان ايچمه سين ( لر ) !

سئل سُویونو قاييانامايمش ( قئينه مه ميش ) ايچمه يين !

آى قارداش، بۇ مۇتۇرون سوپونون صاحبىيوار، لطفاً اونو ئۆز باغلارينىزا آچماين.

## ۹) پسوند ملکی و حذف آن در محاوره از اسم نسبت داده شده:

چنانکه در بخش‌های قبلی بیان شد، اگر اسمی به اسم و یا ضمیری نسبت داده شود، پسوند ملکی آن یک بار با اسم و یا ضمیر و یک بار دیگر با اسم نسبت داده شده به کارگرفته می‌شود. مثال: منیم ائویم *mənim evim* ، سنین ائوین *sənin evin* ، اونون ائوی *evi* .  
بیزیم ائویمیز، سیزین ائوینیز، اونلارین ائولری و ...

- در مواردی (در محاوره)، در رابطه با حیوانات و اشیاء، یکی از علائم ملکی را در دومین اسم جمله که آخرین اسم جمله نیز محسوب می‌شود، به نادرست حذف کرده و آن را به شکل زیر نیز در حالتهای تصریفی صرف می‌کنند:

<i>mənim bağ</i>	منیم باغ	<i>mənim ev</i>	منیم ائو	{	حال فاعلیت
<i>mənim bağ,a</i>	منیم باغا	<i>mənim evə</i>	منیم ائوه		حال «به»
<i>mənim bağ,da</i>	منیم باغدا	<i>mənim evdə</i>	منیم ائوده		حال «در»
<i>mənim bağdan</i>	منیم باغان	<i>mənim evdən</i>	منیم ائودن		حال «از»
<i>mənim bağ,i</i>	منیم باغی	<i>mənim evi</i>	منیم ائوی		حال «را»
<i>mənim bağ,in</i>	منیم باغین	<i>mənim evin</i>	منیم ائوین		اضافه ملکی

- سنین ائوه، سنین ائوده، سنین ائوین. اونون ائوه، اونون ائوی، اونون ائوینین  
- بیزیم ائوه، بیزیم ائوده، بیزیم ائوی، بیزیم ائوین. سیزین ائوه، سیزین ائوده و ...  
- سیزین ائوی، سیزین ائوین. اونلارین ائو، اونلارین ائوینی، اونلارین ائوین. و ...

- کلمات مخفف شده مذکور به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شوند:

بیزیم قوزو وُراغان دیر. (اصل جمله: بیزیم قوزوموز وُراغاندیر.)

سنین اینک یونجالیقدادیر. (اصل جمله: سنین اینگین [اینه بین] یونجالیغیندادیر.)

سنین آغاجلار سُسویوبلار. (اصل جمله: سنین آغاجلارین سُسویوبلار.)

توجه: a) «منیم ائو»، در زبان فارسی به شکل «خانه من» معنی‌می‌دهد، ولی «منیم ائویم» (که در زبان

ترکی صحیح است)، به شکل «خانه ام، که مال خودم است». معنی می‌دهد. بدین سان در زبان ترکی به سوال اینکه «خانه» مال کیست؟ به شکل «مال من است» و به سوال «من کی هستم؟» به شکل «من صاحب خانه هستم» جواب داده می‌شود.

b) پسوند ملکی را در رابطه با اشخاص به هیچ وجه نباید حذف کرد، بلکه باید آن را به شکل زیر تکرار کرد. مثال:

منیم دده م (mənim dədəm (atam)، منیم آنام (mənim anam)، منیم عمیم، منیم خalam، منیم باجیم، منیم دائم و....

## ۱۰) مخفف شدن پسوند ملکی از اسمی که آخرین حرف آن صدادار می‌باشد:

- اگر آخرین حرف اسمی صدادار باشد(مثل: آنا، آتا، باجی، قوجا) و به دنبال آن پسوند ملکی اول و دوم شخص مفرد و جمع، که اولین حرف آن صدادار ( مثل: nənə, im ) هست، به کار گرفته شود، در صرف به جای اضافه کردن حرف تکمیلی «y» ( بین دو حرف صدادار به شکل: nənəy im )، از آن یک حرف صدادار حذف می‌شود. مثال:

«نه م nənəm ، دده م dədəm ، آتاب atam ، bacım ، باجیم دائم ، عیمیم ، بیبیم ، خalam ، دائم و...»

چنانکه ملاحظه می‌شود، کلمات مذکور از دو بخش ترکیب یافته اند، که بخش اول آنها اسم و قسمت دوم آنها پسوند ملکی می‌باشد، که به شکل زیر از هم تجزیه می‌شوند:

ata ,m ، baci ,m ، dədə ,m ، nənə ,m

در ترکیب کلمات مذکور حرف «m» به جای پسوند ملکی «im» صرف شده است، که پسوند ملکی همچون «m» در زبان ترکی موجود نیست، بنابر این ترکیب اصلی کلمات مذکور با پسوند ملکی ( im ) به شکل زیر می‌باشند:

نه ایم (nənəim)، دده ایم (dədəim)، آتاب ایم (ataim)، باجی ایم (bacıim)، عیمیم (ümim)، بیبی ایم (bibim)، خالایم (xalam)، دائم ایم (daimim)، قوزووم (qozuum)، گچی ایم (gçim) و...

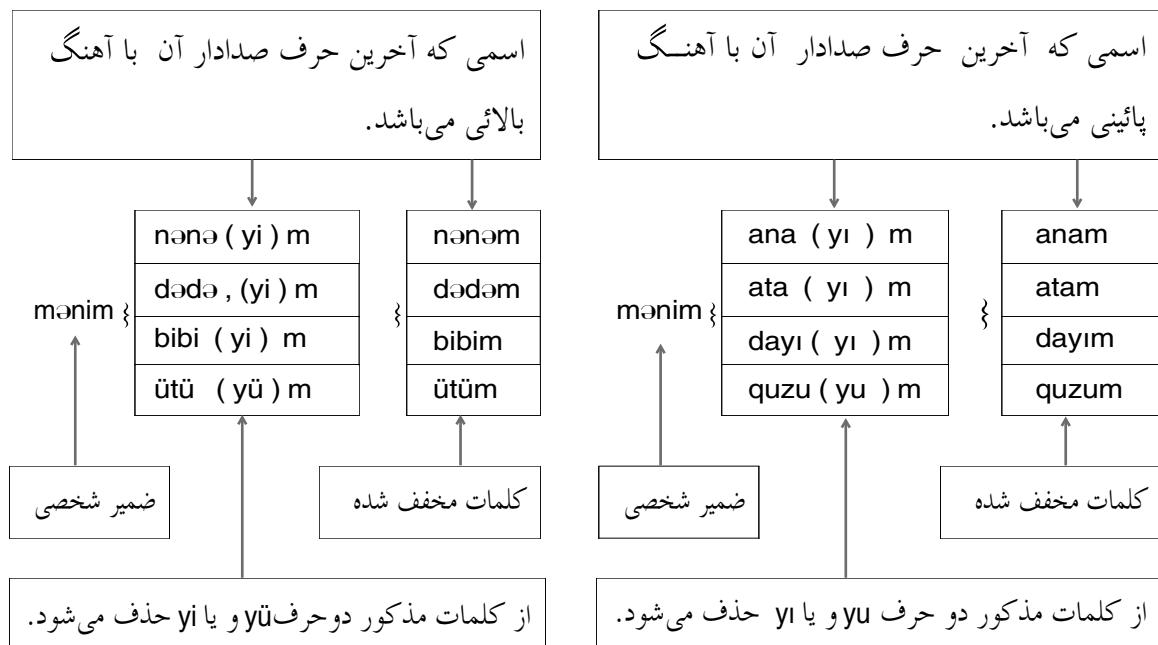
در صرف کلمات مذکور دو حرف صدادار در کنار هم قرار گرفته اند، که با قانون هماهنگی می بایست بین آنها یک حرف تکمیلی (y) افزوده شده و به شکل زیر صرف شوند:

منیم ڏده ییم ، mənim dədəyim	منیم ننه ییم ، mənim nənəyim
خالاییم ، عمیییم ، mənim bacıyım	عمه ییم ، باجیییم .
بیبیییم ، قُوزوییوم ، گچچیییم و ...	

از اینکه کلمات مذکور طولانی می باشند، در نتیجه در سیر تکاملی زبان بدون اینکه به مفهوم اصلی آنها صدمه بخورد، از آنها دو حرف « iy » و یا « uy » حذف شده و امروزه به شکل مخفف شده به کار گرفته می شوند:

منیم باجیم mənim bacım ، منیم آتم mənim atam ، خalam ، عمیم ، عمه م ، بیییم و ...  
برای آشنائی هر چه بهتر با نحوه مخفف شدن پسوند ملکی، در زیر دو جدول کوچک در کنار هم آورده می شوند، که آخرین حرف صدادار کلمات جدول سمت چپ با آهنگ بالائی و آخرین حرف صدادار کلمات جدول سمت راست با آهنگ پائینی می باشد.

اسامی جدول زیر برای اول شخص مفرد صرف می شود:



- چنانکه ملاحظه می شود ، کلمات مختلف جدول مذکور برای اول شخص مفرد صرف

شده اند، اما شیوه مذکور در رابطه با اول و دوم شخص مفرد و جمع نیز به کار گرفته می شود. اکنون برای مثال کلمه «آنا» و «نه» را در نظر می گیریم و آنها را در دو جدول زیر برای اول و دوم شخص مفرد و جمع صرف می کنیم:

اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی می باشد.	اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می باشد.																										
<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>mənim</td><td rowspan="4">{}</td><td>nənə(yi)m</td><td>nənəm</td></tr> <tr><td>sənin</td><td>nənə(yi)n</td><td>nənən</td></tr> <tr><td>bizim</td><td>nənə(yi)miz</td><td>nənəmiz</td></tr> <tr><td>sizin</td><td>nənə(yi)niz</td><td>nənəni z</td></tr> </table>	mənim	{}	nənə(yi)m	nənəm	sənin	nənə(yi)n	nənən	bizim	nənə(yi)miz	nənəmiz	sizin	nənə(yi)niz	nənəni z	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>mənim</td><td rowspan="4">{}</td><td>ana(yı)m</td><td>anam</td></tr> <tr><td>sənin</td><td>ana(yı)n</td><td>anan</td></tr> <tr><td>bizim</td><td>ana(yı)miz</td><td>anamiz</td></tr> <tr><td>sizin</td><td>ana(yı)niz</td><td>ana ni z</td></tr> </table>	mənim	{}	ana(yı)m	anam	sənin	ana(yı)n	anan	bizim	ana(yı)miz	anamiz	sizin	ana(yı)niz	ana ni z
mənim	{}		nənə(yi)m	nənəm																							
sənin			nənə(yi)n	nənən																							
bizim			nənə(yi)miz	nənəmiz																							
sizin		nənə(yi)niz	nənəni z																								
mənim	{}	ana(yı)m	anam																								
sənin		ana(yı)n	anan																								
bizim		ana(yı)miz	anamiz																								
sizin		ana(yı)niz	ana ni z																								
ضمایر شخصی	کلمات مخفف شده.																										
از اسمی مذکور دو حرف «yi» حذف می شود.	از اسمی مذکور دو حرف «yi» حذف می شود.																										

- توجه شود که کلمات مذکور در صرف برای سوم شخص مفرد و جمع مخفف می شوند، چرا که در صرف به آخر آنها حرف بی صدا پیوند می خورد. مثال:

a) اسمی که آخرین حرف آن صدادار باشد و برای سوم شخص مفرد نسبت داده شود، در حالت تصريفی به آن یک حرف «س» افزوده می شود؛ در نتیجه آخرین حرف آن تبدیل به حرف بی صدای «س» می گردد و بدین سان به اضافه کردن حرف تکمیلی «ی» نیازی نمی باشد. مثال:

اُنون باحی سینین اُری.	اُنون نه سینین اُری.	اُنون دده سینین ماشینی.
اُنون دوه سینین بُونزو.	اُنون گچی سینین بُونزو.	اُنون خالاسینین ماشینی.
اُنون قُوزو سونون یونو. و....		اُنون دوه سینین سوت.

b) چنانکه ملاحظه می شود، بین کلمه «دده»، «نه»، «باجی» و پسوند ملکی یک

حروف اضافه « س » افزوده شده و بدین سان به جای « nənəyi » به شکل « nənəsi » صرف شده است.

۵) ضمیر سوم شخص جمع از ترکیب کلمه « ۵ » و حرف اضافه « n » و علامت جمع « lar » تشکیل می‌یابد، در نتیجه آخرین حرف آن ( لار، لر ) به حرف بی‌صدای « ر » تبدیل می‌شود و بدین سان نیازی به اضافه کردن حرف « س » و یا حرف « y » ندارد. مثل: اونلارین دده لری ، اونلارین ننه لری ، اونلارین باجی لاری ، اونلارین دایی لاری و ... ( اگر از یک پدر باشند: اونلارین دده سی، اونلارین ننه سی، اونلارین باجی سی گفته می‌شود.)

## ۱۱) پسوندملکی همراه اسم با حالت مفعول با واسطه « در » و کلمه ربطی « کی » با معانی مختلف:

در زبان ترکی، اسم و ضمیر را می‌توان با پسوند حالت تصريفی « ده » و با پسوند ملکی همراه کلمه ربطی « کی » ترکیب داد و به عنوان کلمه ترکیبی و یا جمله ( بدون فعل ) با مفهوم « آنچه که مال من است » به کار گرفت و به شکل زیر در حالت‌های تصريفی صرف کرد. مثل: ( کلمه « منیمکی » از سه بخش تشکیل می‌یابد: من ، ایم ، کی )

ضمایر شخصی	من	سن	او	بیز	سیز	اونلار		
حالات فاعلیت	۱	منیمکی	منیمکی	سنینکی	اوونونکو	بیزیمکی	سیزینکی	اونلارینکی
حالات « به »	۲		منیمکی نه	سنینکی نه	اوونونکونا	بیزیمکی نه	سیزینکی نه	اونلارینکی نا
حالات « در »	۳		منیمکی نده	سنینکی نده	اوونونکوندا	بیزیمکی نده	سیزینکی نده	اونلارینکی ندا
حالات « از »	۴		منیمکی ندن	سنینکی ندن	اوونونکوندان	بیزیمکی ندن	سیزینکی ندن	اونلارینکی ندان
حالات « را »	۵		منیمکی نی	سنینکی نی	اوونونکونو	بیزیمکی نی	سیزینکی نی	اونلارینکی نی
حالات ملکی	۶		منیمکی نین	سنینکی نین	اوونونکونون	بیزیمکی نین	سیزینکی نین	اونلارینکی نین

بُو نومره ( نُمره ) منیم ائویمین کینیدیر. او آچار اوونونکونوندور.

- اسم را نیز می‌توان با پسوند ملکی و کلمه ربطی «کی» ترکیب داد و با مفهوم «آنچه که مال وی است.» به کارگرفت و در حالت‌های تصریفی صرف کرد. مثال:

(حسن، حسنین، حسنینکی)

حالتها ای اسم {	حسن	ائیل	قیز	رسول	قوش	یول
۱	حسنینکی	ائیلینکی	قیزینکی	رسولونکو	قوشونکو	یولونکو
۲	حسنینکی نه	ائیلینکی نه	قیزینکی نا	رسولونکونا	قوشونکونا	یولونکونا
۳	حسنینکی نده	ائیلینکی نده	قیزینکی نده	رسولونکوندا	قوشونکوندا	یولونکوندا
۴	حسنینکی ندن	ائیلینکی ندن	قیزینکی ندن	رسولونکوندان	قوشونکوندان	یولونکوندان
۵	حسنینکی نی	ائیلینکی نی	قیزینکی نی	رسولونکونو	قوشونکونو	یولونکونو
۶	حسنینکی نین	ائیلینکی نین	قیزینکی نین	رسولونکونون	قوشونکونون	یولونکونون

توجه شود که در ترکیب کلمات مذکور می‌توان پسوندها را پس و پیش کرده و با مفاهیم جدیدی به کارگرفت. مثال:

منی ده کی ، سنده کی ، اوندادکی ، بیزده کی ، سیزده کی ، اونلاردادکی  
حسن ده کی ، حسن ده کینده ، حسن ده کینده کی و ...

- اسم و یا ضمیر شخصی را می‌توان با پسوند «ده» و کلمه ربطی «کی» و پسوند ملکی ترکیب داد و به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف کرد. مثال:

منده کینین ، سنده کینین ، اوندادکینین ، بیزده کینین ، سیزده کینین ، اونلاردادکینین

- اسم و ضمیر شخصی نه تنها یک بار با کلمه ربطی «کی» و پسوند ملکی ترکیب می‌یابد ، بلکه مجدداً تکرار شده و با مفهوم جدیدی نیز به کارگرفته می‌شود:

منیم کینده کی ، سین کینده کی ، اونونکونداکی ، سین کینده کی ، بیزیمکینده کی ، سیزینکینده کی ، اونلارینکی نداکی

- حسن نین کینده کی، لاله نین کینده کی، اوونون کونداکی

- تمامی کلماتی که در فرم مذکور ساخته می‌شوند، به شکل سوم شخص مفرد با فعل « دیر » با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند. مثال:

کیمده کینده دیر؟ منده کینده دیر. حسینیکی نین دیر.

کیمین کینده دیر؟ حسین کینده دیر. منیم کینده دیر. اوونونکودور و ...

- اسم و یا ضمیر را می‌توان با پسوند حالت « در » (ترکی: ده ، دا) و کلمه ربطی « کی » ترکیب داد و با مفهوم « در آن چیزی که در پیش من است » به کارگرفت و همانا پسوند « ده » و کلمه ربطی « کی » را تکرار کرد و با مفهوم جدیدی به کارگرفت. مثال:

منده کینده کی، سنده کینده کی، اوونداکی نداکی

بیزده کی نده کی، سیزده کینده کی، اوونلارداکی نداکی

- اسم و ضمیر با پسوند « ده »، حرف « ن »، کلمه ربطی « کی » و پسوند ملکی ترکیب می‌یابد و به شکل زیر تکرار شده و با پسوند صرفی « دیر » صرف می‌شود. مثال:

منده کینده کیندن دیر. سنده کینده کیندن دیر. اوونداکیندا کیندان دیر.

حسن ده کینده کینندیر. و ...

بیزده کینده کینندیر. سیزده کینده کینندیر. اوونلارداکیندا کینداندیر.

یاشاردا کیندا کینداندیر. و ...

- منیم کینده کینده کی. سنین کینده کینده کی (لر). (حسین کینده کینده کی.)

۱۲) تغییر پسوند اسم نسبت داده شده به دوم و سوم شخص مفرد:

یک ) به کارگیری پسوند « in » به جای « iv » و « un » :

- چنانکه در بخش‌های قبلی نیز اشاره شد ، اگر اسمی به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد نسبت داده شود ، پسوند ملکی آن شبیه هم به کارگرفته شده و با هماهنگی بزرگ به شکل « in , in , ün , un » صرف می‌شود.

a) اسمی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ پائینی باشد، با یکی از دو پسوند « in » و یا « ün » به ضمیر دوم شخص و سوم شخص مفرد نسبت داده می شود:

sən in	{}	atın	qızın	donun	yolun	duzun
onun		atın	qızın	donun	yolun	duzun

b) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد ، با یکی از دو پسوند « in » و یا « ün » به ضمیر دوم شخص و سوم شخص مفرد نسبت داده می شود:

sənin	{}	əlin	evin	dişin	gözün	gülün
onun		əlin	evin	dişin	gözün	gülün

توجه:- پسوند ملکی در مواردی در رابطه با سوم شخص مفرد به شکل مخفف شده  
() به کار گرفته می شود. مثال:

اونون قیزی onun qızı ، اونون ائوی onun evi

- کلماتی که با پسوند مخفف شده صرف شوند ، اگر در حالتهای تصrifی صرف شوند، یک « n » اضافه شده و به شکل اصلی خود ( in ) به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده می شود. مثال:

اونون قیزینا onun qızına ، اونون ائوینی onun evini و ...

c) برای جلوگیری از تشابه پسوند ملکی اسم نسبت داده شده، آن را در مواردی در رابطه با دوم شخص مفرد از شکل اصلی خود ( in ) به شکل « iv » تغییر می دهند؛ ولی این تغییر شکل به شرح زیر در همه جا به کار گرفته نشده، بلکه آنها تنها در سه حالت تصrifی فهمیده شده و بعضی نیز فهمیده نمی شوند:

- اگر اسم را به تنهائی با پسوند ملکی « iv » به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت دهیم کلمه نادرست بوده و فهمیده نمی شود:

sən in	{}	ativ	qızıv	donuv	duzuv	
sən in		əliv	eviv	dişiv	gözüv	gülün

- چنانکه ملاحظه می شود، صرف پسوند ملکی با حروف « IV » ، « uv » و همچنین با حروف

» iv و » in « غلط است.

- باوجودی که صرف اسمی مذکور با پسوند » iv « نادرست است، ولی آنها را به ویژه در محاوره در حالت تصريفی به کار می‌گیرند. برای مثال کلمه « او ev » (خانه) را در نظر گرفته و آن را در سمت راست دو حدول زیر با پسوند » iv « و در سمت چپ آنها با پسوند » in « به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده و در حالتهای تصريفی صرف می‌کنیم، کلمات صرف شده با پسوند » in « تنها در سه حالت تصريفی فهمیده می‌شوند، در صورتی که با پسوند » in « در هر شش حالت فهمیده می‌شوند:

عالائم تصريفی اسم	از شش حالت تصريفی تنها سه حالت آن با پسوند » iv « درست فهمیده می‌شود.	
sənin ev in	سینین ائویو : <u>sənin ev iv</u> فهمیده نمی‌شود	یالین آد
sənin ev in ə	سینین ائویوه : <u>sənin ev ivə</u> فهمیده می‌شود	هحالی
sənin ev in də	سینین ائویوده : <u>sənin ev ivdə</u> فهمیده نمی‌شود	دهحالی
sənin ev in dən	سینین ائویودن : <u>sənin ev ivdən</u> فهمیده نمی‌شود	دنحالی
sənin ev in i	سینین ائویوی : <u>sənin ev ivi</u> فهمیده می‌شود	ایحالی
sənin ev in in	سینین ائویوین : <u>sənin ev ivin</u> فهمیده می‌شود	اینهحالی

صرف پسوند ملکی » in « در همه شش حالت تصريفی صحیح فهمیده می‌شود.

سینین دده نده دیر. درست است. ولی سینین دده و ده دیر غلط است.

سینین ائوینده دیر. درست است. ولی سینین ائویوده دیر غلط است.

سینین ائوین هارادا دیر؟ درست است. ولی سینین ائویو هارادادیر غلط است.

سینین ائوینده دیر. درست است. ولی سینین ائویوده غلط است.

- اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و با پسوند » in « صرف شود، تنها در سه حالت تصريفی فهمیده می‌شود؛ ولی اگر با پسوند » in « صرف شوند، در هر شش

حالت تصريفی فهمیده می شود. مثال:

با پسوند «iv» از شش حالت تصريفی تنها سه حالت آن درست فهمیده می شود.	
sənin atın	سینین آتیو : sənin at iv فهمیده نمی شود
sənin atına	سینین آتیوا : sənin at iv a فهمیده می شود
sənin atında	سینین آتیودا : sənin at iv da فهمیده نمی شود
sənin at in dan	سینین آتیودان : sənin at iv dan فهمیده نمی شود
sənin at in i	سینین آتیوی : sənin at iv i فهمیده می شود
sənin at in in	سینین آتیوین : səninat iv in فهمیده می شود
عالم تصريفی اسم صرف پسوند «in» در همه شش حالت تصريفی به درستی فهمیده می شود.	

- آتیو غلط است، ولی آتین درست است. آتیودا غلط است، ولی آتیندا درست است.

آتیودان غلط است ولی آتیندان درست است.

d) اسمی که آخرین حرف آن صدادار باشد، در حالت ملکی دوم شخص مفرد یک حرف «n»

اضافه به خود می گیرد و سپس مخفف شده و صرف می شود. مثال:

sənin : anan . bacın . nənən . dədən.

- اسمی که آخرین حرف آن صدادار باشد، در حالت ملکی برای سوم شخص مفرد یک حرف

«s» اضافه می گیرد و صرف می شود. مثال:

onun : anası . bacısı . nənəsi . dədəsi. با اضافه شدن حرف «s»:

خالا: خالاسی. رادیو: رادیوسی.

دو) به کار گیری پسوند تکرار شده «ivin» به جای «inin»:

- چنانکه در بخش‌های قبلی اشاره شد، اگر اسمی به اسم دیگر نسبت داده شود و آن نیز به

ضمیر دوم و یا سوم شخص مفرد نسبت داده شود، پسوند ملکی آن در رابطه با هر دو ضمیر

تکرار شده و شبیه هم به کار گرفته می شود. مثال:

- اگر اسم به اسم دیگری نسبت داده شود و آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد و آن نیز به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد نسبت داده شود، با یکی از دو پسوند «ün, ün» و «in, in» (با هماهنگی بزرگ شبیه هم) به کار گرفته می شود:

sənin və onun əl in,in dərisi	{	سین و اوونون الینین دریسی
sənin və onun ev in,in qapısı		سین و اوونون ائونین قاپیسی
sənin və onun diş in,in rəngi		سین و اوونون دیشینین رنگی
sənin və onun göz ün,ün işığı		سین و اوونون گؤزو نون ایشیغی
sənin və onun ömr ün,ün boyu		سین و اوونون عمر و نون بویو

- اگر اسم به اسم دیگری که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی است، نسبت داده شود و آن نیز به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد نسبت داده شود، یکی از دو پسوند in, in ، un, un (با هماهنگی بزرگ شبیه هم) به کار گرفته می شود. مثال:

sənin və onun qardaş in,in (y) üzü	{	سین و اوونون قارداشینین اوزو
sənin və onun dırnağ in,in ucu		سین و اوونون دیرناغینین او جو
sənin və onun topun,un yeli		سین و اوونون توپونون یئلی
sənin və onun quşun,un quyruğu		سین و اوونون قوشونون قویر و غو

در این مبحث سخن از پسوند اولی می رود که اسم را به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد نسبت می دهد.

- سین و اوونون (سین ائوینده : غلط است).

سین و دَنَدَه [dənədə] (سین و وَدَه : غلط است). و ...

چگونگی به کار گیری پسوند تکرار شده ملکی «in in» به جای «iv in» :

چنانکه در جدولهای مذکور مشاهده می شود، اگر اسمی به اسم دیگر و آن نیز به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد نسبت داده شود، پسوند ملکی آن شبیه هم صرف می شود. برای جلوگیری از تشابه پسوند ملکی، آن را از فرم اصلی خود (in in) به شکل «iv in» تغییر می دهند و به

وسیله آن اسم را به اسم دیگر و آن را به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده و با هماهنگی بزرگ صرف می‌کنند. مثال:

↓	اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی است.	↓	
sənin əl iv,in rəngi	سینین آلیوین رنگی	sənin aş iv,in suyu	سینین آشی وین سُویو
sənin el iv,in dili	سینین ائلیوین دیلی	sənin qız iv,in yoldaşı	سینین قیزیوین بولداشی
sənin diş iv,in rəngi	سینین دیشیوین رنگی	sənin qız iv,in əri	سینین قیزیوین آری
sənin göl üv,ün suyu	سینین گۇلۇوون سُویو	sənin quş uvunquyruğu	سینین قۇشۇوۇن قۇرۇغۇ
sənin gülüv,ün çıçayı	سینین گولۇوون چىچىگى	sənin yurduvun bayrağı	سینین يۇردۇوۇن بايراغى

چگونگی نسبت دادن اسمی که آخرین حرف آن صدادار است:

a) اسمی که آخرین حرف آن صدادار باشد ، در حالت ملکی برای سوم شخص مفرد يك حرف « s » اضافه می‌گیرد و به شکل زیر به کارگرفته می‌شود. مثال:

اونون باجى سینین ائوی. ( onun bacısının evi ).

اونو خالاسینین اوغلو. ( onun xala sının oğlu ).

b) با اضافه شدن حرف « s » به ضمیر سوم شخص مفرد، تشابه پسوند ملکی اسم نسبت داده شده به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد از میان می‌رود و در نتیجه نیازی به صرف پسوند تکراری « iv in » نیست. اما کسی به این اصول توجه نکرده و اسم را به وسیله پسوند ملکی مخفف شده ( in و in ) و به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت می‌دهد. توجه شود که اگر آخرین حرف صدادار اسمی همچون اولین حرف پسوند ملکی صدادار باشد، در صرف به خود يك حرف « n » اضافه می‌گیرد. مثال:

سینين خالانيين اوغلو. ( sənin xala ( nın ) nın oğlu ).

سینين خالاوين اوغلو. ( sənin xala ( nın ) vin oğlu ).

c) با اضافه شدن حرف « n » ، اسم نسبت داده شده به کلمه طولانی مبدل می‌شود و بدین

سان بیان آن مشکلتتر می‌شود؛ به همین دلیل در صرف از آن دو حرف (*ni*) حذف شده و به شکل مخفف شده «*nin*» و یا «*vin*» به کارگرفته می‌شود. مثال:

- اسمی که با پسوند مخفف شده «*nin*» به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده می‌شود:

اسمي که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائيني است.	↓	↓	
<i>sənin nənə n,in evi</i>	سنین ننه نین ائوی	<i>snin xala n,in əri</i>	سنین خالانین آری
<i>sənin bibi n,in yoldaşı</i>	سنین بیبی نین یولداشی	<i>sənin dayı n,in qadını</i>	سنین دایی نین قادینی
<i>sənin ütü n,ün isisi</i>	سنین اوتونون ایسسیسی	<i>sənin quzun,un quyruğu</i>	سنین قۇزۇنۇن قۇرىروغۇ
↑		↑	
حرف صدادار پسوند ملکی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.			

- اسمی که با پسوند مخفف شده «*vin*» به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده شده و صرف می‌شود:

اسمي که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائيني است.	↓	↓	
<i>sənin nənə v,in evi</i>	سنین ننه وین ائوی	<i>sənin xalav,in əri</i>	سنین خالاوین آری
<i>sənin bibi v,in yoldaşı</i>	سنین بیبی وین یولداشی	<i>sənin dayıv,in qadını</i>	سنین دایی وین قادینی
<i>sənin ütü v,ün issisi</i>	سنین اوتووون ایسسیسی	<i>sənin quzuvun quyruğu</i>	سنین قۇزۇوون قۇرىروغۇ

صرف و مقایسه پسوندهای ملکی «*in in* ، *iv in* ، *in* ، *iv*» در کار هم:

چنانکه ملاحظه می‌شود، اگر اسمی به اسم دیگر و آن نیز به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده شود، پسوند ملکی آن با هماهنگی بزرگ به شکل «*inin*» و یا «*ivin*» صرف می‌شود.

- ولی اگر اسمی به تنهاei به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده شود، با پسوند ملکی «*in*» درست فهمیده می‌شود، اما با پسوند ملکی «*iv*» فهمیده نمی‌شود. در صورتی که اسم با پسوند «*iv*» در سه حالت تصریفی به کارگرفته شده و فهمیده می‌شود:

اکنون برای نشان دادن عملکرد پسوندهای ملکی و مقایسه آنها، جدولهایی در بائین می‌آیند، که اسامی مختلف با پسوندهای مذکور به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده می‌شوند؛ لطفاً به آنها توجه کنید:

a) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد. مثال:

اسم با این سه پسوند به شکل صحیح صرف شده و فهمیده می‌شود.	
sənin qardaş iv	sənin qardaş in
sənin baldız iv	sənin baldız in
sənin top uv	sənin top un
sənin quz uv	sənin quz un
پسوند تکراری (in,in) و «in,iv» هر دو صحیح فهمیده می‌شوند.	

b) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف می‌شود:

صرف پسوند «iv» فهمیده می‌شود.	
نسبت دادن	sənin əl iv
اسم به ضمیر	sənin ev iv
سوم شخص	sənin it iv
مفرد	sənin göz üv
پسوند «in» در تمام فرمهای صرفی به شکل صحیح فهمیده می‌شود.	

- چنانکه ملاحظه می‌شود، پسوند ملکی «in» در رابطه با ضمیر دوم و سوم شخص مفرد شبیه هم صرف می‌شود، که در نسبت دادن اسم به شکل صحیح فهمیده می‌شود، در صورتی که پسوند ملکی «iv» که به جای «in» به کار گرفته می‌شود، نه تنها کمبود پسوند «in» را بر طرف نمی‌کند، بلکه خود نیز در سه حالت فهمیده شده و در سه حالت دیگر فهمیده نمی‌شود.

## یخچش ششم:

### ۱) صرف حالت‌های تصریفی ضمایر اشاره ای و انعکاسی:

- ضمایر اشاری در زبان ترکی، کلمات «او، بُو، شُو، اوْرا، بُورا» هستند، که در جمله به جای اسم نشانده شده و در حالت‌های تصریفی صرف می‌شوند:  
از اینکه آخرین حرف ضمایر اشاره ای حرف صدادار می‌باشد، در نتیجه در حالت‌های تصریفی به آنها یک حرف «n» افزوده شده و به شکل زیر صرف می‌شوند:

حالت فاعلیت	yalınen	آ	{	bu	بُو	او	o	شُو	şu
حالات	حالت «به»	+ a	آ	buna	بُونا	اونا	ona	شُونا	şuna
	حالت «در»	+ da	دا	bunda	بُوندا	اوُندا	onda	شُوندا	şunda
	حالت «از»	+ dan	دان	bundan	بُوندان	اوُندان	ondan	شُوندان	şundan
	حالت «را»	+ i	ای	(bunu)(boni)	بُونی بُونی	اوُنی( onu )	oni ( onu )	شُونو	şunu
	اضافه ملکی	+ un	اون	bunun	بُونون	اوُنون	onun	شُونون	şunun

- ضمایر اشاره ای با علامت جمع (لر، لار) نیز ترکیب یافته و در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود:

حالت فاعلیت	yalınen	آ	{	bunlar	بُونلار	اوُنلار	onlar	شُونلار	şunlar
حالات	حالت «به»	+ a	آ	bunlara	بُونلارا	اوُنلارا	onlara	شُونلارا	şunlara
	حالت «در»	+ da	دا	bunlarda	بُونلاردا	اوُنلاردا	onlarda	شُونلاردا	şunlarda
	حالت «از»	+ dan	دان	bunlardan	بُونلاردان	اوُنلاردان	onlardan	شُونلاردان	şunlardan
	حالت «را»	+ i	ای	bunları	بُونلاری	اوُنلاری	onları	شُونلاری	şunları
	اضافه ملکی	+ in	اين	bunların	بُونلارين	اوُنلارين	onların	شُونلارين	şunların

کلمات «او، اوُنلار» ضمایر شخصی نیز محسوب می‌شوند.

- ضمایر اشاره ای جمع «بُونلار، اوُنلار» در محاوره به شکل «بُولار، اوُلار» نیز صرف شده

و به شرح زیر در حالت‌های تصريفی به کارگرفته می‌شوند:

بُولار bular ، بُولارا bulara ، بُولاردا bularda ، بُولاردان bulardan ، بُولاری buları ،  
بُولارین buları ، اولار olar ، اولارا olara ، اولاردا olarda ، اولاردان olardan و ...  
ضمایر اشاره ای با پسوند ملکی:

ضمایر اشاره ای «بُورا» و «اُرا» با پسوند مخفف شده ملکی (n) ترکیب می‌یابند و به شکل  
«بُورام، اُرام و ...» در آمده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند. مثال:

bizim	buramız	بُورامیز	mənim	buram	منیم بُورام	بُورام
sizin	buranız	سیزین بُورانیز	sənin	buran	سنین بُوران	سیزین بُوران
onların	buraları	اونلارین بُورالاری	onun	burası	اونون بُوراس	اونلارین بُورالاری

bizim	oramız	اُرامیز	mənim	اُرام	منیم اُرام	اُرام
sizin	oranız	سیزین اُرانیز	sənin	oran	سنین اُران	سیزین اُران
onların	oraları	اونلارین اُرالاری	onun	orası	اونون اُراسی	اونلارین اُرالاری

- از اصل کلمات مذکور دو حرف «yi» حذف می‌شود:

buram	بُورام	مخفف شده کلمه:	burayım	بُوراییم	اصل کلمه:
oram	اُرام	مخفف شده کلمه:	orayım	اُراییم	اصل کلمه:
şuram	شُورام	مخفف شده کلمه:	şurayım	شُوراییم	اصل کلمه:

- از اینکه آخرین حرف ضمایر اشاره ای (مثال: بُورا و اُرا) صدادار می‌باشد، در نتیجه در حالت‌های تصريفی با حرف اضافه «س» برای سوم شخص مفرد صرف می‌شود. مثال:  
اونون بُوراسی ، بُوراسینا ، بُوراسیندا ، بُوراسیندان ، بُوراسینی ، اونون اُرون اُراسی،  
اونون بُوراسی، بُونون بُوراسی ، بُونون اُراسی و ...

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله مورد سوال و جواب قرارگرفته و صرف می‌شوند:  
منیم الیمین بُوراسی آغرسیر. سنین قولونون بُوراسی آغرسیر. بُوراسی تبریز رادیوسی [رادیوسو]. سبلان آذربایجانین  
نه ره سی نده دیر؟ ساوه آذربایجانین هاراسی ندا دیر؟ آرك تبریزین هاراسی ندا دیر؟ گُوی مسجد (مجید)  
تبریزین نه ره سی نده دیر؟ اُرمیه (اُرمو) آذربایجانین هاراسیندا دیر؟ باکی خزرین هاراسیندا دیر؟

همدان آذربایجانین نه ره سینده دیر؟

توجه: از اینکه آخرین حرف سوم شخص جمع (اونلار) حرف بی صدا می باشد، در نتیجه با حرف «س» صرف نمی شود.

- از اینکه آخرین حرف ضمایر اشاره ای «بُورا، اوْرا» صدادار می باشد، اگر در حالت «به»

صرف شود، به جای حرف «ن» با حرف «ی» به کار گرفته می شود. زیرا صرف آن با حرف

«ن» هم شکل با کلمه «بورانا» در می آید و معنی «اینجای تو» نیز می دهد. مثال:

گل بُورایا ، گلت اوْرایا و ...

- کلمات «بُورا»، «اوْرا» و «شُورا» با پسوند ملکی مخفف شده و به شکل زیر در  
حالتهای تصریفی صرف می شوند: (اینجای من، آنجای من)

اضافه ملکی	حالت را	حالت از	حالت در	حالت به	حالت فاعلیت	ضمیر
buramin	buramı	buramdan	buramda	burama	buram	mənim
oramın	oramı	oramdan	oramda	orama	oram	mənim
şuramin	şurami	şuramdan	şuramda	şurama	şuram	mənim

- ضمایر اشاره ای با پسوند ملکی و کلمه ربطی «کی» به شکل زیر ترکیب می یابند:

اضافه ملکی	بُونو	bunun	اُونون	onun	oranın	buranın	بُورانین	شورانین
حالتهای اشاره ای	بُونونکو	aönünnoko	اُونونکو	önönko	اورانینکی	buranınki	بُورانینکی	شورانینکی
حالت «به»	بُونونکونا	aönünnokona	اُونونکونا	önönkonu	اورانینکی نا	buranınki na	بُورانینکی نا	شورانینکی نا
حالت «در»	بُونونکوندا	aönünnokonda	اُونونکوندا	önönkonu	اورانینکی ندا	buranınki nda	بُورانینکی ندا	شورانینکی ندا
حالت «از»	بُونونکوندان	aönünnokundan	اُونونکوندان	önönkonu	اورانینکی ندان	buranınki ndan	بُورانینکی ندان	شورانینکی ندان
حالت «را»	بُونونکونو	aönünnokunu	اُونونکونو	önönkonu	اورانینکی نی	buranınki ni	بُورانینکی نی	شورانینکی نی
اضافه ملکی	بُونونکونون	aönünnokunon	اُونونکونون	önönkonu	اورانینکی نین	buranınki nin	بُورانینکی نین	شورانینکی نین

- ضمایر اشاره ای با پسوند «ده، دا» و کلمه ربطی «کی» و پسوند ملکی ترکیب می یابند:

شُوراداکینی، شُوراداکینین و ...

## ۲) حالتهای تصریفی ضمیر انعکاسی «اُزوم»:

کلمه انعکاسی «اُزوم» در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی «به»، که علامت آن در زبان ترکی دو حرف «*a, e*» می‌باشد با هماهنگی کوچک صرف می‌شود:

biz	özümüə	بیز	اُزوموزه	من	اُزومه
siz	özünüə	سیز	اُزونوزه	سن	اُزونه
onlar	özlərinə	اُنلار	اُزلرینه	او	اُزونه
	o		özünə		

- از اینکه ضمیر انعکاسی دوم و سوم شخص مفرد شیوه هم صرف می‌شود، در نتیجه بهتر است که همراه با ضمیر شخصی به کار گرفته شود. مثال: «سن اُزونه»، «او اُزونه» (محاوره ای: سن اُزوه، سنین اُزونه، اونون اُزونه، بیز اُزوموز اُزوموزه، سیز اُزونوز اوزونوزه ...).

- ضمایر انعکاسی در حالت با واسطه «به»، به شکل زیر در جمله صرف می‌شوند: سن اُزون بُو سئزو اونون اُزونه دئ. او اُزو بُو ماشینی اُزونه آلدی. سن بُو ماشینی اُزون اُزونه آلدین. (محاوره ای: سن بُو ماشینی اُزون اُزوه آلدین) سن بُو ائوی اُزون اُزونه آلدین. سن بُو چمدانی(کیفی) اُزون اُزونه آلدین. او بُو کیتابی اُزو اُزونه آلدی.

- در رابطه با به کار گیری ضمیر انعکاسی با «حالت به» به اشعار زیر نیز توجه کنید: بختیار وهاب زاده: ایندی داها دؤیوشورم دؤزومله

اُز آیمله اُزومه دیر بُو حمله...

اُزگه نی دینله سن کئك دن دوشرسن، ...

سن اُزون اُزونه اُزگه لشرسن

کلمه انعکاسی «اُزوم»، در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه «در»: حالت با واسطه «در»، در زبان ترکی «د» می‌باشد، که حرف صدادار آن با هماهنگی کوچک

به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz özümüzde	بیز اُزو مو زدہ	mən özümdə	من اُزو مده
siz özünüzde	سیز اُزو نو زدہ	sən özündə	سن اُزو ندہ
onlar özlərində	اون لار اُز لرین ده	o özündə	او اُزو ندہ

- کلمات مذکور در جمله به شکل زیر به کار گرفته می‌شوند:

من بُ شانسی اُزو مده گُرمورم.

سن بُ جرأت اُزو ندہ گُرمورسن. جرأت اونون اُزو ندہ وار. باشاریق سنین اُزو ندہ وار.

حالت « ده » به شکل زیر در کلمه سازی به کار گرفته می‌شود:

- ضمایر انعکاسی با پسوند « ده » و پسوند ملکی « in » و کلمه ربطی « کی » ترکیب می‌یابند و

به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شوند:

منیـم	سـنـنـ	اـوـنـوـنـ	بـیـزـ	سـیـزـ	اـوـنـلـارـ
اُزو مده کـی	اُزو نـدـهـ کـیـ	اُزو مـوـزـدـهـ کـیـ	اُزو نـدـهـ کـیـ	اُزو نـدـهـ کـیـ	اُزو نـدـهـ کـیـ
اُزو مـدـهـ کـیـ نـهـ	اُزو نـوـزـدـهـ کـیـ نـهـ	اُزو مـوـزـدـهـ کـیـ نـهـ	اُزو نـدـهـ کـیـ نـهـ	اُزو نـدـهـ کـیـ نـهـ	اُزو مـدـهـ کـیـ نـهـ
اُزو لـرـینـدـهـ کـیـ نـدـهـ	اُزو نـوـزـدـهـ کـیـ نـدـهـ	اُزو مـوـزـدـهـ کـیـ نـدـهـ	اُزو نـدـهـ کـیـ نـدـهـ	اُزو نـدـهـ کـیـ نـدـهـ	اُزو مـدـهـ کـیـ نـدـهـ
اُزو لـرـینـدـهـ کـیـ نـدـنـ	اُزو نـوـزـدـهـ کـیـ نـدـنـ	اُزو مـوـزـدـهـ کـیـ نـدـنـ	اُزو نـدـهـ کـیـ نـدـنـ	اُزو نـدـهـ کـیـ نـدـنـ	اُزو مـدـهـ کـیـ نـدـنـ
اُزو لـرـینـدـهـ کـیـ نـیـ	اُزو نـوـزـدـهـ کـیـ نـیـ	اُزو مـوـزـدـهـ کـیـ نـیـ	اُزو نـدـهـ کـیـ نـیـ	اُزو نـدـهـ کـیـ نـیـ	اُزو مـدـهـ کـیـ نـیـ
اُزو لـرـینـدـهـ کـیـ نـینـ	اُزو نـوـزـدـهـ کـیـ نـینـ	اُزو مـوـزـدـهـ کـیـ نـینـ	اُزو نـدـهـ کـیـ نـینـ	اُزو نـدـهـ کـیـ نـینـ	اُزو مـدـهـ کـیـ نـینـ

- صرف کلمات مذکور در رابطه با دوم و سوم شخص مفرد شبیه هم می‌باشند؛ در نتیجه بهتر است که

صرف آن همراه ضمیر شخصی به کار گرفته شود. مثال:

سنین اُزو ندہ کـیـ نـهـ، اـوـنـوـنـ اـوـزـو~نـدـهـ کـیـ نـهـ و ...

- اگر ضمیر انعکاسی را با پسوند ملکی، پسوند « ده » و کلمه ربطی « کی » و پسوند ملکی

ترکیب دهیم به شکل « اوزون ده کی نین » در می آید و با مفهوم « آنچه که در پیش ( خود ) تو است » به کارگرفته شده و در حالت‌های تصریفی صرف می شود:

اسم	حالت فاعلیت	حالت به	حالت در	حالت از	حالت را	اضافه ملکی
حسین	اوزونده کین	اوزونده کینه	اوزونده کینده	اوزونده کیندن	اوزونده کینی	اوزونده کی نین

توجه:- کلمات مذکور به شکل سوم شخص مفرد( دیر ) صرف می شوند؛ چرا که « آنچه که در پیش خود تو است »، در شکل سوم شخص مفرد مورد سوال و جواب قرار می گیرند. مثال:  
اوزونونکودور. اوزونونکونده دیر. اوزوننده کینده دیر. و ...  
- حالت « ده » در فعل سازی نیز به کارگرفته می شود.

کلمه انعکاسی « اوزوم » در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « از »:  
حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی « از »، در زبان ترکی پسوند « دن، دان » می باشد ،  
که حرف صدادار آن با هماهنگی کوچک صرف می شود:

biz özümüzdən	بیز اوزوموزدن	mən özümdən	من اوزومدن
siz özünüzdən	سیز اوزونوزدن	sən özündən	سن اوزونندن
onlar özlərindən	اونلار اوزلریندن	o özündən	او اوزونندن

- کلمات مذکور در جمله به شکل زیر به کارگرفته می شوند:  
(o söylədiyi düşüncələr , onun özündəndir.). او سؤيله دىيىدو شونجه لر، او نون اوزونندن دير.  
من اوزومدن دئميرم. او هميشه اوزونندن دانيشىر. سن هىچ واخت اوزونندن دئمه.  
- در رابطه با به کارگيري حالت مفعول با واسطه « از » ( دن ، دان ) ، به کارگيري آنها  
به اشعار زير توجه كنيد:

مجید صباح ايراني(يالقىز): اوزوموزدن قۇپان هايلار، چاتاجاق هاييمىزا  
اوزگە يېردىن گلن هايidan بىزه بىر هاي اولماز...  
بۇھت آپاردى، ائله اويدوم كى، اوزومدن چىخىديم  
ائله بىلدىم اوزوم اولدوم كى چىخىب جان گىتىدى

### کلمه انعکاسی «اُزوم» با مفعول بی واسطه «را»:

علامت «مفعول بی واسطه را»، در زبان ترکی حرف صدادار «ا» می باشد، که به شکل زیر با هماهنگی بزرگ (تا، ا) به کار گرفته می شود: (من خودم را)

biz özümüzü	بیز اُزو موزو	من اُزو مو
siz özünüzü	سیز اُزو نوزو	سن اُزو نو
onlar özlərini	اونلار اُزلرینی	او اُزو نو

- کلمات مذکور در جمله به شکل زیر به کار گرفته می شوند:

او اُزو نو هامیدان چو خ ایسته بیر. (o özünü hamidan çox istəyir.)

او اُزو اُزو نو بیه نیر. او اُزو اُزو نو تعریف ائیله بیر.

او اُزو ندن چو خ تعریف ائتدی. او اُزو نو هامیدن آرتیق گئرور (بیلیر).

توجه: - از اینکه علامت جمع «لار، لر» با هماهنگی کوچک ساخته می شود، در نتیجه پسوندهایی که به دنبال آن با هماهنگی بزرگ صرف شوند، با حرف صداردار «ا» ساخته می شوند. مثال:

اُزلرینکی دیر، اُزگه لرینکی، اُزگه لرینکی نیندیرلر، و...

- «سن اُزو نو» را در محاوره به شکل «سن اُزو وو» نیز می گویند.

سن اُزو وو بیر ماشین آل. سن اُزو وو بیر ائو آل. و...

### ضمیر انعکاسی «اُزوم» و فرمهای مختلف آن با پسوند ملکی:

ضمیر انعکاسی «اُزوم» با پسوند ملکی «in» ترکیب می یابد و به شکل زیر با هماهنگی بزرگ برای ضمایر شخصی صرف می شود:

بیزیم اُزو موزو ن	mənim özümün (مال خود من)	منیم اُزو مو
سینین اُزو نوزو ن	sənin özünün (مال خود تو)	سینین اُزو نو
اونلارین اُزلرینین	onun özünün (مال خود او)	اونون اُزو نو

بۇ ماشین منیم اُزو مو ندور.

بۇ ائو منیم اُزو مو ندور. بۇ ائو سینین اُزو نو ندور.

بۇ ائو بىزىم اۆزوموزوندور. بۇ ائو سىزىن اۆزونوزوندور. بۇ ائو اۇنلارين اۆزلىرىنىدىر.

- در رابطه با صرف کلمه «اۆزوم» با پسوند ملکى به شعر زیر توجه کنید:

**بختىار وهاب زاده:** آلوان الوان هاوالاردان آلدىغىمىز هاوالاردان

اۆز سۈزۈدور كۈنلەمۈزۈن، آرزو موزۇن، درە لە ...

- ضمير شخصى با پسوند ملکى همراه ضمير انعکاسى با پسوند ملکى و کلمه ربطى «كى» به شكل زير ترکىب مى يابد و در حالتهای تصريفى صرف مى شود:

حالتهای تصريفى	منىم اۆزومون	سېنین اۆزونون	اۇنون اۆزونون	بىزىم اۆزوموزون	سىزىن اۆزونوزون	اۇنلارين اۆزلىرىنى	حال
حال فاعلى	اۆزومونكۇ	اۆزونونكۇ	اۆزونونكۇ	اۆزوموزونكۇ	اۆزونوزونكۇ	اۆزلىرىنىكى	
حال بە	اۆزومونكۇنە	اۆزونونكۇنە	اۆزونونكۇنە	اۆزوموزونكۇنە	اۆزونوزونكۇنە	اۆزلىرىنىنكى نە	
حال در	اۆزومونكۇنەدە	اۆزونونكۇنەدە	اۆزونونكۇنەدە	اۆزوموزونكۇنەدە	اۆزوموزونكۇنەدە	اۆزلىرىنىنكى نەدە	
حال از	اۆزومونكۇنەندەن	اۆزونونكۇنەندەن	اۆزونونكۇنەندەن	اۆزوموزونكۇنەندەن	اۆزوموزونكۇنەندەن	اۆزلىرىنىنكى نەندەن	
حال را	اۆزومونكۇنۇ	اۆزونونكۇنۇ	اۆزونونكۇنۇ	اۆزوموزونكۇنۇ	اۆزوموزونكۇنۇ	اۆزلىرىنىنكى نى	
اضافە ملکى	اۆزومونكۇنۇن	اۆزونونكۇنۇن	اۆزونونكۇنۇن	اۆزوموزونكۇنۇن	اۆزوموزونكۇنۇن	اۆزلىرىنىنكى نىن	

- بۇ ماشىن منىم اۆزومونكۇدور. اۇدا سېنین اۆزونونكۇدور. بۇدا اۇنون (سېنин) اۆزونونكۇدور.

**توجه:** صرف کلمه انعکاسى «اۆزوم» برای دوم و سوم شخص شبيه هم مى باشد ، در نتيجه

بهتر است که آن با ضمير شخصى [سەن، اوْ] به کارگرفته شود:

سېنین اۆزونونكۇنۇن. اۇنون اۆزونونكۇنۇن.

**ضمير انعکاسى «اۆزوم» و تكرار آن با حالت «در» (دە، دا):**

من اۆزوم اۆزومدە	بىز اۆزوموز اۆزوموزدە	mən özüm özümdə (من خودم در خودم)
سەن اۆزون اۆزوندە	سېز اۆزونوز اۆزونوزدە	sən özün özündə (توخودت در خودت)
اوْ اۆزو اۆزوندە	اۇنلار اۆزلىرى اۆزلىرىندە	o özü özündə (او خودش در خودش)

من بۇ باشارىغى اۆزوم اۆزومدە گۈرۈرم.

من بۇ لیاقتى اۆزۈم اۆزۈمە گۈرمۈرم. سن بۇ باشارىغى اۆزۈن اۆزۈنە گۈرمۈپىرسىنى مى؟

ضمیر انعکاسى «اۆزۈم» در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه «در» و با کلمه ربطی «كى» ترکىب مى يابىد و با مفهوم جمله به شکل زير ( منىم اۆزۈمە كى: آنچە كە در پىش خود من است). به کارگىرفته مى شود:

منىم	سېن	بىز	اون	اونلارىنەن	اۇنلارىنەن
اۆزۈمە كى	اۆزۈنە كى	اۆزۈنۈزدە كى	اۆزۈمۈزدە كى	اۆزۈنە كى	اۆزۈمە كى
اۆزۈرپىندە كى نە	اۆزۈنە كى نە	اۆزۈنۈزدە كى نە	اۆزۈمۈزدە كى نە	اۆزۈنە كى نە	اۆزۈمە كى نە
اۆزۈرپىندە كى نىدە	اۆزۈنە كى نىدە	اۆزۈنۈزدە كى نىدە	اۆزۈمۈزدە كى نىدە	اۆزۈنە كى نىدە	اۆزۈمە كى نىدە
اۆزۈرپىندە كى نىن	اۆزۈنە كى نىن	اۆزۈنۈزدە كى نىن	اۆزۈمۈزدە كى نىن	اۆزۈنە كى نىن	اۆزۈمە كى نىن
اۆزۈرپىندە كى نىن	اۆزۈنە كى نىن	اۆزۈنۈزدە كى نىن	اۆزۈمۈزدە كى نىن	اۆزۈنە كى نىن	اۆزۈمە كى نىن

- مندە كى ماشىن خارابدىر. حسىنин اۆزۈنە كى دە خارابدىر.

سن، منه دە اۆزۈنە كىندىن آل.

## ۱-۱) ضمير انعکاسى «اۆزۈم» و تكرار آن در حالت «به»:

بىز اۆزۈمۈز اۆزۈمۈزە	من اۆزۈم اۆزۈمە mən özüm özümə (من خودم به خودم)
سېز اۆزۈن اۆزۈنە اۆزۈنۈزە	سن اۆزۈن اۆزۈنە sən özün özünə (تو خودت به خودت)
اونلارا اۆزلىرى اۆزلىرىنە	او اۆزو اۆزۈنە o özü özünə ( او خودش به خودش)

- کلمات مذكور به شکل زير در جمله به کارگىرفته مى شوند:

من اۆزۈم اۆزۈمە دئىيرم. بىز اۆزۈمۈز اۆزۈمۈزە آلىرىق. mən özüm özümə deyirəm.

سن اۆزۈن اۆزۈنە دئىيرسەن. سېز اۆزۈنۈز اۆزۈنۈزە دانىشىرسىنىز. او اۆزو اۆزۈنە دانىشىز.

اونلار اۆزلىرى اۆزلىرىنە آلىرلار.

- تکرار ضمیر انعکاسی « اُزو » ، در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی « در » ، با پسوند ملکی و کلمه ربطی « کی » ترکیب می‌یابد و به شکل زیر به کار گرفته می‌شود:

سینین اُزونده کی، سینین اُزونده کینه، سینین اُزونده کینده ،

سینین اُزونده کیندن، سینین اُزونده کینی، سینین اُزونده کی‌نی

تکرار ضمیر انعکاسی « اُزوم » در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی « از »:

من اُزوم اُزومدن	mən özüm özümdən	( من خودم از خودم)
سن اُزون اُزوندن	sən özün özündən	( تو خودت از خودت)
او اُزو اُزوندن	o özü özündən	( او خودش از خودش)

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شوند:

او اُزو اُزوندن تعریف ائتدی .

بیز اُزوموز اُزوموزدن دانیشمیریق. اونلار اُزلری اُزلریندن راضی دیرلار.

او اُزو اُزونو سئویر. او اُزو اُزوندن راضی دیر.

تکرار ضمیر انعکاسی « اُزوم » در حالت مفعول بی واسطه « را »:

من اُزوم اُزومو	mən özüm - özümü	( من خودم خودم را )
سن اُزون اُزونو	sən özün - özünü	( تو خودت خودت را )
او اُزو اُزونو	o özü - özünü	( او خودش خودش را )

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شوند:

او اُزو اُزونو سئویر.

من اُزوم اُزومو تانیسیرام. سن اُزون اُزونو تانیسیرسان، او اُزو اُزونو تانیسیر.

من آینادا ( گوزگوده ) اُزوم اُزومو گئورورم. سن ده اُزون اُزونو گئورورسن.

اونلار اُزلری اُزلرینی سئویرلر. او اُزو اُزونو شیشیدیر.

اونلار اُزلری، اُزلرینی شیشیدیرلر، آمما اصلینده هئچ بیر شیع ده دگیلر.

او همیشه اُزو اُزوندن تعریف ائدیر.

### ۳) تکرار ضمیر انعکاسی « اۆزوم » با پسوند ملکی:

ضمیر انعکاسی « اۆزوم » به شکل زیر در جمله تکرار و با پسوند ملکی ادغام شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیز	اۆزوموز اۆزوموزون	من اۆزوم اۆزومون <i>mən özüm özümün</i> (من خودم مال خودم)
سیز	اۆزونوز اۆزونوزون	سن اۆزون اۆزونون <i>sən özün özünün</i> (تونخودت مال خودت)
اۇنلار	اۆزلری اۆزلرینین	او اۆزو اۆزونون <i>o özü özünün</i> (او خودش مال خودش)

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شوند: ( من خودم عیب خودم را می‌بینم ).  
من اۆزوم اۆزومون عئیبیمی گئوروم .. (*mən özüm özümün eybimi görürəm*.)

کلمه انعکاسی « اۆزوم » همراه پسوند ملکی و کلمه ربطی « کی »:

کلمه انعکاسی با کلمه ربطی « کی » و پسوند ملکی ترکیب می‌یابد و با هماهنگی بزرگ با مفهوم « آنچه که مال خود من است » به کارگرفته می‌شود. مثال:

منیم	اۆزومونکون	سینین	اۆزونونکون	اۇنون	اۆزونونکون
بیزیم	اۆزوموزونکون	سیزین	اۆزونوزونکون	اۇنلارین	اۆزلرینینکین

- کلمات مذکور به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شوند:  
- منیم اۆزومونکون، منیم اۆزومونکونه، منیم اۆزومونکونون، منیم اۆزومونکوندن، منیم اۆزومونکونه، منیم اۆزومونکونون، منیم اۆزومونکونه، منیم اۆزومونکونون، منیم اۆزومونکونون و ...  
- ضمیر انعکاسی با تکرار پسوند « ده » و کلمه ربطی « کی » با مفهوم « آن چیزی که در پیش من است در آن » به کارگرفته شده و در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود. مثال:

- منیم اۆزومده کینده کی، سینین اۆزونده کینده کی، اۇنون اۆزونده کینده کی  
بیزیم اۆزوموزده کینده کی، سیزین اۆزونوزده کینده کی، اۇنلارین اۆزلرینده کینده کی  
بۇ قلم سینین اۆزونده کیندن دیر. بۇ ماشین سینین اۆزونده کیندن دیر.

### ۳) ضمیر انعکاسی « کند »:

کلمه « کند » در زبان ترکی با مفهوم « خود » ( اوزو ) به کارگرفته می شود و با پسوند ملکی « in » به شکل « کندیم » ( با مفهوم مترادف با « اوزوم » ) در می آید و در زبان فارسی معنی « خودم » را می دهد و به شکل زیر ضمایر شخصی را در خود منعکس می کند:

o kəndi	کندی	او کندی	sən kəndin	سن کندین	mən kəndim	من کندیم
onlar kəndləri	اونلار کندرلری	سیز کندینیز	siz kəndiniz	بیز کندینیز	biz kəndimiz	بیز کندیمیز

دونن من کندیمده، او دؤیوننده يدیم ( تؤیدایدیم، عروسی ). او کندینی مهم بیر آدام بیلیر.

- کلمه « کندیم » ( خودم اوزوم ) به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می شود:

حالات فاعلیت {	من کندیم	سن کندین	او کندی	سیز کندینیز	بیز کندینیز	او کندیم	اونلار کندرلری
حالات ( به )	من کندیمه	سن کندینه	او کندینه	سیز کندینیزه	بیز کندیمیزه	او کندیم	اونلار کندرلینه
	من کندیمده	سن کندینده	او کندینده	سیز کندینیزده	بیز کندیمیزده	او کندیم	اونلار کندرلینده
	من کندیمدن	سن کندیندن	او کندیندن	سیز کندینیزدن	بیز کندیمیزدن	او کندیم	اونلار کندرلیندن
	من کندیمی	سن کندینی	او کندینی	سیز کندینیزی	بیز کندیمیزی	او کندیم	اونلار کندرلینی
	من کندیمین	سن کندینین	او کندینین	سیز کندینیزین	بیز کندیمیزین	او کندیم	اونلار کندرلینین

- کلمه « کند » به شکل زیر با پسوند صرفی ( فعل ایمک ) برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من کندیم	سن کندین سن	او کندی دیر	سیز کندینیز سینیز	اونلار کندرلیدیرلر
----------	-------------	-------------	-------------------	--------------------

- کلمه انعکاسی « کندیم » به شکل زیر با پسوند « ده » و کلمه ربطی « کی » ترکیب می یابد و

در حالت‌های تصریفی صرف می شود:

منیم کندیمده کی ، منیم کندیمده کی نه ، منیم کندیمده کی نده ،

منیم کندیمده کی ندن ، منیم کندیمده کی نی ، منیم کندیمده کی نین

توجه: کلمه « کند » در زبان ترکی معنی « ده » و همانا معنی « شهر » را نیز می دهد.

## ۵) ضمیر انعکاسی « بیله »:

کلمه « بیله » به تنهاei معنی ندارد، ولی با پسوند ملکی ترکیب می‌یابد و با مفهوم « خودم » به کارگرفته می‌شود. مثال: من بیلم ، سن بیلن ، او بیله سی

- ضمیر انعکاسی « بیله م » به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود:

حالات فاعلیت {	بیلم	biləm	بیله ن	بیله سی	بیله میز	بیله نیز	بیله لری
حالات « به »	بیله مه	biləmə	بیله (نه) وه	بیله سینه	بیله میزه	بیله نیزه	بیله لری نه
حالات « در »	بیله مده	biləmdə	بیله نده	بیله سینده	بیله میزده	بیله نیزده	بیله لری نده
حالات « از »	بیله مدن	biləmdən	بیله ندن	بیله سیندن	بیله میزدن	بیله نیزدن	بیله لری ندن
حالات « را »	بیله می	biləmi	بیله (نی) وی	بیله سینی	بیله میزی	بیله نیزی	بیله لری نی
پسوند ملکی	بیله مین	biləmin	بیله وین	بیله سینین	بیله میزین	بیله نیزین	بیله لری نین

- ضمیر انعکاسی « بیله » با پسوند ملکی و کلمه ربطی « کی » ترکیب می‌یابد و به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود: ( بیله مین: مال خود من )

اضافه انعکاسی	بیله مین	بیله وین	بیله سین	بیله میزین	بیله نیزین	بیله لرین	ضمایر انعکاسی
حالات فاعلیت	بیله مینکی	بیله وینکی	بیله سینکی	بیله میزینکی	بیله نیزینکی	بیله لرینکی	حالات « به »
حالات « در »	بیله مینکینه	بیله وینکینه	بیله سینکینه	بیله میزینکینه	بیله نیزینکینه	بیله لرینکینه	حالات « در »
حالات « از »	بیله مینکینده	بیله وینکینده	بیله سینکینده	بیله میزینکینده	بیله نیزینکینده	بیله لرینکینده	حالات « از »
حالات « را »	بیله مینکینی	بیله وینکینی	بیله سینکینی	بیله میزینکینی	بیله نیزینکینی	بیله لرینکینی	حالات « را »
اضافه ملکی	بیله مینکینین	بیله وینکینین	بیله سینکینین	بیله میزینکینین	بیله نیزینکینین	بیله لرینکینین	

ضمیر سوم شخص مفرد در صرف یک « س » اضافه به خود می‌گیرد. مثال: بیله سینه، بیله سیندن و ...

- کلمه « بیله م » به شکل زیر با پسوند صرفی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال :

من بیله مم ( من خودم هستم )، سن بیله نسن ، او بیله سی دیر ، بیز بیله میزیک ، سیز بیله نیز سینیز

#### ۶) ضمیر انعکاسی اوزگه özgə:

کلمه « اوزگه » با مفهوم « دیگر »، « کس دیگر »، « شخص نا آشنا »، « بیگانه » و در مواردی نیز به شکل « اوزگه سی » با مفهوم « دیگری »، « کس دیگری »، « شخص نا آشنای دیگری » و « بیگانه ای » به کار گرفته شده و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من اوزگه يم، سن اوزگه سن، او اوزگه دير، بيز اوزگه ييك، سين اوزگه سينيز، اونلار اوزگه ديرلر.

- کلمه « اوزگه » در مواردی با حرف « س » ترکیب می یابد و بدین سان به دو شکل

( اوزگه ، « اوزگه سی ) در حالت‌های تصريفی صرف می شود. مثال:

حالت فاعلیت	يا لی——ن آد	{	اوزگـه ئـة	اوزـگـه سـى	özgəsi
حالات	ه حالی	ه	اوزگـه يـه	özgəyə	أوزـگـه سـى نـه
	دـهـ حالـيـ	دـهـ	اوزـگـه دـهـ	özgədə	أوزـگـه سـى نـدـهـ
	دـنـ حالـيـ	دـنـ	اوزـگـه دـنـ	özgədən	أوزـگـه سـى نـدـنـ
	اـيـ حالـيـ	اـيـ	اوزـگـه نـيـ	özgəni	أوزـگـه سـى سـيـنـيـ
	اـينـ مـلـكـيـ	اـينـ	اوزـگـه نـيـنـ	özgənin	أوزـگـه سـى نـيـنـ

توجه شود که کلمه اوزگه در « حالت به »، به شکل « özgəyə » با حرف تکمیلی « y » صرف می شود.

- کلمه « اوزگه » در « حالت در » با پسوند ملکی و کلمه ربطی « کی » ترکیب می یابد:

حالت فاعلیت	يا لـيـ——ـنـ آـدـ	{	اـوزـگـه دـهـ كـيـ	اـوزـگـه دـهـ	özgədəki
حالات	هـ حالـيـ	هـ	اـوزـگـه دـهـ كـيـ نـهـ	özgədəkinə	أـوزـگـه دـهـ كـيـ نـهـ
	دـهـ حالـيـ	دـهـ	اـوزـگـه دـهـ كـيـ نـدـهـ	özgədəkində	أـوزـگـه دـهـ كـيـ نـدـهـ
	دـنـ حالـيـ	دـنـ	اـوزـگـه دـهـ كـيـ نـدـنـ	özgədəkindən	أـوزـگـه دـهـ كـيـ نـدـنـ
	اـيـ حالـيـ	اـيـ	اـوزـگـه دـهـ كـيـ نـيـ	özgədəkini	أـوزـگـه دـهـ كـيـ نـيـ
	اـينـ مـلـكـيـ	اـينـ	اـوزـگـه دـهـ كـيـ نـيـنـ	özgədəkinin	أـوزـگـه دـهـ كـيـ نـيـنـ

بُوكیتاب منیم دئگیل ، اوزگه بیر آدامین دیر. ( این کتاب مال من نیست ، مال کس دیگری است.)

بۇ ماشین منیم دئگیل، اوزگە بیر آدامیندیر. ( bu maşın mənim dəyil, özgə bir adamındır.)  
بۇ ماشین بیزیم دئگیل اوزگە بیر کسین دیر ( آدامیندیر.).

بۇ بى ( bəy ) اوزگە دئگیل، منیم قارداشیم دیر. ( این آقا بیگانه نیست ، برادر من است .)  
( bu bəy özgə deyil , mənim qardaşımdır.)

بۇرادا اوزگە بیر آدام یونخدور، بیز ھامیمیز تانیشیق. اوزگە لر بۇرايا گلمز ( لر ). بۇ سرمایه لر بیزیم دئگیل ( لر ) اوزگە لریندیر ( لر ). بۇ حیوانلار بیزیم دئگیل ( لر )، اوزگە لرین دیر ( لر )  
وهاب زاده: ... او ، ائلین ایچیندە ائلینه اوزگە ، دیلینه اوزگە .

- ضمیر انعکاسی « اوزگە » به شکل زیر در ترکیبات مختلف ساخته شده و به شرح زیر در  
حالتهای تصریفی به کار گرفته می شود:

حالتهای تصریفی	آنچه که در پیش دیگری است	آنچه که مال دیگری است	آن دیگری، آن یکی	آن چه که مال کس يگری است	آنچه که در پیش دیگری است
حالات فاعلیت	اوزگە سینده کی	اوزگە سینکی	اوزگە سین	اوزگە نینکی	اوزگە ده کی
حالت به	اوزگە سینده کی نه	اوزگە سینکی نه	اوزگە سینه	اوزگە نینکی نه	اوزگە ده کی نه
حالت در	اوزگە سینده کی نده	اوزگە سینکی نده	اوزگە سینده	اوزگە نینکی نده	اوزگە ده کی نده
حالت از	اوزگە سینده کی ندن	اوزگە سینکی ندن	اوزگە سیندن	اوزگە نینکی ندن	اوزگە ده کی ندن
حالت را	اوزگە سینده کی نی	اوزگە سینکی نی	اوزگە سینی	اوزگە نینکی نی	اوزگە ده کی نی
اضافه ملکی	اوزگە سینده کی نین	اوزگە سینکی نین	اوزگە سینین	اوزگە نینکی نین	اوزگە ده کی نین

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می شوند:

بۇ بى اوزگە دئییل منیم قارداشیم دیر. ( bu bəy özgə deyil , mənim qardaşımdır.)

من ماشینیم بۇجاوانا یۇخ، اوزگە بیرینه ساتدیم. بۇ میوه لر منیم اوز اگینیم دن دئگیل ( لر )،  
اوزگە نینکی ندن دیر ( لر ). منیم، سنین ماشینیندان خوشوم گلmir، آمما منیم او اوزگە سینده  
کیندن خوشوم گلir. من اوز ماشینیمما، سنین ماشینین تکرلردن (ته ير) آلmirام، او اوزگە سینده  
کی ندن آلiram. منیم، بۇنون ماشینیندان یۇخ، اوزگە بیرى ندکی ندن خوشوم گلir.

## ٧) ضمیر انعکاسی باشقا : başqa

( باشقا [ دیگر، به جز این ]، به جز این یکی، آن یکی )

علی منی گئردو سلام ( سلام ) وئرمە دى ، بۇنون بىر باشقا معناسى وار.

( علی مرا دید و سلام نکرد ، این معنی به خصوصی [ دیگری ] دارد.)

( *Olı məni gördü salam (səlam) vermedi , bunun bir başqa mənəsi var.*)

اۇ بىر باشقا آدام دىر. ( او شخص به خصوصی است). اۇنون بىر باشقا دوشونجه سى وار ( دير ). ( او صاحب تفکرات دیگری [ به خصوصی ] است ).

- از اینکه « باشقا » به شکل سوم شخص مفرد به کارگرفته می شود و آخرین حرف آن نیز صدادار است ، در نتیجه در مواردی در فرم اصلی خود ( باشقا ) و در مواردی نیز با حرف « س » و پسوند ملکی « ئا » به شکل « باشقاسی » صرف می شود و به شرح زیر در حالت‌های تصریفی صرف می شود: ( باشقا، باشقاسی )

حالات فاعلیت	يالىمن آد	باشقاسی	باشقا	حالات
آحالى	ـ	باشقاسی نا	başqasına	حالات « به »
داحالى	ـ	باشقاسىندىدا	başqasında	
دانحالى	ـ	باشقاسىنداندان	başqasından	
ايحالى	ـ	باشقاسىنى	başqasını	
اينملکى	ـ	باشقاسىنىن	başqasının	

توجه: بهتر است کلمه « باشقا » در « حالت به » و در « حالت را » به شکل « باشقائین » و « باشقاسینی » و یا به شکل باشقایا، باشقایی صرف شود، زیرا « باشقانا » با مفهوم « به رهبری » و « باشقانی » « رهبری را » نیز معنی می دهد.

تبریز رادیوسی. اۇنون گچچىسى. اۇنون ۋوه سى. اۇنون نوھ سى. و... .

- کلمه « باشقا » و « باشقاسی » را می توان با پسوند « دا » و کلمه ربطی « کى » ترکیب داد و

به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف کرد. مثال:

باشقا‌سینکی (آن دیگر)	باشقاداکی (آن دیگر)	ن آد	یالی
başqa,sıñkı	başqa,dakı	{	
başqa,sıñkına	başqa,dakına	باشقاداکی نا	آ حالی a
başqa,sıñkında	başqa,dakında	باشقاداکی ندا	دا حالی da
başqa,sıñkından	başqa,dakıñdan	باشقاداکی ندان	دان حالی dan
başqa,sıñkını	başqa,dakını	باشقاداکی نی	ای حالی i,u
başqa,sıñkının	başqa,dakıññin	باشقاداکینین	این حالی in,un

- کلمه باشقا با پسوند «دا» و کلمه ربطی «کی» ترکیب می‌یابد و به شکل زیر صرف می‌شود:

باشقاداکیندا	باشقاداکینا	باشقاداکی
باشقاداکینین	باشقاداکینی	باشقاداکیندان

- کلمات مذکور به شکل زیر با تکرار پسوند «دا» و کلمه ربطی «کی» با مفهوم جدیدی

(مثل: آنچه که در پیش آن کس دیگری است) به کارگرفته می‌شوند:

- باشقا‌سینداکی نداکی، باشقا‌سینداکی ندان، باشقا‌سینداکی نداکی ندان، باشقا‌سینداکی نداکی نین و ...

۸) کلمه «بیر» به عنوان ضمیر مشخص و نا مشخص عددی

در فرم کلمه انعکاسی:

- کلمه «بیر»، به شکل عدد:

بیر، اون بیر، بوز بیر، مین بیر، دوردو مووزون، هامیمیزین و ...

- کلمه عددی به شکل «بیر بیر» با مفهوم «یک یک» به کارگرفته می‌شود:

بیر بیر (یک یک): لطفاً بیر بیر ایجری یه گلین! لطفاً بیر بیر ائشیگه (ائشیه) چیخین!

- کلمه «بیر بیر» به شکل زیر با مفهوم «یکی یکی» به شکل کلمه «انعکاسی» در حالت‌های

تصریفی صرف می شود. مثال:

**بىر بىرىنە، بىر بىرىنەدە، بىر بىرىنەن، بىر بىرىنەنى، بىر بىرىنەن.** اۇنلار بىر بىىنەن دئىيرلەر.

او نلار بير بير يندن آير يلير لار. او نلار بير بير يندن دير لر.

- کلمه « بیربیر » همراه پسوند ملکی ترکیب می‌یابد و با مفهوم « متعلق به یکدیگر شدن » به

شکل کلمه انعکاسی در آمده و به شرح زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود:

- «بیر بیر» در ترکیب با پسوند ملکی «in» به شکل ضمایر جمع (بیز، سیز، اوننار) صرف می شود:

بیر یمیزین، ایکی میزین، او چو موizon و ...

«بیه» عدد مشخص و مفرد است، ولی «بیه بیه» بیان عددی است که پیشتر از «یک» را در خود

منعکس می‌کند و یک یک از هم تجزیه می‌شود.

- کلمه «بیر بیرین» (یکی یکی پشان) با مفهوم کلمه انگلیسی برای ضمایر شخصی جمع

صف میں شود:

سینے پر بیٹھے ہیں میمیزِ پنک۔ سینے پر بیٹھے ہیں پنچ پنچیں۔ اونلاں پر بیٹھے ہیں لر پنڈیلے۔

بیز بیز بیز پیمیز کی سئو یہ یک سیز دھ بیز بیز پیمیز کی سئو یہ سیزیز۔ اونلار بیز بیز پیمیز سئو یہ لر۔

بین یہ یمنی دن آئی گی یہ یک بین یہ یہ یمنی سئو مہ یہ یک

- کلمات مذکور در حالت‌های تصویری:

- لطفاً به جملات زیر نیز توجه کنید، که به شکل کلمه انعکاسی صرف شده اند:

بیر بیرینی سئومک. ( یکدیگر را دوست داشتن). اونلار بیر بیرلرینی سئویرلر.

بیر بیرینین اولماق. ( متعلق به یکدیگر شدن ).

بیر بیریمیز. ( یکی یکی یمان ).

بیر بیریمیزین. ( متعلق به یکدیگر شدن. مال یکدیگر شدن ).

بیز بیر بیریمیزه باخیریق ( ما به یکدیگر نگاه می کنیم ).

سیز بیر بیری نیزینسینیز. ( شما بر [ به ] یکدیگر تعلق دارید ).

بیز بیر بیری میزی. biz bir- birimizi. ( ما یکدیگر را )

بۇ قىز ايله اوْ اوغلان بير بيرى نين دير( لر). ( bu qız ile o oğlan bir - birinindir.)

بیز بیر بیری میزینیك. ( biz bir-bir i mizin ik ). ( ما به یکدیگر تعلق داریم ).

سیز بیر بیری نیزین سینیز. ( siz bir -bir in izin siniz ). ( شما به یکدیگر تعلق دارید ).

اونلار بیر بیرلرینین ديرلر. ( onlar bir-bir lər in in dir lər ). ( آنها به یکدیگر تعلق دارند ).

او ماشین بیز یم بیریمیزیندیر ( o maşın bizim bir imiz in dir ).

بۇ ائو بیز یم بیریمیزین دير. ( bu ev bizim birimiz in dir ). ( این خانه متعلق به یکی از ما است ).

- کلمات عددی به شکل مفرد و جمع و یا با کلمات مختلف مثل « هامی، هئچ » نیز به

کار گرفته می شوند:

بیریمیزین، ایکیمیزین، اوچوموزون، دئرتدموزون، بشیشمیزین و ...

بۇ ائو سیزین اوچونوزون دور. ( bu ev sizin üçünüzündür ).

بۇ شەھەر بیز یم هامی میزین دير. ( bu şəhər bizim hamımızındır ).

بۇ يۇرت بیز یم هامی میزیندیر. بۇ يۇرت بیز یم هامی میزین دئگیل می؟ هئچ بیریمیزین

دئگیل می؟ بۇ مملکت بیز یم هامیمیزین دير.

- کلمات مذکور به شرح زیر با تکرار پسوند « ده » و کلمه ربطی « کی » در فرمهای مختلف

به کار گرفته می شوند: بیر بیریمیزینکی نده کی. ایکیمیزینکی نده کی. و ...

- کلمه بیر بیر با پسوند « da, də » ( حالت از ) و کلمه ربطی « کی » ترکیب می یابد و به شکل

کلمه انعکاسی در می آید و در حالت‌های تصريفی صرف می شود:

حالت تصريفی با پسوند ملکی «د» و کلمه ربطی «کی»	عالئم حالت‌های تصريفی فارسی و ترکی
bir -birimizdəki	بیز بیر بیریمیز د کی
bir -birimizdəkinə	بیز بیر بیریمیز د کی نه
bir -birimizdəkində	بیز بیر بیریمیز د کی نده
bir -birimizdəkindən	بیز بیر بیریمیز د کی ندن
bir -birimizdəkini	بیز بیر بیریمیز د کی نی
bir -birimizdəkinin	بیز بیر بیریمیز د کینین
	یالی——ن آد
	حالت «به»
	حالت «در»
	حالت «از»
	حالت «را»
	پسوند ملکی

- ضمیر شخصی و کلمه «بیر بیر» با پسوند ملکی و تکرار کلمه ربطی «کی» و پسوند «دا»

به شکل زیر ترکیب یافته و در حالت‌های تصريفی به کار گرفته می شوند:

منیمکی نده کی نده، سینیکی نده کی نده، اونونکوندا کی ندا،

بیر بیریمیز د کی نده، ایکی میز ده کینده کینده، اوچوموز ده کینده کینده و ...

- کلمه عددی با پسوند ملکی (ün, i) و کلمه ربطی «کی» ترکیب می یابد و به شکل کلمه

انعکاسی در آمده و در حالت‌های تصريفی به کار گرفته می شود:

حالت فاعلیت	یالی——ن آد {	بیز بیر بیریمیزین کی	biz bir -bir im izin ki
حالت «به»			biz bir -bir im izin kinə
حالت «در»			biz bir -bir im izin kin də
حالت «از»			biz bir -bir im izin kin dən
حالت «را»			biz bir -bir im izin kin i
پسوند ملکی			biz bir -bir im izin ki nin

- ضمایر سوالی «نه، کیم» نیز به شکل کلمه انعکاسی هستند: لطفاً به بخش صرف کلمات سوالی

نیز توجه کنید.

## یخچش هفتام:

### ۱) کلمات ملکی و ضمیر ملکی:

«مال mal» (ثروت، دارائی، حیوان):

کلمه «مال»، با اضافه ملکی «این in» همراه پسوند صرفی «دیر» به شکل سوم شخص مفرد

با مفهوم تعلق داشتن به کارگرفته می‌شود. مثال:

آن مال من است.	o mənim malımdır	او منیم مالیمیدیر
این مال تو است.	bu sənin malındır	بۇ سنین مالینیدیر
آن مال اوست.	o onun malıdır	اوونون مالیدیر

او بیزیم مالیمیز دیر، او سیزین مالینیزدیر، او اونلارین مالیدیر(ماللاریدیر).

- کلمه «مال» به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شود:

سؤال: بۇ يئر كىمىن مالىدیر؟ بۇ اوڭوز كىمىن مالىدیر؟ بۇ ماللار كىمىنديرى(لر)؟

جواب: بۇ يئر منیم مالیمیدیر. بۇ مال حیوانلار منیم مالیمیدیر. بۇ يئرلر منیم دده مالیمیدیر.

- کلمه «مال» همراه کلمه ضمیر انعکاسی «اۆز» نیز به کارگرفته می‌شود:

بۇ اوونون اۆز مالىدیر	بۇ سينین اۆز مالینیدیر	بۇ منیم اۆز مالیمیدیر	a) با کلمه «مال»
بۇ اونلارین اۆز ماللاریدیر	بۇ سیزین اۆز مالینیزدیر	بۇ بیزیم اۆز مالیمیزدیر	
بۇ آغاچلار منیم اۆز مالیمیدیر	بۇ سرمایه منیم اۆز مالیمیدیر	بۇ يئر منیم اۆز مالیمیدیر	
بۇ اوونون اۆزونوندور	بۇ سينین اۆزونوندور	بۇ منیم اۆزونوندور	b) با پسوند
بۇ اونلارین اوزلرینیندیر	بۇ سیزین اۆزونوزوندور	بۇ بیزیم اۆزوموزوندور	ملکی

کلمه «مال» و مفاهیم مختلف آن:

- کلمه «مال» با مفهوم «خرج» و یا «پرداخت»:

بۇ منه مین تۇمنه مال اولوبدور. بۇ منه باھایا مال اولوبدور. او دا سنه چۈخا مال اولوبدور.

اگر گفته شود «او منه بئش تومنه مال اولوبدور.» به این معنی فهمیده می‌شود که آن برای من پنج تومان

خرج برداشته است [خرج کرده ام و یا پرداخته ام].

### - کلمه «مال» با مفهوم «ارثیه»:

اگر گفته شود «بۇ ائو منىم دَدَه مالِيْم دِير». به این معنی فهمیده می‌شود که آن خانه از پدر من ارث رسیده است. اگر پرسیده شود «بۇ سَنِين دَدَه مالِيْنِدِير مِى؟»، جواب داده می‌شود، «بلى بۇ منىم دَدَه مالِيْم دِير». (نفی کلمه: اوْ منىم دَدَه مالِيْم دَئْگِيل.)

### - کلمه «مال» با مفهوم «حیوان» (حیوان):

«مال»، حیوان بزرگ (امثال: گاو، گاویش، کَل) نیز معنی می‌دهد: بۇ قدر مال حیوان کیمیندیر(لر)? بۇ ماللار (مال حیوانلار) کیمیندیر(لر)? ...

- کلمه «مال» به شکل صفت و با مفهوم ابله، بی‌خرد، نادان، حیوان نیز به کارگرفته می‌شود:

اوْ ائله بیل مالدیر. اوْ مال کیی (کیمی) دیر. اوْ بیر مال دیر.

- توجه شود که در زبان فارسی به وسیله «مال»، اضافه ملکی به صورت ضمایر شخصی بیان می‌شود: منیم: مال من. سنین: مال تو. اونون: مال او. و...

### مالیک: (فارسی: مالک)

کلمه «مالیک» در زبان ترکی با مفعول با واسطه «به»، که علامت آن در ترکی حرف اضافه «e ، a » است که به اسم و یا به ضمیر پیوند خورده و صرف می‌شود:

من اُونا مالیکم	mən ona malikəm	بیز اُونا مالیک ایک (بیز مالیکیک)
سن اُونا مالیک سن	sən ona maliksən	سیز اُونا مالیک سینیز (سیز مالیک سینیز)
اوْ اُونا مالیک دیر	o ona malikdir	اونلار اُونا مالیک دیرلر (اونلار مالیک دیرلر)

- کلمه «مالک» به شکل زیر مورد سوال و جواب قرار می‌گیرد:

سؤال: بۇ ائوه کیم مالیک دیر؟ بۇ يئره کیم مالیک دیر؟

جواب: بۇ ائوه من مالیکم. بۇ يئره اوْ مالیک دیر.

- کلمه «مالیک» به شکل زیر در حالتها تصریفی به کارگرفته می‌شود:

مالیک: مالیکه، مالیکدە، مالیکدن، مالیکی، مالیکین و...

کلمه مالیک، همراه اضافه ملکی «این» و «ی»:

۱) بُ ائوین مالیکی کیم دیر؟	۲) کیم بُ ائوین مالیکی دیر؟	۳) کیم دیر بُ ائوین مالیکی؟	سوال
۱) بُ ائوین مالیکی منم	۲) من بُ ائوین مالیکی یم	۳) سن اونون مالیکی سن	جواب

- کلمه مالیک با پسوند ملکی «این» و «ی» به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف

می شود:

من اونون مالیکی یم. سن اونون مالیکی سن. او اونون مالیکی دیر.

- در زبان ترکی کلمه «بی یه سی» نیز با مفهوم «متعلق بودن» به شکل زیر صرف می شود:

بُونون یئیه (بی یه) سی سی کیم دیر؟ بُ ماشینین بی یه سی سی کیم دیر؟ بُ ائوین بی یه سی سی کیم دیر؟

**صاحب sahib: (فارسی: صاحب)**

کلمه صاحب با مفعول با واسطه «به» که در زبان ترکی حرف «ا، ئ» می باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف شده و در جمله به کار گرفته می شود:

صاحب این خانه من هستم.	bu evə mən sahibam.	بُ ائوه من صاحبیام.
صاحب این بره تو هستی.	bu quzuya sən sahibsan.	بُ قوزویا سن صاحبیسان.
صاحب این خانه تو هستی.	bu evə sən sahibsan.	بُ ائوه سن صاحبیسان.
صاحب این گوسفند تو هستی.	bu quyuna sən sahibsan.	بُ قویونا سن صاحبیسان.
صاحب این خانه او است.	bu evə o sahibdir.	بُ ائوه او صاحبیدیر.
صاحب این خانه ما هستیم.	bu evə biz sahibiq.	بُ ائوه بیز صاحبیق.
صاحب این خانه شما هستید.	bu evə siz sahibsınız.	بُ ائوه سیز صاحبیسینیز.
صاحب این خانه آنها هستند.	bu evə onlar sahibdir (lar)	بُ ائوه اونلار صاحبیدیر (لار)

- کلمات مذکور به شکل زیر همراه پسوند ملکی مورد سوال و جواب قرار می گیرند:

بُ ائوین صاحبی کیم دیر؟      بُ ائوین صاحبی منم.      او ائوین صاحبی سن سن.

بُ ماشینین صاحبی کیم دیر؟      اونون صاحبی منم.      بُ ماشینین صاحبی سن اوزون سن.

- کلمه «صاحب» با کلمه سوالی «کیم» و با حالت «به» (در ترکی حرف «ه، a» است)،

همراه پسوند صرفی «دیر» به شکل زیر صرف می شود:

سوال: بُو ائوه کیم صاحب دیر؟ بُو ماشینا کیم صاحب دیر؟ جواب: اونا من صاحبیام

سوال: بُو ائوبن صاحبی کیم دیر؟ بُو ماشینین صاحبی کیم دیر؟ جواب: بُو ماشینین صاحبی منم؟

- کلمه «صاحب» در جواب سوال «کیم صاحب دیر» (کی صاحب است)، به شکل زیر

(با مفهوم من صاحب آن هستم) به کارگرفته می شود: (کیم اونون صاحبی دیر.)

من اونون صاحبی یام	سن اونون صاحبی سان	او اونون صاحبی دیر
بیز اونون صاحبی بیق	سیز اونون صاحبی سینیز	اونلار اونون صاحبی دیر(لار)

صاحب به دو شکل نوشته می شود:

۱) من اونون صاحبی یام. ۲) من اونون صاحبیم.

- کلمه صاحب با کلمه سوالی «کیم»، «حالت به» و پسوند صرفی «دیر» به شکل زیر

صرف می شود:

بُونا کیم صاحب دیر؟ اونا کیم صاحب دیر؟ اونلارا کیملر صاحب دیر (لار).

- صرف کلمه با علامت «حالت به» (a): (کیم اونا صاحبی دیر).

من اونا صاحبیام	سن اونا صاحبیسان	او اونا صاحب دیر
بیز اونا صاحبیق	سیز اونا صاحبی سینیز	اونلار اونا صاحبی دیر لار

- از اینکه آخرین حرف صدادار «صاحب saheb» با آهنگ بالائی است، پسوند آن با حرف

صاددار با آهنگ بالائی نیز صرف می شود:

من صاحبیم	sahebəm	سن صاحبیسن	sahebsən	او صاحب دیر	sahebdır
بیز صاحبیک	sahebik	سیز صاحبی سینیز	sahebsiniz	اونلار صاحب دیر لر	sahebdirlər

با حرف «ا»: من اونا صاحبیم، من بُو کیتابا صاحبیم، سن اونا صاحبی سن، او اونا صاحب

دیر، بیز اونا صاحبیک، سیز اونا صاحبی سینیز، اونلار اونا صاحبی دیر (لر).

### مالیکیت: malikiyət (فارسی: مالکیت)

کلمه مالیکیت، به وسیله تکرار دو باره ضمیر ملکی همراه پسوند حالت تصريفی « در » (که در زبان ترکی حروف « ده » و یا « دا » می باشد) با پسوند صرفی « دیر » به شکل سوم شخص مفرد صرف می شود. مثال:

bu ev kimin malikiyətindədir?	بۇ ائو کیمین مالیکیتیندە دیر ؟	سوال
bu ev mənim malikiyətimdədir.	بۇ ائو منیم مالیکیتیم ده دیر.	
o maşın sənin malikiyətindədir.	او ماشین، سنین مالیکیتین ده دیر.	جواب
o maşın onun malikiyətində dir.	او ماشین اوونون مالیکیتین ده دیر.	

او بیزیم مالیکیتیمیز ده دیر. او سیزین مالیکیتینیزدە دیر. او اونلارین مالیکیتیندە دیر.

- اگر کلمه سوالی با پسوند ملکی و یا با پسوند حالت تصريفی (در) به کار گرفته شود، جواب آن نیز با پسوند ملکی و با حالت « در » بیان می شود:

بۇنون مالیکیتی کیمین دیر؟	بۇنون مالیکیتی کیمین دیر؟	سوال
بۇ سرمایه لرین مالیکیتی کیملرده دیر؟	بۇنون مالیکیتی کیمده دیر؟	
بۇ ائولرین مالیکیتی اونلار دا دیر.	اونون مالیکیتی منیم دیر.	جواب
اوونون مالیکیتی منیم دئگیل می؟	اوونون مالیکیتی منیم دئگیل می؟	نفي

### ۲) کلمه « وار var »، « یوخ yox » و پسوند ملکی:

(a) کلمه « وار » معنی فعل « داشتن » را می دهد؛ کلمه « وار » از ریشه مصدر « وارماق » (به مقصد رسیدن) است، که با مفاهیم مختلف به کار گرفته می شود:

biz varıq	واریق	بیز	mən varam	وارام	من
siz varsınız	وارسینیز	سیز	sən varsan	وارسان	سن
onlar vardırlar	واردیرلار	اونلار	o var (dır)	وار (دیر)	او

بۇ ایشده منده وارام. (در این کار من هم هستم). بۇ ایشده منیم ده آلیم وار. (من وارام: من هستم)

**با مفهوم هستن:** من ده بۇرادا وارام. (من هم در اینجا هستم).

هله لیک من بۇرادا وارام. (هله لیک من بۇرادام).

**با مفهوم داشتن، موجود بودن:**

منده باش آغريسى وار. (من سردرد دارم).

منده قارین آغريسى وار. (من شکم درد دارم).

من ده بىر كىتاب وار. (من يك کتاب دارم).

اۇندا پول وار (دىرى). بىزىدە مىداد وار(دىرى).

**«وار» با ضمير ملكى به شكل زير با مفهوم «داشت» صرف مى شود:**

منىم وارىم (دىرى)، سنين وارين (دىرى)، اۇنون وارى (دىرى)، بىزىم واريمىز (دىرى)،

سېزىن وارينىز (دىرى)، اۇنلارين وارلارى (دىرى).

**«وار» با پسوند «لى» با مفهوم دارائي (سرمايه) داشتن:**

«وارلى» (ثروتمند بودن ، سرمایه دار بودن ، سرمایه داشتن) به شكل زير برای ضمایر

شخصى صرف مى شود:

من وارلى يام ، سن وارلى سان ، او وارلى دىرى ، بىز وارلى يىق، سىز وارلى سىنىز،

اۇنلار وارلى دىرى(لار)

مفاهىم مذكور به شكل زير در جمله به كارگرفته مى شوند:

او وارلى آدام دىرى. اۇنون وارى چۇخدور. اۇنون واريۇخو بىر ماشىن دىرى.

اۇنلار چۇخ وارلى دىرلار. اۇنلار وارلى دىگىل(دىئگىل) لر. و...

- **كلمه «وار» و تكرار آن با پسوند مخفف شده ملكى (in) با مفهوم دارائي داشتن:**

منىم وارىم وار (دىرى)	سنин وارين وار (دىرى)	اۇنون وارى وار (دىرى)
بىزىم واريمىز وار(دىرى)	سېزىن وارينىز وار (لار)ى وار (دىرى)	اۇنلارين وار (لار)ى وار (دىرى)

نفى با كلمه يۇخ: منىم وارىم يۇخ ، سنين وارين يۇخ ، اۇنون وارى يۇخ و...

نفى با پسوند «سېز»: من وارسېزام. (من بدون دارائي هستم). سن وارسېز سان. و...

- کلمه «وارماق» مصدری است، که با مفهوم «به مقصد رسیدن» به شکل فعل صرف می‌شود:

من بُو گون تهرانا وارارام. (من امروز به تهران می‌رسم [تغییر مکان دادن].)

وارماق(رسیدن)، بیرونیه وارماق (در جائی حاضر شدن، به جائی رسیدن).

من ساعات سکیزده تبریزه واردیم. (رسیدم، آمدم، وارد شدم)

من بُو گون اوْرایا (اورا) وارارام. (من امروز در آنجا حاضر هستم [می‌شوم].)

**کلمه «وار» همراه تکرار اضافه ملکی:**

پسوند ملکی یک بار به شکل «منیم» و یک بار دیگر به شکل «ائویم» تکرار می‌شود:

اوْنون بیرونیه وار (دیر)	سنین بیرونیه وار (دیر)	منیم بیرونیم وار (دیر)
اوْنلارین بیرونیه وار (دیر)	سیزین بیرونیه وار (دیر)	بیزیم بیرونیم وار (دیر)

- فعل «وار»، از ریشه مصدر «وارماق» است، که همراه پسوند «لیق» به اسم تبدیل می‌شود. («وارلیق»: هستی، هستی داشتن، موجودیت داشتن، موجود بودن)

- ضمیر شخصی با پسوند «ده، دا» (با حالت مفعول «در») و کلمه «وار» ترکیب می‌یابد و با مفهوم «چیزی داشتن و یا مالک چیزی شدن» در فرم سوم شخص مفرد (و در مواردی با پسوند «دیر») به کارگرفته می‌شود:

onda var (دیر)	səndə var (دیر)	مnde وار (دیر)
onlar da var (دیر)	sizdə var (دیر)	bizdə var (دیر)

- در رابطه با کلمه «وار» و پسوند «ده» به چند قطعه شعر زیر توجه کنید:

قدین کیمی ستوده صنوبر نه بیرونیه وار «حقیقی»:

عنبر فشان ساچین کیمی عنبر نه بیرونیه وار

حسنون بیاضینا دوشہ لی دانه ی سیاه

بُو طور ایچینده حال مَدَّ ور نه بیرونیه وار

مظفر شبستری: عاشق گلیل سازی وار غمze سی وار نازی وار

هر باهارین بیر قیشی، هر قیشین بیر یازی وار.

### کلمه «وار، همراه کلمه سوالی «نه»:

کلمه سوالی «نه» با کلمه «وار» ترکیب می‌یابد و به شکل کلمه سوالی «نه وار» با مفهوم

«چه است [هست]» به کارگرفته شده و با کلمه «یوخ» نفی می‌شود:

- سؤال: سنده نه وار (دیر)? کیمده نه وار (دیر)? سنده یوخ (دور) مو؟

- جواب: منده بیر کیتاب وار (دیر). منده جوراب وار (دیر).

منده هئچ بیر شئ یوخ (دور). منده ده هئچ زاد یوخ (دور).

منده کیتاب یوخ (دور) مو؟ بیو، یوخ دور. منده یوخ (دور).

- کلمه «یوخ»، کلمه نفی است که «هستن، داشتن» را نفی می‌کند:

کلمه نفی «یوخ» فعل نیست، ولی در مواردی با پسوند صرفی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال: (با مفهوم «من نیستم.»)

o yox ( dur ) او	sən yoxsan سن یوخ سان	من یوخام
onlar yoxdurlar اونلار یوخدۇلار	siz yoxsunuz سیز یوخسونۇز	بیز یوخوق

- کلمه نفی «یوخ» با پسوند ملکی و پسوند صرفی به شکل سوم شخص مفرد به کارگرفته می‌شود:

منیم یوخومدور، سنین یوخوندور، اونون یوخودور و...

- کلمه «یوخ» را می‌توان با پسوند «لا» به فعل و با پسوند «ماق» به مصدر تبدیل کرد و به شکل کلمه «یوخلاماق» در آورد و (با مفهوم «امتحان، آزمایش، بررسی و مقایسه کردن وزن اشیاء و...») صرف کرد. مثال:

یوخلاماق، یوخلایرام، یوخلارام، یوخладیم و...

- در فرم شرطی: من یوخسام، سن یوخسان، او یوخسا، بیز یوخساق، سیز یوخسانیز و...

- کلمه «وار» به وسیله پسوند «سیز» نفی می‌شود. مثال: (من بدون مال و ملک ، فقیر هستم)

من وارسیزام ، سن وارسیزسان ، او وارسیزدیر ،

بیز وار سیزیق ، سیز وار سیز سینیز ، اونلار وار سیز دیرلار.

- نفی کلمه «وار» با کلمه دئگیل به کار گرفته می شود:

من وار لی دئگیل	من وار لی دئگیل (دیل)	سن وار لی دئگیل (دگیل) سن	او وار لی دئگیل (دیل)
بیز وار لی دئگیلیک	سیز وار لی دئگیل سینیز	سیز وار لی دئگیل دیرلر	اونلار وار لی دئگیل

(نفی کلمات در ترکیبات یوخ اولماق، یوخلوق، یوچ ائدمک نیز بیان می شود.)

دگیل در فرم شرطی: دگیلسم، دگیلسن، دگیلسه، دگیلسک، دگیلسه نیز، دگیلسه لر

نحوه به کار گیری کلمه سوالی «نه» همراه اضافه ملکی و کلمه «وار، یوخ»:

کلمه سوالی «نه» (چه)، کلمه ای است که برای اشیاء به کار گرفته می شود، ولی اگر آن با

کلمات «وار» و «یوخ» همراه باشد، در رابطه با اشخاص نیز مورد استفاده قرار

می گیرد. مثال: (نه وار- نه یوخ: چه کسی و یا چه چیزی داری.)

- کلمه سوالی «نه بین وار» به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

منیم نه بیم وار؟ mənim nəyim var? (من چه چیزی و چه کسی را دارم?)

سین نه بین وار؟ sənin nəyin var? (تو چه چیزی و چه کسی را داری?)

اونون نه بی وار؟ onun nəyi var? (او چه چیزی و چه کسی را دارد?)

بیزیم نه بیمیز وار؟ سیزین نه بینیز وار؟ اونلارین نه بی (نه لری) وار؟

- به تجزیه کلمه «نه بین وار nəyinvar» که از چهار بخش تشکیل یافته است توجه کنید:

۱) نه nə : کلمه سوالی،

۲) ی y : حرف تکمیلی که در صرف بین دو حرف صدادار قرار می گیرد،

۳) این in : اضافه ملکی،

۴) وار var : فعل «هستن و داشتن» می باشد.

- نه در فرم شرطی: نه ایسم، نه ایسن، نه ایسه، نه ایسه ک، نه ایسه نیز، نه ایسه لر

- در مقابل کلمه سوالی «نه بین وار? nəyin var?» جواب داده می شود:

منیم بیر قارداشیم و بیر باجیم وار. (mənim bir qardaşım və bir bacım var.)

سین بیر عمین وار. اونون بیر بیبیسی وار. بیزیم بیر دایی میز وار.

سیزین ایکی خالانیز وار. اونلارین اوچ قارداشی و ایکی باجیسى وار. سنین بیر ماشینین و بیر ائوین وار.

(sənin bir maşının və bir evin var.)

- کلمه سوالی «کیم» همراه «وار» به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

سؤال: منیم کیمیم وار؟ mənin kimim var? (من چه کسی را دارم?)

سنین کیمین وار؟ sənin kimin var? (تو چه کسی را داری?)

اونون کیمی وار. بیزیم کیمی میز وار. سیزین کیمی نیز وار. اونلارین کیملری وار.

منیم بیر قارداشیم وار. سنین بیر باجین وار. اونون بیر اوغلو وار.

استفاده از کلمات «یوخ» به عنوان نفی «وار»:

دو کلمه «وار» و «یوخ» در رابطه با اشخاص و اشیاء به کار گرفته می‌شوند. مثال:

- اگر پرسیده شود «سنین نه بین وار؟» «sənin nəyin var?»

در جواب گفته می‌شود: «منیم هئچ نه بیم [بیر زادیم] یوخدور». «mənim heç nəyin var?»

(a) اگر از جملات «سنین نه بین وار»، منظور شخص باشد، بهتر است که جواب به شکل زیر بیان شود:

منیم هئچ بیر کیمیم (کسیم) یوخدور. (mənim heç bir kimim (kəsim) yoxdur.)

منیم بی بیم (عمه م) یوخدور. . mənim bibim(əm-məm) yoxdur. (من عمه ندارم)

منیم هئچ کسیم یوخدور. منیم بیر کسیم یوخدور. منیم بیبیم یوخدور.

(b) اگر از جمله مذکور منظور بیان «شیء» باشد، بهتر است که به شکل زیر بیان شود:

منیم هچ بیر شیء بیم یوخدور. (mənim heç bir şeyim yoxdur.)

منیم ائویم یوخ دور. (mənim evim yoxdur.)

منیم قارقا قۇنار بیر آغاچیم یوخدور. منیم کیتابیم یوخدور. سنین ائوین یوخدور.

منیم هئچ بیر زادیم یوخدور. (mənim heç bir zədim yoxdur.)

کلمه «وار یوخ»:

دو کلمه «وار» و «یوخ» به شکل «وار یوخ» ترکیب می‌یابد و با مفهوم «همه چیز» به کار گرفته می‌شود.

«واریوخ» به جای اسم بدلی با مفهوم «هستی نیستی» و یا همه «چیز» و همه «کس» صرف می‌شود. مثال:

بۇ اوشاق منىم وار يۇخومدور. ( bu uşaq mənim varyoxumdur. )  
منىم واریوخوم بۇ بیر قارداشيم دير. بۇ قۇجا نه منىم بۇ دۇنيادا واریوخوم دور.  
- واریوخ به جای اشیاء و یا دارائی:

( bu ev mənim varyoxumdur.)  
بۇ ائو منىم واریوخوم دور.  
بۇ ماشین منىم واریوخومدور. بۇ ائو بىزىم واریوخوموزدور.

ضمیر شخصی با حروف اضافه «دە»، همراه کلمه «وار» و یا «یوخ»:

نژد من يك کتاب است.	məndə bir kitab var (dır). منده بیر کیتاب وار ( دیر ).
نژد تو يك کتاب است.	səndə bir kitab var ( dır ). سنده بیر کیتاب وار ( دیر ).
نژد او يك کتاب است.	onda bir kitab var (dır). اوңدا بیر کیتاب وار ( دیر ).

- بىزىدە بیر کیتاب وار. سىزىدە بیر کیتاب وار. اوñلاردا بیر کیتاب وار.  
توجه شود که در جملات مذکور صاحب کتاب مشخص نیست.  
وار در شکل شرطی: وارسام، وارسان، وارسا، وارساق، وارسانىز، وارسالار و ...

کلمه «یوخ» به شکل زیر صرف می‌شود:

در پیش من کتابی نیست.	məndə kitab yox (dur). منده کیتاب يۇخ ( دۇر ).
در پیش تو کتابی نیست.	səndə kitab yox (dur). سنده کیتاب يۇخ ( دۇر ).
در پیش او کتابی نیست.	onda kitab yox (dur). اوңدا کیتاب يۇخ ( دۇر ).

بىزىدە کیتاب يۇخ ( دۇر ). سىزىدە کیتاب يۇخ ( دۇر ). اوñلاردا کیتاب يۇخ ( دۇر )

کلمه «یوخ» با تکرار پسوند ملکی: ( من کتابی دارم )

اوñون کیتاب يۇخودور	سىنин کیتاب يۇخوندور	منىم کیتاب يۇخومدور
اوñلارىن کیتاب يۇخولاريدور	سىزىن کیتاب يۇخونوزدور	بىزىم کیتاب يۇخوموزدور

اگر گفته شود «منىم کتابىم يۇخدور.»، «کتاب من نیست» معنی می‌دهد.

اگر گفته شود « منده کیتاب یۇخدۇر » به مفهوم « در پیش من کتاب نیست » معنی می دهد.

**كلمه « وار » و « يۇخ » همراه تکرار ضمیر ملکی:**

كلمه « وار » با تکرار ضمیر ملکی به کار گرفته می شود. مثال:

اوونون کیتابىي وار ( دير )	سەنین کیتابىين وار ( دير )	منىم کیتابىيم وار( دير )	وار
اونلارين کیتابىي وار ( دير )	سېزىن کیتابىينىز وار( دير )	بىزىم کیتابىيمىز وار( دير )	
اونلارين کیتابىي يۇخ ( دۇر )	سېزىن کیتابىينىز يۇخ ( دۇر )	بىزىم کیتابىيمىز يۇخ ( دۇر )	يۇخ

- اگر جملات مذکور با پسوند ملکی بیان شوند، طبق معمول جواب آنها نیز با پسوند ملکی به کار گرفته می شوند. مثال: ( در پیش من کتاب است [ موجود است ] .)

bizim ev varımızdır.	بىزىم ائو وارىمىزدىر.	mənim kitab varımdır..	منىم کیتاب وارىمدىر..
sizin ev varınızdır.	سېزىن ائو وارىنىزدىر.	sənin kitab varındır.	سەنین کیتاب وارىندىر.
onların evləri var (dir).	اونلارين ائولرى وار ( دير ).	onun kitab varıdır.	اوونون کیتاب وارىدىر.

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله با پسوند « ده » ربطی در فرمهای مختلف به کار گرفته می شوند: ( سىزدە ده کیتاب وار .)

اوونوندا بۇ کیتابدان وارىدىر	سەنین ده بۇ قىلدان وارىندىر	منىم ده اوْ کیتابدان وارىمدىر	۱
اونلارين دا کیتابلارى وار(دېر)	سېزىنده کیتابىينىز وار(دېر)	بىزىمده کیتابىيمىز وار( دير )	۲
اوونون دا کیتابىي وار ( دير )	سەنین ده کیتابىين وار ( دير )	منىم ده کیتابىيم وار ( دير )	۳

**اشکال مختلف نفی با کلمه « يۇخ » با ضمیر ملکی و پسوند ربطی:**

اوونون دا قلم يۇخودور	سەنین ده پۇل يۇخوندور	منىم ده کیتاب يۇخومدور	۱
اوونون دا کیتابىي يۇخودور	سەنین ده پۇلون يۇخوندور	منىم ده کیتابىيم يۇخومدور	۲
بىزىمده اوندان يۇخوموزدور	اوونوندا بۇ کیتابدان يۇخوندور	سەنین ده بۇ قىلدان يۇخوندور	۳

منىم ده ئويم يۇخومدور.

سېزىن پولونوز يۇخوموزدور ( يۇخدور ). ...

**یخچش هشتگم:** (کلمات مختلف وصفی، قیدی و ربطی و پسوندی)

## ١) صفت و انواع مختلف آن:

صفت کلمه‌ای است که خصوصیات، کیفیت، رنگ، بزرگی، زیبائی و... اسم را در جمله بیان می‌کند.

کلمات صفتی همچون سایر کلمات ساده، ترکیبی و مرکب می‌باشد:

(a) کلمه ساده صفتی، کلمه توصیفی است که یک عضو دارد و با کلمه دیگری ترکیب نیافته است. مثال:

فارسی	ترکی
کوچک	Kiçik      کیچیک
راست	düz      دوز
نازک	nazik      نازیک
تازه	yeni      یعنی
جوان	gənc      گنج
سبز	yaşıl      یاشیل
بد	pis      پیس
ابله	sefəh      سئفنه
بالغ	pürüvüz      پئرئوؤز
نابالغ	körpə      کئرپه
دیوانه	dəli      ڈلی

فارسی	ترکی
بزرگ	böyük بُرْيُوك
کوتاه	qısa قیسا
گنده	yekə یئکە
ریز(کوچک)	cıqılı جیقیلی
خوشگل	gözəl گۆزل
زشت(بدگل)	çırkin چیرکین
قشنگ	qəşəng قشنگ
زشت	kifir کیفیر
بلند	uca اوچا
کوتاه	alçaq آلچاق
دراز	uzun اوژون

- کلمات صفتی ساده به اشکال زیر به کار گرفته می‌شوند:

با غ بئو يو كدور. قيز گوزلدير. داغ او جادير. او شاق كئوريه دير. چيمن ياشيل دير.

او بئیوک باغ. بیر گؤزل قیز. بیر اوْجا داغ. ایکی کؤرپه اوْشاق. یاشیل چیمن. و...

b) صفت ترکیبی، کلمه ای است که از دو بخش تشکیل می‌یابد؛ بخش اول آن کلمه و قسمت آخر آن پسوند می‌باشد. مثال:

عاغیللی، تبریزلی، قورخولو، کرملى، صفالی، عاغیلسیز و...

اوْ عاغیلی دیر. سن تبریزلی سن. چیمن صفالی دیر. اوْ عاغیلسیز دیر.

c) صفت مرکب، کلمه ای است که از دو و یا چند کلمه ترکیب می‌یابد. مثال:

چوْخ ياخشى، چوْخ گؤزل، آن بئیوک، لاب اوْجا، اوْم اوْجا و...

اوْ چوْخ ياخشى آدامدیر. لاله چوْخ گؤزل بیر قیزدیر. بُو داغ آن بئیوک بیر داغ دیر.

کلمات صفتی از لحاظ دستوری با مفاهیم و نامهای مختلف زیر به کار گرفته می‌شوند:

صفت رتبه ای، کلمه ای است که رتبه و مقام کسی و یا شئ را بیان می‌کند. مثال:

سرین سوْ sərin su (آب خنک)، پۇللو (پۇل لى) آدام. pullu (pullı) adam.

عاغیللی قادین (ağılılı qadın)، سئفعئح کیشى (sefəh kişi)، اوْجا ائو (uca ev) و...

### صفت تشبیهی ، oxşar sıfatlar

صفتی است که دو کلمه و یا دو جمله را در مقابل هم قرار داده و آنها را با یکدیگر در مقام مقایسه قرار می‌دهد. مثال:

کیبی، کیمی، قدر، دن، دان، ائله، ائله بیل، میثال،

دییه سن، بنزرا و...

کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شوند.

بُو قیز دئیه سن چیچکدیر. qız deyəsən ciçəkdir (این دختر مثل یک دسته گل است).

بُو اوْغلان پەھلوان کیمی (کیمی) دیر. (bu oğlan pəhləvan kimidir.)

اوْ فیز ائله بیل مارال دیر. (آن دختر مثل آهوست.)

یاشار احمد کیبی [کیمی] پیس آدام دئگیل (دیر). قۇزو قۇیون قدر گۈك دئگیل (دیر).

نادر علی دن یېیین دیر. (نادر از علی تندتر است). قۇزى قۇیوندان یېییمچیل دیر.

صفت وصفی، کلمه ای است که کسی و یا شئ ای را توصیف و تعریف می‌کند. مثال:

آغ، قارا، ياشيل، بئويك، زۇر، چىچىك، گۈزىل و...

كلمات مذكور به شكل زير در جمله به كارگرفته مىشوند:

او قىز گۈزىل دير. بۇ كىشى ياشلى دير. بۇ يارپاق ياشيل دير. بۇ ائو بئويك دور و...

اگر كلمه مركب وصفى با اسم به شكل يك كلمه خوانده شود ، اسم عام محسوب مىشود ،

ولى اگر جدا از هم بيان شود، كلمه اولى به شكل صفت بيان مىشود. مثال:

ياشيل يارپاق yaşılyarpaq ( برگ سبز )، قارلى داغ dağ qarlı ( كوه پربرف ) قۇرو

اوت، ياش اوت، سۇلو آلما، گۆرى يارپاق، بئويك آدام، چىچىك اوغانان، قارا توك، آغ

ساقىچ، آغ ساقال، قارا توكلو اوغانان، ساقچلى قىز، ياشلى قارى و...

صفت برتى، كلمه اي است كه برتى بودن صفتى را نسبت به هم شكلهای خود بيان مىكند.

صفت برتى به سه نوع گوناگون بيان مىشود:

يىك) صفت مطلق

دو) صفت تفضيلي

سه) صفت عالي

- صفت مطلق،

صفت مطلق ، كلمه اي است كه خوب و بد و زيبا و زشت بودن اسم را بيان مىكند. مثال:

ياخشى ( خوب )، پيس ( بد )، بئويك ( بزرگ )، چىچىك ( كوچك ) و...

- كلمات صفتى در جملات مختلف به شكل زير با پسوند صرفى « دير » صرف مىشوند:

bu kişi, yaxşı adamdır.	بۇ كىشى، ياخشى آدام دير.
bu qız gözeldir.	بۇ قىز گۈزىل دير.
bu dağ böyükdür.	بۇ داغ بئويك دور.
bu uşaq ondan yeyin yeriyor.	بۇ اوشاق، اوندان يېيىن يېرىيىر.

بۇ ايش چتىندير. بۇ يۇل اوزوندور. بۇگون سؤيوقدور. بۇ اوشاق چىچىكدىر.

بۇ قىز اوندان چىچىكدىر. او جوز ميوه. باهالى كىتاب. سارى گول.

### - صفت تفضیلی،

کلمه ای است که همراه حروف اضافی « دان » ( دن )، « داها »، « راق » و « لاب » به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شود. مثال:

a) حروف اضافه « دان » در جمله به اسم متصل شده و کلمه صفتی نیز به دنبال آن بیان می‌شود، ولی جدا از آن نوشته شده و با هماهنگی کوچک ( a,ə ) صرف می‌شود. مثال:

بۇ قىز، اوْ اوْغىلاندان ياخشى درس اوْخويور. ( bu qız, o oğlandan yaxşı ders oxuyur.)  
بۇندان گۈزىلدىر. بۇ اوندان اوْجادىر. بىز اونلارдан ياخشى دئگىلىك.

سيز بىزدن آزىزىنىز. اونلار سىزدىن آزدىلار. اوْ بۇندان ياخشى دىرى...

b) حروف اضافی « داها » جدا از کلمات دیگر نوشته می‌شود، ولی حروف « دن، دان » به اسم می‌پیوندد. مثال: ( انار از سیب شیرین تر می‌شود.)

nar آلمadan داها شیرین اولار. ( nar almadan daha şirin olar.)

بۇ داغ، اوْ بىرى داغلارдан داها اوْجا دىرى. ( bu dağ o biri dağlardan daha ucadır.)

c) کلمه « راق » به شکل پسوند به کلمه صفتی پیوند می‌خورد و با پسوند صرفی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود: ( اين کوه از آن يكى‌ها بلند تر است.)

بۇ داغ اوْبىرى (سى) لردىن اوْجاراقدىر. ( bu dağ o biri(si) lerdən ucaraqdır.)

بۇ چىمن، اوْ چىمندىن گۈزىل راقدىر. ( bu çimən, o çiməndən (çiməndən) gözəlraqdır.)

بۇ ماشىن اوْندان باھاراقدىر. بۇ اوندان اوْ جوزراقدىر.

توجه: معمولاً در محاوره به ویژه در آذربایجان جنوبی و سایر مناطق ترک نشین ایران،

کلمه اضافی « راق » را صرف نمی‌کنند و به جای آن حروف اضافه « لاب » را به کار می‌گیرند. مثال:

اوْ لاب اوْجادىر. بۇ لاب آلچاقدىر. لاب لاب اوْجا. اوْم اوْجا.

d) « لاب »، به دنبال اسم، ولی جدا از آن نوشته شده و پشت سر آن نیز کلمه صفتی به شکل زیر به کارگرفته می‌شود. مثال:

بۇ آغاچ لاب اوْجا دىرى. bu ağaç lap ucadır. ( اين درخت خيلى بلندتر است.)

سنهن داغى لاپ چۇخ اوْجا بير داغ دير. (səhənd dağı lap çox uca bir dağdır.)

كوه سنهن، كوه خيلي بلندترى (بلندى) است.

بۇ يۇل لاپ اوْزوندور. اوْ ائو لاپ چىكىدىر. اوْ آغاج لاپ اوْجادىر.

- در مواردى، چند کلمه صفتى در کنار اسم به کارگرفته مىشود، كه آن درجه بالاتر بودن و با تعصب بودن آن را نشان مىدهد. مثال:

چۇم چۇخ، لام لاپ، اوْم اوْزون، سۇم سۇيوق، لاپ اوْم اوْجا بير داغ. گوم گوزل بير گولو چىمن. (کلمه مخفف شده در جلوى کلمه اصلى به کارگرفته مىشود.) و ...

- صفت عالي به وسيله حروف «آن an ، آن an » ساخته مىشود:  
حروف «آن» جدا از کلمه ما قبل خود نوشته شده و جلوى کلمه صفتى به کارگرفته مىشود.  
براي ساختن صفت عالي مىتوان از کلمه «بير» و چۇخ نيز استفاده كرد. مثال:

سنهن آذربايچانين آن بئويك بيردايىدىر. (səhənd azərbaycanın an büyük birdağıdır.)

بۇ ائو شهرىن آن اوْجا (بير) ئويىدىر. (اين خانه بلند ترین خانه شهر است .)

(bu ev şəhərin an uca (bir) evidir.)

علامت صفتى «آن» به شكل زير در جلوى اسم به کارگرفته مىشود. مثال:  
آن چىچىك آغاج، آن ياشىل چىمن، آن باها ماشىن ...  
- توجه شود كه کلمه «آن» استثنائى بودن و مفهوم کلمه «استثناء» را نيز مىرساند. مثال:  
آن باها بير ائو. آن گۈزىل بير قىز. ...

- در رابطه با علامت «آن» به شعر زير توجه كنيد:

محمد راحم:

تۇخونمايمىن سىز اوْنا تىلى لر ھەدر دير،      وطن دردى، ائل غمى آن مقدس كدردى!

توجه: صفت عالي را به وسيله کلمه «عالي»، «يوكسك»، «دان» نيز ييان مىكنند. مثال:

بۇ چۇخ عالي دير. بۇ بير يوكسلىق مقامىدىر. اوْ هاميسىندا ياخشى دير.

صفت به شكل فاعلى ( فعل فاعليت صفتى، صفت تشبيه)، کلمه اي است كه به شكل فعل

همراه پسوند «آن، آن» بیان می شود و صفت و حالت فاعل را در خود انعکاس ( فعل در فاعل و فاعل در فعل) می دهد. مثال:

گلن آدام، گولن قیز، دانیشان اوغلان و ...  
وۇرولان قوش، يېشىل چئرك، گۈرۈل آدام و ...

صفت لیاقت، کلمه ای است که با پسوند « ملی ، مالی» ساخته می شود و آن لیاقت و کار آنجی اسم را می رساند. مثال:

بۇ موزە گۈرملى دیر. او آلمalar يىملى دیر(لر). و ...

علامت « ملی» و « مالی» در جمله به جای فعل الزامی نیز به کار گرفته می شود. مثال:  
من گلملی يم ( آمدن من الزامی است. من باید بیایم).  
من آلمالی يام ( آمدن من الزامی است).

صفت و قید تعجبی، کلمه ای است، که تعجب را بیان می کند:  
پى، عجب، نه جور؟ نقدر؟ بۇ عجب آدام دیر! بۇ نه جور آدام دیر؟

صفت تکراری، کلمه مرکبی است، که از ترکیب دو کلمه تشکیل می یابد و کلمه اول آن مخفف شده و یا تکرار می شود. مثال:

قاب قارا، يام ياشىل، گۈم گۈرى، ساپ سارى و ...

توجه شود که حرف صدادار کلمه اول عمدتاً تکرار حرف صدادار کلمه دوم می باشد.

صفت تکراری، به شکل زیر در جمله به کار گرفته می شود. مثال:

کوه خیلی خیلی بلند.	لام لاب اوْجا بير داغ. lam - lap uca bir dağ .
سفید سفید مثل برف.	آغ آپاڭ قار كىمىي(كىيى). aq -apaq qar kimi.
همچون موی سیاه سیاه.	قاپ قارا ساچ كىمىي(كىيى). qap - qara saç kimi .

اۇم اوْجا بير آغاچ. يام ياشىل بير چىمن. گۈم گۈزل ساچ. و ...

با وجودی که صفت تکراری قبل از کلمه صفتی به کار گرفته می شود، ولی حرف صدادار آن با

حروف صدادار سیلاپ اول کلمه صفتی هماهنگ می باشد. برای مثال کلمه «یام یاشیل yaşııl» را در نظر بگیریم که حرف صدادار آن (yam) با اولین حرف صدادار «یاشیل yaşııl» هم شکل و هماهنگ می باشد. مثال:

یام یاشیل yamyaşııl ، قاپ قارا qapqara ، قوپ قورو qupquru ، گؤم گئی gömgöy ، قیپ قیرمیزی qıpqırmızı ، ایم ایسی ...

- در مواردی ، صفت تکراری را بعد از کلمه اصلی به کار می گیرند، که در آن کلمه اول به شکل اصلی خود و کلمه دوم به اشکال مختلف بیان می شود، اما حرف صدادار هر دوی آنها هم شکل و با هماهنگی به کار گرفته می شود. مثال:

آغ آپاغ، قورو مورو، ایکی میکی، بئش مئش، دوز موز، گول مول و...

- کلمه صفتی با کلمه نفی «دَگِيل» به شکل زیر نفی می شود. مثال:

بُو ائو گۆزل دئگیل (دیر). بُو ائو بؤییوک دَگِيل (دیر). او ائو یام یاخین دَگِيل (دیر). او اوْم اوْجوز دَگِيل (دیر). او بام باها دَگِيل (دئگیل). و...

- صفت را می توان به شکل کوچک کردن اسم و کلمه نیز به کار گرفت. مثال:

چىچىك ائو، جىقىلى ائو، آلچاق آغاچ، آلچاق دام، سئفع آدام، سئفع سوز و...

صفت كثري: يوزده بير، اوچده بير، دئرتده بير، بئش ده بير و...

صفت نسبی، صفتی است که اهليت و نسييت کسى و يا شىء را بیان می کند. اين صفت به دو شکل زیر صرف می شود:

۱) شکلی که با پسوند ملكی «in» صرف می شود:

ساوا نين(ساوه نين) ناري شيرين او لار savanın narı şirin olar. (انار ساوه شيرين می شود.)

بُو آغاچين آلماسى شيريندир.. bu ağacın alması şirindir. (سیب این درخت شیرین است.)

(Səttarxan bizim xalqımızın oğludur.). او منيم ددم دير. o mənim dədəm dir.

او منيم بالامدير. (o mənim balamdir.)

۲) شکلی که با پسوند ملكی «i» (با هماهنگی بزرگ به شکل «u, ü, i, ï») صرف

می شود و...) در فرم سوم شخص مفرد به کارگرفته می شود:

ساوا (ساوه) ناری شیرین اولار. sava narı şirin olar. (انار ساوه شیرین می شود.)

بۇ آغاج، آلما آغاجى دىر.. ağaç, alma ağaçıdır.. (این درخت، درخت سیب است)

بۇ آغاج گوللودور. بۇ گول يارپاقلى دىر. ...

كلمات مرکبی که به شکل صفت به کارگرفته می شوند:

صفت مرکب:

قارا گۆز قىز، گئى گۆز اوغلان، شئور گۆز آدام، آغ ساقال كىشى ...

- تركيب عدد با اسم به شکل صفت:

ايکى قاپىلى ائو، دئورت طبقه ائو، اوڭ طبقه لى ائو ...

- تركيب يك اسم با فعل به شکل صفت:

بيغى بۇرما قارا بىر كىشى، ساقالى قارا بىر كىشى ...

صفت به شکل حروف اضافه « جه ، جا »:

حروف اضافي « جه »، « جا » با هماهنگى كوچك ( ئ ، ئ ) به کارگرفته می شود و به

كلمات سمت و سو مى دهد و در مواردى نيز صفت را قوى تر مى كند. مثال:

أُجا:	أُجا جا
آلچاق:	آلچاقجا

كلمات مذكور به شکل زير در جمله به کارگرفته می شوند. مثال:

من بۇرادا تكجه بىر ائو گۈرورم. من بۇرادا بالاجا بىر اۇشاق گۈرۈم. ...

- توجه شود که آخرین حرف پسوند « جه ، جا » صدادار است، که به سان سوم شخص مفرد با يك

« س » اضافه صرف می شود. مثال:

تكجه سى، آلچاقجاسى، اُجا جاسى، بالاجاسى ...

- كلمات مذكور به شکل زير ( در فرم اسم ) در حالتهای تصریفی صرف می شوند:

قوشاجاسىنا، بالاجاسىنا، تكجه سىنه، آلچاقجاسىنا، پىسجه سينه ...

## ۲) قید و انواع مختلف آن:

قید، کلمه ای است که چگونگی فعل و صفت را در جمله وصف و تعریف می کند. مثال:

وصف فعل: بؤیوک آقا ياخشى ايشهله يير. ياشار يېيىن گىدىرى. من ياواش گلىرم.

- جمله «بؤیوک آقا ياخشى ايشهله يير.» به شکل زیر تجزیه می شود:

۱) بؤیوک آقا: اسمی است که از دو کلمه صفتی تشکیل می یابد (بؤیوک، آقا)

۲) ياخشى: کلمه صفتی است که به شکل قید، چگونگی کار «بؤیوک آقا» را شرح می دهد.

۳) ايشهله يير: صرف فعل ترکیبی (با علامت «له»، «لا») که در زمان آینده نزدیک،

برای سوم شخص صرف می شود.

وصف صفت: قید علاوه بر تعریف «فعل» می تواند صفتِ اسم را نیز وصف کند. مثال:

حسن چۈخ ياخشى دىر. Həsən çox yaxşıdır.

- جمله «حسن چۈخ ياخشى دىر» به شکل زیر تجزیه می شود:

۱) «حسن»: اسم.

۲) «چۈخ»: قیدی است که صفت (ياخشى) را تعریف می کند.

۳) «ياخشى»: «صفتی» است که چگونگی اسم را بیان می کند.

۴) دىر: صرف فعل «ايماك» برای سوم شخص مفرد می باشد.

- کلمه قیدی، همیشه در مقابل سوال «نئجه»، «نه جور، ناسیل»، بیان می شود:

سؤال: بؤیوک آقا نه جور ايشهله يير؟ او نه جور گلىرى؟ ياشار نه جور گىدىرى؟

جواب: بؤیوک آقا چۈخ ياخشى ايشهله يير. او ياواش گلىرى. ياشار آخسایا آخسایا گىدىرى.

- کلمات قید تکراری، قیدی است که اسم و صفت را در جمله وصف می کند:

حسن ياواش ياواش گلىرى. (Həsən yavaş yavaş gelir.)

نادر قاچا قاچا گلىرى. (Nader (Nadir) qaça,qaça gelir.)

در جمله مذکور کلمه «ياواش ياواش» و «قاچا قاچ» چگونگی و طریقه عملی شدن «فعل»

(گلىرى) را بیان می کند و بدین سان «قید» محسوب می شود.

- برای مثال دیگر به جمله بندی زیر توجه کنید:  
حسن هر گون سحر ساعات بئشده گرمه يه گئدر.

( Həsən hər gün saat beşdə gəzməyə gedər.)

با وجودی که در جمله فوق هر کدام از کلمات («هر»، «گون»، «ساعات»، «بئشده») از لحاظ دستوری نام مشخصی دارند، ولی همه آنها در رابطه با فعل مذکور «قید» محسوب می‌شوند، زیرا همه آنها نحوه و چگونگی عمل فاعل را بیان می‌کنند.  
عباس چوخ هوشلو دور. (عباس خیلی باهوش است.)

در جمله مذکور کلمه «عباس» اسم، «چوخ» قید، «هوشلو» صفت است و «دیر» صرف فعل «ایمک» برای سوم شخص مفرد می‌باشد.

- اگر کلمات قیدی را از جمله حذف کنیم مفهوم آن تغییر نکرده و به شکل کامل فهمیده می‌شود. مثال:

حسن دونن ساعات سکیزده گلدی. (حسن دیروز ساعت ۸ آمد.)

در جمله مذکور «حسن گلدی» جمله اصلی است و کلمات «دونن، ساعات، سکیزده» قید محسوب می‌شوند.

- کلمات قیدی همانند سایر کلمات از لحاظ ساختار و ترکیب به اشکال زیر به کلمه ساده و مرکب تقسیم می‌شوند:

قید ساده، کلمه ای است که تنها یک جزء دارد. مثال:

ایندی indi ، یاخشی yaxşı ، اوجا uca ، صاباح، سحر، آخشام و...

قید مرکب، کلمه ای است که از ترکیب چند کلمه به وجود می‌آید. مثال:

باش اوچوا baş,uca، چوخ یاخشی، پیم پیس، یاواش یاواش، یام یاواش و...

- اگر کلمات قیدی با علامت جمع (لر، لار) به کارگرفته شوند و یا در حالت‌های تصrifی صرف شوند، در جمله اسم محسوب می‌شوند. مثال:

بۇرادا آخشاملار هاوا سؤييق اوilar.

کلمه «آخشاملار axşamlar» اسم محسوب می‌شود.

- کلمات قیدی از لحاظ دستور زبان با اسمی مختلف زیر به کارگرفته می‌شوند:

قید زمان **zaman geydi** ، کلمه‌ای است که زمان معنی را بیان می‌کند. مثال:

الآن (العآن)	ayndi	indi	سن اورادا دُور ، من ایندی گلیرم.
بعداً	سونرا	sonra	سن گفت، من سونرا گلرم. (سونرا گله جیم.)
همیشه	همیشه	hemisə	من همیشه بُورا دا ایشله يَرَم.
اکنون	ایندی(شیمدی)	şimdi	بُو ایش شیمدی اولماز. بُو ایش ایندی بیتمز.
زود	تعز	tez	بُو گون تئز گل. تئز گل بئواختا قالما.
دیر	گچ	gec	گچ قالما و اختیندا گل. بئواخت اولدو. گچ اولدو.

- کلمه ساده قید زمان: **ayndi indi** ، **haçan** هاچان ، **bayaq** باياق ...

- کلمه مرکب قید زمان: **səhərəxşam** سحر آخشم ، **axşamçağı** آخشام چاغى ...

### قید مکان :məkan qeydi

قید مکان کلمه‌ای است، که بر مکان معنی دلالت کند:

آنجا	اُورا	ora	شورا
پائین	آلت	alt	
کinar	يان	yan	
پیش	اوئن	ön	
بالا	اوست	üst	
انتها	دیب	dib	سون
کinar	کinar	kənar	يان

عقب	دالي	dali	اوست	üst	بئرا	bura
آغاز	باش	baş	بالا	üst	بالا	balı
آخر	آخر	axer	جلو	qabaq,ön	جلو	qabaq
پشت	ارخا	árxa	پشت	arxa,dalı	آرخا	arxa
دالي	دالي	dali	دالي	dali	دالي	dali

- کلمه ساده قید مکان: قاباق **qabaq** ، دالی **dali** ، ایچری **içəri** ، یۇخارى **yuxarı** و ...

- کلمات مرکب قید مکان: هر يئر **hər,yer** ، هر يان **hər,yan** ، بُوطرف ، اويان و ...

اعداد در ترکی کاملاً با قاعده است. ابتدا اعداد بزرگ و بعداً به ترتیب اعداد کوچکتر بیان و نوشته می‌شوند. در زبان ترکی بر عکس زبان عربی یا فارسی، اعداد جا و شکل خود را (مثال: «یازده» که یک به شکل «یاز» در آمده و به جلو نیز کشیده شده است). عوض نمی‌کنند.

### اعداد ساده:

- کلمه‌ای که ساده است، ولی می‌تواند با خود عدد واحد و یا مقدار زیادی را بیان کند:

فارسی	ترکی	فارسی	ترکی
دو	iki	ایکی	iki
چهار	dört	دؤرت	dört
شش	altı	آلتنی	altı
هشت	səkkiz	سککیز	səkkiz
ه	on	اون	on
صد	milyon	میلیون	milyon
پنج	üç	اوچ	üç
سه	beş	بعش	beş
هفت	yeddi	یئددی	yeddi
نه	doqquz	دُوققوز	doqquz
یوز	yuz	یوز	yuz

### کلمات عددی مرکب:

دوازده	دو ایکی	oniki
چهارده	اون دؤرت	ondört
شانزده	اون آلتی	onaltı
هجدۀ	اون سککیز	onsəkkiz
بیست	ایگیرمی (اییرمی)	iyirmi
بیست و دو	ایگیرمی ایکی	iyirmi iki
یازده	اوْن بیر	onbir
سیزده	اوْن اوچ	onuç
پانزده	اوْن بعش	onbeş
هفده	اوْن یئددی	onyeddi
نوزده	اوْن دُوققوز	ondoqquz
بیست و یک	ایگیرمی بیر	igirmibir

- اون on ، ایگیرمی (اییرمی) iyirmi ، اوْن بوز otuz ، قیرخ qırx ، الی allı ، آلتمنیش altmış ،

یئتمیش yetmiş ، سکسان səksan ، دُخسان doxsan ، یوز yüz و ...

- کلمات جدول زیر نیز از چند کلمه ترکیب می‌باشد:

ikiyüz	ایکی یوز	دویست	bir yüz	( بیر ) یوز	یک صد
dörtüz	دؤرت یوز	چهار صد	üç yüz	اوچ یوز	سیصد
altıüz	آلتنی یوز	ششصد	beş yüz	پئش یوز	پانصد
səkkizüz	سککیز یوز	هشتصد	yeddiyüz	یئددی یوز	هفتصد
min doqquz yuz	مین دُوقوز یوز	هزارونهصد	doqquzyuz	دُوقوز یوز	نهصد
ikimin	ایکی مین	دوهزار	minbir	مین بیر	هزارویک
yüzmin	یوز مین	صدهزار	onmin	اون مین	ده هزار
on milyon	اون میلیون	ده میلیون	birmilyon	بیر میلیون	یک میلیون
bir milyard	بیر میلیارد	یک میلیارد	yüzmilyon	یوز میلیون	صد میلیون

توجه: - اگر کلمه « دؤرت » به شکل « دوت » و یا « دود » و کلمه یئددی به شکل « یئدی »، کلمه سککیز به شکل

« سکیز » و « دُوقوز » به شکل دُوقوز بیان شود، آسانتر می‌شود، چرا که در زبان ترکی دو حرف هم نوع در کنار هم

خیلی کم به کار گرفته می‌شود. به همین دلیل، در ترکی استانبولی یکی از دو حرف هم نوع را حذف می‌کنند.

- در دهه های گذشته پیر زنان و پیر مردان کلمات « ایگیرمی، آلماش، یئتمیش » و... را

نمی‌توانستند به درستی تکلم کنند، در نتیجه آنها را به شکل ایکی اون، آلتنی اون، یئددی اون

و... بیان می‌کردند، که خیلی بهتر و ساده و منطقی تر از اصل آنها است.

- مفهوم « اعداد » در زبان ترکی « سایی » می‌باشد، که از مصدر « سایماق saymaq »

مشتق شده و به شکل فعل صرف می‌شود. این فعل به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر

شخصی صرف می‌شود. مثال:

من سایرام ( sayıram ) ، سن سایرسان ( sayırsan ) ، او ساییر ( sayıır ) و..

- اعداد، همانند سایر کلمات به وسیله پسوند « لر، لار » به شکل زیر جمع بسته می‌شوند:

بیرلر، اونلار، یوزلر، مینلر، اونمین لر، میلیونلار، میلیاردلار و...

## جمع بستن اعداد:

بیر ایله ایکی اولار (ائدر) اوچ. اون ایله ایگیرمی اولار (ائدر) اوتوز.

کسر کردن اعداد: ایگیرمی دن بئشین چیخاندا (چیخارسان) قالار اون بئشی (بئش).

ضرب اعداد: بئش بئشه ضرب اولسا، اولار اییرمی بئش. بئشی بئشه وۇر، اولار

اییرمی بئش، بئشی بئش چىرپ، اولار اییرمی بئش.

اعداد نا مشخص: (آز، چۇخ، آزلىق، چۇخلۇق، آزراق، چۇخراق)

بۇرادا چۇخلارجا آغاج وار. بۇرادا نه قدر مال حیوان وار؟ يوزلرجه.

## كلمات عددی در جمله به شکل صفت:

اگر کلمه عددی در جلوی اسم به کارگرفته شود، صفت نیز محسوب می‌شود. مثال:

ایکی آدام. اون دوه. بئش آدام. ایکی کیشی. اوچ قادین. بئش قۇزو. و...

ولى از اینکه چنین کلماتی در کنار اسم علامتی به خود نمی‌گیرند، در نتیجه به شکل اسم

ترکیی و یا جمله نا کامل نیز فهمیده می‌شوند. مثال:

ایکی ائو. اوچ ماشین. اونلارجا آدام. يوزلرجه اۇردك. مينلرجه ماشین. و...

- توجه شود، که در جملات مذکور کلمه عددی (بئش و ایکی) اعداد مشخصی هستند،

که به شکل صفت صرف می‌شوند، ولی اگر به جای کلمات عددی از کلمه «هر» و یا

کلمه «چۇخ» استفاده کنیم، آن کلمه به شکل اسم نا مشخصی به کارگرفته می‌شود:

هر آدام بۇ ایشی گوره بیلر. (کلمه «هر» اسم را نا مشخص می‌کند). بیر آدام بۇ ایشی

گوره بیلر. (بیر به شکل مشخص و نا مشخص صرف شده است).

- اگر بیان شود «بیری بۇرایا گله جڭ»، کلمه «بیری» به شکل اسم نا مشخص بیان

می‌شود، در صورتی که خود عدد «بیر»، عدد مشخصی است.

- کلمه «باش» و کلمه «بیر» در زبان ترکی در شمارش آدم و در مواردی نیز در شمارش

حیوانات بزرگ به کارگرفته می‌شود. مثال:

بیز ائوده ایکی باشىق. بیز ائوده بئش باشىق. منیم اوچ باش اوکوزوم وار.

منیم ایکی باش دۆم وار.

اعداد ترتیبی ، اعدادی هستند که به شکل منظم و مرتب، پشت سر هم بیان می‌شوند. علامت اعداد ترتیبی، حروف پسوندی «اینجی» است که حروف صدادار آن وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می‌باشد و در صرف با هماهنگی بزرگ به شکل inci, incı üncü , uncu « کارگرفته می‌شود. مثال:

فارسی	اعداد ترتیبی ترکی	شماره	فارسی	اعداد ترتیبی ترکی	شماره
بیستم	iyirminci	ایسیرمینجی	ایکم	birinci	بیرینجی
سیم	otuzuncu	اوْتۇزۇنچو	دوم	ikinci	ایكىنچى
چهلم	qırxinci	قىرخىنچى	سوم	üçüncü	اوچۇنچو
هفتادم	yetmişinci	يېتەمىشىنچى	چهارم	dördüncü	دۇرددۇنچو
هزارم	mininci	مۇنىنچى	ششم	altıncı	آلتنىنچى
دوهزارم	iki mininci	ايکى مۇنىنچى	هفتم	yed(d)inci	يېدىنچى

کلمه «ایگیرمی» به شکل «ایسیرمی» نیز نوشته می‌شود.

- عددی که آخرین حرف آن صدادار باشد، در صرف یک حرف صدادار همراه حرف تکمیلی از آن حذف می‌شود:

اصل کلمات به شکل زیر می‌باشند، ولی به کارگرفته نمی‌شوند.	اعداد ترتیبی به شکل زیر مخفف می‌شوند.
این کلمات	ikiyinci
{ مخفف	ایکی اینچی
نشده اند.	altıyinci
	آلتنى اینچى
	yeddiyinci
	يېددىنچى
این کلمات	ikinci
{ مخفف	ایكىنچى
شده اند	altı
	آلتنى
	yeddi
کلمات به شکل مذکور صرف می‌شوند.	از اصل کلمات مذکور دو حرف «iy یا iy» حذف می‌شوند.
اعداد ساده	

- بُ اوْشاق کلاسدا اوچونجو اولدو (اولدی). بُ شاگرد ده کلاسدا بيرينجى اولدو.

لاله خانیم بُ ائوده اوچونجو طبقه ده اوتورار (یاشایار).

**قید تشییه: ( bənzəriş : oxşar ) qeydi**

قید تشییه کلمه ای است، که شباht دو جمله و یا دو کلمه را بیان می کند. مثال:

این شکلی نمی شود	bucur olmaz.	بُرْجور اوْلماز.
چیزی به آن شکل نمی شود	ocur bir şey olmaz .	اوْجور بیر شیی اوْلماز
دروغ به این اندازه نمی شود	bunca bir yalan olmaz.	بُونجا بیر یالان اوْلماز
دروغی مثل این نمی شود	belə bir yalan olmaz.	بَلَه بیر یالان اوْلماز.

- اونجا: منده اونجا باجاراق (تجربه) اوْلماز.

- کیسی(کیمی): من اونون کیمی باجاراقلی دگیلم (دیلم).

( mənim başarığım səninki kimi olmaz.) مَنِيم باشاریغیم سَنِنکی کیمی اوْلماز.

بنزr bənzər (بُونا بنزr)، ائله بیل elə bil (بُرْئله بیل اوْدور)، اوْجوردور o,curdur

(بُرْجوردور). اونا تایدیر taydır ، قالیب qalıb (ایکیسی بیر قالیب [ قالیبدان ] دیر).

بُرْ اونجادیر. بُرْ اونا بنزr. بُرْ ائله بیل اوْدور. ایکیسی بیر قالیب دیر. و...

**- اعداد اعشاری به شکل قید و صفت:**

اوندا بیر. يوزده بیر. بئش ده ایکی. مینده بیر.

بُرْ ایل ایشجی لرین وئرگی لری ( مالیاتلاری ) يوزده بیر آرتاجاقدیر.

- توجه شود که کلمه « يوزده بیر» در جمله مذکور صفت محسوب می شود.

اعداد انعکاسی، اعداد توضیحی (ترتیبی) نیز محسوب می شوند، اعدادی که موقعیت خود را

در جمله شرح می دهند. مثال:

اوْن اون	on - on	( د د )	ایکی ایکی	iki - iki	( دو دو )
يوز يوز	yüz - yüz	( صد صد )	اوچ اوچ	üç - üç	( سه سه )

دؤرت دورت ( dört-dört ) ( چهار چهار )، بئش بئش beş beş ( پنج پنج )

مین مین ( min-min ) ( هزار هزار )، اوْن مین اوْن مین ( ده هزار ده هزار )، يوز مین

یوز مین یوز مین ( yüz-min yüz-min ) ( صد هزار صد هزار )، میلیون میلیون، اون میلیون اون میلیون، ایکی ایکی گلیرلر.  
بۇنلار بىش بىش گلیرلر. اونلار قۇشا گلیرلر.  
بۇنلار جوت جوت گلیرلر.

### كلمات كممى ،

كلماتى هستند كه مفرد و جمع بودن و گيمىت «اسم» را ييان مى كىنند. مثال:  
الف) كلماتى كه مفهوم تنها بودن را مى رسانند:

بىر باش، تك، دنه، يالقىز. بىر باش آدام. بىر تك اوغانان. بىر تك اوشاق. بىر دنه آلما.  
بۇ بئيوكلو كىدە چئىلەدە بىر تك آغاچ يۇخدور. يالقىز بىر كىشى، يالقىز بىر قادىن،  
ب) كلمات صفتى كه بخشى از جسم (اسم) را ييان مى كىنند. مثال:

پارچا، تىكە، قطعە، بؤلۈم، نوسخە، جىلد(جلد)، قطره، دامجى، يارىم و ...  
بىر پارچا چئورك، بىر تىكە چئورك، بىر قطعە يېر، بىر بؤلۈم يېر، بىر نوسخە كاغاز (كاغذ).  
بىر جىلد كىتاب، بىر قطره داوا، بىر دامجى سۇ و ...

پ) كلمات قىدى و صفتى كه مفهوم تنها نبودن را مى رسانند. مثال:

جوت: بىر جوت جوراب. ایکى جوت گۇورچىن. بىر جوت اوکوز. و ...  
دسته (دسلە): بىر دسته گول. بىر دسته دىش چۈپو .

دست (دس): بىر دس كت شالوار. بىر دس يۇرقان دۇشك.  
قوشما: بىر قىز ايلە بىر اوغانان قۇشا گليرلر. ایکى گۇورچىن قۇشا اوچور(لار).

قاتار: بىر قاتار دوه گلىر. بىر قاتار (تىرئىن) گلىر.

تۇپ: بىر تۇپ پارچا. بىر تۇپ برق سىمى و ...

ناخىر: بىر ناخىر دوه. بىر ناخىر اينك. و ...

### اعداد كسى: ( اعداد معين )

(a) اعداد كسى به اعدادى گفته مى شود، كه كمتر از عدد يك باشد. مثال:

يارىم يارىم (نصف)، دۇرتىدە بىر dörtde bir (يك چهارم)  
اوچىدە بىر üçdə bir (يك سوم)، بشىدە بىر beşdə bir (يك پنجم) و يا اونىدا بىر،

میندہ بیر، یوزده اوں، میندہ یوزاون، میندہ دورت یوز اوں و ...

- اعداد کسری به شکل زیر در فرم اسم در حالتهاي تصریفی صرف می شوند:

ایکی ده بیری، ایکی ده بیرینه، ایکی ده بیریندہ، ایکی ده بیریندن و ...

ایکی دن بیری، ایکی دن بیرینه، ایکی دن بیریندہ، ایکی دن بیریندن، ایکی دن بیرینی،

ایکی دن بیرینین و ...

قید سؤالی تعداد نامعین، کلماتی هستند که مقدار نا معینی را بیان می کنند. مثال:

نه چچه ذنه؟ neçədənə? نهچه؟ neçə? ( چند؟)،

نه قدر؟ neqədər? بُقدر ( این قدر )،

آز می؟ چوخ مو؟ او دگیل می؟ آز می؟ چوخ مو؟ او دگیل می؟ و ...

اعداد نامعین،

کلماتی هستند که مقدار و کمیت و کسری نا معین و نا مشخصی را بیان می کنند. مثال:

چوخ çox آز az ( کم )

آرتیق artiq آسگیك əsgik ( کمتر )

اوْزون، قیسا، یاسی، آنی، آلچاق، اوْجا و ...

مقدار نامعین تشبيهی،

کلمه ای است که مقداری را با مقدار دیگر در تشابه قرار می دهد. مثال:

بُو اوْنجا دیر. bu oncadır. ( این همان قدر است )

بُو اوْنا تایدیر. bu ona taydır. ( این مثل آن است )

او بُوندان چوخدور. o bundan çoxdur. ( آن از این زیادتر است )

بُو اوْنا بنزه يير. bu ona benzeyir. ( این شبیه آن است )

بُو اوندان آزدیر. بُو ایکیسی بارا بار دیر ( برابر دیر ). بُو دا او قدر دیر.

bu iki qız biri birinə benzeyir ( لر ).

توجه: اگر کلمه اعدادی و یا کلمه صفتی در جمله مستقل باشد و یا در حالتهاي تصریفی

صرف شود و یا جمع ( علامت « لر ، لار » ) بسته شود، اسم محسوب می شود.

قید استثناء (istisna qeydi):

قید استثناء، کلمه ای است که ویژگی اسم، شئ و فعل را بیان می‌کند. مثال:  
او بیریسی *məgər* o birisi [o biri] (آن دیگری) آبریسی *ayrısı* (آن یکی، به غیر از این) مگر  
(مه یه ر)، باشقا *başqa* (یکی دیگر، به جز این) یونخسا *yoxsa*: (و گرن، در غیر اینصورت)،  
داهی یوخ *dahiyox*، بُ دفعه *bu,dəfə*، بیر گره *bırı*، آیری، داهی، باشقا و ...

قید مجزا: او بیری، آبریسی، بُونا بنزه مز، بُونون کیمی دئگیل، باشقا، او زگه،  
آیری *ayrı* (آیری آیری)، بُللو *bölüm*، بُللو *bölüm* و ...

قید آرزوئی (arzu qeydi):

قید آرزوئی کلمات و یا حروفی هستند که فعل و یا جمله را به شکل «آرزوی واقعی» و  
«آرزوی غیر واقعی» بیان می‌کنند. مثال:

- به شکل کلمه:

کنشکه *keşkə* (ای کاش)، [کاشکی *kaş ki* [، نه او لا *nə ola* (ای کاش *eykaş*)،  
بیر او لا *bir ola* (کاش)، آل لاه ائله یه (ائده) آرزو وار، ای کاشکی او لا یدی و ...  
دو حرف «ا، آ» علائمی هستند که فعل را به فعل آرزوئی تبدیل می‌کنند. مثال:

گل: گله، گند: گنده، قال: آلا، آل: آلا، قالا:

اوچ: اوچا، او خو: او خویا، دون: دُونا

- لطفاً به بخش فعل آرزوئی نیز توجه کنید.

قید تکراری (tekrar qeydi):

قید تکراری کلمه ای است که در آن قید به نحوی تکرار شود. مثال:

- به شکل کلمه: یواش یواش (*yavaş -yavaş*), تئز تئز (*tez-tez*), یاشیل یاشیل (*yaşıl - yaşıl*),  
قوشا قوشما قوشلار. (*qoşa-qoşa quşlar*). و ...

بالا بالا بالالار (*bala-bala balalar*) (بچه های کوچک و ریز و ریز) و ...

- حروف قیدی، که به شکل مخفف شده در کنار کلمه قیدی به کار گرفته می‌شود:

یام یاواش (yam-yavaş)، یام یاشیل (yam-yaşılı)، یم جیقیلی، قُوب قُورو، بُؤم بُؤیوک و...

- قید کلمه با مفهوم تکراری: گینه gına، داهی dahi، هم həm، گره gərə، تیکرار، بیر دها (بیر دها)، بیرده، مجدداً، هیء هیء، همده و...

قید حالت، کلمه ای است که حالت اسم و فعل را بیان می‌کند. مثال:

- کلمه ساده قید حالت: گدر gədər، سئونینج sevinc، گیزلى gizli، علنی ələni، یان (طرف) yan، یانار، مست، چۈلاق، آخسار و...

- قید حالت به شکل کلمه ترکیبی و مرکب: گارلی kərəlli، سس سیز səssiz، یاخشیجا yaxşıca، یامانجا yamanca، گوله گوله güləgülə، آلت اوست alt üst، باشباشا baş başa، دئینه گیزلى جه gizlicə، دئینه deyinə، دئینه deyinə و...

قید حرکت، قیدی است که حرکت و تکامل شئ را بیان می‌کند. مثال:

- کلمه ساده قید حرکت: یاواش yavaş، چاپار çapar، یئین yeyin، تئز tez و...

- کلمه ترکیبی قید حرکت: یاواشجا yavaşça، کسرلی kəsərli، یئینجه yeyincə و...

- کلمه مرکب قید حرکت: قاچا قاچاقاچا qaçaqaçal، تله سه تله taləsa, taləsa، یاواش یاواش و...

قید کیفیت: کلمه ای که مفهوم کیفیت و تکامل شئ ای را بیان می‌کند. مثال:

- کلمه ساده: تکمیل təkmil، بالغ baleğ، یاخشی yaxşı، کامیل، پوروز pürözüz و...

- کلمه ترکیبی: یاخشیجا yaxşıca، بیلیجی bilici، دیرلی dəyrəlli، دیرسیز، بیتلرلی و...

- کلمه مرکب: چوخ یاخشی eş, yaxşı، چوخ تکمیل، تام تمام، چوخ باها، و...

قید تأکید(تائیدی)، کلمه ای که برای رساندن مقصودی بر آن تأکید می‌شود. مثال:

البته albəttə، اوجوردور ocurdur، بوجوردور bucurdur، مسلم dır، müsəlləm, dir

دوز düz، دوغری، دوغرو doğru، (صحیح) (صحيح)، هن (حن) hən (بلی همان است

که گفتی) هه hə (بلی این چنین است) او جوردور o curdur (آنطوری است) بوجور دور

قید اینطوری است ( var ) وار *əvəd* ( بلی ) و ... *bu curdur*

قید ایحاب، کلمه ای است، که با صرفه و بی صرفه بودن کاری را بیان می کند. مثال:

صرفه لی *sərfəli* ، ده یرلی *dəyərli* ( با ارزش ) ، زحمتینه *dəyr* و ...

قید شک و تردید، کلمه ای که چیزی را با شک و تردید بیان می کند. مثال:

به یه *bəyə* ، اگر *əgər* ، شاید *şayəd* ، حتماً *həm* ، یوخ ها، اورا باخ ها، یو خسا ، گرک، ائله ، ائله بیل و ...

قید قسم ، کلمه ای که صحبت چیزی را تایید و یا به آن تاکید می کند. مثال:

آند ایچمک *andıçmək* ، واللاھی *vallahi* ، سنى تارى ( تازى ) *səni tanrı* ، من اولئوم ، سن اولاسان الله هین ، سن آللاھ و ...

قید جانبی ( کناری ) ، کلمه ای است که دو شئ را در کنار یکدیگر بیان می کند:

یان *yan* ، کنار *kənar* ، قاباق *qabaq* ، دالی *dali* ، اوز ، اوست و ...

قید ناسزا و نفرین ، کلمه ای که مخالفت و نفرت را در خود بیان می کند. مثال:

زهرمار ، یاناسان ، گیفلی ، اوله سن اینشاالله ، فیلیخ چیخاسان ، عاغیلسیز *ağılsız* ، دلی *dəli* ، سفنهج *sefəh* ، گوپیک اوغلو ، ادبسیز ، حیوان ، ایت اوغلو و ...

قید طنز: دئیه سن، نه ها، یو خسا، ائله بیل، بی، اوهو، ووها، هاها ،

هی هی، آهه باخ ها ، اورا باخ ها ، باخ دا ، وای وای ، سن الله و ...

قید کمیت: ایکی سی، اوون ده نه ( دانا ) ، یوز ده نه ، یاریم ، آز ، چوخ و ...

قید کیفیت سوالی: نه جور؟ نئجه؟ ناسیل؟ و ...

قید تمنا: خواهش ، تمنا ، سن الله ، يالوارماق ، دیلنمک و ...

قید تعجب: آه ، نه ، یو خ ها ، سن الله ، آی ، هی ، للا ، ها ، آآ ،

بۇ ایش نه دیر؟ ها ایندی آنلادیم. آآ نه یامان دیر، ای وای.

قید تأسف ( افسوس ): حیف، ای داد، ای داد بیداد ، افسوس، آه ، آخ و ...

ائی قارداش بۇ دئملی سۆزمۇ؟

هی هات: هی هات کی اوْ الَّدَن گئدی. هی هات قارداش.

- ائی وای بُ اؤلوم منه يامان درد اولدو.
- اوچ اوچ، بُ ياخشى بير ايش دئگيل [چوخ پيسدير .]
- اوچ، آخ، آمان، هاراي، اوچ، درد، آغرى، اينجي، قيد درد:
- آيمى پيچاق كىسى چوخ برك آغرى يير. چوخ اينجي يير. قارين سانجىسى، اوركيم سيخيلير، اوركيم پاتلاسir، اوركيم ياندى، اورك آغرىسى و ...
- قيد «ندا»، كلمه اى است كه نگاه و يا فكر كسى را به طرفى جلب مى كند. كلمه ندا مى تواند معنى دار و يا بدون معنى و يا ساده و مركب باشد. مثال:
- آى، آهای، هاوار، ائى، هاوار هاي، پى، هاي هاي، آى، هۇى، بدون معنى:
- يا الله، هاراي، هاراي هاراي و ...
- با معنى همراه اسم: آى بابا، آى الله [آللاه]، آى جماعت، به به و ...
- اولان دگيل، خبردار، هي تكرار اوپور، واى بۇ نه دير و ...
- با معنى:
- اي ايشچى آياغا قالخ، آى قارداش دۇر حقين آل، ياشا، ياشاسىن و ...
- با فعل:
- قيد دۇرى جىتن، كلماتى هىستىند كه دورى جىتن را بيان مى كىنند. مثال:
- وازگچىمك، الحزر، زينهارام، وئللە، اوئتور، الجڭ، هېچ وانخت،
- نه، يوخ، انگار، حاشا اىدمك، دوغرو دگيل، يالاندир و ...
- مرحبا، آى جان، آخ جان، احسن، بارك الله، آفرين اولسون، ساغ اول، اللرین آغريماسين. اللرین وار اولسون. و ...
- قيد تشويق:
- عمرون چوخ. عمرون چوخ اولسون. ساغ اولاسان. چوخ ساغ اول، الله سنى ساخلاسىن. الله سنى منه چوخ گۈرمە سىين. آتان رحمتىدە اولسون.
- قيد دعا:
- رۇحون شاد اولسون. عمرون اوزون اولسون. و ...
- آلچاق، سئفچى، او آلچاق بير ايشدىر. او اوشاق كىمى دير.
- او دوشونمىز دير. آنماز. عقىلىسىز(عقىلىسىز). جاهيل. و ...
- قيد همدردى و دل سوزى: بىچارە، بىنوا، يازىخ، متاسفانە، متاسف، بىنوا، يازىق و ...

كلمات قيدى كه به شكل قيد و همانا به شكل فعل به كارگرفته مى شوند:

گوم گوم گورولدور. ماشالله سسى گوم گوم گورولدور. تاق تاق تاقيلidir. شاق شاق شاقيلidir.

قار قار قاريellidir. قيرقير قيريellidir. جيغ جيغ حيريلidir. حير خير خيريلidir.

خور خور خورولدور. مير مير ميريلidir. پيس پيسپيسيلidir. ويز ويز ويزيلidir. قيرقير قيريellidir.

فييس فييس فيسيellidir. بام بام باميellidir. زيق زيق زيقيلidir. جوج جوج جوجولدور. و...

واي، آآ، هوها، هورا، جان، احسن و...

هاراجان؟ نه بيليم؟ هئچ بابا، يوخدا و...

چوخ، آز، نه قدر، بوقدر، فيلان قدر، اونجا، بونجا،

بهمان قدر، بئيوك سايida، آز سايida، لاب چوخ، لاب آز، چوخ چوخ

دۇروم، پيس دۇروم، نه جور، دلىكىسى، تىز، كىچ، بىلە، يعنى،

يانى، حال و... (يانى اليميزىزدن بير ايش گلمز. يانى پۇلوموز يۇخدور.)

من اوپۇ عغىلى آدام بىليردىم، ده مە كى سەفح دير.

او اوپىمسا بۇ اوپىسون بارى [لاقل [، اوپۇ دئمە سن، بارى بونو دئ.

ھئچ اوپىمسا بۇ ايشى گورك. ھئچ اوپىمازسا. ھئچ اوپىمسا بۇ ايش اوپىسون.

بىلە بير ايش اوپىماز. بىلە ائىلە مە، سۆيىلە و...

نه: به عنوان كلمه نفى و كلمه سوالى: نه [يوخ] بۇ ايش اوپىماز.

گاه: گاه او، گاه بۇ، گاه اوچور، گاه بوجور و...

كلمه ربىطى به شكل قيد: هر، هردن، هردن اوچور، هردن بوجور، يا او دىين اوپىلار.

يادا من دىين اوپىلار. بىلە نىيە دانىشىرسان.

قيد شمارش مشخص و غير مشخص ( مفرد و جمع ):

قيد تك عددى: تك tək ، بير، دنه، بير دنه، تك عدد، تك سايى و...

قيد بىشتر از يك: قوشاش، جوت، ايكى، بير تاي و...

قيد گروھى: دست، قاتار، توب، ناخير، خالوار، سورو، قوشون و...

قید وزن: میسقال، گیرم، کیلو، باتمان، خالوار، کیلومتر، آرشین،

بیر دامجی، بیر قاشیق سو، بیر آنبار (آنبار) سو و ...

قید نفی: *inkar qeydi*، کلمه ای است که اسم و یا فعل را نفی می‌کند. مثال:

مه، ما، *mə*، مز *məz*، ماز *maz*، (مثال: گلمه، یازما، گلمز، آلماز)

بُوخ *yox* [یو yo] (منیم جیبیمده پُول یوْخدور). دَگیل *dəyil* (منیم آدیم «کرم»

دَگیل). سیز *siz* سیز *siz*، سوْسوز *suz* سوْسوز (. *suz* سوْسوز [تشنه)، پُولسوز [بی پول]، اوسیز (بدون

خانه)، هئچ *heç*، هئچ واحت *heçvaxt* (هئچ وقت)، هئچوقت *heçvaxt*، هئچ کیم،

هئچ نه، خییر *xeyir* (خییر حسن بُورادا دَگیل) و ...

- توجه شود کلمه نفی «دَگیل» به شکل «دئگیل» نیز نوشته شده است.

### ۳) کلمات و علائم نفی:

- کلماتی که در جمله در شکل اسم و یا صفت به کار گرفته شوند، به وسیله کلمه «دَگیل *dəyil*»، «بُوخ *yox*» و یا به وسیله حروف پسوندی «سیز» نفی می‌شوند.

- کلماتی که در جمله به شکل فعل به کار گرفته شوند، به وسیله حروف «مه *mə*، ما *ma*» و یا به وسیله حروف «مز *məz*، ماز *maz*» با همانگی کوچک و بعضی از افعال نیز به وسیله پسوند «می *mi*، مو *mü*» با همانگی بزرگ نفی می‌شوند.

کلمه دَگیل *dəyil*:

- کلمه «دَگیل» در کتب مختلف قدیمی در فرم «دئیل»، «دئگیل» و «دیل» نوشته شده است، که امروزه در مناطق ترک نشین ایران و جمهوری آذربایجان به شکل «دَگیل *dəyil*» (دَگیل) و در ترکی استانبولی به شکل «دَگیل *dəyil*» بیان می‌شود.

کلمه «دَگیل»، در چاپهای قبلی این کتاب با خط عربی به شکل «دئگیل» نوشته شده، که حرف «ء» در ترکیب آن در ترکی آذربایجان نادرست است، به همین دلیل است که آن در این چاپ با خط عربی عمدتاً به شکل «دَگیل، دیل، دئگیل» نوشته می‌شود.

کلمه نفی «دَگیل»، از کلمه ما قبل خود جدا نوشته شده و به شکل زیر به وسیله فعل

« ایمک » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

biz dəyilik	بیز دَگِیلیک	mən dəyiləm	من دَگِیلِم	پسوند صرفی این دو ضمیر (əm, sən) با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.
siz dəyilsiniz	سیز دَگِیل سینیز	sən dəyilsən	سن دَگِیلِسَن	
onlar dəyillər	اونلار دَگِیل(دیر)لر	o dəyil (dir)	او دَگِیل(دیر)	

- گلمه « دَگِیل » به شکل زیر با علامت ملکی نیز به کارگرفته می‌شود:

او منیم دَگِیل(دیر). او سنین دَگِیل(دیر)، او اونون دَگِیل(دیر).

توجه: در ترکیب کلمه « a əy d »، حرف بی‌صدای « y » و حرف با صدادی « ə » با خط عربی

به وسیله علامت « ي - يـ » نوشته می‌شود. برای تفکیک آنها حرف بی‌صدای « y »

به شکل « گـ » و حرف با صدادی « əـ » نوشته می‌شود.

کلمات مختلف در جمله به شکل زیر به وسیله کلمه « دَگِیل » نفی می‌شوند:

- نفی اسم: او، یاشار دَگِیل. او گلن دَگِیل. او یاخشی آدام دَگِیل. او پیس آدام دَگِیل.

من ، لاله دَگِیل. من ، سین قارداشیں دَگِیل.

- فعل فاعلیت صفتی به شکل زیر با کلمه دَگِیل نفی و صرف می‌شود:

من گلن دَگِیل. mən galən dəyiləm. من بُورادا قالان دَگِیل. من گندن دَگِیل.

سن گلن دَگِیلسَن، بیز گلن دَگِیلیک. سیز گلن دَگِیلسینیز. اونلار گلن دَگِیل لر.

- فعل مصدری که به شکل اسم و فعل نفی و صرف می‌شود:

من آلماقدا دَگِیل. سن آلماقدا دَگِیلسَن. او آلماقدا دَگِیل. او گلمکده دَگِیل. و...

- اسم قیدی: ایندی آحشام دَگِیل. بُو آی حله باهار دَگِیل. بُو گون شنبه دَگِیل. ایندی گنجه دَگِیل.

- نفی صفت: او پیس آدام دَگِیل. او یاخشی آدام دَگِیل. بُو چمن یاشیل دَگِیل.

- اگر اسمی در مقابل سوال قرار گیرد، با کلمه دَگِیل نفی می‌شود. مثال:

یاشار بُورادا دَگِیل. او ائوده دَگِیل. او بیزده دَگِیل. او سیزده دَگِیل. و...

او اوکوز دَگِیل. او ماشین دَگِیل. او حیوان دَگِیل. او داغ دَگِیل.

- در رابطه با به کارگیری کلمه نفی « دَگِیل » به اشعار زیر نیز توجه کنید:

خاقانی: من شیدا بولبولم سن قیزیل گولوم ، سنسیز ممکن دَگِیل شادلانیب گولوم ...

**حسین حسین زاده:** آینابند او طاقدا گلین آنانین شیرین لای لای سسی شعر دگیل می  
**جعفر خنдан:** ای دل بوجهان جمله سی افسانه دگیلمی دُونیا یه اویانلار داهی دیوانه دگیل می  
**کلمه نفی «یوخ»:**

کلمه «یوخ» در زبان فارسی معنی «نیست» و یا «موجود نیست» را می‌دهد، که آن در جمله به شکل زیر به کار گرفته می‌شود. مثال:

حسن بُورادا يوخ (دور). منیم ماشینیم يوخ (دور). بُورا چؤل دور، بُورادا اوْت علف يوخ (دور). بُورادا مال حئیوان يوخ دور (اولماز).

- کلمه «یوخ» به شکل زیر به وسیله فعل «ایمک» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود :

biz yoxuq	بیز	یوخوق	mən yoxam	من	یوخام	پسوند صرفی این دو
siz yoxsunuz	سیز	یوخسونوز	sən yoxsan	سن	یوخسان	ضمیر با همانگی
onlar yoxdurlar	اوْنلار	یوخدورلار	o yoxdur	او	یوخ(دور)	کوچک صرف می‌شود.

- من بُوگون بُورادا يوخام. بیز ائوده يوخوق. بُورادا هئچ کیم يوخدور  
 سنین نئچه بی‌بین وار؟ منیم بی‌بیم يوخ(دور). سنین باجین يوخ دور. سنین قارداشین يوخدور مو؟  
 يوخ، منیم قارداشیم يوخ (دور).

- توجه شود، که کلمه «یوخ» همیشه در مقابل کلمه «وار» (هست) قرار می‌گیرد. مثال:  
 منیم باجیم وار. منیم باجیم يوخدور. منیم واریم وار. منیم واریم يوخدور.

- کلمه «یوخ» همراه پسوند ملکی نیز به کار گرفته شده و به شکل زیر به وسیله فعل «ایمک» در فرم سوم شخص مفرد صرف می‌شود:

bizim yoxumuzdur	بیزیم	یوخوموزدور	mənim yoxumdur	منیم	یوخومدور
sizin yoxunuzdur	سیزین	یوخونوزدور	sənin yoxundur	سنین	یوخوندور
onların yoxlarıdır	اوْنلارین	یوخلاریدیر	onun yoxudur	اوْنون	یوخودور

- در رابطه با صرف کلمه «وار» و «یوخ» به بخش ضمیر ملکی و کلمه «وار یوخ» نیز توجه کنید.

### حروف پسوندی « سیز ، siz »:

حروف نفی « siz سیز » به تنهائی معنی ندارد، اما اگر آن به اسم پیوند بخورد، آن را نفی و به اسم صفتی تبدیل می‌کند. مثال: قادین: قادینسیز. قادینسیز کیشی. کیشی: کیشی سیز. کیشی سیز قادین. پسوند نفی « siz سیز » از سه حرف تشکیل می‌یابد، که حرف صدادار آن وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می‌باشد و با هماهنگی بزرگ به شکل « süz , suz , siz , siz » صرف می‌شود.

(a) اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف « ü , ö , e , ə » باشد، به شکل زیر نفی و به اسم صفتی تبدیل می‌شود. مثال:

معنی فارسی	نفی اسم با پسوند « سیز »			ام
بدون مادر	nənə,siz	ننه سیز		nənə
بدون ایل	el,siz	ائلسیز		el
بدون دانش	{ bilgi,siz	{ بیلگیسیز	{	bilgi
بدون حرف	söz,süz	سۆزسوز		söz
بدون گل	gül,süz	گولسوز		gül

پسوند « سیز »، اسم را نفی کرده و آن را به اسم صفتی تبدیل می‌کند.

دده سیز اوشاق. دوه سیز آدام. آته ک سیز پالتو. نوه سیز بابا. سس سیز ائو. ائوسیز فامیل.

یئلسیز هاوا. تئلسیز قبیز. ائلسیز آدام. ایت سیز چوبان. دیش سیز قوچا. دین سیز آدام.

فیکیرسیز اوغلان. دیشسیز اوشاق. گولسوز مملکت. توکسوز باش. گولسوز باغ.

کَدر سیز آدام. عقیلسیز اینسان. و...

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شوند:

او ننه سیز قالیبدیر. nənəsiz qalıbdır. ( او بدون مادر مانده است.)

او سونسوز قالیبدیر. sonsuz qalıbdır. ( اُحاق او کور مانده است .)

او قوچالیب، دیش سیز قالیبدیر. ( o qocalıb, dişsiz qalıbdır.)

- در رابطه با به کارگیری پسوند نفی «سیز»، به اشعار زیر توجه کنید:

خطائی: مربی سیز مصاحب سیز دامن سیز

خاقانی: من شیدا بولبولم سن قیزیل گلوم، سنسیز ممکن دگیل شادلانیب گلوم ...

b) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف «ا، ا، او، او» باشد، به شکل زیر با پسوند «سیز» نفی و به اسم صفتی تبدیل می‌شود:

اسم	نفی اسم با پسوند «سیز»	فارسی	آتا
ایلخی	آتابسیز	بدون پدر	آتا
یول	ایلخیسیز	بدون ایل	ایلخی
اولوس	یولسوز	بدون راه	یول
یولداش	اولوسسوز	بدون ملت	اولوس
	یولداشسیز	بدون رفیق	یولداش

این دو کلمه توهین نیز بحساب می‌آید. مثل بی پدر و یا بیتم، بدون راه، راه بد و بی دین نیز معنی می‌دهد.	آتابسیز	بدون پدر	آتابسیز	آتا
	یولسوز	بدون ایل		
{	یولسوز	بدون راه	یولسوز	ایلخی
		بدون ملت		
		بدون رفیق	یولداشسیز	یولداش

- به مثالهای زیر نیز توجه کنید:

آناسیز اوشقاق. ساقال سیز کیشی. قارسیز داغ. آدام سیز ائو. باخچاسیز ائو. بیغ سیز کیشی. قیز سیز قادین. قاریسیز کیشی. قادین سیز ارکک. یولسوز کند. علی اکبر طاهرزاده: اوز فضلینی پولسوز ائده مز کیمسه یه اثبات...

آحmac کیشی انسانلیغی آساننمی سانیرسان...

آتابسیز طفللری باسدی بورانلیق بیزه نه

تاپمی یور آج، بالاواجلار گذرانلیق بیزه نه

دده قورقوت: از کتاب حسن م. گونشیلی:

...اگر اردیر، اگر عورتدیر، قورخیسی آغاج ،

باشین آلا باقار اولسام، باشسیز آغاج،

دیین آلا باقار اوسام، دیسیز آغاج ، ...

### ۳) حروف اضافه « لی » ( قید و یا صفت اهلیت ) :

- حروف « لی » بر اسم ممالک پیوند می خورد و آنها را به اهلیت آنها تبدیل می کند:

تبریز: تبریزی.      تهران: تهرانی.      باکی: باکی لی.      زنجان: زنجانی. و ...

- حروف اضافی « لی » به شکل پسوند به کلمات سوالی « کجا » ، « نه ره » ، « نه یئر » « هارا »؟ پیوند می خورد و کلمات جدیدی به شکل « نه ره لی » ، « نه یئر لی » و « هارالی؟ » به وجود می آید.

حروف صدادار قید اهلیت « لی » ، تابع آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد، که با هماهنگی بزرگ به شکل « ü , , lu , , li , , || » صرف می شود. مثال:

سوال: تو اهل کجا هستی؟      سن نه یئر لی سن؟ ( sən nə yerlisən? )

سن هارالی سان؟ ( sən nərəlisən? ) ،      سن نه رلی سن؟ ( sən haralısan? )

او هارالی دیر؟ ( او اهل کجا است). او نه یئر لی دیر؟ سیز نه ره لی سینیز؟

حروف اضافی « لی » در جواب کلمات سؤالی « نه ره لی ، نه یئر لی » به شکل زیر به کار گرفته می شود. مثال:

كلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی است:	كلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی است:
mən təbrizliyəm      من تبریز لی یم	mən bəkiliyam      من باکی لی یام
mən ərdəbəlliyəm      من اردبیل لی یم	mən tehranlıyam      من تهران لی یام
mən mərəndləyəm      من مرندلی یم	mən azərbaycanlıyam      من آذربایجان لی یام
mən ürməyiyyəliyəm      من اورمییه لی یم	mən zəncanlıyam      من زنجان لی یام
mən üsküllüyəm      من اوسکولو یم	mən xoyluyam      من خوی لی یام

من مرندلی یم ( مرد لی یم ) ، من ایران لی یام ، من گیلان لی یام ، من آذربایجان لی یام و ...

من خوی لی یام ( خوی لی یوم ) ، من ماکی لی یام ( ماکولو یوم ) ، من ایستانبول لی یام ( ایستانبولو یوم )

- پسوند «لی» به شکل زیر به اسمی مختلف پیوند می‌خورد و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

سن تبریزی‌لی سن	sən təbrizlisən	سن میانالی‌سان، سن شیبسترلی‌سن
اُف تبریزی‌لی دیر	o təbrizlidir	اُف مراغالی دیر، اُف گونئی‌لی دیر
بیز تبریزی‌لی بیک	biz təbrizliyik	بیز اورمیه لی‌بیک، بیز مرندلی‌بیک
سیز تبریزی‌لی سینیز	siz təbrizlisiniz	سیز اردبیلی‌سینیز، سیز انزلی‌لی‌سینیز
اونلار تبریزی‌لی دیر (لر)	onlar təbrizlidir (lər)	اونلار باکی‌لی دیرلار، اونلار مرندلی دیرلر

- به جای اسمی شهرها می‌توان اسمی کشورها را نیز به کار گرفت. مثال:

در جواب سوال «شما اهل کجا هستید» گفته می‌شود:

من یونانلی یام	mən yunanlıyam	سن افغانستانلی‌سان
اُف آمریکالی دیر ( amırkalıdır ) o amerikalıdır	( amırkalıdır ) o amerikalıdır	بیز ایرانلی بیق
اونلار میصیرلی دیرلر ( lər )	onlar misirlidir ( lər )	( şililisən ) sən çililisən سن شیلی‌لی سن
من انگلیسلی بیم	mən ingilisliyəm	سن عربستانلی‌سان

من آرژانتینلی یام ( آرژانتینی‌لی یام )

- اسمی که آخرین حرف صدادار آن یکی از حروف «ئ»، «ۆ»، «ۇ» و «ۈ» باشد، به شکل زیر می‌توان آنها را به دو فرم صرف کرد. مثال:

من ژاپن لی یام	mən japon,li,y,am	من ژاپن لویوم	mən japon,lu,y,um
من ایستانبول لوسون	sən istanbul,lu,sun	من ایستانبول لوسون	sən istanbul,lu,sun
بیز آغ قوْیونلولار	biz ağıqoyun,lu,lar	بیز آغ قوْیونلولار	biz ağıqoyun,lu,lar
سیز قارا قوْیونلولار	siz qaraqoyun,lu,lar	سیز قارا قوْیونلولار	siz qaraqoyunlu,lar

- در موارد کمی اسمی که از زبانهای دیگر گرفته می‌شود، به نادرست در محاوره به همان شکل اصلی خود نیز صرف می‌شوند. مثال:

آمیرکان american به جای amerikanlı ( آمریکانلی ) amerikalı

- امروزه بعضی از « با سوادها » نیز اسم را همانند فارسی به شکل زیر به کار میبرند:

tehranlı	تهرانلی	به جای	tehrani	تهرانی
iranlı	ایرانلی	به جای	irani	ایرانی
istanbulluz	ایستانبول لو	به جای	istanbullı	استانبوللی

- در ترکی استانبولی (ترکیه) « یونانی » را « یونان » ، « آلمانی » را « آلمان » و « ایتالیائی » را « ایتالیان » مینامند. چنین صرفی کاملاً نادرست است، شکل صحیح آنها در زبان ترکی به شکل زیر میباشد:

یونانلی ، آلمانلی ، ایتالیالی (ایتالی یانلی) (کشور: یونان ، آلمان ، ایتالیا [ ایتالیان ] )

## ۵) قید علت و قید سوال و...:

کلمه قید علت، به کلمه ای گفته میشود، که علت را در جمله سوال میکند:

نیه ( نه یه ) ؟ : nəyə

او بُورایا نیه گلیر؟ او بُورایا نیه گلیر؟

سیز نیه باخیرسینیز؟ شما به چه نگاه میکنید؟

(برای چه) بُونیه لازیم دیر؟ این برای چه لازم است؟

نیه بُورایا گلدین؟ برای چه چیزی به اینجا آمدی؟

- اُغروندا: آنا بالالاری اُغروندا اوز جانیندان دا گئچدی ( مادر به خاطر فرزندان خود از جان

خود نیز دریغ نکرد.). ( ana balaları uğrunda öz canından da geçdi.)

کیم؟ : kim? ( چه کسی ) او کیم دیر ( o kimdir? ) ( او کیست )

نیچه؟ : necə? ( چطور ) اونون کئیفی نیچه دیر؟ ( onun keyfi necədir? ) ( حال او چطور است )

( چند [ چند تا ] ) او نیچه دیر o neçədir? ( آن چند است )

هانسی? : hansı? ( کدامی ) سیز هانسی ماشینی آلدینیز؟ ( siz hansı maşını aldınız? ) ( آن کدامی است )

نه اوچون ؟ : nə , üçün?

سیز نه اوچون بُورا یا گلدینیز؟ ( siz nə üçün ( nəçün) buraya gəldiniz? )

سیز نه اوچون ، بۇ ایشى گئردونوز؟ (siz nə üçün (nəçün), bu işi gördünüz?)

نه اوچون گولورسونوز. نه اوچون گلمه بیرسینیز. و...)

سیز نه اوچون بۇرايا گلدینیز. (siz nə üçün buraya gəldiniz.)

نه اوچون بۇرايا گلدین؟ ( به چه علتی اینجا آمدی?)

- اونون اوچون: اونون اوچون بۇرايا گلدیم. (onun üçün buraya gəldim.)

- در رابطه با به کارگیری کلمه سوالی «نه اوچون» به شعر زیر توجه کنید:

تأثیر: رخسارین اولان يئرده داخى گول نه ایچوندور (نه اوچوندور)

باش وۇردى خطون سىزە و سونبول نه ایچوندور (نه اوچوندور)

نه جور؟ :nəcür? سیز نه جور بۇ چېتىن ایشى باشا چاتىرا جاقسىنىز؟

(شما چىگونە اين کار مشكل را به سرانجام مىرسانيد؟)

(siz nəcür bu çetin işi başa. çatıracaqsınız?)

نه جور بۇ مسئله حل اولمالىدير؟ بۇ مسئله نه جور حل اولا بىلر؟

اونون كىيفى نه جوردور؟ (onun keyfi nə cürdür?)

گوره: من ، سنه گئرە بۇرايا گلدیم. (mən sənə görə buraya gəldim.)

(به خاطر تو به اینجا آمدم.)

نې گئرە :nəyə görə سیز نې گئرە بۇرايا گلىرىسىنىز؟ (siz nəyə görə buraya gəlirsiniz?)

(شما به خاطر چە ( به چە دليل به اینجا مىآئيد؟)

نى يە؟ (نىيە) :niyə ( حالت تصريفى از کلمه «نه» + چە)

سیز نى يە بۇرايا گلدینىز؟ (siz niyə buraya gəldiniz?)

سیز نى يە بۇ سؤزو واحتىندا دئمه دىنيز؟ (siz niyə bu sözü vaxtında demədiniz?)

نى يە بىزىم اۋز آنا دىلىمىزدە درس اۇخوماغا ايمكانيمىز يۇخدۇر؟

سیز نه بىي آلدینىز؟ (siz nəyi aldınız?)

(چە را) سیز نى يە گلمه دىنيز؟ (siz niyə gəlmədiniz?)

سن نى يە گلىرى سن؟ (sən niyə gəlirsən?)

(تو براي چە مى آنى؟)

هانی? hani? (کو، کجاست). هانی به? bə? hanı (چه شده، کجا مانده?)

**هارالی؟ haralı?** [ من هارالی یام: من از کجا هستم؟ من اهل کجا هستم. از کجا می‌آیم؟ ]

- « هارالی؟ » با مفهوم « اهل کجا هستی؟ » به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz haralıyıq?	بیز هارالی بیق؟	mən haralıyam?	من هارالی یام؟
siz haralısınız?	سیز هارالی سینیز؟	sən haralısan?	سن هارالی سان؟
onlar haralıdır(lar)?	اونلار هارالی دیرلار؟	o haralıdır?	او هارالی دیر؟

- از اینکه آخرین حرف کلمات مذکور صدادار است، در نتیجه در صرف برای اول شخص مفرد و جمع یک حرف « y » به خود می‌گیرند.

قید سوالی: می؟ mi? مو؟ mü? مو؟ mu? مو؟ mə? ...

کلمات سوالی قید زمان: نه زامان؟ (چه زمان) هاچان؟ نه واخت؟ نه وقت؟

نه زاماندان بری؟ نه واختاچان؟ نه زمانا قدر؟ نه واختا قدر؟ و ...

چه وقت: هاچان؟ haçan? (هاچان گلیر سینیز؟ هاچان گنديرسن؟)

چه وقت: (نه واخت) ? نه واخت گلیر سن؟ نه واختا جان بوراداسان؟

کلمات سوالی قید مکان: نه ره؟ نه یئره؟ نه یئره جان؟ هارا؟ هارادان؟ و ...

قید سوالی حالت: نه ده دیر؟ مریض می؟ نه بی دیر؟ یورقون مو؟ نشجه دیر؟ و ...

قید سوالی مقدار: نه قدر؟ نشجه ده نه؟ و ...

اضافه ملکی و کلمه سوالی « کیم »، « نه » و کلمه ربطی « کی »:

- کلمه سوالی « کیم » و « نه » (چه چیزی) به شکل زیر صرف می‌شود:

biz kimik?	بیز کیمیک؟	mən kiməm?	من کیم؟
siz kimsiniz?	سیز کیم سینیز؟	sən kimsən?	سن کیم سن؟
onlar kimdirler?	اونلار کیم دیرلر؟	o kimdir?	او کیم دیر؟

من نه یم؟ سن نه سن؟ او نه دیر؟ بیز نه بیک؟ سیز نه سینیز؟ اونلار نه دیرلر؟

- کلمه « کیم » و « نه » به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شوند:

کیمین؟	کیمی؟	کیمدن؟	کیمده؟	کیمه؟	کیم؟
نه یین؟	نه بی؟	نه دن؟	نه ده؟	نه یه (نیه)؟	نه؟

- اگر کلمه سوالی « کیم » و « نه » را با اضافه ملکی « in » ترکیب دهیم کلمه ترکیبی « کیمین » و « نه یین » به وجود می‌آید و با معنی « مال چه کسی » و « مال چه چیزی » در فرم سوم شخص مفرد به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شود. مثال:

بوُ آچار نه یین دیر؟	اوُ کیتاب کیمین دیر؟	بوُ ماشین کیمیندیر؟	سؤال
بوُ باغچا کیمیندیر؟	اوُ ماشینلار کیمیندیر؟	بوُ انو کیمین دیر؟	
سن کیمین اوُغلو سان؟	سن کیمین ننه سی سن؟	سن کیمین نوه سی سن؟	
اوُ کیتاب منیم دیر.	بوُ ماشین سنین دیر.	بوُ ماشین منیم دیر.	جواب
اوُ آچار قاپینین دیر.	بوُ آچار ماشینین دیر.	اوُ کیتاب سنین دیر.	

کلمه سوالی « کیمین » به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

( کیمین؟ به شکل سوم شخص مفرد بیان می‌شود.)

من سنین کیمینم ( نه بی نیزیک ) بیز سیزین کیمینیزیک؟

سن کیمین ننه سی سن؟ سیز کیمین باجی سی سینیز؟

اوُ کیمین قارداشی دیر؟ سن اوُنون نه بی سن؟

من نه بیں صاحبییم؟ سن منیم نه بیم سن؟

سن نه بیں صاحبیی سن؟ سیز نه بیں صاحبیی سینیز؟

اوُ کیمین آچاری دیر؟ ( او نه بیں آچاری دیر.)

کلمه سوالی « کیمین » در ترکیب با کلمه ربطی « کی »:

کلمه « کیمین » با کلمه ربطی « کی » ترکیب می‌یابد و به کلمه جدید ( کیمینکی ) مبدل

شده و به شکل زیر به وسیله « دیر » برای اشیاء و حیوانات صرف می‌شود. مثال:

سوال: بوُ آچار کیمینکی دیر؟ bu açar kiminkidir ، اوُ آچار نه بینکی دیر؟

بۇ گول کیمینکى دیر؟ او چىچكلىر کیمینکى دیر؟ بۇ ائو کیمینکى دیر؟

او تۇپ کیمنکى دیر؟ بۇ چىچك کیمینکى دیر؟ ... و...

جواب: بۇ آچار منىمكىدىر..  $bu$  açar mənimkidir. ، او آچار سىنىكىدىر.

بۇ اطاق بىزىمكى دير.  $bu$  otaq bizimkidir. ، بۇ ائو سىنىكىدىر.

بۇ تۇپ منىمكى دير. او تۇپ دا اۇنونكى دور.

توجه: سوال و جوابهای مذکور بهتر است با اسم و يا با ضمير شخصى به کارگرفته شوند. مثال:

بۇ کيتاب کیمینکى دير؟ بۇ قلم کیمینکى دير؟ او منىمكى دير.

در بیان اشخاص: بۇ اوشاق، کیمین اوشاغى دير؟ بۇ قىز، کیمین قىزى دير؟

بۇ اوغلان، کیمین اوغلو دور؟ ( بۇ اوغلان کیمیندىر؟ )

- حرف صدادار پسوند ملکى (ain، in) و همانا حرف صدادار کلمه ربطى «كى» و پسوند

صرفى با هماهنگى بزرگ به کارگرفته مى شود:

سؤال: او کیمینکى دير؟ او نه يىنكى دير؟

جواب: بۇ ائو منىمكى دير. بۇ قۇزو سىنىكى دير. بۇ ائو منىم نە مېنكى دير.

بۇ ائو سىنىكى دير. او ئولىرده اۇنلارىنكى دير (لار).

بۇ ائو رسولونكودور. (اين خانه مال رسول است).  $bu$  ev Rəsulunkudur.

بۇ ائو اۇنونكودور. (اين خانه مال اوست.).  $bu$  ev onunkudur.

بۇ اىز دۇنقۇزونكودور. (دۇمۇزۇنكودور). بۇ گولونكودور. او قۇزۇنونكودور.

قۇيۇنونكودور. او كۈزۈنكودور. تۆيۈغۈنكودور. خىرۇسونكودور. و...

سؤال: بۇ کيتاب کیمینکى دير؟ (مال چەكسى) بۇ آچار نه يىنكى دير؟

جواب: بۇ کيتاب منىمكى دير. بۇ کيتاب اۇنونكى دۇر.

او کيتاب حسىننكى دير. ( o kitab Həsəninkidir. )

(كتاب مال مادر است). او کيتاب اۇنونكى دۇر. ( onunkudur )

او کيتاب آنانىنكى دير. ( Ananinkidir )، بۇ کيتاب منىمكى دير. بۇ کيتاب اۇنونكودور.

او ائو سىنىنکى دئىيل و اۇنونكى دا دئىگىل ( دير ).

او حسن يىنكى دير. ( o Həsəninkidir )، بۇ اۇتلار او كۈزۈنكودور، ياداڭى

قوْيونونکودور. بُو چىچك اوْ گولونکودور. بُو يارپاق اوْ گولونکودور.

- آخرین حرف کلمه سوال « کیمینکی » و « نه یینکی » حرف صدادار « ئى » می باشد ، که در حالت تصريفی يك « ن » اضافه به خود می گيرد و به شكل زير برای ضمایر شخصی ( با هماهنگی بزرگ ) صرف می شود:

سوال:	کیمینکی؟	کیمینکی نه؟	کیمینکی ندن؟	کیمینکی نى؟	کیمینکی نى نه؟	کیمینکی نى ندن؟	کیمینکی نى نى؟
	نه یینکی؟	نه یینکی نه؟	نه یینکی ندن؟	نه یینکی نى؟	نه یینکی نه؟	نه یینکی ندن؟	نه یینکی نى؟
جواب:	منیمکی	منیمکی نه	منیمکی ندن	منیمکی نى	منیمکی	منیمکی نه	منیمکی نى
	بُونونکونون	بُونونکوندا	بُونونکوندان	بُونونکونو	بُونونکونا	بُونونکوندا	بُونونکونون

- کلمه « کیمده » با کلمه ربطی « کى » ترکیب می یابد و کلمه جدید به شكل « کیمده کى » تبدیل می شود و با پسوند صرفی « دىر » به کار گرفته می شود. مثال:  
سنین کیتایین کیمده کى دىر؟ ( کتابی که مال تو است، در پیش چه کسی است؟)  
اوونون قلمى کیمده کى دىر؟ ( قلمی که مال اوست، در پیش چه کسی است؟)

کلمه سوالی « کیمده کى » در حالتهاي تصريفی و در ترکييات مختلف آن:  
از اينکه آخرین حرف کلمه سوالی « کیمده کى » حرف صدادار « ئى » می باشد، در نتيجه در حالتهاي تصريفی يك « ن » اضافه به خود می گيرد و به شكل زير صرف می شود:  
کیمده کى؟ کیمده کينه؟ کیمده کيندە؟ کیمده کيندن؟  
کیمده کينى؟ کیمده کينين؟

- کلمات مذکور به شكل زير در جمله به کار گرفته می شوند و با پسوندهای ديگر ترکیب می یابند. مثال:

يۇخدور؟ مندە کى ماشىنىن بئنزىنى يۇخدور. کیمده کى ندە بئنزىن يۇخدور؟ مندە کى ندە بئزىن يۇخدور. کیمده کيندە کينىن بئنسىنى يۇخدور؟ مندە کيندە کينىن بئنسىنى يۇخدور.

کلمات مذکور به شكل زير برای ضمایر شخصی صرف می شوند. مثال:  
- کیمده کى ندە؟ مندە کيندە، سندە کيندە، اوْنداکيندا، بىزدە کيندە، سىزدە کيندە، اوْنلارداکيندا

- کلمات ترکیبی مذکور به شکل زیر در فرم سوم شخص مفرد با پسوند « دیر » صرف

می‌شوند: کیمده کی نده دیر؟ منده کینده دیر. سنده کی نده دیر.

اوْنداكیندا دیر. بیزده کینده دیر. سیزده کی نده دیر. اوْنلارداكیندا دیر.

- صرف کلمه « کیم » با حالت « در » و کلمه ربطی « کی » همراه فعل « وار » :

سوال: کیمده کینده رسیم وار؟ منده کینده رسیم وار. سنده کینده رسیم وار.

اوْنداكیندا رسیم (عکس) وار. بیزده کینده رسیم وار. سیزده کینده رسیم وار.

- در مواردی، کلمه « کی » ربطی به شکل زیر دو و یا سه بار تکرار می‌شود. مثال:

سیزین کیتابلارینیزین ایچی! یازیلیپیدیر (لار)!

سوال: کیمده کی نده کی کیتاب یازیلیپ دیر؟ کیمده کی نده کی نین یازیسی وار؟

جواب: منده کینده کی یازیلیپ دیر. منده کینده کی نده کی نین یازیسی وار.

منده کینده کی نده یازی وار. منده کینده کینیده ده یازی وار.

سوال: کیمده کینین ایچی یازیلیپیدیر؟

جواب: منده کی نین ایچی یازیلیپیدیر. منده کینین. اوْنداکینین. بیز ده کینین. و ...

منده کی نده کی نکی نین ایچی یازیلیپیدیر.

- نفی با کلمه « دئگیل » ( دگیل، دئیل ) : منده کینده دگیل. سن ده کینده کینده دگیل.

کلمه سوالی « نه » با اضافه ملکی ( in ) و کلمه ربطی « کی » ترکیب می‌باید و به شکل

زیر به کارگرفته می‌شود:

a) کلمه سوالی « نه » به تنها بی به شکل زیر در حالت‌های تصريفی صرف می‌شود:

نه ؟ : نه یه؟ ( نیه ؟ )      نه ده ؟      نه دن؟      nədən?

نه بی؟      nəyi? ،      نه بین؟      nəyin?

- کلمات سوالی به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شوند:

سوال: سن نه ایسته بیرسن؟      سن نه یه باخیرسان؟      بُو کیف نه دن دیر؟

سوال: سن نه بی گورورسن؟      سن نه بی جیبینده نه بین وار؟      بُو علامت نه ده دیر.

**b) کلمه سوالی « نه » همراه پسوند ملکی:**

این کلمه از ترکیب کلمه « نه » و « پسوند ملکی »، کلمه مرکب « نه بین » به وجود می‌آید و با مفهوم « چه چیز تو » به کارگرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

منیم نه بین؟	سنین نه بین؟	سنین نه بین؟
بیزیم نه بینیم؟	سیزین نه بینیز؟	اونلارین نه لری؟

- کلمه سوالی « نه بین » به شکل زیر در حالتها تصريفی صرف می‌شود:

نه بین؟	نه بینه ( نیه )؟	نه بینده؟	نه بیندن؟	نه بینی؟	نه بینین؟
---------	------------------	-----------	-----------	----------	-----------

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شوند:

بُو آچار نه بین دیر؟	او قیفیل نه بین دیر؟	بُونلار نه بین دیرلر؟	اونلار نه بین دیرلر؟
----------------------	----------------------	-----------------------	----------------------

- کلمات سوالی « نه ده؟ » و « نه بین؟ » با کلمه ربطی « کی » ترکیب می‌یابند و به شکل « نه ده کی؟ »، « نه بینکی؟ » در می‌آیند و به شرح زیر به وسیله « دیر » در فرم سوم شخص مفرد به کارگرفته می‌شوند. مثال:

سوال بُو آچار نه بینکیدیر؟      این کلید مال چه چیزی است؟

بُو ایز نه بینکی دیر؟      این جای پای چه چیزی است؟

بُو میخ نه بینکی دیر؟      این میخ مال چه چیزی است؟

جواب او آچار ماشیننکی دیر.      آن کلید مال ماشین است.

بُو آچار ائوینکی دیر.      این کلید مال خانه است.

بُو کلید باغینکی دیر.      این کلید مال باغ است.

بُو ایز او کوزونکودور.      این جای پا مال گاو است.

بُو ایز دُونزوونکودور. ( دُونقوزوونکودور )      این جای پا مال خوک است.

**c) از اینکه آخرین حرف کلمه ( نه بین کی ) صدادار است، در نتیجه در حالتها تصريفی به شکل زیر صرف می‌شود. مثال:**

در حالت فاعلیت:      نه؟      نه بین؟      نه بینکی؟      نه بینکی نین؟

در حالتها تصريفی: نه بینکی نه؟      نه بینکی نده؟      نه بینکی ندن؟      نه بینکی نی؟      نه بینکی نین؟

كلمه سوالی «نه بین؟» با فعل «وار» نیز به کارگرفته می‌شود. مثال:

كلمه «نَيْنَ وَار» در موارد زیادی برای بیان «دردو رنج» و «امراض» نیز به کارگرفته می‌شود:  
سؤال: «سَنِينَ نَهْ بِينَ وَار؟» با سه مفهوم (تو چه چیزی داری؟ تو چه کسی را  
داری؟ تو چه مرضی داری؟) به کارگرفته می‌شود:

جواب: منیم سُوْیوق دَيْمَه يِيم (دَيْمَ) وار. (mənim soyuq dəyməyim (dəyməm) var.)

مَنه سُوْیوق ده يِيب دیر. mənə soyuq dəyibdir. (من سرما خورده ام.)

مَنِيم سُوْیوق ده يِمه يِيم وار. mənim soyuq dəyməyim var. (من سرما خورددگی دارم.)

اوْنُون باش آغْرِيسِي وار. onun baş ağrıısı var. (او سر درد دارد.)

منیم سُوْیوخ دَيْمَه يِيم وار. منیم باش آغْرِيسِم وار. منیم باحیم وار. منیم ائویم وار.

- کلمات سوالی «نه بین؟» و «هاران؟»، «نه رن؟» (با مفهوم کجا هی تو) در رابطه با بیان

اعضای بدن نیز به کارگرفته می‌شوند:

سَنِينَ نَهْ بِينَ آغْرِي بِير؟ كجا هی تو درد می‌کند؟ ، sənin nə yerin ağrıyıır?

منیم بُورام آغْرِيسِير. ، mənim buram ağrıyıır. این جای من درمی‌کند.

اوْنُون هاراسی آغْرِيسِير؟ كجا او درد می‌کند؟ ، onun harası ağrıyıır?

اوْنُون قارنی آغْرِيسِير. ، onun qarnı ağrıyıır. دل(شکم) او درد می‌کند.

سَنِينَ هاران آغْرِيسِير؟ كجا هی تو درد می‌کند؟ ، sənin haran ağrıyıır?

منیم باشیم آغْرِي بِير. ، mənim başım ağrıyıır. سر من درد می‌کند.

بِيزِيم باشیمیز آغْرِيسِير. ، bizim başımız ağrıyıır. ما سرمان درد می‌کند.

- سیزین هارانیز آغْرِيسِير؟ اوْنالارین هارالاری آغْرِيسِير؟ سَنِينَ نَهْ رن آغْرِيسِير؟

منیم باشیم آغْرِيسِير. قارنیم آغْرِيسِير. آیاغیم (قیچیم) آغْرِيسِير.

- کلمات (مثال: سَنِينَکی) به شکل زیر با پسوند «می» مورد سوال قرار می‌گیرند:

منیمکی دیرمی؟ بُو ائو سَنِينَکی دیرمی؟ بُو ماشین اوْنونکو دورمۇ؟ بُو آچار اوْنینکی دیرمی؟

بُوكیتابلار سیزینکی دیر(لر) می؟ بِيزِيمکی دئیيلدیرمی؟ بُو سؤز اوْنالارینکی دئیيلدیر(دئگیل)می؟

### كلمه سوالی و قیدی «نه»:

«نه» کلمه سوالی است، که در کنار کلمات دیگر با مفهوم قیدی نیز به کار گرفته می‌شود:

نه? **سیز نه واختان برى بۇرا داسینیز؟** سیز نه پئیش سینیز (yeyirsiniz)؟

سیز نه زاماندان برى بۇ شەھەر داشانیسینیز؟

سیز نه زاماندان برى بۇرا دا ياشاییر سینیز؟ سیز نه واختان بۇرا داسینیز؟

توجه: کلمات «نه یه، نه بى، نه بین» در صرف یک حرف تکمیلی (ع) به خود می‌گیرد، چراکه

آخرین حرف کلمه سوالی (نه) و اولین حرف صدادار پسوند، حرف صدادار است.

- کلمه سوالی «نه» با خط عربی در حالت‌های تصریفی به شکل زیر پیوسته و در مواردی

نیز جدا از هم نوشته می‌شود. مثال:

سن نه یه (نیه) با خیرسان؟ سن نه یه (نیه) گئوره گولورسن؟ سن نه یه (نیه) دیللە نیرسن؟

سن نه بى (نئى) گئورورسن؟ سن نه بى آلیرسان؟ بۇ عکس نه بین (کیمین) دیر؟

- کلمه سوالی «نه» با علامت «لر» به شکل «نه لر» با مفهوم «چه چیزهائی» جمع بسته

شده و به شرح زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود:

nələrdə? نه لرده؟ nələrə? نه لرە؟ nələr? نه لر؟

nələrənin? نه لرە نین؟ nələri? نه لری؟ nələrdən? نه لردن؟

من شهرین بۇیانیندا ياشایارام. (أۇتۇرۇرم) **بۇیان buyan**:

(mən şəhərin bu yanında yaşayaram. (otururam))

بىز آرازىن بۇیانىندا و اۇنلار اوْ يانىندا ياشایارىق.

(biz arazin bu yanında ve onlar oyanında yaşayarıq.)

حال سوالی زبان «نه؟ (چه) و «هانسى؟» (کدامى؟):

- در زبان ترکی علامت سوالی برای زبان، کلمه «نه» و «هانسى» می‌باشد، که همراه پسوند

ملکی به کار گرفته می‌شود. مثال:

جمله خبری: من توركجه دانىشمارم. (من به زبان ترکی صحبت می‌کنم.)

سوال می‌شود: سیز نه دىلده دانىشىرسىنىز؟ سیز هانسى دىلده دانىشىرسىنىز؟

سنین آنا دیلین نه دیر؟ ( sənin ana dilin nədir ? )

سوال: سن هانسی دیلده دانیشارسان؟ ( sən hansı dildə danışarsan ? )

سنین آنا دیلین نه دیر؟ سنین آنا دیلین هانسی دیل دیر؟

او کیتاب نه دیلده دیر؟ او کیتاب هانسی دیلده دیر؟

( نه دیلی؟ هانسی دیلی؟ هانسی دیلده؟ نه دیلینده؟ )

سن هانسی دیللری بیلرسن؟ سن هانسی دیللرده دانیشارسان؟

من تورکم و منیم آنا دیلیم تورکجه دیر. من تورک دئگیلم آمما تورکجه دانیشیرام.

من تورک دیلینجھه دانیشیرام. من تورک دیلیندە ده دانیشیرام.

- کلمات و یا جملات سوالی با علامت سوالی ( ? ) به کارگرفته می شود.

جواب: من تورک دیلیندە دانیشیرام. ( mən türk dilində danışıram . )

من تورکجه ، فارسجا و آلمانجا دانیشیرام. و ...

- کلمه سوالی « هانسی » با فعل « بیل » ترکیب می یابد و به شکل زیر در سوال و جوابهای مربوط به زبان به کارگرفته می شود:

جواب: من تورک و فارس دیلرینی بیلرم ( با مفهوم ملیت ). من تورکجه و فارسجا بیلرم. ( با مفهوم زبان )

سوال: سن هانسی دیللری اورندین؟ من فارس و تورک دیللرینی اورندیم.

من تبریزده تورک دیلینی و تهراندا دا فارس دیلینی اورنمیشم ( اوره نیم : اوره نی به ).

من تهراندا فارسجا و تبریزده ده تورکجه اورندیم.

- نفی سوالی « نه دن » به وسیله دو کلمه « یوخ yox » و « دئیل dəyil » انجام می گیرد:

سوال: ندن ( نه دن )؟ او نه دندیر؟

جواب: او پامبیقدان دیر. ( آن از پنبه است )

یوخ ، او پلاستیک ڈن دیر. yox o plastikdən dir. نه خیر آن از پلاستیک است .

او پلاستیکدن دئگیل. ( آن از پلاستیک نمی باشد [ نیست . ] )

سوال: بس او نه دن دیر؟ او دمیردَن دیر می؟

جواب: او دمیردَن دیر. او پانیقداندیر. او تۆرپاقداندیر. و ...

## ۶) کلمات و علائم ربطی:

کلمه ربطی «و»، کلمه ای است که توسط آن دو کلمه و یا دو بخش مختلف جمله به هم ربط داده می‌شود.

- کلمه «و»، کلمه ای است که برای خود معنی مشخصی دارد و از کلمات دیگر مستقل به کار گرفته می‌شود. مثال: حسن و یاشار گلیر(لر). لاله و حسن گندیلر.

در دو جمله مذکور، حرف «و»، کلمه ربطی است که با معنی ویژه ای صرف و به وسیله آن «حسن و یاشار» به یکدیگر و همچنین « فعل » به هر دوی آنها ربط داده می‌شود. مثال:

- کلماتی که معنی مستقل دارند، به اشکال زیر می‌باشند:

کلمات ساده ربطی: یا، چون، ولی، بلکه، ساكت، مگر(مه بیر)، کی و ...

کلمات ترکیبی: اوно، بونو، اوندان، سونرادان، حله لیک، گینه ده، لاکین و ...

کلمات مرکب ربطی: و یا، مگر کی، حالیو کی، مادامکی، دائم کی، بوندان بری،

اوچون، با هم، یو خسا، بارابار (برابر) و ...

کی: او کی گلیر، یاخشی آدمدیر. (آن کسی که می‌آید، آدم خوبی است.)

او کی گلیر، منیم قارداشیم دیر. (آن [ شخصی ] که می‌آید، برادر من است.)

من او رکدن ایسته بیرم کی سن بخته ور او لاسان.

(mən ürəkdən istəyirəm ki, sən bəxtəvər olasan.)

سنه کی کیتاب من ده کیندن یاخشیدیر. (səndəki kitab məndəkindən yaxşıdır.)

اونلاردا کی ماشین بیزدہ کیندن باهالی دیر. (onlardakı maşın bizdəkindən bahalıdır.)

(ماشینی که آنها دارند، از ماشین ما گرانتر است.)

- در رابطه با به کار گیری کلمه ربطی «کی» به شعر زیر توجه کنید:

صمد وورغون: من بیر او شاق سن بیر آنا او دور کی با غلیام سانا (سنه)

هانکی سمته، هانکی یانا هئی او چسامدا یو وام سن سن ..

چونکی ، çünki: من غذا یئمیرم ، چونکی بئ میشم (ئیشیم).

(mən ğəza yemirəm , çünki yemişəm.yeyibəm).

او يئمك يئمیيیر، چونكى بىع يېيدىر. ( o yemək yemiyir, çünkü yeyibdir.)  
ياداکى ya da ki : من ايسته يېرم آلمانجا يا داكى انگليسيجه اۋره نم.

( mən istəyirəm almanca yadaki , ingiliscə öyrənəm.)  
من اوْنو عاغيللى بىليردىم، دئمه كى لاب سەتفىح مىش. من اوْنو پۇللۇ بىليردىم ، دئمه كى لوتوموش. اوْنون پالتارى يۇخوموش ( او لوتودو ).

على منى گۈردو سالام (سلام) وئرمە دى، سانكى منى تانيمىر.  
او چۈخ ياخشى دانىشىر سانكى اوستادىر( اوستادىر).

( Əli məni gördü, salam (səlam) vermedi, sankı məni tanımır.)

كلمه «كى» در موادرى با پسوند ملكى و ضمير شخصى:

اگر كلمه ربطى «كى» با كلمه ديگرى پيوسته نوشتە شود، حرف صدادار آن وابسته به حرف صدادار كلمه ما قبل خود شده و با هماهنگى بزرگ با حروف «ا, ئ, ئى, ئا» به كارگرفته مى شود:

توجه شود كه كلمه «كى» با ضمير شخصى و علامت ملكى تركيب مى يابد و به شرح زير برای ضمایر شخصی صرف مى شود: ( منىمكى: آنچە مال من است ).

bizimki	بىزىمكى	mənimki	منىمكى
sizinki	سيزىنكى	səninki	سەننكى
onlarinki	او نلارينكى	onunku	او نونكۇ

- كلمه «منىمكى» به شكل زير تجزيه مى شود:

( ۱ ) : mən ضمير منفصل شخصى.

( ۲ ) : im علامت ملكى برای اول شخص مفرد.

( ۳ ) : ki علامت ربطى

- كلمه نفى «يۇخ» و «دئگىل» ( دئيل ) همراه ضمير شخصى و پسوند ملكى:  
منىمكىنده يۇخ. سەننекىنده يۇخ ( دور ).

- سوالی: منیمکیندە وار ( دیر ) مى؟ سینینکیندە يۇخ ( دۇر ) مو؟ او كیمینكى دیر؟  
جواب: او منیمکى ندە دئیلدىر. بۇ سینینكى ندە دگىلدىر ( دئیلدىر). او اوْنونكۈندا دئیل دیر.  
بۇ بىزىمكى ندە دگىل ( دیر ). او سىزىنكى ندە دئیلدىر. او اۇنلارينكىندا دئىگىل دیر.  
بۇ اوْنونكۈندا دگىل ( دیر ). او ماشىننىكى ندا دیر. او منیمکى ندە دگىل ( دیر ). و ...  
و ، ٧٨: حسن و حسین مدرسه يە گىدىرلر. ( Həsən və Hüseyin mədrəsəyə gedirlər.)  
احمد و رسول بۇگون بۇرايا گله جىڭلر. (احمد و حسن امروز بە اينجا خواهند آمد.)  
همدە **hem də**: حسن همدە حسین بۇ قىزا وۇرولوبلار. (حسن و همچىن حسین عاشق اين  
دختر شده اند.) ( Həsən həmdə Hüseyin bu qızı vurulublar.)  
بارابار، **barabar** (برابر، مثل): حسین ايله حسن برابر(بارابار)كىتاب اوْخويورلار. (حسین و حسن با ھم  
كتاب مى خوانند.).  
- اگر فعل جمله، با فعل آيندە نزديك صرف شود، مفهوم تکرار عمل را بيانمى كند. مثال:  
حسین ايله حسن برابر كىتاب اوْخويارلار. (حسین و حسن هميشه با ھم كتاب مى خوانند.).  
آمما **amma**: من اونا دئىdim، آمما او ائشىت مە دى. ( mən ona dedim, amma o eşitmədi )  
من توركىيە ياخشى دانىشىرام، آمما ( اما ) فارسجا ياخشى دانىشا بىلمىرم.  
( mən türkçə yaxşı danışırıam, amma farsca yaxşı danışa bilmirəm .)  
(من به زبان ترکىي خوب حرف مىزىنم،اما به زبان فارسى نمى توانم خوب صحبت كنم.)  
سن دە يېمك يۇخدۇر،آمما اىشتاتاها وار. ( səndə yemək yoxdur,amma iştaha var.)  
او سنه پىسىلىك ايله دى، آمما سن اونا پىسىلىك ائىلمە. [ آمما سن اونا ياخشىلىق ايله. ]  
هابىلە **habelə**: من بىر دفعە دئمىشىم ( دئىيىم )، هابىلە كىنه دئىيرم. من بىر گىرە دئمىشىم، هابىلە  
يېنە دئىيرم. ( mən bir dəfə demişəm, habelə yenə ( ginə ) deyirəm.)  
هابىلە سىزىن قۇللوغۇنۇزا [ به حضورتان ] عرض ائدىرم.  
( habelə sizin qulluğunuza ərz edirəm.)  
همچىن، **həmçinin**: همچىن سىزىن قۇللوغۇنۇز دايام ( قۇللوغۇنۇزدا حاضيرام )  
( həmçinin sizin qulluğunuz da hazırlam.)

( mən yorqunam , ona görə bir qəhvə içirəm.) : **اونا گوره** : ona görə

من يۇرقۇنام، اۇنا گۈرە ( براى آن، به دليل آن) بىر قەھۋە اىچىرم.

منىم بۇرجوم وار، اۇنا گۈرە من گىرك چۈخ اىشلە يم.

( mənim borcum var, ona görə mən gərək çox işləyəm.)

من بۇسۇزو بىرگەرە ( دفعە ) دئىدىم، اۇنا گۈرە داهى (داها) دئمىرم.

( mən bu sözü (sözi) bir dəfə (gərə) dedim, ona görə dahı (daha) demirəm.)

**بۇنا گوره** : buna görə من بۇنا گۈرە چۈخ اىشلە يېرم كى ، بۇرجوم وار.

( mən buna görə çox işləyirəm ki, borcum var.)

منىم بۇرجوم وار، بۇنا گۈرە من چۈخ اىشلە يم گىرك.

( mən bu işi səndən öträ oğurdu. ) : **اوترو** : öträ

( mənim ürəyim balamdan öträ çalır. )

**اونون اوچون؟:**

منىم بۇرجوم وار، اۇنون اوچون گىرك چۈخ اىشلە يم.

( mənim borcum var, onun üçün gərək çox işləyəm.)

اوچون ، اوترو ، گۈرە، در زبان فارسی معنی «برای او» [ به دليل او ] را می دهد:

من بۇ ايشى سنه گۈرە گۈرددوم. من بۇرایا سنه گۈرە گىلدىم.

من بۇ ايشى سندن اوترو گۈرددوم. من بۇ سۇزو، سنى باشا سالماق اوچون دئىدىم.

من بۇ ايشى سىنىن اوچون گۈرددوم. ( من اين کار را به خاطر تو انجام دادم.)

**كىمى** ( كىمى ) : kimi

كلمه ربطى و تشبيھى «كىمى» معنی «مانند»، «مثل»، «همچون» و «همانا» را مىدەد.

«كىمى» ( كىمى ) در آذربایجان به شكل «كىمى» بيان مى شود. ( كلمه «كىمى» به جاي «كىمى»

نادرست مى باشد، زيرا «كىمى» معنی «چەكسى را» نيز مىدەد.) كلمه «كىمى ، كىمى» در

جملات زير « را بط تشبيھى» را بيان مى كند. مثال:

علي توركجه، تورك كىمى( كىمى ) دانىشىر. ( ئoli türkçə , türk kimi danışır. )

علی زبان ترکی را همچون ( مثل ) یك ترک صحبت می کند.

احمد فارسجا، فارس کیبی( کیمی ) دانیشیر. ( Ohm d farsca , fars kibi ( kimi ) danışır. )

لاله تورک کیبی( کیمی) تورکجه دانیشیر. ( Lalə türk kimi türkçə danışır.)

( لاله همچون یك ترک، ترکی حرف می زند.)

حسین اینگلیسلی کیبی ( کیمی)، اینگلیسجه بیلیر. ( Hüsəyn ingilisli kimi ingiliscə bilir. )

( حسین به قدر یك انگلیسی زبان انگلیسی می داند. )

علی ده سنین کیبی یاخشی آدام دیر. ( Əli də sənin kimi ( gibi ) yaxşı adamdır. )

- در رابطه با به کار گیری کلمه « کیمی » و « کیبی » به اشعار زیر توجه کنید:

حقیقی: قدین کیمی ستوده صنوبر نه یئرده وار عنبرفشنان ساچین کیمی عنبر نه یئرده وار

خلیلی: مرغ جانی هر سحر شوقیله نالان ائله رم

کؤنلومو زولفون کیبی عمدن پریشان ائله رم

شهریار: مجد السادات، گولردی باگلار کیمی، گورولدردی ، بولوتلی(لو ) داغلار کیمی،

سوز، آغزیندا، آریزدی یاغلار کیمی...

ائله بیل elə bil: کلمه « ائله بیل » معنی « مثل اینکه »، « مثل »، « چنان » را می دهد.

احمد اینگلیسجه چوخ گوزل دانیشیر، ائله بیل کی اینگلیسلی دیر.

( Əhməd ingiliscə çox gözəl danışır, eləbil ki ingilislidir.)

احمد انگلیسی را خیلی خوب حرف می زند ، مثل اینکه اهل انگلیس است.

او آلمانجا ائله گوزل دانیشیر کی، ائله بیل آلمانلی دیر.

( o almanca elə güzel danışır,ki eləbil almanlıdır.)

( او به زبان آلمانی طوری خوب حرف میزند، گو اینکه[ گوئی که] او آلمانی است.)

اورا باخ، بئریشی ده ائله بیل کی ذده سی دیر.

( ora bax, yerisi də elə bil ki, dədəsidir.)

- در رابطه با به کار گیری کلمه « ائله بیل » همراه « کی » به شعر زیر توجه کنید:

وهاب زاده: ... بئرگادا حیات ائله بیل دوشونور درین - درین ...

... اؤزگه دنیادان گلیر ائله بیل کی قاتارلار بیزه تانیش اوْلمایان سرنشین لر....

دئیه سن (گوئی که): دئیه سن، یاغیش (یاغمور) یاغاجاق. ( diyəsən, yağış yağacaq.)

دئیه سن، اوْنون بُو ایشی بُویا باشا چاتیرماغا باشاریغى وار ( دیر).

( گوئی که در وى توانائى به سر انحصار رساندن این کار هست.)

بُو ایته باخ، دئیه سن فیل دیر. ( bu itə bax , deyəsən fildir.)

هوا خراب اوْلور، دئیه سن یاغاجاق. ( hava xarab olur,deyəsən yağacaq.)

- در رابطه با نحوه به کارگیری کلمه « دئیه سن » به اشعار زیر توجه کنید:

گنجه کىچىدى يارىدان، گلمه دى يارىم دئیه سن وجمى:

آز قالىدىر قۇرتارا صبر و قرارىم دئیه سن

على واحد: صفائ مجلس جانانى، كىم گئرۈپ - او. دئیه سن؟

تشبيه قيافه: بنزه يير: ( از مصدر بنزه مك ) بُو اوْغلان دَدَه سينه بنزه يير.

( bu oğlan dədəsinə benzəyir.)

تشبيه صدا: اوْ قىز نَه سى كىمى دانىشىر، ائله بیل کى، او، نَه سى دير.

( o qız nənəsi kimi danışır , eləbil ki, o , nənəsidir.)

داھى و داھا , daha : من داھى بير كيلو ميوه ايسته ييرم.

( mən dahı (daha) bir kilo meyvə istəyirəm . ) من يك كيلوي ديگر ميوه مى خواهم .

من داھى بير شىء ايسته ميرم. (من چىز دىگرى نمى خواهم). (mən dahı bir şey istəmirəm.)

او، واختىندا بۇرجونو وئرمە دى، ايندى يالوارسا دا، اوْنا داھى پۇل وئرمە رم، چونكى منىم

اوْنا داھى ايانجىم بۇخدور. ( اعتمادىم يۇخدور)

نه دئمك ؟ : nə demək ? ( bu sözə ingiliscə nə demək?)

بُو سۆزه اينگىلىسجه نه دئمك؟ ( اين کلمه به انگلىسى چە معنى مىدەد؟)

سينىن بُو ايشىن چۈخ پىسىدىر، من بىلمىرم بۇنا نه دئمك.

( sənin bu işin çok pisdir , mən bilmirəm buna nə demək . )

( اين کار توخىلى بد است، من نمى دانم اسم آن را چە بىگىدارم. [ چە بىگىيم ] )

گینه قار یاغیر. **ginə qar yağır** ( باز برف می بارد.) گینه هاوا سوْیوق اولدو.  
ginə ( مجدداً ) **hava soyuq oldu**.

و يا : **və ya** ( mən istəyirəm bir kot ( pəncək) və ya bir palto alam.)

من ایسته بیرم بیر کت و يا بیر پالتو آلام. ( من می خواهم يك کت و يا يك پالتو بخرم.)  
او انگلیسجه و يا فرانساجا اورنمک ایسته بیرم. ( o ingiliscə və ya fransaca öyrənmək istəyir.)  
( او می خواهد زبان انگلیسی و يا زبان فرانسوی ياد بگیرد.)

يادا : **ya da** ( o istəyir ingiliscə ya da fransızca öyrənə)

( او می خواهد زبان انگلیسی يا اينکه زبان فرانسوی ياد بگیرد.)

حله : **hələ** ( o yaşlı deyil, hələ mədrəsəyə gedir.)

( او سنی [ مسن نیست ] ندارد و هنوز به مدرسه میرود.)

او جوان دیر، حله اولن مه بیب. ( o cəvəndir hələ , evlənməyib.)

گون باتدی، من حله بُۇ ايشى قۇرتارماديم. ( gün batdı,mə hələ bu işi qurtarmadım.)

حله لیک : **hələlik** من بۇرادا ايشله بیرم، حله لیک گىتمە يە ايمکانيم يۇخدۇر.

( mən burada işləyirəm, hələlik getməyə imkanım yoxdur.)

( من در اينجا کار می کنم و هنوز امكان رفتن برایم نیست.)

سن گىت، من حله لیک بۇرادا يام. ( sən get , mən hələlik buradayam.)

سن گىت، من حله لیک بۇرادا قالىرام. ( sən get mən hələlik burada qalıram.)

يېرىن : **yerin** من سىنىن يېرىن ده اولسىайдىم، بۇرادا ايشله مىزدىم. اگر من به جاي تو بودم، در اينجا

كار نمى كردم. ( mən sənin yerində olsaydım, burada işləməz dim.)

سن بۇ كىتابلارلا اوْ چىمانىن يېرىنى دېيش. ( توجاي اين كتابها را با آن چىمان عوض كن.)

( sən bu kitablarla o çəmədanın yerini dəyiş.)

برى : **bəri** من بئش گوندن برى بۇرادا يام. ( mən beş gündən bəri buradayam.)

سن آين دور توندىن (دوردوندىن) برى بۇراداسان. ( تو از چهارم برج تا كىنون در اينجا

(sən ayın dörtündən (dörtləndən) bəri buradasan.) هستی.)

سن نه زماندان برى بۇرادا چالىشىرسان؟

من شهرىن بۇيانىندا ياشايارام (اوْتۇرۇرام). (دراین قسمت شهر زندگى مىكىم.) يان yan:

(mən şəhərin bu yanında yaşayaram. (otururam))

بىز داغىن بۇيانىندا و اونلار اوْيانىندا ياشايارىق. (ما در اين طرف کوه زندگى مىكيم و

آنها در آن طرف کوه.). (biz dağın bu yanında və onlar oyanında.yaşayarıq.)

ايکن، به تنهائى معنائىندارد، ولی هر وقت بعد از فعل و يا صفت بیان شود، ايکن ikən:

معنى «درعين حال» را به خود مىگيرد. مثال:

من يۇرۇقۇن ايکن قەھوھ اىچرم. (من هر وقت خسته مىشوم قەھوھ مىنوشم.)

(mən yorqun ikən qəhvə içərəm.)

من دونن يەمك يېئىر كن تلوپيزيونا دا باخىرىدىم.

(mən dünən yemək yeyir kən, televiz(ora)ionada baxırdım.)

(من دىروز در حالى كه غذا مىخوردم به تلوپيزيون نىز تماشا [نگاه] مىكردم.)

من سىزىن ائوه (ائوينىزه) گلىرىن قار ياغىرىدى. (درحالى كه من به خانه شما مىآمدم

(mən sizin evə (evinizə) gəlirkən qaryağırdı.) برف مىبارىد.)

من بىلسىديم كى ، او يالانچى دىر، اۇنۇنلا آنجاق يۇلداش اۇلمازدىم.

(onunla ancaq yoldaş olmazdım mən bilsəydim ki o yalançıdır.) آنجاق ancaq:

(من اڭىرىمى دانسىم، كە او دروغگوست، در نىتىجە با او دوست نمى شىدم.)

(ancaq mən gələndə, o getdi.) آنجاق من گلنده او گىددى.

(mən ancaq bildiyimcə dedim.) من آنجاق بىلدىييمىجه دئىدىم.

(mənim ancaq yeməyə vaxtim yoxdur.) منيم آنجاق يەممە يە وانخىتىم يۇخدۇر.

بۇندان آرتىق، آنجاق منيم آلىمدن داھى بىر ايش گلمىر.

(bundan artıq , ancaq mənim əlimdən dahi (daha) bir iş gəlmir.)

گۇرن بۇ ايش اوْلار مى؟ گۇرن بۇ سۆز دۇغۇرۇمو؟ گۇرن: گۇرن:

- گؤره:** منه گؤره بُ ايش چوخ ياخشى دير. [از ديد من اين کار خيلي خوب است.]
- منه گؤره بُ ايشى ائدمه. منه گؤره بُ ايشى گؤرمە سن ياخشى دير.
- سن نه زماندان برى بۇرادا چالىشىرسان؟
- قدر:** تبرىزدىن تهرانا قدر ۶۱ کيلو متر دير. من بُ قدر دانىشا بىلرم. بُ قدر چوخ دانىشما.
- بُ قدر هاي كوي سالما (هاي هوى).
- لاكىن:** بُ ايشى باشا چاتدىرماق چوخ چتىن او لاجاق، لاكىن آيرى بىر ايمكان يۇخدور.
- دئمە:** من او نو عاغىلىلى بىليردىم ، دئمە لاب سەقئىح مىش.
- يانى [يعنى]: يانى بُ ايش او لوب يېتن دئيل (دگىل) مى؟ يانى من دئىن سۆز دۇغرو دئيل مى؟
- بارى:** او او لماسا دا، بُ او لسون بارى. او ايشى قۇرتارمادين، بۇ نو قۇرتار بارى.
- بار، بارى « حاصل » و « بارلى » (با ميوه ، با بركت) نىز معنى مى دهد.
- بُ آغاچىن بارى چۇخدور، او نا هاچا وۇر، يۇخسا او نون بۇ تاقلارى سينا جاقدىر.
- تاي:** تاي با مفهومى همچون « شبات داشتن » ، « مىثال » ، « ائله بىل » ، « چنان بدان » ، « گۈئىكە » به كارگرفته مى شود: بۇ نارىن ايكىسىدە بىر بىرىنە تايىدىر.
- بۇدا ، او نا تاي دير. سن ده منه تاي سان. بۇدا بىزە تايىدىر. مندە سنه تايام.
- كلمه « تاي »، معنى « چۈوال » (جوال، كيسە) را نىز مى دهد. مثال:
- دوھ يۇكىنون بىر تايى. ايكى چۈوال تايى. ايكى الحىگىن بىر تايى.
- تاي مفهوم « طرف » را نىز مى دهد. مثال:
- سن چايىن بۇ تايىندا دۇر، من ده او تايىندا. آرازىن او تايى و بۇ تايى آذرباي جاندىر.
- ھئچ او لماسا:** او نا كۈملە كۈملە بىلمە دىم، ھئچ او لماسا بىر آز تشويق ائلە يېم.
- ھئى:** ايکى گوندن برى چۈللرددە آج سو سوز قالميسىدىق، ائوه گلنندن سۇنرا، او توروب
- ھئى يېدىك، ھئى اىچتىك؛ سىزىن يېرىنىز [ يېرىز ] بۇش.
- بىلە:** مىن تومن ده وئرسن، بىلە بىر ايش گؤره بىلمەم. بىلە بىر ايش او لان دئگىل.
- بلکە:** ياشار دئمىشدى بُ آيىن باشىندا بۇ را ياشار گله جىك، بلکە (امكانى وار، شايد)
- بۇ گون گله. بۇ گون تىرن گلمىھ جىك (دیر)، او نا گؤره ياشار بۇ گون گله

بیلمز، بلکه او صباح گله بیلر.

**یوْخسا yoxsa:** من سنه دئدیم کی، واختیم یوْخدور، یوْخسا ائشید مه دین می؟ (من به تو گفتم که وقت ندارم، مگر نشنیدی؟)

(mən sənə dedim ki vaxtım yoxdur, yoxsa eşitmədin mi?)

سین ماشینین عینی بۇماشین دیر. (sənin maşının eyni bu maşındır.) **عینی eyni:**

اونون گؤزلری عین بۇنون گؤزلری دیر.

**گاه:** گاه سیزده دیر، گاه بیزده دیر. گاه بۇنو ایسته يیر، گاه دا اۇنو.

**يادا:** يا او دىين اولار، يادا من دئين.

**هر:** هر نه، هر کیم، هر شىء، هر زاد، هر يېر، هر نه، هر نيه، هر نه بى،

هر نده، هر ندن، هرنە يىن و...

**ايله:** كتاب ايله قلم. (Həsən ilə Adığözəl) حسن ايله آدى گۈزىل (kitab ilə qələm.) ،

ياشار ايله احمد. (Yaşar ilə hməd.) ، احمد ايله رسول. (Əhməd ilə Rəsul.)

حسين ايله حسن كيتاب اوخويورلار. (Hüseyin ilə Həsən kitab oxuyurlar.)

حسين ايله حسن كيتاب اوخويارلار. (Hüseyin ilə Həsən kitab oxuyarlar.)

- کلمه ربطى «ايله» با مفاهيم زير در جمله به کارگرفته شده و جدا از کلمات ما قبل خود

نوشته مى شود:

۱) با مفهوم برابر «در کنار هم عمل واحدی انجام دادن»: احمد ايله نادر تهرانا گىدىرلر.

۲) با مفهوم «به کمک کسى و يا به وسیله چىزى»: احمد و نادر، اتوبوس ايله تهرانا گىدىرلر.

۳) با مفهوم «و، برابر ، در کنار هم»: بۇ گون احمد ايله ياشار بۇرايا گلچك لر.

۴) با مفهوم با هم (با يكديگر): او قىز ايله او اوغلان نشانلى دىرلار.

- در رابطه با به کارگىرى کلمه «ايله» به اشعار زير توجه كنيد:

**طاهرزاده:** ائل چكىر نامىمىمى مىن لىعنت ايله بۇ ائلى ياد ائدىرم رحمت ايله و....

**على آقا واحد:** گۈستر اي گول اوزونو، بولبول شىدا گولسون

گۈزلرین شۇقى ايله، نرگىز (نرگىز) شەلا گولسون

## ٧) حروف و یا علائم ربطی:

- پسوند « لا ، له »:

پسوند ربطی « له » از کلمه ربطی « ایله ilə » مشتق شده است؛ کلمه « ایله » مستقل از کلمات دیگر نوشته و بیان می شود، ولی حروف صدادار پسوند « له » وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد که با هماهنگی کوچک به شکل « له، لا » پیوسته به کلمه ما قبل خود نوشته می شود. مثال:

کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی است:	کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی است:
Yaşar,la Hüseyin	ələk,la un
yağış,la qar	sel,la yel
duz,la şeker	it,la pişik
od,la pambuq	göz,la burun
Turan,la Həsən	gül,la bülbül
یاشارلا حسین	الَّكَ لَهُ أُون
یاغیش لا قار	سَئِلَ لَهُ يَئِل
دُوزلا شکر	إِيْتَ لَهُ پِيشِيك
اوْد لا پامبوق	گُوز لَهُ بُورُون
تُوران لا حسن	گُول لَهُ بُولبُول

- پسوند « له » در جمله به شکل زیر به کار گرفته می شود. مثال:

یاشارلا حسن گلیر (لر). حسن له حسین گلیر (لر).

عباس لا یاشار دانیشیر(لار). پریله صونا دانیشیر(لار). ننه يله دده گندير (لر).

من تیرئنه (قطار لا) گلیرم.

( mən tiren,la ( qatarla ) gəlirəm.) من اوچاقلا (طیاره ایله) گلیرم.

- با وجودی که اولین حرف پسوند ربطی « له » حرف بی صدا است، ولی اگر با کلمه دیگری به کار گرفته شود که آخرین حرف آن صدادار باشد، بین آنها یک حرف تکمیلی(y) افزوده می شود، چرا که پسوند « له » از کلمه « ilə » مشتق شده است و اولین حرف آن صدادار (ا) می باشد، به همین دلیل پسوند « له » به همان شکلی صرف می شود که پسوند

« ایله » به کارگرفته میشود. مثال:

آخرین حرف صدادار کلماتی که با آهنگ پائینی میباشد:	آخرین حرف صدادار کلماتی که با آهنگ بالائی میباشد:
ata,yla ana آتا يلا آنا	لاله يله احمد Lalay,la Əhməd
bacı,y,la qardaş باجی يلا قارداش	گمی يله على gəmi,y,la Əli
su,yla od سو يلا او د	تولکو يله داوشن tülüky,la davşan

من ایله سن. سن ایله او. بیز ایله سیز.

سن ایله من. او ایله من. سیز ایله بیز.

- در رابطه با نحوه به کارگیری پسوند « له » به اشعار زیر توجه کنید:

ابوالقاسم ح. ز. آتا سوزو: بئیوک حکمتلر قیسا سوزله دئیلر. بوش سوزله قارین دُیماز

حکیم هیدجی زنجانی: یالان دانیشما، دغل او لاما، خلقله یوْل گشت

یئته ر مرادینا هر کس یوْلون گنده دوزونه

آجیخلی با خما منه گوزلرین قاداسین آیم، اظهر:

دانیش منله، سوزوندن اورک غذاسین آیم

سوزه بُوگون ایله رُونق وئردی کی(که) خاقانی:

فتح ایتدی او نونلا بُوتون دنیانی...

- حروف پسوندی و ربطی:

حروف ربطی به حروفی گفته میشود که به تنهاei معنی ندارد، ولی اگر در کنار کلمه دیگری قرار گیرد و یا پیوسته به آن صرف شود با مفهوم ویژه ای به کارگرفته میشود و بدین سان بخشهای مختلف جمله را به یکدیگر ربط میدهد:

پسوند ربطی « این inən »:

در بیشتر مناطق جنوب آذربایجان (همچنین در سایر مناطق ترک نشین ایران) به جای کلمه

ربطی «ایله» و یا «له، لا» از حروف ربطی و پسوندی «این inən» (این) نیز استفاده می‌کنند. مثال:

علیین احمد. رسول او نان نادر.	Əhməd,inən Rəsül.	احمد ینَن رسول.
ماشینین ینان گلیر. قاتارینان گنگدیر.	Gülzar,inan Koroğlu	گولزارینان کُوراؤ غلو
نادیرینان رسول. لاله ینن رسول.	Bəhram,inan Nadır	بهرام ینان نادر
کرم ینن بابک. بابک ینن رسول.	Babək,inən Kərəm	بابک ینَن کرم
منین اُو. اُونونان سن. سنین اُو.	səninən mən	سَنِينَنْ من

اولین حرف صدادار پسوند مذکور با هماهنگی بزرگ و دومین حرف صدادار آن با هماهنگی کوچک به اشکال زیر به کار گرفته می‌شود:  
 یک) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (اً، ئ، ئ، ئ، ئ) باشد، اولین حرف صدادار پسوند «inən این» با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود:  
 a) اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای به یکی از سه حرف «ا، ئ، ئ» ختم شود، اولین حرف صدادار پسوند ربطی با حرف «ا» (به شکل: inən) به کار گرفته می‌شود. مثال:

اسم		پسوند ربطی	اسم		كلمات با خط عربى	
ət		inən		sümük		أتین سوموك
əl	{	inən	{	yurt		ائلين يورت
it		inən		pışık		ايتن پيشيلك

- به مثالهای زیر نیز توجه کنید:
- آل ین آغاج . ( inən ağaç )، آت ینن چئرك. الڭ ينن الجاك. سن ینن من.
- من ینن سن. تَك ینن جوت. سَس ینن قۇلاخ ( قولاق ). احمد ینن رسول. آل ینن آياق.
- يئرینن گۆرى ( yer,inən göy ). ائل ینن سئل. سئل ینن سۇ. تئل ینن يئل. يېل ینن سئل.

- کیشیین قادین. ایکیین اوچ. علیین ولی. بیرین ایکی. دیلین سؤز.

دیلین آغیز، سیزین بیز، بیزین سیز، دیشین دُداق، پیشین یاخشی، سویونان اُوت، گولونن بولبول، قارینان یاغیش و ...

b) اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای به یکی از دو حرف « ئ ، ئ ئ » ختم شود، اولین حرف صدادار پسوند ( ئ ئ ئ ئ ) با هماهنگی بزرگ با حرف « ئ » به کارگرفته می‌شود. مثال:

با خط عربی	اسـم	پـسـونـدـ رـبـطـ اـی	اسـم		
گـئـزوـنـنـ قـاشـ	göz		ünən	qas	
دوـزوـنـنـ آـیرـ	düz	{	ünən	əyri	

- به مثالهای زیر نیز توجه کنید:

- دـؤـشـونـنـ چـیـسـ، سـؤـزـونـنـ اـورـکـ، گـئـلوـنـنـ قـایـقـ، اـؤـنـونـنـ آـرـخـاـ و ...

- دـوـیـوـینـنـ یـاغـ، بـولـبـولـونـنـ گـولـ، سـوـتـونـنـ چـؤـرـکـ، جـوـتـونـنـ شـوـخـومـ و ...

d) اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای به یکی از دو حرف « ا ، ا ئ » به کارگرفته می‌شود: صدادار پسوند ( ئ ئ ئ ئ ) با هماهنگی بزرگ با حرف « ا »

كلـمـهـ بـاـ خـطـ عـربـیـ	اسـم	پـسـونـدـ رـبـطـ اـی	اسـم
ایـشـیـغـینـانـ قـارـانـلـیـقـ	ışığ	{	inan
آـغاـجـینـانـ يـارـپـاـقـ	ağac	{	inan

- به مثالهای زیر نیز توجه کنید:

یاـشـارـینـانـ حـسـنـ، قـوـلـونـانـ آـلـ ( ال qolunan )، سـوـلـونـانـ سـاـغـ، اـوـخـونـانـ کـمـنـدـ ( oxunan kəmənd )، اـوـنـونـانـ بـؤـ، بـوـنـونـانـ اـوـ، قـوـزـوـینـانـ قـوـیـونـ و ... ( yaşar, inan Həsən )، آـنـاـینـانـ آـتاـ، آـتـاـینـانـ آـناـ، قـارـداـشـینـانـ بـاجـىـ، اـیـلـدـىـرـمـینـانـ حـمـىـدـهـ ( ildirim, inan Həmidə )، دـایـیـینـانـ اـوـغـلـوـ.

بـاجـىـینـانـ آـرـىـ، آـيـیـینـانـ بـالـاسـىـ، قـیـزـینـانـ بـاجـىـسـىـ، اـوـغـلـانـینـانـ قـیـزـ، آـلـمـاـینـانـ سـبـدـ و ...

z) اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای به یکی از دو حرف « ئ ئ ، ئ ئ ئ ئ » ختم شود ، اولین

حرف صدادار پسوند ملکی با هماهنگی بزرگ و با حرف « ل » به شکل « unan » به کار گرفته می شود:

اسم	اسم	پسوند ربطی	اسم	اسم	كلمه با خط عربی
od		unan		soyuq	اودونان سویوق
duz	{	unan	{	su	دوزونان سو

- به مثالهای زیر نیز توجه کنید:

(دو) اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای با آهنگ پائینی « a , i , o , u » باشد، آخرین حرف صدادار پسوند « inan » با هماهنگی کوچک با حرف « a » به کار گرفته می شود:

اسم	اسم	پسوند ربطی	اسم	اسم	كلمات با خط عربی
ağac		inan		yarpaq	آغاجینان یارپاق
ışığ	{	inan	{	qaranlıq	ایشیغینان قارانلیق
od		unan		pambıq	اودونان پامبیق
qurd		unan		it	قوردونان ایت

- اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی « ü , e , i , ö » می باشد:

اسم	اسم	پسوند ربطی	اسم	اسم	كلمات با خط عربی
Həsən		inən		əli	حسن ینن علی
Naser	{	inən	{	Vəli	ناصیر ینن ولی
pişiy		inən	{	it	پیشیک ینن ایت
göz		ünən		qas	گۆزونن قاش
yüz		ünən		min	یوزونن مین

- اگر آخرین حرف کلمه ای به حرف صدادار ختم شود، با اصول زبان ترکی بین کلمه و پسوند یک حرف تکمیلی افزوده می شود، اما در صرف از آنها یک حرف صدادار حذف

شده و به شکل زیر به کار گرفته می‌شود. مثال:

- کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی می‌باشد:

اسم	حرف تکمیلی	حرف حذف می‌شود	این حرف حذف می‌شود	پسوند ملکی	اسم	كلمات با خط عربی
dədə		y		(i)	nən	دَدَه يَنْ نَنْ
bibi	{	y	{	(i)	{ nən	بِبِي يَنَّ مَنْ
düyü		y		(ü)	nən { at	دوَيُونَ أَتْ

توجه: کلمه ای که به حرف غیر فعال «ة» ختم شود، در زبان ترکی موجود نیست که

صرف شود.

- کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی می‌باشد:

اسم	پسوند ملکی	این حرف حذف می‌شود	حرف تکمیلی	اسم	كلمات با خط عربی	
qala			y	(ı)	nañ	قاْلا يَنَان داش
dayı	{	{	y	(ı)	{ nañ	دايَي يَنَان خالا
quzu			y	(u)	nañ { quyun	قوْزُو يَنَان قُويون

توجه: کلمه ای که به حرف غیر فعال «و» ختم شود، در زبان ترکی موجود نیست ، که صرف شود.

- به صرف کلمات زیر نیز توجه کنید:

نه يَنَ دَدَه (nənəyənən dədə) ، دوه يَنَ آت (dəvəyənənat) ، باحى يَنَان قارداش

سُويُونَان پالچيق (suyunan palçiq) ، bacıyanan qardas (bacıyanan qardas) و ..

پسوند ربطی «ایب ib» (ایپ، ip):

پسوند «ایب» در محاوره به شکل «ایپ» نیز بیان می‌شود، که حرف صدادار آن با هماهنگی بزرگ به شکل «ip، up، üp، ib، üb، ub» و یا «ib، üb، ub» با مفاهیم مختلف در رابطه با ضمایر شخصی صرف می‌شود.

۱) پسوند « ایب » با مفهوم ربطی. مثال: حسن گلیب گنندی. او آلیب ایچدی.( alib içdi )

۲) « ایب » در جمله ، فرم پسوند فعل را که در آخر جمله به کارگرفته می شود، در خود انعکاس می دهد. مثال:

او اوپوب گولدو. ( güldü )، او دُرُوب اوخودو. ( durub oxudu ) یاشار ساعات بیش ده گلیب ساعات آلتیدا یاتیب و ساعات اوندا دُردو.

یاشار ساعات بیش ده گلیب، ساعات آلتیدا گنندی. ( همراه « ، » )

- از اینکه آخرین فعل جمله با علامت گذشته صرف شده، در نتیجه تمام افعال جمله با مفهوم گذشته به کارگرفته شده است.

۳) اگر پسوند « ایب » را در آخرین فعل جمله به کارگیریم، با مفهوم ماضی نقلی به کارگرفته می شود، در نتیجه افعال وسط جمله نیز به عنوان تکرار آن با مفهوم ماضی نقلی به کارگرفته می شود: حسن گلیب ائوده اوتوروبور. ( ماضی نقلی: حسن آمده و در خانه نشسته است.)

۴) پسوند « ایب » به عنوان علامت پسوندی به شکل فعل ترکیبی و مصدری نیز به کارگرفته می شود: گلیب گشتمک، دئیب دانیشماق، دانیشیب گولمک و ... به نکات زیر نیز توجه کنید:

- امروزه پسوند « ایب » در جمهوری آذربایجان و ترکیه به عنوان کلمه ربطی و با مفهوم « و » و همچنین به مقصود تکرار( ماضی ) فعل آخری جمله به کارگرفته می شود، ولی در بین ترک زبانهای آذربایجان جنوبی و سایر مناطق مرکزی و جنوبی ایران با مفهوم ماضی نقلی به کارگرفته شده و به شکل « ایب، ایپ: اوپ، اوپ » نیز صرف می شود.

- اگر صرف پسوند « ایپ ، اوپ » ( ip , up , üp ) را به جای « ایب » ربطی به کارگیریم و پسوند « ایب » را به عنوان علامت ماضی نقلی صرفکنیم ، مفهوم آنها از یکدیگر جدا شده و به عنوان دو علامت مختلف و با مفهوم متفاوت به کارگرفته می شود.

- در کتب قدیمی حروف « ایب » به عنوان علامت ماضی نقلی نیز صرف شده است. مثال: فضولی: یار حال دلیمی زار بیلیبیدیر، بیلیبیم دل زاریمدا نه کیم وار بیلیبیدیر، بیلیبیم

## ۸) علامت و یا حروف ربطی « ده ، دا »:

- حروف « ده da » و « دا » شبیه حروفی هستند، که به عنوان حروف اضافی در بخش‌های قبلی همین کتاب، در حالت مفعولی (در: ده ، دا) صرف کرده ایم. مثال:

کیتاب حسن ده دیر. قلم اوُندا دیر. (کتاب در پیش حسن است. قلم در پیش او است.)

- آکنون حروف « ده ، دا » را با مفهوم ربطی به کار می‌گیریم. مثال:  
سنه ده بير کيتاب وار، من ده ده بير کيتاب وار. اوُندا دا بير کيتاب وار. بوُندا دا بير کيتاب  
وار. هر چند که هر دو پسوند « ده ، دا » (در حالت تصريفی و همانا در شکل کلمه  
ربطی)، هم شکل می‌باشد، اما معنی آنها متفاوت است. به عبارت دیگر پسوند اولی معنی  
« در » (حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « ده » را می‌دهد) و پسوند (ده) دومی  
معنی « هم »، « همچین » و « همانا » را می‌دهد.

پسوند اولی (حالت مفعولی « در ») پیوسته با کلمه ما قبل خود بیان می‌شود، در صورتی  
که پسوند دومی جدا از کلمه ما قبل خود به کارگرفته می‌شود. مثال:

يك) به شکل مفعول تصريفی « در »:

سنه کيتاب وار می؟ (آیا در پیش تو کتابی هست؟)

دو) به شکل مفعولی « در » و علامت ربطی:

سنه ده کيتاب وار می؟ (آیا در پیش تو هم کتابی هست؟) منه ده کيتاب  
وار. məndə də kitab var. (در پیش من هم کتاب هست.)

سنه ده قلم وار. səndə də qələm var. (در پیش تو هم قلم هست.)

حرف صدادار پسوند (ده) اول وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود و حرف  
صاددار پسوند (ده) دوم وابسته به حرف صدادار پسوند (ده) می‌باشد، که حرف صدادار هر  
دوی آنها با هماهنگی کوچک (ə , a) به کارگرفته می‌شود.

به طریقه به کارگیری « حالت در » و حروف « ربطی » (da,da) توجه کنید:

- کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار « a , ə , ɔ , u »

حرف باشد، پسوند به شکل زیر با حروف «دا، دا، da» به کارگرفته می‌شود:

فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین	حالت «دا» و ربطی «دا»
حرکت در آدم هم هست.	hərəkət adam,da da var.	da da
حرکت در نورهم هست.	hərəkət ışıq,da da var.	da da
حرکت در آتش هم هست.	hərəkət od,da da var.	da da
حرکت در نور هم هست.	hərəkət nur,da da var.	da da

- کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف «ء، ئ، ئ، ئ، ئ»

باشد، به شکل زیر با حروف «ده، ده» به کارگرفته می‌شود:

فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین	حالت «ده» و ربطی «ده»
حرکت در اکبر هم هست.	hərəkət Əkbər,də də var.	də də
حرکت در زمین هم هست.	hərəkət yer,də də var.	də də
حرکت در علی هم هست.	hərəkət Əli,də də var.	də də
حرکت در چشم هم هست.	hərəkət göz,də də var.	də də
حرکت در گاو هم هست.	hərəkət öküz,də də var.	də də

- پسوند ربطی «ده، دا» در موارد زیادی همراه فعل «وار» به شکل زیر صرف می‌شود. مثال:

حالت «دا» و کلمه ربطی «دا»	{	کتاب بیزده ده وار (دیر).	کتاب منده ده وار (دیر).
حالت «دا» و کلمه ربطی «دا»	{	کتاب سیزده ده وار (دیر).	کتاب سنه ده وار (دیر).
حالت «دا» و کلمه ربطی «دا»	{	کتاب اونلاردا دا وار (دیر).	کتاب اوندا دا وار (دیر).

- در رابطه با به کارگیری «ده، دا» به شعر زیر توجه کنید:

مشهور دئگيلدیر بالام	تکجه شعر ياز ماقدا	على توده:
جفادا دا مشهور دور	دؤزو مده ده مشهور دور	
وفا دا دا مشهور دور	ايلغاز دا دا مشهور دور	
- کلمه ربطی «ده ، دا » همراه ضمیر ملکی و « کی» ربطی با فعل «وار» به شکل زیر ادغام شده و در فرمهای مختلف به کار گرفته می شود. مثال:		
منیم کیتایمدا بیر گؤزل رسیم ( عکس ) وار . حسنین کیتایین دا دا رسیم وار.		
حسنین کیتایین دا دا رسیم وار می؟ اووندا دا وار . بؤندا دا وار.		
حسن ده کی نده ده وار . اووندا کی ندا دا وار . حسنین کینده ده وار.		
من ده کی نده ده وار ، سن ده کی نده ده وار ، اووندا کیندا ده وار		
سيزده کی نده ده وار ، سينلا ردا کي ندا دا وار ، بيز ده کي نده ده وار		

- کلمات مذکور با کلمه «وار» ترکیب یافته و به شکل سوم شخص مفرد برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند: (منیم کیتايمدا بیر عکس وار).

عکس بیزیم کینده ده وار.	عکس منیم کینده ده وار.	از اینکه ضمیر سوم شخص مفرد حرف صدادار
عکس سیزین کینده ده وار.	عکس سینین کینده ده وار.	{ آهنگ پائینی است، در نتیجه پسوندهای
عکس اوُنلارین کیندا دا وار.	عکس اوُنو نکوندا دا وار.	آن نیز با آهنگ پائینی ساخته می شود.

- در رابطه با به کارگیری کلمه ربطی «ده» و «دا» همراه فعل «وار» به اشعار زیر توجه کنید:

**علی اکبر طاهرزاده:** فقر ایله غنا اهلینه کیم وئردی مساوات

معناده ده (دا دا) صورتده ده وار بُوندا منافات

علی، آقا واحد:

و فال سه به دیگر حسخدي، سه فا آ

۱) سروک و یا پستوله ربی « بد چه » (درست مخصوص رینه).

حرف صدادار پسوند («جه ۰۹») وابسته به اخرين حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد و با

هماهنگی کوچک به شکل «ca , ca » صرف می شود. مثال:

۱) اسم ملت و یا مملکتی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد ، به شکل زیر  
صرف می شود :

اسم خلقها و یا ممالک			
فارسی	ترکی	حروف اضافه مخصوص زبان	ترکی با علامت زبان
زبان عربی	ərabcə	عربجه	cə
زبان هندی	hendcə	ھئندجه	cə
زبان تاجیکی	tacikcə	タجیکجه	cə
زبان ترکی	türkçə	تورکجه	cə
زبان کردی	kürdçə	کورددجه	cə

۲) اسم ملل و یا ممالکی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر

صرف می شود :

فارسی	ترکی با علامت زبان	حروف مخصوص زبان	فارسی	ترکی
زبان یونانی	yunanca	يۇنانجا	یونان	yunan
زبان قرقیزی	qırqızca	قىرقىزجا	قرقیز	qırqız
زبان ژاپنی	japonca	ژاپنجا	ژاپن	japon
زبان روسی	rusca	رۇسجا(اوروسجا)	روسیه	orus، اوروس

من اینگلیسجه پیلمیرم ، آمما آلمانجا پیلمیرم.

سن رو سجا پیلے سن می؟ اُو تو کجہ دانیشیر می؟

- به کار برد اسامی زیر نیز توجه کنید:

فارسی	ترکی با علامت زبان	حروف اضافه برای زبان	فارسی	ترکی
زبان گیلی	gilcə	گیلجه	گیل	gil
زبان چینی	çincə	چینجه	چین	çin
زبان فارسی	farsca	فارسجا	فارسی	fars
زبان ارمنی	ermənicə	ائرمونی جه	ائرمونی	erməni
زبان ازبکی	özbəkçə	اوْزبکجه	اوْزبک	özbek
زبان ترکمنی	türkməncə	تورکمنجه	تورکمن	türkmen
زبان اویغوری	uyğurca	اویغورجا	اویغور	uygur

- در مواردی ، اگر اسم ملیت و مملکت با زبان هم شکل باشد، به جای پسوند « جه » و « جا » می توان کلمه « دیلی » ( زبان او ) را نیز به کار گرفت. مثال:

فارسی	ترکی	ترکی همراه « دیلی »	ترکی با پسوند « جه »، « جا و دیلی »
کره	koreya	کُرہ یا koraya dili	کُریاجا + کریا دیلینجه
ژاپن	japon	ژاپن ژاپن japon dili	ژاپن جا + ژاپن دیلینجه
چین	çin	چین چین çin dili	چین جه + چین دیلینجه
آلمان	alman	آلمان آلمان alman dili	آلمانجا + آلمان دیلینجه
انگلستان	ingilis	انگلیس انگلیس ingilis dili	اینگلیسجه + اینگلیس دیلینجه

- در موارد کمی به نادرست نام زبانها به همان شکلی که از زبانهای دیگر گرفته شده است، به کار گرفته می شوند. مثال: به جای « انگلیسجه » میگویند « اینقیلت ».

- امروزه بعضی از « با سواد » هایمان اسامی ترکی را به شکل فارسی به کار می بند. مثال: انگلیسی به جای اینگلیسجه. یونانی به جای یونانجا. ترکی به جای تورکجه.

فارسی به جای فارسجا. عربی به جای عربجه، «کردی» به جای «کوردجه» و...

- در رابطه با پسوند «جه، جا» به شعر زیر توجه کنید:

**سئژیم قولو:** دیل کی واردیر، اوّنا «لسان» دئمه بین، دؤندریب فارسی جه [جا] «زبان» دئمه بین.

هر کسین وار سؤزو، دیلی، آغیزی، آغیزا آند ایچیب «دهان» دئمه بین

- کلمه به شکل زیر با علامت «جه، جا» ترکیب یافته و در حالت‌های تصریفی برای ضمایر

شخصی صرف می‌شود:

حالت فاعلیت (حالت فاعلی)	تورکجه تک دانیشیق دیلی بُوخ، بلکه اوْ رسمی دیل اولمالیدیر.
حالت باواسطه «به»	بُو کیتاب تورکجه ده ده يازیلاجاق (دیر)؟
حالت مفعول باواسطه با حرف اضافه «در»	بُوگون دانیشیقلار فارسجا دا و صباح تورکجه ده اوْلاجاقدیر.
حالت مفعول باواسطه با حرف اضافه «از»	بُو کیتاب تورکجه دن آلمانجا دا چئوریله جکدیر.
حالت بیواسطه «را»	سن، بُو کیتابین تورکجه سینی ده اوْخویاجاق سان می؟
اضافه ملکی «in»	آذربایجان تورکجه سینین فرقی دانیشیقلاری وار دیر.

### حرف ربطی «جه، جا» با مفاهیم مختلف:

در زبان ترکی حروف اضافی «جه، جا» با مفاهیم زیر نیز به کار گرفته می‌شود. مثال:

(«قدر» [مقدار نا معین]، «هم قد»، «تا آنجا»)

من سنی اوْز قیزیمچا ایسته رم. (من تو را به قدر دختر خودم دوست دارم.) بُو اوْنچادیر.

منچه بُو ایش یاخشی دگیل (دئگیل). (از نظر من این کار خوب نیست.) اوْ منچه دیر.

(او با من هم قد است.) اوْ منچه بؤیویر. (او به قد من بزرگ می‌شود.) اوّونون یاشی منچه وار.

من بیلدیسیمچه سنه دئدیم. من باشاریغیمچا (باشار دیغیمچا) سنه اوّرتدیم.

من گونلرجه (له) سنی گؤزله دیم.

(mən günlərcə səni gözlədim.) منیم گۆزۈم گۈنلرجه يۇلدایدى.

(anın balası üçün bircə aləm arzusu var.) آنانین بالاسى اوچون بيرجه عالم آرزوسو وار.

(onda milyonlarca tūmən pul var.) اوّندا میليونلارجا تۇمن پۇل وار.

## ۱۰) پسوندها و اصول به کارگیری حروف صدادار در ترکیب آنها:

پسوندها، حروفی هستند که با اصول ویژه ای ساخته می‌شوند و برای بیان مفهومی به اسم و یا به فعل پیوند زده می‌شوند.

در پیوند زدن پسوند با کلمه، حرف صدادار اولین پسوند وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه می‌باشد؛ حرف صدادار پسوندهای بعدی آن نیز به ترتیب وابسته به حرف صدادار پسوند ما قبل خود می‌باشد، که با هماهنگی بزرگ و کوچک در کنار هم به کارگرفته شده و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

اسم ساده در حالت فاعلیت	Həsən	حسن	Həsən	حسن
پسوند تک حرفی (در حالت به: ئ)	Həsənə	حسنە		به حسن
یك پسوند دو حرفی و يك پسوند سه حرفی	Həsəndədir.	حسن ده دیر.		در پیش حسن است.
دو پسوند دو حرفی و يك پسوند سه حرفی	Həsəndəkidir	حسن ده کى دیر	آنچه که در پیش حسن است.	

- پسوند در زبان ترکی، حالت اسم، جمع و مفرد بودن کلمه را در جمله منعکس می‌کند:

پسوند تصریفی، پسوندی است که به اسم می‌پیوندد و حالت آن را بیان می‌کند. مثال:

Vəli,də	ولی ده	Həsən,də	حسن ده	Nader,də	نادر ده
Vəli,dən	ولی دن	{ Həsən,dən	حسن دن	{ Nader,dən	نادر دن
Vəli,ni	ولی نی	Həsən,i	حسنی	Nader,i	نادری

پسوند صرفی، پسوندی است که به شکل زیر به فعل پیوند می‌خورد و آن را برای ضمایر شخصی صرف می‌کند. مثال:

گلیرم *gəlirəm* ، گندیرم *gədirəm* ، آلیرام *alıram* ، آلاجاغام *alacağam* و ...

- در ترکیب افعال مذکور پسوند «əm» ، پسوند صرفی است که با این سه نام و با این سه

مفهوم به کار گرفته می شود:

- ۱) پسوند «əm»، ضمیر شخصی را در خود منعکس می کند، در نتیجه به آن «ضمیر متصل شخصی» می گوئیم.
- ۲) پسوند «əm»، اسم را معرفی و فعل کامل را صرف می کند، به همین دلیل به آن پسوند صرفی می گوئیم.
- ۳) پسوند «əm»، از مصدر «ایمک» مشتق می شود، در نتیجه به آن ریشه مصدر «ایمک» نیز می گوئیم.

- پسوند زمان، پسوندی است که در ترکیب فعل، زمان مشخصی را بیان می کند. علامت زمان حال، دو حرف «ı» می باشد، که آن حرف صدادار با هماهنگی بزرگ صرف می شود:  
گلیرم gəlir əm ، گلدریم gedir əm ، آلیرام alıram ...

- برای مثال دیگر، به پسوندهای کلمات جدول زیر توجه کنید که هر کدام از آنها، زمان مشخصی را در ترکیب فعل بیان می کند.

alıram	آلیرام	gəlir əm	گلیرم	پسوند زمان حال:
gedərəm	گئدہ رم	gələrəm	گلرم	پسوند آینده نزدیک
duraram	دُورارام	alaram	آلارام	
gedəcəyəm	گئدہ بَجِیم	gələcəyəm	گله بَجِیم	پسوند آینده دور
duracağam	دُوراجاغام	alacağam	آلاجاغام	
getdim	گئتدیم	gəldim	(۱) گلددیم	
getmişəm	گئتمیشم	gəlmışəm	(۲) گلمیشم	پسوند گذشته
getmişdim	گئتمیشدیم	gəlmışdim	(۳) گلمیشدیم	
getmişmişəm	گئتمیشمیشم	gəlmışmışəm	(۴) گلمیش میشم	

( گلیب : او گلیب دیر. ) ماضی نقلی: گلیم، گلدیم، گلوبم و ...

## ۱۱) پسوندهای تک و چند سیلابی:

پسوندها می‌توانند یک سیلابی و یا چند سیلابی باشند و در کنار هم با مفاهیم مختلف به کارگرفته شوند. مثال:

- یک پسوند با مفهوم گذشته در ترکیب فعل: گلدى *gəldi* ، او خودو *oxudu* و ...

- دو پسوند با دو مفهوم مختلف در ترکیب یک فعل:

گلیردی *gəl ir,dı* ، قالیردی *qal ir,dı* (پسوند: زمان حال و زمان گذشته) و ...

- سه پسوند با سه مفهوم در یک کلمه:

گلمیردی *gəlm ir, di* ، قالميردی *qalm ir,di* (پسوند: نفی، زمان، پسوند گذشته)

پسوند اهلیت، پسوندی است که اهلیت را به وسیله حروف «لی» بیان می‌کند. حرف صدادار پسوند اهلیت (لی) با هماهنگی بزرگ به شکل زیر صرف می‌شود. مثال:

تریزیلی، اهرلی، زنجانلی، تهرانلی، چین لی، یونان لی، آلمان لی، ایران لی، خویلی، ماکولو (ماکیلی) و ....

پسوند «لی» به شکل خصوصیت و لیاقت:

- به شکل صفت: عغیلی آدام، صبیرلی کیشی، باشاریقلی قادین و ...

- به شکل فعل: یه ملي، گئیمه لی، بیچملی، قورخولو و ...

بۇ آدام عغیلی دیر. بۇ آلما چوخ یئملی دیر. بۇ خارابا قۇرخولودور. و ...

- پسوند نفی، پسوندی است که به فعل پیوند می‌خورد و آن را نفی می‌کند. مثال:

مه *mə* ، ما *ma* ، سیز *siz* ، مز *məz* ، ماز *maz* ، مو *mü* سوز *suz* ، سۆز *süz* ، سۇز *suz* و ...

کلمه «دَگِيل»، در کتب مختلف به شکل «دیل» و «دئگیل» نیز نوشته شده است.

- پسوند نفی به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شود:

من گلمیرم. سن گلمیر سن. او گلمیر. من گولمور. او گولمور.

او گلمز. بۇ چۈل آغاچ سیز دیر. حسن درس او خومور.

## ۱۲) پسوند به شکل میانوند:

اگر در پیوند کلمه ای با کلمه دیگر و یا در پیوند پسوندی با پسوند دیگر، دو حرف صدادار در کنار هم قرار گیرند، در بین آنها یک حرف تکمیلی (y) افزوده می شود. مثال:

اسم: علی یه *əli yə* ، ولی یه *Vəli yə* ، نه نه یه *nənə yə* ، دده یه *dədə yə*  
 فعل: بئ: *yeyir* *yey ir əm* ، دئ: *dəyir* *dəy ir əm* ،  
 اوخو: *təxvir* *təxvir oğlu* ، تؤخو: *təxvir* *təxvir oğlu* و ...

- میانوندی که به وسیله آن دو کلمه به هم متصل می شود. مثال:

۱) با حرف e: گله بیلمک *gələbilmək* ، گوله بیلمک *gələbilmək* ، اوپه بیلمک ، سره بیلمک ، دره بیلمک و ...

۲) با حرف a: آلابیلمک *alabilmək* ، دانیشا بیلمک *danışabilmək* ، اوخویا بیلمک ، بیغا بیلمک ، دُراییلمک ، سولایلمک و ...

۳) با حروف «ایب»: دانیشیب گولمک *danişibgülmək* ، دوشونوب دئمک ، سئویب سئویلمک ، یازیب پوزماق و ...

- پسوندهای مختلف در ترکیب کلمات و افعال، در کنار هم در یک کلمه با همانگی بزرگ و کوچک صرف می شوند. مثال:

این کلمات از ترکیب چهار علامت (نفی، سوالی، تکمیلی و علامت گذشته) تشکیل می یابد.	فعلی که با حروف صدادار و با آهنگ بالائی است.	فعلی که با حروف صدادار و با آهنگ بالائی است.
<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;">           qal maz mi y dı?            قالماز می یدی؟         </div> <div style="text-align: center;">           qal ar am mi?            قالارام می؟         </div> <div style="text-align: center;">           don maz di mi?            دونماز دی می؟         </div> </div>	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;">           gəl məz mi di?            گلمزمی دی؟         </div> <div style="text-align: center;">           gəl ər əm mi?            گلرمی؟         </div> <div style="text-align: center;">           gül ür əm mi?            گولورم می؟         </div> </div>	

- چنانکه ملاحظه می شود، حرف صدادار اولین پسوند وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد؛ حرف صدادار پسوندهای بعدی نیز به ترتیب وابسته به حرف صدادار پسوند ما قبل خود می باشد.

- اکنون برای مثال، چند فعل دیگری در نظر گرفته می‌شود، که هر یکی از آنها با دو پسوند به کار گرفته می‌شود، که حرف صدادار اولین پسوند آنها با هماهنگی کوچک و با یکی از دو حرف «ا، ئ» به کار گرفته می‌شود و حرف صدادار دومین پسوند آنها با هماهنگی بزرگ با یکی از دو حرف «ا، ئ» صرف می‌شود. مثال:

علامت سوالی	پسوند آینده نزدیک	ریشه افعال	ضمیر شخصی	حروف صدادار با آهنگ بالائی	حروف صدادار با آهنگ پائینی
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ

پسوند سوالی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

پسوند آینده نزدیک با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

بله رم؟      درام می؟      گله رم،      سره رم،      دره رم،

سالارام می؟      دُورام می؟      دُونارام،      دیغارام،      ...

- اکنون برای مثال، کلمات دیگری را در نظر می‌گیریم که هر کدام از آنها سه پسوند به همراه دارند، که حرف صدادار اولین پسوند آنها با هماهنگی کوچک با حرف «ا» و یا با حرف «ئ» و حرف صدادار دومین و سومین پسوند آنها با هماهنگی بزرگ با حرف «ا» و یا «ئ» به کار گرفته می‌شود. مثال:

پسوند سوالی	پسوند گذشته	پسوند آینده نزدیک	ریشه افعال	ضمیر شخصی	حروف صدادار با آهنگ بالائی	حروف صدادار با آهنگ پائینی
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ

پسوند سوالی و گذشته با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

پسوند آینده نزدیک با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

- آله رم می؟      گنده رم می؟      گوله رم می؟      دینه رم می؟

بازارم می؟      اوخويaram می؟      ييغارام می؟      قورورام می؟

- من سره رم،      سنه سره رسن،      او سره ر،      بيز سره ريك،      سيز سره رسينيز

- اکنون به افعال زیر توجه کنیم، که هر کدام از آنها سه پسوند به همراه دارند؛ حرف صدادار پسوند اولی و دومی آنها با هماهنگی کوچک با حرف «ə، a» و حرف صدادار پسوند سومی آنها با هماهنگی بزرگ با حرف صدادار «ı» و یا «i» صرف می‌شود:

علامت سوالی	ضمیر متصل شخصی	علامت زمان آینده نزدیک	ریشه افعال	ضمیر شخصی	علامت سوالی							
mən	{	gəl	get	bil	döz	düş	{	ər	{	əm	{	mi?
mən		qal	diğ	don	ol	sal		ar		am		mi?

پسوند سوالی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

پسوند آینده نزدیک و پسوند صرفی با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

- دوزورم می؟ سوزورم می؟ اَزرم می؟ گزه رم می؟ اوشویه رم می؟ دُونورام می؟ قۇنورام می؟ سۇلارام می؟ و ..

- اگر پسوندی با هماهنگی کوچک و با یکی از دو حرف «ə, a» صرف شود، پسوند بعدی آن با هماهنگی بزرگ و با یکی از دو حرف «ı, i» ساخته می‌شود. برای کلمه «قویون» و «دوه» را صرف می‌کنیم، که اولین و سومین پسوند آنها با هماهنگی کوچک و دومین پسوند آنها با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود:

} «ده وه لریندن» (از شهرهای آنان)	onların dəvələr in dən
} «قویونلاریندان» (از گوسفندان آنان)	onların qoyun lar in dan
} اگر آخرین پسوند کلمه‌ای با هماهنگی کوچک و با حرف «a» صرف شود، پسوند بعدی آن با هماهنگی بزرگ و با حرف «ı» ساخته می‌شود:	علامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.
	علامت ملکی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.
	حال تصریفی «از» با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

بۇ يۇنلار اۇنۇن گۇيۇنلارىنداندیر.

بۇ باداملار، اۇنۇن بادام آغاچلارىندان دىر(لار).

به مثال دیگری همچون صرف دو کلمه «saat» و «sönmək» توجه کنید، که حرف صدادار

پسوند اول آنها با هماهنگی کوچک صرف می‌شود. اگر پسوندهای بعدی آنها با هماهنگی بزرگ صرف شوند؛ حرف صدادار پسوندهای بعدی آنها با یکی از دو حرف صدادار «ا» و «ا» ساخته می‌شود. مثال: ( qurmamışdır mı? ، sönmemişdir mi? )

{ آخرین حرف صدادار کلمه با آهنگ بالائی است.

{ آخرین حرف صدادار کلمه با آهنگ پائینی است.



- به صرف دو کلمه «قُوهوم» و «الْجَك» توجه کنید، که هر یکی از آنها با پنج پسوند به کار گرفته می‌شوند، که حرف صدادار پسوند اول آنها وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه و حرف صدادار پسوندهای بعدی نیز وابسته به پسوند ما قبل خود می‌باشد، که همه آنها با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند. مثال:

{ او الْجَكْسِيزِينِيْكِيْ دِيرِمِ؟ آیا آن مال آن است که دست کش ندارد؟

{ قُوهوم سوزونکو دور مو؟ آیا آن مال آن است که اقوام ندارد؟

o əlcək siz in ki dir mi?

o qohum suz un ku dur mu?

حرف صدادار همه این پسوندها با هماهنگی بزرگ صرف شده اند.

توجه: حرف صدادار اولین پسوند وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می‌باشد که حرف صدادار پسوندهای بعدی نیز وابسته به حرف صدادار پسوند ما قبل خود شده که هر کدام از آنها با مفهوم متفاوت در کنار هم قرار گرفته و صرف می‌شوند.

- اگر اولین پسوند کلمه با هماهنگی بزرگ و با یکی از چهار حرف «ا، ا, ئ, ئ» صرف شود، پسوندهای بعدی آن نیز با هماهنگی بزرگ و با همان گروه حرف صدادار آهنگ بالائی و یا با آهنگ پائینی صرف می‌شود و همچنین با یکی از همان حرف صدادار ما قبل خود

ساخته می شود. مثال:

{ آخرین حرف صدادار این کلمه با آهنگ پائینی و با حرف « ل » صرف می شود.

{ آخرین حرف صدادار این کلمه با آهنگ پائینی و با حرف « ا » صرف می شود.

{ آخرین حرف صدادار این کلمه با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » صرف می شود.

{ آخرین حرف صدادار این کلمه با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » صرف می شود.

o saatı qur müş dur mu?

o səni qandır müş di mi?

o od sön müş dür mü?

o səni dindir müş di mi?

همه این پسوندها با هماهنگی بزرگ و با یکی از چهار حرف فعال « ئ ، ئا ، ئى ، ئى » صرف شده اند.

به مثالهای دیگری در جدولهای زیر نیز توجه کنید، که آخرین حرف صدادار هر کدام از آنها با یکی از ۹ حرف صدادار ساخته می شود، که پسوند هر کدام از آنها با یکی از ۶ حرف صدادار فعال در کنار هم با هماهنگی بزرگ و کوچک صرف می شوند:

a) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر پسوند آنها در کنار هم با هماهنگی کوچک و بزرگ به کار گرفته می شوند:

کلمه ساده یا اسم	کلمه با یک پسوند	کلمه با دو پسوند	کلمه با سه پسوند	کلمه با چهار پسوند
اسم	əli	əli, də	əli, də dir	əli, də kin də
فعل	get	get, mək	get, mək də	get, mək də dir
فعل	iç	iç, di	iç, mək də	iç, mək də dir
اسم	göl	göl, där	göl, də dir	göl, də kin də
فعل	gül	gül, lük	gül, lük də	gül, lük lər dən

کلمات مذکور یک حرف صدادار دارند، که آخرین حرف صدادار کلمه نیز محسوب می شود، که پسوندهای بعدی با هماهنگی آن صرف می شوند.

حروف صدادار پسوندها وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه کلمه می باشد.

- اگر پسوندی با هماهنگی کوچک و با یکی از دو حرف « a » و یا « ئا » صرف شود ، پسوندهای بعدی آن با هماهنگی بزرگ و با یکی از دو حرف « ئ ، ئى » به کار گرفته می شود ؟

چرا که اگر آخرین حرف کلمه ای به سه حرف «ا، ای، او» ختم شود، پسوندهای بعدی آن با حرف «ا» صرف می‌شوند.

(b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی (a, i, o, u) باشد، به شکل زیر پسوند آنها با هماهنگی کوچک و بزرگ در کنار هم به کار گرفته می‌شوند:

کلمه ساده	کلمه با یک پسوند	کلمه با دو پسوند	کلمه با سه پسوند	کلمه با چهار پسوند	
اسم	alma	alma, liq	alma, liq da	alma, liq lar da	alma, liq lar da mi?
اسم	ışiq	ışiq, liq	ışiq, liq dan	ışiq, liq lar dan	ışiq, liq lar dan mi?
قید	yox	yox, suz	yox, suz dan	yox, suz dan dır	yox, suz dan dır mi?
فعل	uç	uç, maq	uç, maq da	uç, maq da dır	uç, maq da dır mi?

اگر فعلی تنها یک حرف صدادار داشته باشد، آن آخرین حرف صدادار کلمه محسوب می‌شود و حرف صدادار پسوندهای بعدی با هماهنگی آن صرف می‌شوند.

- به این مطلب توجه کنید:

- اگر پسوندی با یکی از چهار حرف «ü, u, i, a» ساخته شود، به آن شیوه کار «هماهنگی بزرگ» می‌نامیم.

یعنی هماهنگی بزرگ در چهار فرم و با این چهار حرف «ü, u, i, a» ساخته می‌شود.

- اگر پسوندی با یکی از دو حرف «a, e» ساخته شود، به آن شیوه عمل «هماهنگی کوچک» می‌گوئیم.

هماهنگی کوچک در دو فرم با حرف «a» و «e» ساخته می‌شود.

(c) به فرمول بندی حروف صدادار با آهنگ بالائی و پائینی و به اصول به کار گیری آنها با هماهنگی بزرگ و کوچک در جدول زیر توجه کنید:

حروف صدادار پسوندها با شش حرف صدادار (u, a, i, ü, e, ö) فعال، با دو شیوه مختلف (با هماهنگی کوچک، با یکی از دو حرف «a, e» و با هماهنگی بزرگ و با یکی

از چهار حرف « ئ ، ئ ، ئ ، ئ » به کارگرفته می‌شود. مثال:



## پی خشش نهـم:

### - فعل و صرف آن :

(a) فعل کلمه ای است که از ریشه مصدر مشتق می شود و آن در ترکیب جمله کار عملی شده را در خود انعکاس می دهد.

مصدر از دو بخش (مثل: گل مک *mək*) ترکیب می یابد، که بخش اول آن ریشه مصدر و یا فعل (*aə*) و بخش دوم آن پسوند مصدری (مک *mək*) می باشد.

- فعل ساده و یا ریشه مصدر، فعلی است که بدون پسوند، کار کرد وسیعی ندارد؛ در واقع آن فعل نیمه کاملی است که تنها در شکل امری برای دوم شخص مفرد به کارگرفته می شود؛ ولی اگر آن با پسوند زمان و... ترکیب یابد و به وسیله فعل «ایمک» صرف شود، به «فعل کامل» تبدیل می شود.

- فعل در ترکی آذربایجان از لحاظ عملکرد بر سه نوع زیر تقسیم می شود:

- ۱) فعل نیمه کامل: این ریشه مصدر و یا همان فعل ساده و یا فعل بدون پسوند است.
- ۲) فعل کامل: این فعل ترکیبی از ریشه مصدر، علامت زمان و پسوند صرفی است.
- ۳) فعل ناکامل: فعل ناکامل، تنها فعل بی قاعده زبان ترکی و علامتی برای صرف کلمات است.

### (b) فعل نیمه کامل (یا ریشه مصدر):

- فعل نیمه کامل، ریشه مصدر و یا فعل ساده، کلمه ای است که بر اساس ویژگی های ترکیبی در جمله با نامهای زیر به کارگرفته می شود:

ریشه فعل، ریشه مصدر، فعل ساده و فعل (بدون پسوند)

فعل «نیمه کامل»، بدون علامت زمان و بدون پسوند صرفی است، که آن تنها در صرف فعل امری برای دوم شخص مفرد به کارگرفته می شود. مثال:

آل، گل، گشت و..

ریشه فعل، همان فعل نیمه کاملی است، که در ترکیب با پسوندهای مختلف به فعل کامل تبدیل شده و در فرمها و زمانهای مختلف صرف می شود:

## ۵) فعل کامل:

فعل کامل، ترکیبی از ریشه مصدر (فعل ساده، ریشه فعل) با پسوندهای مختلف و علامت زمان و... است، که با فعل «ایمک» صرف می‌شود. برای مثال به فعل کامل «گلیرم *gəlirəm*» (می‌آیم) توجه کنید، که آن از سه بخش زیر ترکیب می‌یابد:

(۱) گل *gəl*: این ریشه مصدر است که فعل نیمه کامل و یا فعل ساده نامیده می‌شود.

(۲) ایر *ir*: این علامت زمان حال است که در بین فعل و پسوند صرفی قرار می‌گیرد.

(۳) ام *əm*: این پسوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی و یا ریشه مصدر «ایمک» می‌باشد.

- فعل کامل، مشخصات زیر را در خود انعکاس می‌دهد:

فعل کامل، فعلی است که کارِ انجام شده را در زمانهای مختلف بیان می‌کند. مثال:

سن گلر سن. *gələr sən*.

فعل کامل، فاعل و مفرد و جمع بودن آن را در جمله انعکاس می‌دهد. مثال:

حسن گلیر (دیر). *Həsən gəl ir*.

فعل کامل، کاری را که به وسیله کسی و چیزی انجام می‌شود، در خود بیان می‌کند. مثال:

حسن گلیردی. *Həsən gəl ir di*.

فعل کامل، شکل مثبت و منفی بودن عمل انجام یافته را ذکر می‌کند. مثال:

او گلمز. *o gəl məz*.

فعل کامل معلوم و یا مجھول بودن فاعل را آشکار می‌سازد:

حسن گئرونور. *Həsən görünür*.

فعل کامل، نحوه شرطی غیر واقعی بودن کار را نشان می‌دهد: او گلسه *o gəlsə*

فعل کامل فرم امری و آرزوئی کار را به شکل زیر در خود منعکس می‌دهد. مثال:

شکل امری: من گلیم *gəl im* ، سن گل، او گلسین،

او نلار گلسینلر، سیز گلین، بیز گله ک،

شکل آرزوئی: من گله (یه) م *[ə(yə)m]* ، سن گله سن، او گله

بیز گله (یه) ک *[ə(yə)k]* ، سیز گله سینز، او نلار گله لر

توجه: فعل کامل در رابطه با کلمات دیگر در جمله فعل کامل محسوب می‌شود، ولی به تنها

جمله ناکامل به حساب می‌آید. (جمله ناکامل در صفحه ۷۳۹)

۵) ریشه فعل ترکی با قاعده و تغییر ناپذیر است:

- زبان ترکی آذربایجان، تنها زبان زنده جامعه بشری است، که در آن تنها یک فعل بی‌قاعده موجود است. این فعل از ریشه مصدر «ایمک» تجزیه شده، که هم معنی آن در تمام زبانها موجود است، که با نام «ضمیر متصل شخصی» و یا «پسوند صرفی» به کارگرفته می‌شود. مترادف با این فعل در زبان فارسی فعل «هستن» است، که آن نیز به شکل بی‌قاعده (ام، ای، است، ایم و...) صرف می‌شود.

برای روشن شدن با قاعده‌گی افعال ترکی، برای مثال دو فعل «آمد» و «گل» را در نظر می‌گیریم و آنها را در جدول زیر در کنار هم به فرم‌های مختلف صرف می‌کنیم:

فعل فارسی	فعل ترکی	فعل فارسی	فعل ترکی	فعل فارسی	فعل ترکی	دوام شخص مفرد پسوند ندارد.
می‌آیم	gəl ir əm	گلیرم		بیا	gəl ...	گل
نمی‌آید	gəl məz	گلمز		بیاید	gəl sin	گلسین
نیامد	gəl mədi	گلمه دی		آمد	gəl di	گلدی
پسوندهای افعال مذکور صرف فعل بی‌قاعده «ایمک» هستند.						ریشه فعل، کلمه «اول» است، که در صرف تغییر ناپذیر است.

- اگر به ریشه فعل «گل» توجه کنیم، مشاهده می‌شود که آن تغییر شکل نمی‌دهد و در همه فرم‌های خود در شکل اصلی (گل *gəl*) به کارگرفته می‌شود؛ در صورتی که فعل «آمد» به شکل - بیا، می‌آیم، بیاید، نمی‌آید، نیامد - تغییر شکل می‌دهد، که تشابه باقی مانده آنها تنها حرف «آ» می‌باشد، که آن نیز بدون هیچ اصولی در ترکیب فعل به پس و پیش و وسط کشیده می‌شود. یعنی حرف «آ» در ترکیب فعل «آمد» در پیش، در ترکیب فعل «می‌آید» در وسط و در ترکیب فعل «بیا» در پس قرار می‌گیرد.

- در زبان ترکی به جز فعل «ایمک» تمام افعال آن با قاعده صرف می‌شوند.

۶) اسم، صفت و قید در شکل فعل :

۱) زبان ترکی از لحاظ کمیت فعل یکی از غنی‌ترین زبانها است، به طوری که تعداد افعال آن

دها برابر افعال زبان فارسی است. برای مثال به صرف چند فعل ترکی (با مفاهیم مختلف) توجه کنید، که آنها در زبان فارسی با یک فعل معنی می‌شوند. مثال:

هوایپما می‌نشیند (او چاق [طیاره] یعنیر)، یاشار می‌نشیند (یاشار اوتورور)، او می‌نشیند (او آیله شیر)، پرنده می‌نشیند (قوش قونور)، جای خود می‌نشیند (یغره شیر) و...

- معنی بعضی از افعال ترکی در زبان فارسی به وسیله افعال کمکی نیز (مثل: دادن، کردن، شدن) بیان می‌شود. مثال:

نگاه می‌کند (باخیر)، صحبت می‌کند (دانیشیر)، درد می‌کند (آغرییر)، گریه می‌کند (آغلاییر)، عوض می‌کند (دیشیر)، کار می‌کند (ایشله بیر)، عجله می‌کند (ئله سیر) (عجیب است که بعضی از باصطلاح زبان شناسان و تاریخ نویسان پارسی این زبان را گویش «آذری» و آن را نیز لهجه‌ای از «فارسی باستان» می‌انگارند؟！)

۲) در زبان ترکی کلمات مختلف به وسیله پسوند «له ۱۹» و «لا ۱۰» به فعل تبدیل شده و سپس مخفف و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

صفت: قارا : qara : قارالایرام. saralıram. سارالیرام. دوزله بیرم.

صفت و یا قید: پیس pis : pis la yir əm. پیسله بیرم. زورلایرام. سعفچ له بیرم.

اسم: سو su : sulayıram. سولایرام. توپلایرام. دوزلایرام.

عدد: بیر: بیرله بیرم (متعدد می‌کنم). بیرله شیرم. بیرله شدیرم.

۳) در زبان ترکی اصوات مختلف حیوانات، حشرات و اشیاء به وسیله پسوند «ای دا» به فعل تبدیل و سپس مخفف شده و با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. مثال:

صدای شئ: جیر: جیرلیدیر (جریلداییر)، تاقیلیدیر، شاقیلیدیر، شورولدور، دانقیلیدیر و...  
جینق: جینقیلیدیر، دینقیلیدیر، خاریلیدیر، تاقیلیدیر و...

صدای حیوانات: میر: میریلیدیر (میریلدایرام)، خورولدور، موبیلیدیر، قاریلیدیر، واقیلیدیر و...

صدای حشرات ویز: ویزیلیدیر (ویزیلدایرام)، جیزیلیدیر، سوسولدور، سیسیلیدیر، حوزولدور و...

## فهرست افعال ترکی:

شماره صفحه	اسامی افعال	شماره صفحه	اسامی افعال
۳۶۶	۱۸) فعل شرطی واقعی در آینده دور	۳۲۷	۱) فعل « ایمک » ( پسوند صرفی )
۴۶۸	۱۹) فعل مجهولی و ...	۳۲۴	۲) فعل در زمان حال
۴۷۶	- استثناء در فرم مجهولی	۳۴۳	۳) فعل مصدری استمراری
۴۸۱	- فعل مجهولی در فرم‌های مختلف	۳۴۸	۴) فعل آینده نزدیک
۴۹۳	۲۰) فعل ماضی و ...	۳۵۵	- فعل آینده نزدیک و مفاهیم مختلف
۵۶۶	۲۱) نفي فعل	۳۵۸	۵) فعل امری
۶۲۸	۲۲) نفي فعل گذشته	۳۶۵	۶) فعل در آینده دور
۶۶۲	۲۳) علائم و ... فعل سوالی	۳۷۱	- تغییر حرف ریشه فعل
۶۷۹	۲۴) فعل گذشته در فرم سوالی	۳۷۵	۷) فعل فاعلیت صفتی
۶۸۹	۲۵) نفي فعل سوالی	۳۸۰	۸) فعل در لحظه آغازین کار
۷۰۰	۲۶) نفي فعل سوالی در گذشته	۳۸۵	۹) فعل از لحظه آغازین کار
۷۱۱	۲۷) فعل شرطی واقعی با علامت ماضی	۳۸۹	۱۰) فعل تا انتهای ( پایان ) کار
۷۱۷	۲۸) فعل یا جمله آرزوی غیر واقعی و ...	۳۹۲	- فعل فاعلیت صفتی در جمله
۷۲۳	۲۹) فعل یا جمله شک و تردید و	۳۹۶	۱۱) فعل کمکی و فرم‌های مختلف آن
۷۲۸	۳۰) فعل یا جمله غیر شهودی	۴۱۵	۱۲) فعل التزامی در فرم‌های مختلف
۷۲۸	۳۱) فعل مرکب یا جمله گذشته در آینده	۴۳۲	۱۳) فعل آرزوئی
۷۲۹	۳۲) فعل ترکیبی در شکل جمله ناکامل	۴۳۸	۱۴) فعل امری آرزوئی و ...
۷۳۰	۳۳) فعل « تداوم کار » در فرم جمله	۴۴۵	- فعل امری آرزوئی قدیمی
۷۳۰	۳۴) فعل یا « کار متقابل » در شکل جمله	۴۴۸	۱۵) فعل شرطی غیر واقعی
۷۳۱	۳۵) فعل در مدت عملی شدن « کار در جمله »	۴۵۵	۱۶) فعل شرطی واقعی در زمان حال
		۴۶۱	۱۷) فعل شرطی واقعی در آینده نزدیک

- فعل در این کتاب در فرم‌های مختلف صرف می‌شود، که یک شکل از آن ریشه مصدر « ایمک » ( پسوند صرفی ) است، که به کلمات مختلف پیوند می‌خورد و آنها را برای ضمایر شخصی صرف می‌کند.  
فعل « ایمک » کاملاً بی قاعده است. مثال : یم، یام، دیر، دور، دی و ...

## ۱) صرف فعل « ایمک » در فرمهای مختلف:

- فعل یا ریشه مصدری « ایمک »، حرف صدادار « ئ » است، که آن تنها فعل بی قاعده و ناکامل زبان ترکی می باشد، که در صرف افعال مختلف به فرمهای مختلف تبدیل شده و به کلمات گوناگون پیوند می خورد و آنها را صرف می کند.

فعل « ایمک » به تنهایی قابل صرف نیست و معنی نیز ندارد، ولی در پیوند با کلمات دیگر به علامت صرفی تبدیل می شود و آنها را برای ضمایر شخصی صرف می کند:

- از اینکه فعل « ایمک » به کلمات مختلف پیوند می خورد و آنها را برای ضمایر شخصی صرف می کند، در نتیجه آن را « پسوند صرفی » می نامیم.

- از اینکه فعل « ایمک » در صرف به کلمات مختلف پیوند می خورد و ضمیر شخصی را در خود انعکاس می دهد، در نتیجه به آن « ضمیر متصل شخصی » نیز می گوئیم.

- ریشه « ایمک » در صرف اسم و همانا در صرف خیلی از فرمهای افعال به شکل زیر برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می شود. مثال:

sən Laləsən	من لاله سن	mən Ahmədəm	من احمد (ا)م	اسم	این دو کلمه با هماهنگی
sən gəlir sən	من گلیر من	mən gəlir əm	من گلیرم	فعل	کوچک صرف می شود. }

o Rəsul dur	او رسول دور	o Ahməddir	او احمد (دیر)	اسم	این اسم و فعل
biz gəlirik	بیز گلیریک	o gəlir dir	او گلیردیر	فعل	با هماهنگی بزرگ
onlar gəlirdirlər	اونلار گلیردیرلر	siz gəlir siniz	سیز گلیرسینیز		صرف می شود. }

- فعل « ایمک » کاملاً بی قاعده است و در جمله با نام « پسوند صرفی » و یا « ضمیر متصل شخصی » به کلمات مختلف پیوند می خورد و به شکل زیر صرف می شود. مثال:

آنا عزیز دیر. آتا بئیوک دور. چیچک گؤزل دیر.

سن دده سن. من ژاله یم. سن نه سن؟

- در رابطه با صرف فعل « ایمک » به چند مطلب مهم زیر توجه کنید:

a) از اینکه فعل «ایمک» بی‌قاعده است، در نتیجه در صرف تغییر شکل می‌دهد و در فرمهای زیر به کلمات مختلف پیوند می‌خورد:

ام، سن، دیر، دور، یم، ام

b) علائم مذکور صرف فعل «ایمک» هستند، که در ترکیب کلمات با نام «پسوند صرفی» و یا «ضمیر متصل شخصی» به کارگرفته می‌شوند.

c) صرف فعل «ایمک»، بدون فعل دیگر و بدون علامت زمان و... نمی‌تواند کار فاعل و زمان آن را در جمله بیان کند؛ به همین دلیل نیز به آن فعل ناکامل می‌گوئیم.

d) ریشه فعل «ایمک»، فعل ناکاملی است که به تنهاei قابل صرف نیست و معنی نیز ندارد و لی در ترکیب با کلمات مختلف به پسوند صرفی تبدیل می‌شود.

e) فعل «ایمک» در صرف اسم و همچنین در صرف اکثر افعال به شکل پسوندهای زیر در می‌آید و با هماهنگی بزرگ و کوچک برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

				این پسوندهای صرفی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.		این پسوندهای صرفی با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.	
↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
dırlar	sınız	ıq	dır	{	san	am	{ حرف صدادار این پسوندها با آنگ
durlar	sunuz	uq	dur	{	san	am	{ پائینی است.
dirler	siniz	ık	dir	{	sən	əm	{ حرف صدادار این پسوندها با آنگ
dürlər	sünüz	ük	dür	{	sən	əm	{ بالائی است.

توجه: حروف صدادار ضمایر متصل شخصی وابسته به کلمه ما قبل خود است.

### - صرف اسم با پسوند صرفی:

a) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آنگ بالائی و با حرف «i، e، ə» می‌باشد:

من حسنه (əm). سن حسن سن. او مجید دیر. او علی دیر (dir).

- اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آنگ بالائی و با حرف «تا، ة» می‌باشد:

او سوز دور (dür). او دویو دور (dür). او سورودور. او سوز دور.

b) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آنگ پائینی و با حرف «ا، a» می‌باشد:

من یاشارام. سن آنا سان. سن ایلدیریم سان. او قارداش دیر. او دا باجی دیر.

- اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ل ، ئ ، ئی » میباشد:

یاشار، او دور. سن قوچسان. او دُزدور. او بُزدور. من کُوراو غلو یام.

### صرف فعل با پسوند صرفی:

فعل ترکی آذربایجان در این کتاب، در فرم‌های مختلف صرف میشود، که یک شکل آن صرف خود فعل « ایمک » است که تمام افعال به کمک آن صرف میشوند.

فعل « ایمک » در صرف اکثر افعال و اسمی به یک شکل صرف میشود، ولی چهار فرم فعل با پسوندهای مخصوص خود با هماهنگی کوچک و بزرگ برای ضمایر شخصی صرف میشوند؛ سه فرم دیگر آن نیز بدون فعل « ایمک » و با ضمیر منفصل شخصی به کارگرفته میشوند. بدین سان در صرف افعال و کلمات ترکی فعل « ایمک » در شش فرم مختلف زیر به کارگرفته میشوند:

یک) اکثر افعال ترکی آذربایجان با پسوند صرفی هم شکل با اسم صرف میشوند، برای نمونه

فعل « آینده نزدیک » را در نظر میگیریم و آن را در جدول زیر صرف میکیم:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر به وسیله فعل « ایمک »

صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه میشود:

ضمایر منفصل شخصی	این پسوند علامت زمان آینده نزدیک است.			اکثر افعال ترکی با این پسوندها صرف میشوند.		
حرف صدادار ضمیر	mən	gəl	ər	əm	sən	پسوند صرفی برای ضمیر
سوم شخص مفرد و	sən	gəl	ər	(dir)	(dir)	اول و دوم شخص مفرد
جمع با آهنگ پائینی	o	gəl	ər	ik	ba هماهنگی کوچک	
است	biz	gəl	ər	siniz	صرف میشوند.	
	siz	gəl	ər	(dir) lər		
	onlar	gəl	ər			
در صرف سوم شخص مفرد و جمع پسوند « dir » حذف میشود.						
ریشه فعل						

در ترکی آذربایجان افعال با پسوندهای جدول مذکور با هماهنگی بزرگ و کوچک صرف میشوند.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ، ة » میباشد:

من گؤررم، سن گؤررسن، او گؤرر، بیز گؤرریک، سیز گؤررسینیز، اونلار گؤررلر

من گوله رم، سن گوله رسن، او گولر، بیز گولریک، سیز گولر سینیز، اونلار گولرلر

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر صرف میشود:

qalar (dır )	او قالار( دیر)	qalar san	سن قالارسان	qalar am	من قالارام
اونلار قالار( دیر)lar	qalar(dır) lar	سیز قالارسینیز	qalar sınız	بیز قالاریق	qalar iq

- من قۇرارام، سن قۇرارسان، او قۇرار، بیز قۇراريق، سیز قۇراريق، اونلار قۇرارلار

- من قۇرارام، سن قۇرارسان، او قۇرار، بیز قۇراريق، سیز قۇراريق، اونلار قۇرارلار

- من سۇلارام، سن سۇلارسان، او سۇلار، بیز سۇلاريق و ...

(دو) فعل آرزوئی با پسوند ویژه خود صرف میشود:

(a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، با علامت ویژه خود( به عنوان پسوند

صرفی و یا ضمیر متصل شخصی ) صرف و به بخشهاي مختلف تجزیه میشود:

ضمایر منفصل شخصی	این پسوندها علاوه مخصوص صرفی برای فعل آرزوئی هستند.							
حرف صدادار	mən	gəl	ə(yə)m	dr	صرف این فعل، از پسوند			
این چهار ضمیر	sən	gəl	sən	صرفی اول شخص مفرد و				
منفصل شخصی	o	gəl	ə	جمع، این دو حرف (yə)				
با آهنگ بالائی	biz	gəl	ə(yə)k	حذف و مخفف میشوند.				
است.	siz	gəl	əsiniz					
	onlar	gəl	ələr					
آخرین حرف صدادار ریشه فعل(ə) با آهنگ بالائی است.								علامت آرزوئی حرف « ə » میباشد.

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، با علامت ویژه خود ( به عنوان

پسوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی) صرف میشود:

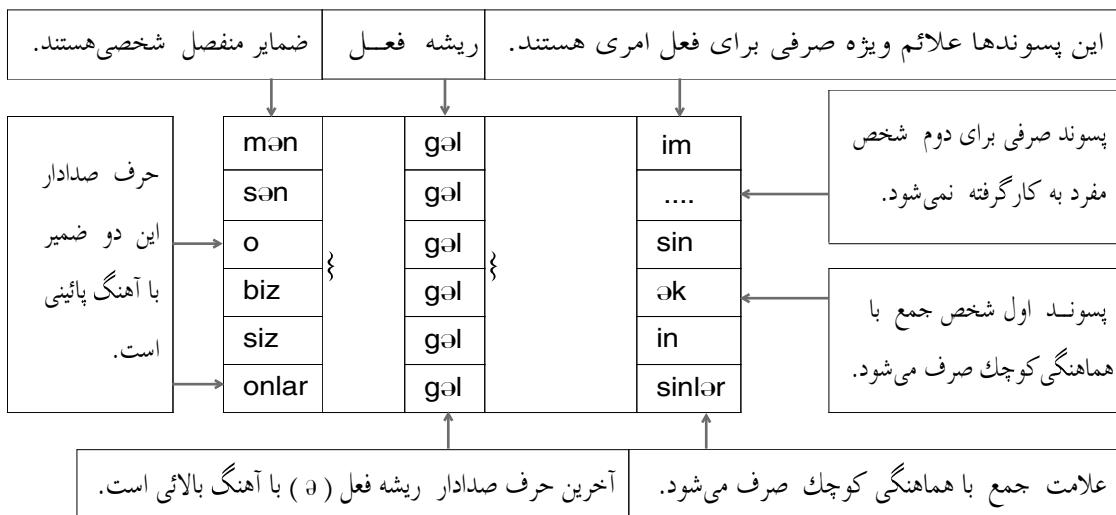
من آلا ( یا ) م، سن آلاسان، او آلا، بیز آلاق، سیز آلاسینیز، اونلار آلالار

من دیغا (یا) م، سن دیغاسان، او دیغا، بیز دیغاق، سیز دیغاسینیز، اونلار دیغالار  
 من قۇنا (یا) م، سن قۇناسان، او قۇنا، بیز قۇناق، سیز قۇناسینیز، اونلار قۇنالار  
 من قۇرا (یا) م، سن قۇراسان، او قۇرا، بیز قۇراق، سیز قۇراسینیز، اونلار قۇرالار  
 توجه: پسوند صرفی فعل آرزوئی برای دوم شخص جمع به شکل «**əyək**» است، که آن در صرف  
 مخفف شده و به شکل «**ək**» به کارگرفته می‌شود و بدینسان هم شکل با  
 فعل امری در آمده و صرف می‌شود. مثال:

آرزوئی **ək**، امری **gələk** و ...

سه) فعل امری با پسوند ویژه خود صرف می‌شود. مثال: (ص ۳۵۸)

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، با علامت ویژه خود (به عنوان  
 پسوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی) صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:



توجه: پسوند صرفی فعل امری برای اول شخص مفرد با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، با علامت ویژه خود (به عنوان  
 پسوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی) صرف می‌شود:

- من آلیم، سن آل، او آلسین، بیز آلین، سیز آلین، اونلار آلسینلار
- من بیخیم، سن بیخ، او بیخسین، بیز بیخاق، سیز بیخین، اونلار بیخسینلار
- من قۇنوم، سن قۇن، او قۇنسون، بیز قۇنون، سیز قۇنسون، اونلار قۇنسونلار
- من قۇروم، سن قۇر، او قۇرسون، بیز قۇراغ، سیز قۇرسون، اونلار قۇرسونلار

چهار) فعل شرطی با پسوند ویژه خود صرف می‌شود. مثال: (ص ۴۴۸)

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» باشد، با علامت ویژه خود (به عنوان پسوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی) به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر منفصل شخصی		ضمایر فعل	ریشه فعل		این پسوندها علائم فعل شرطی غیرواقعی هستند.					
حرف صدادار ضمایر	mən	gəl	səm	علامت شرطی این سه حرف						
منفصل شخص برعکس	sən	gəl	sən	«isə» است، که با پسوند صرفی						
{	o	gəl	sə	ترکیب می‌یابد و در صرف بدین						
ضمایر متصل وابسته به	biz	gəl	sək	شکل مخفف می‌شود.						
کلمات دیگر نیستند.	siz	gəl	səniz							
	onlar	gəl	sələr							
پسوند شرطی «isəyəm» در صرف مخفف می‌شود.		آخرین حرف صدادار این فعل با آهنگ بالائی (ə) است.								

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، با علامت ویژه خود (به عنوان پسوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی) برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

اونلار آلسالار	سیز آلسانیز	بیز آلساق	او آلسا	سن آلسان	من آلسام
اونلار بیخسالار	سیز بیخسانیز	بیز بیخساق	او بیخسا	سن بیخسان	من بیخسام
اونلار قورسالار	سیز قورسانیز	بیز قورساق	او قورسا	سن قورسان	من قورسام
اونلار قۇسالار	سیز قۇرسانیز	بیز قۇرساق	او قۇرسا	سن قۇرسان	من قۇرسام

- افعال در این کتاب در فرم‌های مختلف صرف می‌شوند، که یکی از آنها صرف خود فعل «ایمک» پسوند صرفی است، که به شکل بی‌قاعده (ام، سن، دیر، ایک، سینیز) صرف شده و به شکل پسوند به سایر افعال پیوند می‌خورد و آنها را برای ضمایر شخصی صرف می‌کند.

پنج) فعل گذشته با پسوند ویژه خود صرف می‌شود. مثال: (ص ۴۹۳)

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، با علامت ویژه خود ( به عنوان پسوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی ) صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

		ضمایر متصل شخصی		ریشه فعل		این پسوندها علائم مخصوص فعل گذشته هستند.			
حرف صدادار ضمیر سوم	mən		gəl			dim		این پسوند علامت صرفی	
شخص مفرد و جمع با	sən		gəl			din		و پسوند گذشته به شکل	
{ آهنگ پائینی و سایر ضمایر	o	{	gəl	{		di	{	{ است، که در	
با آهنگ بالائی به کار-	biz		gəl			dik		صرف مخفف شده و به	
گرفته می‌شود.	siz		gəl			diniz		کارگرفته می‌شود.	
	onlar		gəl			dilər			
حرف صدادار ریشه این فعل با آهنگ بالائی (ə) است.									

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر صرف می‌شود:

من قالدیم	سن قالدین	او قالدی	بیز قالدیق	سیز قالدینیز	اونلار قالدیلار	من قوردونم	سن قوردون	او قوردو	بیز قوردون	سیز قوردونز	اونلار قوردولار
-----------	-----------	----------	------------	--------------	-----------------	------------	-----------	----------	------------	-------------	-----------------

شش) افعال و جملات نیمه کاملی که بدون فعل « ایمک » صرف می‌شوند. مثال:

- این سه فعل « در آغازین کار »، « از آغاز کار » و « در انتهای کار » به کمک فعل « ایمک »

صرف نمی‌شود، بلکه تنها با ضمیر متصل شخصی به کارگرفته می‌شوند:

من گلنده، سن گلتدين، او گلمه می‌شیدی. من گلنله جن، سن گنده جکسن.

- افعال مذکور عمدتاً در جملات دو بیتی صرف می‌شوند؛ در جمله یک بیتی همراه کلمه قید

زمانی و در جملات مرکب زمان دقیق آن با فعل بند دوم و یا بند آخر جمله بیان می‌شوند:

یاشار گلنده، منه سلام وئردی. لاله گنده نده، من ایله گئروشدو. من اورایا گلنده، او گلیب گتتمیشدی.

توجه: در صرف فرم‌های مختلف فعل علاوه بر « پسوند صرفی »، پسوند زمان و... نیز به آن افروزده

شده و به شکل زیر با هماهنگی بزرگ و کوچک صرف می‌شود. مثال:

فعل در زمان حال: mən gəl ir əm

فعل فاعلیت صفتی: mən gəl ən əm

## ۲) صرف فعل در زمان حال:

فعل در زمان حال ( استمراری )، فعلی است که کاری را در عین عملی شدن بیان می کند.  
فعل در زمان حال ( استمراری ) در زبان ترکی از ترکیب ریشه مصدر و پسوند « ایر، ir » به وجود می آید و با کمک فعل « ایمک » صرف می شود.

علامت زمان حال پسوند « ir » است که یک حرف صدادار و یک حرف بی صدا دارد، که حرف صدادار آن وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل می باشد که با هماهنگی بزرگ در چهار فرم زیر به کار گرفته می شود:

یک فرم: ( با پسوند « ir » )

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از دو حرف « i ، a » باشد، به شکل زیر با پسوند « ir » به فعل زمان حال تبدیل شده و با پسوند صرفی ( فعل « ایمک » ) برای ضمایر شخصی صرف می شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم شود با پسوند « ir » برای اول شخص مفرد صرف می شود:

من قالیرام qaz,ir am ، دانیرام qal,ir am ، سالیرام sal,ir am ، قازیرام qaz,ir am ،  
آیریلیرام ayrılır am ، یالواریرام yalvar,ir am ، ساوشیرام savaş,ir am و ...

افعال مذکور به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شوند: ( al )

biz alırıq	بیز آلیریق	mən alıram	من آلیرام
siz alırsınız	سیز آلیرسینیز	sən alırsan	سن آلیرسان
onlar alırlar	اونلار آلیرلار ( لار )	o alır(dır)	او آلیر ( دیر )

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « i » ختم شود، با پسوند « ir » برای اول شخص مفرد صرف می شود:

من بیخیرام qırx,ir am ، بیغیرام yiğ,ir am ، داشنیرام daşın ir am ، قیرخیرام qırıx,ir am  
ایشیلداییرام işild(ay)ır am ، دانیشیرام daniş,ir am ، قیلیرام qılır am ، سینیرام sınır am و ...

- افعال مذکور به شرح زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

biz	yixırıq	بیز	بیخیریق	mən	yixıram	من	بی خیرام
siz	yixırsınız	سیز	بیخیر سینیز	sən	yixırsan	سن	بی خیر سان
onlar	yixırlar	اونلار	بیخیر لار	o	yixır	او	بی خیر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از این دو حرف «ا، ئ» ختم شود، به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف و تجزیه می‌شود:

ضمایر متصل شخصی	پسوند زمان حال	ریشه افعال	ضمایر شخصی
mən		qaç	am
sən		say	san
o		yığ	dır
biz	{	dığ	ir
siz	{		ir
onlar	{		ir
			iq
			sınız
			dırlar

این دو پسوند صرفی با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.

این چهار پسوند صرفی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.

- افعال مذکور، افعال کاملی هستند که با مفهوم و معنی کاملی به کارگرفته می‌شوند.

- در رابطه با به کارگیری فعل استمراری به شعر زیر توجه کنید:

ابراهیم رف رف: ائلين دیلیندە فضولى سؤزون يازير ايلياز

اُزدور کی شهرتى هر گون ائدير دوام اُجاليز

دو فرم: ( با پسوند «ur » )

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و به یکی از دو حرف «ا، ئ» ختم شود، پسوند آن در زمان حال با پسوند «ur » صرف می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم شود، به شکل زیر با پسوند «ur » برای اول شخص مفرد صرف می‌شود:

من قۇنورام mən qonuram ، سۇرۇشورام soruşuram ، توۇخورام toxu(yu)ram

دۇنورام donuram ، پۇزورام pozuram ، بۇغورام boğ ur am و ...

- افعالی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « o » باشد، به شکل زیر با پسوند « ur » برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

biz oluruq	بىز اوْلورو	mən oluram	من اوْلورام
siz olursunuz	سىز اوْلورسۇنۇز	sən olursan	سن اوْلورسان
onlar olurlar	اۇنلار اوْلورلار	o olur	اوْ اوْلور

- در رابطه با به کارگیری فعل مذکور به شعر زیر توجه کنید:

عثمانلى نورس: باقسان مئيە، ساغرە، صفا عارض اوْلور

آئينىه نىشە يە، ضيا عارض اوْلور

( baqsan meyə, sağərə, səfa arez olur. ayeniyə nəşəyə, zeya arez olur.)

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « u » ختم شود، به شکل زیر برای اول شخص مفرد صرف می‌شود:

تۇخويورام tox(uy)ur am ، جۇمورا cum ur am ، toxun ur am ، توْخونورام قۇرورام، uç ur am ، اوْمورام um ur am ، yum ur am ، يۇمورام سۇلورام، يۇپورام، بۇلورام و ...

- افعال مذکور به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

biz uçuruq	بىز اوْچوروق	mən uçuram	من اوْچورام
siz uçursunuz	سىز اوْچورسۇنۇز	sən uçursan	سن اوْچورسان
onlar uçurlar	اۇنلار اوْچورلار	o uçur	اوْ اوْچور

من سولورام ، سن سولورسان ، اوْ سولور و ...

- فعل کاملی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و به یکی از دو حرف « o ، u » ختم شود، به شرح زیر به بخشهاي مختلف تجزيه شده و يا برای

ضمایر شخصی صرف می شود:

ضمیر شخصی	ضمیر متصل شخصی و یا صرف فعل « ایمک »
mən	پسوند زمان حال
sən	پسوند زمان حال
o	پسوند زمان حال
biz	پسوند زمان حال
siz	پسوند زمان حال
onlar	پسوند زمان حال
ur	ام
ur	سان
ur	(dur)
ur	ع
ur	سونۇز
ur	دۇرلار

این دو پسوند صرفی با هماهنگی کوچک صرف می شوند.

این چهار پسوند صرفی با هماهنگی بزرگ صرف می شوند.

علامت زمان حال با هماهنگی بزرگ صرف می شود.

سه فرم: ( با پسوند « ir » )

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از سه حرف « i, e, ə » باشد، به

شرح زیر با پسوند « ir » در زمان حال صرف می شود. مثال:

۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ə » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر

شخصی صرف می شود:

من گلیرم mən galıram ، گزیرم [گه زیرم] gəzirəm ، آییرم əyirəm ، بَرْه نیرم bəzənirəm ، دَبِيرم dəyirəm ، آَلَه ييرم ələyirəm ، بَلَه ييرم bələyirəm ، أميرم əm, ir,əm ، دَرِيرم dirəm و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با پسوند صرفی برای

ضمایر شخصی صرف می شود:

biz galirik	بیز گلیریک	من گلیرم
siz gelirsiniz	سیز گلیر سینیز	سن گلیر سن
onlar gelir(dir) lər	اونلار گلیر (دیر) لر	او گلیر (دیر)

۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم شود، به شرح زیر برای اول

شخص مفرد صرف می شود:

من گندیرم **گندیرم** ، **seçirəm** ، **dey irəm** ، **دئیرم** ، **ئىدىرم** ، **mən gedirəm**

من دئشیرم **دئشیرم** ، **sevirəm** ، **əşirəm** ، **ائشیرم** و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

biz gedirik	بیز گندیریک	mən gedirəm	من گندیرم
siz gedirsiniz	سیز گندیرسینیز	sən gedirsən	سن گندیرسن
onlar gedirlər	اونلار گندیرلر	o gedir	او گندیر

- در رابطه با صرف افعال مذکور به اشعار زیر توجه کنید:

علیرضا ساحل: مقدس وطنی آتیب گندیرسن،

دوستلاری، یادلارا ساتیب گندیرسن.

نه دئییم بیزلره نه اوّلدو سنسیز؟

گؤز یاشین چئوره گه قاتیب گندیرسن

عزیز محسنی: ایندی من اوّزوومه گلیرم یاواش بیلیرم بیر رؤیا وردی(وردی) باش

(ا) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم شود، به شکل زیر برای اول شخص

مفرد صرف می‌شود:

من ایچیرم **ایچیرم** ، **silirəm** ، **aystırırm** **ist(əy) irəm** ، **bişirirəm** ، **silirəm** ، **سیلیرم**

دیئیرم **گئیرم** ، **dinirəm** ، **geyirəm** و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف می‌شوند: ( tik )

biz tikirik	بیز تیکیریک	mən tikirəm	من تیکیرم
siz tikirsiniz	سیز تیکیرسینیز	sən tikirsən	سن تیکیرسن
onlar tikirlər	اونلار تیکیرلر	o tikir	او تیکیر

من بیچیرم، سن بیچیرسن، او بیچیر، بیز بیچیریک، سیز بیچیرسینیز و ...

- فعل کاملی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از سه حرف صدادار « i , e , ø » باشد، به شکل زیر به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

ضمایر شخصی	ال					ریشه افعا		علامت زمان حال	ضمایر متصل شخصی و یا پسوند صرفی		
mən	gəl dəl get sil bil	ir	əm sən (dir) ik siniz dir,lər	اعلامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.					این دو پسوند صرفی با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.		
sən		ir		اعلامت جمع با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.					این چهار پسوند صرفی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.		
o		ir									
biz		ir									
siz		ir									
onlar		ir									

#### چهار فرم: ( با پسوند « ür » )

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد و به یکی از این دو حرف صدادار « ö , ü » ختم شود، پسوند آن در زمان حال با حروف « ür » صرف می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن « ö » باشد، به شکل زیر برای اول شخص مفرد صرف می‌شود:

من گۈرۈرم mən görürəm ، دۈزۈرم söñürəm ، سۈنۈرم dözürəm ، ئۈپۈرم öpürəm ، تۈكۈرم tökürəm ، ئۈلۈرم ürəm ، دۈنۈرم ...

- افعال مذکور به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

biz böлүрүк	بئلۈرۈك	بیز	mən böлүرəm	من بئلۈرم
siz böлүرسünüz	بئلۈرسۇنۇز	سیز	sən böлүرسən	سن بئلۈرسن
onlar böлүrlər	بئلۈرلəر	اوْنلار	o bolur	اوْ بئلۈر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ü » ختم شود، به شرح زیر با پسوند « ür » برای اول شخص مفرد صرف می‌شود:

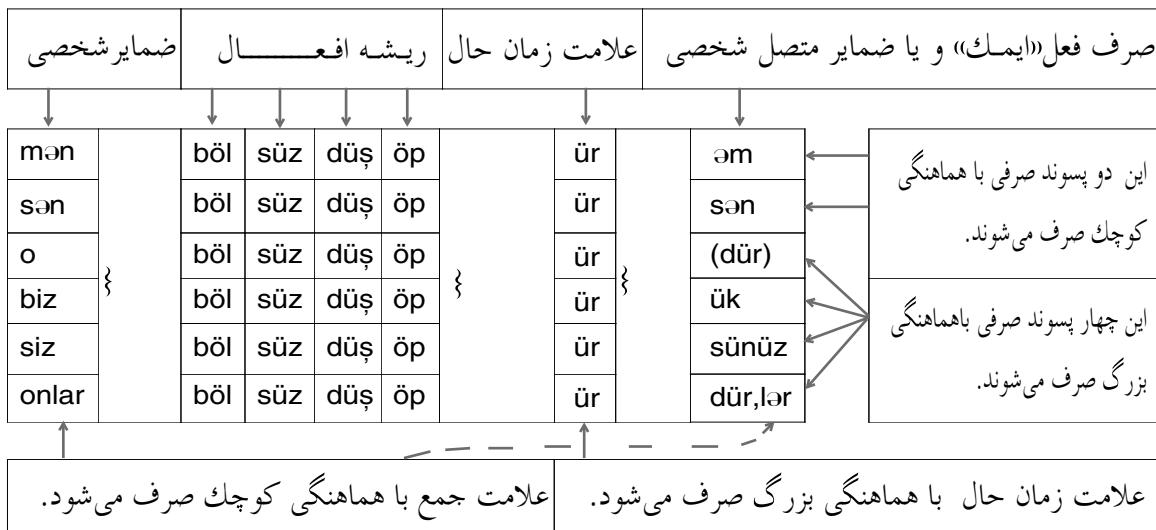
، üşü( yü) rəm اوشويورم	، düş ürəm دوشورم	، küs ür əm من كوسورم
، bölüş ür əm بولوشورم	، görüş ürəm گوروشورم	، dövüş ür əm دؤووشورم
	... süz ür əm سوزورم	، üz ür əm اوزورم

- افعال مذکور به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

biz	gülürük	گولوروك	بیز	mən	gülürəm	گولورم	من
siz	gülürsünüz	گولورسونوز	سیز	sən	gülürsən	گولورسن	سن
onlar	gülürlər	گولورلر	اونلار	o	gülür(dür )	گولور(دور )	او

- فعل کاملی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از دو حرف « ن، ة » باشد،

به شکل زیر به بخش‌های مختلف تجزیه شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:



- در رابطه با افعال مذکور به اشعار زير توجه کنيد:

**نباتی:** شیدا بولبول. فغان اتمه، غم یئمه، بُوگون - صاباح گول آچیلیر، یاز اوپلور

... گول گولشندہ بیس گول حمرا گئونو، (گئو، ولور)

طوفه خوش، رنگ و ترو تازه و زیبا گئرونور.

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار (ü, a, i, e, o, ö, u) باشد، در صرف برای زمان حال، یک «ی y» تکمیلی به خود می‌گیرد، زیرا آخرین حرف فعل همچون اولین حرف

پسوندها حرف صدادار است:

برای مثال، به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد توجه کنید:

من او خوپورام *mən işləyirəm* ، ایشله پیرم *yeyirəm* ، من او خوپورام *mən oxuyuram* ،  
او شوپورام *oynayıram* ، اینچی پیرم *inciyirəm* ، اونینایرام *mən üşüyürəm* ، تؤخوپورام *təxuyuram* ،  
بیزله پیرم *bızlıyirəm* ، سسله پیرم *səsləyirəm* و ...

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با حرف تکمیلی « y »

برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz ələyirik	بیز آله پیریک	mən ələyirəm	من آله پیرم
siz ələyirsiniz	سیز آله پیرسینیز	sən ələyirsən	سن آله پیرسن
onlar ələyirlər	اونلار آله پیرلر	o ələyir (dir)	او آله پیر(دیر)

- فعلی که آخرین حرف آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » می باشد:

biz deyirik	بیز دئپریک	mən deyirəm	من دئپیرم
siz deyirsiniz	سیز دئپرسینیز	sən deyirsən	سن دئپرسن
onlar deyirlər	اونلار دئپرلر	o deyir	او دئپیر

- فعلی که آخرین حرف آن با آهنگ پائینی باشد و به حرف « u » ختم شود، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می شود:

biz quruyuruq	بیز قۇروپوروق	mən quruyuram	من قۇروپورام
siz quruyursunuz	سیز قۇروپورسونۇز	sən quruyursan	سن قۇروپورسان
onlar quruyurlar	اونلار قۇروپورلار	o quruyur	او قۇروپور

من او پورام، سن او پورسان، او او پور،

بیز او پوروق، سیز او پورسونۇز، اونلار او پورلار و ....

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ پائینی باشد و به حرف « a ، o »

ختم شود، به شکل زیر به بخشهای مختلف تجزیه شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال و حرف تکمیلی و پسوند صرفی	ضمیر متصل شخصی	
حرف صدادار ضمیر سوم شخص منفرد و جمع با آهنگ پائینی است.	mən sən o biz siz onlar	qalayır tanıyor toxuyur qalayır tanıyor toxuyur qalayır tanıyor toxuyur qalayır tanıyor toxuyur qalayır tanıyor toxuyur qalayır tanıyor toxuyur	am san (dır) ıq sınız dır,lar
			این دو پسوند صرفی با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.
			این چهار پسوند صرفی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.
		علامت زمان حال با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.	

- در موارد زیادی، به ویژه در محاوره، حرف تکمیلی را همراه یک حرف صدادار حذف می‌کنند و بدین سان به شکل مخفف شده برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

ضمیر متصل شخصی	ریشه کلمات	پسوند صرفی	حروف تکمیلی	ریشه کلمات	اطلاعات
اصل این کلمات با حرف تکمیلی، پسوند زمان حال و پسوند صرفی ساخته می‌شود.	qala y ır am oxu y ur am	qala r am oxu r am		isłə y ir əm üşü y ür əm sürü y ür əm	حروف صدادار این افعال با آهنگ پائینی است.
				isłə r əm üşü r əm sürü r əm	حروف صدادار این افعال با آهنگ بالائی است.
					از این کلمات حرف تکمیلی با یک حرف صدادار حذف شده است.
	پسوند تکمیلی	پسوند زمان حال	پسوند افعال		

- در رابطه با به کار گیری حرف تکمیلی «y» به شعر زیر توجه کنید:

از کتاب «اصلی ایله کرم»:

گلیر بۇردا قالیر دئیرلر

دیلی يار دان آیریلانین

در دلی کرم گلیر دئیرلر

سۇيله مىكدىن ئوللور (أولور) دئیرلر

### ۳) فعل مصدری در زمان حال (استمراری):

فعل مصدری استمراری، فعلی است که از ترکیب فعل، پسوند مصدری (ماق، مک) و پسوند زمان (ده، دا) به وجود می‌آید. حرف صدادار پسوند مصدری وابسته به آخرین حرف صدادار فعل و حرف صدادار پسوند زمان (ده، دا) نیز وابسته به حرف صدادار «پسوند مصدری» است، که هر دوی آنها با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند. برای مثال به مصدرهای زیر توجه کنید، که با اضافه شدن پسوند «ده، دا» به فعل تبدیل و در زمان حال (استمراری) به کارگرفته می‌شوند:

- اگر آخرین حرف صدادار فعل و پسوند مصدری با آهنگ بالائی باشد، پسوند فعل مصدری آن با حروف «ده» صرف می‌شود؛ ولی اگر آخرین حرف صدادار فعل با آهنگ پائینی باشد، پسوند مصدری آن با حروف «دا» به کارگرفته می‌شود. مثال:

<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="padding: 5px;">فعل مصدری</td><td style="padding: 5px;">مصدر</td></tr> <tr> <td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">gülməkde</td><td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">گولمک</td></tr> <tr> <td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">durmaqda</td><td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">دورماقدا</td></tr> </table>	فعل مصدری	مصدر	gülməkde	گولمک	durmaqda	دورماقدا	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="padding: 5px;">فعل مصدری</td><td style="padding: 5px;">مصدر</td></tr> <tr> <td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">getmekde</td><td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">گتمک</td></tr> <tr> <td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">yixmaqda</td><td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">ییخماقدا</td></tr> </table>	فعل مصدری	مصدر	getmekde	گتمک	yixmaqda	ییخماقدا	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="padding: 5px;">فعل مصدری</td><td style="padding: 5px;">مصدر</td></tr> <tr> <td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">gelmekde</td><td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">گلمک</td></tr> <tr> <td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">almaqda</td><td style="padding: 5px; vertical-align: bottom;">آلماقدا</td></tr> </table>	فعل مصدری	مصدر	gelmekde	گلمک	almaqda	آلماقدا
فعل مصدری	مصدر																			
gülməkde	گولمک																			
durmaqda	دورماقدا																			
فعل مصدری	مصدر																			
getmekde	گتمک																			
yixmaqda	ییخماقدا																			
فعل مصدری	مصدر																			
gelmekde	گلمک																			
almaqda	آلماقدا																			

آلہ مکده، ائتمکده، سیلمکده، بیلمکده، دؤزمکده، اوپمکده، سالماقدا،  
قالماقدا، قیرماقدا، بیغماقدا، دۇرماقدا، دۇنماقدا، ..

یك فرم (با پسوند «ده»):

ریشه مصدری، که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف «ü، ö، i، e» باشد، به شرح زیر به وسیله پسوند (ماق) به مصدر تبدیل شده و با اضافه کردن پسوند «ده» به فعل مصدری (استمراری) تبدیل می‌گردد و به وسیله فعل «ایمک» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

ه) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gəlməkdəyik	بیز گلمکده بیک	mən gəlməkdəyəm	من گلمکده یم
siz gəlməkdəsiniz	سیز گلمکده سینیز	sən gəlməkdəsən	سن گلمکده سن
onlar gəlməkdədirlər	اونلار گلمکده دیرلر	o gəlməkdədir	او گلمکده دیر

توجه: فعل « گئت get » به شکل « گند ged » نیز به کار گرفته می‌شود.

ه) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم می‌شود:

biz getməkdəyik	بیز گتمکده بیک	mən getməkdəyəm	من گتمکده یم
siz getməkdəsiniz	سیز گتمکده سینیز	sən getməkdəsən	سن گتمکده سن
onlar getməkdədirlər	اونلار گتمکده دیرلر	o getməkdədir	او گتمکده دیر

ه) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صداردار آن به حرف « i » ختم می‌شود:

biz silməkdəyik	بیز سیلمکده بیک	mən silməkdəyəm	من سیلمکده یم
siz silməkdəsiniz	سیز سیلمکده سینیز	sən silməkdəsən	سن سیلمکده سن
onlar silməkdədirlər	اونلار سیلمکده دیرلر	o silməkdədir	او سیلمکده دیر

ه) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صداردار آن به حرف « ö » ختم می‌شود:

biz ötməkdəyik	بیز اوتمکده بیک	mən ötməkdəyəm	من اوتمکده یم
siz ötməkdəsiniz	سیز اوتمکده سینیز	sən ötməkdəsən	سن اوتمکده سن
onlar ötməkdədirlər	اونلار اوتمکده دیرلر	o ötməkdədir	او اوتمکده دیر

توجه: از اینکه آخرین حرف پسوند « de » همانند اولین حرف صرفی اول شخص مفرد و جمع حرف صداردار است، در نتیجه در بین آنها یک حرف « y » افزوده می‌شود.

ه) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صداردار آن به حرف « tə » ختم شود، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	gülməkdəyik	گولمکده ییک	بیز	mən	gülməkdəyəm	گولمکده یم	من
siz	gülməkdəsiniz	گولمکده سینیز	سیز	sən	gülməkdəsən	گولمکده سن	سن
onlar	gülməkdədirlər	گولمکده دیرلر	اونلار	o	gülməkdədir	گولمکده دیر	او

- فعل مصدری به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می شود:

صرف فعل « ایمک »		پسوند فعل مصدری	پسوند مصدری	ریشه افعـمال	ضمایر شخصی	
mən	gəl	ged	iç	döz	düş	mək
sən	gəl	ged	iç	döz	düş	mək
o	gəl	ged	iç	döz	düş	mək
biz	gəl	ged	iç	döz	düş	mək
siz	gəl	ged	iç	döz	düş	mək
on,lar	gəl	ged	iç	döz	düş	mək
						də
						yəm
						sən
						(dir)
						yik
						si,niz
						dirlər

↓

این دو پسوند با حرف تکمیلی به کار گرفته می شوند.

در صرف فعل « ایمک » برای اول شخص مفرد و جمع، دو حرف صدادار در کنار هم قرار می گیرند، در نتیجه بین آنها یک « y » افزوده می شود.

فرم دوم(با پسوند « دا »):

ریشه مصدری که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف « a , ı , u , o » باشد، به شکل زیر همراه پسوند « دا » به فعل مصدری تبدیل و به وسیله فعل « ایمک »

برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

a ) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم می شود:

biz	almaqdayıq	آلماقدایق	بیز	mən	almaqdayam	آلماقدا یام	من
siz	almaqdasınız	آلماقداسینیز	سیز	sən	almaqdasan	آلماقداسان	سن
onlar	almaqdadırlar	آلماقدادیرلار	اونلار	o	almaqdadır	آلماقدا دیر	او

هئچ اولماسا من بیز هفته بُورادا قالماقدایام، چون واجیب ایشیم وار.

1) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ı » ختم شود، به شکل زیر

صرف می شود:

biz	yığmaqdayıq	يىغماقدىايق	بىز	mən	yığmaqdayam	يىغماقدىايم	من
siz	yığmaqdasınız	يىغماقداسىيىز	سيز	sən	yığmaqdasan	يىغماقداسان	سن
onlar	yığmaqdadırlar	يىغماقدادىرلار	اونلار	o	yığmaqdadır	يىغماقدادىر	او

۵) ریشه فعل مصلدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف «۰» ختم می‌شود:

biz	pozmaqdayıq	پۇزماقىدىيق	بىز	mən	pozmaqdayam	پۇزماقىدایام	من
siz	pozmaqdasınız	پۇزماقىداسىنىز	سىز	sən	pozmaqdasan	پۇزماقىداسان	سن
onlar	pozmaqdadırlar	پۇزماقىدادىرلار	اونلار	o	pozmaqdadır	پۇزماقىدادىر	او

۶) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ما» ختم می‌شود:

biz	oxumaqdayıq	بىز	او خوماقداييق	mən	oxumaqdayam	ام	او خوماقدايم	من
siz	oxumaqdasınız	سيز	او خوماقداسينيز	sən	oxumaqdasan	سان	او خوماقداسان	سن
onlar	oxumaqdadırlar	اونلار	او خوماقداديرلار	o	oxumaqdadır	دير	او خوماقدادير	او

- فعل مصدری در زمان حال به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

من سالمقادايم، من قالماقدايم، من آلمقادايم، من قانماقدايم، من دانماقدايم، من چيختماقدايم، من سيخماقدايم و ... من بىغماقدايم، من قيلماقدايم، من چيختماقدايم، من سيخماقدايم و ...

### ۱-۳) فرم قدیمی فعل مصدری در زمان حال (استمراری) :

- در موارد کمی در کتب قدیمی به دلیل قرارگرفتن حرف « ک » و « ق » (q , k ) در جلوی حرف « d »، پسوند فعل مصدری (da , də ) به شکل « ته » و « تا » (tə , ta ) نیز صرف شده است. چنین صرفی امروزه در زبان ترکی آذربایجان بکار برده نمی شود، ولی آن در ترکی استانبول به شکل رسمی در آمده است. برای آشنائی با این شیوه عمل به صرف افعال در دو جدول زیر توجه کنید:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر صرف می شود:

من	گلمکته	گتمکته	سیلمکته	گورمکته	گولمکته
سن	گلمکته سن	گتمکته سن	سیلمکته سن	گتمکته سن	گلمکته سن
او	گلمکته دیر	گتمکته دیر	سیلمکته دیر	گتمکته دیر	گلمکته دیر
بیز	گلمکته بیک	گتمکته بیک	سیلمکته بیک	گتمکته بیک	گلمکته بیک
سیز	گلمکته سینیز	گتمکته سینیز	سیلمکته سینیز	گتمکته سینیز	گلمکته سینیز
اونلار	گلمکته دیرلر	گتمکته دیرلر	سیلمکته دیرلر	گتمکته دیرلر	گلمکته دیرلر

- فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر همراه پسوند

« ته ، تا » برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من	قالماقتایام	بیخماقتایام	او خوماقتایام	سوئلماقتایام	دو رماقتایام
سن	قالماقتاسان	بیخماقتاسان	او خوماقتاسان	سوئلماقتاسان	دو رماقتاسان
او	قالماقتادیر	بیخماقتادیر	او خوماقتادیر	سوئلماقتادیر	دو رماقتادیر

- به کارگیری پسوند « ته ، تا » به جای « ده ، دا » در ترکی استانبولی معمول گشته است، با این تفاوت که در آن، به جای پسوند صرفی « am , əm » از پسوند صرفی « im , ɪm » استفاده می شود.

- امروزه در ترکی آذربایجان به جز در چند مورد، پسوند افعال مصدری به شکل « ده ، دا » صرف می شود.

۳) صرف فعل در زمان آینده نزدیک:

فعل آینده نزدیک فعلی است، که انجام کاری را در آینده بیان می‌کند؛ کاری که آغاز نشده، ولی هر لحظه شروع آن ممکن است.

علامت آینده نزدیک از دو حرف تشکیل می‌یابد، که حرف صدادار آن وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است، که با هماهنگی کوچک در دو فرم زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

یک فرم ( با پسوند "er" ) :

اگر آخرین حرف صدادار فعلی با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف «*t*, *ö*, *e*, *i*, *a*» باشد، به شکل زیر با پسوند «*ər*» به کار گرفته می‌شود. مثال:

(۶) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ه» ختم شود، به شکل زیر همراه پسوند «ər» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	gələrik	گَلَرِيك	بیز	mən	gələrəm	گَلَرَم	من
siz	gələrsiniz	گَلَر سِينِيز	سیز	sən	gələrsən	گَلَر سَن	سن
onlar	gələrlər	گَلَر لَر	اونلار	o	gələr	(دیر)	او گَلَر (دیر)

- به افعال زیر که برای اول شخص مفرد صرف می‌شوند، توجه کنید:

- افعال آپنده نزدیک یا خط عربی، به اشکال مختلف زیر نوشته می‌شوند:

گلرم (گله رم)، گلرسن (گله رسن)، گلردير (گله ر دير)، گلريك (گله ر يك)، گلرسينيز (گله رسينيز)، گلردير (گله ر دير)، آنرم (آنه رم)، آزرم (ازه رم)، دلرم (دله رم) و ...

**توجه:** فعل آینده نزدیک در زبان فارسی و یا در ترکی استانبولی موجود نیست، ولی آن به وسیله فعل در زمان حال (مثل می‌آیم) بیان می‌شود، در صورتی که منظور از بیان این فعل این است، که

آن کار هنوز آغاز نشده است.

e) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم شود، به شکل زیر همراه پسوند « er » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gedərik	بیز گئدریک	mən gedərəm	من گئدرم
siz gedərsiniz	سیز گئدرسینیز	sən gedərsən	سن گئدرسن
onlar gedərlər	اونلار گئدرلر	o gedər	او گئدر

- افعال آینده نزدیک با خط عربی به اشکال مختلف زیر نوشته می‌شوند:  
 گله رم gedərəm (گئدرم)، ائدرم (ائده رم)، دئیرم (دئیه رم)، ائشرم (ائشه رم)، سئورم (سئوه رم)،  
 گئرم (گئیه رم)، دئشرم (دئشه رم)، ائترم (ائنه رم) ...

- در رابطه با صرف فعل آینده نزدیک به شعر زیر توجه کنید:  
 خلیلی: نیته کیم عشقیندہ بن فریاد و افغان ائیله رم  
 مرغ جانی هر سحر شوقيله نالان ائیله رم  
 کونلومی (کونلومو) زولفين کیبی غمدن پریشان ائیله رم ...

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « i » ختم شود، به شکل زیر همراه پسوند « er » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz içərik	بیز ایچری	mən içərəm	من ایچر
siz içərsiniz	سیز ایچرسینیز	sən içərsən	سن ایچرسن
onlar içərlər	اونلار ایچرلر	o içər	او ایچر

- افعال آینده نزدیک با خط عربی به اشکال مختلف زیر نوشته می‌شوند:  
 ایچرم (ایچه رم) içərəm ، تیکرم (تیکه رم) ، بیلرم (بیچه رم) ، بیلرم (بیله رم) ،  
 گیلرم (گیله رم) ، دینرم (دینه رم) ، سیلرم (سیله رم) ، بیلرم (دینه رم)  
 (دینرم) ، سیرکه له رم و ...

ة) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ة» ختم شود، به شکل زیر همراه پسوند «er» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz görərik	بیز گُورَرِیک	mən görərəm	من گُورَرَم
siz görərsiniz	سیز گُورَرْسِینیز	sən görərsən	سن گُورَرْسَن
onlar görərlər	اونلار گُورَرْلَر	o görər	او گُورَر

- افعال آینده نزدیک با خط عربی به اشکال مختلف زیر نوشته می‌شوند. مثال:

من بئلَرم **bö lər əm** (بئله رم)، دؤزَرم **dözərəm** (دؤزه رم)، سؤنَرم **sönərəm**،  
گُورَرم **görərəm** (گوره رم)، تؤكَرم **tökərəm**، اوپَرم **öpərəm** (اوپه رم)، دؤزَرم **dözərəm** (دؤزه رم)،  
دؤنَرم **döñərəm** (دؤنه رم)، دؤشَرم **döşərəm** (دؤشه رم)، اورتَرم **örətərəm** (اورته رم)، اُدرَرم و...

- در رابطه با صرف فعل آینده نزدیک به شعر زیر توجه کنید:

وجی: لبلریندن بیر اوپوش غنچه سی درسم، نه اوْلار؟

پرده سیز، بیر نظر ای گول سنی گُورَرم، نه اوْلار

ت) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ت» ختم شود، به شکل زیر همراه پسوند «er» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gülərik	بیز گُولَرِیک	mən gülərəm	من گُولَرَم
siz gülərsiniz	سیز گُولَرْسِینیز	sən gülərsən	سن گُولَرْسَن
onlar gülərlər	اونلار گُولَرْلَر	o gülər	او گُولَر

- افعال آینده نزدیک با خط عربی به اشکال مختلف زیر نوشته می‌شوند. مثال:

من کوسَرم **küsərəm** (کوسه رم)، دوشَرم **düşərəm** (دوشه رم)، دؤوووشَرم **dövüşərəm** (دؤوشه رم)،  
گُورُوشَرم **görüşərəm** (گوروشه رم)، بئلوشَرم **bölüşərəm** (بئلوشه رم)،  
اوَزَرم **avəzərəm** (اوذه رم)، سوزَرم **süzərəm** (سوذه رم)، دوزَرم **düzərəm** (گوله رم، سوپوره رم)، دوشونَرم **süpürərəm** و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	فعال	ریشه افعا	پسوند فعل آینده نزدیک	صرف فعل « ایملک »
mən	gəl	get	iç	ər
sən	gəl	get	iç	ər
o	gəl	get	iç	ər
biz	gəl	get	iç	ər
siz	gəl	get	iç	ər
on,lar	gəl	get	iç	ər
	düş	gül	dir	əm
	düş	gül	ik	sən
	düş	gül	siniz	(dir)
	düş	gül	dirlər	ik
	düş	gül		siniz
	düş	gül		dirlər

↑

علامت آینده نزدیک با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

### دو فرم ( با پسوند « ar » ) :

اگر آخرین حرف صدادار فعلی با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حروف صدادار « a , i , o , u » باشد، به شکل زیر با پسوند « ar » در زمان آینده نزدیک به کارگرفته می‌شود. مثال:

a ) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم شود، به شکل زیر همراه پسوند « ar » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz alarıq	آلاریق	بیز	من آلام
sız alarsınız	آلارسینیز	سیز	سن آلارسان
onlar alar lar	آلارلار	اونلار	او آلار

- به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد نیز توجه کنید:

آلارام ، alaram ، یازارام ، سالارام ، او لارام ، قازارام ، قاچارام ، دانارام ،  
 یانارام ، آخارام ، سانارام ، قالارام ، آتارام ، تاپارام ، آتارام ، یانارام ، قانارام و ...

۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و به حرف «ا» ختم شود، به شکل زیر همراه پسوند «ar» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz yiğariq	بیز	بیغاریق	mən yiğaram	من	بیغارام
siz yiğarsınız	سیز	بیغارسینیز	sən yiğarsan	سن	بیغارسان
onlar yiğarlar	اونلار	بیغارلار	o yiğar	او	بیغار

- به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد نیز توجه کنید:

من بیغارام **yiğaram** ، بیخارام **yiğaram** ، سیخارام **yiğaram** ، قیمارام **yiğaram** ، سینارام **yiğaram** و ...

۵) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «و» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz sorarıq	بیز	سُوراریق	mən soraram	من	سُورارام
siz sorarsınız	سیز	سُورارسینیز	sən sorarsan	سن	سُورارسان
onlar sorarlar	اونلار	سُورارلار	o sorar	او	سُورار

- به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد نیز توجه کنید:

دونارام **soraram** ، سُورارام **soraram** ، پُزرام **soraram** ، یُنارام **soraram** ، یونارام **soraram** ، سُورارام **soraram** ، اولارام **soraram** ، سُوروشارام **soraram** و ...

۶) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم شود، به شکل زیر همراه پسوند «ar» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz uçarıq	بیز	اوچاریق	mən uçaram	من	اوچارام
siz uçarsınız	سیز	اوچارسینیز	sən uçarsan	سن	اوچارسان
onlar uçarlar	اونلار	اوچارلار	o uçar	او	اوچار

- به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد نیز توجه کنید:

توخويارام **uçaram** ، سُوروشارام **uçaram** ، جومارام **cumaram** ، toxuyaram

اوخوشارام oxuşaram ، یومارام yumaram ، او ما رام umaram ، بورارام ،  
یویارام ، دورارام ، سولارام و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

صرف فعل «ایمک»	پسوند فعل آینده نزدیک	ریشه افعال	ضمایر شخصی
am	ar	qal	mən
san	ar	yıg	sən
(dır)	ar	sor	o
ıq	ar	dur	{ biz
sınız	ar	qur	siz
dır,lar	ar		on,lar

پسوند آینده نزدیک با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

حرف صدادار  
 ضمایر متصل  
 شخصی وابسته  
 به کلمات ما  
 قبل خود است.

در رابطه با صرف فعل آینده نزدیک به مطالب زیر نیز توجه کنید:

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد و در زمان آینده نزدیک صرف شود، اگر در ترکیب آن دو حرف صدادار در کنارهم قرار گیرند، بین آنها یک حرف تکمیلی «y» افزوده شده و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ بالائی می‌باشد:

biz üşüyərik	او شویه ریک	بیز	من او شویه رم
siz üşüyərsiniz	او شویه رسینیز	سیز	سن او شویه رسن
onlar üşüyərlər	او نلار او شویه رلر	او نلار	او او شویه ر

- به صرف افعال زیر برای ضمیر اول شخص مفرد نیز توجه کنید:

بله یه رم،	ایله یه رم،	او شویه رم،	من دئیه رم،
سپه له یه رم،	یئیه رم (یی یه رم)،	مه له یرم،	آلله یه رم،

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به

بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ریشه افعال				حروف تکمیلی	پسوند آینده نزدیک		صرف فعل ایمک
mən	ələ	ye	səri	üşü	y	ər	əm	پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با همانگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با همانگی بزرگ صرف می‌شود.
sən	ələ	ye	səri	üşü	y	ər	sən	
o	ələ	ye	səri	üşü	y	ər	(dir)	
biz	ələ	ye	səri	üşü	y	ər	ik	
siz	ələ	ye	səri	üşü	y	ər	siniz	
onlar	ələ	ye	səri	üşü	y	ər	lər	

علامت جمع با همانگی کوچک صرف می‌شود.

پسوند آینده نزدیک با همانگی کوچک صرف می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار با آهنگ پائینی و با حرف « u » می‌باشد:

biz	oxuyarıq	بیز اوخوياريق	mən	oxuyaram	من اوخو يارام
siz	oxuyarsınız	سیز اوخويارسینیز	sən	oxuyarsan	سن اوخو يارسان
onlar	oxuyarlar	اونلار اوخويارلار	o	oxuyar	او اوخو يار

قالا يارام، داغلا يارام، ياغلا يارام، يالا يارام، دانلا يارام و ...

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ پائینی باشد، به آن یک حرف تکمیلی افزوده شده و

به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

صرف فعل ایمک و یا ضمیر متصل شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال		حروف تکمیلی	علامت آینده نزدیک	علامت شخصی	صرف فعل ایمک و یا ضمیر متصل شخصی
	mən	qala	toxu	y	ar	am	این دو پسوند با همانگی گوچک صرف می‌شوند.
	sən	qala	toxu	y	ar	san	
	o	qala	toxu	y	ar	(dir)	
	biz	qala	toxu	y	ar	ıq	
	siz	qala	toxu	y	ar	sınız	
	onlar	qala	toxu	y	ar	dırlar	

علامت جمع با همانگی کوچک صرف می‌شود.

علامت آینده نزدیک با همانگی کوچک صرف می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد، به نادرست در محاوره از آن یک حرف صدادار را

همراه حرف تکمیلی حذف و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌کنند. برای مثال به بخش‌های مختلف افعال زیر توجه کنید:

صرف فعل ایمک	علامت زمان آینده نزدیک	حرف تکمیلی	ریشه افعا_ال	ضمایر شخصی
am	ar	y	qa_	mən
san	ar	y	tox	sən
(dir)	ar	y	qas	o
ıq	ar	y	qal	{ biz
sınız	ar	y	tox	siz
dırılar	ar	y	qaş	onlar

حروف صدادار  
ضمایر متصل  
شخصی وابسته  
به کلمات ما  
قبل خود است.

در محاوره به نادرست از فعل مذکور، یک حرف صدادار همراه «y» حذف می‌شود.

- اگر حرف صدادار و حرف تکمیلی را از افعال مذکور حذف کنیم، فعل (qalayaram) به شکل «qalaram» در می‌آید و مفهوم فعل (می‌ماند qalaram) به خود می‌گیرد و بدین سان مفهوم کلمه دگرگون می‌شود. بنابراین مخفف کردن چنین افعالی نادرست است.

### ۱-۴) فعل آینده نزدیک و مفاهیم مختلف آن در ترکی آذربایجان:

فعل آینده نزدیک، علاوه بر بیان زمان آینده نزدیک، به شکل زیر در ۱۰ مورد دیگر نیز با مفاهیم گوناگون به کار گرفته می‌شود. مثال:

a) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل عادت و خاصیت فعلی در می‌آید:

من (همیشه) چوخ بئیهه رم. mən (həmişə) çox yeyərəm. ( من همیشه زیاد می‌خورم.)

حسین سیگارا چکر. Hüseyin sıqara (siqaret) çəkər. (حسین سیگار می‌کشد.)

(به سیگار کشیدن «توسو ائدمک، پاپیربز چکمک»، نیز گفته می‌شود.)

b) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل بیان واقعیت در می‌آید:

اوچاق هاوادا اوچار. uçaq (təyyarə) havada uçar. ( هوایپما در هوای پرواز می‌کند.)

قیشدا قار یاغار. qışda qar yağar. ، باهاردا دایاغیش یاغار

c) فعلِ آینده نزدیک در جمله به شکلِ فعلِ خبری در می‌آید:

نادر بُوگون گلر. Nader bu gün gələr. (نادر امروز می‌آید. [خواهد آمد])

من گلن ایل ائو آلام. mən gələn il ev alaram. (من سال دیگر خانه می‌خرم. [خواهم خرید])

صباح قار یاغار. sabah qar yağar. (فردا برف می‌بارد. [خواهد آمد])

d) فعلِ آینده نزدیک در جمله به شکلِ بیانِ توان و کارآئی در می‌آید:

من بُوایشی بُویا باشا چاتارام. mən bu işi boyacı -başa çataram. (من این کار را به سرانجام میرسانم.)

من سنی گولدور رم (گولدوره رم). mən səni güldürərəm. (من تو را می‌خندانم.)

e) فعلِ آینده نزدیک در جمله به شکلِ صفتی نیز بیان می‌شود:

اوْ قیز، گولر اوْز دور. o qız, gülərzüzdür. (آن دختر صورت خندانی دارد.)

آخار سُو دُونماز. axar su donmaz. (آب روان یخ نمی‌زند.)

f) فعلِ آینده نزدیک در جمله به شکلِ بیانِ علمی به کارگرفته می‌شود:

یئر گوندہ بیر دفعه (کره) اوْز دؤرسینه دُلانار. (yer gündə bir dəfə öz dövrəsinə dolanar.)

گونون ایشیغی (نورو) ۸ دقیقه یه جان (جه ن، قدر) یئر چاتار. (نورخورشید به مدت ۸ دقیقه

به زمین میرسد.) (günün işiği 8 dəqiqiyə cən (qədər) yerə çatar.)

g) فعلِ آینده نزدیک به شکلِ امر و نهی نیز در می‌آید:

سن بُو ایشی گۆرر سن. sən bu işi görərsən. (تو این کار را انجام می‌دهی [خواهی داد].)

سن، اوْ کیتایین عوضینی منه آلاسان. (sən, o kitabın əvəzini mənə alarsan.)

- با وجودی که دو جمله مذکور با فعل «امری»، یا «التزامی» و «آرزوئی» به کارگرفته نشده

است، ولی مضمون هر سه آنها را می‌تواند انعکاس دهد.

h) فعلِ آینده نزدیک به شکلِ حدس زدن نیز در می‌آید:

من فکر ائدیرم بُورادان اوْرایاچان بیر کیلو متر اولار. (من فکر می‌کنم مسافت اینجا تا به آنجا یک

کیلو متر باشد.) (mən fikr edirəm, buradan orayacaq bir kilometr olar.)

منیم فیکریمجه بۇرادان اۇرایا قدر [ اۇرایا جان ) بىر كىلومتر اولار.

(mənim fikrimcə buradan oraya qədər [can] bir kilometr olar.)

p) فعلِ آپنده نزدیک به شکلِ مورد پسند قرار گرفن نیز در می‌آید:

من میوه سئۆرم(سئوه رم). (mən meyvə sevərəm (istərəm.) (من میوه دوست دارم .)

او منیم يۇلداشیم دیر، من اونو چۈخ سئورم. من تبریزی چۈخ سئورم.

- تکرار کار و تکرار زمان در فعل آپنده نزدیک:

من (همیشه) شترنج اوینارام. mən (həmişə) şətrənc oynaram. ( من همیشه شترنج بازی می کنم.) منیم جانیم سیخیلاندا، گرمیه گىدرم. ( وقتی که من حوصله ام سر برود، به گردش می روم.)

p) فعلِ آپنده نزدیک به شکلِ شک و تردید و تمنا نیز در می‌آید:

اینصالاھ بۇ ایش اولار. ( انشالله این کار شدنی است [ می شود ]).

( bu iş olar və boyacı - başa çatar.) ( bu iş olar və boyacı - başa çatar.)

( این کار شدنی است و به سر انجام می رسد.)

- در اشعاری که فعل آپنده نزدیک با مفاهیم مختلف به کار گرفته می شود، توجه کنید:

صدم وورغون: بیخیلیب یانینا اولمك ایسته رم آنالیق مهرینی گورمك ایسته رم

سنی گورمك ایچون اولمك ایسته رم ...

خیلی: نیتە کیم عشقیندە بن فریاد و افغان ائیله رم

مرغ جانى هر سحر شۇقىلە نالان ائیله رم

کونلومى(کونلومو) زولفین کىبى غىمدەن پېرىشان ائیله رم...

وجى: لېلىپىش بىر اۋپوش ۇنچە سى درسم، نه اولار؟

پرده سىز، بىرنظر اى گول سنی گورسم، نه اولار

سن کرامات شاھى سان من گۈچىرى بىردرؤپش

کور كومو بىر گەجە در گاھىنە سرسم، نه اولار؟

## ۵) صرف فعل به شکل امری:

فعل امری با ویژگی خاص زیر به کارگرفته می‌شود؛ با این مفهوم که پسوند صرفی فعل امری، علامت زمان به خود نمی‌گیرد.

فعل امری برای دوم شخص مفرد بدون پسوند به کارگرفته می‌شود و حرف صدادار پسوند امری برای دوم شخص جمع با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ به کارگرفته می‌شود. مثال:

فرمول اول: (با سه حرف: i ، e ، ə)

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «e» ختم شود، به شکل زیر در فرم امری برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

فعل امری برای اول	biz gələk	گله ک	بیز	mən gəlim	من	گلیم
شخص جمع با هماهنگی	siz gəlin	گلین	سیز	sən gəl	سن	گل
کوچک صرف می‌شود.	onlar gəlsinlər	گلسینلر	اونلار	o gəlsin	او	گلسین

- به افعال زیر نیز توجه کنید، که آنها برای اول شخص جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند:

گلک، آکک، سرک، آمک، دَرَك، بِيچُك، آیاک، دَلَك و ...

- در رابطه با به کارگیری فعل امری برای سوم شخص مفرد، به شعر زیر توجه کنید:  
شاه اسماعیل (تالیف: علی تبریزی):

بیزیم بُو مجلسه درد و غمه دُولان گلسین بوتون غمین اوْنودوب گولمک آختاران گلسین

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «e» ختم می‌شود:

biz gedək	بیز گندک	mən gedim	من گندیم	فعل امری برای دوم
siz gedin	سیز گندین	sən ged...	سن گند...	شخص مفرد بدون
onlar gedsinlər	اونلار گندسینلر	o gedsin	او گندسین	پسوند صرف می‌شود.

توجه: فعل «گند» برای دوم شخص مفرد و برای سوم شخص مفرد و جمع به شکل «گئت»

نیز صرف می شود. مثال:

سن گئت (گئد) *sən get* ، او گئتسین *o getsin* ، اونلار گئتسینلر. و ...

- به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد و جمع نیز توجه کنید:

من گئدیم	<i>gedim</i>	دئیم	<i>deyim</i>	ئائدیم	<i>edim</i>	وئریم	<i>verim</i>	ئییم ،
بیز گئدک	<i>gedək</i>	دئیک	<i>deyək</i>	ئائدک	<i>edək</i>	وئرک	<i>verək</i>	ئییک و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

فعل امری برای اول شخص جمع با هماهنگی کوچک (ək) صرف می شود.	<b>biz</b> <i>eşidək</i> ائشیدەك <b>siz</b> <i>eşidin</i> سیز ائشیدین <b>onlar</b> <i>eşidsinlər</i> اونلار ائشیدسینلر	<b>بیز</b> ائشیدەك <b>سیز</b> ائشیدین <b>او</b> ائشیدسین	<b>mən</b> <i>eşidim</i> من ائشیدیم <b>sən</b> <i>eşid...</i> سن ائشید... <b>o</b> <i>eşidsin</i> او ائشیدسین
--	--	--	---

توجه: فعل مذکور برای دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد و جمع به شکل «ائشیت» نیز به کار گرفته می شود: سن ائشیت، او ائشیتیں، اونلار ائشیتیںلر و ...

- اگر آخرین حرف صدادار فعلی با آهنگ بالائی و با یکی از سه حرف «ا، e، ə» باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تعزیه می شود:

ضمایر شخصی		ضمایر افعال			علامت فعل امری		پسوند صرفی فعل امری و فرم هماهنگی آن	
<i>mən</i>		<i>gəl</i>	<i>ged</i>	<i>sil</i>	<i>im</i>			با هماهنگی بزرگ صرف می شود.
<i>sən</i>		<i>gəl</i>	<i>ged</i>	<i>sil</i>		<i>....</i>		این پسوند صرفی بدون علامت
<i>o</i>		<i>gəl</i>	<i>ged</i>	<i>sil</i>		<i>sin</i>		با هماهنگی بزرگ صرف می شود.
<i>biz</i>	{	<i>gəl</i>	<i>ged</i>	<i>sil</i>		<i>ək</i>		با هماهنگی کوچک صرف می شود.
<i>siz</i>		<i>gəl</i>	<i>ged</i>	<i>sil</i>		<i>in</i>		با هماهنگی بزرگ صرف می شود.
<i>onlar</i>		<i>gəl</i>	<i>ged</i>	<i>sil</i>		<i>sinlər</i>		با هماهنگی بزرگ صرف می شود.

- در رابطه با صرف فعل امری برای اول شخص جمع به شعر زیر توجه کنید:

سلیمان رستم: گئدە ل دوستلار، گئدە ل هئی آخین - آخین، دشمنی تبریزه قویماياق ياخين.

## فرمول دوم: (دو حرف «ت، ئ»)

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف «ت، ئ» باشد، به شکل زیر در فرم امری به کار گرفته می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف «ئ» می‌باشد:

فعل امری برای اول شخص جمع با همانگی کوچک (۸۹) صرف می‌شود.	biz görək siz görün onlar görsünlər	بیز گُوراک سیز گُورون اوْنلار گُورسونلر	mən görüm sən gör.. o görsün	من گُوروم سن گُور... اوْ گُورسون
---	---	---	------------------------------------	--

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ت» ختم می‌شود:

biz gülək siz gülün onlar gülsünlər	بیز گُولک سیز گُولون اوْنلار گُولسونلر	mən gülüm sən gül ... o gülsün	من گولوم سن گول ... اوْ گولسون	فعل امری برای دوم شخص مفرد بدون پسوند صرف می‌شود.
---	--	--------------------------------------	--------------------------------------	---

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ریشه افعال		علامت فعل امری		پسوند صرفی فعل امری و فرم همانگی آن		
mən	döz	düş	üm				با همانگی بزرگ صرف می‌شود
sən	döz	düş	....				پسوند صرفی بدون علامت
o	döz	düş	sün				با همانگی بزرگ صرف می‌شود
biz	döz	düş	ək				با همانگی کوچک صرف می‌شود
siz	döz	düş	ün				با همانگی بزرگ صرف می‌شود
onlar	döz	düş	sünlər				با همانگی بزرگ صرف می‌شود

- در رابطه با به کار گیری فعل امری برای سوم شخص مفرد به شعر زیر توجه کنید:

جانا سانا (سنه) شکایت نه سؤیله بیم

چون یۇخدور اول حکایته پایان نه سؤیله بیم

### فرم سوم: ( با دو حرف «ا ، ا » )

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz alaq	آلاق	بیز	mən alım	من آليم	فعل امری برای دوم
siz alın ...	سیز آلین...		sən al ...	سن آل...	شخص مفرد بدون
onlar alsınlar	اونلار آلسین لار		o alsın	او آلسین	پسوند صرف می شود.

من قالیم، من يالیم، من قاچیم، من يازیم، من قازیم و...

- در رابطه با به کارگیری فعل امری برای اول شخص مفرد به اشعار زیر توجه کنید:  
اظهر: آجیخلی با خاما منه گؤزلرین قاداسین آليم

دانیش منیله، سئوزوندن او ره ک غذاسین آليم

حقانی شیروانی:

شاعرم چونکى وظيفه م بُودور اشعار يازيم  
گوردو گوم نيك و بدی ايلسيوم اظهار يازيم  
گونى پارلاق، گنوزى آغ، گنجه نى تاريمازيم  
پيسىپيس، اگرینى گژى، دوزى هموار يازيم

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ا » ختم می شود:

فعل امری برای اول شخص	biz sixaq	سیخاق	بیز	mən sixim	من سیخیم
جمع با همانگی کوچک	siz sixin	سیخین	سیز	sən six ...	سن سیخ...
(aq) به کارگرفته می شود.	onlar sixsınlar	سیخسینلار	او	o sixsin	او سیخسین

- به صرف افعال زیر نیز توجه کنید:

من قالیم mən qalım ، ياخیم، باخیم ، بیغیم، قیلیم. سن قال sən qal ، ياخ yax ، قیل، قال  
او قیلسین qılsın ، دۇلسون dolsun ، يۇلسون yolsun. بیز قیلاق biz qılaq ، بیغاق، بیخاق،  
قیراق، دۇلاق dolaq ، سۇراق، دۇناق. سیز اوتون siz utun ، دۇرون، قیرین، قالین، بیغین.  
اونلار قیلسین لار، دۇلسونلار، يازسینلار و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « ا ، a »

باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند صرفی فعل امری و فرم هماهنگی آن	علامت فعل امری	ریشه افعا	ضمایر شخصی	mən	sən	o	biz	siz	onlar
با هماهنگی بزرگ	im	yığ	al	al	.....	{sin	aq	in	sınlar
بدون پسوند صرفی	.....	yığ	dan	al	.....			in	
با هماهنگی بزرگ	{sin	yığ	qır	dan	.....				
با هماهنگ کوچک	aq	yığ	al	qır	.....				
با هماهنگی بزرگ	in	yığ	al	al	.....				
با هماهنگی بزرگ	sınlar	yığ	dan	dan	.....				

دوم شخص مفرد پسوند صرفی ندارد.

#### فرمول چهارم:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « u » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	bulaq	بُولاق	بیز	mən	bulum	من بُولوم	فعل امری برای دوم
siz	bulun	بُولون	سیز	sən	bul ...	سن بُول ...	شخص مفرد بدون پسوند
onlar	bulsunlar	بُولسونلار	اونلار	o	bulsun	اُف بُولسون	به کارگرفته می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « o » ختم می‌شود:

فعل امری برای اول شخص	biz	olaq	اُلاق	بیز	mən	olum	من اُلوم
جمع با هماهنگی کوچک (aq)	siz	olun	اُلون	سیز	sən	oi ...	سن اُل ...
	onlar	olsunlar	اُلسانلار	اونلار	o	olsun	اُف اُلسون

- در رابطه با به کارگیری فعل امری برای سوم شخص مفرد، به شعر زیر توجه کنید:

شعری از میرزا (از کتاب عشق حدیث):

DAGIN DASHIN ÇSHME OLSUN BAG AOLSUN AGAJ AOLSUN BASTAN AOLSUN TAG AOLSUN.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « o, u » باشد،

به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

فرم هماهنگی پسوند فعل امری با اصول زیر است.	پسوندباهمانگی بزرگ صرف می‌شود.	پسوندباهمانگی بدون پسوند صرف می‌شود.	پسوندباهمانگی بزرگ صرف می‌شود.	با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.	پسوندباهمانگی بزرگ صرف می‌شود.	پسوندباهمانگی بزرگ صرف می‌شود.
ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	پسوند صرفی			
mən		sor dur	um			پسوندباهمانگی بزرگ صرف می‌شود.
sən		sor dur	, , ,			بدون پسوند صرف می‌شود.
o	{	sor dur	sun	{		پسوندباهمانگی بزرگ صرف می‌شود.
biz	{	sor dur	aq	{		با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.
siz		sor dur	un			پسوندباهمانگی بزرگ صرف می‌شود.
onlar		sor dur	sunlar			پسوندباهمانگی بزرگ صرف می‌شود.

در رابطه با فعل امری به صرف افعال زیر نیز توجه کنید:

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد، در صرف برای اول شخص مفرد و همانا برای اول و دوم شخص جمع با حرف تکمیلی «y» به کار گرفته می‌شود. مثال:
- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی می‌باشد:

فعل امری برای اول شخص مفرد و برای اول و دوم شخص جمع نیز با حرف تکمیلی y صرف می‌شود.	biz yeyək      بیز بیئ یک	من بیئ بیم
	siz yeyin      سیز بیئ بین	سن بیئ ye
	onlar yesinlər اوْنلار بیسین لر	اوْ بیسین yesin

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد:

biz yuyaq	بیز بیوْیاق	mən yuyum	من بیوْیوم	فعل امری برای دوم شخص مفرد بدون پسوند صرف می‌شود.
siz yuyun	سیز بیوْیون	sən yu	سن بیوْ	
onlar yusunlar	اوْنلار بیوْسونلار	o yusun	اوْ بیوْسون	

- در رابطه با نحوه به کار گیری فعل امری و به کار گیری حرف اضافی «y» به شعر

زیر توجه کنید: جانا سانا (سنه) شکایت نه سؤیله بیم

چون بیوْخدور اوْل حکایته پایان نه سؤیله بیم

برای تشخیص دادن پسوندهای افعال در زمان حال، آینده نزدیک و فرم امری، به جدول زیر توجه کنید، که آنها در کنار هم صرف می‌شوند:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با پسوندهای متفاوت

برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

ضمایر شخصی		صرف فعل در آینده نزدیک			صرف فعل در زمان حال			صرف فعل امری	
mən		gəl	ər	{	əm	gəl	ir	im	
		gəl	ər		sən	gəl	ir	...	
		gəl	ər		(dir)	gəl	ir	sin	
	{	gəl	ər		ik	gəl	ir	ək	
		gəl	ər		siniz	gəl	ir	in	
		gəl	ər		dirlər	gəl	ir	sinlər	

به پسوندهای مختلف افعال مذکور توجه کرده و آنها را با یکدیگر مقایسه کنید و به خاطر بسپارید.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر در سه فرم برای ضمایر

شخصی صرف می‌شوند:

ضمایر شخصی		صرف فعل در آینده نزدیک			صرف فعل در زمان حال			صرف فعل در فرم امری	
mən		qoy	ar	{	am	soy	ur	um	
		qoy	ar		san	soy	ur	...	
		qoy	ar		(dir)	soy	ur	sun	
	{	qoy	ar		ıq	soy	ur	aq	
		qoy	ar		sınız	soy	ur	un	
		qoy	ar		lar	soy	ur	sunlar	

به پسوندهای مختلف افعال مذکور توجه کرده و آنها را با یکدیگر مقایسه کنید و به خاطر بسپارید.

توجه: فعل امری بر عکس سایر افعال بدون علامت زمان صرف می‌شود. مثال:

آل، قال، بخ، دیغ، سؤل، یول، قور، دۇر و ...

## ۶) صرف فعل در آینده دور:

فعل آینده دور، فعلی است که به وسیله ریشه فعل با علامت « acaq » ساخته می‌شود. حروف صدادار علامت آینده وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است که با هماهنگی کوچک به کار گرفته شده و به وسیله فعل « ایمک » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. به عبارت دیگر، اگر آخرین حرف صدادار ریشه فعل با آهنگ پائینی ( a, i, o, u ) باشد، پسوند آن تبدیل به « آjacاق » می‌گردد؛ ولی اگر آخرین حرف صدادار ریشه فعل با آهنگ بالائی ( e, ü, ö ) باشد، پسوند آن تبدیل به « آجك » می‌گردد:

یک فرم ( با پسوند **əcək** ):

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف « e, ü, ö, i, a » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم می‌شود:

biz gələcəyik	بیز گله جه بیک	mən gələcəyəm	من گله جیم
siz gələcəksiniz	سیز گله جک سینیز	sən gələcəksən	سن گله جکسَن
onlar gələcəklər	اونلار گله جکلر	o gələcək	او گله جک

توجه: حرف « k » در بین دو حرف صدادار به حرف « i » تبدیل می‌شود.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » باشد، به شرح زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gedəcəyik	بیز گنده جه بیک	mən gedəcəyəm	من گنده جیم
siz gedəcəksiniz	سیز گنده جک سینیز	sən gedəcəksən	سن گنده جکسَن
onlar gedəcəklər	اونلار گنده جکلر	o gedəcək	او گنده جک

من ائده چیم، سن ائده جک سن، او ائده جه اک، بیز ائده جه بیک و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz içəcəyik	ایچه جه بیل	بیز	mən içəcəyəm	من	ایچه جَيَم
siz içəcəksiniz	ایچه جکسینیز	سیز	sən içəcəksən	سن	ایچه جکسن
onlar içəcəklər	اونلار ایچه جکلر	اوْنلار	o içəcək	اوْ	ایچه جك

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ة» ختم می‌شود:

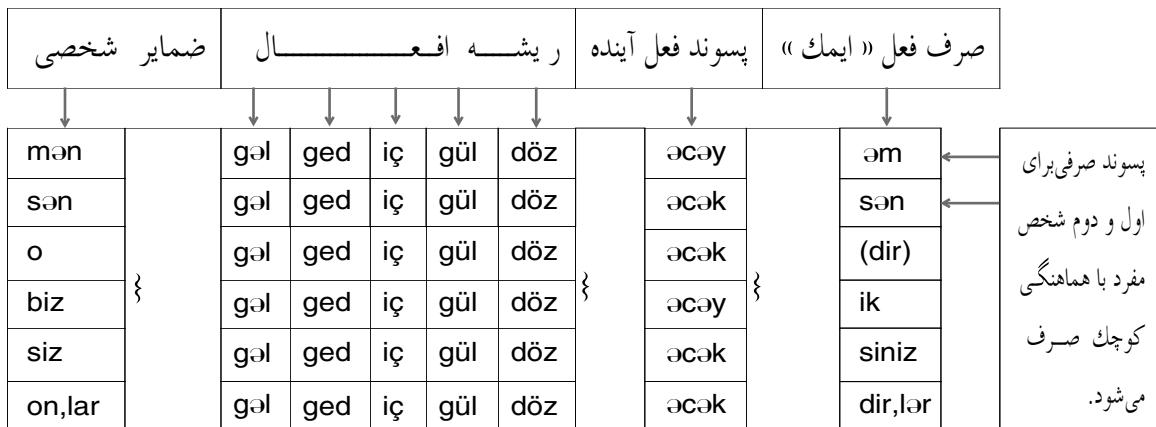
biz görəcəyik	گۈرە جە يىك	بىز	mən görəcəyəm	گۈرە جىم	من
siz görəcəksiniz	گۈرە جىكسىنiz	سيز	sən görəcəksən	گۈرە جىكسەن	سن
onlar görəcəklər	گۈرە جىكلەر	اونلار	o görəcək	گۈرە جك	او

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ت» ختم می‌شود:

biz	güləcəyik	گوله جه بیک	بیز	mən	güləcəyəm	گوله جیم	من
siz	güləcəksiniz	گوله جکسینیز	سیز	sən	güləcəksən	گوله جکسن	سن
onlar	güləcəklər	گوله جکلر	اونلار	o	güləcək	گوله جاک	او

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های

مختلف تجزیه می شود:



توجه: اگر در صرف، حرف «k» در بین دو حرف صدادار قرار گیرد، به حرف «y» تبدیل

گله جک: من گله جیم، بیز گله جه ییک و... می گردد. مثال:

- در رابطه با به کار گیری پسوند «اچک» به اشعار زیر توجه کنید:

علی واحد: اولکه مین سئوگیلی، شفقلی، گؤزل بیر قیزی سان

گلچك نسلیمین. آن پارلایحی اولدوزو سان

گینه قلبیمده خیالین « مله کیم » نور ساچاسان طالع

یم یو کسلچك، گؤیلرہ ظلمت قاچاجاق

دو فرم ( با پسوند acaq ) :

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف « a, i, o, u » باشد ، به شکل زیر به کار گرفته می شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	alacağıq	آلاجاغیق	بیز	mən	alacağam	من آلاجاغام
siz	alacaqsınız	آلاجاقسینیز	سیز	sən	alacaqsan	سن آلاجاقسان
onlar	alacaqlar	آلاجاقلار	اونلار	o	alacaq(dır)	او آلاجاق (دیر)

ساتاجاغام ، داناجاغام ، قالاجاغام ، آچاجاغام ، و ..

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « i » ختم می شود:

biz	yığacağıq	ییغاچاغیق	بیز	mən	yığacağam	من ییغاچاغام
siz	yığacaqsınız	ییغاچاقسینیز	سیز	sən	yığacaqsan	سن ییغاچاقسان
onlar	yığacaqlar	ییغاچاقلار	اونلار	o	yığacaq(dır)	او ییغاچاق (دیر)

دیغاچاغام ، سیری یا جاغام ، چیخاجاغام ، قیراجاغام ، جیراجاغام و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « o » ختم می شود:

biz	solacağıq	سو لا جاغیق	بیز	mən	solacağam	من سو لا جاغام
siz	solacaqsınız	سو لا جاقسینیز	سیز	sən	solacaqsan	سن سو لا جاقسان
onlar	solacaqlar	سو لا جاقلار	اونلار	o	solacaq	او سو لا جاق (دیر)

دوراجاغام ، دو لا جاغام ، دوناجاغام ، یو ناجاغام و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	utacağıq	أُتاجاغیق	بیز	mən	utacağam	من اُتاجاغام
siz	utacaqsınız	أُتاجاقسینیز	سیز	sən	utacaqsan	سن اُتاجاقسان
onlar	utacaqlar	أُتاجاقلار	اونلار	o	utacaq(dır)	او اُتاجاق(دیر)

من دُراجاغام، من قُروجاغام، بُلاجاغام و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار « a,i,o,u » باشد، به شرح زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ال					ریشه افع	علامت فعل آینده دور	پسوند صرفی	حرف صدادار
mən	{	qal	yığ	sor	dur	qur	acağ	am	ضمایر متصل
sən		qal	yığ	sor	dur	qur	acaq	san	شخصی و استه
o		qal	yığ	sor	dur	qur	acaq	(dır)	به کلمات ما
biz		qal	yığ	sor	dur	qur	acağ	ıq	قبل خود است.
siz		qal	yığ	sor	dur	qur	acaq	sınız	
on,lar		qal	yığ	sor	dur	qur	acaq	dır,lar	

این چهار پسوند زیرین با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.

توجه: آخرین حرف علامت آینده ( acaq ) حرف « ق q » است که در صرف بین دو

حرف صدادار قرار گرفته و به حرف « غ ğ » تبدیل می‌گردد. مثال:

قالماق: من قالاجاغام، بیز قالاجاغیق. دُراجاغام و ...

در رابطه با صرف فعل آینده دور به مطالب زیر نیز توجه کنید:

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد و در زمان آینده نزدیک صرف شود، ما بین پسوند آینده نزدیک و پسوند صرفی یک حرف تکمیلی « u » افروده می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف می شود:

biz	üşüyəcəyik	اوشویه جه بیك	biz	uşüyəcəyəm	من اوشویه جیم
siz	üşüyəcəksiniz	اوشویه جك سینيز	sən	uşüyəcəksən	سن اوشویه جكسن
onlar	üşüyəcəklər	اونلار اوشویه جكلر	o	uşüyəcək	ا اوشویه جك

- آخرین حرف علامت آینده ( *əcək* ) در صرف، بین دو حرف صدادار قرار گرفته و به حرف « *u* » تبدیل می شود. مثال:

من دَيْهِ جَيْمٌ ، يَئِيهِ جَيْمٌ ، الَّهُ يَهِ جَيْمٌ ، اُوْشُويهِ جَيْمٌ ، بَلَهُ يَهِ جَيْمٌ وَ... .

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد، به شکل زیر در زمان آینده دور برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

صرف فعل ایمک	پسوند آینده دور	حرف تکمیلی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
əm	əcəy	y	şəri	mən
sən	əcək	y	şəri	sən
(dir)	əcək	y	şəri	o
ik	əcəy	y	şü	{ biz
siniz	əcək	y	şü	{ siz
lər	əcək	y	şü	onlar

حروف صدادار  
ضمایر متصل  
شخصی وابسته  
به کلمات ماضی  
قبل خود است.

من الله يه جه يم، يئيه جه يم، سرييه جه يم، او شويه جه يم و ...

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ پائینی و با حرف « u » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	oxuyacağıq	اوْخوياجاغيق	بىز	mən	oxuyacağam	من اوْخوياجاغام
siz	oxuyacaqsınız	اوْخوياجاقسىنiz	سиз	sən	oxuyacaqsan	سن اوْخوياجاقسان
onlar	oxuyacaqlar	اوْنلار اوْخوياجاقلار	اونلار	o	oxuyacaq	اوْ اوْخوياجاق

من تۈنخويجاڭام ، قۇرويياجاڭام ، بۇرۇيياجاڭام و ...

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و یا آهنگ یائینه باشد، به شکایت زیر همراه حرف تکمیلی

(y) صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

صرف فعل ایمک	علامت زمان آینده دور	حرف تکمیلی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
am	acağ	y	qala quru	mən
san	acaq	y	qala quru	sən
(dir)	acaq	y	qala quru	o
ıq	acağ	y	qala quru	{ biz
sınız	acaq	y	qala quru	siz
dırlar	acaq	y	qala quru	onlar

علامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

حروف صدادار  
ضمیر اول و دوم  
شخص مفرد با  
همانگی کوچک  
صرف می‌شود.

- در مواردی در صرف بعضی از کلمات، یکی از حروف صدادار آنها را تغییر می‌دهند. یعنی به جای صرف حرف « a ، e » از حرف « ı ، i » استفاده می‌کنند. برای مثال به صرف حرف صدادار این کلمات « qala ، ye ، de » در دو جدول زیر توجه کنید که حرف « e ، e »، به حرف « a » و حرف « i » به حرف « ı » تغییر شکل داده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

پسوند صرفی	علامت زمان آینده دور	حرف تکمیلی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
am	acağ	y	qalı	mən
san	acaq	y	qalı	sən
(dir)	acaq	y	qalı	o

آخرین حرف صدادار این سه کلمه با آهنگ پائینی است.

پسوند صرفی	علامت زمان آینده دور	حرف تکمیلی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
əm	əcəy	y	y i d i əl i	mən
sən	əcəy	y	y i d i əl i	sən
dir	əcəy	y	y i d i əl i	o

آخرین حرف صدادار این سه کلمه با آهنگ بالائی است.

- با وجودی که حرف صدادار کلمات مذکور تغییر شکل می‌دهند، ولی به درستی فهمیده می‌شوند. اما بهتر است که آنها به شکل اصلی خود صرف شوند.

### - تغییر حرف ریشه فعل:

در زبان ترکی آذربایجان پنج فعل موجود است که در موارد کمی به دو شکل مختلف صرف می‌شوند، که در یکی از این دو صرف، یکی از حروف آنها به اشکال زیر تغییر داده می‌شود:

یک ) « بئ ye » ( از مصدر یئمک):

فعل « بئ ye »، در مواردی به دو فرم به کارگرفته می‌شود:

- فعل « بئ » در آینده نزدیک در فرم اصلی خود به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz yeyərik	بئز یئیریک	mən yeyərəm	من یئیرم
siz yeyərsiniz	سیز یئیرسینیز	sən yeyərsən	سن یئیرسن
onlar yeyərlər	اونلار یئیرلر	o yeyər	او یئیر

- فعل « بئ ye » ، در فرم « بئ yi » نیز به کارگرفته شده و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz yiyərik	بئز بئریک	mən yiyərəm	من بئرم
siz yiyərsiniz	سیز بئرسینیز	sən yiyərsən	سن بئرسن
onlar yiyərlər	اونلار بئرلر	o yiyər	او بئر

فعل « بئ ye » ، در زمان آینده دور به دو فرم زیر به کارگرفته می‌شود:

- فعل « بئ ye » ، در زمان آینده دور به شرح زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz yeyəcəyik	بئز یئیه جییک	mən yeyəcəyəm	من یئیه جییم
siz yeyəcəksiniz	سیز یئیه جکسینیز	sən yeyəcəksən	سن یئیه جکسن
onlar yeyəcəklər	اونلار یئیه جکلر	o yeyəcək	او یئیه جل

- فعل « بئ ye » در مواردی، در صرف برای زمان آینده دور به شکل « بئ، yi، ye » نیز برای

ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	yiyəcəyik	بیز	بیز	mən	yiyəcəyəm	من بیز
siz	yiyəcəksiniz	سیز	سیز	sən	yiyəcəksən	سن سیز
onlar	yiyəcəklər	اونلار	بیز	o	yiyəcək	او بیز

دو) فعل « دئ de »: ( از مصدر دائم )

فعل « دئ de »، در مواردی به دو شکل زیر به کار گرفته می شود:

- فعل « دئ de » ، در زمان آینده نزدیک به شکل زیر صرف می شود:

biz	deyərik	بیز	دئیریک	mən	deyərəm	من دئیرم
siz	deyərsiniz	سیز	دئیرسینیز	sən	deyərsən	سن دئیرسن
onlar	deyərlər	اونلار	دئیرلر	o	deyər	او دئیر

- فعل « دئ de » ، در صرف برای آینده نزدیک به شکل « دئ di » نیز برای ضمایر شخصی

صرف می شود:

biz	diyərik	بیز	دییریک	mən	diyərəm	من دییرم
siz	diyərsiniz	سیز	دییرسینیز	sən	diyərsən	سن دییرسن
onlar	diyərlər	اونلار	دییرلر	o	diyər	او دییر

- فعل « دئ de »، در زمان آینده دور به شکل زیر در فرم اصلی خود صرف می شود:

biz	deyəcəyik	بیز	دئیه جیيك	mən	deyəcəyəm	من دئیه جیيم
siz	deyəcəksiniz	سیز	دئیه جکسینیز	sən	deyəcəksən	سن دئیه جکسنسن
onlar	deyəcəklər	اونلار	دئیه جکلر	o	deyəcək	او دئیه جک

من آله يه جه يم ( اله جييم ) ، من بله جه يم، من مله جه يم و ...

- فعل « دئ de »، در زمان آینده دور به شکل « دئ di » نیز به کار گرفته شده و به شرح زیر

برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	diyəcəyik	دی یه جیick	بیز	mən	diyəcəyəm	من دی یه جیم
siz	diyəcəksiniz	دی یه حکسینیز	سیز	sən	diyəcəksən	سن دی یه حکسن
onlar	diyəcəklər	اونلار دی یه حکلر	او نلار	o	diyəcək	او دی یه حک

من دی یه حیم ، من بی یه جه یم و ...

سه) فعل «گند ged»: (از مصدر گندماک)

فعل «گند»، به شکل «گئت» نیز به کار گرفته می شود:

- فعل «گند»، در فرم امری به شکل «گئت» نیز صرف می شود:

biz	gedək	گندک	بیز	mən	gedim	من گندیم
siz	gedin	گندین	سیز	sən	get	سن گئت
onlar	getsinlər	گتسینلر	او نلار	o	getsin	او گتسین

من ائدیم، سن ائد، او ائد سین، بیز ائدک و ...

- فعل «گند» در نفی فرم امری به شکل «گئت» نیز صرف می شود:

biz	getmirik	گتمیریك	بیز	mən	getmirəm	من گتمیرم
siz	getmirsiniz	گتمیرسینیز	سیز	sən	getmirsən	سن گتمیرسن
onlar	getmirlər	گتمیرلر	او نلار	o	getmir	او گتمیر

به شکل «گند»: من گندیم ، من گندیرم ، من گندیرس ، او گندیر

به شکل «گئت»: من گنتدیم ، من گنتدین ، من گنتدین ، او گنتدی

به شکل «گند»: من گنده جیم ، من گنده جک ، من گنده جکس ، او گنده جک

به شکل «گئت»: من گتمه یه جیم ، من گتمه یه جکس ، من گتمه یه جک

چهار) فعل «ائت» (از مصدر ائتمک):

فعل «ائد ed»، در مواردی به شکل «ائت et» نیز به کار گرفته می شود. مثال:

- فعل در زمان حال به شکل « ائد ed » صرف می شود:

biz edirik	بیز ائدیریک	mən edirəm	من ائدیرم
siz edirsiniz	سیز ائدیرسینیز	sən edirsən	سن ائدیرسن
onlar edirlər	اونلار ائدیرلر	o edir	او ائدیر

- فعل در نفی زمان حال به شکل « ائت et » نیز به کارگرفته می شود:

biz etmirik	بیز ائتمیریک	mən etmirəm	من ائتمیرم
siz etmirsiniz	سیز ائتمیرسینیز	sən etmirsən	سن ائتمیرسن
onlar etmirlər	اونلار ائتمیرلر	o etmir	او ائتمیر

پنج ) فعل « ائشید »: ( از مصدر ائشیدمک ، ائشیتمک )

فعل « ائشید » به شکل « ائشیت eşit » نیز به کارگرفته می شود:

- فعل « ائشید eşid » در زمان حال به شکل زیر صرف می شود:

biz eşidirik	بیز ائشیدیریک	mən eşidirəm	من ائشیدیرم
siz eşidirsiniz	سیز ائشیدیرسینیز	sən eşidirsən	سن ائشیدیرسن
onlar eşidirlər	اونلار ائشیدیرلر	o eşidir	او ائشیدیر

من ائشیدیرم، سن ائشیدیرسن، او ائشیدیر و ...

- نفی فعل در زمان حال به شکل « ائشیت eşit » نیز صرف می شود:

biz eşitmırık	بیز ائشیتمیریک	mən eşitmırəm	من ائشیتمیرم
siz eşitmirsınız	سیز ائشیتمیرسینیز	sən eşitmirsən	سن ائشیتمیرسن
onlar eşitmirlər	اونلار ائشیتمیرلر	o eşitmır	او ائشیتمیر

من ائشیدیدم ( من ائشید دیم )، سن ائشید دین( سن ائشیدین ) و ...

توجه: در جدولهای مذکور نفی فعل و یا فرم نفی امری به کارگرفته شده است که منظور از

آنها نشان دادن صرف نفی فعل نبوده بلکه نشان دادن دگرگونی افعال بوده است.

صرف نفی و یا صرف فرم امری فعل در بخشهای مربوطه در زیر همین کتاب صرف شده اند.

## ۷) فعلِ فاعلیتِ صفتی:

- کلمه و یا فعل فاعلیت صفتی، کلمه‌ای است که در جمله مفهوم فعل، فاعل و صفت را در خود منعکس می‌کند. این کلمه از ترکیب ریشه فعل و علامت فاعلیت صفتی (an) به وجود می‌آید. حرف صدادار علامت و پسوند آن وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است، که با هماهنگی کوچک (ən, an) صرف می‌شود. مثال:

گلن gələn : (کسی که می‌تواند بیاید. کسی که قادر است بیاید. آن کسی که می‌آید.)

آلان alan : (کسی که می‌تواند بگیرد. کسی که قادر است بگیرد. آن کسی که می‌گیرد.)

- این فعل به شکل زیر در جای اسم، فعل و صفت صرف می‌شود:

به شکل اسم: بُورا يَا گلن، كِيم دِير؟ (آن کسی که به اینجا آمد، کیست?)

(buraya gələn,haralıdır?)

بُو كِيتابي گورن، او نو او خويار. (bu kitabı görən , onu oxuyar.)

(فعل فاعلیت صفتی به عنوان اسم در بخش حالت‌های تصریفی صرف می‌شود.)

به شکل صفت: من وُراغان قُوزونو ساتديم. (mən vurağan quzunu satdım.)

من او قاپاغان ايئى آزديرم. (mən o qapağan iti azdırıdım.)

به شکل فعل: تبريزه گىلن قىز، گىرى دۇندو. (آن دختری که به تبریز رفته بود، برگشت.)

سن گىلندىن، من بُورادايام. (از موقعی که تو آمدی ، من اینجا هستم.)

- فعل فاعلیت صفتی با خصوصیات مذکور، در چهار فرم مختلف صرف می‌شود:

يعنى يك بار به وسیله فعل «ايملک» براي ضمایر شخصی صرف شده و سه بار ديگر نيز با پسوندهای

مختلف ديگر به افعال جدیدی تبدیل شده و به اشكال گوناگون زیر به کار گرفته می‌شود:

الف) نحوه صرف «فعل فاعلیت صفتی» به عنوان فعل، اسم و صفت به شکل زیر به کمک

فعل «ايملک» براي ضمایر شخصی صرف می‌شود:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با يكى از اين چهار حرف «a, i, o, u»

باشد، به اشكال زیر براي ضمایر شخصی صرف می‌شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم می شود:

biz alaniq	بیز آلانیق	mən alanam	من آلانام	پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با همانگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با همانگی بزرگ صرف می شود.
siz alansınız	سیز آلانسینیز	sən alansan	سن آلانسان	
onlar alandırlar	اونلار آلاندیرلار	o alandır	او آلاندیر	

۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ۱ » ختم می شود:

biz yiğaniq	بیز بیغانیق	mən yiğanam	من بیغانام
siz yiğansınız	سیز بیغانسینیز	sən yiğansan	سن بیغانسان
onlar yiğandırlar	اونلار بیغاندیرلار	o yiğandır	او بیغاندیر

- با وجودی که کلمات مذکور به عنوان فعل صرف می شوند، ولی خصوصیات اسمی و وصفی خود را نیز حفظ می کنند.

۵) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ۵ » ختم می شود:

biz pozanıq	بیز پوزانیق	mən pozanam	من پوزانام
siz pozansınız	سیز پوزانسینیز	sən pozansan	سن پوزانسان
onlar pozandırlar	اونلار پوزاندیرلار	o pozandır	او پوزاندیر

- فعل فاعلیت صفتی بدون علامت زمان است، ولی مفهوم زمان گذشته، حال و آینده را در خود بیان می کند.

۶) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « u » ختم می شود:

biz oxuyanıq	بیز اوخويانيق	mən oxuyanam	من اوخويانام
siz oxuyansınız	سیز اوخويانسینیز	sən oxuyansan	سن اوخويانسان
onlar oxuyandırlar	اونلار اوخوياندیرلار	o oxuyandır	او اوخوياندیر

توجه: فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد ( مثل: « o x u »)، در صرف یک حرف تکمیلی « y » به خود می گیرد.

افعالی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	علامت فاعلیت صفتی	پسوند صرفی		
mən		al	yıx	an	am	صرف فعل برای اول و دوم شخص
sən		al	yıx	an	san	فرد با همانگی کرچک و برای
o		al	yıx	an	(dır)	{ سایر ضمایر شخصی با همانگی
biz	{	al	yıx	an	ıq	
siz		al	yıx	an	sınız	
onlar		al	yıx	an	dırlar	بزرگ صرف می شود.

(ب) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف (ü, ö, e, i, ð) باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

۴) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ه» ختم می‌شود:

biz	gələnik	گله نیک	بیز	mən	gələnəm	من گلنم
siz	gələnsiniz	گلن سینیز	سیز	sən	gələnsən	سن گلنسن
onlar	gələndirlər	اونلار گلن دیرلر	او	o	gələndir	او گلن دیر

e) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم می شود:

biz	gedənik	گەدەنیك	بىز	mən	gedənəm	گەدەنەم	من
siz	gedənsiniz	گەدەنسىنىز	سېز	sən	gedənsən	گەدەنسەن	سن
onlar	gedəndirlər	گەندىرلەر	اۇنلار	o	gedəndir	گەندىر	او

۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ا » ختم می‌شود:

biz içənik	ایچه نیک	بیز	mən içənəm	من	ایچه نَم
siz içənsiniz	ایچه نسینیز	سیز	sən içənsən	سن	ایچن سَن
onlar içəndirlər	ایچه ندیرلر	اونلار	o içəndir	او	ایچه ندیر

۶) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» باشد، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz görənik	گۈرە نىك	بىز گۈرە نىك	mən görənəm	من گۈرە نم
siz görənsiniz	گۈرە نسييىز	سيز گۈرە نسييىز	sən görənsən	سن گۈرە نسَن
onlar görəndirlər	گۈرە ندىرلر	اۇنلار گۈرە ندىرلر	o görəndir	او گۈرە ندىر

- من گورنم: من کسی هستم که می‌توانم بیینم. (من می‌توانم بیینم).

ن) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ت» می‌باشد:

biz	gülənik	گوله نیک	بیز	mən	gülənəm	گوله نَم	من
siz	gülənsiniz	گوله نسینیز	سیز	sən	gülənsən	گوله نسن	سن
onlar	güləndirlər	گوله ندیرلر	اوْنلار	o	güləndir	گوله ندیر	اوْ

من دوزنم، من سوزه نم، من اوژه نم، من بوزه نم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد ، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ال افعی ریشه					علامت فاعلیت صفتی		پسوند صرفی
mən	gəl	ged	iç	gül	döz	{	ən	{
sən		ged	iç	gül	döz		ən	
o		ged	iç	gül	döz		ən	
biz		ged	iç	gül	döz		ən	
siz		ged	iç	gül	döz		ən	
on,lar		ged	iç	gül	döz		ən	
							در صرف این فعل، پسوند صرف (دیر) برای سوم شخص فرد به کار گرفته نمی شود	

من سئونم، من آزنم، من سوزنم، من اوپه نم و...:

ث) فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ بالائی و با یکی از این چهار حرف «ت، ن، ا،

۶) « باشد، به آن یک حرف تکمیلی، «y» اضافه شده و به شکار زیر پرای ضمایر شخصی

صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعـال	ریشه افعـال	حروف تکمیلی	علامت فاعلیت صفتی	پسوند صرفی	
mən		ələ	ye	səri	üşü	y
sən		ələ	ye	səri	üşü	y
o		ələ	ye	səri	üşü	y
biz	{	ələ	ye	səri	üşü	y
siz		ələ	ye	səri	üşü	y
on,lar		ələ	ye	səri	üşü	y
						ən
						əm
						sən
						(dir)
						ik
						siniz
						dir,lər

پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

علامت فعل فاعلیت صفتی با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

قاضی ضریر:

- بُدور اول ( او ) گئنلومو یغما ائیله ین جانوم اولسون اونا قوربانوم بنوم ( قوربانیم منیم )
- د) فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعـال	ریشه افعـال	حروف تکمیلی	علامت فعل فاعلیت صفتی	پسوند صرفی	
mən		qala	sırı	toxu	y	an
sən		qala	sırı	toxu	y	an
o	{	qala	sırı	toxu	y	an
biz		qala	sırı	toxu	y	an
siz		qala	sırı	toxu	y	an
onlar		qala	sırı	toxu	y	an
						am
						san
						(dir)
						ik
						siniz
						dirlar

پسوند صرفی برای این چهار پسوند با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

علامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

توجه: - دو حرف صدادار « ئ ، ئى »، حروف صدادار غیر فعالی هستند، که در آخر کلمات

ترکی به کار گرفته نمی‌شوند.

- فعل فاعلیت صفتی، در ترکیب با این سه پسوند ( də , dan , acan ) به سه فعل مختلف جدیدی

تبديل شده و در جملات دو و یا چند مصرعی با ضمیر منفصل شخصی به کار گرفته می‌شود:

## ۸) « فعل در لحظه آغازین کار»:

- « فعل در لحظه آغازین کار»، فعلی است که با مفهوم « در لحظه آغازین کار» و بعضاً نیز با مفهوم « در عین انجام کار » به کارگرفته می شود. چنین فعلی معمولاً در جملات دو بیتی و در مصرع اول صرف می شود. مثال:

در لحظه آغازین کار: او، سنی گورنده، سلام وئردی. او اوغلان سئوگیسین گورنده، سئویندی.

در عین انجام کار: بیز یولدا گلنده، ایکی تصادف گوردوک. بیز یولدا گلنده ، دانیشیردیق.

- فعل «در لحظه آغازین کار» از ترکیب ریشه فعل، علامت فعل فاعلیت صفتی (an) و پسوند اضافی «دا» به وجود می آید و به شکل زیر به بخش‌های مختلف تجزیه می شود:

(۱) گل او و : فعل از مصدر « گلمک » ( فرم امری: بیا )

(۲) آن en : علامت فعل فاعلیت صفتی ( مثل: گلن، ائدن، گورن، گولن و ...)

(۳) ده de : پسوندی که « در آغازین کار» و یا « در عین انجام کار» را بیان می کند.

- فعل « در لحظه آغازین کار» تنها با ضمیر منفصل شخصی به کارگرفته می شود.

فعل « در لحظه آغازین کار » عمدتاً در اولین بیت(مصرع) جملات مرکب به کارگرفته می شود ؛ از اینکه این فعل زمان دقیق کار ( گذشته حال و آینده ) را بیان نمی کند، در نتیجه ( بند جمله ناکامل شده ) باید با کلمه و یا با علامت قید زمانی بیان شود:

لحظه آغازین: - سن گلنده، ساعات آلتی یدی. یاشار گلنده، سلام وئردی. حسن دانیشاند، او سکوردو. قوش او چاندا وورولدو. سن گلنده، من بورادایدیم.

- حسن دونن گلنده، سلام وئردی. او شاق دونن قاچاندا ( قوشاندا ) بیخیلدی.

حسن صباح گلنده، سلام وئرجاک. سن او نو گورنده، اونا سلام وئر.

در عین انجام کار: بیز دونن قطار لا گلنده، قاریاغیردی. بیز یولدا گلنده، نیچه تصادف گوردوک.

توجه: اگر فعل فاعلیت صفتی با پسوند « ده » ترکیب باید ، هم شکل با حالت تصریفی اسم در حالت « در » صرف می شود. مثال:

گلنده، گولنده، آلاندا، قوراندا و ...

الف) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به وسیله ضمیر منفصل شخصی (بدون پسوند صرفی) به کار گرفته می‌شود:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف «ا» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

این افعال پسوند صرفی ندارند و تنها با ضمیر منفصل شخصی به کار گرفته می‌شوند.	<b>biz</b> <i>gələndə</i> بیز گلنده <b>siz</b> <i>gələndə</i> سیز گلنده <b>onlar</b> <i>gələndə</i> اوْنلار گلنده	<b>mən</b> <i>gələndə</i> من گلنده <b>sən</b> <i>gələndə</i> سن گلنده <b>o</b> <i>gələndə</i> اوْ گلنده
---	---	---

- فعل با مفهوم لحظه آغازین کار: اوْ گلنده، من گنتدیم. اوْ گلنده، بیزه سلام وئردی.

سن عمیقی گورنده اوْنا سلام وئر. و...

ا) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف «ا» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

این افعال دو پسوند همراه (ən, də) دارند، که هر دوی آنها با همانگی کوچک صرف می‌شوند	<b>biz</b> <i>içəndə</i> بیز ایچه نده <b>siz</b> <i>içəndə</i> سیز ایچه نده <b>onlar</b> <i>içəndə</i> اوْنلار ایچه نده	<b>mən</b> <i>içəndə</i> من ایچه نده <b>sən</b> <i>içəndə</i> سن ایچنده <b>o</b> <i>içəndə</i> اوْ ایچه نده
--	---	---

اوْ سُوْ ایچنده اوْسکوردو. اوْ دانیشاندا، گولدو. و...

ب) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف «ة» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

<b>biz</b> <i>görəndə</i> بیز گئرە نده <b>siz</b> <i>görəndə</i> سیز گئرە نده <b>onlar</b> <i>görəndə</i> اوْنلار گئرە نده	<b>mən</b> <i>görəndə</i> من گئرە نده <b>sən</b> <i>görəndə</i> سن گئرە نده <b>o</b> <i>görəndə</i> اوْ گئرە نده
--	--

اوْ سیچانی گورنده، دیسگیندی. سن سویو سپنده، قوشلار اوْچدو (لار).

من قاچاندا، بیخیلیدیم. اوْ قیز سئوگیسین گورنده، سئویندی.

توجه: سه فعل «در لحظه آغازین کار، تا آغازین کار، از آغازین کار» جمله ناکامل نیز محسوب می‌شود.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با ضمایر منفصل شخصی (بدون پسوند صرفی) به کار گرفته شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	فعال	ریشه فعل	علامت فاعلیت صفتی	علامت آغازین کار
mən	gəl	ged	iç	gül
sən	gəl	ged	iç	gül
o	gəl	ged	iç	gül
biz	gəl	ged	iç	döz
siz	gəl	ged	iç	gül
on,lar	gəl	ged	iç	gül
			ən	də

این افعال ضمیر متصل شخصی ندارند و تنها با ضمایر منفصل شخصی به کارگرفته می‌شوند.

ب) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف «a, l, o, u» باشد، به شکل زیر با ضمیر منفصل شخصی به کار گرفته می‌شود:

این افعال تنها با ضمیر منفصل شخصی صرف می‌شوند و پسوند صرفی ندارند.	{	biz	alanda	آلاندا	بیز	mən	alanda	آلاندا	من
		siz	alanda	آلاندا	سیز	sən	alanda	آلاندا	سن
		onlar	alanda	آلاندا	اونلار	o	alanda	آلاندا	او

- شعری از شهر پار: سئلر سوّلار شاقیلدیپ آخاندا قین لار اوّنا صف باعلاقایپ باخاندا

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و به حرف «ا» ختم می‌شود:

این افعال دو پسوند (an,da) دارند که هر دوی آنها با هماهنگی کوچک صرف می شونند.	biz yiğanda بیغاندا بیز siz yiğanda بیغاندا سیز onlar yiğanda بیغاندا او نلار	mən yiğanda من بیغاندا sən yiğanda سن بیغاندا o بیغاندا او
---	---	--

او ماشینی آلاندا پُلُونو دا وئردى. او داش آتاندا، بىخىلدى.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ۰ » ختم شود، به شکل زیر با ضمیر منفصل

شخصی ( بدون پسوند صرفی ) به کارگرفته می شود:

این افعال دو پسوند همراه	biz pozanda	بیز پُوزاندا	mən pozanda	من پُوزاندا
{ دارند، که هر دوی آنها با هماهنگی	siz pozanda	سیز پُوزاندا	sən pozanda	سن پُوزاندا
کوچک صرف می شوند.	onlar pozanda	اونلار پُوزاندا	o pozanda	او پُوزاندا

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر با حرف « u » برای ضمایر شخصی صرف می شود:

این افعال تنها با ضمیر منفصل	biz oxuyanda	بیز اوخویاندا	mən oxuyanda	من اوخویاندا
{ شخصی صرف می شوند و پسوند	siz oxuyanda	سیز اوخویاندا	sən oxuyanda	سن اوخویاندا
صرفی (دیر) ندارند.	onlar oxuyanda	اونلار اوخویاندا	o oxuyanda	او اوخویاندا

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر « در لحظه آغازین کار » با ضمیر منفصل شخصی به کارگرفته شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می شود:

ضمایر شخصی	اعلامت آغازین کار	علامت فعل فاعلیت صفتی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
mən			al	این افعال پسوند صرفی
sən			yıx	ندارند و تنها با ضمایر
o			yol	منفصل شخصی
biz			uy	به کارگرفته می شوند.
siz				
onlar				

حروف صدادار پسوند آغازین کار و علامت فعل فاعلیت صفتی هر دو با هماهنگی کوچک صرف می شوند.

با مفهوم لحظه آغازین کار: ایت هورنده، اوشاق آغلادی. او قاییدان ایچری گیرنده، گولدو.

ث) فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ بالائی باشد و به یکی از این چهار حرف « ئ ، ئ ، ئ ، ئ » ختم شود ، به شکل زیر همراه یک حرف تکمیلی « y » ، با ضمیر منفصل

شخصی (بدون پسوند صرفی) به کارگرفته شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	حروف تکمیلی	علامت فاعلیت صفتی	علامت در آغازین کار		
mən	ələ	ye	səri	üşü	y	ən	də
sən	ələ	ye	səri	üşü	y	ən	də
o	ələ	ye	səri	üşü	y	ən	də
biz	ələ	ye	səri	üşü	y	ən	də
siz	ələ	ye	səri	üşü	y	ən	də
on,lar	ələ	ye	səri	üşü	y	ən	də

این افعال ضمیر منفصل  
شخصی ندارند و تنها با  
ضمایر منفصل شخصی  
به کارگرفته می‌شوند.

حروف صدادار پسوند «در آغازین کار» و پسوند « فعل فاعلیت صفتی» هر دو با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.

علی‌آقا واحد: گوره جک سنی‌عالی سئوینیر، قاشائللر- سئوینیرلر. مه تابانی گورنده، ...

دل ناله ایدر، او گول خندانی گورنده، گولوستانی گورنده، بولبول گلر افغانه -

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به وسیله ضمیر منفصل

شخصی به کارگرفته شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	حروف تکمیلی	علامت فاعلیت صفتی	علامت در لحظه آغازین کار	
mən	qala	sırı	toxu	y	an	da
sən	qala	sırı	toxu	y	an	da
o	qala	sırı	toxu	y	an	da
biz	qala	sırı	toxu	y	an	da
siz	qala	sırı	toxu	y	an	da
onlar	qala	sırı	toxu	y	an	da

این افعال پسوند صرفی  
ندارند و تنها با ضمایر  
منفصل شخصی به  
کارگرفته می‌شوند.

حروف صدادار پسوند «در آغازین کار» و علامت «فاعلیت صفتی» هر دو با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.

توجه: دو حرف صدادار «ö، ə»، حرف غیر فعالی هستند که در آخر کلمات ترکی به کارگرفته

نمی‌شوند. به همین دلیل در دو جدول مذکور به جای ۹ فعل، تنها ۷ فعل صرف

شده است.

## ۹) فعل «از لحظه آغازین کار»:

فعل «از لحظه آغازین کار» فعلی است که عملی را از لحظه آغازین کار تا زمان مشخصی بیان می‌کند. اگر بخواهیم زمان مشخص پایانی کار را دقیق‌تر بیان کنیم، باید به آن علامت و یا کلمه قید زمانی اضافه کنیم. مثال:

حسن گلندن، من بُورادایام. (از لحظه‌ای که حسن آمد، من اینجا هستم.)

حسن گلندن، بیر ساعات اولدو. (از آن لحظه‌ای که حسن آمد، یک ساعت شد.)

حسن گلندن، بُوگونه حان بیر هفته اولدو. (از آن موقعی که حسن آمد، تا امروز یک هفته شد.)

حسن گلندن، گندنه حان بیر هفته اولدو. یاشار گلندن، بُوگون بیر آی اولدو.

صباح حسن گلندن، بیر آی اولاچاق. (فردا از آمدن حسن یک ماه می‌گذرد.)

- «فعل از آغازین کار» (گلندن) به شکل زیر از سه بخش مختلف ترکیب می‌یابد:

گل : ریشه فعل از مصدر «گلمک» (آمدن)

ن : علامت فعل فاعلیت صفتی

دن : علامتی که «از لحظه آغازین کار» تا زمان مشخصی را بیان می‌کند. ولی اگر بخواهیم

زمان آن را دقیق‌تر بیان کنیم، باید به آن کلمه قید زمانی بیافزائیم.

الف) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف «ة» ختم شود، به شکل

زیر با ضمیر منفصل شخصی به کارگرفته می‌شود:

این افعال پسوند صرفی	biz	gələndən	گلندن	بیز	mən	gələndən	من گلندن
ندارند و تنها با ضمیر منفصل	siz	gələndən	گلندن	سیز	sən	gələndən	سن گلندن
شخصی به کارگرفته می‌شوند.	onlar	gələndən	گلندن	اوْنلار	o	gələndən	اوْ گلندن

- فعل مذکور، در زبان فارسی به وسیله جملات زیر بیان می‌شود:

سن گلندن: از همان موقعی که تو آمدی. از همان لحظه که تو آمدی. او گندندن

من تک قالدیم. از همان موقعی که او رفته است؛ من تنها مانده ام.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ة» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

## صرف می شود:

biz görəndən	گۈرە نىن بىز	mən görəndən	من گۈرە نىن
siz görəndən	گۈرە نىن سىز	sən görəndən	سن گۈرە نىن
onlar görəndən	اۇنلار گۈرە نىن او	o görəndən	گۈرە نىن

او سنى گۈرنىن، سنه باخىر. او او شاقلاڭ بىر يېرىنى گۈرنىن دئىب گولوب و اوينايىلار.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با ضمایر منفصل شخصی

به کار گرفته شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ریشه فعل	علامت فاعلیت صفتی	علامت «از لحظه آغازین کار»
mən	gəl	ən	dən
sən	ged	ən	dən
o	iç	ən	dən
biz	gül	ən	dən
siz	döz	ən	dən
on,lar	{	ən	dən

حرف صدادار پسوند «از لحظه آغازین کار» و علامت «فعالیت صفتی» هر دو با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.

ب) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر با ضمایر منفصل

شخصی (بدون ضمیر متصل) به کار گرفته می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و به حرف «ا» ختم می‌شود:

این افعال دو پسوند دارند، که در آنها با همانگی کوچک صرف می شوند.	biz	yığandan	یغاندان	بیز	mən yığandan	یغاندان	من
	siz	yığandan	یغاندان	سیز	sən yığandan	یغاندان	سن
	onlar	yığandan	یغاندان	او نلار	o yığandan	یغاندان	او

من بیخیلاندان دیزیم آغريییر: من یشمک بیع یندن، ایکی ساعات دیر.

من بۇرايا گلندن بىر هفتە دىر. من ايمتحان وئرنىن بىر آيدىر.

فعلى كە آخرین حرف صدادار آن بە حرف « ٥ » ختم شود، بە شکل زير با ضماير منفصل شخصى (بدون ضمير متصل) بە کارگىرفته مى شود:

اين افعال دو پسوند همراه دارند، كە هردو آنها باهمانگى كىچك صرف مى شوند.	<b>biz pozandan</b> بىز پۇزاندان <b>siz pozandan</b> سىز پۇزاندان <b>onlar pozandan</b> اوّنلار پۇزاندان	<b>mən pozandan</b> من پۇزاندان <b>sən pozandan</b> سن پۇزاندان <b>o pozandan</b> اوّ پۇزاندان
---	--	--

من اوّلاندان، من يۇلاندان، من دۇناندان، من قۇناندان، من سۇلاندان و ...

- فعلى كە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائينى باشد، بە شکل زير با فعل « از لحظه آغازين كار» بە کارگىرفته شده و بە شکل زير بە بخشهاي مختلف تجزيه مى شود:

ضمایر شخصی		فعال				ريشه افعال		علامت فعل فاعليت صفتى		علامت از لحظه آغازين كار	
mən		al	yıx	yol	uy		an			dan	
sən		al	yıx	yol	uy		an			dan	
o		al	yıx	yol	uy		an			dan	
biz		al	yıx	yol	uy		an			dan	
siz		al	yıx	yol	uy		an			dan	
onlar		al	yıx	yol	uy		an			dan	

اين افعال پسوند صرفى  
 ندارند و تنهبا ضماير  
 منفصل شخصى  
 بە کارگىرفته مى شوند.

حرف صدادار علامت « فعل فاعليت صفتى» و علامت « از لحظه آغازين كار» هر دو با هماهنگى كىچك صرف مى شوند.

- افعال مذكور بە شکل زير در جمله بە کارگىرفته مى شوند:

حسن گلندن، من بۇرادايم. ( از لحظه اي كە حسن آمد، من [ در ] اينجا هىستم.)

حسن گلندن، بىر ساعات دير. ( از آمدن حسن، يك ساعت [ است ] مى گذرد.)

حسن گلندن، بىر ايل اولدو. ( از آمدن حسن يك سال [ است ] مى گذرد.)

سن بۇرايا گلندن، بىر هفته دير. او گلنندن بىر آى دير. حسن داشيناندان، بىر ساعات اولدو.

ياشار گىلنندن بىر ايل اولدو. سن بۇ ماشىنى آلاندان آلتى آى اولدو.

ث) فعلى كە آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ بالائى و با يكى از اين چهار حرف

» 『ü، i، e』 باشد، به شکل زیر یک حرف تکمیلی «y» به خود می‌گیرد و با ضمایر منفصل شخصی به کارگرفته شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	علامت از لحظه آغازین کار	ریشه افعال	حروف تکمیلی	علامت فاعلیت صفتی	حروف تکمیلی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
mən		ələ	ye	səri	üşü	y	
sən		ələ	ye	səri	üşü	y	ən
o	{	ələ	ye	səri	üşü	y	ən
biz		ələ	ye	səri	üşü	y	ən
siz		ələ	ye	səri	üşü	y	ən
on,lar		ələ	ye	səri	üşü	y	ən
							dən
							dən
							dən
							dən
							dən
							dən
							dən

پسوند « فعل فاعلیت صفتی» و پسوند « از لحظه آغازین کار» هر دو با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.

د) فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به وسیله ضمیر منفصل شخصی به کارگرفته شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	علامت از لحظه آغازین کار	ریشه افعال	حروف تکمیلی	علامت فاعلیت صفتی	ریشه افعال	حروف تکمیلی	ضمایر شخصی
mən		qala	sırı	toxu	y		an
sən		qala	sırı	toxu	y		an
o	{	qala	sırı	toxu	y	{	an
biz		qala	sırı	toxu	y	{	an
siz		qala	sırı	toxu	y	{	an
onlar		qala	sırı	toxu	y	{	an
							dan
							dan
							dan
							dan
							dan
							dan

حرف صدادار علامت « فعل فاعلیت صفتی» و پسوند « از لحظه آغازین کار» هر دو با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.

- سن بُو فرشی آلاندان، بیر ایل اوْلدو. سن بُو ائوه داشیناندان، ایکی ایل دیر.

توجه: دو حرف صدادار «ö، ə» حروف غیر فعالی هستند که در آخر کلمات ترکی به کارگرفته نمی‌شوند؛ به همین دلیل در دو جدول مذکور به جای - ə - فعل تنها - ö - فعل صرف صرف شده است.

## ۱۰) « فعل تا پایان کار»:

فعل «تا انتهای کار» فعلی است، که پایان کار را بیان می‌کند. این فعل معمولاً در جملاتی به کارگرفته می‌شود، که مصرع اول آن «انتهای کار» و مصرع دوم آن چگونگی اتفاقات به وقوع پیوسته را بیان می‌کند.

فعل «تا انتهای کار» از ترکیب ریشه فعل، پسوند فعل فاعلیت صفتی (an) و پسوند انتهای کار (acan) تشکیل می‌یابد، که حروف صدادار هر دو پسوند آن وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است، که هر دوی آنها با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند:  
- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و به حرف «a» ختم می‌شود:

biz alanacan	آلاناجان	بیز	mən alanacan	آلاناچان	من
siz alanacan	آلاناچان	سیز	sən alanacan	آلاناچان	سن
onlar alanacan	اؤنلار آلاناجان	اوْنلار	o alanacan	آلاناچان	اوْ

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و به حرف «ı» ختم می‌شود:

biz yiğanacan	بیغاناجان	بیز	mən yiğanacan	بیغاناجان	من
siz yiğanacan	بیغاناجان	سیز	sən yiğanacan	بیغاناجان	سن
onlar yiğanacan	بیغاناجان	اوْنلار	o yiğanacan	بیغاناجان	اوْ

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ö» ختم می‌شود:

biz pozanacan	پوزاناجان	بیز	mən pozanacan	پوزاناجان	من
siz pozanacan	پوزاناجان	سیز	sən pozanacan	پوزاناجان	سن
onlar pozanacan	پوزاناجان	اوْنلار	o pozanacan	پوزاناجان	اوْ

- توجه شود که افعال مذکور، نوعی از فعل گذشته (بدون علامت گذشته) در آینده به حساب می‌آید. مثال: او گلنے جان، بیز بُ ایشی قورتاراریق. سن بُرا یا گلنے جان، من گندرم.  
من بُ مطلبی سنه قاندیراناجان، دیلیمده توک بیتدی.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به وسیله ضمیر منفصل

شخصی به کارگرفته شده و به بخش‌های مختلف تعزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	فعال				ریشه افعا	علامت فاعلیت صفتی	علامت فعل تا لحظه پایانی کار	
mən	qal	qır	sor	qur	an		acan	
sən	qal	qır	sor	qur	an		acan	
o	qal	qır	sor	qur	an		acan	
biz	qal	qır	sor	qur	an		acan	
siz	qal	qır	sor	qur	an		acan	
onlar	qal	qır	sor	qur	an		acan	

این افعال پسوند صرفی  
ندارند و تنها با ضمایر  
منفصل شخصی  
به کارگرفته می‌شوند.

حرف صدادار پسوند « فعل فاعلیت صفتی » و علامت انتهای کار با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

- قالاناجان، سایاناجان، یاناناجان، گلنجه جن، گوله نه جن و ...

توجه: در ترکیب فعل مذکور، پسوند « acan » بوسیله فعل « ایمک » صرف نمی‌شود.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد و به حرف « ئ » ختم شود، به شکل زیر با ضمیر منفصل شخصی به کارگرفته می‌شود:

biz gelənəcən	گلنجه جن	بیز	من گلنجه جن
siz gelənəcən	گلنجه جن	سیز	سن گلنجه جن
onlar gelənəcən	گلنجه جن	اوْنلار گلنجه جن	اوْ گلنجه جن

- در مواردی پسوند « اجن »، به نادرست به شکل پسوند « آجان » نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثال: « گله نه جن » به شکل « گله نه جان »، « وئره نه جان » به شکل « وئره نه جان » و « گوله نه جن » به شکل « گوله نه جان » و ...

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » ختم می‌شود:

biz görənəcən	گؤره نه جن	بیز	من گؤره نه جن
siz görənəcən	گؤره نه جن	سیز	سن گؤره نه جن
onlar görənəcən	گؤره نه جن	اوْنلار گؤره نه جن	اوْ گؤره نه جن

- او سنی گورنجن، کیتاب اوخویوردو. او اوشاقلار بیر بیرینی گورنه جن راحات سیز ایدیلار.

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ بالائی و با یکی از این چهار حرف « ئ ، ا ، ئ ، ئ » باشد، به شکل زیر یک حرف تکمیلی « y » به خود می‌گیرد و با ضمایر منفصل شخصی به کارگرفته شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	حرف تکمیلی	علامت فاعلیت صفتی	علامت انتهای کار	علامت انتهای کار		
mən		ələ	ye	səri	üşü	y	ən	əcən
sən		ələ	ye	səri	üşü	y	ən	əcən
o	{	ələ	ye	səri	üşü	y	ən	əcən
biz		ələ	ye	səri	üşü	y	ən	əcən
siz		ələ	ye	səri	üşü	y	ən	əcən
on,lar		ələ	ye	səri	üşü	y	ən	əcən

این افعال ضمیر متصل شخصی ندارند و تنها با ضمایر منفصل شخصی به کارگرفته می‌شوند.

حرف صدادار پسوند « فعل فاعلیت صفتی » و علامت انتهای کار با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به وسیله ضمیر منفصل شخصی به کارگرفته شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	حرف تکمیلی	علامت فاعلیت صفتی	علامت انتهای کار	علامت انتهای کار	
mən		qala	sıri	toxu	y	an	acan
sən		qala	sıri	toxu	y	an	acan
o	{	qala	sıri	toxu	y	an	acan
biz		qala	sıri	toxu	y	an	acan
siz		qala	sıri	toxu	y	an	acan
onlar		qala	sıri	toxu	y	an	acan

این افعال پسوند صرفی ندارند و تنها با ضمایر منفصل شخصی به کارگرفته می‌شوند.

حرف صدادار پسوند « فعل فاعلیت صفتی » و علامت انتهای کار با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.

- قالایاناجان ، سیریياناجان ، تۆخوياناجان و ...  
توجه: دو حرف صدادار « ئ ، ئ »، حروف غیر فعلی هستند که تنها در سیلاپ اول کلمات ترکی به کارگرفته می‌شوند و در بندهای دیگر صرف نمی‌شوند.

## ۱۱-۱) فعل فاعلیت صفتی در جمله و فرم صفت و حالت تصریفی آن:

اگر با فعل فاعلیت صفتی، اسم و ضمیر شخصی صرف شود، جنبه وصفی، فعلی و اسمی آن بر حسته تر می‌شود. مثال:

ساتیلان ائو اوْجوز دور. ساتیلمايان ماشین باهالیدير. اوْ آغلایان اوْشاق منیم قیزیمدیر.

اوْ ، ائولن اوْغلان، منیم قارداشیم دیر. تهرانا گئدن خانیم، منیم آنام دیر.

بۇرايا گلن خانیم، منیم باجیم دیر. اۇرايا گلن اوْغلان، منیم قارداشیم دیر.

اۇرادا قالان اوْغلان، منیم قارداشیم دیر.

اۇنون قاپیسینى دؤیوب و آچان يۇخدور. اۇنا گۈنۈل وئرن يۇخدور.

- در رابطه با فعل فاعلیت صفتی به اشعار زیر توجه کنید، که آنها با مفهوم اسم، فعل و صفت به کار گرفته شده اند:

علی اکبر طاهر زاده:

ای توْكَن ملارارین کامنە شربت نۇرۇز اغنىالر لە قۇران محلس عشرت نۇرۇز

سندە هەركس سئوينیر، پس نە يە آنجاق فقرا چىكىر او لادىنى گوردو كجه خجالت نۇرۇز...

قاضى ضریر:

جانوم ايچىندىكى سلطانوم بنوم (سلطانیم منیم)

بۇدور اول عشقىلە كۈنلۈم اگله يىن

جانوم اوْلسون اوْنا قوربانوم بنوم(قوربانیم منیم)...

بۇدوراول (اوْ) گۈنلۈمو يغما ائيلە يىن

احمد جواد آخوند زاده:

پك چۈخ اميدىلر باغلارام...

من هر گلن بىر مايسى دا

ائلىن خاطرىنده چۈخ قالا جاقدىر....

آغلاتدىغىم تىلە اپنلە نىن آواز

بىر جواب آلمامىش، سۇرالى گۈى گۈل

دۇمانلى داغلاردان گلن سئوالا

گاه اىلان تك چالان دونيا .

بختىار وهاب زاده: گاه باشىما توْمار چىكىن،

گاه كۈنلۈمو آلان دونيا؟

گاه سىنه مە داغ چىكىن

گاه داغىلان، گاه قۇرولان، بعضًا آچان، بعضًا سۇلان ،

گىلنلىرى يۇلا سالان، ائزو باقى قالان دونيا ....

## ۲-۱) فعل فاعلیت صفتی به شکل اسم در حالت‌های تصریفی:

- اگر فعل فاعلیت صفتی در جمله مستقل به کارگرفته شود و یا در حالت تصریفی صرف شود، اسم محسوب می‌شود و با حفظ حالت فاعلی و وصفی خود، به شکل زیر در فرم اسم (اسم بدلی) و یا ضمیر شخصی به کارگرفته می‌شود:

حالت فاعلیت اسم (فعل فاعلیت صفتی در فرم اسم):

گلن، گلدن، بیلان، دین، قالان، ایچن، گولن، قاچان، سوزن و...

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به جای اسم به کارگرفته می‌شوند:

گلن : کسی که می‌آید. بُورایا گلن کیم دیر؟ (آن شخصی که به اینجا آمد، چه کسی است؟)

بُورایا گلن، منیم قارداشیم دیر. (آن شخصی که به اینجا آمد ، برادر من است.)

حالت مفعول با واسطه «به»: (آ، آحالی)

گلننه، بیله نه، گُورنه، گولنه، آلانا، قاچانا، دُویانا، دُوزنه، و...

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به جای اسم به کارگرفته می‌شوند:

بُورایا گلنده دئ، او منیم یانیما گلسين. (آن شخصی که به اینجا آمد، بگو پیش من بیاید). گلننه سؤز

دئمک اولماز. من اونا دئدیم ، آمما هر گلننه دئمه رم. هر گلننه و گلدننه سؤز وئرمک اولماز.

یالان دئیه نه، اینانماق اولماز.

- فعل فاعلیت صفتی در حالت با واسطه «به» با کلمه قیدی مثل «قدر» و یا «قادار»

به کارگرفته می‌شود، که آن مفهوم پایان قید زمانی و قید مکانی و یا قید عددی را در خود

انعکاس می‌دهد. مثال:

من گلننه قدر، سن اورادا قال. سن ایکی ساعاتا قدر، اورایا گشت. سن صاباحا قدر بُورادا قال.

بُ آغاج ایگیرمی متنه قدر بؤیویه بیلر. سن دئیه نه قدر، من بُورادا قالارام.

تبیز دن تهرانا قدر تقریباً ۶۲ کیلومتر اولار.

- جملات مذکور با علامت انتها کار( اجن و آجان)، با مفهوم پایان قید زمان و مکان نیز

صرف می‌شوند. مثال:

تبریزدن تهراناجان، بُوگوندن صاباحاجان، سیزدن بیزه جان، بُورادان اورایاجان، اورادان بُورایاجان، آلمان دان آمریکایاجان و ...

تهران دان تبریزه جن (جان: گفته می‌شود)، بیزدن سیزه جن و ...

حالت مفعول با واسطه با حرف اضافه «در» (ده، دا حالی):

گلنده، آکنده، گورنده، گولنده، آلاندا، بیغاندا، سولاندا، دوراندا و ...

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله در جای اسم به کارگرفته می‌شوند:  
بُو آجاجلاری آکنلرده چوخ اینسالیق ایستگی وار ایدی. بُو سؤزون جواین بُورایا گلنلردن سُور.

- با وجودی که کلمه «گلنده» در حالت تصریفی صرف شده و اسم محسوب می‌شود، ولی از اینکه پسوند آن هم شکل با پسوند فعل «در لحظه آغاز کار» است، در نتیجه با مفهوم فعل صرف می‌شود. مثال:

سن گلنده، من گئتم. (وقتی [لحظه ای] که تو آمدی من رفم). گوش اوچاندا وُرُلدو.  
(همان لحظه ای که پرنده پرواز کرد، زده شد. [شکار شد.] )

حالت مفعول با واسطه با حرف اضافه «از»: (دن، دان حالی)

بیلندن، گئرندن، گولندن، آلاندان، بیغاندان، دوراندان، سوزندن، بیغاندان، ساتاندان، بیعیندن، گوله شندن، بیله ندن، سوت امندن و ....

کلمات مذکور به شکل زیر با مفهوم اسم و با عملکرد فعل در جمله به کارگرفته می‌شوند:  
به شکل اسم:

من، بُو سؤزون معناسینی بیلمیرم، اوونون معناسینی بیلنلردن سُور. بُو سؤالی، بُورایا گلنده سُور.

بُو ماشینی آلان، کیم دیر؟ بُو ماشینی ساتان، کیم دیر؟

به شکل فعل:

سن تبریزه گلنده، دونن بیر هفتہ اولدو. او مریض اولاندان بیر هفده اوپلوبور.

سن گلنده، من بُورادایام. سن بُورایا گلنده، صاباح بیر آی اوپلور.

سیز گله نه جن، بیر آی اوپلار.

### حالت مفعول بی واسطه «را»: («ی» حالی)

بیله نی، گورنی، گوله نی، آلانی، بیغانی، سورانی، دُرانی، ساواشانی، اوخويانی و..  
كلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شوند:

سن، بُ ماشینی آلانی گوردون مو؟ سن بُ آغاچلاری کسه نی، گوردون مو؟ سن بُرایا گلنی  
تانیپرسان می؟ سیز بُرادا اوْتورون و بُرایا گلن ماشینلاری سایین. و...

### اضافه (ضمیر) ملکی (این حالی):

بیله نین، بیله نین، گورنین، گوله نین، آلانین، بیغانین، سورانین. و..  
- كلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شوند:

بُ ایشی گوره نین هئچ عاغلى وار می؟ بُ سؤزو دئیه نین فکری نه ایدی؟ بُرایا گلنین آتی  
وار می؟ بُرایا گلنین، آتی یۇخدور. بُرایا گله نین، هئچ زادى یۇخدور.

### فعل فاعلیت صفتی در ترکیبات مختلف:

گدن گلن (کسی که میرود و می‌آید)، گلن گندن (آلی در اسلحه و یا در موتور ماشین) گندیب  
گلن، ائشیدن بیلن، ائشیدیب گولن، چالیب چاپان، دئیب گولن. و...  
- كلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شوند:

بیر آی دیر کی بُرایا گندیب گلن یۇخدور. بُ سؤزو ائشیدیب بیلن یۇخدور.

### ترکیب اسم با فعل فاعلیت صفتی:

- ائو آلان، دُوار بیخان، سُ ساتان، ائو سالان، قاپی آچان، دُوار سالان، ائو بیخان، سو ایچن،  
ماشین ساتان، کیتاب يازان و...

### ترکیب فعل فاعلیت صفتی با اسم:

ساتیلان ماشین (ساتیلان - ماشین)، سالینان دُوار، تیکیلن دُوار.  
آلینان آت، بیخیلان ائو و...

## ۱۱) فعل کمکی و فرمهای مختلف آن:

فعل کمکی، فعلی است که به وسیله آن کلمات مختلفی که به تنهایی قابل صرف نیستند، با مفهوم جدیدی به کار گرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند.

- در زبان ترکی ریشه مصدر « ایمک ، بیلمنک ، اولمانک ، ائتمک و وارماق » فعل محسوب می‌شوند، ریشه آنها با افعال مختلف ترکیب یافته و در فرم افعال مرکب به کار گرفته می‌شوند.

### ۱۱-۱) ریشه مصدر ایمک،

فعلی است که به کمک آن کلمات مختلف در فرمهای گوناگون برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. این فعل با نام « ضمیر متصل شخصی»، « پسوند صرفی» و یا فعل « ایمک » به کار گرفته شده است.

### ۱۱-۲) فعل کمکی « بیل bil »: ( دانستن )

فعل کمکی « بیل »، از ریشه مصدر « بیلمنک bilmək » مشتق شده و به تنهایی و یا در ترکیب با کلمات دیگر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

(a) فعل در زمان حال: من بیلیرم، سن بیلیرسن، او بیلیر و..

(b) فعل در آینده نزدیک: من بیلرم، سن بیلرسن، او بیلر و...

(c) فعل در آینده دور: من بیله جه یم، سن بیله جکسن و...

(d) فعل مصدری: من بیلمکده یم، سن بیلمکده سن و...

فعل ترکیبی در فرم امری: گله بیل، دئیه بیل، دینه بیل، گوره بیل و..

دو گانه مصدری: گلمک بیلمنک، یازماق بیلمنک، آلماق بیلمنک و...

صرف دو گانه مصدری: یازماق بیلیرم. قورماق بیلیرم. او خوماق بیلیرم. و...

- فعل کمکی « بیل » با خود نیز ترکیب یافته و صرف می‌شود:

بیله بیلیرسن، بیله بیله جیم و...

الف) اگر فعل کمکی « بیل » با کلمه دیگری ترکیب یابد، ما بین آنها یک حرف میانوند

(a و یا e) اضافه شده و به عنوان فعل مرکب، به شکل زیر در فرمهای مختلف به کار گرفته می شود. مثال:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، با میانوند «ه» به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	gələ bil ir ik	گله بیلیر يك	بیز	mən	gələ bil ir əm	گله بیلیر م	من
siz	gələ bil ir siniz	گله بیلیر سینیز	سیز	sən	gələ bil ir sən	گله بیلیر سن	سن
onlar	gələ bil ir lər	گله بیلیر لر	اونلار	o	gələ bil ir	گله بیلیر	او

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ة» ختم می‌شود:

biz	görəbilirik	گۈرە بىلىرىك	بىز	mən	görəbilirim	گۈرە بىلىرم	من
siz	görəbilirsiniz	گۈرە بىلىرىسىنiz	سيز	sən	görəbilirsən	گۈرە بىلىرسن	سن
onlar	görəbilirlər	گۈرە بىلىرلر	اونلار	o	görəbilir	گۈرە بىلىير	او

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ریشه افعال					حرف میانوند	فعل کمکی	علامت زمان	پسوند صرفی
mən	gəl	ged	iç	gül	döz	ə	bil	ir	əm
sən		ged	iç	gül	döz	ə		ir	sən
o		ged	iç	gül	döz	ə		ir	(dir)
biz		ged	iç	gül	döz	ə		ir	ik
siz		ged	iç	gül	döz	ə		ir	siniz
onlar		ged	iç	gül	döz	ə		ir	dir,lər

(توجه: حروف صدادار ضمایر منفصل اشخاصی و ابسته به کلمه ماقبل خود نیستند.)

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد با میانوند « a » به شکل زیر در

زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «۱» می‌باشد:

biz yiğabil ir ik	بیز بیغابیلیریک	mən yiğabil ir əm	من بیغابیلیرم
siz yiğabil ir siniz	سیز بیغابیلیرسینیز	sən yiğabil ir sən	سن بیغابیلیرسن
onlar yiğabil ir lər	اونلار بیغابیلیرلر	o yiğabil ir	او بیغابیلیر

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «۵» ختم می‌شود:

biz sorabil ir i k	بیز سورابیلیریک	mən sorabil ir əm	من سورابیلیرم
siz sorabil ir siniz	سیز سورابیلیرسینیز	sən sorabil ir sən	سن سورابیلیرسن
onlar sorabil ir lər	اونلار سورابیلیرلر	o sorabil ir	او سورابیلیر

- افعال مذکور به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند. مثال:

ضمایر شخصی	ضمایر شعاعی	ریشه افعاعی	حرف میانوندی	فعل کمکی	پسوند زمان حال	پسوند صرفی
mən		qal	yığ	sor	dur	
sən		qal	yığ	sor	dur	
o	{	qal	yığ	sor	dur	
biz		qal	yığ	sor	dur	
siz		qal	yığ	sor	dur	
on,lar		qal	yığ	sor	dur	
		a		bil		ir
		a		bil		ir
		a		bil		ir
		a		bil		ir
		a		bil		ir
		a		bil		ir
		a		bil		ir
						əm
						sən
						(dir)
						ik
						siniz
						(dir)lər

پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با همانگی کوچک صرف می‌شود.

پسوند صرفی برای این چهار ضمیر متصل شخصی با همانگی بزرگ صرف می‌شود.

- افعال جدول مذکور از ترکیب دو فعل ساخته می‌شوند، که حرف میانوند آنها وابسته به آخرین حرف صدادار اولین فعل و حرف صدادار علامت زمان و پسوند صرفی نیز وابسته به آخرین حرف دومین فعل آن می‌باشد.

ب) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر همراه فعل

کمکی «بیل» در زمان آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

biz	gələ bil ər ik	بیز گله بیلریک	mən	gələ bil ərəm	من گله بیلم
siz	gələ bil ər siniz	سیز گله بیلرسینیز	sən	gələ bil ər sən	سن گله بیلسن
onlar	gələ bil ər lər	اونلار گله بیللر	o	gələ bilər	او گله بیلر

من گنده بیلم، من گنجه بیلم، من ائده بیلم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ة» ختم می‌شود:

biz	görəbil ər ik	بیز گوره بیلریک	mən	görə bil ər əm	من گوره بیلم
siz	görəbil ər siniz	سیز گوره بیلرسینیز	sən	görəbil ər sən	سن گوره بیلسن
onlar	görəbil ər lər	اونلار گوره بیللر	o	görəbil ər	او گوره بیلر

من دؤزه بیلم، من گوله بیلم، من سوزه بیلم، من اوپه بیلم و ...

افعالی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	پسوند آینده نزدیک	فعل کمکی	میانوندی	ریشه افعال	ضمایر شخصی	
mən						
sən						
o						
biz						
siz						
onlar						

↑

این دو پسوند با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.

فعل «گند» به شکل «گنت» نیز به کار گرفته می‌شود.

این چهار ضمیر متصل شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر همراه علامت

میانوند، به کمک فعل «بیل» در زمان آینده نزدیک صرف می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

biz yiğabil ər ik	بیز بیغابیلریک	mən yiğabil ər əm	من بیغابیلرم
siz yiğabil ər siniz	سیز بیغابیلرسینیز	sən yiğabil ər sən	سن بیغابیلرسن
onlar yiğabil ər lər	اونلار بیغابیلرلر	o yiğabil ər	او بیغابیلر

من دیغابیلرم، قیرابیلرم، بیخابیلرم، من سیخابیلرم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «و» ختم می‌شود:

biz sorabil ər ik	بیز سورابیلریک	mən sorabil ər əm	من سورابیلرم
siz sorabil ər siniz	سیز سورابیلرسینیز	sən sorabil ərsən	سن سورابیلرسن
onlar sorabil ər lər	اونلار سورابیلرلر	o sorabil ər	او سورابیلر

من قۇنابیلرم، من دۇنابیلرم، من قۇرابیلرم، من دۇرا بیلرم و ...

- افعال مذکور به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه

می‌شوند. مثال:

ضمایر شخصی	ضمایر متصل	ریشه افعال	حرف میانوندی	فعلی کمکی	علامت آینده نزدیک	پسوند صرفی	حرف صدادار			
mən		qal	yığ	sor	dur	a	bil	or	əm	ضمایر متصل
sən		qal	yığ	sor	dur	a	bil	or	sən	شخصی وابسته
o	{	qal	yığ	sor	dur	a	bil	or	(dir)	به کلمات ما
biz	{	qal	yığ	sor	dur	a	bil	or	ik	قبل خود است.
siz		qal	yığ	sor	dur	a	bil	or	siniz	
on,lar		qal	yığ	sor	dur	a	bil	or	dirlər	

پسوند صرفی این چهار ضمیر متصل شخصی با همانگی بزرگ صرف می‌شود.

- افعال مذکور از ترکیب دو فعل ساخته می‌شوند، که حرف میانوند آنها وابسته به آخرین حرف

صدادار اولین فعل و حرف صدادار علامت آینده نزدیک و پسوند صرفی آنها وابسته به آخرین حرف

صدادر دومین فعل ( بیل ) می باشد.

۱۱-۳) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل

زیر به کمک فعل « بیل » در زمان آینده دور برای ضمایر شخصی صرف می شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ا » ختم می شود:

biz	yıgabiləcəyik	بیز بیغابیله جیick	mən	yıgabiləcəyəm	من بیغابیله جه یم
siz	yıgabiləcəksiniz	سیز بیغابیله جکسینیز	sən	yıgabiləcəksən	سن بیغابیله جکسن
onlar	yıgabiləcəklər	اونلار بیغابیله جکلر	o	yıgabiləcək	او بیغابیله جك

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ۵ » ختم می شود:

biz	sorabiləcəyik	بیز سورابیله جیick	mən	sorabiləcəyəm	من سورابیله جيم
siz	sorabiləcəksiniz	سیز سورابیله جکسینیز	sən	sorabiləcəksən	سن سورابیله جکسن
onlar	sorabiləcəklər	اونلار سورابیله جکلر	o	sorabiləcək	او سورابیله جك

- افعال مذکور به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می شوند. مثال:

ضمایر شخصی	ال	افع	ال	حرف میانوندی	ال	بیل	ال	علامت آینده دور	ال	امک	ال	پسوند صرفی فعل ایمک
mən	qal	yığ	sor	dur	a	bil	əcə y	əm				
sən	qal	yığ	sor	dur	a	bil	əcə k	əm	sən			
o	qal	yığ	sor	dur	a	bil	əcə k	əm	(dir)			
biz	qal	yığ	sor	dur	a	bil	əcə y	əm	ik			
siz	qal	yığ	sor	dur	a	bil	əcə k	əm	siniz			
on,lar	qal	yığ	sor	dur	a	bil	əcə k	əm	(dir) lər			

در صرف فعل آینده دور برای اول شخص مفرد و جمع، آخرین حرف صدادار علامت آینده ( k ) در بین دو حرف به حرف ( u ) تبدیل می شود.

توجه: افعال مذکور از ترکیب دو فعل ساخته می شوند، که حرف میانوند آنها وابسته به آخرین حرف صدادار اولین فعل و علامت آینده و پسوند صرفی آنها وابسته به آخرین حرف صدادار دومین فعل ( بیل ) می باشد.

### ۱۱-۳) فعل کمکی ترکیبی از فعل « بیل » و پسوند مصدری:

اگر به فعل ترکیبی کمکی پسوند مصدری بپیوندد، به مصدر تبدیل می شود. مثال:

سوزه بیلمک	دوزه بیلمک	گوره بیلمک	ایچه بیلمک	گله بیلمک
آلا بیلمک	سۇرا بیلمک	دۇراییلەمك	يىخايىلەمك	اوچا بیلمک

مصدرهای مذکور به شکل زیر به بخش‌های مختلف تجزیه می شوند:

پسوند مصدری	فعل کمکی	حرف میانوند برای فعل کمکی	ریشه افعال
bil	bil	ə	ged
mək	mək	ə	düz

{ حرف صدادار این افعال با آهنگ بالائی است.	qal	a	bil	mək
.	sor	a	bil	mək

---

دو حرف میانوند « ə » و « a » در دو جدول مذکور وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود هستند.

مصدرهای مذکور به شکل زیر به وسیله « فعل ایمک » برای ضمایر شخصی صرف می شوند:

صرف مصدر برای اول شخص مفرد	معنی فارسی مصدر	مصدر
mənim ala bilməyim	توان و نحوه گرفتن من	منیم آلا بیلمه بیم
mənim gələ bilməyim	توان و نحوه آمدن من	منیم گله بیلمه بیم
mənim gülə bilməyim	توان و نحوه خندیدن من	منیم گوله بیلمه بیم
mənim yaza bilməyim	توان و نحوه نوشتن من	منیم يازا بیلمه بیم

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می شوند:

منیم بُ ائوی آلا بیلمه بیم بانک ین بُرج وئرمه بیندن [ وئرمه سیندن ] آسیلیدیر(باغلیدیر).

( منیم بُ ائوی آلا بیلمه بیم بانک ین نه جور پُول بُرج وئرمه بیندن باگلیدیر[آسیلیدیر]. )

سنین ماشین آلایلمه بین، سنین جیبی نین ( جیبی بین: جیبیون ) پۇلوندان آسیلیدیر.

تعطیل ده، بیزیم مسافرتە گىتمە يىمیز، اوشاقلارین امتحانلارдан قبول اولماقلاریندان آسیلیدیر.

## ۱۱-۵) فعل کمکی « بیل » و پسوند دو گانه مصدری:

اگر از مصدر مرکب، میانوند « a » و يا « ئ » ( مثل: *gələ bilmək* ) را حذف کنیم و به جای آن یک پسوند مصدری به آن اضافه کنیم، به مصدر دو گانه مصدری تبدیل شده و با مفهوم جدیدی به کار گرفته می شود. مثال:

( شنا کردن [ توانستن ] بلد بودن )      *üzməkbilmək*      اوزمک بیلملک

( نوشتن [ دانستن ] بلد بودن.)      *yazmaqbilmək*      یازماق بیلملک

( صحبت کردن بلد بودن.)      *danişmaq bilmək*      دانیشماق بیلملک

سورملک بیلملک ( سوار شدن [ راندن ] بلد بودن). اویناماق بیلملک ( بازی کردن بلد بودن).

كلمات مذکور، با پسوند دو گانه مصدری به شکل زیر به بخش‌های مختلف تجزیه و برای ضمایر شخصی صرف می شوند:

پسوند مصدری	فعلی کمکی بیل	پسوند مصدری	ريشه افعال
<i>mək</i>	<i>bil</i>	<i>maq</i>	<i>dur</i>
<i>mək</i>	<i>bil</i>	<i>maq</i>	<i>sor</i>
<i>mək</i>	<i>bil</i>	<i>maq</i>	<i>yığ</i>
<i>mək</i>	<i>bil</i>	<i>maq</i>	<i>qal</i>
<i>mək</i>	<i>bil</i>	<i>maq</i>	<i>dur</i>
<i>mək</i>	<i>bil</i>	<i>maq</i>	<i>sor</i>
<i>mək</i>	<i>bil</i>	<i>maq</i>	<i>yığ</i>
<i>mək</i>	<i>bil</i>	<i>maq</i>	<i>qal</i>

حروف صدادار پسوند مصدری وابسته به فعل ماقبل خود است.

- مصدرهای دو گانه مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می شوند. مثال:

bu zamanda hər kimə yazmaq bilmək lazımdır..

ایندی هر کیم یازیب پۇزماق بیلر، آمما قدیم زاماندا، یازیب پۇزماق بیلملک اۆزرو بیر هنر ایدی.

( امروزه هر کس خواندن و نوشتن بلد است، اما در زمان قدیم، خواندن و نوشتن برای خود هنری بود. )

- کلمه دو گانه مصدری، همانند سایر مصدرهای ساده می‌باشد، که اگر آخرین پسوند مصدری آن را حذف کنیم، به ریشه فعل تبدیل شده و به عنوان فعل مرکب به اشکال مختلف برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

مصدر مرکبی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ پائینی باشد، با پسوند «maq» و با فعل «بیل» به فعل ترکیبی مبدل شده و با پسوند «ir» در زمان حال صرف می‌شود:

بیز	دانیشماق بیلیریك	mən danişmaq bilirəm	من دانیشماق بیلیرم
سیز	دانیشماق بیلیرسینیز	sən danişmaq bilirsən	سن دانیشماق بیلیرسن
اونلار	دانیشماق بیلیرلر	o danişmaq bilir	او دانیشماق بیلیر

من سؤز دانیشماق بیلیرم، من يازیب پۇزماق بیلیرم و...

مصدر مرکبی که آخرین حرف صدادار فعل اولی و فعل دومی آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیز	اوزمک بیلیریك	mən üzmək bilirəm	من اوزمک بیلیرم
سیز	اوزمک بیلیرسینیز	sən üzmək bilirsən	سن اوزمک بیلیرسن
اونلار	اوزمک بیلیرلر	o üzmək bilir	او اوزمک بیلیر

من ساز چالماق بیلیرم، من سؤز دانیشماق بیلیرم، من يازماق بیلیرم،

من جوت سورمک بیلیرم، بۇ ماشین سورمک بیلیرم، من يازیب پۇزماق بیلیرم،

من ايشله مک بیلیرم، سن ايشله مک بیلیرسن، من ايشله مک بیلیرم،

او ايشله مک بیلیرلر و...، سیز ايشله مک بیلیرسینیز، بیز ايشله مک بیلیریك،

فعل دو گانه مصدری به شکل زیر در زمان آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من آلماق بیلرم (من خریداری [خرید کردن، طرز خرید [بلد هستم]).

من دانیشماق بیلرم (من صحبت کردن بلدم).

من ايشله مک بیلرم (من کار کردن بلدم).

فعل دو گانه مصدری ، به شکل زیر در شکل امری برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz oxumaq bilək	بیز اوْخوماق بیله ک	mən oxumaq bilim	من اوْخوماق بیلیم
siz oxumaq bilin	سیز اوْخوماق بیلین	sən oxumaq bil	سن اوْخوماق بیل
onlar oxumaq bilsinlər	اونلار اوْخوماق بیلسینلر	o oxumaq bilsin	اوْ اوْخوماق بیلسین

- گئت مدرسه يه يازيب اوْخوماق ( اوورن ) بيل.
- سن بير آى دا املی كلاسا گئدىن ، ياخشى اوْخوماق بىلرسن.
- فعل دو گانه مصدری به شکل زیر در زمان آينده نزديك برای ضمایر شخصی صرف می شود:

اوْخوماق بىلریك	بیز	mən oxumaq bilərəm	من اوْخوماق بىلرم
اوْخوماق بىلرسىنيز	سیز	sən oxumaq bilərsən	سن اوْخوماق بىلرسن
اوْخوماق بىلرلر	o	o oxumaq bilər	اوْ اوْخوماق بىلر

- من اوْخويوب يازماق بيلرم. سن بىلە اورنىن، چۈخ تېز زاماندا اوْخويوب يازماق بىلرسن.

- فعل دو گانه مصدری به شکل زیر با پسوند آينده دور تركىب يافته و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

اوْخوماق بىله جه بىك	بیز	mən oxumaq biləcəyəm	من اوْخوماق بىله جه يم
اوْخوماق بىله جكسىنيز	سیز	sən oxumaq biləcəksən	سن اوْخوماق بىله جه كسن
اوْخوماق بىله جكلر	o	o oxumaq biləcək	اوْ اوْخوماق بىله جلک

- اوشاقلار مدرسيي گئدرسه لر، يازيب اوْخوماق بىله جكلر.
  - بىز ده اوْشاقلاريمىزى مدرسه يه گئندرسلىك، اونلار دا گله جىكىدە يازيب اوْخوماق بىله جكلر.
  - ۱۱) فعل كمكى با علامت فعل فاعليت صفتى:
- اگر پسوند فعل فاعليت صفتى ( an , ən ) را به فعل كمكى بپيونديم، به فعل جديدي تبديل

می شود. مثال: (گله بیلن: توانائی آمدن داشتن)

دؤزه بیلن	alabilən	آلا بیلن	gələbilən	گله بیلن (آدام)
سوزه بیلن	yeyəbilən	پئیه بیلن	gədəbilən	گئده بیلن
اوپه بیلن	deyəbilən	دئیه بیلن	içəbilən	ایچه بیلن
دوزه بیلن	uçabilən	اُچا بیلن	üzəbilən	اوژه بیلن

- او سؤزو نو دئیه بیلن دیر. او بُو داغی آشیب بُورایا گله بیلن دیر.

فعل کمکی فاعلیت صفتی به شکل زیر به کار گرفته می شود:

فعلی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ بالائی باشد، همراه میانوند «ə» به شرح

زیر در فرم فاعلیت صفتی برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

biz gələbilənik	بیز گله بیلنیک	mən gələ bilənəm	من گله بیلنم
siz gələbilənsiniz	سیز گله بیلن سینیز	sən gələ bilənsən	سن گله بیلن سن
onlar gələbiləndirlər	او نلار گله بیلن دیر لر	o gələ bilən (dir)	او گله بیلن (دیر)

- افعالی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ بالائی و با یکی از این چهار حرف

«ة، ئ، ئ، ئ» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

سوزه بیلنم	گوره بیلنم	ایچه بیلنم	گئده بیلنم	من
سوزه بیلن سن	گوره بیلن سن	ایچه بیلن سن	گئده بیلن سن	سن
سوزه بیلن دیر	گوره بیلن دیر	ایچه بیلن دیر	گئده بیلن دیر	او
سوزه بیلنیک	گوره بیلنیک	ایچه بیلنیک	گئده بیلنیک	بیز
سوزه بیلن سینیز	گوره بیلن سینیز	ایچه بیلن سینیز	گئده بیلن سینیز	سیز
سوزه بیلن دیر لر	گوره بیلن دیر لر	ایچه بیلن دیر لر	گئده بیلن دیر لر	او نلار

- پسوند صرفی ( فعل ایمک ) برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک (ə) و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می شود.

فعل ترکیبی کمکی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر با میانوند «a» و با فعل «بیل» و علامت فاعلیت صفتی «ən» ترکیب یافته و به کمک فعل «ایمک» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz alabilənik	بیز آلابیلئیک	mən alabilənəm	من آلابیلئنم
siz alabilənsiniz	سیز آلابیلئن سینیز	sən alabilənsən	سن آلابیلئن سن
onlar alabiləndirlər	اوْنلار آلابیلئن دیرلر	o alabiləndir	اوْ آلابیلئن دیر

- فعل «آلابیلئنم» به شکل زیر تجزیه می‌شود: ( من توان گرفتن دارم. من می‌توانم بگیرم.)

(۱) al : ریشه فعل،

(۲) a : حرف میانوند مخصوص فعل کمکی،

(۳) bil : فعل کمکی،

(۴) ən : علامت فعل فاعلیت صفتی،

(۵) əm : پسوند صرفی.

اوْ بو ایشی گوره بیلندير. اوْ منه دئدیکی، اوْ اوز سؤزوونون اوستونده دورا بیلندير.

- فعلی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ پائینی (a,ı,o,u) باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

دوْرَا بِيلِنْم	سُورَا بِيلِنْم	يِخَا بِيلِنْم	قاْلا بِيلِنْم (بِيلِه نِم)	من
دوْرَا بِيلِنْ سن	سُورَا بِيلِنْ سن	يِخَا بِيلِنْ سن	قاْلا بِيلِنْ سن	سن
دوْرَا بِيلِنْ دِير	سُورَا بِيلِنْ دِير	يِخَا بِيلِنْ دِير	قاْلا بِيلِنْ دِير	اوْ
دوْرَا بِيلِنِيک	سُورَا بِيلِنِيک	يِخَا بِيلِنِيک	قاْلا بِيلِنِيک	بِيز
دوْرَا بِيلِنْ سِينِيز	سُورَا بِيلِنْ سِينِيز	يِخَا بِيلِنْ سِينِيز	قاْلا بِيلِنْ سِينِيز	سِيز
دوْرَا بِيلِنْ دِيرلِر	سُورَا بِيلِنْ دِيرلِر	يِخَا بِيلِنْ دِيرلِر	قاْلا بِيلِنْ دِيرلِر	اوْنلار

- يِخَا بِيلِنْم: من آن کسی هستم که بر زمین می‌زنم. (من آن کسی هستم که می‌توانم بر زمین بزنم.)

- آلایلنم: من آن کسی هستم که می‌توانم بگیرم (می‌توانم بخرم).

فعل مرکب کمکی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ پائینی (a, o, u) باشد، به شکل زیر با حرف میانوند «a» همراه فعل کمکی «بیل» و پسوند فاعلیت صفتی (ə) ترکیب می‌یابد و صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی		ریشه افعال				حروف میانوندی		فعلی کمکی بیل		فعلی فاعلیت صفتی		فعل صرفی	
mən		qal	yığ	sor	dur	a		bil		ən		əm	
sən		qal	yığ	sor	dur	a		bil		ən		sən	
o		qal	yığ	sor	dur	a		bil		ən		(dir)	
biz	{	qal	yığ	sor	dur	a		bil		ən		ik	
siz		qal	yığ	sor	dur	a		bil		ən		siniz	
on,lar		qal	yığ	sor	dur	a		bil		ən		(dir) lər	
↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑													
پسوند صرفی سوم شخص مفرد و جمع (دیر) به کارگرفته نمی‌شود.							علامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.						

### ۱۱-۷) فعل ترکیبی کمکی آرزوئی:

- فعل کمکی آرزوئی، ترکیبی از ریشه فعل، میانوند «ə»، فعل کمکی «بیل» و علامت آرزوئی است که به شکل زیر برای سوم شخص مفرد به کارگرفته می‌شود:  
او گله بیله ، دئیه بیله ، گئره بیله ، یایا بیله ، قازا بیله و ...

- از اینکه آخرین حرف صدادار فعل «بیل bil» حرف «ə» است، در نتیجه پسوندهایی که به آن می‌پیوندند، با هماهنگی کوچک به وسیله حرف «ə» و با هماهنگی بزرگ به وسیله حرف «ə» به کارگرفته می‌شوند. مثال:

سیز گله بیله سینیز gələbiləsiniz ، اوخویا بیلیم oxuyabilim

من گله بیلمه یم gələbilm(əy)əm ، آلا بیلمه یم ، یازا بیلمه یم و ...

- فعل کمکی آرزوئی که آخرین حرف صدادار اولین و دومین فعل آن با آهنگ بالائی باشد،

با میانوند « e » و فعل کمکی « بیل » به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gələbilək	بیز گله بیله ک	mən gələbilə(yə)m	من گله بیلم
siz gələbiləsiniz	سیز گله بیله سینیز	sən gələbiləsən	سن گله بیله سن
onlar gələbilələr	اونلار گله بیله لر	o gələbilə	او گله بیله

- توجه شود که در ترکیب فعل مذکور حرف « e » یک بار به شکل میانوند و یک بار دیگر

به شکل علامت آرزوئی به کارگرفته می‌شود. (مثال: *gələbilə*)

- فعل کمکی آرزوئی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر همراه حرف اضافه « a » و علامت فعل آرزوئی صرف می‌شود:

biz alabilək	بیز آلابیله ک	mən alabilə(yə)m	من آلابیله م
siz alabiləsiniz	سیز آلابیله سینیز	sən alabiləsən	سن آلابیله سن
onlar alabilələr	اونلار آلابیله لر	o alabilə	او آلابیله

## ۱۱-۸) فعل کمکی و کلمه سازی تشییه‌ی:

اگر ریشه فعل « بیلمک » را با کلمه « ائله *elə* » ترکیب دهیم، کلمه تشییه‌ی (ائله بیل *eləbil*) به وجود می‌آید.

این کلمه با مفهوم تشییه‌ی، زمانی به کارگرفته می‌شود، که دو شیء در مقابله هم در مقام مقایسه قرار می‌گیرند. مثال:

او اوغان ائله بیل دئودیر. o oğlan elə bil div (dev) dir. (آن پسر مثل دیو است.)

او قیز ائله بیل چیچکدیر. o qız elə bil çiçəkdir. (آن دختر مثل گل است.)

او قۇزو ائله بیل جامیشdir.. o quzu elə bil camışdır.. (آن بره مثل گاومیش است.)

بۇ ائو ائله بیل داغدیر. bu ev elə bil dağdır. (این خانه مثل یک کوه است.)

- در رابطه با کلمه تشییه‌ی (ائله بیل) به شعر زیر توجه کنید:

میر مهدی سید زاده: میرمهدی: گؤزومدە گونشین نورى قارالدى

یار گئتدی، گوزومدن ائله بیلدىم گیله دوشدو ...

ائله بیل چیخیردی سحر گونشی

قارشیما قویدوغوم بلور قدح دن ...

- از اینکه آخرین کلمه ترکیبی «ائله بیل»، فعل «بیل» است، در نتیجه این کلمه (ائله بیل) همانند فعل به شکل زیر در فرم‌های مختلف برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

صرف در زمان حال: من ائله بیلیرم. سن ائله بیلرسن. او ائله بیلیر.

صرف در شکل امری: من ائله بیلیم. سن ائله بیل. او ائله بیل سین.

صرف در فرم گذشته: من ائله بیلدیم. سن ائله بیلدین. او ائله بیلدی.

صرف گذشته آرزوئی: من ائله بیله یدیم. سن ائله بیله یدین. او ائله بیله یدی.

- کلمه «ائله» را می‌توان با افعال دیگر نیز با مفاهیم مختلف زیر به کار گرفت:

او ائله دانیشیر کی ائله بیل معلم دیر. او ائله باخیر کی ائله بیل منی تانیسیر.

او ائله دانیشیر کی ائله بیل ننه سی دیر.

ائله دئمک: چنان گفتن. مثل او گفتن. آن چنانی گفتن.

ائله آنلاماق: چنان درک کردن. مثل آن فهمیدن، مانند او درک کردن.

ائله یانماق: چنان سوختن، مثل او سوختن. مانند او رنج بردن.

بۇ آغاچ ائله یانیر کی ائله بیل بئنزیندیر. (این درخت آنچنان می‌سوزد، گوئی که بتنیز است.)

ائله ائیله مک: مثل آن انجام دادن. مانند او نمودن. مثل او انجام دادن.

ائیله دانیشماق: مثل او حرف زدن. مانند او صحبت کردن. و ...

سن ائله دانیشیرسان کی، ائله بیل، حسن سن.

ائیله ائدمک: چنان کردن، چنان انجام دادن.

## ۱۱-۹) فعل کمکی «اول»:

این فعل از ریشه مصدر «اولماق» مشتق شده و به کمک فعل «ایمک» برای ضمایر

شخصی صرف می شود؛ همچنین بخشی از کلماتی که به تنهائی در فرمهای مختلف قابل صرف نیستند، به کمک این فعل صرف می شوند:

فعل « اول » به تنهائی و یا در ترکیب با کلمات دیگر به شکل زیر صرف می شود:

- آینده نزدیک: من اولارام، سن اولارسان، او اولار و ...

- آینده دور: من اولاجاغام، سن اولاجاقسان، او اولاجاق و ...

- فعل مصدری در زمان حال: من اولماقدایام، سن اولماقداسان، او اولماقدادیر

- ترکیب فعل کمکی « اولماق » با « بیلملک »:

من اولاپیرم ، سن اولاپیرسن ، او اولاپیلر (بُو ایش اولاپیلر). و ...

- ترکیب فعل کمکی « اول » با علامت « ملی » با فعل بیل :

من گلملی اولاپیرم ، او گلملی اولاپیلر ، بیز گلملی اولاپیلریک و ...

- ترکیب فعل « اول » با فعل مصدری و با فعل « بیل » :

من گلملکده اولاپیرم ، سن گلملکده اولاپیله سن ، او گلملکده اولاپیله ر و ...

کلمات مختلف به کمک فعل « اول » به شکل زیر در زمان حال صرف می شوند:

بیز مهندس اولوروق	mən mühəndis oluram	من مهندس اولورام
سیز مهندس اولورسونوز	sən mohəndes olursan	سن مهندس اولورسان
اونلار مهندس اولورلار	o mohəndes olur	او مهندس اولور

اونلار یاوش یاوش یولداش اولورلار. بیز یاوش یاوش یاشلى اولوروق.

- کلمات مختلف به شکل زیر با فعل « اول » در زمان آینده نزدیک صرف می شوند:

بیز دمیرچی اولاریق	mən dəmirçi olaram	من دمیرچی اولارام
سیز دمیرچی اولارسینیز	sən dəmirçi olarsan	سن دمیرچی اولارسان
اونلار دمیرچی اولار(دیر) لار	o dəmirçi olar(dır) (lar)	او دمیرچی اولار(دیر) لار

- من درس اوخویوب مهندس اولارام. بیز اؤره نیب اوستا اولاریق.

آینده دور: من اورتمن (معلم) اولا جاغام، سن اورتمن اولا جاقسان، او اورتمن اولا جاق  
بیز اورتمن اولا جاغیق، سیز اورتمن اولا جاقسینیز، اونلار اورتمن اولا جاقلار و..  
- کلمه سازی در ترکیب با فعل «اول»:

بیر اولماق، یاردیم اولماق، صبیرلی اولماق، یولداش اولماق، نه بالا اولماق، زیرنک اولماق،  
تببل اولماق، عقیللی اولماق، سئفعح اولماق، قدرتلی اولماق، برك اولماق، جمع اولماق،  
پؤللو اولماق، دانیشیق اولماق، ساواش اولماق، ال بیر اولماق، تصادف اولماق، متخد اولماق،  
گلملی اولماق، گولملی اولماق و...

### ۱۱-۱) فعل کمکی «وار»:

فعل «وار»، از ریشه مصدر «وارماق» مشتق شده و به تنهاei و يا در ترکیب با افعال و کلمات  
دیگر به شکل زیر به وسیله فعل «ایمک» (با مفهوم: من هستم، من زنده ام، من موجود  
هستم) برای ضمایر شخصی صرف می شود:

a) فعل «وار» (موجود، زنده است) به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:  
من وارام mən varam ، سن وارسان sən varsan ، او واردیر o vardır ، بیز واریق،  
سیز وارسینیز ، اونلار واردیرلار و...

b) فعل «وار» در زمان حال با مفهوم «رسیدن» برای ضمایر شخصی صرف می شود:  
من واریرام mən varıram ، سن واریرسان sən varırsan ، او واریر (dır) o varır ،  
بیز واریریق، سیز واریرسینیز، اونلار واریر (دیر) لار.

c) فعل «وار» به شکل زیر در زمان آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می شود:  
من وارارام mən vararam ، سن وارارسان sən vararsan ، او وارار(دیر) o varar ،  
بیز واراریق، سیز وارارسینیز، اونلار وارار(دیر) لار و...

d) فعل «وار» به شکل زیر در زمان آینده دور برای ضمایر شخصی صرف می شود:  
من واراجاغام mən varacağam ، سن واراجاقسان sən varacaqsan ، او واراجاقدیر،  
بیز واراجاغیق، سیز واراجاقسینیز، اونلار واراجاقلار و...

- فعل «وار» با فعل کمکی «بیل» ترکیب می‌یابد و در زمان حال صرف می‌شود:

من وارا بیلیرم ،	او وارا بیلیرسن ،	سن وارا بیلیرسین ،
بیز وارا بیلیریك ،	اونلار وارا بیلیرسینیز ،	سیز وارا بیلیرسینیز ،

- فعل «وار» به شکل زیر با فعل کمکی «بیل» و یا با علامت آینده دور صرف می‌شود:

من وارا بیله جه یم ،	او وارا بیله جک سن ،	سن وارا بیله جک سن ،
بیز وارا بیله جه ییك ،	اونلار وارا بیله جک سینیز ،	سیز وارا بیله جک سینیز ،

- فعل «وار» با ضمیر ملکی به عنوان دارایی داشتن نیز صرف می‌شود:

منیم واریم وار ،	سنین وارین وار ،	اونون واری وار ،
بیزیم واریمیز وار ،	سیزین وارینیز وار ،	اونلارین واری وار ،
واری چوخ ،	واری واردیر ،	واری یۇخ ، و ...

- فعل «وار» در ترکیبات مختلف:

صبری وار، زحمتی وار، اینتقادی وار، کمکی وار( یاردیمی وار)، علاقه سی وار،  
قارداشی وار، موشکولو وار، دوامی وار، سلامی وار، یۇلداشی وار و ...  
وار اولوم، وار اول، وار اولسون، وار اولاق، وار اولسونلار و ...  
پۇلو وار، عقلی( عغلی) وار، ادبی وار، سوادی وار، واری اولماق ،  
وارسیز اولماق، وارلى اولماق، وار اولا بیلمک، وارا بیلرم، وارماقدا اولماق،  
وارلیق، وارلیغیم، وار لیغیمیز، وارلیقلاری و ...  
وارا بیلمکده یم، وارا بیلمکده سن، وارا بیلمکده دیر.

اورایا وارماق، وارماق اولور، اورایا وارماق گىرك. عجله سی وار، اصولو وار  
نه کی واری ( هر چیزی که هست )، نه وار نه یۇخ و ...

- فعل «وار» در فرم الترامی:

در فرم فعل : وارمالی يام ، وارمالی اولماق، وارمالی اولماقدایام، وارمالی اولا بیلرم و ...  
در فرم جمله : وارمالی گىرك. گىرك وارام. وارا بیله م گىرك.  
الرامی واردیر. لزومو واردیر. الترامی وار.

## ۱۱-۱۱) فعل کمکی ائدمک (ائتمک):

فعل کمکی «ائد» از ریشه مصدر «ائدمک (ائتمک)» مشتق شده، که به شکل زیر به تنهاei و یا در ترکیب با کلمات مختلف برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

فعل در زمان حال: من ائدیرم، سن ائدیرسн، او ائدیر بیز ائدیریک، سیز ائدیرسینیز، اونلار ائدیرلر من اونا یاردیم ائده رم. بیز اونلار ایله ایتحاد ائدیریک.

فعل در زمان آینده نزدیک: ( مصدر: ائدمک )

من ائدرم، سن ائدرسн، او ائدر بیز ائدریک، سیز ائدرسینیز، اونلار ائدرلر من همیشه اونا یاردیم ائدیرم. من اونا دقیقت ائدیرم.

فعل «ائد» از مصدر «ائدمک» در ترکیبات مختلف:

صبر ائدیرم، صبر ائدیر سن، صبر ائدیر، صبر ائدیریک، صبر ائدیرسینیز، صبر ائدیرلر،  
صبر ائدمک، بؤیوک ائدمک، دوام ائدمک، قۇللوق ائدمک، راحات ائدمک، تضاهر  
ائدمک، رقابت ائدمک، اعتصاب ائدمک، اعتماد ائدمک و...  
لمس ائدمک، من لمس ائدیرم، سن لمس ائدیرسн، او لمس ائدیر، بیز لمس ائدیریک،  
سیز لمس ائدیرسینیز، اونلار لمس ائدیرلر رنگ ائدمک، اوچوز ائدمک، باها ائدمک،  
تقلب ائدمک، قاچاق ائدمک، قاچاقچیلیق ائدمک، شوکر ائدمک، نصیحت ائدمک،  
تجزیه ائدمک، اینشاء ائدمک و...

استثمار ائدمک، استعمار ائدمک، اشغال ائدمک، تجاوز ائدمک، تحریک ائدمک و...  
ترجمه ائدمک، من ترجمه ائدیرم، سن ترجمه ائدیرسн، او ترجمه ائدیر و...  
اتحاد ائدمک، بولداش ائدمک، ایسى ائدمک، دوام ائدمک، موشكول ائدمک و...  
عاشق ائدمک، نشانلى ائدمک، ظلوم ائدمک، پىسلیك ائدمک، قۇرو ائدمک و...  
لچ ائدمک، لجاجت ائدمک، انتقاد ائدمک، خدمت ائدمک، جفا ائدمک و...  
ایتحاد ائدمک، بیرلیك ائدمک، بولداشلیق ائدمک، دۇسلوق ائدمک، قارداشلیق ائدمک،  
محبت ائدمک، ياخشىلیق ائدمک، اوستالیق ائدمک و...

## ۱۲) فعل التزامی و فرمهای مختلف آن:

افعال و کلمات التزامی کلماتی هستند که الزامی بودن کار را در خود انعکاس می‌دهند. افعال و کلمات التزامی در زبان ترکی به اشکال مختلف زیر بیان می‌شوند:

- a) پسوند « ملی »، علامتی است که به فعل پیوند می‌خورد و آن را به فعل التزامی تبدیل می‌کند و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود.
- b) فعل « گرک »، از مصدر « گر کملک » مشتق می‌شود، که همانند سایر افعال برای ضمایر شخصی صرف شده و یا با افعال دیگر به کار گرفته می‌شود.
- c) کلمه صفتی « زُور » به وسیله افعال کمکی در جمله با مفهوم التزامی به کار گرفته می‌شود.
- d) کلمات عربی الزامی، التزامی، لازم، مجبور، اجبار، و... با پسوندها و یا با افعال کمکی ترکی ترکیب یافته و به شکل کلمات التزامی در جمله به کار گرفته می‌شوند.

### ۱۲-۱) فعل التزامی با پسوند « ملی »:

پسوند « ملی » علامت التزامی است، که به شکل پسوند به فعل پیوند می‌خورد و به کملک فعل « ایمک » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود.

حروف صدادار علامت التزامی (məlɪ) وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است، که اولین حرف صدادار آن با هماهنگی کوچک (ə ، a) و دومین حرف صدادار آن با هماهنگی بزرگ (ı ، ı) برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ə » می‌باشد:

biz	gəlməliyik	بیز	گلملییک	mən	gəlməliyəm	من	گلملییم
siz	gəlməlisiniz	سیز	گلملی سینیز	sən	gəlməlisən	سن	گلملی سن
onlar	gəlməlidirlər	اونلار	گلملی دیرلر	o	gəlməlidir	او	گلملی دیر

من بُ ایل سرباز گتملییم.

منیم آتاب و آنام قوچالیبیلار، من اونلارا یاردیم ائتملی یم.

منیم یولداشیم ناخوشدور، من بُگون گندیب اونو گؤرملی یم.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف « ئ، ة، ئ، ئ، ئ » باشد، به شکل زیر با علامت « ملی » صرف می‌شود. مثال:

سوزملی یم	گُورملی یم	ایچملی یم	گَندملی یم	سَرملي یم	من
سوزملی سن	گُورملی سن	ایچملی سن	گَندملی سن	سَرملي سن	سن
سوزملی دیر	گُورملی دیر	ایچملی دیر	گَندملی دیر	سَرملي دیر	او
سوزملی بیک	گُورملی بیک	ایچملی بیک	گَندملی بیک	سَرملي بیک	بیز
سوزملی سینیز	گُورملی سینیز	ایچملی سینیز	گَندملی سینیز	سَرملي سینیز	سینیز
سوزملی دیرلر	گُورملی دیرلر	ایچملی دیرلر	گَندملی دیرلر	سَرملي دیرلر	اونلار

- در رابطه با به کار گیری فعل التزامی به اشعار زیر نیز توجه کنید:

صابر طاهرزاده:

بر بهانه الده عنوان ائتملی بُوندان سورا

فَكَرْ تدریس ائدن اشخاصی كنار ائتملی بیز

هرناسیل اولسا بُو بیدینلری زار ائتملی بیز

آتیب اینسالیغی بالجمله عوام اولمالی بیز.....

- افعال مذکور به شکل زیر در شکل التزامی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی		ریشه افعال					علامت التزامی			صرف فعل ایمک	
mən		gəl	get	iç	gül	dön	məli		yəm	sən	اگر در صرف افعال برای
sən		gəl	get	iç	gül	dön	məli		dir	dir	اول شخص مفرد و جمع دو
o	{	gəl	get	iç	gül	dön	məli	{	yik	yik	حرف صدادار در کنارهم قرار
biz		gəl	get	iç	gül	dön	məli		siniz	siniz	گیرند ، مایین آنها بیک حرف
siz		gəl	get	iç	gül	dön	məli		dirlər	dirlər	تکمیلی « y » اضافه می‌شود.
on,lar		gəl	get	iç	gül	dön	məli				

پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و به حرف « a » ختم شود، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz almalıyıq	آلمالی بق	بیز	mən almaliyam	آلمالی یام
siz almalısınız	آلمالی سینیز	سیز	sən almalısan	آلمالی سان
onlar almalıdırlar	آلمالی دیر لار	او نلار	o almalıdır	آلمالی دیر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این چهار حرف «ا, ى, ۇ, ئ» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

قۇرمالى یام	سۇرمالى یام	بىيەممالى یام	قالمالى یام	من
قۇرمالى سان	سۇرمالى سان	بىيەممالى سان	قالمالى سان	سن
قۇرمالى دیر	سۇرمالى دیر	بىيەممالى دیر	قالمالى دیر	او
قۇرمالى بېق	سۇرمالى بېق	بىيەممالى بېق	قالمالى بېق	بیز
قۇرمالى سینیز	سۇرمالى سینیز	بىيەممالى سینیز	قالمالى سینیز	سیز
قۇرمالى دیر لار	سۇرمالى دیر لار	بىيەممالى دیر لار	قالمالى دیر لار	او نلار

شیروانی خاقانی: عاشقین سیماسی سارالمالیدیر، آرا بیر او زونو تر آلمالیدیر.

قوپینونا آی او زلی نگار آلانین، جیبیندە بیر قۇجاق زر او لمالیدیر

- افعال مذکور به شکل زیر در فرم التزامی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می شوند:

ضمایر شخصی	ریشه افعال	پسوند التزامی	پسوند صرفی				
	qal	yıq	sor	qur	mali	yalı	yan

mən	{}	qal	yıq	sor	qur	{}	mali	{}	yalı	{}	yan	پسوند صرفی اول
sən		qal	yıq	sor	qur		mali		san			شخص مفرد و جمع
o		qal	yıq	sor	qur		mali		(dır)			بک «y» تکمیلی
biz		qal	yıq	sor	qur		mali		yıq			به خود می گیرد.
siz		qal	yıq	sor	qur		mali		sınız			
on,lar		qal	yıq	sor	qur		mali		dır,lar			

من دۇرمالى یام، من او خومالى یام، من دۇنمالى یام و ..

۱۲-۲) فعل التزامی با علامت «ملی»، به تنهائی در فرمهای دیگر (به جز گذشته) قابل صرف نیست، ولی آن را می‌توان در ترکیب با فعل کمکی «اول» و «بیل» به شکل زیر در فرمهای مختلف به کار گرفت. مثال:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر به کمک فعل «اول» در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	gəlməli, ol ur uq	mən gəl məli, ol ur am	من گلملى اوْلورام
siz	gəlməli, ol ur sunuz	sən gəl məli, ol ur san	سن گلملى اوْلورسان
onlar	gəlməli, ol ur (dur) lar	o gəl məli, ol ur (dur)	او گلملى اوْلور

ساعت آلتى اولور، منيم داهى بۇرادا قالماغا واختىم يۇخ، من ايندى يواش يواش گىتملى اولورام.  
من بۇرادا آج و سوسوز قالميشام، يواش يواش ائوه گىدملى اولورام.  
بىز نىچە گونه جان گىتمىلە، اولوروق.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر شخصی، صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود:

توجه: چنانکه در جدول مذکور مشاهده می‌شود، حرف صدادار علامت التزامی (ملی) وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود و حرف صدادار علامت زمان حال و پسوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود می‌باشد.

## ۱۲-۳) فعل التزامی همراه پسوند « ملی » به شکل زیر به کمک فعل « اول » در زمان آینده نزدیک به کارگرفته می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر به کمک فعل « اول » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gəlməli, ol ar iq	mən gəlməli, olar am	من گلملى اوْلارام
siz gəlməli, ol ar siniz	sən gəlməli, ol ar san	سن گلملى اوْلارسان
onlar gəlməli, ol ar(dır)lar	o gəlməli, ol ar(dır)	او گلملى اوْلار( دير )

من بُو ايل سرباز گئىدىمىلى اوْلارام. يواش يواش سىنە سرباز گىتىمىلى اوْلورسان. و... .

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در زمان آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند صرفی	علامت التزامی	فعل کمکی	ریشه افعان	ضمایر شخصی
am		ar	ال	mən
san		ar	ال	sən
dır		ar	ال	o
iq		ar	ال	biz
siniz		ar	ال	siz
dırlar		ar	ال	onlar

پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

توجه: چنانکه در جدول مذکور مشاهده می‌شود، حرف صدادار علامت التزامی ( məli ) وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود و حرف صدادار علامت آینده نزدیک و پسوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود ( o ) می‌باشد.

او گلملى دير. او گولملى دير. او گولملى اوْلوردور.

۱۲-۳) فعل التزامی با علامت « ملی » به شکل زیر به کمک فعل « اول » در زمان آینده دور به کارگرفته میشود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر به کمک فعل « اول » در زمان آینده دور برای ضمایر شخصی صرف میشود:

biz gəlməli,ol acağıq	mən gəlməli,ol acağ am	من گلملى او لاجاغام
siz gəlməli,ol acaqsınız	sən gəlməli,ol acaqsan	سن گلملى او لاجاقسان
onlar gəlməli,ol acaqlar	o gəlməli,ol acaq(dır)	او گلملى او لاجاق (دیر)

من بۇ ايل سرباز گىدملى او لاجاغام.

منيم يۇلداشيم ناخوش اولورسا، من گىدىپ اونو گۈرملى او لاجاغام.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر صرف و به بخشهاي مختلف تجزيه میشود. مثال:

ضمایر شخصی	ال	ریشه افع	علامت التزامی	فعل کمکی	علامت آینده دور	پسوند صرفی				
mən		gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	acağ	am
sən		gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	acaq	san
o	{	gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	acaq	dır
biz		gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	acağ	ıq
siz		gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	acaq	sınız
on,lar		gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	acaq	lar

- چنانکه در جدول مذکور مشاهده میشود، حرف صدادار علامت التزامی (ملی) وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود و حرف صدادار علامت آینده و پسوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود ( ا ) میباشد.

توجه: علامت آینده دور « آجاق acaq » است، که در صرف برای اول شخص مفرد و

جمع ، آخرین حرف آن ( q ) ما بين دو حرف صدادار قرارگرفته و به شکل « ڭ »

( acağam ، acağıq ) صرف میشود.

۱۲-۵) فعل التزامی با پسوند « ملی » به شکل زیر با فعل کمکی « اول » در فرم فعل مصدری در زمان حال به کارگرفته می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	gəlməli,olmaqdayıq	mən	gəlməli,olmaqday am	من گلملى اوْلماقدايام
siz	gəlməli,olmaqda,sınız	sən	gəlməli,olmaqda san	سن گلملى اوْلماقداسان
onlar	gəlməli,olmaqda,dırlar	o	gəlməli,olmaqda dır	او گلملى اوْلماقدا دير

ایندی چوخ قاریاغیر، بیز بُوگون بُورادا قالمالى اوْلماقدایق.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ال	ریشه افعـ	علامت التزامی	فعل کمکی	علامت مصدری	علامت فعل مصدری	پسوند صرفی			
mən	gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	maq	da	yam
sən	gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	maq	da	san
o	gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	maq	da	dır
biz	gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	maq	da	yıq
siz	gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	maq	da	sınız
on,lar	gəl	get	iç	gül	dön	məli	ol	maq	da	dırlar

↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑

حرف صدادار علامت التزامی وابسته به فعل ما قبل خود می‌باشد.

- چنانکه در جدول مذکور مشاهده می‌شود، حرف صدادار علامت التزامی (məli) وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود می‌باشد؛ در صورتی که حرف صدادار پسوند مصدری (maq) علامت فعل مصدری (da) و پسوند صرفی (am) وابسته به حرف صدادار فعل ما قبل خود (ol) می‌باشد.

۱۲-۶) فعل التزامی با پسوند « ملی »، با فعل کمکی « اول » و « بیل » ترکیب می‌باید و به شکل زیر در زمان آینده دور به کارگرفته می‌شود. مثال:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر همراه با فعل «اول» و «بیل» در زمان آینده دور برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz qəlməli olabiləcəyik	mən qəlməli olabiləcəyəm	من گلملى اولا ييله جيم
siz qəlməli olabiləcəksiniz	sən qəlməli olabiləcəksən	سن گلملى اولا ييله جكسن
onlar qəlməli olabiləcəklər	o qəlməli olabiləcəkdir	او گلملى اولا ييله جكدير

گلملى اولا ييله جيم. (من به آمدن مجبور خواهم شد).

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر صرف می‌شود:

بیز آلمالى اولا ييله جه ييك	mən almalı olabiləcəyəm	من آلمالى اولا ييله جيم
سیز آلمالى اولا ييله جکسینیز	sən almalı olabiləcəksən	سن آلمالى اولا ييله جكسن
اونلار آلمالى اولا ييله جکلر	o almalı olabiləcəkdir	او آلمالى اولا ييله جكدير

اگر سیزه، ائوه بَرَك (چُوخ) احتیاجین اولورسا، بُۇ ائولردن بیرینی آلمالى اولا ييله جکسن.  
- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف «a, o, u, i» باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند صرفی	علامت آینده	فعل کمکی	میانوند	علامت الترامی	ریشه افعانی	ضمایر شخصی
əm	əcəy	bil	ol	mali	qal	mən
sən	əcək	bil	a	malı	yığ	sən
dir	əcək	bil	ol	{ malı	sor	o
ik	əcəy	bil	a	{ malı	dur	{ biz
siniz	əcək	bil	ol	{ malı		{ siz
lər	əcək	bil	a	{ malı		{ onlar

این میانوند تنها با فعل کمکی «بیل» به کار گرفته می‌شود.

قانمالی اولا ييله جه ييم: من قانماغا مجبور اولا ييله جه ييم.

۱۲-۷) فعل الترامی (با پسوند «ملی») را می‌توان با فعل کمکی «اول» و «بیل» ترکیب داد و به شکل زیر در آینده نزدیک به کار گرفت:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف « a » ختم شود، به شکل زیر با علامت الترامی و فعل کمکی « اول » و « بیل »، ترکیب یافته و صرف می شود:

biz	qəlməli olabilərik	بیز گلملى او لا بیلریک	mən qəlməli olabilərəm	من گلملى او لا بیلرم
siz	qəlməli olabilərsiniz	سیز گلملى او لا بیلرسینیز	sən qəlməli olabilərsən	سن گلملى او لا بیلرسن
onlar	qəlməli olabilərlər	اونلار گلملى او لا بیلرلر	o qəlməli olabilər	او گلملى او لا بیلر (dir) دیر

- ایندی چوخ قار یاغیر، بوجور یاغارسا بیز بورادا قالمالى او لا بیلریک.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و به حرف « a » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	almalı olabilərik	بیز آلمالى او لا بیلریک	mən almalı olabilərəm	من آلمالى او لا بیلرم
siz	almalı olabilərsiniz	سیز آلمالى او لا بیلرسینیز	sən almalı olabilərsən	سن آلمالى او لا بیلرسن
onlar	almalı olabilərlər	اونلار آلمالى او لا بیلرلر	o almalı olabilərdir	او آلمالى او لا بیلر دیر

سین بُ ماشینین خارابدیر، اگر ایندی بُ او جوزلو ماشینی لاردان بیرینی آلماسان، گله جك هفته لرده چوخ باهالی ماشین آلمالى او لا بیلرسن.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « a, o, u, i » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخشها م مختلف تجزیه می شود:

ضمایر شخصی	ال	فعـال	ریشه افعـال	علامت الترامی	فعل کمکی	میانوند	فعل کمکی	علامت آینده	فعل کمکی	پسوند صرفی						
mən			qal yığ sor dur			malı ol			a bil	ər əm						
sən			qal yığ sor dur			malı ol			a bil	ər sən						
o			qal yığ sor dur			malı ol			a bil	ər dir						
biz			qal yığ sor dur			malı ol			a bil	ər ik						
siz			qal yığ sor dur			malı ol			a bil	ər siniz						
on,lar			qal yığ sor dur			malı ol			a bil	ər lər						
علامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می شود.																
پسوند صرفی این چهار ضمیر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می شود.																

اولا بیلر کی سنه بیر گون اورادا قالمالى او لا بیلرسن.

اولاً بیلر کی سنده بیر گون منیم کیبی، بۇرا دا يېر سالمالى اولاً بیلر سن.

## ۸-۱۲) فعل التزامی « گرك »:

فعل « گرك »، از مصدر « گركمك » مشتق شده و به شکل فعل التزامی در فرمهای مختلف با مفهومی همچون « بايستن ، لایق ، حال ، واجب ، اجبار بودن » به کارگرفته می شود. فعل « گرك » به شکل زیر به تنهایی و یا در کنار افعال دیگر به طرق مختلف برای ضمایر شخصی صرف می شود:

صرف کلمه التزامی « گرك » در زمان حال با حالت « به »، با مفهوم « بايستن ، لایق بودن ، لازم بودن » به کارگرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

او منه گركىر	سن منه گركىرسن	من سنه گركىرىم
اونلار بىزه گركىرلىر	سېز بىزه گركىرسىنىز	بىز سېزه گركىرىك

فعل « گرك » با حالت « به »، در زمان آینده نزدیک صرف می شود:

من سنه گركىرم ، سن منه گركىرسن ، او منه گركىر ،  
بىز سېزه گركىرىك ، سېز بىزه گركىرسىنىز ، اونلار بىزه گركىرلىر.

- کلمه التزامی « گرك » به شکل زیر در کنار افعال آرزوئی صرف می شود:

او گئده گرك	سن گئده سن گرك	من گئدم گرك
اونلار گئده لر گرك	سېز گئده سىنىز گرك	بىز گئده ل گرك

جای فعل « گرك » را می توان در جمله با فعل پس و پیش کرد:

او گرك گله	سن گرك گله سن	من گرك گلم
اونلار گرك گله لر	سېز گرك گله سىنىز	بىز گرك گله ل

او گرك گله: او باید بیاید. او باید آمدنی باشد. ( او برای آمدن باید مجبور باشد.)

من گرك گلم، من گرك گئدم، من گرك گولمه يم، سن گرك گولمه يه سن

شعری از واحد: بير آن فقرا صنفى گرك ياتمايا راحت عترت له فقط با خمالی احرار زمانی

کلمه التزامی «گرك» را می‌توان با سایر افعال به شکل زیر در فرم امری نیز برای ضمایر شخصی صرف کرد:

من گرك اولوم	من گرك اول (این فعل صرف نمی‌شود.)	او گرك اولسون
بیز گرك اولاق	سیز گرك اولا سینیز	اونلار گرك اولالار لر

- در جمله می‌توان جای فعل صرف شده را با کلمه «گرك» عوض کرد. مثال:

من اولوم گرك ، او اولاق گرك ، بیز اولاق گرك و ...

مهدی اعتماد: بولبول گرك اوز عشقینی دائم گوله سالسین

گولده گرك اوز کولگه سینی بولبوله سالسین

واحد: یارین سرکویننده، گرك مسکنیم اولسون

جنت آدى چڪسم، منه تاري غييم اولسون

کلمه التزامی «گرك» همراه حالت با واسطه «به» (با مفهوم «لایق بودن») به شکل زیر به کملک فعل «ایمک» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz sizə gərəkik	بیز سیزه گرکیک	mən sənə gərəkəm	من سنه گركم
siz bize gərəksiniz	سیز بیزه گرکسینیز	sən mənə gərəksən	سن منه گركسن
onlar sizə gərəkdirler	اونلار سیزه گرکدیرلر	o mənə gərək( dir )	او منه گرك (دیر)

اونا بنزرن بير قيز سنه گركیک. او قیز منه ده گركیک.

- فعل مصدر «بیلمک» با ضمیر ملکی همراه کلمه التزامی «گرك» به شکل زیر در کنار هم قرار گرفته و با مفهوم آینده نا مشخص صرف می‌شود:

منیم گله بیلمه بیم گرك	سینین گله بیلمه بین گرك	اوونون گله بیلمه بی (سی) گرك
بیزیم گله بیلمه بیمیز گرك	سیزین گله بیلمه بی نیز گرك	اوونلارین گله بیلمه بی لری گرك

کلمه مصدری همراه ضمیر ملکی با کلمه التزامی «گرك» به شکل زیر در زمان حال صرف می‌شود:

(a) منیم تورکجه ائره نمه يیم گرکیر. بیزیم ايشله مه يیمیز گرکیر.

(b) بُ ایشى سۇنا چاتتیرماق گرکیر. بُ ایشى باشا چاتتیرماق بیزه گرکمیرمی؟

- مصدری که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، همراه ضمیر ملکی به شکل زیر با

فعل التزامی «گرک» در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیزیم گلمه يیمیز گرکیر	mənim gəlməyim gərəkir.	منیم گلمه يیم گرکیر.
سیزین گلمه يینیز گرکیر	sənin gəlməyin gərəkir.	سینین گلمه يین گرکیر.
اونلارین گلمکلری گرکیر	onun gəlməyi gərəkir.	اونون گلمه يی گرکیر.

منیم تبریزده واجیب ایش اولدوغوم اوچون، بیر هفته اورایا گئتمه يیم گرکیر.

من خارجه يه گئده حیم؛ منیم پاسپورت آلماغیم گرکیر. خارجیه گئدنین پاسپورت اولماگی گرکیر.

- مصدری که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر با ضمیر ملکی و

فعل التزامی «گرک» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیزیم قالماغیمیز گرکیر	mənim qalmağım gərəkir.	منیم قالماغیم گرکیر.
سیزین قالماغینیز گرکیر	sənin qalmağın gərəkir.	سینین قالماغین گرکیر.
اونلارین قالماقلاری گرکیر	onun qalmağı gərəkir.	اونون قالماقی گرکیر.

صرف مصدر با ضمایر ملکی همراه کلمه التزامی «گرک» به شکل زیر صرف می‌شود:

اونون گئتمه يین گرک	سینین گئتمه يین (سی) گرک	منیم گئتمه يیم گرک
اونلارین گئتمه يینیز گرک	سیزین گئتمه يینیز گرک	بیزیم گئتمه يیمیز گرک

کلمه مصدری را می‌توان با کلمه التزامی «گرک» ترکیب داد و با حالت «به» در کنار هم برای ضمایر شخصی صرف کرد. مثال:

بُ سوزو منه دئمک گرک، سنه دئمک گرک، اونا دئمک گرک و ...

در رابطه با فعل مذکور به شعری از خطائی (شاه اسماعیل) توجه کنید:

ياز ميشام بُ رقעה نى، اول (او) ياره گؤندرمک گرک.

زار احوالوم (احوالیم) منوم (منیم) دلداره گؤندرملک گرک.

هر کیمین کیم، دردی وار، درمانه گؤندرملک گرک.

هر کیمین کیم، دردی بوخ، ویرانه گؤندرملک گرک.

کلمه مصدری همراه ضمیر ملکی و فعل التزامی «گرک» با علامت آینده نزدیک به شکل زیر در فرم سوم شخص مفرد (پسوند «دیر») صرف می‌شود:

منیم	قالماغیم	گرکرdir	mənim qalmağım gərəkərdir
سینین	قالماغین	گرکرdir	sənin qalmağın gərəkərdir
اوونلارین	قالماقلاری	گرکرdir	onun qalmağı gərəkərdir

منیم گئچن آی ایمتحانیم وار ایدی، اوونون اوچون اوچ هفته تبریزه قالماغیم گرکیر دیر.

مصدر مذکور با ضمیر ملکی و فعل «گرک» در آینده نزدیک به شکل زیر در فرم سوم شخص مفرد (بدون پسوند صرفی «دیر») صرف می‌شود:

منیم	گلمه بیم	گرکر
سینین	گلمه بین	گرکر
اوونلارین	گلمکلری	گرکر

- در رابطه با فعل التزامی گرک، به صرف فعل شک و تردید نیز توجه کنید.

فعل التزامی «گرک» در رابطه با فعل آرزوی غیر واقعی و... نیز به کارگرفته می‌شود.

- در رابطه با صرف فعل التزامی «گرگ» به اشعار زیر توجه کنید:

علی واحد: گرکدیر بولبولون گوله جفاسین چکسین عشق ایچره

نه اوغلان قىزدان آرتىقىدىر، نه قىز اسكيكىدىر اوغلاندان

بختىار وهاب زاده: «سن گركسن منه» - سئيلر كن اوتناندىم دئزۇ من،

سن گركسن منه، واللاه، بۇ گرکدن اويانا.

على واحد: اينانمايايدىم، آزه لدن او جان آلانا گرک

اونو سئوينجه، بۇ گؤنلوم دئنيدى قانه گرک

## ۱۲-۹) کلمه التزامی زُور :

کلمه «زُور» کلمه وصفی است که در ترکیبات و مفاهیم مختلف به کارگرفته می‌شود:

- کلمه زُور با پسوند «لا» ترکیب می‌یابد و به شکل فعل صرف می‌شود:

زُورلاماق: زورلارام، زورلارسان، زورلار، زورلاریق، زورلارسینیز، زورلارلار

- کلمه «زُور» در ترکیبات مختلف به شکل زیر به کارگرفته می‌شود:

زُور ائدمک، زور وئرمک، زور ائیله مک، زُورا باسماق، زُورا قالماق، زُور گونه قالماق و...

زُور دئمک: زُور دئیرم، زُور دئیرسن، زُور دئیر، زُور دئیریک، زُور دئیرسینیز و...

زُوردا قالماق: زُوردا قالیرام، زُوردا قالیرسان، زُوردا قالیر، زُوردا قالیریق، زُوردا قالیرسینیز و...

زُوردا قویماق: زُوردا قویورام، زُوردا قویورسان، زُوردا قویور، زُوردا قویوروق و...

زُورا باسماق: زُورا باسیرام، زُورا باسیرسان، زُورا باسیر، زُورا باسیریق، زُورا باسیرسینیز و...

زُور ایسته مک، زُورلا آنلاماق، زُورلا آنلاما، زورلا بیلدیرمک، زُورلا ائشیدمک و...

او اوْزوно زُورا باسیرکی بیر ائوآلا. o özünü zora basır ki bir ev ala.

سن اوْزوно بیر آز زُورا باس، بیر آز پُول قازان. اوْزوно پُولдан اوْترو زُورا باسما.

او زُورا قالیدیر. اوْنو زُورا باسیلار. اوْنا زُور دئیرلر. زُور قبول ائتمک. و...

- صرف کلمات مختلف دیگر التزامی:

## ۱۲-۱۰) کلمه التزامی «لازم»:

کلمه «لازم» در زبان ترکی به دو شکل «lazım» و «lazım» بیان می‌شود و به شرح زیر به

نهائی و یا با کلمات دیگر به وسیله فعل «ایمک» صرف می‌شود:

biz lazım iq	بیز لازیمیق	mən lazım am	من لازیمام
siz lazım siziz	سیز لازیم سینیز	sən lazım san	سن لازیمسان
onlar lazım dirlar	اونلار لازیم دیرلار	o lazım dır	او لازیم دیر

- بُ ماشین بیزه لازیم دیر. سیز گتنه میین، بُگون بُورادا لازیم سینیز. یاشار بُگون بُورادا لازیمدیر.

کلمه «لازم» با حالت با واسطه «به»:

- کلمه «لازم» همراه حالت «به» و پسوند صرفی در شکل سوم شخص (دیر) برای

ضمایر شخصی صرف می شود. مثال: ( به من لازم می شود.)

منه لازیم دیر، سنه لازیم دیر، او نا لازیم دیر، بیزه لازیم دیر، سیزه لازیم دیر، اونلارا لازیم دیر.

bize kitab lazımdır.	بیزه کیتاب لازیمدیر.	mənə kitab lazımdır.	منه کیتاب لازیمدیر.
sizə kitab lazımdır.	سیزه کیتاب لازیمدیر.	sənə kitab lazımdır.	سنه کیتاب لازیمدیر.
onlara kitab lazımdır.	اونلارا کیتاب لازیمدیر.	ona kitab lazımdır.	أونا کیتاب لازیم دیر.

منه بیر آز پول لازیم دیر. منه بیر ماشین لازیم دیر. مینم ائویم یۇخدور، منه بیر او لازیم دیر.

- صرف کلمه لازیم در فرمهای مختلف:

بیزه پول لازیم دیر.	بیزه سو لازیم دیر.	بیزه چۈرك لازیمدیر.
بیزه آزادلیق لازیم دیر.	بیزه قانون لازیم دیر.	بیزه ایش لازیم دیر.
بیزه باشاریق لازیم دیر.	بیزه محبت لازیم دیر.	بیزه اینسانلیق لازیم دیر.

منم ائوه گىتمە بیم لازیم دیر. ( اضافه ملکی و مصدر) ( mənim evə getməyim lazımdır.)

بیزه يىمك لازیم دیر. ( با واسطه « به » و مصدر) ( bize yemək lazımdır.)

او شاقلا را يىمك لازیم دیر. ( uşaqlara yemək lazımdır.)

منم او رايما گىتمە بیم لازیم دیر، سنين بۇرادا قالماغىن بیزه لازیم دیر.

اونون او رايما گىتمە بى لازیمدیر، بیزیم او رايما گىتمە يىمیز لازیم دیر.

سيزىن او رايما گىتمە يىنیز لازیم دیر. اونلارین او رايما گىتمە كلىرى لازیمدیر.

او منه لازیم اولار. او سنه لازیم اولور. او سنه لازیم او لاچاق. او سنه لازیم او لا بىلر. و ...

١١-١٢) فعل التزامی با کلمه « مجبور»:

کلمه « مجبور»، کلمه التزامی است که به وسیله پسوند و يا افعال کمکی صرف می شود. از اینکه آخرین حرف صدادار کلمه « مجبور məcbur » ، حرف « ل » با آهنگ پائینی است ،

در نتیجه پسوندهای آن با حروف صدادار با آهنگ پائینی صرف می شوند:

من مجبورام، سن مجبورسان، او مجبوردور

بیز مجبوروق، سیز مجبورسونوز، اونلار مجبوردۇلار

- مجبور با فعل « اول » در زمان حال:

من مجبور اولورام، سن مجبور اولورسان، او مجبور اولور و...

- مجبور با فعل اولماق در زمان آینده نزدیک:

من مجبور اولارام، سن مجبور اولارسان، او مجبور اولار و...

- مجبور با فعل اولماق در زمان آینده دور:

من مجبور اولاچاغام، سن مجبور اولاچاقسان، او مجبور اولاچاق و...

- مجبور با فعل مصدری در زمان حال: من مجبور اولماقدایام، سن مجبور اولماقداسان و...

- مجبور در ترکیبات مختلف: مجبور چولوق، مجبور چولوقدان، مجبور اولمالی، مجبور قالمالی،

مجبور قالماقدا، مجبور اولاپیلمک، مجبور اولمالی و...

- اگر کلمه « مجبور » همراه مصدر ترکی، « با مفعول با واسطه به » به کار گرفته شود،

به شکل زیر با کمک فعل « ایمک » برای ضمایر شخصی صرف می شود.

- کلمه مجبور همراه مصدر و حالت « به »، به شکل زیر صرف می شود.

بیز گلمه يه مجبوروق	mən gəlməyə məcbur am	من گلمه يه مجبورام
سیز گلمه يه مجبورسونوز	sən gəlməyə məcbur san	سن گلمه يه مجبورسان
او نلا ر گلمه يه مجبوردور لار	o gəlməyə məcbur dur	او گلمه يه مجبوردور

با کلمه « قالماق »: من بۇرادا قالماغا مجبورام. بیز گتىمە يه مجبوروق. اىستە مە

دېيىمىز زامان ( زمان ) قوربىت دە (غوربىت) قالماغا مجبوروق.

( istəmədiyimiz zaman qürbətdə (ğürbətdə) qalmağa məcburuq.)

ايىستەمە دى يىمىز زامان بۇرادا قالماغا مجبور اولدوق.

## ۱۲-۱) فعل التزامي با کلمه « لوزوم »:

کلمه « لوزوم » همراه ضمير ملکی و حالت با واسطه « به »، با فعل « وار » به کار گرفته شده

و به کمک فعل « ایمک » در فرم سوم شخص به شکل زیر صرف می شود:

منىم گلمه يىمه لوزوم وار، سىن گلمه يىنه لوزوم وار، او نون گلمه يىنه لزوم وار و...

سین گلمه بى نه لۇزوم ( لزوم ) وار ( دیر ) .. ( sənin gəlməyinə nə lazum var(dir) .. )

اونون گىدمە بى نه لۇزوم وار ( دیر ) ؟ ( onun getməyinə nə lazum var(dir) ? )

او شاغين آغلاماغينا لۇزوم وار ( دیر ) مى ؟ ( uşağın ağlamağına lazum var(dir) mı ? )

سېزىن اينجىمە بى نىزە ( اينجى مە بى زە ) نه لۇزوم وار ؟

### ١٢-١٣) فعل التزامى با كلمه «احتياج» (احتياج):

- كلمه احتياج با حالت «بە» با كلمه «وار» در فرم سوم شخص مفرد صرف مى شود:

منه احتياج وار، سنه احتياج وار، اونا احتياج وار و ...

- كلمه «احتياج» با ضمير ملكى و فعل «وار» در فرم سوم شخص صرف مى شود:

منيم احتياجيم وار	سین احتياجىن وار	اونون احتياجىن وار
بيزيم احتياجىمиз وار	سيزىن احتياجىنiz وار	اونلارين احتياجىلارى وار

- كلمه «احتياج» هماه ضمير ملكى و فعل «اول» به شكل زير صرف مى شود:

منيم احتياجيم اولار، سین احتياجىن اولار، اونون احتياجى اولار

منيم احتياجيم اولاچاق، سین احتياجىن اولاچاق، اونون احتياجى اولاچاق

اونون پۇلا احتياجى اولار، سین احتياجىن اولار و ...

منيم بير آز پۇلا احتياجيم وار. ( mənim bir az pula ehtiyacım var. )

سيزىن بير بئيوك ائوه احتياجىنiz وار. سېزىن ( بۇ ائوي آلماق اوچون ) پۇلا احتياجىنiz وار.

او شاغين آنا محبتى نه احتياجى وار. يۇرقۇن آدامىن دىنجلەمە يە احتياجى وار.

منيم سين ياردىميانا ( كىمكى نه ) احتياجيم وار. سين بۇردا اولماغينا ، بىزيم احتياجىمiz وار.

### ١٢-١٤) حملات مختلف زير نيز مفهوم التزامى دارند:

اۇ، بۇ ايل ايش سىز قالىبىدىر. ( o , bu il ißiz qalib,dır. )

اۇ پۇلسوز قالىبىدىر. اۇ آتاسىز قالىبىدىر. اۇ يتىم قالىبىدىر. اۇ خرج سىز قالىبىدىر.

اۇ چۈلدە سۈرسوز قالىبىدىر. ( o çöldə susuz qalibdir. )

بىز چۈلدە يېمك سىز و سۈرسوز قالماشىق. ماشىن سىز قالدىق. پۇلسوز قالدىق.

### ۱۳) فعل آرزوئی arzu feli (آرزوی واقعی):

فعل آرزوئی کلمه‌ای است، که آرزو را بیان می‌کند. این فعل از ترکیب ریشه فعل و پسوند «a، e» به وجود می‌آید و با ویژگی خواص زیر صرف می‌شود:

پسوند صرفی فعل آرزوئی برای اول شخص مفرد و جمع با هماهنگی کوچک با یک حرف اضافه «y» صرف می‌شود؛ از اینکه این فعل به یک کلمه طولانی تبدل می‌شود، در نتیجه از آن دو حرف «ey» مخفف می‌شود. فعل آرزوئی برای دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای دوم شخص جمع با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. پسوند صرفی این فعل در رابطه با سوم شخص مفرد و جمع حذف می‌شود.

- فعل آرزوئی در فرم ساده مفهوم زمان آینده را در خود انعکاس می‌دهد؛ اما به کمک قید زمانی می‌توان زمان آن را دقیق‌تر بیان کرد.

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف «تا، ة، e، i، ö» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «e» ختم می‌شود:

پسوند صرفی برای دوم شخص جمع با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.	biz gəl(əy)ək siz gələsiniz onlar gələlər	بیز گله ک سیز گله سینیز اونلار گله لر	mən gəl( ey) əm sən gələsən o gələ	من گله م سن گله سن او گله
---	---	---	--	---------------------------------

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «تا» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود :

biz güla(yə)k siz güləsiniz onlar gülələr	بیز گوله ک سیز گوله سینیز اونلار گوله لر	mən gülə(yə)m sən güləsən o gülə	پسوند صرفی (دیر) برای سوم شخص مفرد و جمع به کار گرفته نمی‌شود.
---	--	--	--

توجه: - اصل فعل آرزوئی برای اول شخص مفرد به شکل «mən gələyəm» و برای اول شخص جمع به شکل «biz gələyək» است، که در صرف از آنها دو حرف «e» و «y» حذف

شده و به شکل « گلم » و « گله ک » به کارگرفته می‌شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « ö , e , i » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

görə(yə)m	گورم	içə(yə)m	ایچم	gedə(yə)m	گندم	من
görəsən	گوره سن	içəsən	ایچه سن	gedəsən	گنده سن	سن
görə	گوره	içə	ایچه	gedə	گنده	اُو
görə(yə)k	گوره ک	içə(yə)k	ایچه ک	gedə(yə)k	گنده ک	بیز
görəsiniz	گوره سینیز	içəsiniz	ایچه سینیز	gedəsiniz	گنده سینیز	سینیز
görələr	گوره لر	içələr	ایچه لر	gedələr	گنده لر	اونلار

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی		ال					ریشه افع		علامت آرزوئی		پسوند صرفی	
mən		gəl	get	iç	gül	düş	ə		(yə)m			
sən		gəl	get	iç	gül	düş	ə		sən			
o	{	gəl	get	iç	gül	düş	ə					
biz		gəl	get	iç	gül	düş	ə		(yə)k			
siz		gəl	get	iç	gül	düş	ə		siniz			
on,lar		gəl	get	iç	gül	düş	ə		lər			

از پسوند صرفی اول شخص مفرد و جمع دو حرف « y ə » حذف می‌شود.

فعل آرزوئی به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شود:

اُو گله بیر، نه ياخشى اُولار. الله ائله يه منيم ده بير قيزيم اُولا.

- به شعری از ارسباران توجه کنید:

وصل گله، محنت هجران گنده ائو بزه نه، گوچه چراغان اُولا

b ) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی ( a,i,o,u ) باشد، به شکل زیر در فرم

### آرزوئی به کارگرفته می‌شود:

اگر آخرین حرف صدادار فعلی با آهنگ پائینی باشد، با علامت « a » به فعل آرزوئی تبدیل شده و

به شرح زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

در صرف فعل آرزوئی برای اول شخص مفرد و جمع از پسوند صرفی دو حرف « ya » حذف می‌شود.	→	biz ala(ya)q آلاق بیز mən ala( ya)m من آلام
		siz alasınız آلاسینیز sən alasan سن آلاسان
		onlar alalar آلالار o ala او آلا

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف « u , i , o , a » باشد،

به شکل زیر به فعل آرزوئی تبدیل و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

qura(ya)m قورام	sola(ya)m سولام	yığa(ya)m بیgam	qala(ya)m قالام	من
qurasan قوراسان	solasan سولاسان	yığasan بیغاسان	qalasan قالاسان	سن
qura قورا	sola سولا	yığa بیغا	qala قالا	او
qura(ya)q قوراق	sola(ya)q سولاق	yığa(ya)q بیغاق	qala(ya)q قالاق	بیز
qurasınız قوراسینیز	solasınız سولاسینیز	yığasınız بیغاسینیز	qalasınız قالاسینیز	سیز
quralar قورالار	solalar سولالار	yığalar بیغالار	qalalar قالالار	اونلار

صرف فعل « ایمک » برای دوم شخصی جمع با همانگی بزرگ ( siz ) صرف می‌شود.

توجه: در صرف فعل آرزوئی برای سوم شخص مفرد و جمع، پسوند صرفی ( دیر )

به کارگرفته نمی‌شود. مثال:

- سوم شخص مفرد: او آلا ala ، یانا، سایا، قالا، آتا، قیرا، یاغا، سala،

او بی خاixa ، قیرا، سینا، دیغا، بیغا، قیزا، جیرا، سیرایا

- سوم شخص جمع: اونلار قۇنا لار، سۇلالار، اۇلا لار، دۇنالار، سۇرالار و ..

اونلار دۇرالار duralar ، قۇرالار، اویالار، اوپوزالار، سۇسویالار و ...

- در رابطه با به کارگیری افعال مذکور به اشعار زیر توجه کنید:

**مظفر سعید:** اوجاغی یاخشی قالا، اودون قوی، یاخشی قالا

نه اولا بُو دنیادا، پیس او له یاخشی قالا ...

ایله شیب، باده ایچک، صلح و شرف ساغلیغینا

## گول دئیب، گول ائشیدک، ملک وطن گولشن اولا

سیندھی اق جہا و تعصیب گوزہ سین غیرت ایله،

## تا حقیقت آچیلا، فلسفه لر روشن او لا

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

- اصل فعل آرزوئی برای اول شخص مفرد به شکل «qalayam» و برای اول شخص جمع به شکل «qalayaq» است، که از هر کدام آنها دو حرف (a ، y) حذف می‌شود.

- در رابطه با به کارگیری افعال آرزوئی به اشعار زیر توجه کنید:

قیزیا، گولہ باتاسان

لای لای دئدیم یاتاسان

خلیل رضا:

شیرین یو خو تاپاسان

قیز یا گولون ایچیندہ

## حققه کئمک ائتمگه امکان او لا

آرزو لارام: حق اولان، دیوان اولان

ہر یانا حق کلمہ سے اعلان اولا...

حق دئیه نیں آگزی قیفی لالاما یا

سده نازل دیلہ افلا

حق دئیه نیں آگزی قیفی لامایا

سده نازل دیلک افلا

٤١٦

ب اؤزگە عالەم واردى، اگ مئىسى اۋلا

۱۳-۱) فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد، در صرف یک حرف تکمیلی

«y» به خود می‌گیرد و به شکل زیر در فرم آرزوئی به کارگرفته می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر در فرم آرزوئی برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz qalaya(ya)q	بیز قالایاق	mən qalaya(ya)m	من قالایام	از پسوند صرفی اول شخص فرد و جمع دو حرف «ya» حذف می‌شود.
siz qalayasiniz	سیز قالایاسینیز	sən qalayasan	سن قالایاسان	
onlar qalayalar	اونلار قالایالار	o qalaya	او قالایا	

پسوند صرفی ضمیر دوم شخص جمع با هماهنگی بزرگ (SINIZ) صرف می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف می‌شود:

biz deyə (yə) k	بیز دئیه یَك	mən deyə(yə)m	من دئیه م	برای سوم شخص مفرد و جمع پسوند صرفی به کارگرفته نمی‌شود
siz deyəsiniz	سیز دئیه سینیز	sən deyəsan	سن دئیه سن	
onlar deyələr	اونلار دئیه لر	o deyə	او دئیه	

فعل «دئیه deyə» به شکل «دئیه diyə» نیز صرف می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد، در صرف آرزوئی به آن یک حرف تکمیلی «y»

افزوده می‌شود. مثال:

يئيه yeyə ، دئیه deyə ، او شویه üşüyə ، الیه eləyə و ...  
قالایا qalaya ، سولویا suluya ، او خویا oxuya ،

۱۳-۲) کلماتی که در جمله با فعل آرزوئی به کارگرفته می‌شوند:

نه اولا nə ola ، بیر اولا bir ola ، نولا nə ola ،

آللاه ائیله یه allah eləyə ، نه nə ، نه ياخشی اولار و ...

آللاه ائیله یه منیم ده بیر او غلوم اولا. ( allah eləyə mənimdə bir oğlum ola.)

آلله ائیله یه اونلار ایندی گله لر. ( allah eyləyə onlar indi gələlər.)

نه اولا، او ایندی گله بیر. ( nə ola o indi gələ bir.)

منیم آرزو م بودور کی سن بؤیا - باشا چاتاسان.

( mənim arzum budur ki, sən boyası-başa çatasan.)

او ایسته بیر کی بوشهردہ یاشایا. (o istəyir ki , bu şəhərdə yaşaya.)

او اوغلان همیشه ایسته یرکی، او خویا. ( o oğlan həməşə istəyər ki, oxuya.)

اونلار ایندی گله لر بیر. ( onlar indi gələlər bir.)

منیم بیر جوت اوغلوم اولا، نه ياخشى اولار. ( mənim bir cüt oğlum ola ,nə yaxşı olar.)

- در مواردی، چند کلمه و یا چند علامت آرزوئی در ترکیب یک کلمه و جمله به کارگرفته می‌شوند. مثال:

نه اولا او گله بیر. ( nə ola o gələ bir.)

نه اولا، او ایندی اورایا گنده بیر. ( nə ola o indi oraya gedə bir.)

نولا، او گنده بیله بیر. ( nola , o gedə bilə bir.)

نه اولا بیر، من بیر میلیون پول تاپام. ( nə ola bir, mən bir milyon pul tapam.)

نه اولا منیم ده بیر قیزیم اولا. ( nə ola mənim də bir qızım ola.)

او ایندی گله بیر، نه ياخشى اولار. ( o indi gələ bir, nə yaxşı olar.)

او گله بیله بیر نه ياخشى اولار. ( o gələbilə bir nə yaxşı olar.)

«نه اولا، او آلا بیر». ( nə ola , o ala bir.)

شعر از علی واحد: ایسترم من، او گلو. اوز گلو خندانیم اولا

او دا اوز، کؤنلۇنو وئرسن منه، جانانیم اولا !

۱۳-۳) فعل آرزوئی در ترکیبات زیر نیز به کارگرفته می‌شود:

با فعل کمکی «بیل»: او گله بیله بیر. او آلا بیله بیر. او دانیشا بیله بیر.

یازابیله بیر. او گوروش بیله بیر. او قاریشا بیله بیر. و ...

نفی فعل فاعلیت صفتی: او گلنمه یه بیر. او دئیه نمه یه بیر. او بورادا قالانمایا

بیر. دانیشا بیلنمه یه بیر. گولن مه یه بیر. و ...

او آلانمایا بیر. او سۇرانمایا بىر. سالانمایا بىر. و ...

با علامت التزامی و فعل کمکی «اول» و «بیل»:

او گلملی اوْلا بىلە بىر. او دانیشمالی اوْلا بىلە بىر.

او گولملی اوْلا بىلە بىر. او قاچمالی اوْلا بىلە بىر. و ...

با کلمه مصدری و فعل اولماق:

او گلەكىدە اوْلا بىر. اوْ اورادا قالماقدا اوْلا بىر.

او دانیشماقدا اوْلا بىر. اوْ ياتماقدا اوْلا بىر. و ...

با فعل وارماق:

او اۇرایا وارماقدا اوْلا بىر. اوْ وارانمایا بىر. و ..

با نفی فعل ائتمک:

او صبر ائدَنَمَه يە بىر. اوْ عجلە ائدَنَمَه يە بىر.

- جملات زیر نیز، جملات آرزوئی به حساب می‌آیند:

علی آقا واحد:

يار، ائشىتىدىم ائدە جىككىرى سفر، انشاء الله، گۈرۈم اوْلسۇن سفرى بى خطر، اينشاء الله

سەن سىز يېرىم بەھشت اوْلا، غەن خانە دىر منه، كىيم آشنا دئىگىل سەنە، بىگانە دىر منه.

ئىلە يىم كۈنلۈمە بىر، قۇيىمادى آسۇدە، اوْلام؟

گۈرۈم اى كاش كە، ويران - دل سوزانىم اوْلا ! (آرزوی غير واقعی)

### ۱۳) فعل امری آرزوئی (محاوره ای) در فرمهای مختلف:

- فعل امری آرزوئی، فعلی است، که «امر» و «آرزو» را در یک کلمه بیان می‌کند. فعل امری آرزوئی، تنها در میان افراد فامیل، دوستان و آشنايان نزدیک (بدون در نظر گرفتن بزرگ و کوچکی شخص) به کار گرفته می‌شود، اما این فعل هرگز در رابطه با اشخاص نا آشنا و بىگانە مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

این فعل در زبان ترکی آذربایجان به دو شکل زیر به کار گرفته شده است:

الف) شکل فعلی که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب) شکل فعلی که عمدتاً در اشعار و کتب قدیمی صرف شده است.

### - فعل امری آرزوئی (فرم امروزی):

فعل امری آرزوئی از ترکیب ریشه فعل با علامت « امری » و پسوند اضافه « da » و یا « ha » تشکیل می‌یابد؛ حرف صدادار این پسوند با هماهنگی کوچک صرف می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، اول در فرم امری صرف شده و سپس با یکی از این دو پسوند ( ha ، da ) به کارگرفته می‌شود. مثال:  
آلین ها، قالین ها، اوخویون ها، بیخین دا، اوخویون دا، تُخویون دا، و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، اول در فرم امری صرف شده و سپس با یکی از این دو پسوند « ده də ، هه hə » به کارگرفته می‌شود. مثال:

گندین ده، بیشین هه، گولون هه، ایچین ده، گورون هه، دوزون هه، و ...

**توجه:** علامت فعل « امری آرزوئی »، معمولاً به فعل نمی‌پیوندد، بلکه پشت سر آن به کارگرفته می‌شود. مثال:

او گلسین ده. او اوخوسون دا. سن اوخوها. سن تُخوها. و ...

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به اشکال زیر در فرم امری صرف شده و سپس با علامت « ده » و « دا » پشت سر آن به کارگرفته می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم می‌شود، به شکل زیر صرف و با یکی از این دو پسوند « دا »، « ها » به کارگرفته می‌شود. مثال:

biz alaq,ha (da)	بیز آلاق ها(دا)	mən alım,ha (da)	من آليم ها(دا)
siz alın,ha(da)	سیز آلین ها(دا)	sən al,ha (da)	سن آل ها(دا)
onlar alsınlar,ha(da)	اونلار آلسینلارها(دا)	o alsın,ha(da)	او آلسین ها(دا)

بُو دو کانچیدان بیر شئ آلماین ها، اوونون صاحبیی پیس آدام دیر. ( یاخشی آدام دگیل )

من سیزه بیر کره ( دفعه ) دئدیم ها، او توکانچی دان داهی بیر شئ آلماین دا.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ا » ختم شود، به شکل زیر با یکی از این دو

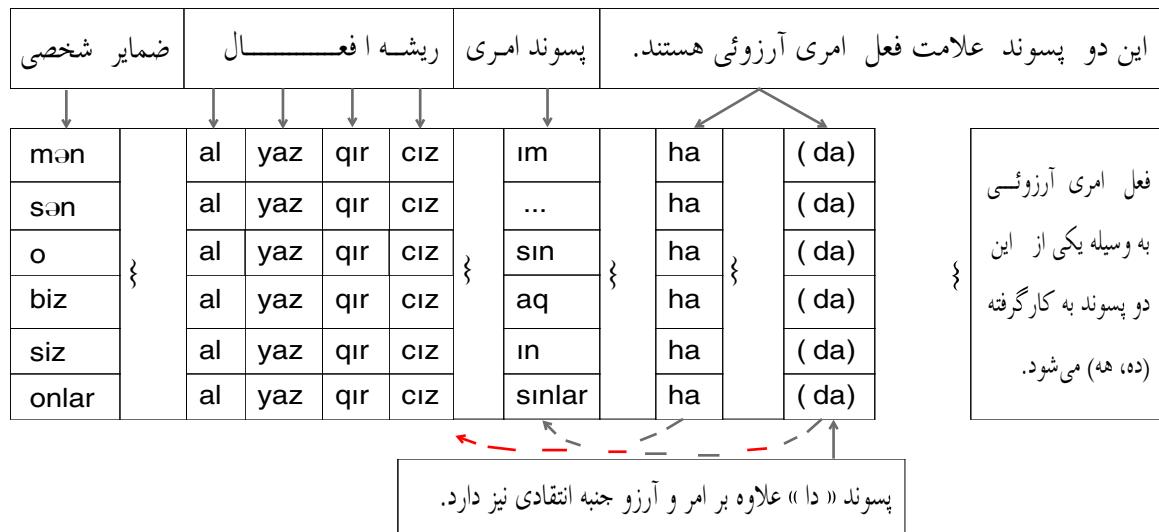
علامت «دا» و یا «ها» به کارگرفته می‌شود:

biz sixaq,ha(da)	بیز سیخاق‌ها (دا)	mən sixim ha(da)	من سیخیم‌ها (دا)
sən six,in ha(da)	سین سیخین‌ها (دا)	sən six ha (da)	سن سیخ‌ها (دا)
onlar sixsınlar,ha(da)	اوْنلار سیخسینلار‌ها (دا)	o sixsın,ha(da)	اوْ سیخسین‌ها (دا)

بۇ اۆت علفی و اختیندا بىچ‌ها. مال حیوانلاری قویمايىن اگىنلىرىن اىچىنە گىرسىنلر.

- فعلی کە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائينى باشد، به شکل زير به کارگرفته شده و به

بخشهاى مختلف تجزيه مى‌شود:



- فعلی کە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائينى و به حرف «دا» ختم شود، به شکل زير

براي ضماير شخصى صرف مى‌شود:

biz soyaq,ha (da)	بیز سویاق‌ها (دا)	mən soyum,ha (da)	من سویوم‌ها (دا)
siz soyun,ha(da)	سین سویون‌ها (دا)	sən soy,ha (da)	سن سوی‌ها (دا)
onlar soysunlar,ha(da)	اوْنلار سویسونلار‌ها (دا)	o soysun,ha (da)	اوْ سویسون‌ها (دا)

سن قـوىـ هـاـ، سن دورـهـاـ، سن يـوـلـهـاـ، سن قـونـهـاـ وـ...ـ

مزه لـىـ سـالـاتـاـ دـوزـتـمـكـ اوـچـونـ، بـۇـتـونـ بـۇـ خـيـارـلـارـىـنـ قـايـقـلـارـىـنـىـ سـوـىـ هـاـ !

مزه لـىـ مـرـباـ دـوزـتـمـكـ اوـچـونـ، بـۇـتـونـ بـۇـ آـمـالـارـىـنـ قـايـقـلـارـىـنـىـ سـوـىـ هـاـ !

- افعـالـيـ کـهـ آخرـينـ حـرفـ صـدـادـارـ آـنـ باـ آـهـنـگـ پـائـينـىـ باـشـدـ،ـ بهـ شـكـلـ زـيرـ صـرـفـ وـ بهـ بـخـشـهـاـيـ

مختلف تجزیه می شود:

ضمایر شخصی			الف			ریشه افعال		پسوند امری		پسوند، مخصوص فعل امری آرزوئی هستند	
mən			yor	dur	sor		um		ha	da	
sən			yor	dur	sor		...		ha	da	
o	{		yor	dur	sor		sun	{	ha	da	
biz			yor	dur	sor		aq		ha	da	
siz			yor	dur	sor		un		ha	da	
onlar			yor	dur	sor		sunlar		ha	da	

پسوند «دا» علاوه بر بیان فعل امری آرزوئی جنبه تذکر و جنبه انتقادی نیز دارد.

اگر فعل امری با یکی از این دو پسوند به کار گرفته شود به فعل امری آرزوئی تبدیل می شود.

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با علامت

«ده و هه» به کار گرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «هه» ختم می شود. مثال:

biz	gələk,hə(də)	بیز گله که (ده)	mən	gəlim,hə(də)	من گلیم (ده)
siz	gəlin,hə(də)	سیز گلین (ده)	sən	gəl,hə(də)	سن گل (ده)
onlar	gəlsinlər,hə(də)	اونلار گلسین لر (ده)	o	gəlsin,hə(də)	او گلسین (ده)

- توجه شود که فعل امری آرزوئی در محاوره عمدتاً با یکی از این دو پسوند (ها، دا)

به کار گرفته می شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «هه» ختم شود، به شکل زیر با علامت «ده و

هه» به کار گرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

biz	gedək də(hə)	بیز گندک ده (هه)	mən	gedim də(hə)	من گندیم ده (هه)
siz	gedin də(hə)	سیز گندین ده (هه)	sən	ged də(hə)	سن گند ده (هه)
onlar	gədsinlər də(hə)	اونلار گندسینلر ده (هه)	o	gədsin də(hə)	او گندسین ده (هه)

- من سنه بیر دفعه دئدیم، بۇ رایا گل دا. اونون پۇلۇن وئرده!

بۇ آلمالار قىسالار، خاراب اولورلار، اونلارى صباح درین هه (ها)!

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم شود، به شکل زیر با علامت «د و ه» به کارگرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz silək,də(hə)	بیز سیله ک ده(هه)	mən silim,də(hə)	من سیلیم ده(هه)
siz silin,də(hə)	سیز سیلین ده(هه)	sən sil,də(hə)	سن سیل ده(هه)
onlar silsinlər,də(hə)	اونلار سیلسینلر ده(هه)	o silsin,də(hə)	او سیلسین ده(هه)

بُوگون درسه باخ‌ها، صباح مدرسه ده ایمتحانیمیز وار. سن درسینه باخ‌ها، صباح ایمتحان وار!

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ال	فعـال	ریشه اـ	پسوند امری	علامت فعلی امری آرزوئی هستند.			
mən		gəl	get	sil	bil	im	hə	(də)
sən		gəl	get	sil	bil	...	hə	(də)
o		gəl	get	sil	bil	sin	hə	(də)
biz	{	gəl	get	sil	bil	əq	hə	(də)
siz		gəl	get	sil	bil	in	hə	(də)
onlar		gəl	get	sil	bil	sinlər	hə	(də)

برای به وجود آوردن فعل امری آرزوئی، یکی از این دو پسوند را باید با فعل امری به کارگرفت.

علامت «د» بیان انتقادی نیز دارد.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف «ö» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

biz bölk,də(hə)	بیز بؤلک ده(هه)	mən bölmə,də(hə)	من بؤلوم ده(هه)
siz bölüñ,də(hə)	سیز بؤلون ده(هه)	sən böł,də(hə)	سن بؤل ده(هه)
onlar bölsünlərdə(hə)	اونلار بؤلسونلر ده(هه)	o bölsün,də(hə)	او بؤلسون ده(هه)

- من سنه کی دئدیم، بُوگون ائوده قال‌ها!

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف «ü» ختم شود، به شکل زیر

### برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	gülək,də (hə)	گوله ک ده (ه)	بیز	گوله ک ده (ه)	من گولوم ده (ه)
siz	gülün,də(hə)	گولون ده (ه)	سیز	گولون ده (ه)	سن گول ده (ه)
onlar	gülsünlər,də(hə)	گولسونلر ده (ه)	اونلار	گولسونلر ده (ه)	او گولسون ده (ه)

آی قیر، يالاندان دا اولسا بیزده بیر سلام وئر ده (دا) !

اونا دئ، ممکون اولسا بیزه ده بیر نیچه گون قوناخ گلسين ده!

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می شود:

ضمایر شخصی	ریشه افعال				پسوند امری		این دو پسوند، علامت مخصوص فعل امری آرزوئی هستند	
mən	gül	düz	döz	öp	üm	hə	də	برای بیان فعل امری آرزوئی باید یکی از این دو پسوند را با فعل امری به کار گرفت.
sən	gül	düz	döz	öp	...	hə	də	
o	gül	düz	döz	öp	sün	hə	də	
biz	gül	düz	döz	öp	əq	hə	də	
siz	gül	düz	döz	öp	ün	hə	də	
onlar	gül	düz	döz	öp	sünlər	hə	də	

علامت « ده » علاوه بر امری آرزوئی، جنبه انتقادی و علامت « هه » جنبه تذکر نیز دارد.

- در موارد زیادی فعل امری آرزوئی را مردم در نیایش با خدای خود نیز به کار می گیرند. چرا

که مردم باورمند، خدا را همچون فامیل، به خود نزدیک می پندارند، در نتیجه با آن در فرم

امری آرزوئی سخن می گویند. مثال:

الله هیم، اونلارا کمک ائد ها. الله اونلارى بۇ مصیبت دن قورتار(ها) دا !

الله منی بۇ مصیبتدن قورتار دا. الله منیم بالاما کمک ائیله ها (دا) !

الله بۇ آدامی قضا و قدر لردن حفظ ائله ها !

الله منیم بۇ بالامین ایشینی راست گتیر ها !

## ۵) علامت فعل امری آرزوئی و تغییر پسوند صرفی آن:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، در مواردی پسوند امری و آرزوئی آن را به نادرست تغییر می‌دهند؛ یعنی پسوند «هه» را به شکل «ها» و پسوند «ده» را به شکل «دا» صرف می‌کنند، که البته آن مغایر با قانون هماهنگی حروف صدادار است.

بنابراین بهتر است، این افعال نیز با قانون هماهنگی صرف شوند:

əmi- can, axşam şama bızə "gəl, hə".	عمی جان آخشم شاما بیزه گل هه (ها).
əmi, əmiqiziya bir az pul "ver,hə".	عمی، عمیقیزی یا بیرآز پول وئره (ها).
sən bu kitabı oxu,(ha ) da.	سن بُو کیتابی اوخوا (دا).
sən bu kitabı "yaz ,(ha)da".	سن بُو کیتابی ياز (دا).
sən onun pullarını xərc "edmə,da"(hə ).	سن اوونون پوللارینی خرج ائدمه (ها).

توجه: در موارد زیادی در بیان این فعل به اصول هماهنگی اهمیت نداده و به جای «هه» و «ده»، «دا» و «ها» صرف می‌کنند.

چگونگی به کارگیری تذکر و انتقاد دوستانه با علامت فعل امری آرزوئی:

یک) نحوه تذکر دادن با علامت «هه» و «ها»:

پسوند «هه ha ، ها ha»، زمانی به کارگرفته می‌شوند، که همراه «امر و آرزو» تذکر نیز داده شود. مثال:

يالان دئمه هه(ها)! گۈزلىرىن اوشاقلارين اوستوندە اولسون ها! بۇنو آلمادىن، اوно آل ها!

بۇ اىشدىن آلچىك ، اۆز ياخانى(ياخاوي) اوونون خىر و شريندىن قۇرتار ها (هه) !

عمی جان، عمی اوغلونون پۇلا برک احتىاجى وار، اوئنا بير آز پول وئره (ها) !

(əmi - can , əmi-oğlunun pula bərk ehtiyacı var , ona bir az pul "ver hə".)

سن بُوگون گئت، دونن گئردويموز او ماشىنى آل ها!

بۇگون شاما بیزدە يېڭى، يادىندان چىخىمىسىن ها !

بىر آز، آز دانىش هه! و اختىن اولسا بیزه گل هه !

بۇ آغاچلار سوسوييبلار، اونلارى سۇوارها !

## - نحوه انتقاد کردن با علامت « ده » و « دا »:

پسوند « دا » زمانی به کارگرفته می‌شود، که کسی قبلاً در رابطه با انجام کاری به شخصی تذکر داده است، که اکنون نه تنها آن را تکرار می‌کند، بلکه غیرمستقیم به انتقاد دوستانه ای نیز که منظور از آن اصلاح اشتباه طرف مقابل است، دست می‌زند. مثال:

عمی جان، سنه بیر دفعه دئدیم هه، عمی اوغلونون پۇلا برك احتیاجیوار، اوغا بیر آز پۇل « وئر ده. »  
(əmi can,sənə bir dəfə dedim ha,əmi oğlunun pula bərk ehtiyacı var,ona bir az pul "vər də.")  
دده، من سنه دئدیم کی، داداشا بیر تذکر وئر ده! او وئل خرجلیک ائدیر، اوغا داهی پۇل وئرمە ده!  
من سنه نئچە دفعه دئدیم، منیم ياخامدان الجك ده! من بۇنو سنه بیر دفعه دئدیم ده، داهی دئمە ها.

## ۱۴-۱) فعل « امری آرزوئی » قدیمی (کهنه شده):

فعل امری آرزوئی در اشعار قدیمی به کارگرفته شده است، که آن فعل امروزه به کارگرفته نمی‌شود، ولی آشنائی با آن لازم به نظر می‌رسد.

(a) پسوند « آ »، عمدتاً در حالت مفعول با واسطه « به »، به ضمیر اول و دوم شخص مفرد می‌پیوندد و علاوه بر بیان حالت ضمیر، در مواردی نیز مفهوم و معنی فعل امری را به فعل امری آرزوئی تبدیل می‌کند. مثال:

وئر منا ver məna ( بدھ بھ من ) امروزه گفتہ می‌شود:

منه وئرھه ( ده ، də ، mənə ver hə ) ، آل سنا alsəna ( خودت بگیر ) امروزه گفتہ

می‌شود: سنه آل ها ( دا ) sənə al ha (da)

در رابطه با پسوند مذکور به شعر زیر توجه کنید:

فضولی: «... منع ایله، وئرمە هر نه گرکمز سنا منا

یارب، هدایت ایله طریق فنا منا »

- در شعر مذکور، فعل « ایله » فعل امری ، « وئرمە » نفی فعل امری ، « گرکمز » نفی کلمه الترامی که در جمله آرزوئی با شک و تردید نیز به کارگرفته می‌شود. کلمه « سنا منا » ( به تو و به من ) حالت باواسطه « به » نیز محسوب می‌شود، که به جای فعل، به ضمیر شخصی پیوند می‌خورد ، که آن امروزه به شکل منع ایله هه وئرمە هه ، گرکمز هه ( عمدتاً

در محاوره به شکل : منع ائیله ها ، وئرمه ها ) بیان می شود.

- توجه شود که در مواردی ، در کتب قدیمی، حرف « a , e » به جای « سنه » به شکل « سنا » و یا « منه » به شکل « منا » صرف شده است، که آن حالت با واسطه « به » و در مواردی نیز فرم امری فعل را بیان می کند، که شاعر با مهارت، یک حرف را با دو مفهوم به کار می گیرد. چنین فعلی را می توان به شکل طنز آمیز و یا غیر واقعی نیز به حساب آورد. مثال: صابر طاهرزاده: دوغروداندا ممدلی غیرت حلال اولسون سنا

باغ شه ده ائتدیگین عشرت حلال اولسون سنا

( شعر مذکور با فعل امری [ اولسون سنا ] به کار گرفته شده است.)

علی واحد: سن سیز یشیم بهشت اولا، غم خانه دیر منه

کیم آشنا دئگیل سنه، بیگانه دیر منه....

( شعر مذکور با فعل آرزوئی با مفهوم فعل امری آرزوئی و آرزوی غیر واقعی به کار گرفته شده است.)

b) در کتب قدیمی، فعل « امری آرزوئی » دیگری، در رابطه با اول شخص جمع با پسوند « لیم » مشاهده می شود که امروزه در ترکی آذربایجان به کار برده نمی شود.

در رابطه با فعل « امری آرزوئی » همراه پسوند « لیم » به اشعار زیر توجه کنید:

فضولی: گل ای اهل حقیقت چیخالیم دنیادن غیر یئرلر گزلیم، اوزگه صفالر گوره لیم

( gəl ey əhlə həqiqət çıxalıım dunyadən ğeyr yerlər gəzəlim, özgə səfalər görəlim )

... نجھے بیر وسوسه عقل ایله غمناک اولالیم گلین آلايش غمدن چیخالیم، پاك اولالیم

نشئه می بؤلاليم، قابل ادراك اولالیم مست و مدهوش، خراباتی و بی باك اولالیم

صابر طاهر زاده: بیزه لازیمه حقه قول اولالیم والدینه مطیع اوغول اولالیم

( bizi lazıma həqqə qul olalıım valideynə möti oğul olalıım )

علی معجز شبستری: وئرلیم ال - اله، تحصیل کمال ائیلیه لیم

خواب غفتدن آییلسین گرک اخوان وطن

- در اشعار مذکور افعال « چیخالیم »، گزلیم *gəzəlim* ، گوره لیم *görəlim* ، اولالیم،

وئرلیم ، ائیله یه لیم » ، « فعل امری آرزوئی» هستند، که فقط در میان دوستان و آشنايان، در رابطه با اول شخص جمع به کارگرفته می شوند.

امروزه در ترکی استانبولی، فعلی در شکل « امری آرزوئی» به کارگرفته می شود، که آن برای اول شخص مفرد صرف نمی شود. در صورتی که برای اول شخص جمع با علامت « لیم » به کارگرفته می شود، که آن بر عکس اصول و با قاعده‌گی افعال زبان ترکی است، چرا که پسوند « لیم » فقط در رابطه با اول شخص جمع صرف می شود و در رابطه با سایر ضمایر شخصی به شکل دیگری به کارگرفته می شود.

فعل امری آرزوئی در ترکی استانبولی به شکل زیر صرف می شود:

( sen gelsin , o gelsin , siz gelesiniz , biz qelelim , onlar gelsinler.)

۵) امروزه در محاوره ، افعالی که آخرین حرف آنها به حرف « ل » ختم می شود، در رابطه با اول شخص مفرد، به شکل « گل لم » ( gel - lam ) و یا به شکل « آلام » ( al - lam ) و در رابطه با سوم شخص جمع به شکل « او نلار گله للر onlar gel - al - er » و یا به شکل « آلا - للار » ( alal - lar ) صرف می شود، که شاید دگرگون شده همان فعلی باشد که در آشعار قدیمی به عنوان فعل « امری آرزوئی» برای اول شخص جمع ( به شکل گله لیم ) صرف شده است.

در رابطه با فعل مذکور به شعری از علی آقا واحد توجه کنید:

علی واحد: طالع منه يار اولسا من نئيليه بيل لم،

ذوقوم جانگار اولماسا من نئيليه بيل لم

- چنانکه ملاحظه می شود، فعل « نئيله یه بيللم » با فعل کمکی « بيل » و همراه « ل » اضافی ( به شکل: ل ، ل ) به کارگرفته شده است.

توجه شود که صرف چنین فعلی در محاوره تنها در رابطه با اول شخص مفرد معمولی شده است. مثال:

من گللم ، من گوللم ، من بيللم ، من آلام ، من قاللام ، و ...

## ۱۵) فعل شرطی غیر واقعی و فرم‌های مختلف آن:

فعل شرطی، به فعلی گفته می‌شود، که به وقوع پیوستن عملی را به شرط به انجام رسانندن کار دیگر ربط می‌دهد.

در زبان ترکی، فعل شرطی از ترکیب ریشه فعل با علامت شرطی « ایسه isa » و « ایسا Isa » ساخته شده و در صرف به شکل « سه sa » و « سا sa » مخفف می‌شود.

حرف صدادار پسوند شرطی وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است، که با هماهنگی کوچک صرف می‌شود. یعنی اگر آخرین حرف صدادار فعلی با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « a, i, o, u » باشد، با پسوند « sa » و اگر آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف « ئ، ة، ئ، ئ، ئ » باشد، با پسوند « se » به کار گرفته می‌شود. مثال:

۱) گلسه görse ، گندسه gedse ، ایچسه içse ، گئرسه gelsə
۲) آلسا alsə ، بیخسا qonsa ، قۇنسا qonrsa ، بۇلسا bulursa
۳) آلیرسا alırsa ، بیخیرسا yixırsa ، قۇنورسا qonursa ، بۇلورسا bulursa و ...

- فعل شرطی در زبان ترکی به دو شکل و با دو مفهوم متفاوت صرف می‌شود که آنها را « فعل شرطی واقعی » و « فعل شرطی غیر واقعی » می‌نامیم:

a) فعل شرطی غیر واقعی که بدون علامت زمان صرف می‌شود:

b) فعل شرطی واقعی در چهار فرم با علامت زمان صرف می‌شود:

۱) زمان حال ( مثل « گلیرسم » با علامت « ir » و « se » )

۲) آینده نزدیک ( مثل « گلرسیم » با علامت « er » و « se » )

۳) در آینده دور ( مثل « گله جکسم » با علامت « ecek » و « se » )

۴) فرم دیگر شرطی واقعی با علامت شرطی ( سه ) همراه پسوند گذشته ( دی ) ساخته

می‌شود، که در آن علامت گذشته ما قبل پسوند شرطی به کار گرفته می‌شود:

گلدیسم، بیلدیسم، یازدیسم، قوردوسام و ... ( ادامه در ص ۷۱۱ )

## ۱۵-۱) فعل شرطی غیر واقعی و نحوه صرف آن:

فعل شرطی غیر واقعی زمانی به کارگرفته می‌شود، که امکان عملی شدن کار مورد نظر موجود نباشد. مثال:

منیم «پُولوم اُلسا، من ده تهراندا بیر او آلام».

یعنی اگر من پول داشتم، من هم در تهران یک خانه می‌خریدم (می‌خرم).

در دو جمله مذکور دو موضوع زیر مطرح شده است:  
یک) اگر پول داشتم.  
دو) خانه می‌خریدم.

اگر پرسیده شود، آیا پول دارید؟ آیا خانه می‌خرید؟

جواب داده می‌شود: من پول ندارم، که خانه بخرم.

چنانکه ملاحظه می‌شود، عملی شدن کار مذکور امکان پذیر نیست. یعنی خانه خریدن شرطی دارد که عملی به نظر نمی‌رسد.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی (a, o, u, ı) باشد، به شکل زیر با پسوند «sa» و به کمل فعل «ایمک» در فرم شرطی غیر واقعی به کارگرفته می‌شود:  
- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «a» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

توجه شود که اصل فعل می‌بایستی به شکل «آل ایسایام» می‌شده، که به شکل «آسام» مخفف شده است.	{	biz alsaq آلساق siz alsanız آلسانیز onlar alsalar آؤنلار آسسالار	بیز آلسام سیز آلسان او نلار آلسالار	mən alsam آلسام sən alsan آلسان o alsa آلسا
--	---	--	---	---

توجه: ۱) در صرف فعل شرطی پسوند صرفی ضمایر شخصی، به شکل «em , sən , dur , ik , .. , siniz , dirlər» هستند، که آنها به شکل «m , n , .. , k , niz , .. , dirər» مخفف شده و در کنار علامت شرطی به کارگرفته می‌شوند.

۲) فعل شرطی غیر واقعی، علامت زمان ندارد، ولی با مفهوم آینده نا مشخص صرف

می شود، که می توان زمان آن را با کلمه قید زمانی مشخص و دقیق تر کرد.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و به حرف «ا» ختم می شود:

اصل فعل می بایستی به شکل «بیغايسایام» می شده، که به شکل «بیغسام» مخفف شده است.	biz yiğsaq siz yiğsanız onlar yiğsalar	بیز بیغساق سیز بیغسانیز اوْنلار بیغسالار	mən yiğsam sən yiğsan o yiğsa
--	--	--	-------------------------------------

من دیغسام، من قیرسام، من قییسام، من سیخسام، من بیخسام و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «و» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

پسوند صرفی برای سوم شخص مفرد و جمع به کارگرفته نمی شود.	biz solsaq siz solsanız onlar solsalar	بیز سولساق سیز سولسانیز اوْنلار سولسالار	mən solsam sən solsan o solsa
---	--	--	-------------------------------------

قوییسام، یولسام، دونسام، یونسام، اولسام، قونسام، دولسام و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می شود:

اصل فعل می بایستی به شکل «قور» ایسايام» می شده ، که آن به شکل «قورسام» مخفف شده است.	biz qursaq siz qursanız onlar qursalar	بیز قورساق سیز قورسانیز اوْنلار قورسالار	mən qursam sən qursan o qursa
--	--	--	-------------------------------------

- در رابطه با به کارگیری افعال شرطی به اشعار زیر توجه کنید:

ابوالقاسم حسین زاده: بیر عبام وار آتارام، هاردا اوْلسما ياتارام

یولداشین ياخشى اوْلسما، اوزون یولون ياخين اوْلار

علی آقا واحد: عشق ائیله سه، عالمی قان، بیلمه یه جکسن

یوز دفعه دئسم مطلبی قان، بیلمه جکسن

دل کشا مه پاره لر. زولفوندن آلسام گؤنلومو

وئرمە ره م «واحد» اوْ گؤنلودن، باشقا بیر جانه نه من

شهریار: ... گؤز یاشینا باخان اولسا، قان آخمار! انسان اولان خنجر بئلینه تاخماز!

اما حیف، کور توتدوغون بۇراخماز! ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف «*a, e, o, u*» باشد، به شکل زیر علامت شرطی و پسوند صرفی آن مخفف شده برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ریشه افعال				علامت شرطی	پسوند صرفی مخفف شده	اصل پسوند صرفی
<i>mən</i>	<i>al</i>	<i>yıx</i>	<i>sol</i>	<i>qur</i>	<i>sa</i>	<i>m</i>	<i>am</i>
<i>sən</i>	<i>al</i>	<i>yıx</i>	<i>sol</i>	<i>qur</i>	<i>sa</i>	<i>n</i>	<i>san</i>
<i>o</i>	<i>al</i>	<i>yıx</i>	<i>sol</i>	<i>qur</i>	<i>sa</i>		<i>dir</i>
<i>biz</i>	<i>al</i>	<i>yıx</i>	<i>sol</i>	<i>qur</i>	<i>sa</i>	<i>q</i>	<i>ıq</i>
<i>siz</i>	<i>al</i>	<i>yıx</i>	<i>sol</i>	<i>qur</i>	<i>sa</i>	<i>nız</i>	<i>sınız</i>
<i>onlar</i>	<i>al</i>	<i>yıx</i>	<i>sol</i>	<i>qur</i>	<i>sa</i>	<i>lar</i>	<i>dırlar</i>

اصل پسوند صرفی  
بدین شکل است،  
که مخفف شده  
صرف می‌شود.

پسوند صرفی فعل شرطی بدین سان مخفف می‌شود.

- در رابطه با صرف فعل شرطی غیر واقعی به شعری از علی آقا واحد توجه کنید:

توتسام گوزلیم دامنینی، اینجیمه، مندن  
نیلیم کی دئسم دایان، بیلمه یه جکسن ...

... ائتم گوزلیم کیمسه یه بیر شکوه غمیندن  
یانسامدا یاخیلسامدا توکنمه ز سئتمینندن

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف «*e, i, o, ü, ë*» باشد، به شکل زیر با پسوند شرطی غیر واقعی به کار گرفته می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «*e*» ختم شود، به شکل زیر با پسوند شرطی، و پسوند صرفی مخفف شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

توجه شود که اصل فعل می‌بایستی به شکل «گل ایسه یم» می‌شده، که به شکل «گلسم» مخفف شده است.	<i>biz gəlsək</i> بیز گلسم	<i>mən gəlsəm</i> من گلسم
	<i>siz gəlsəniz</i> سیز گلسم نیز	<i>sən gəlsən</i> سن گلسم ن
	<i>onlar gəlsələr</i> اوْنلا ر گلسم لر	<i>o gəlsə</i> اوْ گلسم

توجه: فعل شرطی برای سوم شخص مفرد با علامت «*sə*» و برای سوم شخص جمع به شکل «*sələr*»

صرف می شود؛ بدین سان هر دو آنها بدون پسوند صرفی (dir) به کار گرفته می شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «e» ختم شود، به شکل زیر با پسوند شرطی و پسوند صرفی مخفف شده و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

توجه شود که اصل فعل می باشی به شکل «گندایسه یه» می شده، که به شکل «گندسم» مخفف شده است.	<b>biz gedsək</b> بیز گندسک <b>siz gedsəniz</b> سیز گندسنه نیز <b>onlar gedsələr</b> اوْنلار گندسنه لر	<b>mən gedsəm</b> من گندسم <b>sən gedsən</b> سن گندسن <b>o gedsə</b> اوْ گندسنه
---	--	---

من ائدم، من دئسم، من یئسم، من وئرسم، من دئشسم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ə» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

پسوند صرفی برای دوم شخص جمع با همانگی بزرگ صرف می شود.	<b>biz içsək</b> بیز ایچسک <b>siz içsəniz</b> سیز ایچسنه نیز <b>onlar içsələr</b> اوْنلار ایچسنه لر	<b>mən içsəm</b> من ایچسم <b>sən içsən</b> سن ایچسن <b>o içsə</b> اوْ ایچسنه
--	---	--

من دینسم ، من گیرسنم ، من سیلسنم ، بیلسنم ، دیریلسنم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ə» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

پسوند صرفی (dir) برای سوم شخص مفرد و جمع به کار گرفته نمی شود.	<b>biz görsək</b> بیز گورسک <b>siz görsəniz</b> سیز گورسنه نیز <b>onlar görsələr</b> اوْنلار گورسنه لر	<b>mən görsəm</b> من گورسم <b>sən görsən</b> سن گورسن <b>o görsə</b> اوْ گورسنه
--	--	---

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ü» ختم می شود:

توجه شود که اصل فعل می باشی به شکل «گول ایسه یه» می شده، که به شکل «گولسم» مخفف شده است.	<b>biz gülsək</b> بیز گولسک <b>siz gülsəniz</b> سیز گولسنه نیز <b>onlar gülsələr</b> اوْنلار گولسنه لر	<b>mən gülsəm</b> من گولسم <b>sən gülsən</b> سن گولسن <b>o gülsə</b> اوْ گولسنه
--	--	---

من اوْزسم ، من دوزسم ، من سوزسم ، من دوشونسم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف «ü، ö، i، e، a» باشد، علامت شرطی و پسوند صرفی مخفف شده و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ال					علامت شرطی		علامت شرطی مخفف شده		پسوند صرفی	اصل پسوند صرفی
mən	gəl	ged	iç	gör	gül	sə		m	əm	اصل پسوند صرفی	
sən	gəl	ged	iç	gör	gül	sə		n	sən	بدین شکل است	
o	gəl	ged	iç	gör	gül	sə		k	dir	که مخفف شده و	
biz	gəl	ged	iç	gör	gül	sə		niz	i k	برای ضمایر شخصی	
siz	gəl	ged	iç	gör	gül	sə		lər	siniz	صرف می‌شود.	
onlar	gəl	ged	iç	gör	gül	sə			dirlar		
علامت شرطی «isə» به شکل «sə» مخفف و صرف می‌شود.											

- در رابطه با فعل شرطی به شعری از علی آقا واحد توجه کنید:

ملک جهاندا ایسترایسل عمر اندک مدام

مظلوم عصری قورتار ایسم ظلمتدن تمام...

- در رابطه با فعل شرطی و... به مطالب زیر نیز توجه کنید:

امروزه فعل شرطی غیر واقعی در محاوره به نادرست به جای فعل شرطی واقعی نیز به کارگرفته می‌شود، چرا که مردم از زبان فارسی که زبان «رسمی» و آموزشی کشور است، تقلید می‌کنند.

در زبان فارسی افعال شرطی و آرزوئی و... در شکل واقعی خود موجود نیست، اگر هم که به شکل جمله ساخته شده اند، ولی در بین مردم به کارگرفته نمی‌شوند. در نتیجه تاثیر عدم آموزش زبان ترکی و تاثیر نوافص موجود (فعل شرطی و آرزوئی و...) در زبان فارسی به عنوان زبان آموزشی کشور، باعث شده است که مردم افعال شرطی و... را به شکل صحیح خود به کار نبرند.

واضح است، هر فعلی که در زبان «رسمی» شده کشور موجود نباشد، در زبان «محلى» و «غیر رسمی» اضافه تلقی شده و به جای آموختن آن، کلمات و افعالی که در زبان «رسمی» شده موجود نباشد در زبانهای غیر«رسمی»، ابتدائی و مبتدل خوانده شده و اجباراً به مرور زمان کنار گذاشته می‌شوند، چرا که این افعال با زبان «رسمی» کشور قابل توضیح و قابل هضم نیستند.

زبان شناسان فارسی در دهه های قبل کوشیده اند که نواقص آن را بر طرف کنند. البته نه بر پایه آموزش از زبانهای محلی، بلکه به شکل الگو برداری از زبانهای غربی که به برتر جلوه دادن این زبانها انجامیده است. (برای مثال تکامل زبان فارسی بدین شکل است: شاید فردا برف خواهد بارید [بیارد]. البته فردا برف خواهد بارید [بیارد].

در صورتی که زبانهای «محلى» از جمله زبان آذربایجانی که تحت لوای «محلى» و... تهدید به نابودی می‌شود، در بعضی از مسائل دستوری، خیلی غنی‌تر از زبانهای غربی می‌باشد. برای نمونه به تعداد افعال صرف شده در همین کتاب توجه کنید.

بطوری که قبلاً هم اشاره شد زبان ترکی آذربایجان تنها زبان زنده جامعه بشری است که در آن تنها یک فعل بی‌قاعده موجود است. (فعلی که در تمام زبانها بی‌قاعده است.)

افعال ساده این زبان ده ها برابر زبان فارسی است که از هرکدام از آنها نیز می‌توان با پسوندهای مختلف، افعال جدیدی به وجود آورد. به علاوه اینکه در این زبان با علامت «لا، له» می‌توان اسم، صفت و قید را نیز به فعل تبدیل کرد.

- فعل شرطی در چهار شکل مختلف زیر به کار گرفته می‌شود:

أنواع فعل شرطى و اقى			
۱) فعل شرطی واقعی در زمان حال: ص ۴۵۵	۲) فعل شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک: ص ۴۶۱	۳) فعل شرطی واقعی در زمان آینده دور: ص ۴۶۶	۴) فعل شرطی واقعی در گذشته و شرطی: ص ۷۱۱

- توجه شود که در این بخش کتاب، فعل شرطی تنها در زمان حال، آینده نزدیک و آینده دور صرف می‌شود و شکل چهارم نیز در بخش گذشته صرف می‌شود.

## فعل شرطی واقعی:

فعل شرطی واقعی، فعلی است که بیان کننده آن عملی شدن کار را در زمان حال، در زمان آینده نزدیک و در زمان آینده دور امکان پذیر می‌پندارد.

فعل شرطی واقعی از ترکیب ریشه فعل با علامت زمان و پسوند شرطی به وجود می‌آید و در صرف مخفف شده و به کارگرفته می‌شود.

### ۱۶) صرف فعل شرطی واقعی در زمان حال:

فعل شرطی واقعی در زمان حال از ترکیب ریشه فعل، پسوند زمان حال (ir) و علامت شرطی تشکیل می‌یابد و به کمک فعل «ایمک» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود.

فعل شرطی واقعی با پسوند زمان حال، موقعی به کارگرفته می‌شود که بیان کننده مطلب امکان عملی شدن کار را در زمان حال امکان پذیر می‌پندارد. مثال:

«پُولوم يئترلى اولورسا تهراندا بير ائو آلارام.» با این مفهوم که اگر پول من به اندازه کافی بشود، در تهران یک خانه می‌خرم. یعنی این کار در حال عملی شدن است. یعنی در فکر این

کار هستم. در چنین جمله‌ای دو موضوع زیر مطرح می‌شود:

یک) اگر پول کافی داشتم.

دو) خانه می‌خرم.

یعنی خانه خریدن شرطی دارد. (شرط آن پول داشتن است.)

- اگر پرسیده شود:

آیا پول دارید؟

آیا خانه می‌خرید؟

جواب داده می‌شود، بلی، در حال خریدن خانه هستم ، من می‌خواهم خانه بخرم.

- در چنین جمله‌ای پول داشتن و خانه خریدن در دستور کار و در حال عملی شدن است. مثال:

من ایندی یئمک بیشیریرم. یعنمه بی بیشیریرسم، اوْتوراچ برابر بیع یک. (من غذا می‌پزم، اگر غذا را پختم [ غذا پخته شود] بنشینیم و با هم بخوریم [ می‌خوریم [ .)

او ایندی یئمک یئیر، او دُیورسا، بارابار قابلاً را یویاریق.

( او اکنون غذا می خورد، هنگامی که سیر شود، ما با هم ظرفها را می شوییم. )  
 حسن تلفن ائله دی، او منه دئدی، بُورایا گلیر. اونا تلفون ائت، او گلیرسه ( یولدا اولورسا )،  
 اونا دئ، بیرنچه لاوش آلسین و بُورایا گتیرسین. اگر او در حال آمدن است، بگو چند  
 لواش بخرد و با خود بیاورد.

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر صرف می شود:  
 - فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف « e » ختم شود، به شکل زیر  
 برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz gəlirsək	بیز گلیرسک	mən gəlirsəm	من گلیرسم	پسوند صرفی « دیر » در رابطه با سوم شخص مفرد جمع به کارگرفته نمی شود.
siz gəlirsəniz	سیز گلیرسنه نیز	sən gəlirisən	سن گلیرایسن	
onlar gəlirsələr	اونلار گلیرسنه لر	o gəlirsə	او گلیرسه	

من آیرسم ، من سریرسم ، من الیسم ، من دیرسم و ...

- در صرف افعال شرطی بهتر است که علامت شرطی دوم شخص مفرد به شکل اصلی خود ( is ) به کارگرفته شود، در غیر اینصورت با پسوند دوم شخص مفرد در زمان حال هم شکل می شود. مثال:

گلیرسن ، گلیرایسن و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف « e » ختم شود، به شکل زیر در زمان حال و در فرم شرطی واقعی برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz gedirsək	بیز گندیرسک	mən gedirsəm	من گندیرسم	در صرف فعل شرطی برای سوم شخص مفرد و جمع پسوند صرفی به کارگرفته نمی شود.
siz gedirsəniz	سیز گندیرسنه نیز	sən gedirisən	سن گندیرایسن	
onlar gedirsələr	اونلار گندیرسنه لر	o gedirsə	او گندیرسه	

من ائدیرسم ، من سئویرسم ، من دئییرسم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد و به حرف « ا » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

پسوند صرفی برای دوم شخص جمع با همانگی بزرگ صرف می‌شود.	biz içirsək ایچیرسه لک	بیز ایچیرسے لک	mən içirsəm من ایچیرسم
	siz içirsəniz ایچیرسے نیز	سیز ایچیراسین	sən içirisən من ایچیراسین
	onlar içirsələr اونلار ایچیرسے لر	او ایچیرسے	o içirsə ایچیرسے

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر فعل	ریشه فعل	پسوند زمان	پسوند صرفی مخفف شده	علامت شرطی	پسوند صرفی برای	اصل پسوند
mən	gəl	ged	iç	ir	sə	m	əm
sən	gəl	ged	iç	ir	i sə	n	sən
o	gəl	ged	iç	ir	sə	k	dir
biz	gəl	ged	iç	ir	sə	niz	ik
siz	gəl	ged	iç	ir	sə	lər	siniz
onlar	gəl	ged	iç	ir	sə		dirlər

از علامت شرطی isə یک حرف « ا » حذف می‌شود.

پسوند صرفی فعل شرطی، مخفف شده به کارگرفته می‌شود.

ضمیر سوم شخص مفرد و جمع به کارگرفته نمی‌شود.

- افعال مذکور با خط عربی در کتب قدیمی به شکل « گلیرسک ، گلیرسے لک ، گلیرسک » نوشته شده‌اند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف « ئ » ختم شود، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz görürsək گورورسے لک	بیز گورورسے لک	من گورورسم
siz görürsəniz گورورسے نیز	سیز گورورسے نیز	من گوروراسین
onlar görürsələr گورورسے لر	او گورورسے	او گورورسے

من دؤزورسم ، سن دؤزوراسین ، او دوزورسے و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « تا » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	gülürsək	بیز گولورسک	mən	gülürsəm	من گولورسم	پسوند شرطی را در
siz	gülürsəniz	سیز گولورسنه نیز	sən	gülürisən	سن گولورایسن ←	صرف برای دوم شخص
onlar	gülürsələr	اونلار گولورسنه لر	o	gülürsə	او گولورسنه	مفرد نباید مخفف کرد.

من دوزرسم، من اوشورسم، من سوزرسم و...  
سن دوزرايسن، سن دوزرايسن، سن سوزرايسن و....

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود:

اصل پسوند صرفی	مخفف شده پسوند صرفی	علامت شرطی	پسوند زمان حال	ریشه افعال	ضمایر شخصی
əm	پسوند صرفی	m	sə	ür	mən
sən	فعل شرطی	n	i sə	gör	sən
dir	بدین شکل	...	sə	gül	o
ik	مخفف شده و	k	ür	{ gör      gül	biz
siniz	صرف می شود.	niz	{	{	siz
dirlər		lər	ür	ür	onlar

من اوپرسم ، سن اوپر ایسن ، بیز اوپرسه ک ( اوپرسک ) و ...

من دوزرسم ، سن دوزرایسن ، اف دوزرسه، بیز دوزرسه ک (دوزرسک) و ...

من گولرسم، من اوزرسم، من دوزرسم، من سوررسم و ...

شعری از کتاب شاه اسماعیل:

آپریلیرام سندن اور گیم دونمه ز اور گیم دئونورسہ گوزلریم سؤنمہ ز...

(b) فعلی، که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی، پاشد، به شکل زیر در فرم شرطی،

واقعی در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و به حرف « a » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz alırsaq	بیز آلیرساق	mən alırsam	من آلیرسام	بهتر است در صرف فعل شرطی برای دوم شخص مفرد علامت شرطی (isa) مخفف نشود.
siz alırsanız	سیز آلیرسانیز	sən alırısan	سن آلیرایسان	
onlar alırsalar	اونلار آلیرسالار	o alırsa	او آلیرسا	

من قالیرسام ، من آچیرسام ، من قاچیرسام ، من آچیرسام ، من قاچیرسام ، ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « i » ختم می‌شود:

پسوند صرفی (دیر) برای سوم شخص مفرد و جمع به کارگرفته نمی‌شود.	biz yiğırsaq	بیز بیغیرساق	mən yiğırsam	من بیغیرسام
	siz yiğırısanız	سیز بیغیرایسانیز	sən yiğırısan	سن بیغیرایسان
	onlar yiğırsalar	اونلار بیغیرسالار	o yiğırса	او بیغیرسا

من قیلیرسام ، من قیریرسام ، من دیغیرسام ، سیسیرسام ، من دیغیرسام ، من دیغیرسام ، من دیغیرسام ، ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با پسوند شرطی و پسوند صرفی مخفف شده، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	رسیمه افعال	رسیمه زمان حال	پسوند شرطی	علامت شرطی شده	پسوند صرفی مخفف شده	پسوند صرفی
mən		al	yıx	ir	sa	m
sən		al	yıx	ir	i sa	n
o	{	al	yıx	{	sa	
biz	{	al	yıx	{	sa	q
siz		al	yıx	ir	sa	nız
onlar		al	yıx	ir	sa	lar
علامت شرطی (isa) مخفف شده و به شکل « sa » صرف می‌شود.						پسوند صرفی به شکل مذکور مخفف می‌شود.

من « آلیر ایسام » به شکل « من آلیرسام ». « من بیغیرایسام » به شکل « من بیغیرسام » صرف می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « o » ختم شود، به شکل زیر در فرم شرطی

واقعی در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz solursaq سولورساق	بیز سولورساق	mən solursam من سولورسام	من سولورسام	بهتر است علامت شرطی برای دوم شخص مفرد به شکل اصلی صرف شود.
siz solursanız سولورسانیز	سیز سولورسانیز	sən solur isan سن سولورایسان	سن سولورایسان	
onlar solursalar اونلار سولورسالار	اوْنلار سولورسالار	o solursa اوْ سولورسا	اوْ سولورسا	

سن دُونورایسان، سن یونورایسان، سن قۇنورایسان و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

biz qurursaq قۇرورساق	بیز قۇرورساق	mən qurursam من قۇرورسام	من قۇرورسام
siz qurursanız قۇرورسانیز	سیز قۇرورسانیز	sən qururisan سن قۇرورایسان	سن قۇرورایسان
onlar qurursalar اونلار قۇرورسالار	اوْنلار قۇرورسالار	o qurursa اوْ قۇرورسا	اوْ قۇرورسا

سن یۇپۇرایسان، سن قۇرورایسان، سن دۇرورایسان و ...

- افعال مذکور به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

اصل پسوند صرفی	پسوند صرفی مخفف شده	پسوند زمان حال	ضمایر افعال	ضمایر شخصی
mən		ur	sol	qur
sən		ur	sol	qur
o		ur	sol	qur
biz		ur	sol	qur
siz		ur	sol	qur
onlar		ur	sol	qur
	sa	isa		
	ur	ur		
	sa	ur		
	lar	ur		
	n	ur		
	q	ur		
	niz	ur		
	am	ur		
	san	ur		
	dır	ur		
	uq	ur		
	niz	ur		
	dunlar	ur		

علامت شرطی (isa) به شکل مخفف شده (sa) صرف می‌شود.

پسوند صرفی فعل شرطی مخفف شده صرف می‌شود.

در صرف فعل شرطی برای سوم شخص مفرد و جمع پسوند صرفی (دیر) به کار گرفته نمی‌شود.

- در رابطه با به کار گیری فعل شرطی واقعی در زمان حال به اشعار زیر توجه کنید:

«اصلی ایله کرم»: دۇرنا. گەدرایسەن بىزىم ئىللەر بىر جاندا بىر خستە گۈرۈم دىيرىن

اگر بىزىن سئوال ئىدىن اولورسا بىر جاندا بىر خستە گۈرۈم دىيرىن

علی تبریزى: منىمەدە قەھر ایله يۇلوندا آتا اولورسا دشمن نە قدر شاھ بابا

احمد جواد: يايىلمىش شهرتىن بوتون دىللە اولورسا اولسون گەر ھارالى گئى گول

## ۱۷) فعل شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک:

فعل شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک، ترکیبی از ریشه فعل، علامت آینده نزدیک و پسوند شرطی (sa, sə, [isa]) است، که به کمک مخفف شده فعل «ایمک» برای ضمایر شخصی صرف می‌شود.

- فعل «شرطی واقعی» با پسوند آینده نزدیک زمانی به کارگرفته می‌شود، که کسی بخواهد کاری را که امکان عملی شدن آن در آینده نزدیک است، بیان کند. مثال:

احمد دئدی گلیر، او ائوه گلرسه یئمک یئیه ریک.

( Öhməd dədi gəlir, o evə galərsə, yemək yeyərik . )

احمد گفت می‌آید، اگر او به خانه بیاید (برسد) غذا می‌خوریم. به عبارت دیگر احمد به زودی می‌آید؛ وقتی که وی به خانه آمد [رسید] غذا می‌خوریم.

بهتر است که صرف فعل شرطی واقعی در رابطه با دوم شخص مفرد، مخفف نشود و به شکل «ایسه، sə» به کارگرفته شود، زیرا اگر به شکل مخفف شده (سه، سا، sa) صرف شود، هم شکل با فعل آینده نزدیک در می‌آیند. یعنی به جای «گلرسن» گفته می‌شود «گلر ایسن» و به جای «آلارسان» گفته می‌شود، «آلار ایسان». و ...

توجه: در مواردی در اشعار برای درست شدن قافیه شعر، فعل شرطی را برای دوم شخص مفرد به شکل اصلی خود به کار می‌گیرند. مثال:

من گلیرایسم ، سن گلرایسن ، او گلرایسک ، بیز گلرایسک

علیاکبر تاتر زاده: یاشاماق ایسته رایسه ک صرف عوام اولمالی بیز

آتیب انسالیغی بالجمله عوام اولمالی بیز ...

- صرف فعل شرطی واقعی در آینده نزدیک:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف «ة، ئ، ئى، ئە، ئۆ» باشد، به شکل زیر به کارگرفته می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف «ة» ختم شود، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz gələrsək	بیز گلرسک	mən gələrsəm	من گلرسم	علامت شرطی (سه)
siz gələrsəniz	سیز گلرسه نیز	sən gələrisən	سن گلرايسن	برای دوم شخص مفرد
onlar gələrsələr	اونلار گلرسه لر	o gələrsə	او گلرسه	نباید مخفف شود.

سن اله رایسن، سن ده لرایسن، گرایسن و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » ختم می شود:

biz gülərsək	بیز گولرسک	mən gülərsəm	من گولرسم	
siz gülərsəniz	سیز گولرسه نیز	sən gülərisən	سن گولرايسن	
onlar gülərsələr	اونلار گولرسه لر	o gülərsə	او گولرسه	

شعری از حسین جاوید:

قادین گوله رسه شرط سیز محیطی میز گوله جك سورولکه نن بشریت قادینلا یوکسله جك

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « ö , e , i » باشد،

به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

görərsəm	گۈررَسَم	içərsəm	ايچِرَسَم	gedərsəm	گئَدَرَسَم	من
görərisən	گۈررَايسن	içərisən	ايچِرَايسن	gedərisən	گئَدَرَايسن	سن
görərsə	گۈررَسَه	içərsə	ايچِرَسَه	gedərsə	گئَدَرَسَه	او
görərsək	گۈررَسَك	içərsək	ايچِرَسَك	gedərsək	گئَدَرَسَك	بیز
görərsəniz	گۈررَسَه نیز	içərsəniz	ايچِرَسَه نیز	gedərsəniz	گئَدَرَسَه نیز	سیز
görərsələr	گۈررَسَه لر	içərsələr	ايچِرَسَه لر	gedərsələr	گئَدَرَسَه لر	اونلار

- افعال مذکور در کتب قدیمی با خط عربی به اشکال زیر نوشته شده اند: « ایچرسک »، ایچه رسه ک، « ایچرسه ک »

توجه: بهتر است، پسوند صرفی فعل شرطی واقعی برای دوم شخص مفرد به شکل اصلی

( ایسه ) خود صرف شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	فعال	ريشه افعال	پسوند زمان	علامة شرطی	پسوند مخفف شده	پسوند صرفی	پسوند صرفی
mən	gəl	ged	iç	ər	sə	m	əm
sən	gəl	ged	iç	ər	i sə	n	sən
o	gəl	ged	iç	ər	sə	k	dir
biz	gəl	ged	iç	ər	sə	niz	ik
siz	gəl	ged	iç	ər	sə	lər	niz
onlar	gəl	ged	iç	ər	sə		dirlər

↑                                  ↓

حرف «ا» فقط از علامت شرطی دوم شخص مفرد مخفف نمی‌شود.	پسوند صرفی بدین شکل مخفف شده و صرف می‌شود.
--	--

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «a» ختم شود، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz alarsaq	بیز آلارساق	mən alarsam	من آلارسام	علامت شرطی برای دوم شخص
siz alarsanız	سیز آلارسانیز	sən alarisən	سن آلارایسان	مفرد مخفف نشده و به شکل
onlar alarsalar	اونلار آلارسالار	o alarsa	او آلارسا	اصلی خود <i>isa</i> صرف می‌شود.

سن چالارایسان، قالارایسان، یازارایسان، دانارایسان و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ı» ختم می‌شود:

biz yıgarsaq	بیغارساق	mən yıgarsam	من بیغارسام
siz yıgarsanız	بیغارسانیز	sən yıgarisan	سن بیغارایسان
onlar yıgarsalar	اونلار بیغارسالار	o yıgarsa	او بیغارسا

- افعال در شکل اصلی خود: سن سیخارایسان، سن قیبارایسان، سن قیلیرایسان، چیخارایسان و...

سن قورورایسان، سن اولورایسان، سن دئورورایسان، سن بئورورایسان و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از دو حرف «ا، ا، ئ» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	پسوند زمان حال	علامت شرطی	علامت شرطی مخفف شده	پسوند صرفی	اصل پسوند صرفی
mən		al	yix	ar	sa	m	am
sən		al	yix	ar	I sa	n	san
o	{	al	yix	ar	sa	←	dir
biz		al	yix	ar	sa	q	Iq
siz		al	yix	ar	sa	niz	niz
onlar		al	yix	ar	sa	lar	dirlir
از علامت شرطی دوم شخص مفرد حرف «ئ» مخفف نمی‌شود.							
پسوند صرفی، مخفف شده به کارگرفته می‌شود.							

← شخص مفرد و جمع به کارگرفته نمی‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «و» ختم شود، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz solarsaq	بیز سولارساق	من سولارسام	من سولارسام
siz solarsanız	سیز سولارسانیز	سن سولارایسان	سن سولارایسان
onlar solarsalar	اونلار سولارسالار	او سولارسا	او سولارسا

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم شود، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz qurarsaq	بیز قورارساق	من قورارسام	من قورارسام
siz qurarsanız	سیز قورارسانیز	سن قورارایسان	سن قورارایسان
onlar qurarsalar	اونلار قورارسالار	او قورارسا	او قورارسا

- علامت شرطی برای دوم شخص مفرد به شکل اصلی خود (ایسا) به کارگرفته می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و به یکی از این دو حرف «و، ا»

ختم شود، به شکل زیر در زمان آینده نزدیک در فرم شرطی برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

اصل پسوند صرفی	محفظ شده پسوند صرفی	علامت شرطی	پسوند زمان حال	ریشه افعال	ضمایر شخصی
am	در فعل شرطی	sa	m	sol	mən
san	پسوند صرفی (دیر)	i sa	n	sol	sən
dır	برای سوم شخص	q		sol	o
ıq	مفرد و جمع به کار	nız		sol	biz
nız	گرفته نمی‌شود	lar		sol	siz
dınlar				ar	onlar

↑                          ↓

حرف «ئ» از علامت شرطی دوم شخص مفرد محفوظ نمی‌شود.

↑                          ↓

پسوند صرفی فعل شرطی، بدین شکل محفوظ نمی‌شود.

- در رابطه با به کار گیری افعال شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک به اشعار زیر توجه کنید:

صمد و ورغون: چمنلر، یاسمنلر و ورووب بیر جلوه گورسنسه

دورار گئنلوم، چیخار سئیره حیاتین غم او تاغیندا

خاقانی شروانی: نه قدر من ساعام آتمارام سنی، اوله رسم سن ئوزون بیلرسن ای یار!

از کتاب یعقوب قدسی «آتالار سوزو»: حق يارديم ائدرسه، قورد چوبان اولار.

- در رابطه با افعال شرطی واقعی (محفظ نشده) به اشعار زیر توجه کنید:

«ھپ ھپ نامە» (از علی اکبر طاهرزاده):

ياشاماق ايسته رايىسەك صرف عوام اۇلمالى يىز

آتىب انسالىغى بالجمله عوام اۇلمالى يىز...

صىرىپ ايلە هەلە ياغلى قارىنلار دۇلارايىسە

دۇرىيىدە پلو قالماغا امكان اۇلارايىسە

از کتاب «اصلی ايلە كرم»: دۇرنا گىدرائىسن بىزىم ائللە

بىرجاندا بىر خستە گوردومن دىيرىسن

## ۱۸) فعل شرطی واقعی در آینده دور:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف «e» ختم شود، به شکل زیر در زمان آینده دور، در فرم شرطی واقعی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gələcəksək	بیز گله جکسلک	mən gələcəksəm	من گله جکسم
siz gələcəksəniz	سیز گله جکسه نیز	sən gələcəkisən	سن گله جک ایسن
onlar gələcəksələr	اونلار گله جکسه لر	o gələcəksə	او گله جکسه

توجه: در صرف، علامت شرطی (isə) در رابطه با دوم شخص مفرد مخفف نمی‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «e» باشد، به شکل زیر در زمان آینده دور، در فرم شرطی واقعی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gedəcəksək	بیز گنده جکسه ک	mən gedəcəksəm	من گنده جکسم
siz gedəcəksəniz	سیز گنده جکسه نیز	sən gedəcəkisən	سن گنده جک ایسن
onlar gedəcəksələr	اونلار گنده جکسه لر	o gedəcəksə	او گنده جکسه

یئیه جک ایسن (یئیه جکسن)، سئوه جک ایسن (سئوه جکسن) و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف «ı» ختم شود، به شکل زیر در زمان آینده دور، در فرم شرطی واقعی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz içəcəksək	بیز ایچه جکسه ک	mən içəcəksəm	من ایچه جکسم
siz içəcəksəniz	سیز ایچه جکسه نیز	sən içəcəkisən	سن ایچه جک ایسن
onlar içəcəksələr	اونلار ایچه جکسه لر	o içəcəksə	او ایچه جکسه

توجه: - در مواردی، فعل شرطی را در زمان آینده دور، به جای فعل آرزوئی نیز به کار می‌گیرند؛ ولی آن تنها مفهوم شرطی دارد. در نتیجه درست این است که با فعل آرزوئی به کار گرفته بشود.

- فعل شرطی واقعی را در زمان گذشته صرف نمی‌کنند. (به صفحه ۷۱۱ مراجعه شود.)

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و به حرف « a » ختم شود ، به شکل زیر در زمان آینده دور، در فرم شرطی واقعی برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	alacaqsaq	آلاجاقساق	بیز	mən	alacaqsam	من آلاجاقسام
siz	alacaqsanız	آلاجاقسانیز	سیز	sən	alacaqısan	سن آلاجاق ایسان
onlar	alacaqsalar	آونلار آلاجاقسالار	اوْنلار	o	alacaqsa	اوْ آلاجاقسا

سن قالاچاق ایسان ( قالاچاقسان )، سن یازاچاق ایسان ( یازاچاقسان ) و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ا » ختم می شود:

biz	yığacaqsaq	ییغاچاقساق	بیز	mən	yığacaqsam	من ییغاچاقسام
siz	yığacaqsanız	ییغاچاقسانیز	سیز	sən	yığacaqısan	سن ییغاچاق ایسان
onlar	yığacaqsalar	ییغاچاقسالار	اوْنلار	o	yığacaqsa	اوْ ییغاچاقسا

سن سیری یاچاق ایسان ( سیری یاچاغ ایسان، سیری یاچاقسان )، دیغاچاق ایسان

( دیغاچاغیسان، دیغاچاقسان )

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و به یکی از این چهار حرف « o , u , a , i » ختم شود، به شکل زیر در زمان آینده دور، در فرم شرطی واقعی برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تحزیه می شود:

ضمایر شخصی	ال	افع	ال	پسوند آینده	علامت شرطی	پسوند صرفی	مخفف شده پسوند صرفی	ضمایر شخصی	
mən	}	sol	qur	yaz	dığ	acaq	sa	m	پسوند صرفی با ضمیر سوم شخص
sən		sol	qur	yaz	dığ	acaq	I sa	n	مفرد و جمع به کارگرفته
o		sol	qur	yaz	dığ	acaq	sa	q	نمی شود.
biz		sol	qur	yaz	dığ	acaq	sa	niz	
siz		sol	qur	yaz	dığ	acaq	sa	dır	
onlar		sol	qur	yaz	dığ	acaq	lar	iq	
حروف « ا » از علامت شرطی دوم شخص مفرد مخفف نمی شود.									
اصل پسوند صرفی فعل شرطی مخفف نمی شود.									

- علامت شرطی برای دوم شخص مفرد به شکل اصلی خود ( ایسا I sa ) به کارگرفته می شود.

## ۱۹) فعل مجھول و فرمهای مختلف آن:

- فعل مجھول، به فعلی گفته می شود، که فاعل آن مشخص نباشد؛ به عبارت دیگر فعل مجھول کاری را بیان می کند، که فاعل آن ناشناخته است. این فعل همانند سایر افعال با علائم گوناگون در فرمها و زمانهای مختلف صرف می شود.

فعل مجھول از ترکیب ریشه فعل با علامت مجھولی به وجود می آید و به اشکال زیر به عنوان فعل و یا مصدر مجھول به کار گرفته می شود. مثال:

yazılır	يازيلير	yazıl	يازيل	yaz	ياز
qazılmaq	قازيلماق	qazılır	قازيلير	qaz	قاز
qalanmaqdadir	قالانماقدادير	qalanır	قالانير	qala	قالا

فعل مجھول به شکل زیر در فرمهای مختلف به کار گرفته می شود. مثال:

کتاب در حال خریده شدن است.	Kitab alınmaqdadir.
کتاب خوانده می شود.	Kitab oxunur.
کتاب به زودی خوانده می شود.	Kitab oxunar.
کتاب نوشته خواهد شد.	Kitab yazılaceq.

- افعال با سه شیوه مختلف زیر به فرم مجھولی تبدیل شده و به کار گرفته می شوند:

(۱) اگر آخرین حرف ریشه فعل، حرف بی صدا باشد، با حروف « *i* » به فعل مجھول تبدیل می شود.

(۲) اگر آخرین حرف ریشه فعل، حرف صدادار باشد، با حرف « *n* » به فعل مجھول تبدیل می شود.

(۳) اگر آخرین حرف فعلی به حرف « *L* » ختم شود، با حروف « *in* » به فعل مجھول تبدیل می شود.

توجه: دو فعل « *de* » و « *ye* » در صرف مجھولی یک حرف به اضافه « *y* » به خود می گیرند،

در نتیجه آخرین حرف آنها به حرف بی صدای « *y* » تبدیل می شود.

فرم اول) طریقه ساختن و صرف فعل و مصدر مجھول با حروف « *i* »:

فعلی که ریشه آن به حرف بی صدا ( مثل *m, n, t, š, ğ* ... [ به جز *L* ] ) ختم شود ، با علامت « *i* » به فعل مجھول تبدیل می شود.

حرف صدادار علامت مجھولی (ii) وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است، که با هماهنگی بزرگ به شکل «ü, ul, ii, a» به کارگرفته می‌شود. مثال:

əz il	əz il	sev il	sev il	tik il	tik il	gör ül	gör ül	əz ül	əz ül
		qaç ii	qaç ii	yix ii	yix ii	sor ul	sor ul	qur ul	qur ul

افعال مجھول به وسیله پسوند «maq, mək» به شکل زیر به مصدر مجھول تبدیل شده و صرف می‌شوند. مثال:

فعلي که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائي آهنگ پائيني (a, i, o, u) می باشد:	فعلي که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائي (ə,e,i,ö,ü) می باشد:
---	--

قاچيلماق qaç ilmaq (فراري داده شدن)	əz ilmek (له شدن)	ازيلمك
يىخيلماق yix ilmaq (افتاده شدن)	sev ilmek (دوست داشته شدن)	سويilmek
سۇرولماق sor ulmaq (سوال شدن)	tik ilmek (دوخته شدن)	تيكيلمك
وۇرولماق vur ulmaq (زده شدن)	gör ülmek (ديده شدن)	گۈرولمك
قۇرولماق qur ulmaq (كوك شدن)	üz ülmek (قطع شدن)	اوزولمك

مصدری که آخرین حرف ریشه فعل آن با آهنگ بالائي می‌باشد:

- فعلى که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائي باشد و به يکی از اين سه حرف «i, e, ə» ختم شود، به شکل زیر با علامت «ii» به فعل مجھول و با پسوند «mək» به مصدر مجھول

تبدیل و به بخشهاي مختلف تجزيه می‌شود:

پسوند مصدری			علامت مجھولی	ریشه افع	ال
sər	əz	dər		ii	mək
sev	eş	geç	{	ii	{
it	bit	tik		ii	mək

سريلمك، آزيلمك، دريلمك، سويilmek، إشيلمك، گچيلمك، ايتميلمك، بيتيلمك، تيكيلمك.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از این دو حرف «ة، ئ» ختم شود، به شکل زیر به کار گرفته می شود:

پسوند مصدری	علامت مجهولی	ریشه افعال
mək	{ ül	{ öt sök dön üz süz düz
mək	{ ül	{

اُتولمک، سؤکولمک، دئنولمک، اوژولمک، سوزولمک، دوزولمک و ...

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به مصدر مجهول تبدیل می شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از دو حرف «ا، اء» ختم شود، به شرح زیر با علامت «ا» به فعل مجهول تبدیل شده و سپس با پسوند «maq» به مصدر مجهول تبدیل و به بخشها مختلط تجزیه می شود:

پسوند مصدری	علامت مجهولی	ریشه افعال
maq	{ il	{ qaz sat tax qır yığ dığ
maq	{ il	{

قازیلماق، ساتیلماق، تاخیلماق، قیریلماق، بیغیلماق، دیغیلماق و ..

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از دو حرف «o, u» ختم شود، به شکل زیر با علامت «اا» به فعل مجهول تبدیل شده و سپس به وسیله پسوند «maq» به مصدر مجهول تبدیل شده و به بخشها مختلط تجزیه می شود:

پسوند مصدری	علامت مجهولی	ریشه افعال
maq	{ ul	{ sor don yon otur utuz qur
maq	{ ul	{

سۇرۇلماق، دۇنۇلماق، يۇنۇلماق، اوْتۇرۇلماق، قۇرۇلماق و ...

## - صرف فعل مجهول در زمان حال:

فعلی که آخرین حرف آن بی صدا و آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و به یکی از دو حرف «ا، ا، a» ختم شود، با علامت «ا، a» به فعل مجهول تبدیل و با پسوند «ا، a» به شکل زیر در زمان حال به کار گرفته می شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «a» باشد، به شکل زیر به عنوان فعل مجهول در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz satılıraq	ساتیلیریق	بیز	mən satılıram	من ساتیلیرام
siz satılırsınız	ساتیلیرسینیز	سیز	sən satılırsan	سن ساتیلیرسان
onlar satılırlar	اونلار ساتیلیرلار	o	satılır	او ساتیلیر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا، a» می باشد:

biz yixılıraq	ییخیلیریق	بیز	mən yixıram	من ییخیلیرام
siz yixılırsınız	ییخیلیرسینیز	سیز	sən yixılırsan	سن ییخیلیرسان
onlar yixılırlar	اونلار ییخیلیرلار	o	yixılır	او ییخیلیر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از دو حرف «ا، a» ختم شود، به شکل زیر در زمان حال در فرم مجهولی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می شود:

ضمایر شخصی	اعمال	علامت مجهولی	ریشه افعال	پسوند زمان حال	پسوند صرفی	پسوند صرفی
mən					am	پسوند صرفی برای اول
sən					san	و دوم شخص مفرد
o					(dır)	با همانگی کوچک
biz	{				ıq	صرف می شود.
siz					SİNİZ	
onlar					(dır) lar	

ساتیل، ساتیلیر، ساتیلار، ساتیلماقدادیر، ساتیلاجاق و ...

- فعلی که آخرین حرف آن بی صدا (به جز ل) باشد و آخرین حرف صدادار آن به حرف «o»

ختم شود، به شکل زیر به فعل مجهول تبدیل و در زمان حال صرف می‌شود:

biz	yonuluruq	بیز	یونولوروق	mən	yonuluram	من	یونولورام
siz	yonulursunuz	سیز	یونولورسونوز	sən	yonulursan	سن	یونولورسان
onlar	yonulurlar	اونلار	یونولورلار	o	yonulur	او	یونولور

بُو تخته لر (تاختالار) یونولورلار. بُو گون، بُو داشلارین هامیسى یونولورلار.

یونولور، یونولماقدادیر، یونولاچاق، یونولاچاق ایدی و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف « u » باشد، به شکل زیر به فعل مجهول تبدیل شده و با پسوند « ur » در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

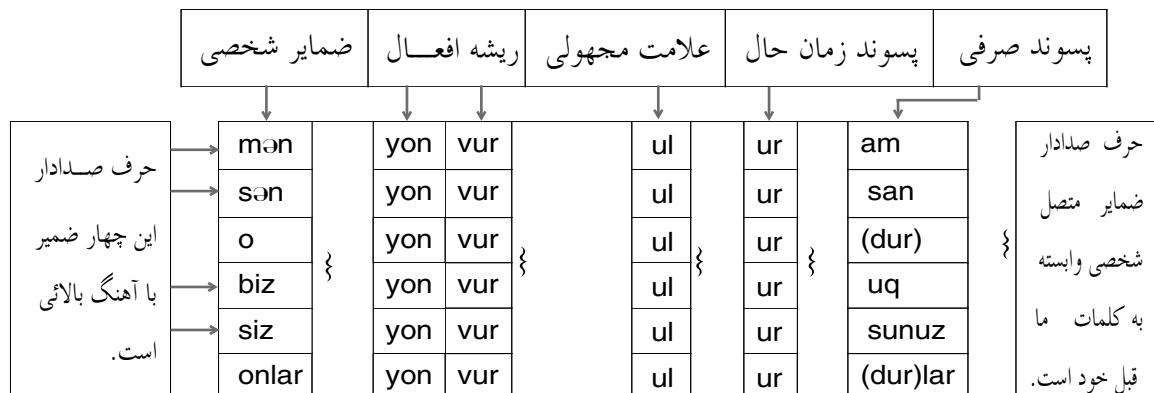
biz	vuruluruq	بیز	وُرولوروق	mən	vuruluram	من	وُرولورام
siz	vurulursunuz	سیز	وُرولورسونوز	sən	vurulursan	سن	وُرولورسان
onlar	vurulurlar	اونلار	وُرولورلار	o	vurulur	او	وُرولور

بُو داغ دا ماراللار وُرولورلار، اونا گوره اونلار گوندن گونه آزالیلار.

بُو گونلرده ماراللاری وُرانلار تُوتولورلار (پلیس طرفیندن).

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از دو حرف « o , u » باشد، به

شكل زیر در زمان حال صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود :



فرم دوم) فعل و مصدر مجهول با حرف « n » به شکل زیر ساخته می‌شود :

فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن به حرف صدادار (ل, ت, ا, ئ, ئ, ئ) ختم شود، با اضافه

کردن حرف «n» به فعل مجھول تبدیل می‌شود. مثال:

bəzə,	əri,	sürü	qala,	daşı,	boya	ریشه فعل:
bəzən,	ərin,	sürün,	qalan,	daşın,	boyan	فعل مجھولی:

فعال مذکور به شکل زیر به مصدر مجھول تبدیل می‌شوند:

فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد (به استثنای دو فعل: بئ، دئی)، به شکل زیر با حرف اضافه «n» به فعل و با پسوند «maq, mək» به مصدر مجھول تبدیل می‌شود:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی می‌باشد:	فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد:
bəzən mək (آرایش شدن)	qala n maq (روی هم چیده شدن)
ərin mək (حل شدن، کوچک شدن)	daşı n maq (اسباب کشی کردن)
sürünmək (زمین کشانده شدن)	boya n maq (رنگ زده شدن)

توجه: حروف صدادار غیرفعال (ö, e)، در آخر کلمات ترکی خیلی کم به کار گرفته می‌شوند. ولی آخر دو فعل «دئ» و «بئ» به حرف صدادار غیرفعال «e» ختم می‌شود، که آنها با یک «y» اضافه همانند افعالی که آخرین حرف آنها بی صدا است به وسیله پسوند «ا» به کار گرفته می‌شوند.

فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ پائینی باشد، با حرف به اضافه «n» به فعل و با پسوند «ماق» به مصدر مجھول تبدیل شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

مصدرهای مجھول	ریشه افعال	علامت مجھولی	پسوند مصادری
سیرینماق، یالانماق، داشینماق، توخونماق	yala sırı oxu	qala daşı toxu	n n n
			{ }
			maq maq maq

مصدری که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ بالائی (به جز دو فعل بئ، دئی) باشد، با حرف

اضافه «n» به فعل و مصدر مجهول تبدیل و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوندمصدری	علامت مجهولی	ریشه افعال	مصدرهای مجهولی	↓
mək	n	bəzə	ələ	آله نمک، بله نمک، بزه نمک، آرینمک،
mək	n	səri	əri	یژینمک، سرینمک، سورونمک، و ...
mək	n	üşü	sürü	

ریشه مصدرهای مذکور به شکل زیر در زمان حال در فرم مجهولی صرف می‌شوند:  
فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ بالائی و با حرف «e» باشد، به شکل زیر با پسوند «iz» در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz bələnirik	بیز بله نیری	من بله نیرم
siz blələnirsiniz	سیز بله نیرسینیز	سن بله نیرسن
onlar bələnirlər	اونلار بله نیرلر	او بله نیر

- بُورادا گوله شنلر تۆزتۈرپاغا بله نیرلر.

بیز بُورادا فوتبال اویناییریق، آمما يېر تمیز دئگیل و سارسامانا بله نیریك.

فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در فرم مجهولی در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz kəsilirik	بیز کسیلیریک	من کسیلیرم
siz kəsilirsiniz	سیز کسیلیرسینیز	سن کسیلیرسن
onlar kəsilirlər	اونلار کسیلیرلر	او کسیلیر

- بُوگوندن بُو خییاواندا اولان آغاچلارین هامیسی کسیلیرلر.

کسیلیمک: بريده شدن درخت. ختنه شدن بچه. قطع کردن درآمد.

بریدن راه [حرامى] و ...

فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با يکی از دو حرف «i, e» باشد، به شکل زیر در زمان

حال صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

	ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	علامت مجهولی	علامت زمان حال	پسوند زمان حال	پسوند صرفی	پسوند صرفی برای
حرف صدادار	mən	bələ	əri	n	ir	əm	sən	سوم شخص مفرد
این دو ضمیر	sən	bələ	əri	n	ir	(dır)	(dır)	و جمع به کار
با آهنگ پائینی	o	bələ	əri	n	ir	ik	siniz	گرفته نمی‌شود.
است.	biz	bələ	əri	n	ir	siniz	(dir)lər	
	siz	bələ	əri	n	ir	(dir)lər		
	onlar	bələ	əri	n	ir			

- فعلی که آخرین حرف آن صدادارو با حرف « ئ » باشد، به شکل زیر با حرف اضافه « n » به

فعل مجهولی و با علامت « ir » به فعل در زمان حال تبدیل شده و صرف می‌شود:

biz	sürünürük	سورونوروک	بیز	mən	sürünürəm	من	سورونورم
siz	sürünürüsünüz	سورونورسونوز	سیز	sən	sürünürsən	سن	سورونورسن
onlar	sürünürlər	اورنلار سورونورلر	اونلار سورونورلر	o	sürünür	اوف	سورونور

توجه: - پسوند زمان حال با هماهنگی بزرگ ( ir , ür , ur ) به کار گرفته می‌شود.

- پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک ( am , əm ) صرف می‌شود.

فعلی که آخرین حرف آن به حرف « ئ » ختم شود، به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر

شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

	ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	علامت مجهولی	علامت زمان حال	پسوند زمان حال	پسوند صرفی	حرف صدادار
mən	yürü	sürü	n	ür	əm	sən	ضمایر متصل	
sən	yürü	sürü	n	ür	(dür)	(dır)	شخصی واپسنه	
o	yürü	sürü	n	ür	ik	siniz	به کلمات ما	
biz	yürü	sürü	n	ür	ür	ürler (lər)	قبل خود است.	
siz	yürü	sürü	n	ür				
onlar	yürü	sürü	n	ür				

- او شاقلا ر آغا جلا ر سوروپورلر. ایلان یerde سورونور. بارالی سرباز سورونه سورونه گلیر.

- حرف صدادار و غیر فعل « ء »، در آخر کلمه خیلی کم به کار گرفته می‌شود.

### ۱۹-۱) استثناء در فرم مجهولی (استثناء در دو فعل بیع و دئ):

فعل «بیع» از مصدر «یئمک» و فعل «دئ» از مصدر «دئمک» مشتق می‌شود، که آخرین حرف هر دوی آنها به حرف صدادار غیر فعال (ء) ختم می‌شود. این دو فعل در صرف یک حرف اضافه «y» به خود می‌گیرند: بیع ییرم ، دئ ییرم  
چنانکه در صفحات قبلی بیان شد، اگر آخرین حرف فعلی به حرف صدادار ختم شود، با حرف «n» به فرم مجهولی تبدیل می‌شود؛ در صورتی که دو فعل «بیع» و «دئ» یک حرف تکمیلی «y» به خود می‌گیرند و با علامت «ای» همانند افعالی که آخرین حرف آنها بی‌صدا است به شکل زیر در فرم مجهولی به کار گرفته می‌شوند:

فعل: بیع بیل	دئ بیل	ye,y,il	de,y,il
مصدر: بیع بیلماک	دئ بیلماک	ye,y,il mək	de,y,il mək

یئملی یئمکلر بیع ییلیرلر. دئملی سؤزلر دئیلیلرلر.

- فعل «بیع»، به شکل زیر با علامت «ای» همراه حرف تکمیلی «y» به فرم مجهولی تبدیل شده و همراه علامت زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

biz yeyilirik	بیز	یئیلیریک	mən yeyilirəm	من	یئیلیرم
siz yeyilirsınız	سیز	یئیلیر سینیز	sən yeyilirsən	سن	یئیلیر سن
onlar yeyilirlər	اونلار	یئیلیرلر	o yeyilir	او	یئیلیر

- بیزیم قویونلار مئشه ده باشیز قالیلار، بیز تئز اۇرا گئتمەلی ییک، اونلار ایندی و حشى حیوانلار طرفیندن بیع ییلیرلر.

- فعل «دئ de» به شکل زیر در فرم مجهولی در زمان حال صرف می‌شود:

biz deyilirik	بیز	دئیلیریک	mən deyilirəm	من	دئیلیرم
siz deyilirsınız	سیز	دئیلیر سینیز	sən deyilirsən	سن	دئیلیر سن
onlar deyilirlər	اونلار	دئیلیرلر	o deyilir	او	دئیلیر

سن بۇ بؤیوك ایشى باشا چاتدیردین، اونا گئوره ده سینین آدین دىللرده دئ ییلیر.

- دو فعل «یئیل yeyil» و «دئیل deyil»، ترکیبی از ریشه فعل و حرف تکمیلی «y» و

بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	پسوند زمان حال	علامت مجھولی	حرف تکمیلی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
حرف صدادار	ir	y	ye de	mən	حرف صدادار
ضمایر متصل	ir	y	ye de	sən	ضمایر متصل
شخصی وابسته	ir	y	ye de	o	شخصی وابسته
به کلمات ما	il	{ y il	{ ye de	biz	با آنچه‌گ بالائی
فیل خود است.	il	{ y il	{ ye de	siz	است.
(dir)lər	ir	y	ye de	onlar	

ایندی بۇ چئوركلىرىن ھامىسى بۇرادا يېئىلىرلر. بۇ گنجە ساعات اىكىيە جان چۈخ ناغىل دېلىرىلە.  
اورادا دا چۈخ نۇخود كىشىميش بىع يىلىرى. دېيلىملى سۆز، گىرك دېلىلە. يەعلەپ يەمم (علف)، گىرك يەغىلە.  
بىع يېلىمىلى يەمك لر، بىع يىلە لر گىرك. بۇگون كۈراو غلونون ناغىلى دېلىرى و اوئونون قالانىدا، صاباح و  
يا بىرى (بىرىپسى) گون دېلىلە جىك. ايندى ناغىللار دېيلىمكىدە دېرىلر.

- دو فعل، «ye» و «de» به شکل زیر با پسوند «مک» به مصدر مجهول تبدیل می‌شود:

dey il mək	گفته شدن: دئ ییلمک	yeyil mək	خورده شدن: بئء ییلمک
------------	--------------------	-----------	----------------------

گفته نشدن: <b>deyil mə mək</b>	خورده نشدن: <b>yeyil mə mək</b>
--------------------------------	---------------------------------

گنجن ایل باهاردا آلینیب بۇرایا گتیرىلن دویولرىن يئىلىمكلىرى بىر آى چكدى.  
بۇ يئىمىكلىرىن ھامىسى بىر ساعاتاجان يېلىلىر. بۇ گون بۇرادا چۇخ سؤزلىر دېيىلر.  
توجه: حرف صدادار پسوند مجھول وابسته به آخرین حرف صدادار رىشە فعل مى باشد، كە با ھماهنگى بزرگ  
( اا ، آا ، ئا ) بە كار گەفتە مى شود.

- در زبان ترکی آذربایجان این سه حرف غیر فعال (، ۰، ئ) در آخر کلمه خیلی کم به کار گرفته می‌شوند. دو فعل «بئ» و «دى»، افعالی هستند که آخرین حرف آنها به حرف صدادار غیرفعال ختم می‌شود، در نتیجه آنها همراه حرف تکمیلی «ي» در فرم مجهولی صرف می‌شوند.

فرم سوم ) طریقه ساختن و صرف فعل و مصدر مجهول با حروف « in »:

فعلی که آخرین حرف آن به حرف « L » ختم شود، با حروف و یا پسوند « in » به فعل مجهول و یا پسوند « مک » به مصدر مجهول تبدیل می‌شود.

حرف صدادار پسوند مجهول « in » تابع آخرین حرف صدادار ریشه فعل است، که با همانگی بزرگ ( ün ,ün,in ) به کار گرفته شده و به شکل زیر با پسوند « مک، ماق » به مصدر مجهول تبدیل می شود. مثال :

<p>فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به مصدر مجهول تبدیل می‌شود:</p>	<p>فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر به مصدر مجهول تبدیل می‌شود:</p>
--	--

( گرفته شدن )	al in maq	آلینماق	( سوراخ شدن )	dəl in mək	دلينمك
( نواخته شدن )	çal in maq	چالينماق	( دانسته شدن )	bil in mək	بيلينمك
( جا نهاده شدن )	qılın maq	قيلينماق	( تميز شدن )	sil in mək	سيلينمك
( کنده شدن )	yol un maq	يولونماق	( تقسيم شدن )	böl ün mək	بئلونمك
( پيدا شدن )	bul un maq	بولونماق	( خندidiye شدن )	gül ün mək	گولونمك

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از دو حرف «ا، آ» باشد، به شرح

زیر به مصدر تبدیل شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

- فعلى که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «۰، ۱۱» باشد، به شکل زیر به مصدر مجهول تبدیل شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند مصادری	علامت مجھولی	ریشه افعانی	مصدرهای مجھے	ول
↓	↓	↓	↓	↓
dol	sol	{		un
bul	yol			un

دولۇنماق، سۇلۇنماق، بۇلۇنماق

ma q

ma q

يۇلونماق، يۇلوننور، يۇلونماقدادىر، يۇلوننۇر و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از سه حرف «ا، ئ، ء» باشد، به شرح زیر با علامت «این» به فعل مجھول و با پسوند «مک» به مصدر مجھول تبدیل شده و به شکل زیر به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند مصدری	علامت مجھولی	ریشه افعال	مصدرهای مجھول
mək	in	dəl bil	دَلِینمک، سَرِینمک
mək	in		سَيْلِینمک، بَيْلِینمک
mək	in		

حروف صدادار غیر افعال «ة» در ترکیب فعل خیلی کم به کار گرفته می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از دو حرف «ت، ئ» باشد، به شکل زیر با پسوند «ün» به فعل و با پسوند «مک» به مصدر مجھول تبدیل شده و به شکل زیر به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند مصدری	علامت مجھولی	ریشه افعال	مصدرهای مجھول
mək	ün	böl	بَؤْلُونمک، گَولُونمک
mək	ün	gül	

- اگر از مصدرهای مجھول پسوند «مک» را حذف کنیم، به ریشه فعل مجھول تبدیل و

همانند سایر افعال در فرم‌های مختلف صرف می‌شود:

فعلی که آخرین حرف آن به حرف «ل» ختم شود، به شکل زیر با علامت «in, ün» به کار گرفته می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از سه حرف «ا، ئ، ء» باشد، به شکل زیر در زمان حال در فرم مجھولی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz silinirik	سیلینیریک	بیز	mən silinirəm	سیلینیرم	من
siz silinirsiniz	سیلینیرسینیز	سیز	sən silinirsən	سیلینیرسن	سن
onlar silinirlər	سیلینیرلر	اونلار	o silinir	سیلینیر	او

پنجه نین شیشه لری چوخ کئیف دیرلر، ایندی اونلار سیلینیرلر.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از دو حرف « i , e » باشد، به شکل زیر در زمان حال صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ريشه افعال	علامت مجھولی	علامت زمان حال	پسوند زمان حال	پسوند صرفی	پسوند صرفی برای سوم شخص مفرد و جمع به کار گرفته نمی‌شود.
mən		dəl	bil		in	ir	əm
sən		dəl	bil		in	ir	sən
o	{	dəl	bil	{	in	{	(dır)
biz		dəl	bil	{	in	{	iq
siz		dəl	bil	{	in	{	siniz
onlar		dəl	bil	{	in	{	(dir) lər

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و آخرین حرف آن نیز « L » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	alınırıq	آلینیریق	بیز	mən	alınıram	آلینیرام	من
siz	alınırsınız	آلینیرسینیز	سیز	sən	alınırsan	آلینیرسان	سن
onlar	alınırlar	آلینیر (دیر) لار	اونلار	o	alınır	آلینیر (دیر)	او

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف « i , a » باشد، به شکل زیر در زمان حال در فرم مجھولی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ريشه افعال	علامت مجھولی	علامت زمان حال	پسوند زمان حال	پسوند صرفی	این چهار پسوند صرفی با همانگی بزرگ صرف می‌شوند.
mən		al	qıl		in	ir	am
sən		al	qıl		in	ir	san
o	{	al	qıl	{	in	{	(dır)
biz		al	qıl	{	in	{	iq
siz		al	qıl	{	in	{	siniz
onlar		al	qıl	{	in	{	(dir) lar

توجه: در مواردی در کتب و به ویژه در محاوره به اصول فعل مجھول توجهی نکرده و پسوند « il » را

به شکل « in » نیز صرف می‌کنند. مثال: به جای « گۇرۇلۇر » می‌گویند « گۇرۇنۇر »

## ۱۹-۲) فعل مجهول و صرف آن در آینده نزدیک:

فعل مجهول با علامت « ar , ar » با هماهنگی کوچک به کار گرفته می شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » باشد، به شکل زیر با پسوند مجهول « ul » برای ضمایر شخصی صرف می شود.

biz	vurularıq	بیز	وُرولاریق	mən	vurularam	من	وُرولارام
siz	vurularsınız	سیز	وُرولارسینیز	sən	vurularsan	سن	وُرولارسان
onlar	vurular(lar)	اونلار	وُرولار(لار)	o	vurular	او	وُرولار

وُرولماق: من وُرولماقدایام ، سن وُرولماقداسان ، او وُرولماقادایر و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد ، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود :

biz	qatıllarıq	قاتیلاریق	بیز	قاتیلار	من	قاتیلارام
siz	qatılarsınız	قاتیلارسینیز	سیز	قاتیلار	سن	قاتیلارسان
onlar	qatıllarlar	قاتیلارلار	اونلار	قاتیلار	او	قاتیلار

قاتیلماق ، قاتیلمادايام ، قاتیلیرام ، قاتیلمیر و ...

- افعال مجهول که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « a ، u » باشد، به شکل زیر در زمان آینده نزدیک صرف و به بخشها مختلف تجزیه می شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	رسیمه افعال	علامت مجهولی	رسوند زمان آینده	رسوند صرفی	رسوند صرفی
mən		sat	yığ	il	ar	am
sən		sat	yığ	il	ar	san
o	{	sat	yığ	il	ar	(dır)
biz	{	sat	yığ	il	ar	ıq
siz		sat	yığ	il	ar	sınız
onlar		sat	yığ	il	ar	(dır) lar

رسوند صرفی برای سوم شخص مفرد و جمع به کار گرفته نمی شود.

بۇ کیتابلارین هامیسى بىر هفتە يە جان ساتیلارلار. و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «۵» باشد، به شکل زیر با پسوند مجهولی «۱۱۱» و با علامت آینده نزدیک به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz donularıq	بیز دۇنۇلارىق	mən donularam	من دۇنۇلارام
siz donularsınız	سیز دۇنۇلارسىنیز	sən donularsan	سن دۇنۇلارسان
onlar donularlar	اۇنلار دۇنۇلارلار	o donular	او دۇنۇلار

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف «۶» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

قۇرۇلۇرام ، دۇرۇلۇرام ، اوخۇنورام و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و آخرین حرف فعل آن نیز «ل» باشد، به شکل زیر با پسوند «این» و علامت آینده نزدیک صرف می‌شود:

biz silinərik	بیز سیلینېریك	mən silinərəm	من سیلینېرم
siz silinərsiniz	سیز سیلینېرسینیز	sən silinərsən	سن سیلینېرسن
onlar silinərlər	اۇنلار سیلینېرلر	o silinər	او سیلینېر

بۇ پنجره نین شیشه سىچۇخ كېيىف دىر، اۇنلار گىرك سیلېنە لر.

بۇ مىزلىر گىرك سیلېنلىر. بۇ پنجرە لر گىرك سیلېنە لر (سیلېنلىر).

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد و به حرف «۷» ختم شود، به شکل زیر با پسوند مجهولی «in» و علامت آینده نزدیک صرف می‌شود:

biz bilinərik	بیز بىلېنېریك	mən bilinərəm	من بىلېنېرم
siz bilinərsiniz	سیز بىلېنېرسینیز	sən bilinərsən	سن بىلېنېرسن
onlar bilinərlər	اۇنلار بىلېنېرلر	o bilinər	او بىلېنېر

- تىزلىك لە بۇ ايشين ياخشى پىس اۇلماسى بىلېنر.

بۇ تىچارتىن قازانچلى اۇلماسى بۇ تىزلىكىدە بىلېنر.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف « ö , ü » باشد، به شکل زیر با پسوند مجهولی « a » و علامت آینده نزدیک صرف می‌شود:

biz	görülərik	بیز	گۈرۈلەيىك	mən	görülərəm	من گۈرۈلەرم
siz	görülərsiniz	سیز	گۈرۈلەرسىنىز	sən	görülərsən	سن گۈرۈلەرسەن
onlar	görülərlər	اۇنلار	گۈرۈلەرلەر	o	görülər	او گۈرۈلەر

- به تجزیه فعل « گۈرۈلە رَم » توجه کنید:

۱) ریشه فعل : gör .

۲) a : پسوند مجهولی .

۳) er : علامت زمان آینده نزدیک .

۴) em : پسوند صرفی .

فعل « دئ » و « بئ » با حرف اضافه « y » به شکل زیر در فرم مجهولی صرف می‌شوند:

- فعل « بئ ye »، فعلی است که آخرین حرف صدادار آن به حرف صدادار غیر فعال « e »

ختم شود، به شکل زیر با یک حرف « y » و علامت آینده نزدیک صرف می‌شود:

biz	yeyilərik	بیز	يېيىلەيك	mən	yeyilərəm	من يېيىلەرم
siz	yeyilərsiniz	سیز	يېيىلەرسىنىز	sən	yeyilərsən	سن يېيىلەرسەن
onlar	yeyilərlər	اۇنلار	يېيىلەرلەر	o	yeyilər	او يېيىلەر

بۇ پنیر چۈركىرىن ھامىسى ناھاردا يېيىلەرلەر. بیز بۇ مئشە لرددە قالساق، ايت - قوت طرفىندن بئ يېلە رىيك.

- فعل « دئ de »، فعلی که آخرین حرف آن به حرف « e » ختم شود، به شکل زیر در فرم

مجهولی در زمان آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	deyilərik	بیز	دىيىلەيك	mən	deyilərəm	من دىيىلەرم
siz	deyilərsiniz	سیز	دىيىلەرسىنىز	sən	deyilərsən	سن دىيىلەرسەن
onlar	deyilərlər	اۇنلار	دىيىلەرلەر	o	deyilər	او دىيىلەر

سن بۇ اىنسان سئون ايشلىرىنه داوم وئرسن، سئين آدين دىللەرە دىيىلەر. ( دىيىلە جاڭ )

فعل مجھول، به شکل زیر در آینده دور برای ضمایر شخصی نیز صرف می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف « e » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

{ بُو آدام چوخ یاخشی ایشلر گۇروبدۇر،	بیز دئییله جە بىك	من دئییله حم
اۇنا گۇرە دە اۇنون آدى دىللەرە دئییله جك.	سیز دئییله جە كسىنيز اۇنلار دئییله جكلى	سن دئییله جىكسىن اۇ
		دئییله حك

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف « u » ختم می‌شود:

biz vurulacağıq	وۇرۇلاجاغىق	بیز	mən vurulacağam	وۇرۇلاجاغام
siz vurulacaqsınız	وۇرۇلاجاقسىنىز	سیز	sən vurulacaqsan	وۇرۇلاجاقسان
onlar vurulacaqlar	اۇنلار وۇرۇلاجاقلار	اۇنلار	o vurulacaq	وۇرۇلاجاق

من قورۇلاجاغام ، سن قورۇلاجاقسان ، او قۇرۇلاجاق و ...

### ۱۹-۳) فعل مجھول مصدری در زمان حال:

فعل مجھول مصدری، فعلی است که به شکل مصدر ظاهر شده و با پسوند « ده » و « دا » صرف و عملی شدن کار را بدون فاعل در زمان حال بیان می‌کند. مثال:

کىتاب اوخونماقدادىر kitab oxunmaqdadir (كتاب درحال خوانده شدن است.)

بۇ ايشين نتيجه سى بۇ گونلرده بىلەنەمكىدە دىر. ايندى مىزلىرىن اوستۇ سىلىنەمكىدە دىر. و ...

- مصدرهای مذکور با پسوند « ده ، دا » ترکیب می‌یابند و به کمک فعل « ايمك » به شکل زیر به کار گرفته می‌شوند. مثال:

او آتىلماقدادىر، او قاچىلماقدادىر، او گۈرولمكىدە دىر، او اىچىلماقدادىر، او قىريلماقدادىر، او يېغىلماقدادىر و ...

المصدری که ریشه فعل آن به حرف بى صدا ( مثل: m, n, t, ڭ , ș ) به جز L ) ختم شود، با پسوند « ul ، at ، il ، a » ( با هماهنگی بزرگ ) در فرم مجھولی به کار گرفته می‌شود. قاچىلماق ( فراری داده شدن )، اىچىلماق ( توشیده شدن )، آتىلماق ( انداخته شدن ) و ...

- افعال مصدر مجھول به شکل زیر با پسوند « ir » در زمان حال و با پسوند « dir » در فرم

سوم شخص مفرد برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند. مثال:

- |                               |                   |                   |
|-------------------------------|-------------------|-------------------|
| آن در حال فراری داده شدن است. | ، o qaćılmaqdadır | اُف قاچیلماقدادیر |
| آن در حال نوشیده شدن است.     | ، o içilməkdədir  | اُف ایچیلمکده دیر |
| آن در حال دوخته شدن است.      | ، o tikilməkdədir | اُف تیکیلمکده دیر |
| آن در حال انداخته شدن است.    | ، o atılməqdadır  | اُف آتیلماقدادیر  |
| آن در حال دیده شدن است.       | ، o görülməkdədir | اُف گئرولمکده دیر |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف « i » و « a » باشد، به شکل زیر در

فرم مصدر مجھولی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

	ضمایر شخصی	اعمال افعال	ریشه افعال	علامت مجھولی	پسوند مصدری	علامت فعل مصدری	پسوند صرفی	
mən		sat	six	il	maq	da	yam	
sən		sat	six	il	maq	da	san	پسوند صرفی
o		sat	six	il	maq	da	(dir)	« دیر » برای سوم
{ biz		sat	six	il	maq	da	yıq	شخص مفرد و
siz		sat	six	il	maq	da	sınız	جمع به کارگرفته
onlar		sat	six	il	maq	da	(dir)lar	نمی‌شود.

- فعل مجھول که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف « u ، o » باشد، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

	ضمایر شخصی	اعمال افعال	ریشه افعال	علامت مجھولی	پسوند مصدری	علامت فعل مصدری	پسوند صرفی	
mən		sor	otur	ul	maq	da	yam	
sən		sor	otur	ul	maq	da	san	این چهار پسوند با
o		sor	otur	ul	maq	da	(dir)	همانگی بزرگ
{ biz		sor	otur	ul	maq	da	yıq	صرف می‌شوند.
siz		sor	otur	ul	maq	da	sınız	
onlar		sor	otur	ul	maq	da	(dir)lar	

- سۇرۇلماقدادىر، لاۇتۇرۇلماقدادىر، قۇرۇلماقدادىر، يۇنۇلماقدادىر و ...

مصدری که ریشه فعل آن به حرف صدادار ختم شود، با اضافه کردن حرف «ن» به مصدر مجھول تبدیل می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد، به شکل زیر با حرف «ن» به فعل و با پسوند «ماق» به مصدر تبدیل شده و همراه حروف «د» «صرف می‌شود. مثال:

آن در حال خوانده شدن است.	، o	oxunmaqdadir	او خونماقدادیر
آن در حال رنگ زده شدن است.	، o	boyanmaqdadir	او بیانماقدادیر
آن در حال آرایش شدن است.	، o	bəzənməkdədir	او بزنمکده دیر
آن در حال گردانده شدن است.	، o	dolanmaqdadir	او دولا نماقدادیر

مصدری که آخرین حرف ریشه فعل آن به حرف «ا» و «ا» ختم شود، بدین شکل به مصدر مجھول تبدیل می‌شود. مثال:

حرف صدادار علامت مجھولی تابع آخرین حرف صدادار فعل می‌باشد:

او در حال گرفته شدن است.	o	alınmaqdadir	او آینماقدادیر
او در حال تمیز شدن است.	o	silinməkdədir	او سیلینمکده دیر
او در حال دانسته شدن است.	o	bilinməkdədir	او بیلینمکده دیر

- در ترکیب با فعل بیل: من دُورا بیلمکده يم، سن دُورا بیلمکده سن، او دُورا بیلمکده دیر و ...

فعل مجھول مصدری که آخرین حرف آن صدادار باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz bəzənməkdəyik	بیز بزنمکده يیك	من بزنمکده يم
siz bəzənməkdəsiniz	سیز بزنمکده سینیز	سن بزنمکده سن
onlar bəzənməkdədirlər	اونلار بزنمکده دیرلر	او بزنمکده دیر

آلے نمکده يم ، آلے نمکده سن ، آلے نمکده دیر و ...

۱۹-۳) فعل مجھول کمکی (با فعل «بیل»):

فعل مجھول کمکی همانند سایر افعال در تمام فرمها و زمانهای مختلف قابل صرف می‌باشد و

به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

بیز	گُئروله بیلیریك	mən görülə bilirəm	من گُئروله بیلیرم
سیز	گُئروله بیلیرسینیز	sən görülə bilirsən	سن گُئروله بیلیرسن
اونلار	گُئروله بیلیرلر	o görülə bilir	او گُئروله بیلیر(لر)

بۇ ائوین اوستوندن شهرين هر طرفى گُئروله بیلیر. بۇ داغین باشى شهرین هر يانىندان گُئروله بیلیر.

فعل مجھول کمکی به شکل زیر در زمان آینده نزدیک صرف می‌شود:

biz görülə bilərik	بیز گُئروله بیلریك	mən görülə bilərəm	من گُئروله بیلرم
siz görülə bilərsiniz	سیز گُئروله بیلرسینیز	sən görülə bilərsən	سن گُئروله بیلرسن
onlar görülə bilərlər	اونلار گُئروله بیلرلر	o görülə bilər	او گُئروله بیلر

او منیم کیی دئگیل (دئیل)، اونون باشى چوخ قارىشىق دير، اونا گوره ده او بۇرادا آز گُئروله بیلر.

فعل مجھول کمکی الترامى به وسیله «اولماق» به شکل زیر در زمان حال صرف می‌شود:

زمان حال: من گُئروله بیل ملى اولورام. (mən görülə bilməli oluram.)  
اونلار گُئروله بیلملى اولورلار.

گذشته استمرارى: من گُئروله بیل ملى اولوردوم. (mən görülə bilməli olurdum.)  
اونلار گُئروله بیلملى اولوردورلار.

فعل مجھول کمکی الترامى به شکل زیر به وسیله «اولماق» در آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می‌شود: (من مى توانم به دیده شدن مجبور شوم .)

آینده نزدیک: من گُئروله بیل ملى اولارام. (mən görülə bilməli olaram.)  
سن گُئروله بیل ملى اولارسان، او گُئروله بیل ملى اولار.

فعل مجھول کمکی همراه علامت الترامى به کمک فعل «اولماق» به شکل زیر به کار گرفته شده و در فرم امرى برای ضمایر شخصی صرف می‌شود :

من گُئروله بیل ملى اولوم ، بیز گُئروله بیل ملى اولاق  
سن گُئروله بیل ملى اول ، سیز گُئروله بیل ملى اولون  
او گُئروله بیل ملى اولسون ، او گُئروله بیل ملى اولسونلار

## ۱۹-۵) فعل مجھول آرزوئی:

فعل مجھول آرزوئی، ترکیبی از ریشه فعل، علامت مجھولی و حرف اضافه آرزوئی « ئ » است که به شکل زیر به کارگرفته می‌شود:

او آلینا alına ، ساتیلا satıla ، یۇنولا yonula ، کسیله kəsilə ، تیکیله ... - افعال مذکور به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شوند. مثال:

بۇ بۇغىدار ساتىلار بىر نه ياخشى اولار. او قۇزو ساتىلا بىر، نه ياخشى اولار. و ...

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و به حرف « a » ختم شود، به شکل زیر در فرم مجھول آرزوئی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz atıla(ya)q	بىز آتیلاق	mən atıla(ya)m	من آتیلا(يا)م
siz atılasınız	سиз آتیلاسینيز	sən atılasan	سن آتیلاسان
onlar atılalar	اۇنلار آتیلالار	o atıla	او آتیلا

بۇ میوه لر ساتىلار بىر نه ياخشى اولار. بۇ آغاچلار کسیله لر بىر نه ياخشى اولار.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم شود، به شکل زیر در فرم مجھول آرزوئی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود: (اۇغۇلماق: خرد شدن)

biz oğula(ya)q	بىز اۇغۇلاق	mən oğula(ya)m	من اۇغۇلا(يا)م
siz oğulasınız	سиз اۇغۇلا سينيز	sən oğulasan	سن اۇغۇلاسان
onlar oğulalar	اۇنلار اۇغۇلalar	o oğula	او اۇغۇلا

بۇ داشلار اۇغۇلسالار بىر نه ياخشى اولار. بۇ تاختالار یۇنولاalar بىر، نه گۈزىل اولارلار.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « u » ختم شود، به شکل زیر در فرم مجھولی همراه علامت آرزوئی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz vurula(ya)q	بىز وۇرولاق	mən vurula(ya)m	من وۇرولام
siz vurulasınız	سиз وۇرولاسىنىز	sən vurulasan	سن وۇرولاسان
onlar vurulalar	اۇنلار وۇرولالار	o vurula	او وۇرولا

- بۇ آغاچلار وۇرولساڭار، بۇرايا گون دوشىر.

قۇرى بۇ آغاچلار وۇروللاڭار (كىسىله لر)، بلکە بۇرايا دا بىر گون دوشە.

- فعلى كە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى و با حرف «ا» باشد، به شكل زير در فرم مجھول آرزوئى برای ضمایر شخصى صرف مى شود:

biz bilinə(yə)k	بىز بىلينە ك	mən bilinə(yə)m	من بىلينە م
siz bilinəsiniz	سېز بىلينە سينىز	sən bilinəsən	سن بىلينە سن
onlar bilinələr	اۇنلار بىلينە لر	o bilinə	اۇ بىلينە

- اۇنون، بۇ پىس ايشلىرى بىلينە بىر. بۇ اورادا گۈرونە بىر.

دۇغشان دېشىسە بىر، بلکە يئرى بىلينەر. بىلينمك: (علنى شدن، دانسته شدن.)

اۇ دېشىسە، يئرى بىلينەر. اۇ دانىشسا، مقصدى بىلينەر.

فعلى كە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى و با حرف صدادار غير فعال (e) باشد، به شكل زير با حروف «ai» به فرم مجھولى تبديل شده و همراه علامت آرزوئى (ə) برای ضمایر شخصى صرف مى شود:

biz yeyilə(yə)k	بىز يېيىلە ك	mən yeyilə(yə)m	من يېيىلە م
siz yeyiləsiniz	سېز يېيىلە سينىز	sen yeyiləsən	سن يېيىلە سن
onlar yeyilələr	اۇنلار يېيىلە لر	o yeyilə	اۇ يېيىلە

- من ايسته مىرم گىچە لر بۇ مئشە دە قالام و ايت قۇرتىدان طرفىندىن بىع يېيلە م.

بىع ، يېىمك ، يېيىلمك ، يېيىلر ، يېيىلمكده دىر.

بۇ اۇتلار قۇرو دۇرلار، اۇنلارين استونە سۇ سپىن، بلکە (ماللار طرفىندىن) يېيىلە لر.

الله ائىلە يە، بىز گلە نە جان، بىزىم اگىنلىرىمىز (وحشى حيوانلار طرفىندىن) يېيىلمە يە لر.

- «دىء» در فرمەرى مختلف: دئمك، دئىلەمك، دئىلەر، دئىلىر، دئىلىلىر، دئىلىلىمى دىر.

دئىلىمك ده دىر. دئىلىلىمى دىر.

### حال برای ضمایر شخصی صرف می شود:

بیز گئرولملی اولوروق	mən görülməli oluram	من گئرولملی اولورام
سیز گئرولملی اولور سونوز	sən görülməli olursan	سن گئرولملی اولورسان
اونلار گئرولملی اولور لار	o görülməli olur(dur)	او گئرولملی اولور (دور)

او گئرولملی اولور. (او مجبور می شود که خود را نشان دهد. مجبور به دیده شدن می شود.)

- فعل مجهول التزامی به کمک « اولماق » به شکل زیر در آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

biz kəsilməli olarıq	بیز کسیلملی اولاریق	mən kəsilməli olaram	من کسیلملی اولارام
siz kəsilməli olarsınız	سیز کسیلملی اولار سینیز	sən kəsilməli olarsan	سن کسیلملی اولارسان
onlar kəsilməli olarlar	اونلا رکسیلملی اولار لار	o kəsilməli olar	او کسیلملی اولار

- بۇرادان اوتوپان سالینسا بۇ آغاچلار کسیلملی اولار لار.

فعل مجهول التزامی ( با پسوند « ملی » )، که آخرین حرف صدادار ریشه آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر به کمک « اولماق » با علامت « آحاق » در زمان آینده دور برای ضمایر شخصی صرف می شود :

mən görülməli olacağam	من گئرولملی اولا جاغام
sən görülməli olacaqsan	سن گئرولملی اولا جاق سان
o görülməli olacaq	او گئرولملی اولا جاق
biz görülməli olacağıq	بیز گئرولملی اولا جاغیق
siz görülməli olacaqsınız	سیز گئرولملی اولا جاق سینیز
onlar görülməli olacaqlar	اونلار گئرولملی اولا جاق لار

- من او رادا قالسام گئرولملی اولا جاغام. ( من او رادا گئرولمک زۇروندا قالاجاغام )

فعل مجهول کمکی التزامی با پسوند « ملی »، که آخرین حرف صدادار ریشه آن با آهنگ

بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

mən görülə bilməliyəm	من گئروله بیل ملی یم
sən görülə bilməlisən	سن گئروله بیل ملی سن
o görülə bilməli (dir)	او گئروله بیل ملی (دیر)
biz görülə bilməliyik	بیز گئروله بیل ملی بیلک
siz görülə bilməlisiniz	سیز گئروله بیل ملی سینیز
onlar görülə bilməlidirlər	اونلار گئروله بیل ملی دیرلر

- او هر آی دا بیر دفعه پلیسه گندیب و اورادا گئروله بیلملى دیر.

من گئروله بیلملى یم. من مجبور هستم که دیده شوم ( خودم را نشان دهم. )

- توجه شود که افعال ترکیبی مذکور، جمله نیز محسوب می‌شود.

فعل مجھول کمکی همراه علامت التزامی (ملی) به کمک فعل « اولماق » به شکل زیر به کارگرفته می‌شود:

- حالت امری فعل مجھول کمکی التزامی به وسیله « اولماق » به شکل زیر در جمله برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیز گئروله بیل ملی اولاق	من گئروله بیل ملی اولوم mən görülə bilməli olum
سیز گئروله بیل ملی اولون	سن گئروله بیل ملی اول sən görülə bilməli ol
اونلار گئروله بیل ملی اولسونلار	او گئروله بیل ملی اولسون o görülə bilməli olsun

- سن اگر بۇ ارتجایی سیاستمدارلار ایله دئگیلسن، اوزونو اونلارдан کنارا چك و سن اونلارین بۇ پیس ایشلرینی و ایکى اوزلوکلرینی گیزلتىمە و قۇی اونلار اینسانلارا آچىقلاسىن و گئروله بیلملى اولسون.

- فعل مجھول کمکی التزامی به وسیله « اولماق » به شکل زیر با پسوند « *ur*, *ur*, *ur* » در زمان حال به کارگرفته می‌شود. مثال:

زمان حال: من گۈرولە بىل ملى اۇلورام (mən görülə bilməli oluram.)

اۇ گۈرولە بىلملى اۇلورسان.

سېز گۈرولە بىلملى اۇلوروق.

اۇنلار گۈرە بىلملى اۇلورلار.

- فعل مجھول کمکی التزامی به کمک « اۇلماق » به شکل زیر در جمله در زمان آینده دور صرف می شود:

mən görülə bilməli olacağam من گۈرولە بىل ملى اۇلا جاغام ،

sən görülə bilməli olacaqsan سن گۈرولە بىل ملى اۇلا جاق سان ،

o görülə bilməli olacaq اۇ گۈرولە بىل ملى اۇلا جاق ،

biz görülə bilməli olacağııq سېز گۈرولە بىل ملى اۇلا جاغىق ،

siz görülə bilməli olacaqsınız سېز گۈرولە بىل ملى اۇلا جاقسىز ،

onlar görülə bilməli olacaqlar اۇنلار گۈرولە بىل ملى اۇلا جاقلار ؟

- فعل مجھول و مفهوم دىگر آن:

پىشگوئى: صباحا هاوا ياخشى گورولور. ( sabaha hava yaxşı görülür.).

( به نظر مىرسد فردا هوا خوب باشد.)

سەنин گله جە يىن آيدىن گۈرولور. ( sənin gələcəyin aydın görülür.).

اۇنون گله جە يى آيدىن گۈرولور. سېزىن گله جە يىنىز آيدىن گۈرولور

رسىدە شىدن، تكامل ياقتىن:

بۇ ميوه لر يېئىلىمى دىير[لر]. (اين ميوه ها خوردنى است.). (lər).

بۇ آغاجىن ميوه لرى درىيملە دىير (لر). (bu ağacın meyvəleri dərilməlidir).

بۇ اوتلار بىچىلىمى دىير (لر). (bu otlar biçilməlidir).

بۇ قىز ايلە اۇ اوغان، ائولىنىلىمى دىيرلر. (bu qız ile o oğlan evlənilməlidirlər).

## ۲) فعل گذشته و

فرمهای مختلف آن (گشچمیش زامان):

- توضیح:

فعل در زبان ترکی آذربایجان با پسوندهای مختلف به پنج زمان دور و نزدیک گذشته صرف می‌شود. این پسوندها فرم ساده گذشته هستند، که هر یکی از آنها در ترکیب با پسوند دیگر، به فعل ماضی استمراری و یا آینده در گذشته و ... تبدیل می‌شود.

در زبان ترکی آذربایجان افعال با علائم زیر در پنج فرم گذشته صرف می‌شوند:

علائمی که به وسیله آنها افعال ترکی به گذشته‌های دور و نزدیک تبدیل می‌شوند.					
ماضی نقلی		گذشته دور و دور	گذشته دورتر	گذشته دور	گذشته
i b	ایب	ایمیش میش, imiş	ایمیشدی idi	ایمیش imiş	ایدی idi

a) از پنج علامت گذشته چهار علامت به شکل زیر مخفف شده به کار گرفته می‌شوند:

علامت گذشته دور و دور	علامت گذشته دورتر	علامت گذشته دور	علامت گذشته
miş miş	miş di	miş	di

b) معمولاً چهار پسوند ماضی به شکل زیر مخفف شده صرف می‌شوند. مثال:

- گل: او گلدی، او گلمیش، او گلمیشدی، او گلمیش میش

- قال: او قالدی، او قالمیش، او قالمیشدی، او قالمیش میش

شعری از شهریار: دورت بیر دئره میزی سالداتلار آلدی قلعه لر او جالدی، قارانلیق سالدی

c) علائم گذشته در صرف مخفف شده و با فعل «ایمک» برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند؛ ولی اگر فعل «ایمک» تنها فعل جمله باشد، پسوند ماضی به شکل اصلی خود

( ایدی ، ایمیش [ مخفف شده ] ) به کارگرفته می‌شود. مثال:  
بۇلداش ایدی، قارداش ایدی، همکار ایدی، هوشلو ایدی، دوشونن ایدی و ...  
شعری از علی اکبر صابر طاهرزاده:

آخ نئجه کیف چکملی ایام ایدی  
اوندا کی اولاد وطن خام ایدی

d) پسوند ماضی نقلی « ایب » عمدهاً به تنهایی صرف می‌شود، ولی اگر فعل در زمان گذشته اتفاق افتاده باشد به شکل زیر با پسوندهای دیگر ماضی نیز به کارگرفته می‌شود:  
ایب: ایدی، ایمیش، ایمیشیدی، ایمیش میش و ...

علامت ماضی در این کتاب با اسمای زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

اسامی پسوند های گذشته	اصل پسوند	پسوندهای مخفف شده
علامت گذشته	—	di
علامت گذشته دور	—	idi
علامت گذشته دورتر	—	imiş
علامت گذشته دور دور	—	mişdi
علامت ماضی نقلی	ib	imişdi
1	—	imiş imiş
2	—	imışdi
3	—	imış imiş
4	—	imış
5	—	ib

- توجه شود که همه این پنج فرم گذشته در زبان ترکی، گذشته ساده محسوب می‌شود.

## ۱-۲۰) نحوه صرف فعل در زمان گذشته:

فعل گذشته در زبان ترکی عمدهاً به شکل زیر مخفف شده به کارگرفته می‌شود. مثال:

ایچدیم	یئدیم	گددیم	گلدم
iç dim	ye dim	get dim	gəl dim

- افعال گذشته از سه بخش ترکیب می‌یابند، که به شکل زیر از هم تعجزیه می‌شوند:

(۱) گل: ریشه فعل،

۲) دی: علامت و یا پسوند زمان گذشته،

۳) ام (م): پسوند صرفی که در صرف به شکل «م m ، ن n ، و... ، ک k ، نیز niz ،

لار lər» به کار گرفته می شود. (علامت گذشته و صرفی ترکیب یافته و به شکل «dik ، din ، dim» به کار گرفته می شوند)

(a) علامت گذشته به شکل زیر با هماهنگی بزرگ ( به شکل «di ، dı ، dü ، du» ) به کار گرفته می شود. مثال:

- گلدیم gıldım ، گلدو姆 güldüm ، ائچدیم içdim ، گتندیم getdim

سوزدوم süzdüm ، دؤزدوم dözdüm ، گژردوم gördüm و...

- او خودوم oxudum ، دۇندوم dondum ، اوچدوم uçdum ، قۇردوم قوردوم. و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف «i ، e ، ə» باشد ، با پسوند «di» به فعل ماضی تبدیل و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	gəldik	گلدیک	بیز	mən	گلدیم	من	{ پسوند «دیم» ترکیبی از علامت ماضی و پسوند صرفی است.
siz	gəldiniz	گلدینیز	سیز	sən	گلدین	سن	
onlar	gəldilər	گلدیلر	اونلار	o	gəldi	او	

گزدیم، ازدیم، گتندیم، ائندیم، یەندیم، سئودیم، دئندیم و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ı» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	içdik	ایچدیک	بیز	mən	içdim	من	{ پسوند «دیم» ترکیبی از علامت ماضی و پسوند صرفی است.
siz	içdiniz	ایچدینیز	سیز	sən	içdin	سن	
onlar	içdilər	ایچدیلر	اونلار	o	içdi	او	

توجه : علامت صرفی (آم) و علامت گذشته (ایدی) به شکل «دیم» مخفف و در شکل هماهنگی بزرگ دیده می شوند.

- در رابطه با به کار گیری این فعل با اشعار زیر توجه کنید:

گون ایله مکان خروشه گلدى...

دریای محیط جوشه گلدى نسیمی:

یئریم میخانه دیر مستانه گلدىم...

از لدن عشق ایله دیوانه گلدىم ختایی:

هزاران دُونا گیردیم من دُولاندیم بُوگون خصم ایله من میدانه (میدانا) گیردیم

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از سه حرف « i , e , ə » باشد،

به شکل زیر به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی		ال - افع - شه - ری						پسوند گذشته و پسوند صرفی	
mən		sər	gəl	get	sev	sil	bil	dim	
sən		sər	gəl	get	sev	sil	bil	din	
o		sər	gəl	get	sev	sil	bil	di	
biz	{	sər	gəl	get	sev	sil	bil	dik	
siz		sər	gəl	get	sev	sil	bil	diniz	
onlar		sər	gəl	get	sev	sil	bil	dilər	

پسوند گذشته و گذشته  
این افعال، مخفف شده  
و در فرم هماهنگی  
بزرگ صرف می‌شوند.

پسوند جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

biz	güldük	گولدوک	بیز	مən	گولدوم	من
siz	güldünüz	گولدونوز	سیز	sən	گولدون	سن
onlar	güldülər	گولدولر	اونلار	o	گولدو	او

دوزدوم، اوزدوم، سوزدوم، اوشودوم، دوشوندوم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئه » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	dözdük	دؤزدوک	بیز	mən	dözdüm	من
siz	dözdünüz	دؤزدونوز	سیز	sən	dözdün	سن
onlar	dözdülər	دؤزدولر	اونلار	o	dözdü	او

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف « ئه ، ئى » باشد،

به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ریشه افعال	پسوند گذشته و پسوند مخفف شده صرفی
mən	döz	düm
sən	dön	dün
o	düş	dü
biz	süz	dük
siz	döz	dünüz
onlar	dön	dülər
düş	süz	

حروف صدادار این دو ضمیر با آهنگ پائینی است.

با آهنگ پائینی بزرگ صرف می‌شوند.

پسوند صرفی و گذشته این افعال، مخفف شده و در فرم هماهنگی بازگردانید.

- به این نکته توجه شود که اگر آخرین حرف صدادار فعلی با آهنگ بالائی و به یکی از این دو حرف « ü ، ö » ختم شود، با پسوند « dü » و در مواردی نیز با پسوند « di » صرف می‌شود:
  - (الف) گُئردو gördü ، اوپمدو، دؤزدو ، و... او گولدو güldü ، دوزدو ، سوزدو ، و...
  - (ب) گُئردى gördi ، اوپمدى، دؤزدى، و... او گولدى güldi ، دوزدى ، سوزدى و...

افعالی که آخرین حرف صدادار ریشه آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به کار گرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

- فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می‌باشد:

biz aldıq	آلدیق	بیز	mən aldım	آلدیم	من
siz aldınız	آلدینیز	سیز	sən aldın	آلدین	سن
onlar aldılar	آلدیلار	اونلار	o aldı	آلدى	او

- فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با حرف « i » می‌باشد:

biz yiğdiq	بیغدیق	بیز	mən yiğdim	بیغدیم	من
siz yiğdınız	بیغدینیز	سیز	sən yiğdin	بیغدین	سن
onlar yiğdilar	بیغدیلار	اونلار	o yiğdi	بیغدی	او

دیغدیم ، قیردیم ، بیخدیم ، چیخدیم ، سیخدیم ، قیرخدیم ، سیرادیم ، بیغدیم ، جیردیم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به بخش‌های مختلف

تجزیه می شود:

ضمایر شخصی		ریشه افعال				پسوند گذشته و پسوند مخفف صرفی	
mən		qaz	sal	yığ	dığ	dım	
sən		qaz	sal	yığ	dığ	dın	
o		qaz	sal	yığ	dığ	dı	
biz	{	qaz	sal	yığ	dığ	dık	
siz		qaz	sal	yığ	dığ	dınız	
onlar		qaz	sal	yığ	dığ	dılar	

پسوند صرفی و گذشته  
این افعال، مخفف شده  
و در فرم هماهنگی  
بزرگ صرف می‌شوند.

داندیم، ساندیم، دیغدیم، قیردیم، بیغدیم و ...

- در رابطه با به کار گیری فعل گذشته به اشعار نیز توجه کنید:

سید مهدی اعتماد: (با دو مفهوم: ماضی و ماضی نقلی)

گلدى تازا ايا، نغمە سىنى باشلادى بوللىك

دا غ - داش گوله دولدو، یعنی باش قوزادی سونبول.

**گەدى قاراقىش، گەتىدى خزان، آچدى چىچكلىر باغلار يىنە آلدى اۇزونە شانلى بىزە كلر**

**معجزه:** یاریم سحر گونش کیمی چیخدی او تاقدان

آز قالدى ضعف ايده اوره گيم اشتىيقادان

**بختیار و هاب زاده:** بؤیؤك دانیشدق، اصیلده خیرالاندیق.

جیسمًا گئے یہ اُ جالدیق، قلبًا یامان تالاندیق.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «۵۰» باشد، به شکل زیر پرای

ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	qoxduq	قوْخدوْق	بیز	،	mən	qoxdum	قوْخدوْم	من
siz	qoxdunuz	قوْخدوْنۇز	سین	،	sən	goxdun	قوْخدوْن	سەن

او قۇخدو او قۇخدو qoxdu o ، onlar qoxdular اونلار قۇخدولار

در رابطه با افعال مذکور به شعری از محمد امانی توجه کنید:

بولبولون نغمه سی هزار اۇلدو يئنه ایام نوباهار اۇلدو

سید مهدی اعتماد: گلدى تازا ایل، نغمه سینی باشلادى بولبول

داغ - داش گوله دۇلدو، يئنه باش قۇوزادى سونبول.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف « u » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

biz qurduq	بىز قۇردوq	من قۇردم
siz qurdunuz	سىز قۇردونۇز	سن قۇردون
onlar qurdular	اونلار قۇردولار	او قۇردو

- اگر آخرین حرف صدادار فعلی با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « u , o » باشد، با پسوند « دۇ du » به فعل ماضی تبدیل شده و به شکل زیر با پسوند « دۇ » و یا با پسوند « دى » صرف می‌شود. مثال:

او قۇخدى او qoxdi (قۇخدو) ، او سۇلدى (سۇلدو) soldı

او قۇرددۇ او qurdi (قۇرددى) ، او اۇچدو (اۇچدى) ucđı o

او دۇندۇ، او قۇندۇ، او سۇرودۇ، او اۇخودۇ ، او قۇنۇدو ، او سولدو ، او بۇردو و ...

- در رابطه با به کارگیری افعال مذکور به اشعار زیر توجه کنید:

چىكىپ ال خلقىدىن مىجنون سەھرىايدى اوز قۇيىدوم طوطى:

كىسىلىميش صىبر و تايىم وصلت لىلى دن آيرىيلدىم

بۇيۈك بۇيۈك دانىشدىق، اصىلداھ خىر دالاندىق. بختيار وهاب زاده:

جىسمىڭ ئويه اۇجالاندىق، قىلما تالاندىق.

### (b) گذشته دور:

علامت گذشته دور، پسوند « ایمیش imiş » است، که عمدتاً به شکل مخفف شده (میش miş) به کار گرفته می شود. این علامت مفهوم زمان گذشته دور را در خود انعکاس می دهد که با هماهنگی بزرگ به شکل « میش »، « موش »، « مؤش » در آمد و به وسیله فعل « ایمک » برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم می شود:

biz gəlmışık	بیز گلمیشیک	من گلمیشم
siz gəlmışsınız	سیز گلمیش سینیز	سن گلمیش سن
onlar gəlmışlər	اونلار گلمیش لر	او گلمیش

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz getmişik	بیز گئتمیش یك	من گئتمیشم
siz getmişsınız	سیز گئتمیش سینیز	سن گئتمیش سن
onlar getmişlər	اونلار گئتمیش لر	او گئتمیش

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « i » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz içmişik	بیز ایچمیشیک	من ایچمیشم
siz içmişsınız	سیز ایچمیش سینیز	سن ایچمیش سن
onlar içmişlər	اونلار ایچمیشلر	او ایچمیش

- در صرف فعل برای سوم شخص مفرد و جمع پسوند صرفی حذف می شود.

- توجه شود که این افعال را، افعال غیر شهودی (شاهد نبودن عمل) نیز می نامند.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « i ، e ، a »

باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ال	فعـ	ریشه	دور	گذشته	پسوند	صرفی
mən	gəl	dər	get	de	iç	sil	miş
sən	gəl	dər	get	de	iç	sil	miş
o	gəl	dər	get	de	iç	sil	miş
biz	gəl	dər	get	de	iç	sil	miş
siz	gəl	dər	get	de	iç	sil	miş
onlar	gəl	dər	get	de	iç	sil	miş

پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با همانگی کوچک صرف می شود.

- پرای مثال به شعر زیر توجه کنید:

کشیش با غچاسینا گلديم گوردون که من نازليم گندميش

با غ گؤزومه دار گئروندي بۇرادان گۈزلىم گىدمىش

دو شعر مذکور، فعل «گشتمیش» با معنی ماضی و ماضی نقلی به کار گرفته شده است.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	dözmüşük	دؤزموشوك	بیز	mən	dözmüşəm	دؤزموشم	من
siz	dözmüşsünüz	دؤزموش سونوز	سیز	sən	dözmüşsən	دؤزموشسن	سن
onlar	dözmüşlər	دؤزموشلر	اونلار	o	dözmüş(dür )	دؤزموش	او

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « تا » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	gülmüşük	گولموشوك	بىز	mən	gülmüşəm	گولموشم	من
siz	gülmüşsünüz	گولموشسونوز	سيز	sən	gülmüşsən	گولموشسن	سن
onlar	gülmüşlər	گولموشلر	اونلار	o	gülmüş(dür)	گولموش	او

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف «اُ، او، اوُ»

باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	فعال				ریشه افعا	پسوند گذشته دور	پسوند صرفی
mən	dön	döz	düş	süz	müs	əm	
sən	dön	döz	düş	süz	müs	sən	
o	dön	döz	düş	süz	müs	(dür)	
biz	dön	döz	düş	süz	müs	ük	
siz	dön	döz	düş	süz	müs	sünüz	
onlar	dön	döz	düş	süz	müs	(dür) lər	

این چهار پسوند با همانگی بزرگ صرف می‌شوند.

- افعال مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شوند:

خطاطی (شاه اسماعیل): شوندا بیر قارداش قایدا دوشموشم، پیرلر مقامیندا یانیب پیشمیشم،  
ایستمم یانماغی، یاندیم دا گلدیم.  
پیرلر میدانیندا گئرموشم،

افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می‌باشد:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz almışıq	آلماشیق	بیز	mən almışam	آلماشام	من
siz almışsınız	آلماشسینیز	سیز	sən almışsan	آلماش سان	سن
onlar almışlar	آلماشلار	اونلار	o almış(dir)	آلماش (دیر)	او

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz yiğmişıq	ییغمیشیق	بیز	mən yiğmişam	ییغمیشام	من
siz yiğmişsınız	ییغمیش سینیز	سیز	sən yiğmişsan	ییغمیش سان	سن
onlar yiğmişlar	ییغمیش لار	اونلار	o yiğmiş	ییغمیش	او

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از دو حرف « a, i » باشد، به

شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی		ریشه افعال				پسوند گذشته دور		پسوند صرفی		
mən		daş	aş	yığ	dığ		mış		am	پسوند صرفی برای
sən		daş	aş	yığ	dığ		mış		san	سوم شخص مفرد
o	{ ریشه	daş	aş	yığ	dığ	{	mış	{	(dır)	و جمع به کارگرفته
biz	مصدر	daş	aş	yığ	dığ		mış		ıq	نمی شود.
siz		daş	aş	yığ	dığ		mış		sınız	
onlar		daş	aş	yığ	dığ		mış		(dır)lər	

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz solmuşuq	سۇلموشۇق	بیز	mən solmuşam	من سۇلموشام
siz solmuşsunuz	سۇلموش سۇنۇز	سیز	sən solmuşsan	سن سۇلموشسان
onlar solmuşlar	اۇنلار سۇلموش لار	اوْنلار سۇلموش لار	o solmuş	اوْ سۇلموش

مرتضی قلیخان ( ظفر): ( این فعل در مواردی به جای ماضی نقلی نیز به کارگرفته می‌شود.)

جان وئریب تا همنشین وصل جانان اۇلموشام  
پای بند رشتە بیر عهد پیمان اۇلموشام  
اوْ دۇغموش، سن دۇغموشسان، من دۇغموشام،  
اوْ دۇغموش، سیز دۇغموشسونۇز، بیز دۇغموشوق،  
اوْ دۇغموشلار و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz utmuşuq	اُتموشۇق	بیز	mən utmuşam	من اُتموشام
siz utmuşsunuz	اُتموش سۇنۇز	سیز	sən utmuşsan	سن اُتموشسان
onlar utmuş(dur)lar	اۇنلار اُتموش لار	اوْنلار اُتموش لار	o utmuş	اوْ اُتموش

من دۇرموشام ، من اوْخوموشام ، من قۇرموشام ، من بۇلموشام و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «*o*, *u*» باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ال	ریشه افعا	پسوند گذشته دور	پسوند صرفی	این دو ضمیر با همانگی کوچک صرف می‌شود.
<i>mən</i>		<i>cos</i> <i>qos</i> <i>qur</i> <i>dur</i>		<i>mus</i>	
<i>sən</i>		<i>cos</i> <i>qos</i> <i>qur</i> <i>dur</i>		<i>muş</i>	
<i>o</i>	{	<i>cos</i> <i>qos</i> <i>qur</i> <i>dur</i>	{	<i>muş</i>	
<i>biz</i>		<i>cos</i> <i>qos</i> <i>qur</i> <i>dur</i>		<i>muş</i>	
<i>siz</i>		<i>cos</i> <i>qos</i> <i>qur</i> <i>dur</i>		<i>muş</i>	
<i>onlar</i>		<i>cos</i> <i>qos</i> <i>qur</i> <i>dur</i>		<i>muş</i>	
				<i>am</i>	
				<i>san</i>	
				<i>(dur)</i>	
				<i>uq</i>	
				<i>sunuz</i>	
				<i>(dur) lar</i>	

این چهار پسوند با همانگی بزرگ صرف می‌شوند.

قوندوم ، یوندوم ، سولدوم ، دوردوم ، قوردوم و ...

- در رابطه با نحوه به کار گیری فعل گذشته دور به اشعار زیر توجه کنید، که فعل ماضی آن با مفهوم ماضی نقلی نیز صرف شده است:

یعقوب قدسی: از کتاب «آتالار سوزی»:

اما نماز قیلماگینی گورمه میشم...

اوروج یئمه گینی گورموشم،

مظفر سعید: های سالیرام اویانمیر درده، غمه بويانمیر،

عشق او دونا دوشموشوك، من يانيرام، او يانمير

شیروانی: سنین مجلیسیندن قالمیشام کنار، می کیمی قانیما غرق او لموشام یار

خطائی (شاه اسماعیل): پیریمدن او گوت (پند) آلمیشام

او چاییریرسن گل پری من قانادیم با غلامیشام

سن یاره محتاج او لموشام، بو جهاندا ملکونده من،

هر زمان اول یاره دیداره محتاج او لموشام. و...

توجه شود که پسوند «میش *miş*» (*imiş*) علاوه بر بیان انجام کاری در گذشته دور و نامعین، در مواردی به شکل پسوند در کلمه سازی و همانا در صرف ماضی نقلی و در بیان و

نقل داستانهای قدیمی نیز به کارگرفته می‌شود. مثال:

۱) پسوند برای کلمه سازی:

بیشمیش *bışmış* [ غذای پخته ] ، سولموش *solmuş* ( پژمرده شده )  
یئتیشمیش *yetişmiş* ( بالغ شده ، رسیده شده ) ، میوه *yemiş* [ میوه خوردنی ] ،  
یانمیش *yanmış* ( سوخته شده ) ، غذائی که میوه ای که رسیده باشد ] ، سوخته شده ، قلبی که کباب شده و ...

۲) پسوند میش در مواردی نیز به جای ماضی نقلی به کارگرفته می‌شود:

من یئمک یئمیشم ( من یئیم ) [ به این معنی که من غذا خورده و سیر هستم یعنی اثر خوردن هنوز موجود است ].

من « گلمیشم » به جای « گلیم » ، من « یئمیشم » به جای « بیع بیم » و ...

۳) به شکل گذشته دور و نامعین:

من نئچه دفعه ( کره ) تهرا نا گتتمیشم. من اوں دفعه دن ده چوخ ( آرتیق ) تبریزه گتتمیشم. و ...

ابراهیم « رف رف » در کتاب خود « آنا دیل ، آذربایجانجا درسلیک » چنین می‌نویسد: افسانه لره گؤره اسکی زمانلاردا آتلانتیک او قیانوسوندا گنیش بیر آدا وارمیش. آرتیق بوگون موجود اولمايان و اختیله سوں درجه ده گؤزل آتلانتیسی دئگیل ، بو آدا دا بیر یئوكسل مدنیت وارمیش ( m 16 ).

افلاطونون یازدیغینا گؤره هرکول معبدینین دیرکلرینین او تاییندا بیر آدا وارمیش ، بو آدا بیر او قدر گنیش ایمیش ( ş imiş ) کی کیچیک آسیا و لیبی اولکه سی بیرلیکده اوندان یاناشی یېرلشه بیلرمیش ( ş imiş ) ... یوکسل مدنیت اوْجاغی اولان آتلانتیس اولکه سینده بیر قدرتلى سلطنت قورو لموشدور ..

توجه: آقای محمد علی فرزانه، آقای دکتر زهتابی دو جلد و آقای ابراهیم رف رف نیز دو جلد کتاب دستور زبان نوشته اند که خواندن آنها آمورزنده و جالب است.

## ۵) صرف گذشته دورتر :

گذشته دورتر با پسوند ترکیبی (میشدی) ساخته شده و با مفهوم زمان گذشته دورتر به کارگرفته می شود. مثال:

او گچن ایل بۇرایا گلمیشدی.

- علامت گذشته دور (میشدی) از سه بخش تشکیل می یابد، که بخش اول آن «میش» (علامت گذشته دور) و بخش دوم آن علامت گذشته (دی) می باشد، که پشت سر آن نیز پسوند صرفی با هماهنگی بزرگ صرف می شود. مثال:

gəl,miş,dim. gət,miş,dim. iç,siş,dim. döz,müş,düm. gül,müş,düm.

al müş dım. yiğ müş dım. don mu dum. durmuş dum.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ه» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

biz gəlmışdık	گل میشدیک	بیز	mən gəlmışdim	من گل میشدیم
siz gəlmışdiniz	گل میشدینیز	سیز	sən gəlmışdin	سن گل میشدین
onlar gəlmışdilər	گل میشدیلر	او نلار	o gəlmışdi	او گل میشدی

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا، e» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال: ( getmişdim , içmişdim )

گتمیشدیم، گتمیشدین، گتمیشدی، گتمیشدینیز، گتمیشدیلر  
ایچمیشدیم، ایچمیشدین، ایچمیشدی، ایچمیشدینیز، ایچمیشدیلر

- در رابطه با به کارگیری افعال مذکور به اشعار زیر توجه کنید:

نباتی: من اشستدیم: اول گولون میخانه لردیر منزلی

اصلی يوخ گئردون، گلیب میخانه لردن...

نه یاتمیش ایدیم نه اویاق، نه آتلی ایدیم نه یایاق

بیر واخت گئردون گلمیشم دونیایا من، دونیایا من...

باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ریشه افعال						پسوند گذشته دور	پسوند گذشته و پسوند مخفف شده صرفی
mən	sər	gəl	get	et	iç	biç	miş	dim
sən	sər	gəl	get	et	iç	biç	miş	din
o	sər	gəl	get	et	iç	biç	miş	di
biz	sər	gəl	get	et	iç	biç	miş	dik
siz	sər	gəl	get	et	iç	biç	miş	diniz
onlar	sər	gəl	get	et	iç	biç	miş	dilər

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «تا،ة» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال: ( *gülmüşdüm* , *dözmüşdüm* ) گولموشدون، گولموشدوک، گولموشدونوز، گولموشدولر، دؤزموشدون، دؤزموشدوک، دؤزموشدونوز، دؤزموشدولر...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف «ت، ظ» باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

من گوردو، دوزدوم، سوزدوم، بوزدوم، اوزدوم و ...

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی ( a, ı, o, u ) باشد، به اشکال زیر به کار گرفته می‌شوند. مثال:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz qalmışdım	بیز قالمیشدیم	mən qalmışdım	من قالمیشدیم
siz qalmışdiniz	سیز قالمیشدینیز	sən qalmışdın	سن قالمیشدین
onlar qalmışdilar	اونلار قالمیشدیلار	o qalmışdı	او قالمیشدی

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و به حرف « ı, o, u » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیخمیشدیم، بیخمیشدین، بیخمیشدی، بیخمیشدینیز، بیخمیشدیلار و ...  
 ( yılmışdım , doğmuşdım , durmuşdım )

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از دو حرف « ı, a » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ریشه افعال	پسوند گذشته دور	پسوند گذشته و پسوند صرفی
mən	qas	dış	dım
sən	qas	dış	dın
o	qas	dış	dı
biz	qas	dış	dıq
siz	qas	dış	dınız
onlar	qas	dış	dılar

پسوند صرفی و « دی » و  
پسوند « میش » با هم ادغام و  
مخفف شده در فرم هماهنگی  
بزرگ صرف می‌شوند

این دو پسوند در اصل به شکل « idiyam » است که به شکل « dım » مخفف می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « o, u » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود.

دُغموشدون، دُغموشدو، دُغموشدو، دُغموشدونز، دُغموشدولار،

دۇرموشلۇم، دۇرموشلۇن، دۇرموشلۇق، دۇرموشلۇنۇز، دۇرمۇشلۇلار، من اوخوموشلۇم، سىن اوخوموشلۇن، او اوخوموشلۇ و ...

توجه: - «میش ایدی» اصل پسوند زمان گذشته است، که در موارد زیادی به شکل «میشدی»

[مخفف شده] به کارگرفته می‌شود.

- پسوند «دیم» ترکیبی از علامت گذشته و پسوند صرفی است. مثال:

اصل فعل به شکل «من سیل ایدی بم sil idi yəm» است، که امروزه به شکل

« سیل دیم sil di m » صرف می شود.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از دو حرف « u, o » باشد ،

به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی		ال افعیه ریشه دور				پسوند گذشته		پسوند گذشته و پسوند صرفی	
mən		coş	don	qur	dur	muş		dum	
sən		coş	don	qur	dur	muş		dun	
o		coş	don	qur	dur	muş		du	
biz	{	coş	don	qur	dur	muş	{	duq	{ مخفف شده در فرم هماهنگی
siz		coş	don	qur	dur	muş		dunuz	
onlar		coş	don	qur	dur	muş		dular	پسوند صرفی و «دی» و پسوند «میش» با هم ادغام و بزرگ صرف می‌شوند

- در رابطه با پسوند مخفف شده فعل گذشته دورتر به اشعار زیر توجه کنید:

اوچ بۇيالى بايراقدان...

چۈخىداندىرى آيرى دؤشىموم

جواد آخوندزاده:

مزارلیغا دؤنموشدی (دو)

جنت کیمی بیر اولکہ

خانمانلار سؤنموشدى(دو)

بیر چو خ ائولر ييختيليب

- در رابطه با پسوند مخفف شده و با اصل فعل «ایمک»، ماضی فعل گذشته دورتر به شکل

زیر در جمله به کار گرفته می شود:

شیکاردان قالمیش ایدی

تولکی قۇچالمیش ایدى،

عبدالله شايق:

#### d) صرف گذشته دور و دور (دور بعید، خیلی دور):

علامت گذشته دور و دور (خیلی دور)، پسوند «ایمیش ایمیش» می‌باشد که در صرف مخفف شده و به شکل «میش میش miş miş» به کار گرفته می‌شود. این پسوند زمان گذشته دور و دور و نا مشخصی را در خود انعکاس می‌دهد. بیان کننده این فعل می‌تواند عملی را نیز در نظر داشته که وی در به وقوع پیوستن عمل، آن را مشاهده نکرده و یا آن را از کس دیگری شنیده، که بدین سان بازگو می‌کند.

اگر کسی جمله را با گذشته دور و دور به کار بگیرد، به این مفهوم نیز است که بیان کننده مطلب هیچ مسئولیتی را در رابطه با درست و یا نادرست بودن کار مطرح شده به گردن نمی‌گیرد. به عبارت دیگر این فعل مفهومی همانند «گوئی اینکه»، «بنابر روایتی»، «بر این باورم که» و یا «شایع است که» و... را در خود بیان می‌کند.

علامت گذشته دور و دور (بعید) از سه بخش تشکیل می‌یابد که دو بخش آن علامت گذشته دور است، که به وسیله فعل «ایمک» برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «i، e، ə» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

biz g̃elmişmişik	بیز گلمیش میشیک	mən g̃elmişmişəm	من گل میش میشم
siz g̃elmişmişsiniz	سیز گلمیش میشیسینیز	sən g̃elmişmişsən	سن گلمیشمیش سن
onlar g̃elmişmişlər	اونلار گلمیش میشلر	o g̃elmişmiş	او گلمیش میش

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «e» ختم می‌شود:

او گتمیش میش	من گتمیش میشم
اونلار گتمیش میش لر	biz getmişmişik میشیک
او ایچمیش میش	من ایچمیش میشم

من ایشله میش میشم، سن ایشله میش میش سن، و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از دو حرف « ü, ö » باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ال	ریشه افعا	تکرار پسوند گذشته دور	پسوند صرفی					
mən		sür	gül	döz	gör	müs	müs	əm	پسوند صرفی برای اول
sən		sür	gül	döz	gör	müs	müs	sən	و دوم شخص مفرد
o	{	sür	gül	döz	gör	müs	müs	(dür)	با هماهنگی کوچک
biz		sür	gül	döz	gör	müs	müs	ük	صرف می‌شود.
siz		sür	gül	döz	gör	müs	müs	sünüz	
onlar		sür	gül	döz	gör	müs	müs	(dür)lər	

علامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

این چهار پسوند با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ü » و یا « ö » ختم می‌شود:

من گولموش موشم (mən gülmüşmüşəm)، سن گولموش موشسن، او گولموشموش و...

بیز دؤزموشموش (mən dözmüşmüşəm)، بیز دؤزموشموشسن، او نلار دؤزموشموش و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « i, e, ə » باشد،

به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ال	ریشه افعا	تکرار پسوند گذشته دور	پسوند صرفی							
mən		dəl	gəl	get	ver	iç	sil	miş	miş	əm	پسوند صرفی برای
sən		dəl	gəl	get	ver	iç	sil	miş	miş	sən	سوم شخص مفرد
o	{	dəl	gəl	get	ver	iç	sil	miş	miş	(dir)	جمع به کارگرفته
biz		dəl	gəl	get	ver	iç	sil	miş	miş	ik	نمی‌شود.
siz		dəl	gəl	get	ver	iç	sil	miş	miş	siniz	
onlar		dəl	gəl	get	ver	iç	sil	miş	miş	(dir)lər	

علامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

او گلمیشمیش، او گتئمیش میش، او ایچمیش میش، او سیلمیش میش و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف ( a, i, u, ö ) باشد، به شکل زیر به کار گرفته می شود. مثال:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد:

biz almışmışıq	بیز آلمیش میشیق	mən almışmişam	من آلمیش میشام
siz almışmışsınız	سیز آلمیش میش سینیز	sən almışmışsan	سن آلمیشمیشسان
onlar almışmışlar	اونلار آلمیش میشلار	o almışmiş	او آلمیشمیش

یاشار منه دئمیشیدی، او گنجن ایل حسنى تبریزده گورموشموش.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و به حرف « i » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

او بیخمیش میش	من بیخمیش میشام
اونلار بیخمیش میش سینیز	سیز بیخمیش میشیق

ائشیدییمه گؤره، گنجن ایل بیزیم قهرامانیمیز او بیری لرینی بیخمیش میش ( لار ).

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ö » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

او دۇنمۇش موش	من دۇنمۇش موشام
اونلار دۇنمۇش موشىسۇنۇز	سیز دۇنمۇشموشۇق

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « u » ختم شود ، به شکل زیر برای ضمایر صرف می شود :

او دۇرمۇش موش	من دۇرمۇش موشام ( durmuşmuşam )
اونلار دۇرمۇش موشلار	سیز دۇرمۇشموش سونۇز ( durmuşmuşuq )

من ائشیدیم ، گنجن ایل حسین بۇرایا گلミشميش. و ...

## ۲-۲) ماضی استمراری و فرمهای مختلف آن :

ماضی استمراری به فعلی گفته می‌شود که در گذشته دور و نزدیک عملی شدن کار را بیان می‌کند. ماضی استمراری به شکل « گلیردیم » بیان می‌شود که از چهار بخش مختلف زیر ترکیب می‌یابد: ( گلیردیم )

۱) ریشه فعل: گل *gəl*

۲) علامت زمان حال که با هماهنگی بزرگ ( *ir, ir, ür, ur* ) به کار گرفته می‌شود.

۳) علامت « دی »، پسوند گذشته است.

۴) صرف فعل « ایمک » که با هماهنگی کوچک و بزرگ و با علامت ماضی ادغام شده و به کار گرفته می‌شود.

### a) طریقه صرف ماضی استمراری:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « *e, i, ü* » باشد، با پسوند زمان حال و گذشته ( به شکل *di, ir* ) به وسیله فعل « ایمک » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « *e* » ختم می‌شود:

<i>biz</i>	<i>gəlirdik</i>	گلیردیك	بیز	<i>mən</i>	<i>gəlirdim</i>	من	گلیردیم
<i>siz</i>	<i>gəlirdiniz</i>	گلیردینیز	سیز	<i>sən</i>	<i>gəlirdin</i>	سن	گلیردین
<i>onlar</i>	<i>gəlirdilər</i>	گلیردیلر	اونلار	<i>o</i>	<i>gəlirdi</i>	اُو	گلیردی

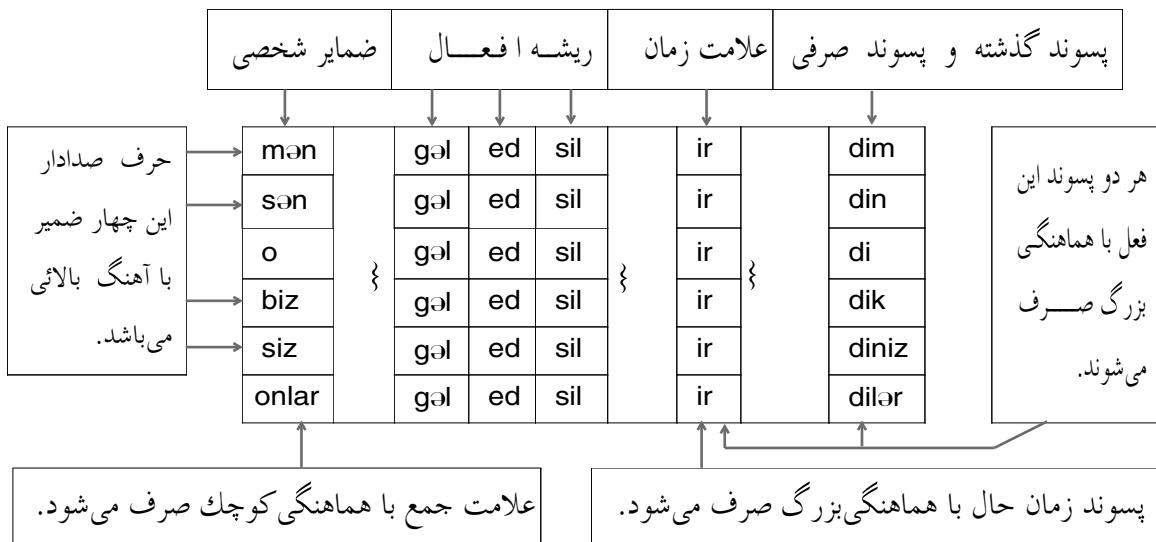
- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « *e* » ختم می‌شود :

اُو	گئدیردی	من	گئدیردیم
اونلار	گئدیردیلر	سیز	گئدیردینیز

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « *i* » ختم می‌شود :

من	بیلیردیم ،	سن	بیلیردین ،	اُو	بیلیردی
سیز	بیلیردینیز ،	اونلار	بیلیردیلر	بیز	بیلیردیك ،

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف «*e*, *i*, *ə*» باشد، به شکل زیر صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:



- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف «ت، ة» باشد، به شکل زیر با پسوند «ür, dü » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

فعلي که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائي و به حرف «ة» ختم شود، به شکل زير برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من گئورور دوم	سن گئورور دون	اُف گئورور دو	ہر دو پسوند این فعل باہماهنگی
بیز گئورور دوک	سیز گئورور دونوز	اُنلار گئورور دولر	بزرگ صرف می شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « تا » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من سوزوردو	سن سوزوردون	او سوزوردو	او نلاز سوزوردولر	سیز سوزوردونوز	بیز سوزوردوک
------------	-------------	------------	-------------------	----------------	--------------

- من اۋپوردوم، گولوردوم، سوزوردوم، دوزوردوم، بوزوردوم، اوزوردوم و... - من سۈنوردوم، دۈزوردوم، سۈئوردوم، بۈلوردوم، ئۈلوردوم، بۈلوردوم و...

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «ا، a» باشد، به اشکال زیر به کار گرفته می‌شود:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم می‌شود:

همه پسوندهای این افعال با همانگی بزرگ صرف می شوند.	{	biz alırkıq آلیردیق siz alırdınız آلیردینیز onlar alırdılar آلیردیلار	بیز سیز او نلار	mən alırdım آلیردیم sən alırdın آلیردین o alırdı آلیردی	من سن او
--	---	---	-----------------	---	----------

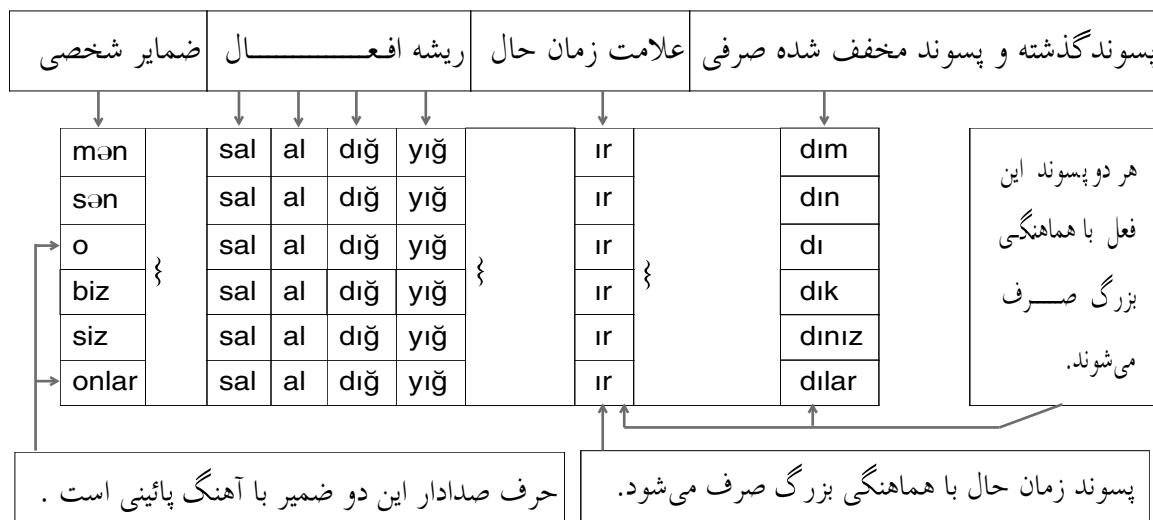
فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

من بیخیردیم ، سن بیخیردین ، او بیخیردی ،

بیز بیخیردیق ، سیز بیخیردینیز ، اوئنلار بیخیردیلار

- افعالی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف «ا، آ» باشد، به

شکل زیر به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:



- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «۰،۵ » باشد، به

شکل زیر (با پسوند "urdु") پر ای ضمایر شخصی صرف می شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «۵» ختم می‌شود:

من دُوْيُور دُوْم، سِن دُوْيُور دُوْن، او دُوْيُور دُوْر،

بیز دُوْیوردُوق، سیز دُوْیوردُونُز، اوْنلار دُوْیوردُولار

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « u » ختم می شود:

من	دُوروردو	اوْ	دُوروردو	سن	دُوروردو	بیز
بیز	دُوروردو	اوْنلار	دُوروردو	سیز	دُوروردو	بیز

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « o,u » باشد،

به شرح زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می شوند:

پسوند گذشته و پسوند مخفف شده صرفی	علامت زمان حال	ریشه افعال	ضمایر شخصی
ur	ur	ال	
dum	ur	اع	mən
dun	ur	اع	sən
(du)	ur	اع	o
duq	ur	اع	biz
dunuz	ur	اع	siz
(du) lar	ur	اع	onlar

هر دو پسوند این فعل با همانگی بزرگ صرف می شوند.

من دُونوردو، من سُوروردو، من قُوروردو، من یُوروردو و ...

- در رابطه با به کار گیری فعل ماضی استمراری به اشعار زیر توجه کنید:

شهریار: بایرامیدی (بايرام ايدي)، گئجه قوشی اوخوردى (دو)

آداخلى قىز بىك جۇرايىن تۇخوردى (تۇخوردو)

هر كىس شالىين بىر باجادان سۇخوردى .....

### (b) گذشته دور (بعید) استمراری:

فعل گذشته دور استمراری زمانی بیان می شود که گوینده مطلب انجام کار را در گذشته دور

در نظر می گیرد، این فعل عمدتاً زمانی به کار گرفته می شود که بیان کننده فعل عملی شدن آن

را مشاهده نکرده و یا از به وقوع پیوستن آن اطمینان کامل نداشته است.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « i, e, o » باشد،

به شکل زیر در گذشته دور استمراری برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » ختم می‌شود:

biz gəlirmişik	بیز گلیرمیشیک	mən gəlirmişəm	من گلیرمیشم
siz gəlirmişsiniz	سیز گلیرمیش سینیز	sən gəlirmişsən	سن گلیرمیش سن
onlar gəlirmişlər	اونلار گلیرمیشلر	o gəlirmiş	او گلیرمیش

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » و یا « ئى » ختم می‌شود:

او گندیرمیش	سن گندیرمیش سن (sən gedirmişsən)	من گندیرمیشم (mən gedirmişəm)
اونلار گندیرمیشلر	سیز گندیرمیش سینیز	بیز گندیرمیشیک

من ایچیرمیشم (içirmişəm)، سن ایچیرمیش سن، او ایچیرمیش

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « ئ ، ئى ، ئه » افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « ئ ، ئى ، ئه »

باشد، به شکل زیر در گذشته استمراری صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	پسوند گذشته دور	علامت زمان	ریشه افعا	ال	ضمایر شخصی	
mən	dəl	gəl	seç	get	iç	bil
sən	dəl	gəl	seç	get	iç	bil
o	dəl	gəl	seç	get	iç	bil
biz	dəl	gəl	seç	get	iç	bil
siz	dəl	gəl	seç	get	iç	bil
onlar	dəl	gəl	seç	get	iç	bil

پسوند صرفی اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

این چهار پسوند زیرین با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.

علامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

- در رابطه با به کار گیری افعال مذکور به شعر زیر توجه کنید:

عارف مصطفی آقا: بولبولمو قاچیرمیشام گولشنیمدن گولومدن آیریلمیشام

جدا دوشوب اولوسومدان ائلیمدن ایتیرمیشام دؤدمانلار آغلارام

- توجه شود که در اشعار مذکور افعال با مفهوم ماضی نقلی نیز فهمیده می‌شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف « ئ، ئے » باشد، به شکل زیر در گذشته استمراری ( ürmüş ) برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » ختم می‌شود:

من گئوروموشم (görürmüşəm)	سن گئوروموش سن	او گئوروموش
بیز گئوروموشوك (görürmüşük)	سیز گئوروموش سونوز	اونلار گئوروموشلر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » ختم می‌شود:

من گولورموشم (gülürmüşəm) ، سن گولورموشمن ، او گولورموش ، سیز گولورموش سونوز ، اونلار گولورموشلر ، بیز گولورموشك ،

- افعال مذکور به شکل زیر در گذشته استمراری صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

پسوند صرفی	علامت گذشته دور	پسوند زمان حال	ضمایر افعال	ضمایر شخصی
em	müş	ür	döz öt düş sür	mən
sən	müş	ür	döz öt düş sür	sən
(dür)	müş	ür	döz öt düş sür	o
ük	müş	ür	döz öt düş sür	biz
sünüz	müş	ür	döz öt düş sür	siz
(dür)lər	müş	ür	döz öt düş sür	onlar

حروف صدادار  
ضمایر متصل  
شخصی وابسته  
به کلمات ما  
قبل خود است.

دوشورdom ، اوشورdom ، سؤبورdom ، اوزورdom و ...

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « ا، ئا » باشد، به شرح زیر همراه دو پسوند « ir,miş » به فعل استمراری تبدیل شده و با فعل « ایمک » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ا » ختم می‌شود:

من آلیرمیشام (alırmışam) ، سن آلیرمیش سان ، او آلیرمیش ، سیز آلیرمیش سینیز ، اونلار آلیرمیشلار ، بیز آلیرمیشیق ،

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ا » ختم می شود:

او	بیخیرمیش	من بیخیرمیشام ( yıixermişam )
اونلار	بیخیرمیشلار	بیز بیخیرمیشیق ( yıixermişiq )

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « او ، سیز » باشد، به شکل زیر با پسوند « urmuş » برای ضمایر شخصی صرف می شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « سیز » ختم می شود. مثال:

او	دو نور مو شام	من دو نور مو شام ( donurmüşam )
اونلار	دو نور مو شام سونوز	بیز دو نور مو شوق

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « سیز » ختم می شود. مثال:

من دو رور مو شام ( durumüşam )، سن دو رور مو شام سان، او دو رور مو شام،  
سیز دو رور مو شام سونوز، اونلار دو رور مو شام لار، بیز دو رور مو شوق،

- افعال مذکور با این دو پسوند « ur , müş » به فعل گذشته استمراری تبدیل شده و به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت زمان	علامت گذشته دور	پسوند صرفی
mən		qor	coş	dur	ur
sən		qor	coş	dur	ur
o		qor	coş	dur	ur
biz	{	qor	coş	dur	ur
siz		qor	coş	dur	ur
onlar		qor	coş	dur	ur

این چهار پسوند  
با همانگی  
بزرگ صرف  
می شوند.

من قوئور دوم، یونور دوم، سوئور دوم، یۇئور دوم و ...

- در رابطه با به کار گیری افعال مذکور به اشعار زیر توجه کنید:

شهریار: بیر قرن ده قارداشدان اۇزاقلاشماق اولورموش!

قارداش دئیه بیر ۇمور سوراقلاشماق اولورموش!

بیردن ده بۇ فارداشلا قۇچاقلاشماق اولورموش!....

## ۵) گذشته دورتر (بعید) استمراری:

افعال گذشته دورتر، با ترکیب ریشه فعل ، پسوند « miş » ، « di » همراه علامت زمان حال

( ir ) ساخته شده و به اشکال زیر به کار گرفته می شوند:

افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از سه حرف « i, e, ə » باشد، به شکل زیر ( با سه پسوند: ir, miş, di ) برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ə » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz gəlirmişdik	بیز گلیرمیشدیك	mən gəlirmişdim	من گلیرمیشدیم
siz gəlirmişdiniz	سیز گلیرمیشدینیز	sən gəlirmişdin	سن گلیرمیشدین
onlar gəlirmişdilər	اونلار گلیرمیشدیلر	o gəlirmişdi	او گلیرمیشدی

من سریرمیشدیم ، من دلیرمیشدیم ، من مه له بیرمیشدیم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

او گندیرمیشدی	سن گندیرمیشدین	من گندیرمیشدیم (gedirmişdim)
اونلار گندیرمیشدیلر	سیز گندیرمیشدینیز	بیز گندیرمیشدیك

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « i » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

او ایچیرمیشدی	سن ایچیرمیشدین	من ایچیرمیشدیم (içirmişdim)
اونلار ایچیرمیشدیلر	سیز ایچیرمیشدینیز	بیز ایچیرمیشدیك

من سیلیرمیشدیم، من بیلیرمیشدیم، من دینیرمیشدیم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « ə , i , e »

باشد، به شکل زیر در گذشته دورتر (بعید) استمراری صرف شده و به بخش‌های مختلف

تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت استمراری	علامت گذشته دور	علامت گذشته و صرفی	پسوند گذشته و صرفی					
mən	{	dəl	gəl	get	et	ic	bil	ir	miş	dim	her se psonnd
sən		dəl	gəl	get	et	ic	bil	ir	miş	din	ain afual ba
o		dəl	gəl	get	et	ic	bil	ir	miş	di	hamanegi bزرگ
biz		dəl	gəl	get	et	ic	bil	ir	miş	dik	صرف می‌شوند.
siz		dəl	gəl	get	et	ic	bil	ir	miş	diniz	
onlar		dəl	gəl	get	et	ic	bil	ir	miş	di lər	

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف «ü, ö» باشد، به

شکل زیر (با پسوند ، ür,müş,dü ) برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

من گئوررموشدو	او گئوررموشدون	سن گئوررموشدون (görürmüştüm)
بیز گئوررموشدوک	اونلار گئوررموشدونوز	سیز گئوررموشدونوز

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «t » ختم می‌شود:

من گولورموشدو (gülürmüştüm) ، سن گولورموشدون، او گولورموشدو

- این افعال به شکل زیر صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت استمراری	علامت گذشته دور	علامت گذشته و پسوند صرفی	پسوند گذشته و پسوند صرفی			
mən	{	döz	öt	gül	düş	ür	müş	düm	her se psonnd
sən		döz	öt	gül	düş	ür	müş	dün	ain afual ba
o		döz	öt	gül	düş	ür	müş	dü	hamanegi bزرگ
biz		döz	öt	gül	düş	ür	müş	dük	صرف می‌شوند.
siz		döz	öt	gül	düş	ür	müş	dünüz	
onlar		döz	öt	gül	düş	ür	müş	dülər	

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «ı , a » باشد ،

به شکل زیر در گذشته دورتر (بعید) استمراری برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم می شود:

biz	alırmışdımq	آلیرمیشدیق	بیز	mən	alırmışdım	من آلیرمیشدیم
siz	alırmışdınız	آلیرمیشدینیز	سیز	sən	alırmışdın	سن آلیرمیشدین
dnlar	alırmışdılار	آلیرمیشدیلار	اونلار	o	alırmışdı	او آلیرمیشدی

من قالير ميشدیم ، سالیر ميشدیم ، چالیر ميشدیم ، فاچیر ميشدیم ، و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «(۱)» ختم می‌شود:

من بىخىر مىشدىم (yıxırkımişdím)	سن بىخىر مىشدىن (yıxırkımişdín)	او بىخىر مىشدى
بىز بىخىر مىشدىق	سىز بىخىر مىشدىنىز	اونلار بىخىر مىشدىلار

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «ا، a» باشد، به

شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی		ریشه افعال				پسوند زمان		پسوند دور		علامت گذشته و پسوند صرفی		پسوند گذشته و پسوند صرفی	
mən	{	bat	daş	cır	dığ	ir		mış		dım		-	
sən		bat	daş	cır	dığ	ir		mış		dın		\	
o		bat	daş	cır	dığ	ir		mış		dı		\	
biz		bat	daş	cır	dığ	ir	{	mış	{	dıq		\	
sız		bat	daş	cır	dığ	ir		mış		dınız		\	
onlar		bat	daş	cır	dığ	ir		mış		dınız		\	

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «۵۰» باشد، به

شکل زیر (با پسوند *ur* *mus* *du*) برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «۵» ختم می‌شود:

من دۇنۇرموش دۇم ( donurmuşdum )	سن دۇنۇرموش دون ( donurmuşduq )	اۇر دۇنۇرموش دۇشدو ( donurmuşduq )
بىز دۇنۇرموش دوق ( donurmuşduq )	سىز دۇنۇرموش دونوز ( donurmuşduq )	اۇنلار دۇنۇرموش دۇشدار ( donurmuşduq )

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر

شخصی صرف می‌شود:

من دُورورموشدو	او دُورورموشدون	سن دُورورموشدون	(dururmuşdum)
بیز دُورورموشدو	اونلار دُورورموشدونز	سیز دُورورموشدونز	لار

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « o,u » باشد، به شکل زیر در گذشته دور (بعید) استمراری صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت زمان	علامت گذشته دور	علامت گذشته و پسوند صرفی	پسوند گذشته و پسوند این
mən	qoş	ur	mus	dum	هر سه پسوند این افعال با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.
sən		ur	mus	dun	
o		ur	mus	(du)	
biz		ur	mus	duq	
siz		ur	mus	dunuz	
onlar		ur	mus	dular	

توجه: علامت صرفی (آم) و علامت گذشته (ایدی) به شکل « دوم » مخفف و در شکل هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.

#### d) گذشته خیلی دور (دور و دور) استمراری:

- در صرف گذشته دور و دور (خیلی دور) استمراری، علامت زمان حال « ir » و علائم زمان گذشته « میش میش » با هماهنگی بزرگ و پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک صرف می‌شود:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » می‌باشد:

biz gəlirmişmişik	بیز گلیرمیش میشیک	mən gəlirmişmişəm	من گلیرمیش میشم
siz gəlirmişmişsiniz	سیز گلیرمیش میش سینیز	sən gəlirmişmişən	سن گلیرمیش میش سن
onlar gəlirmişmişlər	اونلار گلیرمیش میش لر	o gəlirmişmiş	او گلیرمیش میش

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر

شخصی صرف می‌شود:

من گندیرمیش میشم، سن گندیرمیش میش سن، او گندیرمیش میش

بیز گئدیرمیش میشیک، سیز گئدیرمیش میش سینیز، اونلار گئدیرمیش میشلر

- توجه شود که این افعال عمدتاً در رابطه با سوم شخص مفرد و جمع به کارگرفته می‌شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف «i, e, ə» باشد،

به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	علامت زمان	تکرار گذشته دور	پسوند صرفی					
mən		səp	get	seç	bil	ir	miş	miş	əm	این دو پسوند
sən		səp	get	seç	bil	ir	miş	miş	sən	صرفی در
o	{	səp	get	seç	bil	ir	miş	miş	(dir)	صرف حذف
biz		səp	get	seç	bil	ir	miş	miş	ik	می‌شود.
siz		səp	get	seç	bil	ir	miş	miş	siniz	
onlar		səp	get	seç	bil	ir	miş	miş	(dir)lər	

حروف صدادار این دو ضمیر با آهنگ پائینی است.

چهار پسوند زیرین با همانگی بزرگ صرف می‌شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ت» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف می‌شود:

او گولورموشموش	سن گولورموش موشیس	من گولورموشموش (mən gülürmüşmüşəm)
اونلار گولورموشموشلر	سیز گولورموش موشیسونوز	بیز گولورموش موشوك

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ة» ختم می‌شود:

من دؤزورموشموش (mən dözürmüşmüşəm)،

سن دؤزورموشموش، او دؤزورموشموش،

بیز ئۆزورموشموشوك (biz dözürmüşmüşük)،

سیز دؤزورموشموشیسونوز، اونلار دؤزورموشموشلر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و به حرف «a» ختم شود، به شکل

زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من آلیرمیش میشام (alırımışmışam)	سن آلیرمیش میشسان (alırırmışmışsan)	او آلیرمیش میش (aırırmışmış)
بیز آلیرمیش میشیق (bızırımışmışiq)	سیز آلیرمیش میش سینیز (sırırmışmışsıniz)	اونلار آلیرمیش میشلار (onlarırmışmışlar)

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

من بیخیرمیشمیشام (yıxırmışmışam) ، سن بیخیرمیش میشسان ، او بیخیرمیش میش ،  
بیز بیخیرمیش میشیق ، سیز بیخیرمیش میش سینیز ، اونلار بیخیرمیش میشلار

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «و» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من دُونورموش موشام (donurmüşmuşam)	سن دُونورموش موش سان (donurmüşmuşsan)	او دُونورموش موش (donurmüşmış)
بیز دُونورموش موشوق (sunuz)	سیز دُونورموش موشسونوز (sırırmışsunuz)	اونلار دُونورموش موشلار (onlarırmışsunuz)

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

من دُورورموشموشام (dururmüşmuşam) ، سن دُورورموشموش سان، او دُورورموش موش

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	علامت زمان	تکرار پسوند گذشته دور	پسوند صرفی
mən		cos	qur	dur	ur
sən		cos	qur	dur	ur
o		cos	qur	dur	ur
biz	{	cos	qur	dur	ur
siz		cos	qur	dur	ur
onlar		cos	qur	dur	ur
				muş	am
				muş	san
				muş	(dur)
				muş	uq
				muş	sunuz
				muş	(dur)lər

پسوند صرفی برای اول  
و دوم شخص مفرد  
با هماهنگی کوچک  
صرف می‌شود.

- توجه شود که این افعال در فرم سوم شخص مفرد و جمع صرف می‌شوند و در رابطه با سایر

ضمایر شخصی خیلی کم به کار گرفته می‌شوند. مثال:

او گلمیش میش. اونلار سایمیش میشلار. او آلیرمیش میش. او دُورورموش موش.

### ۳-۲) فعل آینده نزدیک در گذشته:

فعل آینده نزدیک در گذشته، فعلی است که به وسیله آن آینده در گذشته بیان می‌شود. فعل آینده در گذشته ترکیبی از ریشه فعل، علامت زمان آینده، علامت گذشته و پسوند صرفی (فعل «ایمک») است، که آن علاوه بر زمان آینده در گذشته و همچنین شکلی از فعل شرطی نیز به حساب می‌آید. مثال:

سن دونن (دون) منه دائمه دين يۇخسا من آخشام سىزە گلردىم.

(تو دیروز بە من نگفتی، و گرنە من عصر بە خانە شما مىآمدم. [علاقە و توان داشتم.] )

در جمله مذکور سه مفهوم زیر بیان شده است:

a) دیشب و دیروز هر دو گذشته است، ولی دیشب به نسبت دیروز آینده نزدیک در گذشته محسوب می‌شود. چنین فعلی زمانی به کارگرفته می‌شود که در گذشته بین خواستن تا عملی شدن فعل (دیروز و دیشب می‌آمد) فرق زمانی موجود بوده باشد. مثال:

سن منه دونن (دون) دائمه دين، يۇخسا من آخشام سىزە گلردىم.

در جمله مذکور فعل اولی بە شکل گذشته ساده (مثال: دائمین) و فعل دومی بە شکل آینده در گذشته (گلردىم: با پسوند آینده و گذشته) صرف می‌شود.

b) با فعل «آینده نزدیک در گذشته» بیان کننده مطلب می‌تواند علاقە و میل و امکان و توان خود را که دیروز برای به انجام رساندن عملی برای دیشب داشته بیان کند (گلردىم).

c) فعل مذکور بە شکل شرطی در زمان گذشته بیان شده است. مثلاً تو نگفتی، اگر تو بە من گفته بودی، من می‌توانستم و علاقە داشتم پیش تو بیایم (گلردىم).

بالاصله در مقابل فعل «گلردىم» این سوال پیش می‌آید که چرا نیامدید، در بند دیگر جمله، به آن جواب داده می‌شود، که بە من نگفتی و گرنە من می‌آمد. به عبارت دیگر جمله به شکل جمله شرطی با مفهوم علاقە و توان داشتن ظاهر می‌شود.

فعل آینده در گذشته با مفاهیم مذکور همراه علامت آینده (ar, er) با پسوندهای ماضی به شکل «دی، میش، میشدی» در زمانهای مختلف گذشته صرف می‌شود:

### a) صرف فعل آینده نزدیک در گذشته:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف « ۇ ، ئ ، ة ، ئ ، ئ » باشد، به شکل زیر به کار گرفته می شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz	gələrdik	بیز گلردىك	mən	gələrdim	من گلردىم
siz	gələrdiniz	سیز گلردىنیز	sən	gələrdin	سن گلردىن
onlar	gələrdilər	اونلار گلردىلر	o	gələrdi	او گلردى

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « آ » ختم می شود:

او	گئدردى	من	گئدردىم
اونلار	گئدردىلر	سیز	گئدردىنیز

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » ختم می شود:

من	ايچرديم،	سن	ايچردين،	او	ايچردى،
سیز	ايچردىنیز،	اونلار	ايچردىلر		

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » ختم می شود:

او	أۋىرىدى	من	أۋىرىدىم
اونلار	أۋىرىدىلر	سیز	أۋىرىدىنیز

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم می شود:

من	گولردىم،	سن	گولردين،	او	گولردى،
سیز	گولردىك،	اونلار	گولردىلر		

- در رابطه با افعال مذکور به اشعار زیر توجه کنید:

« سهند »:	قارا قیش دنیانی برباد ائدردى،	دالینجا ياز اولوب، ياي اولماسايدى.
قارانلىقدا انسان آلدن گئدردى،	گونش اولماسايدى، آى اولماسايدى.	

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شرح زیر در زمان آینده در گذشته برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ال						ریشه افعا	پسوند آینده نزدیک	پسوند گذشته و پسوند صرفی	پسوند گذشته و پسوند صرفی
mən	gəl	get	iç	biç	gül	düş	ər	dim	ər	ər
sən	gəl	get	iç	biç	gül	düş	ər	din	ər	ər
o	gəl	get	iç	biç	gül	düş	ər	di	ər	ər
biz	gəl	get	iç	biç	gül	düş	ər	dik	ər	ər
siz	gəl	get	iç	biç	gül	düş	ər	diniz	ər	ər
on,lar	gəl	get	iç	biç	gül	düş	ər	dirlər	ər	ər

این پسوندها  
ترکیبی از پسوند  
صرفی و علامت  
گذشته هستند.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شرح زیر به کار گرفته می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف « a » می‌باشد:

biz alardıq	بیز آلاردیق	mən alardım	من آلاردیم
siz alardınız	سیز آلاردینیز	sən alardın	سن آلاردین
onlar alardılar	اوْنلار آلاردیلار	o alardi	اوْ آلاردی

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف « a » باشد:

اوْ قیسقیناردی،	سیز قیسقیناردین	من قیسقیناردیم
اوْنلار قیسقیناردیلار	سیز قیسقیناردینیز	بیز قیسقیناردیق

بیز قیسقیناردیق، سیز قیسقیناردینیز، اوْنلار قیسقیناردیلار

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « o » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

اوْ بیخاردی	سن بیخاردین	من بیخاردیم
اوْنلار بیخاردیلار	سیز بیخاردینیز	بیز بیخاردیق

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف « o » می‌باشد:

من دُؤيَارْدىم، او دُؤيَارْدىن، سن دُؤيَارْدىن، بیز دُؤيَارْدىق،

بیز دُؤيَارْدىق، او نلار دُؤيَارْدىنیز، سیز دُؤيَارْدىلار

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف «ا» می‌باشد:

من دُورْارْدىم، او دُورْارْدىن، سن دُورْارْدىن، بیز دُورْارْدىق،

بیز دُورْارْدىق، او نلار دُورْارْدىنیز، سیز دُورْارْدىلار

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شرح زیر در زمان آینده در گذشته

برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ال	ریشه افع	علامت آینده نزدیک	پسوند صرفی و پسوند گذشته						
mən	at	qal	six	yığ	sor	sol	dur	bul	ar	dım
sən	at	qal	six	yığ	sor	sol	dur	bul	ar	dın
o	at	qal	six	yığ	sor	sol	dur	bul	ar	(dı)
biz	at	qal	six	yığ	sor	sol	dur	bul	ar	dıq
siz	at	qal	six	yığ	sor	sol	dur	bul	ar	dınız
on,lar	at	qal	six	yığ	sor	sol	dur	bul	ar	dı,lar

این پسوند‌ها  
ترکیبی از پسوند  
صرفی و علامت  
گذشته هستند.

پسوند آینده نزدیک با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

من بُو كابابلارى (كباب) يئسە يديم ، داهى شام يئيه بىلمىزدىم.

### b) صرف فعل آینده نزدیک در گذشته دور:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف می‌شود. مثال:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

bız gələrmışık	بیز گلرمیشیک	mən gələrmışəm	من گلرمیشم
siz gələrmışsınız	سیز گلرمیش سینیز	sən gələrmışsən	سن گلرمیش سن
onlar gələrmışlər	اونلار گلرمیش (دیز) لر	o gələrmış	او گلرمیش (دیز)

او دا بیزیم کیمی ایللر بُویو مدرسه يه گئدرمیش و يازیب پۇزماق اۋره نرمیش.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من گئدرمیشم	من	گئدرمیش سن	او گئدرمیش
بیز گئدرمیشیک	سیز	گئدرمیش سینیز	اونلار گئدرمیشلر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

من ایچرمیشم، سن ایچرمیش سن، او ایچرمیش،  
بیز ایچرمیشیک، سیز ایچرمیش سینیز، اونلار ایچرمیشلر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ة» ختم می‌شود:

من اؤپرمیشم	من	اؤپرمیش سن	او اؤپرمیش
بیز اؤپرمیشیک	سیز	اؤپرمیش سینیز	اونلار اؤپرمیشلر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ت» ختم می‌شود:

من گولرمیشم، سن گولرمیشسن، او گولرمیش،  
بیز گولرمیشیک، سیز گولرمیش سینیز، اونلار گولرمیشلر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر صرف شده و به

بخشهای مختلف تجزیه می‌شود:

صرف فعل ایمک	پسوند گذشته دور	علامت آینده نزدیک	ریشه افعا_ال	ضمایر شخصی
əm	mis	ər	gəl get iç gül düş	mən
sən	mis	ər	gəl get iç gül düş	sən
(dir)	mis	ər	gəl get iç gül düş	o
ik	mis	ər	gəl get iç gül düş	biz
siniz	mis	ər	gəl get iç gül düş	siz
dir,lər	mis	ər	gəl get iç gül düş	on,lar

حروف صدادار  
ضمایر متصل  
شخصی وابسته  
به کلمات ما  
قبل خود است.

- در رابطه با به کار گیری افعال مذکور به اشعار زیر توجه کنید:

زایر تبریزی: محبت دن مرض حاصلیل اولور الحق دئیرلرمیش،

بۇ سؤز دۇرۇ سۇزە تىزىر، دئىنلر حق دئىرلەميش

بۇنو عارفلەر عالىمە دئىپىلر: يۇخ وفاسى، اولوبدور تجربە، فيكىر ائىلە مە، نا حق دئىرلەميش

افعالى كە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائىنى مى باشد. مثال:

- فعلى كە آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم مى شود:

من قالارميشام	من قالارميشان	من قالارميشىق
بىز قالارميشىق	سېز قالارميشىنىز	اونلار قالارميشلار

- فعلى كە آخرین حرف صدادار آن به حرف « ا » ختم مى شود. مثال:

من دىغارميشام، سن دىغارميشسان، او دىغارميش،

بىز دىغارميشىق، سېز دىغارميش سىنىز، اونلار دىغارميشلار

- فعلى كە آخرین حرف صدادار آن به حرف « او » ختم مى شود. مثال:

من دۇنارميشام	من دۇنارميشان	من دۇنارميشىق
بىز دۇنارميشىق	سېز دۇنارميش سىنىز	اونلار دۇنارميشلار

- فعلى كە آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم مى شود. مثال:

من قۇرارميشام، سن قۇرارميشسان، او قۇرارميش،

بىز قۇرارميشىق، سېز قۇرارميش سىنىز، اونلار قۇرارميشلار

## ٥) صرف فعل آيندە نزدىك در گذشته دورتر:

فعلى كە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى و با حرف « ئا » باشد، به شكل زير برای

ضمایر شخصى صرف مى شود:

biz gələrmışdik	بىز گلرمىشدىك	mən gələrmışdım	من گلرمىشدىم
siz gələrmışdiniz	سېز گلرمىشدىنىز	sən gələrmışdin	سن گلرمىشدىن
onlar gələrmışdilar	اونلار گلرمىشدىلر	o gələrmışdı	او گلرمىشدى

- به تجزىيە فعل « گلرمىشدىم gəl ər miş dim » توجە كنىد:

1) گل: رىشه فعل. 2) ار: علامت زمان آيندە نزدىك 3) مىش: گذشته دور.

3) دى: علامت زمان گذشته. 5) ايم (يم): پسوند صرفى.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

او گولرمیشدی	سن گولرمیشدین	من گولرمیشدیم
اونلار گولرمیشدیلر	سیز گولرمیشدینیز	بیز گولرمیشدیلک

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ا » ختم می‌شود:

من آلامیشدیم،	سن آلامیشدین،	او آلامیشدی،
بیز آلامیشدیق،	سیز آلامیشدینیز،	اونلار آلامیشدیلار

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم می‌شود:

من سۇلارمیشدیم،	سن سۇلارمیشدین،	او سۇلارمیشدی،
بیز سۇلارمیشدیق،	سیز سۇلارمیشدینیز،	اونلار سۇلارمیشدیلار

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئى » ختم می‌شود:

من قۇرارمیشدیم،	سن قۇرارمیشدین،	او قۇرارمیشدی،
بیز قۇرارمیشدیق،	سیز قۇرارمیشدینیز،	اونلار قۇرارمیشدیلار

d) صرف فعل آینده نزدیک در گذشته دور و دور:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر همراه پسوند « ir » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیز گلرمیش میشیك	mən gələrmışmışəm	من گلرمیش میشم
سیز گلرمیش میش سینیز	sən gələrmışmişən	سن گلرمیش میشیسن
اونلار گلرمیش میش لر	o gələrmışmiş	او گلرمیش میش

- افعالی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئە » ختم می‌شود:

من گئدرمیش میشم،	سن گئدرمیش میش سن،	او گئدرمیش میش،
بیز گئدرمیش میشیك،	سیز گئدرمیش میش سینیز،	اونلار گئدرمیش میش لر
من گولرمیش میشم،	سن گولرمیش میش سن،	او گولرمیش میش،
بیز گولرمیش میشیك،	سیز گولرمیش میش سینیز،	اونلار گولرمیش میش لر

### ۲۰-۴) گذشته استمراری فعل مصدری:

a) فعل مصدری، تركیبی از کلمه مصدر با پسوند « ده də » و یا « دا da » است، که به وسیله فعل « ایمک » به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz gəlməkdəydim	بیز گلمکده یدیم	mən gəlməkdəydim	من گلمکده یدیم
siz gəlməkdəydiniz	سیز گلمکده یدینیز	sən gəlməkdəydin	سن گلمکده یدین
onlar gəlməkdəydilər	اونلار گلمکده یدیلر	o gəlməkdəydi	او گلمکده یدی

من سرمکده یدیم ، من بزه مکده یدیم ، من درمکده یدیم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این چهار حرف (ü , ö , i , e ) باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

گولمکده یدیم	گئرمکده یدیم	تیکمکده یدیم	گئتمکده یدیم	من
گولمکده یدین	گئرمکده یدین	تیکمکده یدین	گئتمکده یدین	سن
گولمکده یدی	گئرمکده یدی	تیکمکده یدی	گئتمکده یدی	او
گولمکده یدیک	گئرمکده یدیک	تیکمکده یدیک	گئتمکده یدیک	بیز
گولمکده یدینیز	گئرمکده یدینیز	تیکمکده یدینیز	گئتمکده یدینیز	سیز
گولمکده یدیلر	گئرمکده یدیلر	تیکمکده یدیلر	گئتمکده یدیلر	اونلار

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی (u , o , a ) باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

biz almaqdaydım	بیز آلماقدایدیم	mən almaqdaydım	من آلماقدایدیم
siz almaqdaydınız	سیز آلماقدایدینیز	sən almaqdaydın	سن آلماقدایدین
onlar almaqdaydılalar	اونلار آلماقدایدیلار	o almaqdaydı	او آلماقدایدی

من قالماقدایدیم، من یازماقدایدیم، من آچماقدایدیم، من قازماقدایدیم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و به یکی از این چهار حرف « a , o , u , i » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود.

لار، » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

دُورماقدايديم	دُونماقدايديم	يىخماقدايديم	قالماقدايديم	من
دُورماقدايدين	دُونماقدايدين	يىخماقدايدين	قالماقدايدين	سن
دُورماقدايدى	دُونماقدايدى	يىخماقدايدى	قالماقدايدى	او
دُورماقدايديق	دُونماقدايديق	يىخماقدايديق	قالماقدايديق	بيز
دُورماقدايدينيز	دُونماقدايدينيز	يىخماقدايدينيز	قالماقدايدينيز	سيز
دُورماقدايديلار	دُونماقدايديلار	يىخماقدايديلار	قالماقدايديلار	اونلار

من سالماقدايديم، من قاچماقدايديم، من يۇنماقدايديم، من قورماقدايديم و ...

(b) گذشته دور استمراری مصدری به شکل زیر صرف می‌شود:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بىز	گلمكده يمىشىك	mən gəlməkdəymışəm	من گلمكده يمىشىم
سيز	گلمكده يمىش سينيز	sən gəlməkdəymışən	سن گلمكده يمىش سن
اونلار	گلمكده يمىش لر	o gəlməkdəymış	او گلمكده يمىش

- من گتىمكدىيىشىم، سن گتىمكده يمىش سن، او گتىمكده يمىش و ...

من يئمكده يمىشىم، سن يئمكده يمىشىن، او يئمكده يمىش و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائينى « a,i,o,u » می‌باشد:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم می‌شود:

من	آلماقدايمىشام	من	آلماقدايمىشام
او	آلماقدايمىش سان	سن	آلماقدايمىش سان
اونلار	آلماقدايمىش سينيز	سيز	آلماقدايمىش سينيز

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم می‌شود:

من دُورماقدايمىشام، سن دُورماقدايمىش سان، او دُورماقدايمىش،

من دُورماقدايمىش، سن دُورماقدايمىش سان، او دُورماقدايمىش،

سيز دُورماقدايمىش سينيز، اونلار دُورماقدايمىشلار

## ۵) گذشته دورتر استمراری مصدری:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد و به حرف « ئ » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

او گلمکده يميىشدى	سن گلمکده يميىشدىن	من گلمکده يميىشدىم
اونلار گلمکده يميىشدىلر	سيز گلمکده يميىشدىنيز	بيز گلمکده يميىشدىك

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم می‌شود:

من گولمکده يميىشدىم	سن گولمکده يميىشدىن	او گولمکده يميىشدى
اونلار گولمکده يميىشدىلر	سيز گولمکده يميىشدىنيز،	من گولمکده يميىشدىم، بيز گولمکده يميىشدىك،

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم می‌شود:

من آلماقدايمىشدىم،	سن آلماقدايمىشدىن،	او آلماقدايمىشدى،
اونلار آلماقدايمىشدىلار	سيز آلماقدايمىشدىنيز،	بيز آلماقدايمىشدىق،

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم می‌شود:

من اوتماقدايمىشدىم،	سن اوتماقدايمىشدىن،	او اوتماقدايمىشدى،
اونلار اوتماقدايمىشدىلار	سيز اوتماقدايمىشدىنيز،	بيز اوتماقدايمىشدىق،

## ۵-۵) ماضی ( گذشته ) نقلی و فرمهای مختلف آن:

- فعل ماضی نقلی، ترکیبی از ریشه فعل با علامت « ایپ » می‌باشد، که حرف صدادار آن با هماهنگی بزرگ به کار گرفته شده و به کمک فعل « ایمک » برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

ماضی نقلی در زبان ترکی عملی را بیان می‌کند که در گذشته انجام یافته و اثر آن تا زمان بیان مطلب باقی مانده و یا تکرار شده است. مثال:

او يئمك يئيپ، آج دئگيل. ( او غذا خرده است و گرسنه نیست). او گلیب بۇرادادیر.  
او گلیب و بۇرادا اوْتورو بىدور. او بۇگون سحر تبریزدن چىخىپ و تهرانا گلیر و او ايندى  
يۇلون يارىسىنى گلىيدىر.

حرف صدادار پسوند ماضى نقلی (اى a) تابع آخرین حرف صدادار رىشه فعل مى باشد، كه با  
هماهنگى بزرگ به شكل «ib ، üb ، ib» و «ib ، üb» صرف مى شود. مثال:

سن گلیب سن. (sən gəlib) سن هارايا گندىب سن. سن بۇ كىتابى هارادان آلىب سان?  
او گلیب دىر. ( او آمده است). او هارايا گلىيدىر؟ او بىزه گلىيدىر.

- امروزه ماضى نقلی را براى اول شخص مفرد و جمع صرف نمى كنند و به جای آن از پسوند  
گذشته دور(مبش) استفاده مى شود. مثال:

به عبارت دىگر به جای « من گلېيم » « من گلمىشىم » گفته مى شود، به جای « بىز  
گلېيىك » ، « بىز گلمىشىك » و به جای « بىز دئېيىك » ، « بىز دەمىشىك » گفته مى شود و  
به جای « بىز اىچىيىك » ، « بىز اىچمىشىك » گفته مى شود. و...

(a) ماضى نقلی به شكل زير صرف مى شود:  
ريشه فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى و با يكى از اين سه حرف « a , e , i »  
باشد، به شكل زير با پسوند «ib» به كار گرفته مى شود:  
- فعلى كه آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم شود، به شكل زير برای ضماير  
شخصى صرف مى شود:

biz	gəlibik	بىز گلېيىك	mən	gəlibəm	من گلېيم
siz	gəlibsiniz	سيز گلېيىنىز	sən	gəlibsən	سن گلېيب سن
onlar	gəliblər	اونلار گلېيلر	o	gəlib	او گلېب(دىر)

- من گندىيىم ، سن گندىيىسن ، او گندىب (دىر) و...  
- من اىچىيىم ، سن اىچىيىسن ، او اىچىب (دىر) و...  
- فعلى كه آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم شود، به شكل زير برای ضماير

شخصی صرف می شود:

او گندیب ( دیر )	سن گندیب سن	من گندیم
اونلار گندیبلر	سیز گندیب سینیز	بیز گندیبیک

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ا » ختم می شود:

من ایچیم،	سن ایچیسن،
بیز ایچیبیک،	سیز ایچیبیسینیز،

- فعل ماضی نقلی به شکل زیر برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سوم شخص جمع تنها با پسوند جمع و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف شده و به بخش‌های مختلف صرف می شود:

ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت ماضی نقلی	پسوند صرفی
mən	sər gəl ed ged sil iç	ib	əm
sən	sər gəl ed ged sil iç	ib	sən
o	sər gəl ed ged sil iç	ib	(dir)
biz	sər gəl ed ged sil iç	ib	ik
siz	sər gəl ed ged sil iç	ib	siniz
onlar	sər gəl ed ged sil iç	ib	dilər

حروف صدادار پسوند  
صرفی وابسته به حرف  
صدادار کلمه ما قبل  
خود است.

من بیلیم ، سن بیلیسن ، او بیلیب ( دیر ) و ...

- در رابطه با به کارگیری ماضی نقلی به اشعار زیر توجه کنید:  
فضولی: یار حال دیلیمی زار بیلیبدیر، بیلیم دیل زاریمدا نه کیم وار بیلیبدیر، بیلیم

( yar hal dilimi zar bilibdir, bilibəm dil zarımda nə kim var bilibdir, bilibəm )

یاری اغیار بیلیبدیر کی منا یار اولماز من دخی ( داهی ) آنی کی اغیار بیلیبدیر، بیلیم

زلفونو اهل وفا صیدینه دام ائیله یه لی منی اول داما گرفتار بیلیبدیر، بیلیم ...

أوزونه صحبتیمی عار بیلیبدیر، بیلیم ...

صابر طاهرزاده: ایشته ستارخان باخین بیر نوع اقدامات ائدیب

بیروزیر و شاهی یوق دنیانی یکسرمات ائدب

عرض اسلامی وطن ناموسونی یوزقات ائدب حرمت حیثیت ملتین اثبات ائدب...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف « ئا، ئا » باشد، به شکل زیر با پسوند « ئb » به کار گرفته می شود:

- ریشه فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من	گُوروبم
سن	گُوروبسن
سیز	گُوروبسونوز
بیز	گُوروبوک

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم می شود:

من گولوبم، سن گولوب سن، او گولوب دور،  
بیز گولوبوک، سیز گولوب سونوز، اونلار گولوب لر

- افعال مذکور به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می شوند:

ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت گذشته نقلی	پسوند صرفی	پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با همانگی کچک و برای سایر ضمایر شخصی با همانگی بزرگ صرف می شود.
mən	gör	üb	əm	
sən	öp	üb	sən	
o	düş	üb	(dür)	
biz	üz	üb	ük	
siz		üb	sünüz	
onlar		üb	(dür) lər	

من یوْلا دوشوبم، سن دوشوبسن، او دوشوب و...

- وجی: یوْخو گُوردم گُوزلیم یا کی یولون ترسه دوشوب  
بیلمیرم آی دُلانیب گون چیخیب هاردان نه عجب

- ریشه فعلی که آخرین حروف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از دو حرف « ئا، ئا »

باشد، به شکل زیر با پسوند « ib » به کار گرفته می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

o alib (dir) آلیب (دیر)	او سن آلیسان alıbsan	من آلیام mən alıbam
onlar alıblar اونلار آلیبلار	سیز آلیسینیز siz alıbsınız	بیز آلیبیق biz alıbıq

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « i » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من بیخیام،	من بیخیسان،	من بیخیب (دیر)،
بیز بیخیبیق،	سیز بیخیب سینیز،	او نلار بیخیلار

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	علامت گذشته نقلی	ریشه افعانی	ضمایر شخصی	حرف صدادار
am	ib	coş	mən	اين چهار با آهنگ بالائی است.
san	ib	daş	sən	
(dir)	ib	yığ	o	
iq	ib	dığ	biz	
sınız	ib		siz	
(dir)lar	ib		onlar	

پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با همانگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با همانگی بزرگ صرف می‌شود.

- من دُونوبام ، سن دُونوبسان ، او دُونوب و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از دو حرف « o, u » باشد، به شکل زیر با پسوند « ub » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « o » ختم می‌شود:

من سوروبام ،	من سوروبسان ،	من سوروب (دور)	او سوروب ،
بیز سوروبوق ،	سیز سوروبسونوز ،	او نلار سوروب (دور) لر	سیز سوروبوق ،

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ال				ریشه افعا	علامت ماضی نقلی	پسوند صرفی
mən		doş	coş	otur	qur	ub	am
sən		doş	coş	otur	qur	ub	san
o		doş	coş	otur	qur	ub	dur
biz	{	doş	coş	otur	qur	{	uq
siz		doş	coş	otur	qur		sunuz
onlar		doş	coş	otur	qur	ub	durlar

پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد بهماهنه‌گی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

من سُوروبام ، سن سُوروبسان ، او سُوروب و ...

من يُوْبَام ، سِن يُوْبَسَان ، اوْ يُوْبَ و ...

- در رابطه با به کار گیری ماضی نقلی به اشعار زیر توجه کنید:

و جی: یوں خو گئر دوم گئر زلیم یا کجی یوں لوں ترسه دوشوب

سلیمان م آئی دو لانیب گون چیخیب هار دان نه عجب ...

ای گئزوں باخ عیت ائیله گئر عجیب دوران اولوب

محو اولوب عهد و وفا انصاف ائمی و بیان اولوب ...

اسہ دو شہریوں نے کفایت نانچیلہ حنگینہ

لاسته انسانلا، (انسانلا) خهار و سه گدان او له ب

**شہر یا:** حید، بابا، شیطان بنی، آزاد یا، محنت، اور کلد دن قاز دیں،

قہ گونون سے نو شتن: باز دد س ...

- اموزه دی مادر زادی) به جای سمند ماضه نقل (اب) به نادست سمند «گذشته دو،»

(میش) را صرف می‌کنند. اما صرف فعل گذشته دور به جای علامت ماضی نقلی درست نیست، چرا که آن تنها با چند فعل مفهوم «ماضی نقلی» را بیان می‌کند، در صورتی که خیلی از افعال با پسوند «میش»، مفهوم ماضی نقلی را به درستی بیان نمی‌کنند. برای مثال به صرف چند فعل زیر توجه کنید:

- افعالی که در صرف مفهوم ماضی نقلی آنها فهمیده می‌شود:

او گلمیش، او یشمیش، او آیلشمیش، او حیس لنمیش، او یانمیش، او بیلمیش و ...

- افعالی که در صرف مفهوم ماضی نقلی آن فهمیده نمی‌شود:

من گولموشم، سن گولموشمن، او گولموش، بیز گولموشوك، سیز گولموشسونوز و ...

من دئمیشمن، من قاچمیشام، من آتمیشام، من سؤنموشم و ...

- ولی اگر افعال مذکور را با علامت ماضی نقلی «ایب» صرف کنیم، به شکل درست فهمیده می‌شوند. مثال: من گولوبم، سن گولوبسن، او گولوبدور، بیز گولوبوک، سیز گولوبسونوز، اونلار گولوبلر

- توجه شود که علامت «میش» در کتب قدیمی نیز با همان کلمه «میش» با هر دو مفهوم گذشته و نقلی به کار گرفته شده است. برای مثال به اشعار زیر توجه کنید:

قاضی ضریر: **کسیلمیش گۆیگى سنت اولونموش**

قاماتلو(پارلاق) سورمه له میشلر گۈزۈنى

قاضی برهان الدین: **اولموش تىيمە عشقى اۇنۇن روح دگول مى(دگىل مى)**

غمزە سىايىلە دل داھى(داھى) محروم دگول مى(دگىل مى)

شاه عباس ثانى: **اوچ وفالى كىمسە اولموش ھەمدەم** گاه فرقىت، گاه محنەت، گاه غم

گىچە گوندۇز ھەم اىس و محرىم....

- اگر از اشعار مذکور پسوند «میش» را حذف و به جای آن پسوند «ایب» به کار گیریم ، مفهوم ماضی نقلی آن به درستی فهمیده می‌شود. ولی با پسوند «میش» مفهوم گذشته و ماضی نقلی به درستی فهمیده نمی‌شود.

b) ماضی نقلی را می‌توان همراه علامت دیگر ماضی نیز به کار گرفت و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف کرد :

ماضی نقلی را می‌توان با پسوندهای گذشته دور و نزدیک نیز به کار گرفت و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف کرد. مثال:

من گلیب (دیم) ایدیم، سن گلیب (دین) ایدین، او گلیب (دی) ایدی،

من گلیب (دیم) ایدیم	سن گلیب (دین) ایدین	او گلیب (دی) ایدی	من گلیب (دیم) ایدیم
بیز گلیب (دیلک) ایدیلک	سیز گلیب (دینیز) ایدینیز	اونلار گلیب (دیلر) ایدیلر	بیز گلیب (دیلک) ایدیلک

سن گچن هفته بُرادا او لاندا، یاشار دا بُورایا گلیب ایدی.

- گذشته دور ماضی نقلی به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من گلیب میشم، سن گلیب میش سن، او گلیب میش (دیر)

بیز گلیب میشیک، سیز گلیب میش سینیز، اونلار گلیب میش لر

گچن ایل بایرام دا حسن دئدی، او تهراندا او لاندا، حسین ده او رایا گلیب میش.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ۵ » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz solübmuşuq	بیز سولوبموشوق	mən solübmuşam	من سولوبموشام
siz solübmuşsunuz	سیز سولوبموش سونوز	sən solübmuşsan	سن سولوبموشسان
onlar solübmuşlar	اونلار سولوبموش لار	o solübmuş	او سولوبموش

گچن ایل بُر آغاچلارین هامیسى سُوسوزدان سولموشلار. من اونلارى سُوار ما سایدی اونلارین هامیسى

قۇرو ياجايىدىلار. ( اونلار سوسويوب سولموشدو لار.)

- گذشته دورتر ماضی نقلی به شکل زیر صرف می‌شود، اما معمولاً به کار گرفته نمی‌شود:

من یازیب میشدىم	سن گلیب میشدن	او گلیب میشدى
بیز گلیب میشدىلک	سیز گلیب میشدىنیز	اونلار گلیب میشدىلر

گذشته دورتر: من یازیب میشدىم، سن یازیب میشدىن، او یازیب میشدى و ...

گذشته دور دو: من یازیب میش میشام، سن یازیب میش میشسان، او یازیب میش میش

بیز یازیب میش میشىق، سیز یازیب میش میشىنیز، اونلار یازیب میش میش

## ع- ۲۰) فعل آینده دور در گذشته:

فعل آینده در گذشته همانند سایر افعال به وسیله پسوندهای ماضی « دی، میش، میشدی » با مفاهیم جدیدی ( آینده در گذشته ) برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

- ۱) من گله جه یدیم ،
- ۲) من گله جه یمیشیم ،
- ۳) من گله جه یمیشدیم

فعل مذکور زمانی به کار گرفته می شود که کسی بخواهد تصمیم خود را که برای به انجام رساندن عملی در زمان گذشته دور برای آینده دور نزدیک داشته است بیان کند:

سوال: سن گچن هفته جمعه آخشامی بیزه گله جیدین، نی یه گلمه دین؟

جواب:

من سیزه سؤز وئرمیشدیم و گله جیدیم، آمما تاسف له جمعه آخشامی مریض او لدوم و گله نمه دیم. یعنی هفته قبل تصمیم داشتم، که شب جمعه به خانه شما بیایم. ( شب جمعه ای که به نسبت روزهای هفته گذشته، آینده به حساب می آید و آینده ای که خود نیز امروز، گذشته محسوب می شود) آینده در گذشته). فعل مذکور مفهومی همانند جمله شرطی نیز در زمان گذشته به خود می گیرد. ولی این فعل، فعل شرطی نیست. به عبارت دیگر اگر گفته شود، من تصمیم گرفته بودم ( می خواستم ) بیایم ( گله جه یدیم )، بلا فاصله این سوال پیش می آید، که چرا نیامدید ( ؟ )، در مقابل چنین سوالی در بخش دیگر جمله گفته می شود، که من در روز جمعه مریض شدم. ( یعنی جمله به شکل شرطی بیان می شود.)

علاوه بر آن ، اگر گفته شود که من تصمیم گرفته بودم و یا می خواستم بیایم، به این معنی نیز است که نتوانسته ام بیایم ( گلجه یدیم )، به عبارت دیگر تصمیم مذکور با عدم موفقیت رو برو بوده است. ( بنابراین در جواب آن باید دلیل نیز گفته شود.)

فعلی که مفاهیم فوق را بیان کند در این کتاب « فعل آینده در گذشته » نامیده می شود که می توان آن را در جمله برای یک و یا هر سه مفهوم ذکر شده به کار گرفت. مثال:

گله جه یدی ، گله جه یمیش ، گله جه یمیش میش

## a) صرف فعل آینده در گذشته:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف «*ة, ة, ئ, ئى, ئىن*» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

biz gələcəydim	بیز گله جه یدیک	mən gələcəydim	من گله جه یدیم
siz gələcəydimiz	سیز گله جه یدینیز	sən gələcəydim	سن گله جه یدین
onlar gələcəydimlər	اونلار گله جه یدیلر	o gələcəydi	او گله جه یدی

اصل فعل به شکل «*gələcəy idim* » می‌باشد، که در صرف از آن یک «*ا*» حذف و به شکل «*gələcəy dim* » به کارگرفته می‌شود.

- افعال مذکور، در کتب مختلف با خط عربی به شکل «*گله جیدیم ، گلچیدیم* » و یا «*گله جه یدیم* » نوشته شده اند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و یا با یکی از این پنج حروف «*ة, ة, ئ, ئى, ئىن*» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

گوله بَجِيدِيم	گُوره بَجِيدِيم	ايچه بَجِيدِيم	گَنْدَه بَجِيدِيم	سره بَجِيدِيم	من
گوله بَجِيدِين	گُوره بَجِيدِين	ايچه بَجِيدِين	گَنْدَه بَجِيدِين	سره بَجِيدِين	سن
گوله بَجِيدِى	گُوره بَجِيدِى	ايچه بَجِيدِى	گَنْدَه بَجِيدِى	سره بَجِيدِى	او
گوله بَجِيدِيك	گُوره بَجِيدِيك	ايچه بَجِيدِيك	گَنْدَه بَجِيدِيك	سره بَجِيدِيك	بیز
گوله بَجِيدِينيز	گُوره بَجِيدِينيز	ايچه بَجِيدِينيز	گَنْدَه بَجِيدِينيز	سره بَجِيدِينيز	سیز
گوله بَجِيدِيلر	گُوره بَجِيدِيلر	ايچه بَجِيدِيلر	گَنْدَه بَجِيدِيلر	سره بَجِيدِيلر	اونلار

توجه: - حرف «*ك* » در بین دو حرف صدادار به حرف «*ي* » تبدیل می‌شود.

- افعال مذکور در کتب مختلف با خط عربی به شکل «*ايچه جه یدیم* » ، «*ايچچیدیم* » و یا «*ايچچکدیم* » نیز نوشته شده اند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف «*ة, ة, ئ, ئى, ئىن*»

باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ریشه افعال					پسوند آینده دور	پسوند گذشته و پسوند صرفی مخفف شده		
mən	{	gəl	get	iç	gül	dön	{	ə cə y	dim
sən		gəl	get	iç	gül	dön	{	ə cə y	din
o		gəl	get	iç	gül	dön	{	ə cə y	di
biz		gəl	get	iç	gül	dön	{	ə cə y	dik
siz		gəl	get	iç	gül	dön	{	ə cə y	diniz
on,lar		gəl	get	iç	gül	dön	{	ə cə y	di,lər

پسوند گذشته  
 این افعال، مخفف شده  
 و در فرم هماهنگی  
 بزرگ صرف می‌شوند.

توجه: - اگر در صرف حرف « k » در بین دو حرف صدادار قرار گیرد، به حرف « لا »

تبديل می گردد. مثال: گله جیم ، گله جیم و ...

- صرف فعل در زمان گذشته پسوند « دی » به شکل « ایدی » نیز بیان می شود:

گله جک ایدیم۔

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف «ا، ا، او، او» باشد، به شکل زیر به کارگرفته می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

biz	alacağıydıq	آلا جاغيديديق	بیز	mən	alacağıydım	من آلا جاغييديم
siz	alacağıydınız	آلا جاغييدينیز	سیز	sən	alacağıydın	سن آلا جاغييدين
onlar	alacağıydılar	آونلار آلا جاغييديلار	اوْنلار	o	alacağıydı	اوْ آلا جاغييدي

من دونن بازارا گندسیدیم، اوزومه بیر جوت باشماق (آیاقبای) آلاجاغیدیم.

بیز گچن هفتہ ترپ اوینوردوq. سن بیزه گلسیدین چوخ یاخشی اوّلارايدی، بارابار ترپ اوینويا جاغايديق.

او دونن بۇردا قالسايدى چۈرخ ياخشى اۇلارايدى ، بارابار سينامايا گىدە جە يدىك.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد و به یکی از این چهار حرف «ا، ا، او، سیز» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

او تاجاغیدیم	داناجاغیدیم	سولاجاغیدیم	بیجاجاغیدیم	من
او تاجاغیدین	داناجاغیدین	سولاجاغیدین	بیجاجاغیدین	سن
او تاجاغیدی	داناجاغیدی	سولاجاغیدی	بیجاجاغیدی	او
او تاجاغیدیق	داناجاغیدیق	سولاجاغیدیق	بیجاجاغیدیق	بیز
او تاجاغیدینیز	داناجاغیدینیز	سولاجاغیدینیز	بیجاجاغیدینیز	سیز
او تاجاغیدیلار	داناجاغیدیلار	سولاجاغیدیلار	بیجاجاغیدیلار	او نلار

من بیجاجاغییدیم (بیجاجاغیدیم)، قیراجاغیدیم، یویاجاغیدیم و....

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و به یکی از چهار حرف «ا، ا، او، سیز» باشد، به شکل زیر به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی		ضما				ریشه افعال		پسوند فعل آینده دور		پسوند گذشته و پسوند صرفی	
mən		qal	yığ	sor	dur		acağ			(i) dım	
sən		qal	yığ	sor	dur		acağ			(i) dın	
o		qal	yığ	sor	dur		acağ			(i) di	
biz	{	qal	yığ	sor	dur	{	acağ			(i) dıq	
siz		qal	yığ	sor	dur		acağ			(i) dıınız	
on,lar		qal	yığ	sor	dur		acağ			(i) dır,lar	

پسوند صرفی و گذشته  
این افعال، مخفف شده  
و در فرم هماهنگی  
برگ صرف می‌شوند.

قالاجاغییدیم (قالاجاغیدیم)، قیلاجاغییدیم (قیلاجاغیدیم) و....

توجه: - در صرف افعال مذکور پسوند گذشته، عمدها به شکل «ایدی» به کار گرفته می‌شود،  
یعنی مخفف نمی‌شود.

- من گئچن ایل بیر ائو آلاجاغیدیم، اما پولوم آزیدی، اونا گوره آلبیلمه دیم.

من بیلدیر امتحاندا شرکت ائده جیدیم، اما مریض اولدوم، شرکت ائده بیلمه دیم.

من اونون جوابینی وئه جیدیم، اما اونون آتابسیندان اوتاندیم.

### b) صرف فعل آینده در گذشته دور:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به اشکال زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ئ» ختم می شود:

biz gələcəymışık	بیز گله جه یمیشیك	mən gələcəymışəm	من گله جه یمیشم
siz gələcəymışsınız	سیز گله جه یمیش سینیز	sən gələcəymışsən	سن گله جه یمیشن
onlar gələcəymışlər	اونلار گله جه یمیش لر	o gələcəymış	او گله جه یمیش

او دونن گله جیمیش، آمما گله نمه دی. (گویا می خواست بیاید، ولی نتوانست بیاید.)

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این چهار حرف «ئ، ئ، ئ، ئ» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

گوله جه یمیشم	گوره جه یمیشم	ایچه جه یمیشم	گنده جه یمیشم	من
گوله جه یمیشن	گوره جه یمیشن	ایچه جه یمیشن	گنده جه یمیشن	سن
گوله جه یمیش	گوره جه یمیش	ایچه جه یمیش	گنده جه یمیش	او
گوله جه یمیشیك	گوره جه یمیشیك	ایچه جه یمیشیك	گنده جه یمیشیك	بیز
گوله جه یمیشسینیز	گوره جه یمیشسینیز	ایچه جه یمیشسینیز	گنده جه یمیشسینیز	سیز
گوله جه یمیشلر	گوره جه یمیشلر	ایچه جه یمیشلر	گنده جه یمیشلر	اونلار

توجه: اگر حرف «ئ» در بین دو حرف صدادار قرار گیرد، به حرف «ئ» تبدیل می گردد. مثال:

گنده جه یم. ایچه جه یم

- افعال مذکور می توانند با خط عربی به شکل گنده چیدیم نیز نوشته شوند.

- در رابطه با به کار گیری افعال مذکور به شعر زیر توجه کنید:

صابر: باعین، اکینین خغیرینی بیلر گوره چکمیش،

تحم اکمیه دهقانلاری نئیلر دین ایلاھی؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف «*i, e, ü, ö, a*»

باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	پسوند آینده	پسوند زمان دور	پسوند صرفی	پسوند صرفی برای		
<i>mən</i>	{	<i>gəl</i>	<i>get</i>	<i>iç</i>	<i>gül</i>	<i>dön</i>	اول و دوم شخص فرد با همانگی کوچک صرف می‌شود.	
<i>sən</i>		<i>gəl</i>	<i>get</i>	<i>iç</i>	<i>gül</i>	<i>dön</i>		
<i>o</i>		<i>gəl</i>	<i>get</i>	<i>iç</i>	<i>gül</i>	<i>dön</i>		
<i>biz</i>		<i>gəl</i>	<i>get</i>	<i>iç</i>	<i>gül</i>	<i>dön</i>		
<i>siz</i>		<i>gəl</i>	<i>get</i>	<i>iç</i>	<i>gül</i>	<i>dön</i>		
<i>onlar</i>		<i>gəl</i>	<i>get</i>	<i>iç</i>	<i>gül</i>	<i>dön</i>		
					<i>əcəy</i>	<i>miş</i>	<i>əm</i>	
					<i>əcəy</i>	<i>miş</i>	<i>sən</i>	
					<i>əcəy</i>	<i>miş</i>		
					<i>əcəy</i>	<i>miş</i>	<i>ik</i>	
					<i>əcəy</i>	<i>miş</i>	<i>siniz</i>	
					<i>əcəy</i>	<i>miş</i>	<i>(dir)lər</i>	

او بیزه گله جیمیش، اما ناخوش اولدو، گله بیلمه دی.

من بُو ایش اوچون مخالفت ائدمه يه جیدیم، اما مجبور اولدو.

- در رابطه با افعال مذکور به شعر زیر توجه کنید:

صابر طاهرزاده: بیر دؤوره ده کیم صدق و صفا قالمايا جاقمیش،

بیلمم بئله دؤورانلاری، نیلر دین ایلاھی؟

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «*a*» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر

شخصی صرف می‌شود. مثال:

<i>biz</i>	<i>alacağıymışiq</i>	بیز آلاجاغیمیشیق	<i>mən</i>	<i>alacağıymışam</i>	من آلاجاغیمیشام
<i>siz</i>	<i>alacağıymışsınız</i>	سیز آلاجاغیمیشیسینیز	<i>sən</i>	<i>alacağıymışsan</i>	سن آلاجاغیمیشسان
<i>onlar</i>	<i>alacağıymışlar</i>	اونلار آلاجاغیمیشلار	<i>o</i>	<i>alacağıymış</i>	او آلاجاغیمیش

توجه: افعال مذکور در کتب مختلف به شکل «قالا جاقدیم، بیخا جاقدیم، دُرا جاقدیم» و... نیز

نوشته شده اند، در بعضی از آنها حرف «*ق*» به نادرست در بین دو حرف صدادار به

حرف «*غ*» تبدیل نشده است. با وجودی که چنین کلماتی به درستی فهمیده می‌شوند،

ولی از لحاظ دستوری درست نیستند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این سه حرف «ا، او، او نالار» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

این افعال در کتب قدیمی و همانا در محاوره به شکل «سُولاجاقدیم»، «أُوتاجاقدیم» نیز صرف شده است.	او تاجاغیمیشام او تاجاغیمیشسان او تاجاغیمیش او تاجاغیمیشیق او تاجاغیمیشسینیز او تاجاغیمیشلار	سُولاجاغیمیشام سُولاجاغیمیشسان سُولاجاغیمیش سُولاجاغیمیشیق سُولاجاغیمیشسینیز سُولاجاغیمیشلار	بیغا جاغیمیشام بیغا جاغیمیشسان بیغا جاغیمیش بیغا جاغیمیشیق بیغا جاغیمیشسینیز بیغا جاغیمیشلار	من سن اُر بیز سیز اُونالار
---	---	---	---	---

فعال مذکور به شکل «بیغا جاقدیم»، «سُولاجاقدیم» و ... صرف می‌شوند.

- در مواردی نیز هر کس بر حسب سلیقه خود افعال مذکور را مخفف و صرف می‌کند. مثال:

علی واحد: بیر گول عشقینده گُنول قان او لاجاقمیش نه بیلیم

بولبول آسا ایشیم افغان او لاجاقمیش نه بیلیم...

شهریار: عشقین کی، قراریندا وفا او لاما یا لاجاقمیش،

بیلیم کی، طبیعت نه یه قویموش بُو قراری؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف «ا، او، او نالار» باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تعزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ال	افع	ریشه	دور	پسوند آینده دور	پسوند گذشته دور	پسوند صرفی	پسوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با همانگی بزرگ صرف می‌شود.
mən	qal	yığ	sor	dur	acağ	miş	am	
sən	qal	yığ	sor	dur	acağ	miş	san	
o	qal	yığ	sor	dur	acağ	miş		
biz	qal	yığ	sor	dur	acağ	miş	ıq	
siz	qal	yığ	sor	dur	acağ	miş	sınız	
onlar	qal	yığ	sor	dur	acağ	miş	lar	

- در صرف افعال مذکور، حرف صدادار «ا» از پسوند گذشته مخفف (میش) می‌شود.

## ۳) فعل آینده دور در گذشته دورتر:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد:

گله جه یمیشدیاڭ	بیز	mən gələcəymışdım	من گله جه یمیشدیم
گله جه یمیشدینیز	سیز	sən gələcəymışdin	سن گله جه یمیشدین
اونلار گله جه یمیشدیلر	اوْنلار	o gələcəymışdı	اوْ گله جه یمیشدی

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » می‌باشد:

گئده جه یمیشدی	اوْ	من گئده جه یمیشدیم	
اونلار گئده جه یمیشدیلر	سیز	سن گئده جه یمیشدینیز	بیز گئده جه یمیشدیلر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ة » می‌باشد:

من گؤره جه یمیشدیم، سن گؤره جه یمیشدین، اوْ گؤره جه یمیشدی

بیز گؤره جه یمیشدیلک، سیز گؤره جه یمیشدینیز، اونلار گؤره جه یمیشدیلر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ت » می‌باشد:

من گوله جه یمیشدیم، سن گوله جه یمیشدین، اوْ گوله جه یمیشدی

- افعال مذکور به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند. مثال: (علامت گذشته و صرفی ترکیب یافته و به شکل « dik ، din ، dim » به کار گرفته می‌شوند)

ضمایر شخصی	ال	اعـ	ریشه	علامت آینده	علامت گذشته دور	پسوند صرفی و پسوند گذشته
mən	gəl	get	iç	gül	dön	dim
sən	gəl	get	iç	gül	dön	din
o	gəl	get	iç	gül	dön	di
biz	gəl	get	iç	gül	dön	dik
siz	gəl	get	iç	gül	dön	diniz
onlar	gəl	get	iç	gül	dön	dilər

پسوند ماضی و  
گذشته دور، هر دو  
با همانگی بزرگ  
صرف می‌شوند.

- حرف « ئ » در بین دو حرف صدادار به حرف « ئی » تبدیل می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	alacağılıymışdımq	بیز آلاجاغیمیشندیق	mən	alacağılıymışdım	من آلاجاغیمیشندیم
siz	alacağılıymışdınız	سیز آلاجاغیمیشندینیز	sən	alacağılıymışdın	سن آلاجاغیمیشدن
onlar	alacağılıymışdilar	اونلار آلاجاغیمیشندیلار	o	alacağılıymışdı	او آلاجاغیمیشندی

توجه: این فعل عمدتاً به شکل «آلاجاقمیشندیم» مخفف شده صرف می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی می‌باشد:

من	بیخاجاغیمیشندیم	سیز	بیخاجاغیمیشندین	او	بیخاجاغیمیشندیق
او	بیخاجاغیمیشندیلار	سیز	بیخاجاغیمیشندینیز	اونلار	بیخاجاغیمیشندیق

- من دُرَاجاگیمیشندیم، سن دُرَاجاگیمیشندین، او دُرَاجاگیمیشندی،

بیز دُرَاجاگیمیشندیق، سیز دُرَاجاگیمیشندینیز، اونلار دُرَاجاگیمیشندیلار

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف «a, i, o, u» باشد، به شکل زیر صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ال	اع	ال	ریشه	اع	ال	علامت گذشته دور	علامت گذشته دور	ال	پسوند صرفی و پسوند ماضی	
mən	{	qal	yığ	sor	dur	{	acağ	{	ımiş	{	dım	پسوند ماضی و گذشته دور، هر دو با همانگی بزرگ صرف می‌شوند.
sən		qal	yığ	sor	dur		acağ		ımiş		din	
o		qal	yığ	sor	dur		acağ		ımiş		(dı)	
biz		qal	yığ	sor	dur		acağ		ımiş		dıq	
siz		qal	yığ	sor	dur		acağ		ımiş		dınız	
onlar		qal	yığ	sor	dur		acağ		ımiş		dılar	

توجه: این فعل عمدتاً به شکل «بیغاجاقمیشندیم» مخفف شده صرف می‌شود.

۷-۲) فعل فاعلیت صفتی در گذشته:

گذشته فعل فاعلیت صفتی با پسوند ماضی به کار گرفته می‌شود، که در موارد زیادی با پسوند مخفف نشده به شکل «ایدی، ایمیش، ایمیشندی» و در موارد کمی نیز به شکل مخفف شده

به شکل « دی ، میش ، میشدی » به کار گرفته می شود.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

biz gələnidik	گلنیدیك	بیز	mən gələnidim	من گلنیدیم
siz gələnidiniz	گلنیدینیز	سیز	sən gələnidin	سن گلنیدین
onlar gələnidilər	اونلار گلن ایدیلر	اوْنلار	o gələnididi	اوْ گلنیدی

- اوْ گلن ایدی (گلنیدی). ( او توانائی داشت که بیاید. اوْ توان آمدن داشت. اوْ می توانست بیاید.)

گلن ایمیش	اوْ	سن گلن ایمیشیں	من گلن ایمیشم	صرف گذشته دور:
اونلار گلن ایمیشلر	اوْنلار	سیز گلن ایمیشیزیز	بیز گلن ایمیشیک	

صرف گذشته دورتر: من گلن ایمیشیدیم، سن گلن ایمیشیدین، اوْ گلن ایمیشیدی، بیز گلن ایمیشیدیک، سیز گلن ایمیشیدینیز، اونلار گلن ایمیشیدیلر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود: ( من آلانیدیم: من می توانستم بگیرم .)

biz alanıdık	آلانیدیق	بیز	mən alanıdım	من آلانیدیم
siz alanıdınız	آلانیدینیز	سیز	sən alanıdın	سن آلانیدین
onlar alanıdılalar	آلانیدیلار	اوْنلار	o alanıdı	اوْ آلانیدی

صرف گذشته دور: من آلان ایمیشام، سن آلان ایمیشسان، اوْ آلان ایمیش،

صرف گذشته دورتر: من آلان ایمیشیدیم، سن آلان ایمیشیدین، اوْ آلان ایمیشیدی

a) فعل فاعلیت صفتی در گذشته همراه فعل « اولماق »:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » باشد ، به شکل زیر همراه علامت آینده نزدیک در گذشته به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من اوْخویان اولاردیم، سن اوْخویان اولاردین، اوْ اوْخویان اولاردی،

بیز اوخويان او لارديق، سيز اوخويان او لاردينيز، اونلار اوخويان او لارديلار

من گلن او لارميشام	من گلن او لارميش	گذشته دور:
سيز گلن او لارميش سينيز	بیز گلن او لارميشيق	

گذشته دورتر: من گلن او لارميشديم، سن گلن او لارميشدين، او گلن او لارميشدي،

بیز گلن او لارميشديق، سيز گلن او لارميشدينيز، اونلار گلن او لارميشيلار

- منيم ده پولوم او لماسايدى، منده سنين كيبي ياخشى يئرلرده ياشاييان او لارديم و ...

## ۲-۸) فعل ترکيي کمكى در گذشته هاي مختلف:

من گله بيلديم	( mən gələ bildim )	بیز گله بيلديك	گذشته:
سن گله بيلدين	( sən gələ bildin )	سيز گله بيلدينيز	
او گله بيلدى	( o gələ bildi )	اونلار گله بيلدىلر	

گذشته دور: من گله بيلميش (mən gələ bilmışəm)، سن گله بيلميشىن، او گله بيلميش،

بیز گله بيلميشيك، سيز گله بيلميش سينيز، اونلار گله بيلميشيلر

گذشته دورتر: من گله بيلميشديم (mən gələ bilmışdim)، سن گله بيلميشدين، او گله بيلميشدي،

بیز گله بيلميشديك، سيز گله بيلميشدينيز، اونلار گله بيلميشيديلر

## ۲-۹) فعل کمكى در زمان گذشته هاي مختلف استمراري:

من گله بيليرديم ( mən gələ bilirdim )	من گله بيليردي	گذشته:
سيز گله بيليردينيز	بیز گله بيليرديك	

- گذشته دور: من گله بيليرميش (mən gələ bilirmışəm)، سن گله بيليرميشىن، او گله بيليرميش

بیز گله بيليرميشيك، سيز گله بيليرميش سينيز، اونلار گله بيليرميشيلر

- گذشته دورتر: من گله بيليرميشديم (mən gələ bilirmışdim)، سن گله بيليرميشدين، او گله

بيليرميشدى، بیز گله بيليرميشديك، سيز گله بيليرميشدينيز، اونلار گله بيليرميشيديلر

## ۲۰-۱) فعل دوگانه مصدری در آینده دور در گذشته:

گذشته: من دئیب دانیشماق بیله جیدیم. (دئیب دانیشماق بیلمک.)

گذشته دور: من دئیب دانیشماق بیله جه یمیشم.

گذشته دورتر: من دئیب دانیشماق بیله جه یمیشدیم.

- منده مدرسیه گندسیدیم ، منده یازیب پوزماق بیله جیدیم. (اویره نجیدیم.)

بیزده اوشاقلاریمیزی مدرسیه قؤیسایدیق (گئندرسه یدیک)، اوئنلاردا یازیب اوخوماق بیله جیدیلر.

- توجه شود که صرف فعل مذکور معنی آرزوی غیر واقعی دارد که آن عملی شدنی نیست.

## ۲۰-۲) فعل کمکی «بیل» در فرم ماضی نقلی:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف می شود:

biz	gələ bilibik	بیز گله بیلیبیک	mən	gələ bilibəm	من گله بیلیسم
biz	gələ bilibsınız	سیز گله بیلیب سینیز	sən	gələ bilibsən	سن گله بیلیب سن
onlar	gələ biliblər	اوئنلار گله بیلیب لر	o	gələ bilib(dir)	او گله بیلیب

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می باشد:

biz	ala bilibik	بیز آلا بیلیبیک	mən	alabilibəm	من آلا بیلیسم
siz	ala bilibsınız	سیز آلا بیلیب سینیز	sən	alabilibsən	سن آلا بیلیبسن
onlar	ala biliblər	اوئنلار آلا بیلیب لر	o	ala bilib	او آلا بیلیب

او بۇ گون، ایسته دیگى کیتابلارى کیتابخانادان تاپیب و آلا بیلیب دیر.

## ۲۰-۳) فعل التزامی در گذشته دور و نزدیک:

بیز	گلملى یدیك	mən gəlməliydim	من گلملى یدیم	گذشته:
سیز	گلملى یدینیز	sən gəlməliydin	سن گلملى یدین	
اوئنلار	گلملى یدیلر	o gəlməliydi	او گلملى یدی	

گذشته دور: من گلملى یمیشم (mən gəlməliymişəm) ، بیز گلملى یمیشیك،

سن گلملى يميش سن ( sən gəlməliyimisən ) ، سيز گلملى يميش سينيز،

او گلملى يميش ( o gəlməliyimiş ) ، اونلار گلملى يميشلر

بىز گلملى يميشدىك	من گلملى يميشدىم ( mən gəlməliyimisdim )	گذشته دورتى:
سиз گلملى يميشدىنiz	سن گلملى يميش دين ( sən gəlməliyimisdin )	
اونلار گلملى يميشدىلر	او گلملى يميشدى ( o gəlməliyimisdi )	

a) فعل التزامى ( ملى ) به كمك « اولماق » در آينده نزديك در گذشته های مختلف:

گذشته: من گلملى او لاردىم ( mən gəlməli olardım )

گذشته دور: من گلملى او لارمىشام ( mən gəlməli olarmışam )

گذشته دورتى: من گلملى او لارمىشدىم ( mən gəlməli olarmışdım )

منيم ده بۇرادا ايشيم اولسايدى، من ده بۇرايا گلملى او لاردىم.

b) فعل التزامى با كمك « اولماق » همراه علامت « آينده دور » در گذشته های مختلف:

گذشته: من گلملى او لا جاغىديم ( mən gəlməli olacağ(dım) ) ، بىز گلملى او لا جاغىديق

گذشته دور: من گلملى او لا جاغىمىشام ( mən gəlməli olacağ(mışam) ) ، سيز گلملى او لا جاغىدىنىز

گذشته دورتى: من گلملى او لا جاغىمىشدىم ( mən gəlməli olacağ(mışdım) ) و ...

- ساواش اولسايدى، من عسگر گىت ملى او لا جاغىديم. ( اگر جنگ مى شد، سربازى رفتى من اجبارى بود. )

c) فعل التزامى به كمك « اولماق » با فعل مصدرى در گذشته دور و نزديك:

گذشته: من گلملى او لماقدايىدىم ( mən gəlməli olmaqdaydım )

گذشته دور: من گلملى او لماقدايىمىشام ( mən gəlməli olmaqdaymışam )

گذشته دورتى: من گلملى او لماقدايىمىشدىم ( mən gəlməli olmaqdaymışdım )

d) فعل التزامى كمكى به شكل زير در گذشته صرف مى شود:

گذشته: من گله بىلملى يدىم ( mən gələ bilməliydim )

گذشته دور: سن گله بىلملى يميش سن ( sən gələ bilməliyimisən )

گذشته دورتى: او گله بىلملى يميشدى ( o gələ bilməliyimışdı )

### ۱۳-۲) فعل التزامی «گرك» در زمان گذشته:

- فعل «گرك»، با پسوند ماضی (ایدی، ایمیش، ایمیشدی) عمدتاً با مفهوم «آرزوی غیر واقعی» و همانا با مفهوم «پشیمانی» به کارگرفته می‌شود.

فعل التزامی «گرك» به شکل زیر در زمان گذشته برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

اصول فعل	مخفف شده فعل	شكل جدا نوشته شده فعل
گری ایدی	گریدی	gərəyidi
گری ایمیش	گریمیش	gərəyimiş
گری ایمیشدی	گریمیشدی	gərəyimışdi

- فعل «گرك» در فرم گذشته با مفهوم آرزوئی التزامی غیر واقعی به کارگرفته می‌شود: گریدی من گله یدیم. گریدی سن گله یدین. گریدی او گله یدی. و...

- با فعل آرزوئی می‌توان مفهوم پشیمانی را به شکل زیر در جمله بیان کرد. مثال: گریدی من گلم. گریدی سن گله سن. گریدی او گله. و...

توجه شود که آخرین حرف «گرك» حرف «ك» است که در بین دو حرف صدادار به حرف «ي» تبدیل می‌شود. مثال: ( گرك - ایدی [ مخفف شده: گریدی [ )

گرک: گریدی	( gərəyidi )	{ گذشته [ «گرك» در فرم مصدر: گرکمک [
گرک: گریمیش	( gərəyimiş )	{ گذشته دور
گرک: گریمیشدی	( gərəyimışdi )	{ گذشته دورتر

- توجه شود که اگر پسوند صرفی از فعل «گرك» جدا نوشته شود، در فرم اصلی خود به شکل «ایدی، «ایمیش» و حرف «ك» نیز به شکل اصلی خود به کارگرفته می‌شود: گرك ایدی، گرك ایمیش، گرك ایمیش میش، منیم اورایا گئتمه بیم گرك ایدی.

- در رابطه با به کارگیری کلمه «گرك» در فرم سوم شخص مفرد به اشعار زیر توجه کنید: نباتی: نه چون گره ك منی يادا سالمايا اوُنون نباتی تك آياغى گره ك

**خطائی:** هر کیمون (کیمین) کیم، دردی وار، درمانه گئندرمک گرک  
هر کیمون کیم، دردی یوخ، ویرانه گئندرمک گرک.

### ۲-۱۳) گذشته فعل مجهول:

گذشته فعل مجهول به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

biz gördük	بیز گئرولدوک	mən görüldüm	من گئرولدوم
siz gördünüz	سیز گئرولدونوز	sən görüldün	سن گئرولدون
onlar gördüller	اونلار گئرولدولر	o görüldü	او گئرولدو

- من ایستیردیم او مجليسه گتتمه يم، آما بیر مهم ایشدن اوترو گندیب اورادا گئرولدوم.

(a) فعل مجهول به شکل زیر در گذشته دور صرف می‌شود. مثال: (من دیده شده بودم)

من گئرولموشم (mən görülmüşəm)، سن گئرولموشین، او گئرولموش،  
بیز گئرولموشك، سیز گئرولموشونوز، اونلار گئرولموشلر

- من ائله بیلیردیم کی، او اورادا گئرولمه میشدی، آما او اورایا گتتمیش و گئرولموشدو.

(b) فعل مجهول به شکل زیر در گذشته دورتر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من گئرولموشدو (mən görülmüşdüm)، سن گئرولموشدون، او گئرولموشدو،  
بیز گئرولموشدوک، سیز گئرولموشونوز، اونلار گئرولموشدولر

- منیم آنام دئردى کی، بۇ داغلاردا چۈخلو داغ گنجىسى واريميش، آما بو سۇن اوتوز ايلده اونلارين  
هامىسى (اوغچولار طرفىنەن) وۇرولموشدولار.

(c) کلمات التزامي به شکل زیر نیز در گذشته به کار گرفته می‌شوند:

او التزامي ايمىشدى	او التزامي ايمىش	او التزامي ايىدى
او لازيم ايمىش مىشدى	او لازيم ايمىش	او لازيم ايىدى

- این فعل مخفف شده نیز صرف می‌شود: زۇروندايدىم، زۇروندايمىشام، زۇروندايمىشىدىم و ...

### ۲-۱۴) فعل مجهول در گذشته استمرارى:

گذشته: من وۇرولوردوم (mən vurulurdum)

گذشته دور: من وۇرولۇرمۇشام ( mən vurulurmuşam )

گذشته دورتر: من وۇرولۇرمۇشدىم ( mən vurulurmuşdum )

- بىز گئچىن اىل مئشە لە گەتىمىشدىك و اۆز گۈزۈمۈز لە گۈرمۈشدىك كى ، مارال لار (اوغچۇلار طرفىندىن) بىرىپەر وۇرولۇرلار.

a) فعل مجهول با علامت آينىدە نزدىك در گذشته به شكل زير برای ضمایر شخصى صرف مى شود: (مثال: اگر من به آنحا مى رفتم كىڭىم خوردم [ زده مى شدم ])

گذشته: من وۇرۇلاردىم ( mən vurulardım )

گذشته دور: من وۇرۇلارمىشام ( mən vurularmışam )

گذشته دورتر: من وۇرۇلارمىشدىم ( mən vurularmışdım )  
 DAGKÜچىلىرى مئشە دن ائشىيە چىخسايدىلار، وۇرۇلاردىلار.

b) فعل مجهول با علامت آينىدە دور در گذشته به شكل زير صرف مى شود:

گذشته: من وۇرۇلاجاغىدىم ( mən vurulacağ (ı) dım )

گذشته دور: من وۇرۇلاجاغىمېشام ( mən vurulacağ (ı) müşam )

گذشته دورتر: من وۇرۇلاجاغىمېشدىم ( mən vurulacağ (ı) müşdım )

- من هاي كوي سالماسايدىم، داغ گۈچىلىرى (اوغچۇلار طرفىندىن) وۇرۇلاجاغىدىلار(وۇرۇلموشلار).

c) گذشته استمراري مجهول كىمكى با پسوند « ir » به شكل زير صرف مى شود:

biz görülə bilirdik	بىز گۈرولە بىلىردىك	من گۈرولە بىلىردىم
siz görülə bilirdiniz	سىز گۈرولە بىلىردىنىز	سن گۈرولە بىلىردىن
onlar görülə bilirdilər	اونلار گۈرولە بىلىردىلەر	او گۈرولە بىلىردى

- من سربازلىغا گىتمەك اىستە مىردىم، ائشىكىدە سرباز تۇتوردولار، اگر من ائشى يە چىخسايدىم،

مندە اوبوروولر كىمى گۈرولوب و تۇتولا بىلدىم.

d) فعل مجهول كىمكى به شكل زير در گذشته صرف مى شود: ( من توانستم دىدە شوم )

گذشته: من گۈرولە bildim ( mən görülə bildim )

گذشته دور: من گُوروله بیلمیشم ( mən görülə bilmışəm )

گذشته دورتر: من گُوروله بیلمیشدیم ( mən görülə bilmışdım )

۶) فعل مجھول کمکی با علامت آینده نزدیک در گذشته صرف می‌شود:

گذشته: من گُوروله بیلدیم ( mən görülə bilərdim )

گذشته دور: من گُوروله بیلمیشم ( mən görülə bilərmışəm )

گذشته دورتر: من گُوروله بیلمیشدیم ( mən görülə bilərmışdım )

ا) گذشته های فعل مجھول التزامی به شکل زیر صرف می‌شود:

( من گُورولملىیدیم: من مجبور به دیده شدن بودم، مجبور به نشان دادن خود بودم . )

گذشته: من گُورولملىیدیم ( mən görülməliydim )

سن گُورولملىیدین ( sən görülməliyдин )

او گُورولملىیدی ( o görülməliydi )

گذشته دور: من گُورولملىیمیشم ( mən görülməliyimışəm )

گذشته دورتر: من گُورولملىیمیشدیم ( mən görülməliyimışdım )

اُورا منیم ایش پئریمیدی ( ایدی )، من اُورادا گُورولملىیدیم. منیم اُورادا گُورولمه بیم واجیب ایدی.

۱۶-۲) فعل مجھول التزامی به کمک « اولماق » همراه علامت آینده

نزدیک در گذشته: ( من مجبور به دیده شدن می‌شدم )

گذشته: من گُورولملى اُلاردیم ( mən görülməli olardım ) ، بیز گُورولملى اُلاردیق،

سن گُورولملى اُلاردین، سیز گُورولملى اُلاردینیز، او گُورولملى اُلاردی،

اونلار گُورولملى اُلاردیلار

گذشته دور: من گُورولملى اُلارمیشام ( mən görülməli olarmışam ) ، بیز گُورولملى اُلارمیشیق

سن گُورولملى اُلارمیشسان، سیز گُورولملى اُلارمیشسینیز، او گُورولملى اُلارمیش،

اونلار گُورولملى اُلارمیشلار

گذشته دورتر: من گُورولملى اُلارمیشدیم ( mən görülməli olarmışdım ) ، بیز گُورولملى

اُلارمیشدقیق، سن گُورولملى اُلارمیشدین، سیز گُورولملى اُلارمیشدقینیز،

او گئرولملی اولارمیشدی، اونلار گئرولملی اولارمیشدیلار

- من اورایا گتتسیدیم گئرولملی اولاردیم.

## ۱۷-۲) فعل مجهول کمکی التزامی در گذشته:

گذشته: من گئروله بیل ملی یدیم ( mən görülə bilməliydim )

سن گئروله بیل ملی یدین ( sən görülə bilməliydin )

گذشته دور: من گئروله بیل ملی یمیشم ( mən görülə bilməliymişəm )

سن گئروله بیل ملی یمیش سن، او گئروله بیل ملی یمیش

گذشته دورتر: من گئروله بیل ملی یمیشدیم. ( mən görülə bilməliymişdim ).

سن گئروله بیل ملی یمیشدین. او گئروله بیل ملی یمیشدی.

### a) صرف فعل مجهول کمکی التزامی به وسیله « اولماق » در گذشته:

( من مجبور شدم که خود را نشان دهم )

گذشته: من گئروله بیلملی اولدوم. ( mən görülə bilməli oldum ) ، سن گئروله بیلملی،

اولدون ( sən görülə bilməli oldun ) ، او گئروله بیلملی اولدو، بیز گئروله بیلملی،

اولدو، سیز گئروله بیلملی اولدونوز، اونلار گئروله بیلملی اولدولار.

گذشته دور: من گئروله بیلملی اولموشام ( mən görülə bilməli olmuşam ) ، سن گئروله بیل

ملی اولموش سان، او گئروله بیل ملی اولموش

( من اوزومو گؤسترمه ایسته میردیم، آمما گئروله بیلمه لی اولموشدم ).

گذشته دورتر: من گئروله بیلملی اولموشدم ( mən görülə bilməli olmuşdum ) ، سن گئروله بیل

ملی اولموشدون، او گئروله بیل ملی اولموشدو.

آینده نزدیک در گذشته: من گئروله بیل ملی اولاردیم. ( mən görülə bilməli olardım ).

سن گئروله بیل ملی اولاردین، او گئروله بیل ملی اولاردی.

گذشته دورتر: من گئروله بیل ملی اولارمیشام. سن گئروله بیل ملی اولارمیشسان.

گذشته دورودور(خیلی دور): من گئروله بیل ملی اولارمیشدیم.

سن گئروله بیلملی اولارمیشدین.

## ۲۰-۱۸) فعل آرزوئی در گذشته:

- از اینکه فعل آرزوئی با علامت «**ə**» و یا «**a**» (هماهنگی کوچک) ساخته می‌شود، در نتیجه آنها آخرین حرف فعل محسوب شده و تمامی حروف صدادار پسوندهای بعدی وابسته آنها شده و با هماهنگی بزرگ با یکی از این دو حرف «**ə, a**» به کار گرفته می‌شوند:

idi ,      imiş ,      imişdi ,      imişdi ,      idı ,      imış ,

(a) اگر فعل آرزوئی در زمان گذشته صرف شود، تا حدود زیادی مفهوم ماضی را از دست داده با مفهوم فعل آرزوئی «غیر واقعی» صرف می‌شود؛ ولی اگر بخواهیم مفهوم گذشته آن در جمله دقیق‌تر بیان شود، باید آن را در جمله با کلمه قید زمانی به کار گیریم:  
او دونن گلمه یه يدى بير.      او اورادا او لايدى بير.

او صباح او رايا گله يدى بير.      من او نو صباح او رادا گئرم بير.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ü, ö, e, i, ə) باشد، به شکل زیر همراه علامت گذشته (دی، میش، میشدی) برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	gələydiك	بیز	گله یدیك	mən	gələydim	من	گله یدیم
siz	gələydiniz	سیز	گله یدینیز	sən	gələydin	سن	گله یدین
onlar	gələydləر	اونلار	گله یدیلر	o	gələydi	او	گله یدی

يا خشی او لاردى كى، سن او رايا گئىدىدىن.      ياخشی او لار کى سندە او رايا گئىدە سن.

برای درک هر چه بهتر مفهوم «آرزوی غیر واقعی» لطفاً به بخش فعل آرزوی غیر واقعی مراجعه شود.

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی (u, o, ü, ö, a) باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	alaydıq	بیز	آلایدیق	mən	alaydım	من	آلایدیم
siz	alaydınız	سیز	آلایدینیز	sən	alaydın	سن	آلایدین
onlar	alaydlar	اونلار	آلایدیلار	o	alaydı	او	آلایدی

- سن گریدی او ماشینی آلایدین.      سن او نو آلایدین گرک. ....

از اینکه علامت ماضی فعل آرزوئی به درستی مفهوم گذشته را بیان نمی‌کند، در نتیجه آن با کلمه قید زمانی در زمان حال نیز به کار گرفته می‌شود. مثال:

او ایندی گوله یدی بیر. ( o indi güləydi bir.) ( اگر او بخندد، خیلی خوب می‌شود.)

او صاباح گله یدی بیر. او بیشتر ساعات اجانت گله یدی بیر. او آخشاما قدر گله یدی بیر.

او صاباح گله یدی بیر. ( o sabah gələydi bir.)

او صاباح بورایا گله بیر. من اونو سویه جه یم. او صاباح گلمه یه بیر.

نه اولايدی، منیم بالام ایندی قوربیت دن گله یدی، من اونو باغریما بیر بسايدیم.

( nə olaydı,mənim balam indi gürbətdən gələydi, mən onu bağırlıma bir basaydım.)

او بُ ماشینی آلاییلمه یه یدی بیر. ( o bu maşını alabilməyəydi bir.)

او صاباح گله بیل مه یه یدی بیر. ( o sabah gələ bilməyəydi bir.)

- در رابطه با به کار گیری گذشته فعل آرزوئی غیرواقعی به اشعار زیر توجه کنید:

خورشید بانو: نژلوردو بزم ده یارب منیم ده یاریم اولايدی آلوب پیاله الله می گساریم اولايدی

علی واحد: من سئوگیلیم، عشقینده، گرک بولبول اولايدیم.

مرمر سینن اوستوند، قیزیل بیر گول اولايدیم!

شهریار:

بیر اوچایدیم بُ چیرپینان بئلین

آغلاشايدیم اوْزاق دوشن ائلین

ئولکه میزده کیم قیریلدی، کیم قالدی؟...

خورشید بانو: نه بن اولايدیم ایلاھی نه ده بُ عالم اولايدی

نه ده بُ عالم آرا مقید غم اولايدی...

حسن زاده:

آختارما بالا، اوْزونو يۇرما بالا، اوْکى ائله يانىرىدى:

يا گرک ارىيە ايدي، يا گرک كول اولايدى.

علی واحد:

اينانمايايدیم، ازه لدن اوْجان آلانا گرگ

اوْنو سئوينجه، بُوكئنلوم - دئنه یدی، قانه گرک

۵) فعل آرزوئی کمکی در گذشته ( با مفهوم غیر واقعی):

گذشته فعل آرزوئی کمکی با میانوند «ه» و پسوند ماضی به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف می شود:

biz	gələ biləydim	بیز	گله بیله یدیم	mən gələ biləydim	من گله بیله یدیم
siz	gələ biləydimiz	سیز	گله بیله یدینیز	sən gələ biləydim	سن گله بیله یدین
onlar	gələ biləydilər	اونلار	گله بیله یدیلر	o gələ biləydi	او گله بیله یدی

گذشته دور: من بیر گله بیله یمیشم (mən (bir) gələ biləymışəm)، سن بیر گله بیله یمیشن، او گله بیله یمیش، بیز گله بیله یمیشیک، سیز گله بیله یمیشینیز، اونلار گله بیله یمیشلر.

گذشته دورتر: من گله بیله یمیشدی (gələ biləymışdim)، سن گله بیله یمیشدین، او گله بیله یمیشدی، بیز گله بیله یمیشdiك، سیز گله بیله یمیشdiنیز، اونلار گله بیله یمیشdiلر

- توجه شود که مفهوم زمان در گذشته فعل آرزوئی به شکل دقیق بیان نمی شود، بنا بر این بهتر است که در حمله با کلمه قید زمانی به کار گرفته شود.

d) فعل آرزوئی همراه علامت التزامی به کمک فعل «اولماق»، به شکل زیر در زمان گذشته برای ضمایر شخصی صرف می شود: (به شکل کلمات غیر واقعی)

بیز	گندملى اولايديق	mən gədməli olaydım	من گندملى اولايديم
سیز	گندملى اولايدينيز	sən gədməli olaydın	سن گندملى اولايدين
اونلار	گندملى اولايديلار	o gədməli olaydı	او گندملى اولايدى

کشکه منده مدرسه يه گندملى اولايديم و يازيب پوزماق اوره نرديم. كشكه سیزده گندملى اولايدينيز.

(e) فعل آرزوئی همراه علامت التزامی کمکی در گذشته به شکل زیر صرف می شود:

بیز	گلملى اولا بیله یدیك	mən gəlməli ola biləydim	من گلملى اولا بیله یدیم
سیز	گلملى اولا بیله یدینیز	sən gəlməli ola biləydin	سن گلملى اولا بیله یدین
اونلار	گلملى اولا بیله یديلر	o gəlməli ola biləydi	او گلملى اولا بیله یدى

- افعال ترکی در فرمهای مختلف زیر صرف می شوند:

- او گلمه يه مجبور اولايلمه يه يدى. من گلمه يه گركلی اولايلمه يه يدى. سن گلمك زوروندا اولايلمه يه يدين، من گلمه يه مجبور اولايلمه يه يدى. منيم گلمه ييم گركلی اولايلمه يه يدى.

## ۱۹-۲) فعل شرطی غیر واقعی و صرف آن در زمان گذشته:

فعل شرطی غیر واقعی همانند افعال دیگر به وسیله پسوندهای ماضی (idi ، imiş و...) به شکل زیر به کار گرفته می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «e» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gəlsəydim	بیز گلسه یدیم	mən gəlsəydim	من گلسه یدیم
siz gəlsəydimiz	سیز گلسه یدینیز	sən gəlsəydin	سن گلسه یدین
onlar gəlsəydilər	اونلار گلسه یدیلر	o gəlsəydi	او گلسه یدی

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد و به یکی از این سه حرف «e، i، ö» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

görsəydim	گؤرسه یدیم	içsəydim	ایچسه یدیم	gedsəydim	گئدسه یدیم	من
görsəydin	گؤرسه یدین	içsəydin	ایچسه یدین	gedsəydin	گئدسه یدین	سن
görsəydi	گؤرسه یدی	içsəydi	ایچسه یدی	gedsəydi	گئدسه یدی	او
görsəydiك	گؤرسه یدیلک	içsəydiك	ایچسه یدیلک	gedsəydiك	گئد سه یدیلک	بیز
görsəydimiz	گؤرسه یدینیز	içsəydimiz	ایچسه یدینیز	gedsəydimiz	گئدسه یدینیز	سیز
görsəydilər	گؤرسه یدیلر	içsəydilər	ایچسه یدیلر	gedsəydilər	گئدسه یدیلر	اونلار

توجه: از اینکه آخرین حرف صدادار ریشه افعال مذکور با آهنگ بالائی (sa) است، در نتیجه پسوندهای

فعل شرطی در گذشته با هماهنگی بزرگ، با حرف صدادار «a» ساخته می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف «a، o، u، e» باشد، به شکل زیر به کار گرفته می‌شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «a» ختم می‌شود :

biz alsayıdış ، mən alsayıdim من آلسایدیم

سیز آلسایدینیز siz alsaydınız	سن آلسایدین sən alsaydın
او نلار آلسایدیلار onlar alsaydılalar	او آلسایدی o alsaydı

- من او ماشینی آلسایدیم، داهی بؤ ماشینی آلايلمزدیم.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با يکی از این سه حرف « ١,٥,٦ » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

qursaydım	قۇرسايدىم	solsayıdım	سۇلسايدىم	yığsaydım	يېغسايدىم	من
qursaydın	قۇرسايدىن	solsayıdın	سۇلسايدىن	yığsaydın	يېغسايدىن	سن
qursayıdı	قۇرسايدى	solsayıdı	سۇلسايدى	yığsaydı	يېغسايدى	او
qursayıdq	قۇرسايدىق	solsayıdq	سۇلسايدىق	yığsaydıq	يېغسايدىق	بىز
qursayıdnız	قۇرسايدىنیز	solsayıdnız	سۇلسايدىنیز	yığsaydnız	يېغسايدىنیز	سیز
qursayıdlar	قۇرسايدىلار	solsayıdlar	سۇلسايدىلار	yığsaydlar	يېغسايدىلار	او نلار

توجه: فعل شرطی واقعی را در زمان گذشته صرف نمی کنند. ولی بجای آن نوعی از گذشته فعل شرطی را به کار می گیرند. (در رابطه با گذشته فعل شرطی واقعی به صفحه ٧١١ مراجعه شود.)

## ۲-۲) گذشته فعل آغازین کار:

گذشته فعل آغازین کار عمدتاً در رابطه با سوم شخص مفرد و جمع صرف شده و برای سایر ضمایر شخصی خیلی کم صرف می شود. مثال:

او گلنده ایدی	سن گلنده ایدین	من گلنده ایدیم
او نلار گلنده ایدیلر	سیز گلنده ایدینیز	بىز گلنده ایدیك

من خیوانین او طرفینه گئچنده ایدی کی، او منی چاغیردی.

- فعل مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می شود:

او گلنده يدى (گلنده ایدی) کی من او نو گئردو. سن بۇرادا گولنده ایدیکی من دیسکیندیم. او نلار دانیشاندایدی کی بىز او نلاری گئردو. سن بۇرادا گولنده ایدیکی من دیسکیندیم. ساعات زنگ وۇراندا يدى کی من دیسکیندیم. او او سکورنده ایدی کی من او نو گئردو.

## ۲۱) نفی فعل و صرف آن:

### ۱- ۲۱) نفی فعل آینده نزدیک:

- فعل آینده نزدیک به وسیله « مز، ماز » و یا توسط « مه، ما » نفی می شود.  
پسوند « ماز » علامت نفی سوم شخص مفرد و جمع است، که در مواردی در رابطه با سایر  
ضمایر شخصی نیز صرف می شود.

- فعل آینده نزدیک عمدتاً برای اول شخص مفرد و جمع به وسیله « مه، ما » و برای سایر  
ضمایر شخصی توسط « مز، ماز » نفی می شود.

فعل آینده نزدیک به شکل زیر برای سوم شخص مفرد صرف می شود.

(a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با علامت « مز، ماز »  
نفی و برای سوم شخص مفرد صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می شود:

ضمایر شخصی	رسانید صرفی	رسانند نفی	رسانید صرفی	ضمایر شخصی
o	ələ	ged	iç	öt
o	gəl	de	bıç	döz
o	sər	ye	sil	düz
	məz			dir
	məz			dir
	məz			dir

در مواردی این افعال بدون پسوند  
صرفی (dir) نیز به کار گرفته می شوند.

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر مخفف شده و برای  
ضمایر شخصی صرف می شود:

ضمیر شخصی	رسانید صرفی	رسانند نفی	رسانید صرفی	ضمیر شخصی
o	at	qır	ol	ut
o	sal	yıx	qoy	qur
o	sarı	yığ	don	quru
	maz			dir
	maz			dir
	maz			dir

در مواردی این افعال بدون پسوند صرفی  
(dir) نیز به کار گرفته می شوند.

اگر آخرین حرف صدادار فعلی با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر در آینده نزدیک برای دوم و  
سوم شخص مفرد نفی و صرف می شود:

سن دانمازسان. سن سانمازسان. او آلماز. او قالماز. او سالماز.

سن دیغمازسان. سن ییخمازسان. سن قیرمازسان. او قیلماز. او بیغماز. او قییماز.

سن دۇنمازسان. سن یۇنمازسان. سن قۇنمازسان او قۇخماز. او دۇیماز. او سۇیماز.

سن قۇرممازسان. سن دۇرممازسان. سن اوۇنوتمازسان. او اویماز. او قۇرمماز. او دۇرمماز.

۵) در رابطه با به کارگیری علامت «مز، ماز» به صرف افعال زیر توجه کنید، که در جدول سمت راست با حروف صدادار با آهنگ بالائی و در جدول سمت چپ با حروف صدادار با آهنگ پائینی نفی و صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

اعمالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی است.						اعمالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی است.					
ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
o	al	maz	آلماز	او	a	o	gəl	məz	گلمز	او	e
o	yıx	maz	بیخماز	اًو	i	o	get	məz	گەتمىز	اًو	e
o	sor	maz	سۇرمماز	او	o	o	iç	məz	ايچىمزا	او	i
o	uç	maz	اُچماز	او	u	o	öp	məz	اًوپىمىز	اًو	ö
o	dur	maz	دۇرمماز	او	u	o	üşü	məz	اوشومزا	او	ü
كلمه با خط عربی						كلمه با خط عربی					
ضمیر	فعل	پسوند نفی	پسوند نفی	فعل	ضمیر	ضمیر	فعل	پسوند نفی	پسوند نفی	فعل	ضمیر
کلمه با خط عربی						کلمه با خط عربی					

در رابطه با به کارگیری علامت نفی «مز، ماز» به اشعار زیر نیز توجه کنید:

دده قورقوت از کتاب حسن م. گوئنیلی:

آللاه - آللاه دئمە بىنجه ايشلر اونمىز قادىر تىنگرى(تانرى) وئرمە بىنجه ار بايماز ...

شعری از نباتی: ندن اول بت پریوش داهی بیر بۇيانه گلمز

مگر اول خرابه ائدون اۇسانىب جزانە گلمز؟

اصلی ايله كرم: بىگلىر اوينار شطرنجىنин مردىنىي كىمسە بىلەم اور گىيمىن دردىنى....

ارنلر گۈردىيگى يۈلدۈر كسىلىمە ز دۇلو دۇلو عشق بادە سى ايچىلىمە ز...

باشى دومان، قار اوْلماز مى؟

... سنه دىيرلر سېحان داغى

باشى دۇمان قار اوْلماز مى...

سەنин كىمىي يوكسە ك داغىن

یک) نفی فعل آینده نزدیک به وسیله «مه، ما» و «مز، ماز»:

فعل آینده نزدیک که مفهوم تکرار کار را نیز در خود بیان می‌کند، به وسیله حروف «ma, mə» و یا به وسیله حروف «məz, maz» نفی می‌شود:

(a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ت, ة, e, i, ə) باشد، به شکل زیر برای اول شخص مفرد و جمع به وسیله پسوند «مه» و برای سایر ضمایر شخصی به وسیله «مز» نفی می‌شود. مثال:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» می‌باشد:

biz gəmərik	بیز گلمه ریک	mən gəlmərəm	من گلمه رم	این فعل برای اول شخص مفرد و جمع با «مه» نفی می‌شود.
siz gəlməzsiniz	سیز گلمزسینیز	sən gəlməzsən	سن گلمزسن	
onlar gəlməzlər	اونلار گلمزلر	o gəlməz	او گلمز	

- به صرف افعال آینده نزدیک در جدولهای زیر توجه کنید، که آنها برای اول شخص مفرد و جمع به وسیله «مه» و برای سایر ضمایر شخصی به وسیله پسوند «مز» نفی شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند. مثال:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «e» می‌باشد:

فعل آینده	mən gedmə(yə)rəm	من گندمه رم	فعل آینده نزدیک برای اول شخص مفرد و جمع با علامت «مه» نفی می‌شود.
نزدیک برای	sən gedməzsən	سن گندمزسن	
دوم و سوم	o gedməz	او گندمز	
شخص مفرد	biz gedmə(yə)rik	بیز گندمه ریک	
و جمع با	siz gedməzsiniz	سیز گندمزسینیز	
علامت «مز»	onlar gedməzlər	اونلار گندمزلر	
نفی می‌شود.			

توجه: اگر فعل برای اول شخص مفرد صرف شود، از آن یک حرف صدادار همراه حرف تکمیلی حذف می‌شود.

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» باشد، به شکل زیر

صرف می شود:

فعل آینده	mən görəmə(yə)rəm	من گئرمە رم	فعل آینده
نزدیک برای	sən görəməzsən	سن گئرمىز سن	نزدیک برای
دوم و سوم	o görəməz	اُر گئرمىز	اول شخص
شخص مفرد	biz görəmə(yə)rik	بىز گئرمە يېرىك	مفروض و جمع
و جمع با	siz görəməzsiniz	سيز گئرمىز سىينىز	با علامت
علامت «مز»	onlar görəməzlər	اونلار گئرمىز لر	«(مە) نفى
نفى می شود.			می شود.

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » باشد، به شکل زیر

صرف می شود:

فعل آینده	mən güləmə(yə) rəm	من گولمه رم	فعل آینده
نزدیک برای	sən güləməzsən	سن گولمىز سن	نزدیک برای
دوم و سوم	o güləməz	اُر گولمىز	اول شخص
شخص مفرد	biz güləmə(yə)rik	بىز گولمه رىيك	مفروض و جمع
و جمع با	siz güləməzsiniz	سيز گولمىز سىينىز	با علامت
علامت «مز»	onlar güləməzlər	اونلار گولمىز لر	«(مە) نفى
نفى می شود.			می شود.

- در رابطه با به کار گیری نفى و صرف افعال در آینده نزدیک به اشعار زیر نیز توجه کنید:

«آذربایجان خلق ادبیاتی»، گرد آورنده محمد علی فرازانه:

گدرم اوْتامارام، طعنه سوز گۇتۇرمە رم، ...

پىرتقالي سۇيمارام مىز اوستونە قۇيىمارام، يوز ايل بىر يېرده اوْلساق،

گىنە ياردان دۇيمارام: اوْلم سندن دۇئنمە رم، يۇلوندا باش قۇيىموشام...

از داستان كۇراوغلو: ايگىد اولان هئچ آيرىلىماز ئىلينىن طران اولان سونا وئرمىز گولوندىن

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در فرم آینده نزدیک

نفی و صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	مخفف شده علامت نفی و آینده نزدیک	ریشه افعا	ضمایر شخصی
mən	gəl	get	iç
sən	gəl	get	iç
o	gəl	get	iç
biz	gəl	get	iç
siz	gəl	get	iç
onlar	gəl	get	iç
	gör	gör	gör
	düş	düş	düş
mər			
məz			
məz			
məz			
mər			
ik			
məz			
siniz			
dirlər			
əm			
sən			
(dir)			

این دو پسوند با همانگی کوچک صرف می‌شوند.

این چهار پسوند با همانگی بزرگ صرف می‌شوند.

فعل برای اول شخص مفرد و جمع به وسیله « مه » و برای سایر ضمایر شخصی با علامت « مز » نفی می‌شود.

- b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « a, ı, ə, u » باشد، به شکل زیر در آینده نزدیک به وسیله « ما ، ماز » نفی و صرف می‌شود:
- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

فعل آینده	mən alma(ya)ram	من آلمارام	فعل آینده
نزدیک برای	sən almazsan	سن آلمازسان	نزدیک برای
اول شخص	o almaz	او آلماز	اول شخص
مفرد و جمع	biz alma(ya)rıq	بیز آلماریق	مفرد و جمع
با علامت	siz almazsınız	سیز آلمازسینیز	با علامت
« ما » نفی	onlar almazlar	اونلار آلمازلار	« ما » نفی
می‌شود.			می‌شود.

من قالمارام ، سن قالمازسان ، او قالماز ، بیز قالماهاریق ، سیز قالمازسینیز ، اونلار قالمازلار و ...

- در رابطه با به کار گیری پسوند نفی « ماز »، به اشعار زیر توجه کنید:

مظفر سعید: عزیزیم بله قالماز، گون گئچر بله قالماز

گردیشی بئله قالماز.... سینار فله بین چرخی،

عبدالله شائق: آیرماز بیزلری انجیل و قرآن آیرماز بیزلری سرحد شهان

آیرماز بیزلری عمان محیط آیرماز بیزلری صحرای پسیط ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» باشد، به شکل زیر در

آینده نزدیک نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

فعل آینده	mən yıxma(ya)ram	من بیخمارام	فعل آینده
نزدیک برای	sən yıxmazsan	سن بیخمازسان	نزدیک برای
دوم و سوم	o yıxmaz	او بی خماز	اول شخص
شخص مفرد	bız yıxma(ya)rıq	بیز بیخماریق	مفرد و جمع
و جمع با	siz yıxmazsınız	سیز بیخمازسینیز	با علامت
علامت «ماز»	onlar yıxmazlar	اونلار بیخمازلار	«ما» نفی می‌شود.
نفی می‌شود.			

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «۵» باشد، به شکل زیر در آینده

نزدیک با پسوند «ما ، ماز» نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

فعل آینده	mən donma(ya)ram	من دُونمارام	فعل آینده
نزدیک برای	sən donmazsan	سن دُونمازسان	نزدیک برای
دوم و سوم	o donmaz	او دُونماز	اول شخص
شخص مفرد	bız donma(ya)rıq	بیز دُونمایاریق	مفرد و جمع
و جمع با	siz donmazsınız	سیز دُونمازسینیز	با علامت
علامت «ماز»	onlar donmazlar	اونلار دُونمازلار	«ما» نفی می‌شود.
نفی می‌شود.			

من سورمارام، بیونمارام، من قۇنمارات و ...

سن سورمازسان، سن بیونمازسان، او سورماز، او بیونماز و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » باشد، به شکل زیر در آینده نزدیک با پسوند « ما، ماز » نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

فعل آینده	mən uçmaram	من اوچمارام	فعل آینده
نزدیک برای	sən uçmazsan	سن اوچمازسان	نزدیک برای
دوم و سوم	o uçmaz	او اوچماز	اول شخص
شخص مفرد	biz uçma(ya)rıq	بیز اوچماریق	مفرد و جمع
و جمع با	siz uçmazsınız	سیز اوچمازسینیز	با علامت
علامت « ماز »	onlar uçmazlar	اونلار اوچمازلار	« ما » نفی
نفی می‌شود.			می‌شود.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی (u, i, o, a) باشد، به شکل زیر در آینده نزدیک صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ال	افع	ریشه افع	پسوند نفی و آینده نزدیک	پسوند صرفی	پسوند صرفی	
mən	qal	yığ	sor	dur	mar	am	این دو پسوند، با همانگی کوچک صرف می‌شوند.
sən	qal	yığ	sor	dur	maz	san	
o	qal	yığ	sor	dur	maz	(dir)	
{ biz	qal	yığ	sor	dur	mar	iq	این چهار پسوند، با همانگی بزرگ صرف می‌شوند.
siz	qal	yığ	sor	dur	maz	sınız	
onlar	qal	yığ	sor	dur	maz	dır,lar	

- در رابطه با به کار گیری حروف نفی « مه، مز » و « ما، ماز » برای مثال به اشعار زیر توجه کنید:

نباتی: اوز وۇرما، منى سئير گولوستانه آپارما اى ھمدەم جانى!

ندن اول بت پریوش داهى بیر بۇيانە گلمز مگر اول خرابه ائودن او سانىب جزانە گلمز؟

شهریار: سالیب خلقى بیر- بىرینىن جانينا بارىشىغى بلشىدىرىپ قانىنا

گۈز ياشىنا باخان اولسا، قان آخماز اينسان اولان خنجر بىلەنە تاخماز

آمما حىف، كۇر تۇتىرغون بۇراخماز...

دو) طریقه نفی فعل آینده نزدیک به وسیله پسوند « مه، ما »:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در آینده نزدیک با پسوند « مه » نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

پسوند صرفی برای	mən görəm(əy)ərəm	من گورمه رم	در چنین صرفی،
اول و دوم شخص	sən görəməyərsən	سن گورمه يرسن	فعل آینده نزدیک
مفرد با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.	o görəməyər	او گورمه ير	برای همه ضمایر
	biz görəməyərik	بیز گورمه يرياك	شخصی باعلامت
	siz görəməyərsiniz	سيز گورمه يرسينيز	« مه » نفی و
	onlar görəməyərlər	اونلار گورمه ير(مز)لر	صرف می‌شود.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، با علامت « مه » به شکل زیر در آینده نزدیک نفی و تجزیه شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

پسوند صرفی	علامت زمان	حرف تکمیلی	ریشه افعال	ضمیر منفصل
əm	y	ər	əç	mən
sən	y	ər	əç	sən
(dir)	y	ər	əç	o
ik	y	ər	əç	biz
siniz	y	ər	əç	siz
dirlər	y	ər	əç	onlar

حروف صدادار ضمایر متصل شخصی وابسته به کلمات ما قبل خود است.

در صرف این فعل، علامت نفی و علامت آینده نزدیک با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

توجه: نفی فعل آینده نزدیک با پسوند « مه، ما » از لحاظ دستوری منطقی تر از پسوند « مز، ماز »

است؛ با وجود این اکثر افعال در محاوره با حروف « مز، ماز » نفی می‌شوند.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر با

پسوند «ما» نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	qalmayarıq	بیز قالماyarيق	mən	qalm(ay)aram	من قالمايارام
siz	qalmayarsınız	سیز قالمايارسینیز	sən	qalmayarsan	سن قالمايارسان
onlar	qalmayarlar	اونلار قالمايارلار	o	qalmayar	اوف قالمايار

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «u» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	qurmayarıq	بیز قورمايariق	mən	qurmayaram	من قورمايaram
siz	qurmayarsınız	سیز قورمايarsینیز	sən	qurmayarsan	سن قورمايarsان
onlar	qurmayarlar	اونلار قورمايارلار	o	qurmayar	اوف قورمايار

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر در زمان آینده نزدیک به وسیله «ما» نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	علامت زمان	حروف تکمیلی	علامت نفی	ریشه افعال	ضمیر منفصل
am	ar	y	ma	dur	qal
san	ar	y	ma	sor	yığ
(dır)	ar	y	ma	dur	ma
ıq	ar	y	{ ma	{ qal	{ siz
sınız	ar	y	{ ma	{ yığ	{ onlar
(dir)lar	ar	y	{ ma	{ sor	{

حروف صدادار  
ضمایر متصل  
شخصی وابسته  
به کلمات ما  
قبل خود است.

در صرف فعل، این دو حرف از آن حذف می‌شوند.

این چهار پسوند صرفی با همانگی بزرگ صرف می‌شوند.

من آلمایارام ، سن آلمایارسان ، بیز آلمایاریق ،

او آلمایار ، سیز آلمایارسینیز ، اونلار آلمایارلار

توجه: افعال نفی شده به وسیله پسوند «ماق، مک» به مصدر نفی تبدیل می‌شوند. مثال:

آلماماق، قیلماماق، دونماماق، قورماماق و ...

## ۲-۲۱) نفی فعل امری:

فعل امری به وسیله پسوند «mə» نفی می‌شود، که حرف صدادار آن وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است، که با هماهنگی کوچک (mə, ma) صرف می‌شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به وسیله پسوند «mə» نفی و به کمک فعل «ایمک» با ویژگی‌های زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

گلمه ییم	من	gəlm(əy)im	پسوند صرفی برای اول شخص مفرد با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود:
گلمه	سن	gəlmə ...	فرم امری، در رابطه با دوم شخص مفرد، پسوند صرفی ندارد:
گلمه سین	اُف	gəlməsin	پسوند صرفی برای سوم شخص مفرد با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود:
گلمه یک	بیز	gəlməyək	پسوند صرفی برای اول شخص جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود:
گلمه یین	سیز	gəlməyin	پسوند صرفی برای دوم شخص جمع با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود:
گلمه سینلر	اونلار	gəlməsinlər	پسوند صرفی برای سوم شخص جمع با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ı» باشد، به شکل زیر به کار گرفته می‌شود:

biz eşidməyək	بیز ائشیدمه یک	mən eşidm(əy)im	من ائشیدمیم
siz eşidməyin	سیز ائشید مه یین	sən eşidmə	سن ائشیدمه
onlar eşidməsinlər	اونلار ائشید مه سینلر	o eşidməsin	اُف ائشیدمه سین

- در صرف فعل امری برای اول شخص مفرد، این دو حرف «y, ə» از آن حذف می‌شود:

görm(əy)im, eşidm(əy)im, gəlm (əy) i m, ....

- افعال مذکور با پسوند «ماق، مک» به مصدر نفی تبدیل می‌شود. مثال:

ائشیدمه مک، دئمه مک، ایچمه مک، گؤرمە مک،  
گولمه مک، وئرمە مک، تیکمه مک و ...

- فعل «ائشید» در فرم امری به شکل «ائشیت» نیز به کارگرفته شده و به شرح زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	eşitməyək	بیز	ائشیتمه يك	من	ائشیتمیم
siz	eşitməyin	سیز	ائشیت مه بین	سن	ائشیتمه
onlar	eşitməsinlər	اونلار	ائشیت مه سینلر	او	ائشیتمه سین
				o	eşitməsin

سئژیم قولو: دیل کی واردیر، او نا «لسان» دئمه بین،

دؤندریب فارسی جه [جا] «زبان» دئمه بین.

هر کسین وار سؤزو، دیلی، آغیزی،

آغیزا آند ایچیب «دهان» دئمه بین.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» باشد، به شکل زیر

در فرم امری نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	görməyək	بیز	گۈرمە يك	من	گۈرمە بیم
siz	görməyin	سیز	گۈرمە بین	سن	گۈرمە
onlar	görməsinlər	اونلار	گۈرمە سینلر	او	گۈرمە سین
				o	görməsin

- در رابطه با نفی فعل به مطلبی از آتالار سؤزو ( از ابوالقاسم حسینزاده ) توجه کنید:

سُؤيِّمَه قُول آتامى، سُؤيِّمَه بِيِّم بَگ ( به ئى ، bəy ) آتاني.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «تا» باشد، به شکل زیر در

frm امری نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	gülməyək	بیز	گولمە يك	من	گولمە بیم
siz	gülməyin	سیز	گولمە بین	سن	گولمە
onlar	gülməsinlər	اونلار	گولمە سینلر	او	گولمە سین
				o	gülməsin

توجه: در موارد زیادی، صرف فعل امری را برای اول شخص مفرد و جمع تغییر می‌دهند. مثال:

فعل «گلمه بیم (ay) im » به شکل « من گلمه بیم (ay) im » و یا به شکل

« بیز گلمی يَك (ək) gəlm » نیز صرف می شود.

- در رابطه با به کار گیری نفی فعل امری به اشعار زیر توجه کنید:

میرزا [عشق حدیث]: او جاقلارین چراqlارین sönməsin.)

( adamların yaman bir gün görməsin.) آداملارین یامان بیر گون گورمه سین

نباتی: شیدا بولبول. فغان اتمه، غم یئمه. ( şeyda bülbül feğan etmə, göm yemə.)

بُوگون صباح گول آچیلیر، یاز اولور. ( bü gün sabah gül açılır, yaz olur.)

امیرهدايت الله: جانا سانا (سنه) شکایت هجران نه سؤیله بیم

چون يۇخىدور اول (اۋ) حکایته پایان نه سؤیله بیم

b) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر نفی و در فرم امری

برای ضمایر شخصی صرف می شوند:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف « a » می باشد:

biz almayaq	بیز آلماياق	mən alm(ay)ım	من آلماییم
siz almayın	سیز آلماین	sən alma	سن آلما
onlar almasınlar	اونلار آلماسینلار	o almasın	اۋ آلماسین

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » باشد، به شکل زیر

صرف می شود:

biz sixmayaq	بیز سیخماياق	mən sixm(ay)ım	من سیخماییم
siz sixmayın	سیز سیخماین	sən sixma	سن سیخما
onlar sixmasınlar	اونلار سیخماسینلار	o sixmasın	اۋ سیخماسین

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئو » می باشد:

biz qoymayaq	بیز قویماياق	mən qoym(ay)ım	من قویماییم
siz qoymayıñ	سیز قویماین	sən qoyma	سن قویما
onlar qoymasınlar	اونلار قویماسینلار	o qoymasın	اۋ قویماسین

- در رابطه با به کارگیری افعال مذکور به اشعار زیر نیز توجه کنید:

کتاب ده ده قۇرقدۇ: گامناخان قۇرخولو سۇپۇن قۇرماسىن. قاناتلارين اوچلارى قىرىلماسىن

مظفر سعید: عاشق ناچار آغلاما، بىس گون گىچىر آغلاما.

فلک باغلى قاپىنى، بىر گون آچار، آغلاما.

سلیمان رستم: بىر ده تاپدانماسىن وطنىن باخى سىلەنسىن اوره كىدىن كەنۇلدۇن آغى

بىر ده يېر او زوندە آخماسىن قانالار سئۇينسىن انسانلار گۈلسۈن اينسانلار

شهر يار: داشلى بۇلاخ داش - قۇمۇنان دۇلماسىن باخچالارى سارالماسىن سۇلماسىن

او رادان گىچەن آتلى سۇسۇز اۇلماسىن و ...

سلیمان رستم: گىدە ك دوستلار، گىدە ك هئىآخىن - آخىن،

دشمنى تېرىزە قۇيمىياق ياخىن.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » باشد، با پسوند « ما »

نفى و به کملک فعل « ايمك » با ويژگى خواص زیر صرف مى شود:

دۇرمایىم	من	mən	durmayım	پسوند صرفی برای اول شخص مفرد با هماهنگی بزرگ صرف می شود:
دۇرما	سن	sən	durma ..	فعل امری ، در رابطه با دوم شخص مفرد پسوند صرفی ندارد:
دۇرماسىن	اۇ	o	durma sın	پسوند صرفی برای سوم شخص مفرد با هماهنگی بزرگ صرف می شود:
دۇرمایاق	بىز	biz	durmayaq	پسوند صرفی برای اول شخص جمع با هماهنگی کوچک صرف می شود:
دۇرمایىن	سېز	siz	durmayın	پسوند صرفی برای دوم شخص جمع با هماهنگی بزرگ صرف می شود:
دۇرماسىنلار	اۇنلار	onlar	durmasınlar	پسوند صرفی برای سوم شخص جمع با هماهنگی بزرگ صرف می شود:

توجه: - نفى افعال به شکل زیر با پسوند مصدری « ماق » به مصدر نفى تبدیل می شود. مثال:

دۇرماماق ، قۇرماماق ، يۇرماماق ، سۇرماماق ، دانماماق ، يۇنمamac و ...

- مصدرهای نفى به شکل زیر صرف می شوند. مثال:

دۇرماماغىم ، قۇرماماغىم ، سۇرماماغىم ، دۇنماماغىم ، يۇنماماگىم و ...

### ۲۱-۳) نفی و صرف فعل در زمان حال:

- فعل در زمان حال از ترکیب ریشه فعل، علامت نفی(می)، حرف تکمیلی و علامت زمان حال تشکیل می‌یابد و به وسیله فعل « ایمک » برای ضمایر شخصی صرف می‌شود.
- حروف صدادار پسوندهای فعل استمراری وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل هستند که با هماهنگی بزرگ نفی می‌شوند.
- از اینکه فعل استمراری با پسوندهای مختلف ساخته می‌شود، در نتیجه به کلمه طولانی تبدیل می‌شود و بدین سان تکلم آن مشکل تر می‌شود. به همین دلیل دو حرف از آن حذف و مخفف شده و صرف می‌شود:

گلمیرم ، ایچمیرم . دُرمورام . ...

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « a ، e ، i » باشد، به شکل زیر نفی و مخفف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	رسوند نفی	رسوند زمان	رسوند صرفی	در صرف افعال، این دو حرف از آنها حذف می‌شوند.				
mən	gəl	get	iç	mi	y	i r	əm	iy	dr صرف افعال، این دو حرف از آنها حذف می‌شوند.
sən	gəl	get	iç	mi	y	i r	sən	iy	
o	gəl	get	iç	mi	y	i r	(dir)	iy	
biz	gəl	get	iç	mi	y	i r	ik	iy	
siz	gəl	get	iç	mi	y	i r	siniz	iy	
onlar	gəl	get	iç	mi	y	i r	dirlər	iy	

از پسوندهای مذکور این دو حرف « u و i » حذف می‌شوند.

- من آله میرم، من سرمیرم، من گلمیرم. من دئمیرم، من یئمیرم
- من ائدمیرم، من گشتميرم. من بیلمیرم، من دینمیرم.
- من گولمورم، من دؤزمورم، من گورمورم، من سوزمورم، من گولمورم، من دوزمورم و ...

## یک) نفی و صرف افعال در زمان حال:

- چنانکه در صفحه قبلی بیان شد، فعل در زمان حال، از ریشه فعل، علامت نفی « mi » و پسوند زمان حال « ir » ( به شکل *gəlmiyirəm* ) تشکیل می یابد و سپس پسوندهای آن مخفف شده و به شکل « mir, mür » به کار گرفته می شوند:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » می باشد:

biz	<i>gəlmirik</i>	گلمیریک	بیز	mən	<i>gəlmirəm</i>	من گلمیرم	پسوند صرفی این
siz	<i>gəlmirsiniz</i>	گلمیرسینیز	سیز	sən	<i>gəlmirsən</i>	سن گلمیرسن	دو فعل با هماهنگی
onlar	<i>gəlmirlər</i>	گلمیرلر	اونلار	o	<i>gəlmir</i>	او گلمیر	کوچک صرف می شود.

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم می شود:

biz	<i>gedmirik</i>	گندمیریک	بیز	mən	<i>gedmirəm</i>	من گندمیرم
siz	<i>gedmirsiniz</i>	گندمیرسینی	سیز	sən	<i>gedmirsən</i>	سن گندمیرسن
onlar	<i>gedmirlər</i>	گندمیرلر	اونلار	o	<i>gedmir</i>	او گندمیر

- فعل « گند »، به شکل « گئ » نیز صرف می شود. مثال: من گئمیرم، سن گئمیرسن و ...

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « i » ختم می شود:

biz	<i>içmirik</i>	ایچمیریک	بیز	mən	<i>içmirəm</i>	من ایچمیرم
siz	<i>içmirsiniz</i>	ایچمیرسینی	سیز	sən	<i>içmirsən</i>	سن ایچمیرسن
onlar	<i>içmirlər</i>	ایچمیرلر	اونلار	o	<i>içmir</i>	او ایچمیر

- به نفی و صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد نیز توجه کنید:

ائدمیرم ( *sec,mir,əm* ) ، دئمیرم ( *de,mir,əm* ) ، سئچمیرم ( *ed,mir,əm* )

توجه: - در صرف افعال، این دو حرف « y ، i » از آنها حذف می شود.

- اگر افعال با این دو علامت « ma , mə » نفی شود، با هماهنگی بزرگ با دو حرف « ir , ir »

در زمان حال به کار گرفته می شود. مثال: گولمورم، بیلمیرم، قالمیرام، قورمورام و ...

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با یکی از این سه حرف « i , e , ə » باشد، به شکل زیر با

### هماهنگی بزرگ نفی و صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	علامت زمان حال	حرف تکمیلی	علامت نفی	ریشه افعال	ضمایر شخصی	mən	gəl	ged	iç	m i	y	i r	əm
sən		gəl	ged	iç		m i				y		i r	sən
o		gəl	ged	iç		m i				y		i r	(dir)
biz	{	gəl	ged	iç	{	m i				y	{	i r	ik
siz		gəl	ged	iç		m i				y		i r	siniz
onlar		gəl	ged	iç		m i				y		i r	dirlər

این دو پسوند  
صرفی با همانگی  
کوچک صرف  
می‌شوند.

در صرف فعل، یک حرف صدادار همراه حرف تکمیلی از آن حذف می‌شود.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با یکی از این سه حرف «ا، ئ، ئام» باشد؛ همانند افعال در دو جدول زیر در فرم اصلی و یا در فرم مخفف شده، نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

فرم اصلی فعل به شکل زیر نفی، صرف و تجزیه می‌شود:						فعل در زمان حال به شکل زیر نفی و مخفف شده و صرف می‌شود:							
ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	ریشه افعال	ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ضمیر	ضمیر	ضمیر	ضمیر	ضمیر	ضمیر	ضمیر	ضمیر
mən		gəl	get	iç		mi	y			ir	əm	gəl,mirəm	get,mirəm
sən		gəl	get	iç		mi	y			ir	sən	gəl,mirsən	get,mirsən
o	{	gəl	get	iç	{	mi	y	{		ir	(dir)	gəl,mir	get,mir
biz		gəl	get	iç		mi	y	{		ir	ik	gəl,mirik	get,mirik
siz		gəl	get	iç		mi	y			ir	siniz	gəl,mirsiniz	get,mirsiniz
onlar		gəl	get	iç		mi	y			ir	dirlər	gəl,mirlər	get,mirlər

این دو حرف از افعال مذکور حذف شده‌اند.

در صرف افعال، حرف «y و ا» از آنها حذف می‌شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف «ü، ö» باشد، از ترکیب علامت نفی، حرف تکمیلی و علامت زمان تشکیل می‌یابد و به شکل «mü,y,ür» در می‌آید و سپس به شکل «mir» مخفف شده، نفی و صرف می‌شود:

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ء » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	dönmürük	بیز دؤنموروك	mən	dönmürəm	من دؤنمورم
siz	dönmürsünüz	سیز دؤنمورسونوز	sən	dönmürsən	سن دؤنمورسن
onlar	dönmürlər	اونلار دؤنمورلر	o	dönmür	او دؤنمور

من دؤزمورم، من گۈرمورم و ...

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم می‌شود:

biz	gülmürük	بیز گولموروك	mən	gülmürəm	من گولمورم
siz	gülmürsünüz	سیز گولمورسونوز	sən	gülmürsən	سن گولمورسن
onlar	gülmürlər	اونلار گولمورلر	o	gülmür	او گولمور

من دوزموردوم ، من سوزموردوم ، من اوزموردوم ، اوشوموردوم و ...

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف « ئا ، ء » باشد، به شکل زیر در زمان حال نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	اعمال	ریشه افعال	علامت نفی	حرف تکمیلی	پسوند زمان حال	پسوند صرفی		
mən		gör	gül	mü	y	ür	əm	این دو پسوند
sən		gör	gül	mü	y	ür	sən	صرفی با همانگی
o	{	gör	gül	{ mü	{ y	{ ür	(dür)	کوچک صرف
biz	{	gör	gül	{ mü	{ y	{ ür	ük	می‌شوند.
siz		gör	gül	{ mü	{ y	{ ür	sünüz	
onlar		gör	gül	{ mü	{ y	{ ür	(dür)lər	

↑                      ↑                      ↑

يك حرف صدادار همراه حرف تکمیلی از افعال مذکور حذف نمی‌شود.  
 پسوند «dür» در سوم شخص مفرد و جمع صرف نمی‌شود.

من اوزموردوم، گولموردوم، اؤپموردوم، اوتورموردوم و ...

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف « ئا ، ء » باشد، همانند افعال دو جدول زیر در فرم اصلی و یا در فرم مخفف شده، نفی، صرف و به بخش‌های

مختلف تجزیه می شوند:

اصل افعال به شکل زیرنفی و به بخش‌های مختلف تجزیه می شوند:							
ضمایر شخصی	ضمایر افعال	علامت نفی	ریشه افعال	حروف تکمیلی	پسوند زمان	ضمایر	
mən		öt	gül	mü	y	ür	əm
sən		öt	gül	mü	y	ür	sən
o	{	öt	gül	mü	y	ür	(dür) {
biz	{	öt	gül	mü	y	ür	ük
siz	{	öt	gül	mü	y	ür	sünüz
onlar	{	öt	gül	mü	y	ür	dürlər

فعل به شکل زیر نفی، مخفف و در زمان حال صرف می شود:		
öt, mürəm	gül, mürəm	üy
öt,mürsən	gül, mürsən	üy
öt, mür	gül, mür	üy
öt, mürük	gül, mürük	üy
öt,mürsünüz	gül,mürsünüz	üy
öt,mürlər	gül,mürlər	üy

علامت نفی و پسوند زمان حال، هر دو با هماهنگی بزرگ صرف می شوند.

این دو حرف از افعال مذکور حذف شده اند.

b) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « a , ı » باشد، پسوند نفی و پسوند استمراری آن به شکل « mir » مخفف شده و برای ضمایر شخصی صرف می شوند:

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم می شود:

biz qalmırıq	قالمیریق	بیز	mən qalmıram	قالمیرام	من
siz qalmırsınız	قالمیرسینیز	سیز	sən qalmırsan	قالمیرسان	سن
onlar qalmırlar	قالمیرلار	اونلار	o qalmır	قالمیر	او

سالمیرام ، آلمیرام ، قازمیرام ، باشامیرام ، آپارمیرام ، قاتیلمیرام و ...

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ı » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz yıxmırıq	بیخمیریق	بیز	mən yıxmıram	بیخمیرام	من
siz yıxmırsınız	بیخمیرسینیز	سیز	sən yıxmırsan	بیخمیرسان	سن
onlar yıxmırlar	بیخمیرلار	اونلار	o yıxmır	بیخمیر	او

قیلمیرام ، سیخمیرام ، بیغمیرام ، دیغمیرام و ...

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «ا، ای» باشد، به شکل زیر در زمان حال نفی و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند. مثال:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال				ریشه افعال		علامت نفی		علامت زمان حال		y تکمیلی		پسوند صرفی	
mən	al	qaz	dığ	yıx	m i		y		ır		am		این دو پسوند باهمانگی کوچک صرف می‌شوند.	
sən		qaz	dığ	yıx	m i		y		ır		san			
o		qaz	dığ	yıx	m i		y		ır		(dır)			
biz		qaz	dığ	yıx	m i		y		ır		ık			
siz		qaz	dığ	yıx	m i		y		ır		sınız			
onlar		qaz	dığ	yıx	m i		y		ır		dırlar			

در صرف فعل، این دو حرف «y، ای» از آن حذف می‌شوند.

پسوند زمان حال باهمانگی بزرگ صرف می‌شود.

- اصل افعال به شکل «آل‌میرام، بی‌خمیرام» هستند، که به شکل «آل‌میرام، بی‌خمیرام، مخفف شده و صرف می‌شوند.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «ا، ای» باشد، همچون افعال دو جدول زیر در فرم اصلی و یا در فرم مخفف شده، نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر	ضمایر افعال	ریشه افعال	پسوند نفی	حروف تکمیلی	پسوند زمان	پسوند صرفی	فعل به شکل زیر مخفف شده و در زمان حال صرف می‌شود.
mən	al	yıg	m i	y	ır	am	al,miram
sən		yıg	m i	y	ır	san	yıx,miram
o		yıg	m i	y	ır	(dır)	yıx,mırsan
biz		yıg	m i	y	ır	ık	yıx,mır
siz		yıg	m i	y	ır	sınız	yıx,mırıq
onlar		yıg	m i	y	ır	dırlar	yıx,mırsınız

علامت زمان حال و علامت نفی باهمانگی بزرگ صرف می‌شوند.

این دو حرف از افعال مذکور حذف شده‌اند.

- اگر آخرین حرف صدادار فعلی با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «و، او» باشد، به

شکل زیر در زمان حال نفی و صرف می‌شود. مثال:

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «۰» ختم می‌شود:

biz yolmuruq	بىز يۇلمۇرۇق	mən yolmuram	من يۇلمۇرام
siz yolmursunuz	سىز يۇلمۇرسۇنۇز	sən yolmursan	سن يۇلمۇرسان
onlar yolmurlar	اۇنلار يۇلمۇرلار	o yolmur	اۇ يۇلمۇر

نفي فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

biz	durmuruq	دۇرمۇرۇق	بىز	mən	durmuram	دۇرمۇرام	من
siz	durmursunuz	دۇرمۇرسۇنۇز	سىز	sən	durmursan	دۇرمۇرسان	سن
onlar	durmurlar	دۇرمۇرلار	اۇنلار	o	durmur	دۇرمۇر	او

- به صرف افعال برای اول شخص مفرد نیز توجه کنید:

يۇلمۇرام، دۇنمورام، قۇيمورام، يۇنمورام، دۈغمورام، اويمورام و ...

فعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «۵، ۶» باشد، به شکل زیر در زمان حال نفی و برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های

مختلف تجزیه می شوند:

- افعال به شکل «سۇلمۇيرام، قۇرمۇيرام» هستند کە به شکل «سۇلمورام، قۇرمورام» مخفف مىشوند.

- حرف صدادار پسوند نفي در زمان حال با هماهنگي بزرگ ( üm, im, um ) صرف مي شود.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « ۵، ۶ » باشد، همانند افعال دو جدول زیر در فرم اصلی و یا در فرم مخفف شده، نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

اصل افعال به شکل زیر نفی و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:								فرم مخفف شده افعال در زمان حال به شکل زیر می‌باشد:		
ضمایر		پسوند نفی	پسوند تکمیلی	حرف تکمیلی	پسوند زمان	پسوند صرفی				
mən	yol	uy	mu	y	ur	am	yolmuram	uymuram	uy	
sən	yol	uy		y		san		yolmursan	uymursan	uy
o	yol	uy		y		(dur)		yolmur	uymur	uy
biz	yol	uy		y		uq		yolmuruq	uymuruq	uy
siz	yol	uy		y		sunuz		yolmursunuz	uymursunuz	uy
onlar	yol	uy		y		durlar		yolmurlar	uymurlar	uy

↑                      ↑

این دو حرف از افعال مذکور حذف می‌شود.

- در رابطه با نفی فعل در زمان حال به اشعار زیر توجه کنید:

**صایر طاهرزاده:** آتسین طفللری پاسدی یو، انلیق بیز نه

تاپمی يۇر (تاپمی يېئى) آج، بالاوجلار گىذرانلىق بىزە نە

... قورخورام يا نه او چون؟ چونکه کسیر سن دیلیمی

ای عجب من که صداقت یوْلونی آز می یورام (آزمیرام)

هله گوردو کلريمين دورتده بيرين يازمي يورام ( يازمي بيرام )

شپستري: ايشتے ميرم قارقا كيمى گۈز فازام ايشتے ميرم قارقا كيمى گۈز فازام

**مظفر سعید:** او یا نامہ ( oyanmir )

( hay salıram o yanmır.) های سالیم او یانمیم .

( dərda qəmə boyanmir.) د، دو، غمہ بے یانمی،

(esq. oduna düşmüsük) اۋەزىدە شەمەش

(men yanıram o yanmır) - işte:  $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$

### ۲۱-۳) نفی فعل آینده دور:

فعل آینده دور در ترکی آذربایجان در دو فرم نفی می‌شود، فرمی که به وسیله حروف «م»، «ما»، «mə» و «مز»، «ماز» با هماهنگی کوچک و فرمی که به وسیله پسوند «mu»، «mi»، «mü»، «مو» با هماهنگی بزرگ به کار گرفته می‌شود:  
 یک) نفی فعل آینده دور با علامت «م»، «ما»:

(a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف «e، ə، ʊ، ö، i» باشد، به شکل زیر با هماهنگی کوچک نفی می‌شود. مثال:  
 - نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ə» ختم می‌شود:

biz gəlməyəcəyik	بیز گلمه یه جه بیک	mən gəlməyəcəyəm	من گلمه یه جه یم
siz gəlməyəcəksiniz	سیز گلمه یه جک سینیز	sən gəlməyəcəksən	سن گلمه یه جکسن
onlar gəlməyəcəklər	اونلار گلمه یه جک لر	o gəlməyəcək	او گلمه یه جک

سرمه یه جه یم، اله میه جه یم، اکمه یه جه یم، دلمه یه جه یم و...  
 - فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ə» ختم شود، به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

او گندمه یه جک	سن گندمه یه جکسن	من گندمه یه جیم
اونلار گندمه یه جکلر	سیز گندمه یه جکسینیز	بیز گندمه یه جه بیک

من ائدمه یه جه یم، من یئمه یه جه یم، من دئمه یه جه یم، من ...  
 - فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «i» ختم می‌شود:

من ایچمه یه جیم، سن ایچمه یه جکسن، او ایچمه یه جک،  
 بیز ایچمه یه جه بیک، سیز ایچمه یه جک سینیز، اونلار ایچمه یه جکلر

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ö» ختم می‌شود:

من گئرمه یه بجیم، سن گئرمه یه جکسن، او گئرمه یه جک،  
 بیز گئرمه یه جه بیک، سیز گئرمه یه جک سینیز، اونلار گئرمه یه جکلر

من گولمه یه جیم، سن گولمه یه جکسن، او گولمه یه جل،  
بیز گولمه یه جه بیک، سیز گولمه یه جکسینیز، او نلار گولمه یه جکلر

- در ایطه یا فعا مذکور به شعر زیر توجه کنید:

علی، واحد: عشقین ائله سه، عالمی قان، پیلمه یه جکسن

یوز دفعه دئسہ م، مطلبوی قان، پیلمہ یہ جکسن

- توجه شود که فعل «بیلمه یه جکسن» به شکل «بیلمه یه جه کسن» نیز صرف می‌شود.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر نفی و برای ضمایر

شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

توجه: ۱) اگر در صرف کلمات، دو حرف صدادار در کنار هم قرار گیرند، ما بین آنها یک حرف

تکمیلی ((y)) افزودہ میں شود۔ مثال:

گلمه يه جه يه ( *gelməyəcəyəm* ) ، گلمه يه جه يم ( *güləməyəcəyəm* ) ،

۲) اگر در صرف کلمه، حرف «ک k» در پیش دو حرف صدادار قرار گیرد، به حرف

مثال: (y) تبدیل می شود.

گلمه یه جه یه ( qəlməyəcəyəm ) ، گولمه یه جه یه ( qülməyəcəyəm ) ،

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « u , i , o , a » باشد ، به شکل زیر نفی و در زمان آینده دور صرف می شود. مثال:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد:

biz almayacağıq	بیز آلمایا جاغیق	mən almayacağam	من آلمایا جاغام
siz almayacaqsınız	سیز آلمایا جاقسینیز	sən almayacaqsan	سن آلمایا جاقسان
onlar almayacaqlar	اوْنلار آلمایا جاقلار	o almayacaq	اوْ آلمایا جاق

من سالما یا جاغام، فاچما یا جاغام، دانما یا جاغام، ساچما یا جاغام، قازما یا جاغام،

من ساتما یا جاغام، فاتما یا جاغام، قالما یا جاغام، چاتما یا جاغام و ...

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « i » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

اوْ بیغمایا جاق (دیر)	من بیغمایا جاغام
اوْنلار بیغمایا جاقلار	سیز بیغمایا جاقسینیز

من قیرما یا جاغام، دیغمایا جاغام، قیزما یا جاغام، چیخما یا جاغام، سیخما یا جاغام، من اوْتمایا جاغام،

اوْنو تمایا جاغام، قورما یا جاغام، سؤسوزما یا جاغام، قالما یا جاغام و ...

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « o » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

اوْ سولما یا جاق (دیر)	من سولما یا جاغام
اوْنلار سولما یا جاقلار	سیز سولما یا جاقسینیز

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف « u » می باشد:

من دُورما یا جاغام، سن دُورما یا جاقسان، اوْ دُورما یا جاق

بیز دُورما یا جاغیق، سیز دُورما یا جاقسینیز، اوْنلار دُورما یا جاقلار

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « u , i , o , a » باشد، به شکل زیر نفی و به بخش‌های مختلف تجزیه و برای ضمایر

ضمایر شخصی	ریشه افعال				پسوند نفی		حروف تکمیلی		علامت آینده		پسوند صرفی	
mən	qal	yığ	sor	dur	ma	y	acağ	am	{ حرف صدادار ضمایر متصل شخصی وابسته به کلمات ما قبل خود است.			
sən		yığ	sor	dur		y						
o		yığ	sor	dur		y						
biz		yığ	sor	dur		y						
siz		yığ	sor	dur		y						
on,lar		yığ	sor	dur		y						

دو) نفي فعل آينده دور با هماهنگی بزرگ به وسیله پسوند « mi ، mI ، mü ، mu » نيز  
نفي و صرف مي شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف «ü, i, e, ö, ø» باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ ( mi, mü ) نفی می شود:

biz gəlmiyəcəyik	بیز گلمی یه جه بیک	mən gəlməyiəcəyəm	من گلمی یه جه یم
siz gəlmiyəcəksiniz	سیز گلمی یه جك سینیز	sən gəlməyiəcəksən	سن گلمی یه جك سن
onlar gəlməyiəcəklər	اونلار گلمی یه جك لر	o gəlməyiəcək	او گلمی یه جك

- نفي فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « e » ختم می شود:

او دئمی یه جاک	سن دئمی یه جاکسون	من دئمی یه جایم
اوونلار دئمی یه جاکلر	سیز دئمی یه جاکسینیز	بیز دئمی یه جاییک

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

من سیلمی یه جیم، سیلمی یه جک، سیلمی یه جکسون، سیلمی یه جکسن، او سن بیز سیلمی یه جکلر سیلمی یه جکسینیز، اونلار سیلمی یه جکسینیز، سیز بیز سیلمی یه جکلر

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف «ا، ای، او»

باشند، به شکل زیر نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	پسوند نفی	حروف تکمیلی	علامت فعل آینده	پسوند صرفی	پسوند صرفی	
mən	gəl	get	iç	mi	y	əcəy	əm
sən	gəl	get	iç	mi	y	əcək	sən
o	gəl	get	iç	mi	y	əcək	(dir)
biz	gəl	get	iç	mi	y	əcəy	ik
siz	gəl	get	iç	mi	y	əcək	siniz
on,lar	gəl	get	iç	mi	y	əcək	dir,lər

این دو پسوند  
صرفی با همانگی  
کوچک صرف  
می‌شوند.

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » ختم می‌شود:

او دؤزمویه جلک	سن دؤزمویه جکسین	من دؤزمویه جئیم
اونلار دؤزمویه جکلر	سیز دؤزمویه جکسینیز	بیز دؤزمویه جه بیک

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم می‌شود:

من گولمویه جیم ، سن گولمویه جکسین ، او گولمویه جلک ،  
بیز گولمویه جه بیک ، سیز گولمویه جکسینیز ، اونلار گولمویه جکلر

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف « ئا، ئ » باشد،

به شکل زیر نفی و صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	پسوند نفی	حروف تکمیلی	علامت فعل آینده	پسوند صرفی	پسوند صرفی		
mən	döz	gör	düz	düş	mü	y	əcəy	əm
sən	döz	gör	düz	düş	mü	y	əcək	sən
o	döz	gör	düz	düş	mü	y	əcək	(dir)
biz	döz	gör	düz	düş	mü	y	əcəy	ik
siz	döz	gör	düz	düş	mü	y	əcək	siniz
on,lar	döz	gör	düz	düş	mü	y	əcək	dir,lar

حرف صدادار  
ضمایر متصل  
شخصی وابسته  
به کلمات ما  
قبل خود است.

- او اپیمویه جه ئ، دؤزمویه جه ئ، دوشمویه جه ئ، سوزمویه جه ئ، اوشومویه و ...

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « a, ı, o, u »

باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ (می، مو) نفی می‌شود:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « a » ختم می شود:

biz almiyacağıq	آلمى ياجاغىق	بىز	mən almiyacağam	من آلمى ياجاغام
siz almiyacaqsınız	آلمى ياجاقيسىز	سېز	sən almiyacaqsan	سن آلمى ياجاقيسان
onlar almiyacaqlar	آلمى ياجاقلار	اۇنلار	o almiyacaq	او آلمى ياجاق

- نفي فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

من ییغمی یا جاغام، سن ییغمی یا جاقسان، او ییغمی یا جاق (دیر)،

**بىز يىغمى ياجاغىق، سىز يىغمى ياجاقسىنىز، اۇنلار يىغمى ياجاقلار**

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «ا، ا، a»

باشد ، به شکل زیر در آینده دور با پسوند « می » نفی و صرف و به بخش‌های مختلف

تجزیه می شوند:

ضمایر شخصی	پسوند نفی ریشه افعال				حرف تکمیلی	پسوند دور	علامت آینده	پسوند صرفی
mən	al	sal	yığ	qır	mi	y	acağ	am
sən	al	sal	yığ	qır	mi	y	acaq	san
o	al	sal	yığ	qır	mi	y	acaq	(dır)
biz	al	sal	yığ	qır	mi	y	acağ	ıq
siz								sınız
on,lar	al	sal	yığ	qır	mi	y	acaq	dırlar

این دو پسوند با هماهنگی کوچک صرف می شوند.

- به صرف این افعال نیز توجه کنید:

من قالمی یا جاغام، من قانمی یا جاغام، من دانمی یا جاغام و ...

من قيلمی یا جاغام، من قیزمی یا جاغام، من بیغمی یا جاغام و ...

- حرف «ق» در بین دو حرف صدادار به حرف «غ» تبدیل می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «۵» ختم شود، به شکل زیر نفی و برای ضمایر

شخصی صرف می شود:

من سۇلمۇياجاغام	سن سۇلمۇياجاقسان	او سۇلمۇياجاق
بىز سۇلمۇياجاغىقىك	سېز سۇلمۇياجاقسىنiz	اونلار سۇلمۇياجاقلار

دۇنۇمۇ ياجاغام، سۇرۇمۇ ياجاغام، يۇنۇمۇ ياجاغام، سۇلۇمۇ ياجاغام و ...

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر

شخصی صرف می شود:

من دُورمُو ياجاغام، سن دُورمُو ياجاقسان، اوْ دُورمُو ياجاق

بىز دۇرمۇ ياجاغىقى، سىز دۇرمۇ ياجاقسىنىز، اونلار دۇرمۇ ياجاقلار

- این افعال در اصل به شکل « سن دُرمُویاجاغیسان » است، که به شکل « دُرمُویاجاقسان » مخفف شده و صرف می‌شود.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «۵، ۶» باشد، به شکل زیر نفی و صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	علامت آینده دور	حروف تکمیلی	پسوند نفی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
ain	do	aq	an	al	mən
ba	de	aq	ən	or	sən
hem	dir	aq	ə	ur	o
ma	ıq	aq	ə	ur	biz
ni	sınız	aq	ə	ur	siz
rlar	dırlar	aq	ə	ur	onlar

این دو پسوند صرفی با همانگی کوچک صرف می شوند.

این چهار پسوند صرفی با همانگی بزرگ صرف می شوند.

توجه: اگر در صرف فعل حرف «ق» مایبنین دو حرف صدادار قرار گیرد، به حرف «غ»

تبدیل می شود. مثال:

قۇرماق: قۇرماغىم. اۆتوماڭ: اۆتوماغىم. قۇجالماق: قۇجالماڭىم.

## ۲۱-۵) نفی فعل مصدری در زمان حال:

(a) اگر فعل مصدری در جمله به شکل اسم به کار گرفته شود، به وسیله کلمه «دَگِیل»، جدا از کلمه ما قبل خود نوشته شده و به شکل زیر نفی و صرف می‌شود. مثال:

پسوند صرفی این دو ضمیر با همانگی. کوچک صرف می‌شود.	mən	gəlməkdə dəyiləm	گلمکده دَگِیل	من
	sən	gəlməkdə dəyilsən	گلمکده دَگِیل سن	سن
	o	gəlməkdə dəyil (dir)	گلمکده دَگِیل (دیر)	او
پسوند صرفی این چهار ضمیر با همانگی کوچک صرف می‌شود.	biz	gəlməkdə dəyilik	گلمکده دَگِیل يك	بیز
	siz	gəlməkdə dəyilsiniz	گلمکده دَگِیل سینیز	سیز
	onlar	gəlməkdə dəyil (dir)lər	گلمکده دَگِیل(دیر) لر	اونلار

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» می‌باشد:

او ایچمکده دَگِیل	من ایچمکده دَگِیل
اونلار ایچمکده دَگِیل(دیر)لر	سیز ایچمکده دَگِیل سینیز

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ۆ» می‌باشد:

من گئرمکده دَگِیل، سن گئرمکده دَگِیلسن، او گئرمکده دَگِیل (دیر)

بیز گئرمکده دَگِیلیک، سیز گئرمکده دَگِیلسینیز، اونلار گئرمکده دَگِیل(دیر) لر

(b) فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیز ساتماقدا دَگِیلیک	mən satmaqda dəyiləm	من ساتماقدا دَگِیل
سیز ساتماقدا دَگِیل سینیز	sən satmaqda dəyilsən	سن ساتماقدا دَگِیلسن
اونلار ساتماقدا دَگِیل(دیر)لر	o satmaqda dəyil(dir)lər	او ساتماقدا دَگِیل (دیر) لر

- کلمه «دَگِیل» در کتب مختلف به شکل «دَئیل و یا دَیل، دَئِگِیل» نیز نوشته شده است.

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من بیغماقدا دگیلم	سن بیغماقدا دگیل سن	او بیغماقدا دگیل
بیز بیغماقدا دگیلیك	سیز بیغماقدا دگیلسینیز	اونلار بیغماقدا دگیللر

من دیغماقدا دگیلم، من قیرماقدا دگیلم، من بیخماقدا دگیلم، من قیلماقدا دگیلم و...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «و» ختم می‌شود:

من سولماقدا دگیلم، سن سولماقدا دگیلسن، او سولماقدا دگیل،  
 بیز سولماقدا دگیلیك، سیز سولماقدا دگیلسینیز، اونلار سولماقدا دگیللر  
 او دویماقدا دگیلم، او دونماقدا دگیل، او یونماقدا دگیل و...

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ا» ختم می‌شود:

من دورماقدا دگیلم، سن دورماقدا دگیلسن، او دورماقدا دگیل،  
 بیز دورماقدا دگیلیك، سیز دورماقدا دگیلسینیز، اونلار دورماقدا دگیللر

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «و، ا» باشد، به شکل زیر نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	کلمه نفی	علامت فعلی	علامت مصدر	ریشه افعال	ضمایر شخصی
əm	dəyil	da	maq	al qır sor qur	mən
sən	dəyil	da	maq	al qır sor qur	sən
( dir )	dəyil	da	maq	al qır sor qur	o
ik	dəyil	da	maq	al qır sor qur	biz
siniz	dəyil	da	maq	al qır sor qur	siz
dirlər	dəyil	da	maq	al qır sor qur	onlar

علامت مصدر و علامت فعل مصدری در زمان حال، با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

- در صرف افعال مذکور، ضمیر متصل شخصی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

## ۶-۲۱) نفی فعل فاعلیت صفتی:

فعل فاعلیت صفتی، در فرم اسم، صفت و قید با کلمه « دَگِيل » نفی می شود، اما در فرم فعل،

به وسیله حروف « مه » و « مز » و یا « می، مو » نفی می شود. مثال:

- جمله ای که جنبه اسمی (فعل فاعلیت صفتی) آن عمدگی دارد:

بُورا يَا گلن، ياشار دَگِيل. اوْ گلن، حسن دَگِيل می؟ اوْ، حسن دَگِيل. اوْ بُورا يَا گلن کیم دیر؟ من دونن بُورا يَا گلنی تانیمیرام.

- جمله ای که جنبه فعلی (فعل فاعلیت صفتی) آن عمدگی دارد:

۱) نفی با ماز: اوْ قالانماز. اوْ اوخویانماز.

۲) نفی با « می، مو »: اوْ گلنمیر. اوْ گلنمیر. و ...

- در جملات مختلف، کلمه « گلن » با مفهوم اسم، فعل و صفت به کارگرفته می شود:

من، گلن دَگِيلم. من، گندن دَگِيلم. من گولن دَگِيلم. من، حسن دَگِيلم. من، دلی دَگِيلم.

- « من گلن دَگِيلم » به شکل زیر تجزیه می شود:

۱) گل: ریشه فعل.	۲) آن: علامت فاعلیت صفتی.
۳) دَگِيل: کلمه نفی.	۴) ام: پسوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی.

- توجه شود که فعل فاعلیت صفتی در زمانها و فرمهای مختلف قابل صرف نیست، ولی نفی آن به

اشکال زیر در فرمها و زمانهای مختلف قابل صرف می باشد:

یک) نفی فعل فاعلیت صفتی با کلمه دَگِيل:

a) فعل فاعلیت صفتی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » باشد،

به شکل زیر با کلمه « دَگِيل » نفی و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz gələn dəyilik	بیز گلن دَگِيلیك	mən gələn dəyiləm	من گلن دَگِيلم
siz gələn dəyilsiniz	سیز گلن دَگِيلسینیز	sən gələn dəyilsən	سن گلن دَگِيلسэн
onlar gələn dəyildirlər	اونلار گلن دَگِيلدیرلر	o gələn dəyil	او گلن دَگِيل

او گلن دَگِيل. او حسن دَگِيل. او ياشار دَگِيل. او بُو مطلبی آنایان (قاناان) دَگِيل.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این چهار حرف « ئ، ة، ئ، ئ » باشد، به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

دوزن دگیلم	دؤین دگیلم	ایچن دگیلم	گئدن دگیلم	من
دوزن دگیلسن	دؤین دگیلسن	ایچن دگیلسن	گئدن دگیلسن	سن
دوزن دگیل(دیر)	دؤین دگیل(دیر)	ایچن دگیل(دیر)	گئدن دگیل(دیر)	او
دوزن دگیلیك	دؤین دگیلیك	ایچن دگیلیك	گئدن دگیلیك	بیز
دوزن دگیلسینیز	دؤین دگیلسینیز	ایچن دگیلسینیز	گئدن دگیلسینیز	سیز
دوزن دگیل لر	دؤین دگیل لر	ایچن دگیل لر	گئدن دگیل لر	اونلار

به صرف افعال مذکور در جمله توجه کنید:

اونلار يۇرۇندۇرلار، بۇ يۇلون سۇنۇناجان گئدن دئگیل لر. بۇنلار دوز يۇلا گلن آدام دگىللر.

منیم فیکرینجە بۇ آدام، بۇ بئیپوکلو کدە ایشى بۇیاباشا چاتدیران دگیل.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « ئ، ئ، ئ، ئ » باشد، به شکل زیر نفی و صرف می‌شود:

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » ختم می‌شود:

biz alan dəyilik	بیز آلان دگیلیك	mən alan dəyiləm	من آلان دگیلم
siz alan dəyilsiniz	سیز آلان دگیلسینیز	sən alan dəyilsən	سن آلان دگیل سن
onlar alan dəyillər	اونلار آلان دگیل لر	o alan dəyil (دیر)	او آلان دگیل (دیر)

- به صرف افعال مذکور در جملات زیر نیز توجه کنید:

سن ایله دانیشان قىز، صۇنا خانىم دگىل مى؟ يۇ، او صونا خانىم دگىل.

او آغلايان اوشاق كىمىدىر؟ سنين ماشىنىنى آلان، احمد دگىل مى؟

يۇخ، احمد منيم ماشىنىمى آلان دگىل.

كلمه « ائولنن »، « آلان » و آغلايان، در جمله سه مفهوم فاعليت فعل و صفت را در

خود بیان می‌کند.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این سه حرف «ا، ئ، ئى» باشد، به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

پسوند صرفی این دو فعل با هماهنگی کوچک صرف می‌شود. (am ، san)	دُوران دَگِيلم دُوران دَگِيل سن دُوران دَگِيل(دير) دُوران دَگِيليك دُوران دَگِيليسينيز دُوران دَگِيل لر	سُولان دَگِيلم سُولان دَگِيل سن سُولان دَگِيل(دير) سُولان دَگِيليك سُولان دَگِيليسينيز سُولان دَگِيل لر	ييغان دَگِيلم ييغان دَگِيل سن ييغان دَگِيل(دير) ييغان دَگِيليك ييغان دَگِيليسينيز ييغان دَگِيل لر	من سن او بيز سيز اونلار
پسوند صرفی این چهار فعل با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.				

من اوّرادا دُوران دَگِيلم. من ياشار دَگِيلم. من ، او دَگِيلم. من اوّرادا قالان دَگِيلم.

- از اینکه آخرین حرف صدادار کلمه « دَگِيل » حرف « ا » با آهنگ بالائی است، در نتیجه حروف صدادار پسوندهایی که به دنبال آن با هماهنگی بزرگ به کار گرفته شوند، با همان حرف « ا » ساخته می‌شوند. مثال: سیز گلنميردینیز می؟ siz gələn,mir,di,niz,mi?

سیز گلنميردینیز می؟ دئین میردینیز می؟

دو) نفی فعل فاعلیت صفتی در زمان حال همراه پسوند « ir »:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف « ئ، ئى، ئۆ، ئۇ، ئە » باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ در زمان حال نفی و صرف می‌شود:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئ » ختم می‌شود:

biz gələnmirik	بيز گلنميريك	mən gələnmirəm	من گلنميرم
siz gələnmirsiniz	سيز گلنميرسینيز	sən gələnmirsən	سن گلنميرسن
onlar gələnmirlər	اونلار گلنميرلر	o gələnmir	او گلنمير

يوللار باغلييدilar، اونا گؤره، من اوّرایا گلنميرم.

اونون، بُوگون باشی قاريشيقدير، اونا گؤره، اوْ ايندي سيزين يانيزا گلنمير.

منيم بُوگون چوخ ايشيم وار، او نا گئره سيزين يانiza گلنميرم.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این چهار حرف «ة، ئ، ئى، ئە» باشد، به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

دوڙنميرم	ڊؤينميرم	اڍچنميرم	گئدنميرم	من
دوڙنميرسن	ڊؤينميرسن	اڍچنميرسن	گئدنميرسن	سن
دوڙنمير(دير)	ڊؤينمير(دير)	اڍچنمير(دير)	گئدنمير(دير)	او
دوڙنميريك	ڊؤينميريك	اڍچنميريك	گئدنميريك	بيز
دوڙنميرسينيز	ڊؤينميرسينيز	اڍچنميرسينيز	گئدنميرسينيز	سيز
دوڙنميرلر	ڊؤينميرلر	اڍچنميرلر	گئدنميرلر	اونلار

- افعال مذکور در زمان حال به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	علامت نفی و زمان حال	پسوند فعلیت صفتی	ریشه افعا	الضمایر شخصی
məm	m(iy)ir	ən	gəl	mən
səm	m(iy)ir	ən	gəl	sən
o	m(iy)ir	ən	gəl	o
biz	m(iy)ir	ən	gəl	biz
siz	m(iy)ir	ən	gəl	siz
on,lar	m(iy)ir	ən	gəl	on,lar

این چهار پسوند  
باهمانگی بزرگ  
صرف می شوند.

- بۇ سۇ بۇز كىيى دىر، من اۇنۇ اىچنمىرم. من بۇ ماشىنى سورنمىرم. من سىنى گۈرنىمىرم.

من بۇ پالتوو (پلتۇ) گىنيمىرمىم. من بۇ سۆزۈ اوْنا دئىنەمەرمىم. من، بۇ اىشى باشا وئرنمىرمىم.

توجه: از اینکه آخرین حرف صدادار فعل فاعلیت صفتی (۶۰) حرف «ه» می‌باشد، در نتیجه پسوند های که

به دنبال آن با هماهنگی بزرگ صرف شوند، با حرف «ا» به شکل «mir» ساخته می‌شوند.

b) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شرح زیر با پسوندهای

« « mu ، mi ، mü » با هماهنگی بزرگ در فرم فاعلیت صفتی نفی می‌شوند:

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف

« o , u , a , i » باشد، به شکل « mir » مخفف شده، نفی و صرف می‌شوند. مثال:

پسوند صرفی این دوضمیر	اُتانمیرام	سُورانمیرام	بِیخانمیرام	آلانمیرام	من
با هماهنگی کوچک	اُتانمیرسان	سُورانمیرسان	بِیخانمیرسان	آلانمیرسان	سن
صرف می‌شوند.	اُتانمیر(دیر)	سُورانمیر(دیر)	بِیخانمیر(دیر)	آلانمیردیر	او
پسوند صرفی این چهار	اُتانمیريق	سُورانمیريق	بِیخانمیريق	آلانمیريق	بیز
ضمیر با هماهنگی بزرگ	اُتانمیرسینیز	سُورانمیرسینیز	بِیخانمیرسینیز	آلانمیرسینیز	سیز
صرف می‌شوند.	اُتانمیرلار	سُورانمیرلار	بِیخانمیرلار	آلانمیرلار	اُنلار

بُو ائو چوخ باها دیر، بیز اونو آلانمیريق. بُو ائوین کیرایه سی چؤخدور، بیز اونو وئرنمیریك.

- فعل فاعلیت صفتی، که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر نفی و

مخفف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود. مثال:

پسوند صرفی	علامت نفی و حال	پسوند فاعلیت صفتی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
mən	m(iy)ır	qal	yığ	
sən	am	qal	yığ	sor dur
o	san	an	yığ	sor dur
biz	(dır)	an	yığ	sor dur
siz	ıq	an	yığ	sor dur
on,lar	sınız	an	yığ	sor dur
	dır,lar			

حروف صدادار  
پسوندهای صرفی  
وابسته به کلمات  
ما قبل خود هستند.

علامت نفی و علامت زمان حال با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

- من سالانمیرام ، جالانمیرام ، دیغانمیرام ، قیلانمیرام ، دانانمیرام ، سیخانمیرام

- من سُورانمیرام ، قُويانمیرام ، اولانمیرام ، دُورانمیرام ، سُولانمیرام و ...

سه) نفی فعل فاعلیت صفتی در آینده نزدیک در دو فرم صرف می‌شود:

۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در زمان آینده نزدیک برای اول شخص مفرد و جمع با پسوند «مه، ما» و برای سایر ضمایر شخصی با پسوند «مز، ماز» نفی و صرف می‌شود. مثال:

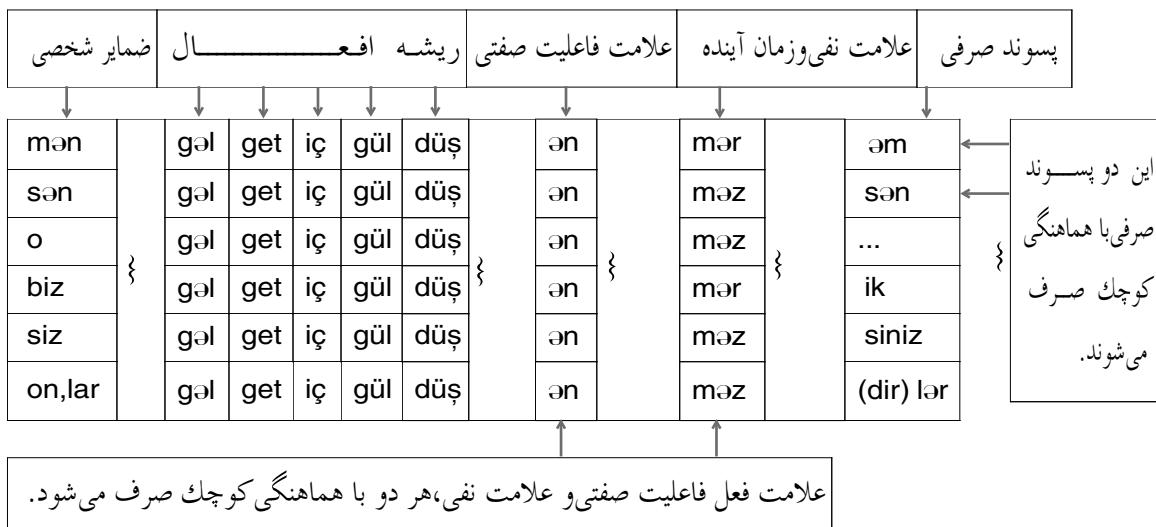
a) نفي فعل فاعليت صفتی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ه» ختم می شود:

biz	gələnmərik	گلنمه ریک	بیز	mən	gələnmərəm	من گلنمه رم
siz	gələnməzsiniz	گلنمز سینیز	سیز	sən	gələnməzsən	سن گلنمز سن
onlar	gələnməzlər	گلنمز لر	اونلار	o	gələnməz(dir)	او گلنمز (دیر)

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ü، ö، i، e) می‌باشد:

- |       |                 |     |                 |     |                 |     |                 |     |                 |
|-------|-----------------|-----|-----------------|-----|-----------------|-----|-----------------|-----|-----------------|
| - من  | گلدنمه رَم،     | من  | دوزنمه رَم،     | من  | ایچنمه رَم،     | من  | دؤینمه رَم،     | من  | دوزنمه رَم،     |
| - سن  | گلدنمه زَسِن،   | سن  | دوزنمه زَسِن،   | سن  | ایچنمه زَسِن،   | سن  | دؤینمه زَسِن،   | سن  | دوزنمه زَسِن،   |
| - اُو | گلدنمه زَ،      | اُو | دوزنمه زَ،      | اُو | ایچنمه زَ،      | اُو | دؤینمه زَ،      | اُو | گلدنمه زَ،      |
| - بیز | گلدنمه رِیک،    | بیز | دوزنمه رِیک،    | بیز | ایچنمه رِیک،    | بیز | دؤینمه رِیک،    | بیز | گلدنمه رِیک،    |
| - سیز | گلدنمه زَسینیز، | سیز | ایچنمه زَسینیز، | سیز | دؤینمه زَسینیز، | سیز | دوزنمه زَسینیز، | سیز | گلدنمه زَسینیز، |

- فعل «فاعليت صفتی» که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی می‌باشد:



- این فعل برای اول شخص مفرد و جمع با «(مه)» نفی می‌شود: من گلن مه رم، گشنده رم. و ...

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر در آینده نزدیک برای اول شخص مفرد و جمع به وسیله «ما» و برای سایر ضمایر شخصی به وسیله «ماز» نفی و صرف می‌شود. مثال:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» باشد، به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz alanmariq	آلانماريق	بیز	mən alanmaram	من آلانمارام
siz alanmazsınız	آلانمازسینیز	سیز	sən alanmazsan	سن آلانمازسان
onlar alanmazlar	آلانمازلار	اوْنلار	o alanmaz	اوْ آلانماز

بُو ماشین چُوخ باهالى دیر. بیز اوْنو آلانماريق. سیز ده اوْنون ساتین آلانمازسینیز.  
بُو اوْ چُوخ باهالى دیر. سن اوْنو آلانمازسان. منده اوْنو آلانمارام. بُو داغ چُوخ اوْجادیر.  
من بیز باشا ، بُو داغین باشينا چیخانمارام.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با یکی از این سه حرف «ا، ئ، ئى» باشد، به شکل زیر در آینده نزدیک نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند. مثال:

پسوند صرفی اول شخص مفرم و جمع با علامت «ما» نفی می‌شود.	→	اوْتانما(يا) رام	سۇرانما(يا) رام	بىخانما(يا) رام	من
	→	اوْتانمازسان	سۇرانمازسان	بىخانمازسان	سن
	→	اوْتانماز (دیر)	سۇرانماز (دیر)	بىخانماز (دیر)	اوْ
	→	اوْتانما (يا) ريق	سۇرانما (يا) ريق	بىخانما (يا) ريق	بیز
	→	اوْتانمازسینیز	سۇرانمازسینیز	بىخانمازسینیز	سیز
	→	اوْتانمازلار	سۇرانمازلار	بىخانمازلار	اوْنلار

اوْ، بُو اوْغلانى بىخانماز. بُونون گوجو اوْنا چاتانماز. سنه اوْنو بىخانمازسان.  
بیز ده اوْنو بىخانماريق. من گونه باخانمارام. سن لاله يه چاتانمازسان.  
- من اوْنو دیغانمارام. من اوْنلارى بير يئره بىغانمارام. من اوْنو يۇنانمارام.

- من اوْنۇ يۇيانمارام. من اوْنۇ قىرانمارام. و ...

- افعالى کە آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائينى و با يكى از اين چهار حرف « a , i , o , u » باشد، به شكل زير نفى و صرف شده و به بخشهاي مختلف تجزيه مى شوند:

صرف فعل « ايملک »	علامت نفى و زمان	ريشه افعالیت صفتی	ال	ضمایر شخصی
am	mar	an	yıg	qal
san	maz	an	sor	qal
(dır)	maz	{ an	dur	yıg
ıq	mar	{ an		qal
sınız	maz	an		yıg
dır,lar	maz	an		sor
				dur

↑

حروف صدادار
ضمایر متصل
شخصی وابسته
به کلمات ما
قبل خود است.

پسوند « mayar »، ترکىي از علامت آينده نزديك و پسوند نفى است، كه به شكل « mar » و يا « maz » بيان مى شود.

۲) فعل فاعليت صفتی در آينده نزديك با « مه ، ما » نفى مى شود:

a) نفى فعلی کە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى مى باشد:

من گلنمه رم، سن گلنمه يرسن، او گلنمه ير، بيز گلنمه يريك، سيز گلنمه يرسينيز، او نلار گلنمه يرلر

b) نفى فعلی کە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى مى باشد:

من آلانمايارام، سن آلانمايارسان، او آلانمايار، بيز آلانماياريق، سيز آلانمايارسينيز، او نلار آلانمايارلار

چهار) نفى فعل فاعليت صفتی در آينده دور در دو فرم زير صرف مى شود:

۱) نفى فعل با پسوند « مه » با هماهنگى كوچك صرف مى شود:

من گلنمه يه جه يم	سن گلنمه يه جكسن	او گلنمه يه جك	او نلار گلنمه يه جكلر
بيز گلنمه يه جه ييلك	سيز گلنمه يه جكسينيز		

۲) فعل فاعليت صفتی با پسوند « مى » با هماهنگى بزرگ نيز صرف مى شود:

من گلنمي يه جيم، سن گلنمي يه جكسن، او گلنمي يه جك،

بيز گلنمي يه جه ييلك، سيز گلنمي يه جكسينيز، او نلار گلنمي يه جكلر

پنج ) صرف نفى فعل فاعليت صفتی در فرم شرطی غير واقعی:

۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با پسوند « مه »،

ما » نفی و همراه علامت شرطی صرف می شود:

a) نفی فعل با پسوند « مه »: ( گلنمه سه م )

او	گلنمه سه	من	گلنمه سم
اونلار	گلنمه سه لر	سیز	گلنمه سه نیز

b) نفی با پسوند « ما »:

من آلانماسام ، سن آلانماسان ، او آلانماسا،

بیز آلانماساق ، سیز آلانماسانیز ، اونلار آلانماسالار

۲۱-۷) نفی فعل فاعلیت صفتی با فعل کمکی « اولماق » در آینده دور:

۱) نفی فعل در آینده دور به شکل زیر، با پسوند « مه، ما » صرف می شود:

نفی فعل فاعلیت صفتی همراه فعل کمکی « اولماق » با پسوند « ما »:

بیز	قالان اولماياجاغیق	mən qalan olmayacağam	من قالان اولماياجاغام
سیز	قالان اولماياجاقسینیز	sən qalan olmayacaqsan	سن قالان اولماياجاقسان
او	قالان اولماياجاقلار	o qalan olmayacaq	او قالان اولماياجاق

اونلاردان بۇرادا قالان اولماياجاق. اونلاردان بیزه کمک ائدن اولماياجاق.

اونلاردان بیز ايله بازارلیق ائدن اولماياجاق.

۲) فعل فاعلیت صفتی با فعل کمکی به شکل زیر با پسوند « می، مو » نیز نفی شده و برای

ضمایر شخصی صرف می شود:

بیز	گلن اولموياجاغیق	mən gələn olmuyacağam	من گلن اولموياجاغام
سیز	گلن اولموياجاقسینیز	sən gələn olmuyacaqsan	سن گلن اولموياجاقسان
او	گلن اولموياجاقلار	o gələn olmuyacaq	او گلن اولموياجاق

من سنه دئدیم، اونلارдан بۇرایا گدیب گلن اولموياجاق.

من اونا دئدیم کى، بۇنلارдан بیزه ايش بیلن اولماياجاق.

## ۸- ۲۱) نفى فرمهای مختلف فعل التزامی با « مه » و « دَگیل »:

۱) افعال التزامی (با ملی) به وسیله علائم « مه » و « ما » به شکل زیر نفى می‌شوند:

- a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به وسیله پسوند « ملی » به فعل التزامی تبدیل شده و به وسیله « مه » و « ما » نفى و صرف می‌شود:

biz	gelməməliyik	بیز گلمه ملی بیک	mən gelməməliyəm	من گلمه ملی بیم
siz	gelməməlisiniz	سیز گلمه ملی سینیز	sən gelməməlisən	سن گلمه ملی سن
onlar	gelməməlidirlər	اونلار گلمه ملی دیرلر	o gelməməlidir	او گلمه ملی دیر

او گلمه ملی دیر o ، اونلار گلمه ملی دیرلر onlar gelməməlidirlər

- b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر با « ما » نفى می‌شود:

- من	آلمامالی یام (mən almamaliyam)	او آلمامالی سان ،	من آلمامالی یام ،
		سیز آلمامالی سینیز ،	بیز آلمامالی بیق ،
- من	قالمامالی یام ،	سن قالمامالی سان ،	او قالمامالی دیر
		سیز قالمامالی سینیز ،	بیز قالمامالی بیق ،
- من	سُورمامالی یام ،	سن سُورمامالی سان ،	او سُورمامالی دیر
		سیز سُورمامالی سینیز ،	بیز سُورمامالی بیق ،
- من	دُورمامالی یام ،	سن دُورمامالی سان ،	او دُورمامالی دیر

این فعل علاوه بر التزام و اجبار به شکل زیر انجام وظیفه را نیز بیان می‌کند. مثال:

mən əsgər getməməliyəm. من عسگر گئتمه ملی بیم.

## ۲) نفى فعل التزامی به وسیله کلمه « دَگیل » ( دَیل ):

- a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی می‌باشد:

بیز	گلملى دَگیلیك	mən gəlməli dəyiləm	من گلملى دَگیلم
سیز	گلملى دَگیلسینیز	sən gəlməli dəyilsən	سن گلملى دَگیلسن
او	گلملى دَگیللر	o gəlməli dəyil	او گلملى دَگیل

- b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به وسیله « دَئگیل » و

همانا به وسیله «ما» نفی می‌شود. مثال:

من آلمالى دَگِيلم mən almalı dəyiləm ، سن آلمالى دَگِيلسِن، اوْ آلمالى دَگِيل،  
بیز آلمالى دَگِيلیك، سیز آلمالى دَگِيل سینیز، اونلار آلمالى دَگِيلدیرلر  
۳) نفی حالت التزامی با کلمه «گرک»:

نفی فعل التزامی «گرک» به اشکال مختلف زیر به کار گرفته می‌شود. مثال:

( a ) من گرک تورکجه اوره ن مه يم. ( mən gərək türkçə öyrənməyəm.)  
( b ) گرکمز من عربجه اوره نم. ( gərəkməz mən ərəbcə öyrənəm.)  
( c ) منیم اینگلیسجه اورنمه يیم گرکمز ( گرک دَگِيل ). سنین تورکجه اورنمه يین گرکمز.

۴) نفی کلمه گرک با پسوند «مه» و «ما» در شکل شک و تردید و آرزوئی:

( a ) من گرک گلمه يم ( mən gərək gəlməyəm ) ، سن گرک گلمه يه سن و ...  
( b ) من گلمه يم گرک. سن گلمه يه سن گرک. اوْ گلمه يه گرک. و ...  
( c ) همراه مصدر: منیم گلمه يیم گرکمز. سنین گلمه يین گرکمز. اونون گلمه يی گرکمز.  
( d ) همراه مصدر و علامت زمان حال: منیم گلمه يیم گرکمیر. سنین گلمه يین گرکمیر. و ...

۵) نفی فعل التزامی «لازم» به وسیله کلمه «دئگیل»:

بیزه ایندی یئمک لازیم دَگِيل. ( bizə indi yemək lazım dəyil ).

سیزه ایش لازیم دَگِيل. ( sizə iş lazım dəyil ).

ائله بیل بیزه یاشاماق لازیم دَگِيل. ( eləbil bizə yaşamaq lazım dəyil ).

۶) نفی فعل التزامی «محبوب» با کلمه «دئگیل»:

من بۇرادا قالماغا مجبور دَگِيلم. ( mən burada qalmağa məcbur dəyiləm ).

سن اورایا گئدمه يه مجبور دَگِيلسِن. ( sən oraya getməyə məcbur dəyilsən ).

اوْ یئمە يه مجبور دَگِيل. ( o yeməyə məcbur dəyil ).

۷) نفی التزامی «زور» با کلمه «دَگِيل»:

من گلمک زۇروندا دَگِيلم، سن گلمک زۇروندا دَگِيلسِن، اوْ گلمک زۇروندا دَگِيل،  
بیز گلمک زۇروندا دَگِيلیك، سیز گلمک زۇروندا دَگِيلسینیز، اونلار گلمک زۇروندا دَگِيللر

## ۹-۲۱) نفی فعل کمکی (بیل) در زمان حال:

فعل کمکی در زمان حال با پسوند «می، مو» (با هماهنگی بزرگ) نفی می‌شود:

a) فعل کمکی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ بالائی باشد، با میانوند

«ء» به شکل زیر در زمان حال نفی و صرف می‌شود:

biz gələ bilmirik	بیز گله بیلمیریک	mən gələ bilmirəm	من گله بیلمیرم
siz gələ bilmirsiniz	سیز گله بیلمیرسینیز	sən gələ bilmirsən	سن گله بیلمیرسن
onlar gələ bilmirlər	اونلار گله بیلمیرلر	o gələ bilmir	او گله بیلمیر

یاغیش یا غیر، اونا گئر من یئین گله بیلمیرم، من بۇ ماشینی یئین سوره بیلمیرم.

- در صرف افعال مذکور پسوند نفی و حرف تکمیلی و علامت زمان حال به شکل «mi yirəm»

در کنار هم قرار می‌گیرند و از آن دو حرف «ءا» حذف شده و به شکل «mirəm» در

آمده و نفی می‌شود:

من گئچن ایل، یاشارا بیر آز پۇل بۇرج وئردیم، ایندی اۇنو آلا بیلمیرم؛ میلت دن ده اۇتا نیب، گئدیب اوندان شکایت ائده بیلمیرم.

b) فعل کمکی، که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ پائینی باشد، همراه میانوند

«ءا» به شکل زیر نفی و در زمان حال صرف می‌شود:

او آلا بیلمیر	من آلا بیلمیرم
اونلار آلا بیلمیرلر	سیز آلا بیلمیرسینیز

- من قالا بیلمیرم، سن قالا بیلمیرسەن، او قالا بیلمیر،

بیز قالا بیلمیریک، سیز قالا بیلمیرسینیز، اونلار قالا بیلمیرلر

- من بیغا بیلمیرم، سن بیغا بیلمیرسەن، او بیغا بیلمیر،

- فعل ترکیبی کمکی که حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ پائینی باشد، با میانوند «ءا» و با پسوند نفی، حرف تکمیلی و علامت زمان حال تشکیل یافته و به شکل «mir» مخفف شده،

پسوند صرفی	علامت نفی و استمراری	فعل کمکی	حرف میانوند	ریشه افعال	ضمایر شخصی
ain	əm	bil	mir	a	mən
sən	sən	bil	mir	a	yıg
o	(dir)	bil	mir	a	sor
biz	ik	bil	mir	{	dur
siz	siniz	bil	mir	{	
on,lar	dir,lər	bil	mir	a	qal

علامت میانوندی با همانگی کوچک به کار گرفته می شود.

علامت نفی و پسوند زمان حال در صرف مخفف می شود.

این دو پسوند صرفی با همانگی کوچک صرف می شوند.

- در رابطه با به کار گیری نفي فعل کمکي ( بيل ) به اشعار زير نيز توجه کنيد:

از کتاب عشق حدیثی از میرزا: گونشی گور دیکده دانا بیل میرم ... اوزمو گناهکار سانا بیل میرم ...

از کتاب شاه اسماعیل: گجه لر اوزوندور یاتا بیلمیرم پیرینی یادیدمان آتا بیلمیرم

آلیم اوزولوبدور چاتا بیلميرم اودونا یاندیغیم آلاگوز پری

یک) نفی فعل کمکی در زمان آینده نزدیک در دو فرم صرف می‌شود:

a) فعل کمکی که با میانو ند «(ه)» و با پسوند «(مه)» و یا «(مز)» نفی می شود. مثال:

۲) این فعل مخفف نشده، ولی خیلی کم به کار گرفته می‌شود.	امروزه فعل مخفف شده به شکل زیر صرف می‌شود.
mən gələ bilməyərəm من گله بیلمه یه رم	mən gələ bilmərəm من گله بیلمه رم
sən gələ bilməyərsən سن گله بیلمه یه رسن	sən gələ bilməzsən سن گله بیلمز سن
o gələ bilməyəر او گله بیلمه یه ر	o gələ bilməz او گله بیلمز

من بُوگون گله بیلمه رم. بُوگون او دا گله بیلمز. من ده بُوگون گله بیلمه رم. و...

حسن، منه دئدي، پُونگون او دا پُورا يا گله يسلمز.

فعال ترکیبی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آنها با آهنگ بالائی باشد، یا میانوند «ء» به

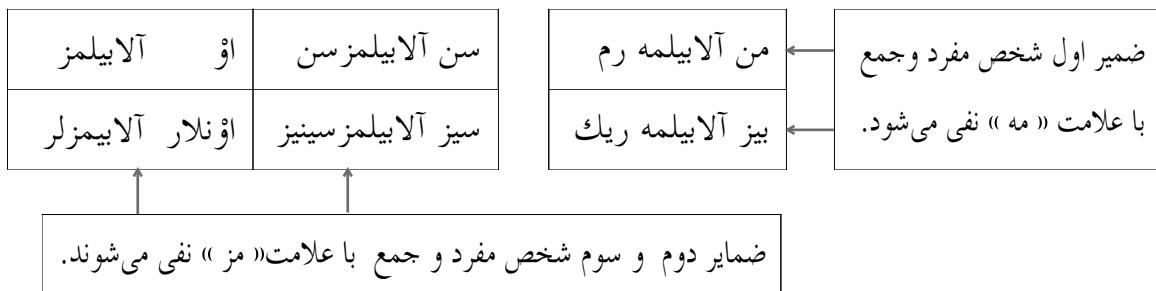
شکل زیر برای اول شخص مفرد و جمع به وسیله پسوند «مه» و برای سایر ضمایر شخصی

به وسیله « مز » نفی می‌شوند:

سوزه بیلمه رم	گُوره بیلمه رم	ایچه بیلمه رم	ائده بیلمه رم	من
سوزه بیلمز سن	گُوره بیلمز سن	ایچه بیلمز سن	گُنده بیلمز سن	سن
سوزه بیلمز	گُوره بیلمز	ایچه بیلمز	گُنده بیلمز	اُوْ
سوزه بیلمه ریک	گُوره بیلمه ریک	ایچه بیلمه ریک	گُنده بیلمه ریک	بیز
سوزه بیلمز سینیز	گُوره بیلمز سینیز	ایچه بیلمز سینیز	گُنده بیلمز سینیز	سینیز
سوزه بیلمز لر	گُوره بیلمز لر	ایچه بیلمز لر	گُنده بیلمز لر	اُنلار

b) فعل کمکی که اولین فعل آن با حرف صدادار با آهنگ پائینی باشد، با میانوند « a »

به کار گرفته شده و به وسیله علامت « مه » و « مز » نفی می‌شود. مثال:



من قالا بیلمه رم، من یایا بیلمه رم، من دانا بیلمه رم، من سایا بیلمه رم و ...

سن قالا بیلمز سن، اُوْ یایا بیلمز، بیز قالا بیلمه ریک، سینیز قالا بیلمز سینیز، اُنلار قالا بیلمز لر

- در رابطه با به کار گیری نفی فعل کمکی ( بیل ) به اشعار زیر توجه کنید:

نباتی: نسبت سنه ای شوخ، زلیخا اُولا بیلمز بُوشوه ده لیلا اُولا بیلمز

وجی: دل طالب یار اُلماسا دلبر اُولا بیلمز هر میخانا پیمانه سی ساغرا اُلا بیلمز...

مظفر سعید: سورو شدو بیریندن شاعرم می من؟ اوزروم کی، اویه بیلمه رم!

جوایی آسانجا قؤپدو دیلیندن: هله اولمه میسن، دئیه بیلمه رم...

چُوخ سازلار، بولبول ده لؤلا، سس قاتا بیلمز...

بُوشس ایله سس دیر کی اونا چاتا بیلمز

جعفر خندان:

یوردسوز، یۇۋاسىز شاعرىم، اينسان اۇلاپىلمز

اينسان اۆز عزيز يۇردونامهمان اۇلاپىلمز

دو) نفى فعل كمكى در آينده دور در دو فرم صرف مى شود:

الف) فعل كمكى با هماهنگى كوچك با علامت « mə » نفى و صرف مى شود:

a ) نفى فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى و با حرف « ئ » مى باشد:

بىز گله بىلمە يە جە يېك	mən gələ bilməyəcəyəm	من گله بىلمە يە جە يەم
سىز گله بىلمە يە جىسىنىز	sən gələ bilməyəcəksən	سن گله بىلمە يە جىك سن
اۇنلار گله بىلمە يە جىكلر	o gələ bilməyəcə	او گله بىلمە يە جىك

b) فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائىنى باشد، با پسوند « مە » نفى مى شود:

من آلاپىلمە يە جە يەم، سن آلاپىلمە يە جىسىن، او آلاپىلمە يە جىك

بىز آلاپىلمە يە جە يېك، سىز آلاپىلمە يە جىسىنىز، اۇنلار آلاپىلمە يە جىكلر

b) فعلى كمكى با علامت « mi , mi , mü , mu » با هماهنگى بزرگ نيز نفى مى شود:

a ) فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى و با حروف « مى » نفى مى شود:

بىز گله بىلمى يە جە يېك	mən gələ bilmiyəcəyəm	من گله بىلمى يە جە يەم
سىز گله بىلمى يە جىسىنىز	sən gələ bilmiyəcəksən	سن گله بىلمى يە جىك سن
اۇنلار گله بىلمى يە جىكلر	o gələ bilmiyəcək	او گله بىلمى يە جىك

b) نفى فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائىنى مى باشد:

- من قالابىلمى يە جىم، سن قالابىلمى يە جىسىن، او قالابىلمى يە جىك،

بىز قالابىلمى يە جە يېك، سىز قالابىلمى يە جىسىنىز، اۇنلار قالابىلمى يە جىكلر

ث) فعل الترامى كمكى با حروف « مە » و كلمه « دگىل » نفى مى شود:

1) فعل الترامى كمكى با پسوند « مە ، ما » به شكل زير نفى مى شود:

a ) نفى فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى و با حرف « ئ » مى باشد:

من گله بىلمە ملى يەm (mən gələ bilməməliyəm) ، بىز گله بىلمە ملى يېك،

سن گله بیلمه ملی سن (sən gələ bilməməlisən)، سیز گله بیلمه ملی سینیز اوْنلار گله بیلمه ملی دیرلر

b) کلماتی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آنها با آهنگ پائینی می باشد:

من آلا بیلمه ملی بم، سن آلا بیلمه ملی سن، اوْ آلا بیلمه ملی دیر،  
بیز آلا بیلمه ملی بیک، سیز آلا بیلمه ملی سینیز، اوْنلار آلا بیلمه ملی دیرلر

۲) نفی فعل کمکی و الترامی (به وسیله «ملی») با کلمه «دگیل»:

a) فعل الترامی کمکی که با آهنگ بالائی باشد، به وسیله «دگیل» به شکل زیر نفی می شود:

بیز گله بیلملی دگیلیک	mən gələ bilməli dəyiləm	من گله بیلملی دگیلم
سیز گله بیلملی دگیلسینیز	sən gələ bilməli dəyilsən	سن گله بیلملی دگیلسن
اوْنلار گله بیلملی دگیللر	o gələ bilməli dəyil	اوْ گله بیلملی دگیل

b) نفی فعل الترامی کمکی به وسیله «دگیل» به شکل زیر صرف می شود:

اوْ آلا بیلملی دگیل	سن آلا بیلملی دگیلسن	من آلا بیلملی دگیلم
اوْنلار آلا بیلملی دگیللر	سیز آلا بیلملی دگیل سینیز	بیز آلا بیلملی دگیلیک

ج) نفی فعل کمکی الترامی «لازم» در حالت «به» با کلمه «دگیل»:

- منه لازیم دگیل، سنه لازیم دگیل، اوْنا لازیم دگیل،  
بیزه لازیم دگیل، سیزه لازیم دگیل، اوْنلارا لازیم دگیل،  
د) منه لازیم اوْ لا بیلمز، سنه لازیم اوْ لا بیلمز، اوْنا لازیم اوْ لا بیلمز،  
بیزه لازیم اوْ لا بیلمز، سیزه لازیم اوْ لا بیلمز، اوْنلارا لازیم اوْ لا بیلمز،  
اوْ چوخ گجدیر، اوْنا حله لیک اوْنلنمک لازیم دگیل.

ز) نفی فعل کمکی الترامی «لزوم» در حالت «به» با کلمه «یوخ» ترکیب یافته و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

- منه لزومی (لۇزمۇ) يۇخدور، سنه لزومی يۇخدور، اوْنا لزومی يۇخدور،  
بیزه لزومی يۇخدور، سیزه لزومی يۇخدور، اوْنلارا لزومی يۇخدور،

## ۱-۲۱) نفی فعل مجهول:

فعل مجهول در زمان حال، از ریشه فعل، علامت مجهولی، علامت نفی و پسوند زمان حال ترکیب می‌یابد و در سه شکل زیر مخفف شده به کار گرفته می‌شود:  
یک) فعلی که آخرین حرف آن بی‌صدا می‌باشد:

(a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف «i ، e ، ə» باشد و آخرین حرف آن نیز به حرف «ل» ختم شود، به شکل زیر در فرم مجهولی نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود: (با علامت in)

biz bilinmirik	بیلینمیریک	بیز	mən bilinmirəm	بیلینمیرم
siz bilinmirsiniz	بیلینمیرسینیز	سیز	sən bilinmirsən	سن بیلینمیرسن
onlar bilinmirlər	بیلینمیرلر	اونلار	o bilinmir	او بیلینمیر

- فرمهای دیگر: ( سیلمک: سلینمک، سلینمه مک )

نفی مصدری با «مه»: سلینمه مک، او سلینمه مکده دیر و ...

نفی با کلمه فعلی با «دگیل»: او سلینمکده دگیل، او بیلینمکده دگیل و ...

(b) نفی فعلی که آخرین حرف آن «L» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz salınmırıq	سالینمیریق	بیز	mən salınmıram	سالینمیرام
siz salınmırsınız	سالینمیرسینیز	سیز	sən salınmırsan	سن سالینمیرسان
onlar salınmırlar	سالینمیرلار	اونلار	o salınmır	او سالینمیر

بۇ داشلار چۈخ آغىردىرلار، اونلار بۇ ساده لىکىدە آشاغا سالینمیرلار.

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن «o» می‌باشد و به حرف «L» ختم می‌شود:

biz yolumruq	يۇلونمۇرۇق	بیز	mən yolumuram	يۇلونمۇرام
siz yolummursunuz	يۇلونمۇرسۇنۇز	سیز	sən yolummursan	سن يۇلونمۇرسان
onlar yolumurlar	يۇلونمۇرلار	اونلار	o yolumur	او يۇلونمۇر

يۇلونماق، يۇلونماقام، يۇلونماقدا دگیل و ...

فعالی که آخرین حرف صدادار آنها با یکی از این دو حرف «ا، ئ» باشد، به شکل زیر در زمان حال نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	فعل	فعل	ریشه	علامت مجهولی	علامت زمان حال و علامت نفی	علامت زمان حال و علامت نفی	پسوند صرفی	حرف صدادار
mən		al	sal	qıl	in		mi(yı) r	am	ضمایر متصل
sən		al	sal	qıl	in		mi(yı) r	san	شخصی وابسته
o		al	sal	qıl	in		mi(yı) r	(dır)	به کلمات ما
biz	{	al	sal	qıl	in	{	mi(yı) r	ıq	قبل خود است.
siz		al	sal	qıl	in		mi(yı) r	sınız	
onlar		al	sal	qıl	in		mi(yı) r	(dır) lar	
پسوند جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.									

دو) نفی فعل مجهولی که آخرین حرف آن بی‌صدا می‌باشد:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف «ئ، ئ» باشد و آخرین حرف آن نیز بی‌صدا (به جز L) باشد، به شکل زیر در زمان حال با پسوند «mü» نفی و در فرم مجهولی صرف می‌شود:

biz görülmürük	بیز گۈرۈلمۇرۇك	mən görülmürəm	من گۈرۈلمۇرم
siz görülmürsünüz	سیز گۈرۈلمۇرسۇنۇز	sən görülmürsən	سن گۈرۈلمۇرسان
onlar görülmürlər	اونلار گۈرۈلمۇرلار	o görülmür	او گۈرۈلمۇر

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «u» می‌باشد:

بیز وۇرۇلمۇرۇق	mən vurulmuram	من وۇرۇلمۇرام
سیز وۇرۇلمۇرسۇنۇز	sən vurulmursan	سن وۇرۇلمۇرسان
اونلار وۇرۇلمۇرلار	o vurulmur	او وۇرۇلمۇر

سه) افعالی که آخرین حرف آنها صدادار باشد، در صرف به شکل زیر مخفف شده و در فرم مجهولی نفی می‌شود: اوخونمور، توخونمور، دوشونمور، یوپیونمور، یونولمور و ...

## ۱۱-۲۱) نفی و صرف فعل امری مجهول:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به وسیله « مه » و « ما » در فرم مجهولی امری نفی و صرف می شود: ( گُئرولمه = دیده نشو )

biz görülməyək	بیز گُئرولمه يك	mən görülməyim	من گُئرولمه ييم
siz görülməyin	سیز گُئرولمه يین	sən görülmə	سن گُئرولمه
onlar görülməsinlər	اونلار گُئرولمه سینلر	o görülməsin	او گُئرولمه سين

سن اورایا گئت، آمما عمی نین گؤزو نه گُئرولمه. او بُورایا گلدی، آمما گؤزه گُئرولمه دی.

b) من ساتیلماییم ، سن ساتیلما ، او ساتیلماسین،  
بیز ساتیلمایاق ، سیز ساتیلماسین ، اونلار ساتیلماسینلار

۱) فعل مجهولِ التزامی در دو فرم زیر نفی و صرف می شود:

یک فرم) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ء » باشد، به وسیله پسوند « مه » به شکل زیر نفی و صرف می شود:

بیز گُئرولمه ملی بیک	mən görülməməliyəm	من گُئرولمه ملی ييم
سیز گُئرولمه ملی سینیز	sən görülməməlisən	سن گُئرولمه ملی سن
اونلار گُئرولمه ملی دیرلر	o görülməməlidir	او گُئرولمه ملی دير

من اورایا گئتمک ايسته ييرم، آمما اورادا عمی نین گؤزو نه گُئرولمه ملی ييم.

دو فرم) فعل مجهول التزامی، که با آهنگ بالائی باشد، به وسیله « دگیل » نیز نفی می شود:

بیز گُئرولملی دگیلیک	mən görülməli dəyiləm	من گُئرولملی دگیلم
سیز گُئرولملی دگیلسینیز	sən görülməli dəyilsən	سن گُئرولملی دگیلسن
اونلار گُئرولملی دگیلدیرلر	o görülməli dəyil	او گُئرولملی دگیل(دير)

من اورادا گُئرولملی دگیل سن. من بُو ظولمه (ظلمه) دؤزملی دگیلم.

بُو سؤز دئیسلملی دگیل. بُو گون، بُو ايش قُورتاریلما لی دگیل می؟

- نفی فعل مصدری: من گُئرولمکده دگیلم. سن گُئرولمکده دگیل سن. او گُئرولمکده دگیل (دير).

## ۲) نفی فعل مجهول التزامی به کمک «اولماق» در فرم استمراری:

فعل مجهول التزامی به کمک «اولماق» به شکل زیر با علامت «مه» نفی و در فرم استمراری صرف می‌شود:

بیز گُئرولملی اولمورو ق	mən görülməli olmuram	من گُئرولملی اولمورام
سیز گُئرولملی اولمورو سونوز	sən görülməli olmursan	سن گُئرولملی اولمورسان
اونلار گُئرولملی اولمورو لار	o görülməli olmur (dur)	او گُئرولملی اولمور (دور)

- من گُئرولملی اولمورام. ( من به دیده شدن مجبور نمی‌شوم ).

۳) فعل مجهول التزامی به کمک «اولماق» در آینده نزدیک به وسیله «مه، مز» و «مز، ماز» نفی و صرف می‌شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به وسیله «ما» نفی می‌شود:

mən bilinməli olmayaram (olmaram)	من بیلینملى اولمايaram (اولمارام)،
sən bilinməli olmayarsan	سن بیلینملى اولمايarsan (اولمازسان)،
o bilinməli olmayar	او بیلینملى اولمايار (اولماز)،
biz bilinməli olmayarıq (olmararıq)	بیز بیلینملى اولماياريق،
siz bilinməli olmayarsınız	سیز بیلینملى اولمايarsiniz (اولماز سینیز)،
onlar bilinməli olmayarlar.	اونلار بیلینملى اولمايارلار (اولمازلار)،

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» باشد، به شکل زیر به وسیله «مز، ماز» نفی و صرف می‌شود:

mən görülməlli olmaram	من گُئرولملی اولمارام،
sən görülməlli olmayarsan(olmazsan).	سن گُئرولملی اولمايarsan (اولمازسان)،
o görülməlli olmaz.	او گُئرولملی اولماز،

او گُئرولملی اولماز

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی می‌باشد:

فعل مجھول الترامی به کمک «اولماق» در آینده نزدیک با حروف «ما» نفی می شود:

من وۇرولمالى اۇلمارام، سن وۇرولمالى اۇلمازسان، او وۇرولمالى اۇلماز،

بىز وۇرولمالى اۇلمارىق، سىز وۇرولمالى اۇلمازسىنىز، اۇنلار وۇرولمالى اۇلمازلار

توجه: فعل برای اول شخص مفرد و جمع با حروف «مه» و برای سایر ضمایر شخصی با پسوند «مز» نفی می شود.

۳) فعل مجھول الترامی به کمک «اولماق» در آینده دور در سه فرم به وسیله

«مه، ما» و به وسیله «مى، مو» و با کمک «دگیل» نفی می شود:

يك) نفی به وسیله «مه» با هماهنگی کوچك به شکل زیر صرف می شود:

من گورولملی اۇلمایا جاغام ، mən görülməli olmayacağam

سن گورولملی اۇلمایا جاقسان ، sən görülməli olmayacaqsan

او گورولملی اۇلمایا جاق ، o görülməli olmayacaq

بىز گۈرۈلملی اۇلمایا جاغىق ، biz görülməli olmayacağıq

سىز گۈرۈلملی اۇلمایا جاقسىنىز ، siz görülməli olmayacaqsınız

اۇنلار گۈرۈلملی اۇلمایا جاقلار ، onlar görülməli olmayacaqlar

- فعل مجھول در زمان آینده دور با پسوند «ما» نفی و صرف می شود:

بىز وۇرولمايا جاغايق	mən vurulmayacağam	من وۇرولمايا جاغام
سىز وۇرولمايا جاقسىنىز	sən vurulmayacaqsan	سن وۇرولمايا جاقسان
اۇنلار وۇرولمايا جاقلار	o vurulmayacaq	او وۇرولمايا جاق

اۇغچولار صباح گلمه سه لر، داغ گىشى لرى ده وۇرولمايا جاقلار.

دو) فعل مجھول الترامی به کمک فعل «اولماق» به وسیله «مى، مو» نیز نفی شده و به شکل

زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

او گورولملی اۇلموييا جاق	سن گورولملی اۇلموييا جاقسان	من گورولملی اۇلموييا جاغام
اۇنلار گۈرۈلملی اۇلموييا جاقلار	سىز گۈرۈلملی اۇلموييا جاقسىنىز	بىز گۈرۈلملی اۇلموييا جاغىق

- فرمهای مختلف: ۱) اۇنلار بۇرادا گۈرۈلملی اولماق ایسته ميرلر. ۲) اۇنلار بۇرادا گۈرۈلمە يە

محبوب دگیللر. ۳) اونلار بۇرادا گۈرۈلمك زۇروندا دگیللر.

سە) فعل مجھول كمكى التزامي به وسیله « دگیل » نىز نفى مى شود:

من گۈرۈله بىلەملى دگیلەم. سەن گۈرۈله بىلەملى دگیلسەن. او گۈرۈله بىلەملى دگیلە.

بىز گۈرۈله بىلەملى دگیلەيك. سىز گۈرۈله بىلەملى دگیلسىنىز. اونلار گۈرۈله بىلەملى دگیللر.

- در فرماء مختلف: من گۈرۈلمە يە مجبور او لماقدا دگیلەم. من گۈرۈلمە يە مجبور دگیلەم.

منيم گۈرۈلمە يەم الزامى دگیلەم. من گۈرۈلمك زۇروندا دگیلەم.

۲۱-۲) نفى فعل مجھول مصدرى در دو فرم با پسوند « مە، ما » و « دگیل »:

a) فعلى كە آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى و با حرف « ئ » باشد، به شكل زير برای

ضماءير شخصى صرف مى شود:

بىز گۈرۈلمكىدە دگیلەيك	mən görülməkdə dəyiləm	من گۈرۈلمكىدە دگیلەم
سىز گۈرۈلمكىدە دگیلسىنىز	sən görülməkdə dəyilsən	سەن گۈرۈلمكىدە دگیلسەن
او گۈرۈلمكىدە دگیللر	o görülməkdə dəyil(dir)	او گۈرۈلمكىدە دگیل (دىر)

b) فعل مصدرى كە آخرین حرف صدادار رىشه آن با آهنگ پائينى و با حرف « ئى » باشد،

به شكل زير با كلمه « دگیل » نفى و صرف مى شود:

او وۇرۇلماقدا دگیل (دىر)	سەن وۇرۇلماقدا دگیلسەن	من وۇرۇلماقدا دگیلەم
اونلار وۇرۇلماقدا دگیل (دىر) لر	سىز وۇرۇلماقدا دگیل سىنىز	بىز وۇرۇلماقدا دگیلەيك

c) فعل مجھول مصدرى، كە آخرین حرف صدادار رىشه آن با آهنگ بالائى باشد، با پسوند

« مە » نىز نفى مى شود:

من بىزىمكىدە يەم بىز بىزىمكىدە يەم

سەن بىزىمكىدە سەن سىز بىزىمكىدە سىنىز

او بىزىمكىدە دىر اونلار بىزىمكىدە دىرلر

- گلين بىزىمكىدە دىرىمى؟ يۇ، او حلە لىك بىزىمكىدە دىر ( بىزىمكىدە دگیل ).

### ۲۱-۱۳) نفی فعل کمکی در فرم امری:

a) فعل کمکی که آخرین حرف صدادار اولین و دومین فعل آن با حرف صدادار با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر ترکیب یافته و نفی و صرف می‌شود:

biz gələ bilməyək	بیز گله بیلمه یك	mən gələ bilm(əy)im	من گله بیلمه بیم
siz gələ bilməyin	سیز گله بیلمه بین	sən gələ bilmə	سن گله بیلمه
onlar gələ bilməsinlər	اونلار گله بیلمه سینلر	o gələ bilməsin	او گله بیلمه سین

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد:

من آلابیلمه بیم،	من آلابیلمه بیم،
بیز آلابیلمه یك،	سیز آلابیلمه بین،

### الف ) نفی فعل مجھول امری:

a) فعلی که آخرین حرف آن با آهنگ بالائی و آخرین حرف آن نیز بی صدا باشد، با پسوند «ئى» به فعل مجھول تبدیل شده و به شکل زیر در فرم امری نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz sevilməyək	بیز سئویلمه یه ك	mən sevilm(əy)im	من سئویلمه بیم
siz sevilməyin	سیز سئویلمه بین	sən sevilmə	سن سئویلمه
onlar sevilməsinlər	اونلار سئویلمه سینلر	o sevilməsin	او سئویلمه سین

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد:

من سالینمایم،	من سالینمایم،
بیز سالینمایاق،	سیز سالینمایین،

### ۲۱-۱۴) نفی فعل آرزوئی:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با پسوند «مه» نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود: (نه اولار کی، او گلمه یه بیر.)

biz gəlməy(əy)ək	بیز گلمه یك ،	mən gəlməyəm	من گلمه یه م
siz gəlməyəsiniz	سیز گلمه یه سینیز ،	sən gəlməyəsən	سن گلمه یه سن

او گلمه يه او نلار گلمه يه لر onlar gəlməyələr o gəlməyə او گلمه يه

الف) نفي فرمهاي فعل آرزوئي: (نه او لار كى، او گلنمه يه بير.)

- فعل فاعليت صفتى: من گلنمه يه م، سن گلنمه يه سن، او گلنمه يه،  
بيز گلن مه يه ك، سيز گلنمه يه سينيز، او نلار گلنمه يه لر

ب) فعل كمكى آرزوئي: (نه او لار كى، او گله بيلمه يه بير.)

من گله بيلمه يه mən gələbiləməyəم، سن گله بيلمه يه سن، او گله بيلمه يه  
بيز گله بيلمه يه ك، سيز گله بيلمه يه سينيز، او نلار گله بيلمه يه لر  
- او ايندى گله بيلميه بير! او ايندى بو ماشينى سور بيلمه بير!

ث) نفي فعل آرزوئي كمكى با فعل فاعليت صفتى:

من گله بيلميه يم، سن گله بيلنمه يه سن، او گله بيلنمه يه بير  
بيز گله بيلنمه يك، او نلار گله بيلنمه يه سينيز،  
- من دونن او نا دئديم، «بوگون بوراييا گل صباح چوخ ايشيميز وار»؛ آمما گلmdi.  
ايندى او واختيندا گلنمه يه بير.

## ۵-۱-۲۱) نفي فعل شرطى غير واقعى:

a) فعل شرطى غير واقعى به وسيله پسوند «مه» و «ما» با هماهنگى كوچك نفي شده و به شكل زير برای ضمایر شخصى صرف مى شود:

biz gəlmə(əy)sək	گلمه سه ك	بيز	mən gəlməsəm	من گلمه سم
siz gəlməsəniz	گلمه سه نيز	سيز	sən gəlməsən	سن گلمه سن
onlar gəlməsələr	اونلار گلمه سه لر	o gəlməsə	او گلمه سه	او گلمه سه

نفي فعلى كه آخرین حرف صدادار آن به حرف «تا» ختم مى شود:

من گولمه سم، سن گولمه سن، او گولمه سه، بيز گولمه سه ك و ...

b) فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائينى باشد، به شكل زير نفي مى شود:

من قالماسام، سن قالماسان، او قالماسا، سيز قالماسانيز و ...

من قؤسام، سن قورسان، او قورسا و ...

## ۲۱-۱۶) نفی فعل شرطی واقعی در آینده نزدیک به وسیله «مه، ما»:

- یک) فعل شرطی واقعی در آینده نزدیک به شکل زیر با حروف «مz» نفی می‌شود:
- a) نفی فعل شرطی واقعی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» باشد، به شکل زیر با «مz» صرف می‌شود:

biz gəlməzsək	بیز گلمز سه ک	mən gəlməzsəm	من گلمز سم
siz gəlməzsəniz	سیز گلمز سه نیز	sən gəlməzisən	سن گلمزايسن
onlar gəlməzsələr	اونلار گلمز سه لر	o gəlməzsə	او گلمز سه

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» می‌باشد:

biz gülməzsək	بیز گولمز سه ک	mən gülməzsəm	من گولمز سم
siz gülməzsəniz	سیز گولمز سه نیز	sən gülməzisən	سن گولمزايisen
onlar gülməzsələr	اونلار گولمز سه لر	o gülməzsə	او گولمز سه

- b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «a» می‌باشد:

من آلمازسام، سن آلمازسان، بیز آلمازساق، سیز آلمازسانیز و...

من بیغمازسام، سن بیغمازسان، او بیغمازسا، بیز بیغمازساق، سیز بیغمازسانیز و...

دو) فعل شرطی واقعی در آینده نزدیک با پسوند «مه، ما» نفی می‌شود:

- a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» می‌باشد:

biz gəlməyərsək	بیز گلمه یرسه ک	mən gəlməyərsəm	من گلمه یرسم
siz gəlməyərsəniz	سیز گلمه یرسه نیز	sən gəlməyərisən	سن گلمه یرایسن
onlar gəlməyərsələr	اونلار گلمه یرسه لر	o gəlməyərsə	او گلمه یرسه

من گولمه یرسم، سن گولمه یرایسن، او گولمه یرسه، بیز گولمه یرسه ک و...

- b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی می‌باشد:

- من آلمایارسام، سن آلمایارسان، او آلمایارسا، بیز آلمایارساق،

- من قورمایارسام، سن قورمایاراسان، او قورمایارسا، بیز قورمایارساق،

- من دورمویورسام، سن دورمایاراسان، او دورمایارسا، سیز دورمایارسانیز،

## ۲۱-۱۷) نفی فعل شرطی واقعی در زمان حال:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در زمان حال با حروف «می، مو» با هماهنگی بزرگ نفی و صرف می‌شود:

biz gəlmirsək	بیز گلمیرسەك	mən gəlmirsəm	من گلمیرسم
siz gəlmirsəniz	سیز گلمیرسە نیز	sən gəlmirisən	سن گلمیرایسن
onlar gəlmirsələr	اونلار گلمیرسە لر	o gəlmirsə	او گلمیرسە

- توجه شود که «من گلمیرایسن»، در محاوره به شکل «من گلمیرسم» بیان می‌شود.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد:

من قالمیرسام، سن قالمیرایسان، او قالمیرسا، بیز قالمیرساق، سیز قالمیرسانیز و ...  
من قورمورسام، سن قورمورایسان، او قورمورسا، بیز قورمورساق و ...

## ۲۱-۱۸) نفی فعل شرطی در آینده دور:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ه» باشد، به شکل زیر نفی شده و همراه پسوند شرطی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیز گلمه یه جکسەك	mən gəlməyəcəksəm	من گلمه یه جه کسم
سیز گلمه یه جکسە نیز	sən gəlməyəcəksən	سن گلمه یه جه کسن
اونلار گلمه یه جکسە لر	o gəlməyəcəksə	او گلمه یه جه کسه

فعل مذکور به شکل «گلمه یه جه یه سم»، «گلمه یه جه یه ایسن» نیز بیان می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» می‌باشد:

او ایچمه یه جه کسە	سن ایچمه یه جه کسن	من ایچمه یه جه کسم
اونلار ایچمه یه جه کسە لر	سیز ایچمه یه جه کسە نیز	بیز ایچمه یه جه کسە ك

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ة» ختم می‌شود:

من گئرمە یه جه کسم، سن گئرمە یه جه کسن، او گئرمە یه جه کسە،  
بیز گئرمە یه جه بیلک، سیز گئرمە یه جه کسینیز، اونلار گئرمە یه جه کلرە

- b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی (a, o, u) باشد، به شکل زیر نفی و در زمان آینده دور برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:
- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف «a» می‌باشد:

بیز آلمایاچاقساق	mən almayacaqsam	من آلمایاچاقسام
سیز آلمایاچاقسانیز	sən almayacaqsan	سن آلمایاچاقسان
اونلار آلمایاچاقسالار	o almayacaqsa	او آلمایاچاقسا

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «u» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

- من سولمایاچاقسام، سن سولمایاچاقسان، او سولمایاچاقسا، بیز سولمایاچاقساق و..
- من دورمایاچاقسام، سن دورمایاچاقسان، او دورمایاچاقسا، بیز دورمایاچاقساق و...
- افعال مذکور به شکل «سولمایاچاغیسام»، «دورمایاچاغیسام» نیز صرف می‌شوند.

### ۹-۱۹) نفی فعل «در لحظه آغازین کار»:

- a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به وسیله «مه» نفی می‌شود:

biz gəlməyəndə	بیز گلمه یه نده	mən gəlməyəndə	من گلمه یه نده
siz gəlməyəndə	سیز گلمه یه نده	sən gəlməyəndə	سن گلمه یه نده
onlar gəlməyəndə	اونلار گلمه یه نده	o gəlməyəndə	او گلمه یه نده

- توجه شود که فعل «در لحظه آغازین کار» تنها با ضمیر منفصل شخصی صرف می‌شود و

در آن پسوند متصل شخصی به کار گرفته نمی‌شود:

- |                       |                    |
|-----------------------|--------------------|
| من گولمه یه نده ،     | سن گولمه یه نده ،  |
| او گولمه یه نده ،     | سیز گولمه یه نده ، |
| اونلار گولمه یه نده ، | بیز گولمه یه نده ، |

- توجه شود که زمان دقیق این فعل در مصرع (بند) دوم جمله بیان می‌شود. مثال:

من گولمه یه نده ، او گولدو (گذشته). او گولمه یه نده، من گولدوم.

- b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «a» باشد، به شکل زیر نفی

و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz	almayanda	آلماياندا	بیز	mən	almayanda	آلماياندا	من
siz	almayanda	آلماياندا	سیز	sən	almayanda	آلماياندا	سن
onlar	almayanda	آلماياندا	اونلار	o	almayanda	آلماياندا	او

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر «در لحظه آغازین کار» نفی و صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

علامت فعل فاعلیت صفتی												ضمایر شخصی	ریشه فعل	علامت نفی	حروف تکمیلی	علامت فعل فاعلیت صفتی
mən	sal	dığ	sor	qur	ma	y	an	da	ay	ən	əd					
sən	sal	dığ	sor	qur	ma	y	an	da	ay	ən	əd	{	این افعال در صرف، پسوند صرفی (am, am) به خود نمی‌گیرند.			
o	sal	dığ	sor	qur	ma	y	an	da	ay	ən	əd					
biz	sal	dığ	sor	qur	ma	y	an	da	ay	ən	əd					
siz	sal	dığ	sor	qur	ma	y	an	da	ay	ən	əd					
onlar	sal	dığ	sor	qur	ma	y	an	da	ay	ən	əd					

علامت در لحظه آغازین کار	علامت فعل فاعلیت صفتی با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.
--------------------------	---

c) نفی فعل «در لحظه آغازین کار» و تکرار دو باره پسوند:

این فعل با تکرار علامت «فعل فاعلیت صفتی» با مفهوم جدیدی به کار گرفته می‌شود:

اوْ گلنمه يه نده	سن گلنمه يه نده	من گلنمه يه نده	(a)
اوْنلار گلنمه يه نده	سیز گلنمه يه نده	بیز گلنمه يه نده	

- من دؤزنه يه نده، سن دؤزنه يه نده، اوْ دؤزنه يه نده، بیز دؤزنه يه نده و ...

من گولنه يه نده، سن گولنه يه نده، اوْ گولنه يه نده، بیز گولنه يه نده و ...

(من گلنمه يه نده: از آن لحظه ای که من نمی‌توانستم بیایم.)

b) من آلانماياندا، سن آلانماياندا، اوْ آلانماياندا، بیز آلانماياندا و ...

من اوْخويانماياندا، سن اوْخويانماياندا، اوْ اوْخويانماياندا، بیز اوْخويانماياندا و ...

من دورانماياندا، سن دورانماياندا، اوْ دورانماياندا، بیز دورانماياندا و ...

من قورانمايايديم، سن قورانمايايديم، اوْ قورانمايايديم، بیز قورانمايايديم و ...

۲۱-۲) نفي فعل «از لحظه آغازین کار»:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ه» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gəlməyəndən	گلمه يه ندن	بیز	mən gəlməyəndən	گلمه يه ندن	من
siz gəlməyəndən	گلمه يه ندن	سیز	sən gəlməyəndən	گلمه يه ندن	سن
onlar gəlməyəndən	اونلار گلمه يه ندن	او	o gəlməyəndən	گلمه يه ندن	او

من گنتمه يه ندن، من دئمه يه ندن، من ايستمه يه ندن (بير ساعات اولدو). و...

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر «از لحظه آغازین کار»

نفي و صرف شده و به بخشهاي مختلف تجزيه مي شوند:

ضمایر شخصی		ریشه افعال					علامت نفی		حروف تکمیلی		علامت فعل فاعلیت صفتی	
mən	{	sər	get	sil	öp	süz	{	mə	y	{	ən	dən
sən		sər	get	sil	öp	süz		mə	y		ən	dən
o		sər	get	sil	öp	süz		mə	y		ən	dən
biz		sər	get	sil	öp	süz		mə	y		ən	dən
siz		sər	get	sil	öp	süz		mə	y		ən	dən
onlar		sər	get	sil	öp	süz		mə	y		ən	dən

b) نفي فعلى که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

biz	yığmayandan	يغماياندان	بیز	mən	yığmayandan	يغماياندان	من
siz	yığmayandan	يغماياندان	سیز	sən	yığmayandan	يغماياندان	سن
onlar	yığmayandan	يغماياندان	اونلار	o	yığmayandan	يغماياندان	او

من دیگر مایاندان، من قبیل مایاندان، من سیخ‌مایاندان، من قیلمایاندان و ...

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن یا آهنگ پائینی، و یا حرف «۵» می‌باشد:

biz pozmayandan يۈز مایاندان ، mən pozmayandan من يۈز مایاندان

siz pozmayandan ، سیز پُوزماياندان sən pozmayandan سن پُوزماياندان اوْنلار pozmayandan o ، اوْنلار پُوزماياندان اوْ

- این افعال با پسوند « می » نیز نفی می شوند. مثال: اوْچاغین اوْچماماغیندان بیر ساعات اوْلور.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر با علامت فعل فاعلیت

صفتی و علامت نفی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می شود:

ضمایر شخصی	ریشه افعال				پسوند نفی	حروف تکمیلی	علامت فعل فاعلیت صفتی		علامت انتهای کار	این افعال در صرف، پسوند صرفی به خود نمی گیرند.
mən	sal	diğ	sor	qur	ma	y	an	dan		
sən	sal	diğ	sor	qur	ma	y	an	dan		
o	sal	diğ	sor	qur	ma	y	an	dan		
biz	sal	diğ	sor	qur	ma	y	an	dan		
siz	sal	diğ	sor	qur	ma	y	an	dan		
onlar	sal	diğ	sor	qur	ma	y	an	dan		

همه این چهار پسوند با همانگی بزرگ صرف می شوند.

علامت انتهای کار

## ۵) نفی فعل و تکرار دوباره علامت « فعل فاعلیت صفتی »:

- من گلنمه یه ندن، سن گلنمه یه ندن، اوْ گلنمه یه ندن، بیز گلنمه یه ندن و ...

- من دوزنمه یندن، سن دوزنمه یندن، اوْ دوزنمه یندن، بیز دوزنمه یندن و ...

- من قالانمایاندان، سن قالانمایاندان، اوْ قالانمایاندان، بیز قالانمایاندان و ...

- من پُوزانمایاندان، سن پُوزانمایاندان، اوْ پُوزانمایاندان، بیز پُوزانمایاندان و ...

من گلنمه یه ندن، سن گلنمه یه ندن، اوْ گلنمه یه ندن و ...

- به تجزیه « من قالانمایاندان » توجه کنید:

۱) من: ضمیر شخصی، ۵) ی: حرف تکمیلی،

۲) قال: ریشه فعل، ۶) آن: تکرار علامت فعل فاعلیت صفتی،

۳) آن: علامت فاعلیت صفتی، ۷) دان: علامت « از لحظه آغازین کار ».

۴) ما: علامت نفی

## ۲۱-۲۱) نفی فعل «تا انتهای کار» (تا لحظه پایان کار):

الف) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» می‌باشد:

biz	gəlməyənəcən	بیز گلمه یه نه جن	mən	gəlməyənəcən	من گلمه یه نه جن
siz	gəlməyənəcən	سیز گلمه یه نه جن	sən	gəlməyənəcən	سن گلمه یه نه جن
onlar	gəlməyənəcən	اونلار گلمه یه نه جن	o	gəlməyənəcən	او گلمه یه نه جن

سیز بۇرا گلنمه یه نه جن. بیز بى یه نمە یه نه جن. اونلار دئیه نمە یه نه جن.

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «a» می‌باشد:

biz	almayanacaŋ	آلماياناجان	biz	almayanacaŋ	من آلماياناجان
siz	almayanacaŋ	آلماياناجان	sən	almayanacaŋ	سن آلماياناجان
onlar	almayanacaŋ	اونلار آلماياناجان	o	almayanacaŋ	او آلماياناجان

جماعت بۇ کیتابلاری آلماياناجان، من بۇرادا قالانماياناجان. بۇ کتابلار ساتىلماياناجان

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر با مفهوم «تا انتهای کار» نفی شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند: (تا انتهای کار)

ضمایر شخصی	ال	ال	ريشه افع	رسوند نفی	حروف تكميلي	علامت فاعليت صفتی	حروف تكميلي	رسوند نفی	ريشه افع	ال	ضمایر شخصی	تا انتهای کار
mən	qal	qıl	qor	dur	ma	y	an	acan				
sən	qal	qıl	qor	dur	ma	y	an	acan				
o	qal	qıl	qor	dur	ma	y	an	acan				
biz	qal	qıl	qor	dur	ma	y	an	acan				
siz	qal	qıl	qor	dur	ma	y	an	acan				
onlar	qal	qıl	qor	dur	ma	y	an	acan				

هر سه رسوند این افعال با همانگی کوچک صرف می‌شوند.

این افعال در  
صرف رسوند  
صرفی به خود  
نمی‌گیرند.

من بۇ ماشینین پۇلون آلماياناجان، اوپیرى ماشینى اونا ساتانمارام.

من اوّرایا گئتمە یه نه جان، سن ده اوّرایا گئتمە.

سن بۇرجونون هاميسىنى وئرمە یه نه جن، من داهى سنە بىر شىء ساتماياناجاغام.

### ب) فعل «تا انتهای کار» با تکرار دو باره فعل فاعلیت صفتی:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» باشد، به شکل زیر با علامت «تا انتهای کار» و علامت فاعلیت صفتی نفی و صرف می‌شود:

من	گۆرنمە يَنَه جن	mən görənməyənəcən	بیز	گۆرنمە يَنَه جن	،	
سن	گۆرنمە يَنَه جن	sən görənməyənəcən	سیز	گۆرنمە يَنَه جن	،	
اوْ	گۆرنمە يَنَه جن	o görənməyənəcən	اونلار	گۆرنمە يَنَه جن	،	

(اوْ سئى گۆرنمە يَنَه جن، ناراحات ایدى.) (اوْ گۆرنمە يَه جان: تا زمانى كه او نمى توانست بىيند.)

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «و» باشد، به شکل زیر «تا انتهای کار» همراه علامت فاعلیت صفتی نفی و صرف می‌شود:

biz pozanmayanacan	پۇزانماياناجان	بیز	mən pozanmayanacan	من پۇزانماياناجان
siz pozanmayanacan	پۇزانماياناجان	سیز	sən pozanmayanacan	سن پۇزانماياناجان
onlar pozanmayanacan	پۇزانماياناجان	اونلار	o pozanmayanacan	اوْ پۇزانماياناجان

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر «تا انتهای کار» با علامت فاعلیت صفتی نفی و صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضما	مایر	شخصی	ال	اع	ف	علامت نفی	علامت فاعلیت	ریشه افع	علامت تا انتهای کار	حروف تکمیلی	من پۇزانماياناجان
mən		sal	dıg	ol	qur			an		ma	y	an acan
sən		sal	dıg	ol	qur			an		ma	y	an acan
o	{	sal	dıg	ol	qur			an		ma	y	an acan
biz		sal	dıg	ol	qur			an		ma	y	an acan
siz		sal	dıg	ol	qur			an		ma	y	an acan
onlar		sal	dıg	ol	qur			an		ma	y	an acan

این افعال در  
صرف بپسوند  
صرفی به خود  
نمی گیرند.

تکرار علامت فعل فاعلیت صفتی	علامت فعل فاعلیت صفتی
-----------------------------	-----------------------

اوْ بۇ موشکولو پۇزانماياناجان، من اونا كمك ائدملى يم.

ائله بیل کى، سن بۇ موشکولونو پۇزانماياناجان، راحات (راحت) اوْلمایا جاقسان.

## ۲۲) نفی فعل در زمان گذشته:

در زبان ترکی، فرمهای مختلف افعال در گذشته به وسیله حروف «م، مـ» و یا با «مز، ماز» با هماهنگی کوچک و به وسیله «مـ، مو» با هماهنگی بزرگ و در مواردی نیز به وسیله «دـگـیل» نفی و صرف می‌شوند:

### ۲۲-۱) نفی فعل در گذشته:

(a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر به وسیله حروف «مـ، مـا» با هماهنگی کوچک نفی و صرف می‌شود. مثال:

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف «ـهـ» ختم می‌شود:

biz ḡelmədik	بیز گلمه دیك	mən ḡelmədim	من گلمه دیم	ماضی این فعل با علامت «مـ» نفی می‌شود.
siz ḡelmədiniz	سیز گلمه دینیز	sən ḡelmədin	سن گلمه دین	
onlar ḡelmədilər	اونلار گلمه دیلر	o ḡelmədi	او گلمه دی	

- توجه: علائم نفی قبل از سایر پسوندها به ریشه فعل پیوند می‌خورد. مثال:

گلمه ییرم، گـتـمـه دـیـ، یـئـمـه دـیـ، اـیـچـمـه دـیـلـرـ، گـولـمـه یـهـ جـکـ و ...

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ـاـ» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

او ایچمه دی	سن ایچمه دین	من ایچمه دیم
اونلار ایچمه دیلر	سیز ایچمه دینیز	بیز ایچمه دیك

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف «ـةـ» می‌باشد:

من دؤزمه دیم، سن دؤزمه دین، او دؤزمه دی

بیز دؤزمه دیك، سیز دؤزمه دینیز، اونلار دؤزمه دیلر

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف «ـتاـ» می‌باشد:

من گولمه دیم، سن گولمه دین، او گولمه دی

بیز گولمه دیك، سیز گولمه دینیز، اونلار گولمه دیلر

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف «ـهـ، ـاـ، ـةـ، ـüـ، ـöـ»

باشد، به شکل زیر نفی و صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ال	اعف	ريشه نفی	علامت نفی	پسوند گذشته و پسوند صرفی		
mən	əz	get	iç	gör	gül	mə	dim
sən	əz	get	iç	gör	gül	mə	din
o	əz	get	iç	gör	gül	mə	di
biz	{	əz	get	iç	gör	mə	dik
siz	{	əz	get	iç	gör	mə	diniz
onlar	{	əz	get	iç	gör	mə	mışlər

↑ - - - - - ↓

پسوند صرفی و پسوند گذشته با هم ادغام شده و در فرم هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.

اگر فعلی با پسوند «مه» صرف شود، پسوندهای بعدی آن با هماهنگی بزرگ و با حرف «ا» ساخته می‌شوند.

- در رابطه با نفی افعال مذکور به شعر زیر توجه کنید:

امانى: كيمديركى، فلك كئوكسونوچاك ائيله مەدى آزerde و زار و دردناك ائيله مەدى

- از اینکه چنین افعالی با علامت «مه، ما» نفی می‌شوند در نتیجه پسوندهایی که به دنبال آن

با هماهنگی بزرگ صرف شوند، تنها با یکی از این دو حرف «ا، ئ» ساخته می‌شوند.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» باشد، به شکل زیر با

پسوند «ما» نفی شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

او آلمادى	سن آلمادىن	من آلمادىم
اونلار آلمادىلار	سيز آلمادينيز	بيز آلماديق

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

من اوخومادىم، سن اوخومادىن، او اوخومادى

بيز اوخوماديق، سيز اوخومادينيز، اونلار اوخوماديلار

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

من دورمادىم، سن دورمادىن، او دورمادى

بيز دورماديق، سيز دورمادينيز، اونلار دورماديلار

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف «ا، ئ، o, u» می‌باشد:

باشد، به شکل زیر صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ال	ریشه افعا	پسوند نفی	پسوند گذشته و صرفی
mən		qal	ma	dım
sən		diğ	ma	dın
o	{	ol	ma	dı
biz		dur	{	dıq
siz			ma	dınız
onlar			ma	dılar

پسوند نفی با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

پسوند صرفی و گذشته  
این افعال، مخفف شده  
و در فرم هماهنگی  
بزرگ صرف می‌شوند.

### الف) نفی فعل گذشته دور:

a) فعل در زمان گذشته دور به وسیله پسوند «مه، ما» با هماهنگی کوچک نفی می‌شود:  
فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف «ü, e, i ö, a» باشد، به شکل زیر با پسوند «مه» نفی می‌شود:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «a» می‌باشد:

biz gəlməmişik	بیز گلمه میشیک	mən gəlməmişəm	من گلمه میشم
siz gəlməmişsiniz	سیز گلمه میش سینیز	sən gəlməmişən	سن گلمه میش سن
onlar gəlməmişlər	اونلار گلمه میش لر	o gəlməmiş	او گلمه میش

توجه: در مواردی فعل گذشته دور، به جای ماضی نقلی نیز به کار گرفته می‌شود. مثال:

من گلمیشم به جای من گلیم. او یعنیمیش به جای او یعنیمیش. و ...

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و حرف «a» می‌باشد:

من ایچمه میشم، سن ایچمه میشیش، او ایچمه میش،

بیز ایچمه میشیک، سیز ایچمه میشیشیز، اونلار ایچمه میشلر

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» می‌باشد:

من گولمه میشم، سن گولمه میشیش، او گولمه میش،

بیز گولمه میشیک، سیز گولمه میش سینیز، اونلار گولمه میشلر

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد:

من دؤزمه میشم	من دؤزمه میش	سن دؤزمه میش سن	او دؤزمه میش
بیز دؤزمه میشیک	سیز دؤزمه میش سینیز	او دؤزمه میش لر	او دؤزمه میش

- در رابطه با فعل مذکور به اشعار زیر توجه کنید:

میرزا: چو خداندیر گورو شمه میشیک بیر پئرده چای ایشمہ میشیک

گورو شوب اوپوشمه میشیک .... (از کتاب حدیث عشق)

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر با حروف « ما » نفی و

صرف میشود:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » میباشد:

من آلمامیشام	من آلمامیشان	سن آلمامیشان	او آلمامیش
بیز آلمامیشیق	سیز آلمامیش سینیز	او نلار آلمامیشان	او نلار آلمامیشلار

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ا » باشد، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف میشود:

من بیغمامیشام، سن بیغمامیشسان، او بیغمامیش،

بیز بیغمامیشیق، سیز بیغمامیش سینیز، او نلار بیغمامیشلار

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » میباشد:

من دۇرمامیشام	من دۇرمامیش سان	سن دۇرمامیش سان	او دۇرمامیش
بیز دۇرمامیشیق	سیز دۇرمامیش سینیز	او نلار دۇرمامیشلار	او نلار دۇرمامیش

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئو » میباشد:

من يۇنمامیشام، سن يۇنمامیش سان، او يۇنمامیش،

بیز يۇنمامیشیق، سیز يۇنمامیش سینیز، او نلار يۇنمامیشلار

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « ئا ، ئو » باشد،

به شکل زیر نفی و صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ريشه افعا	پسوند نفی	پسوند گذشته	پسوند صرفی	پسوند صرفی و گذشته		
mən	sol	qoy	dur	qur	ma	mış	am	پسوند صرفی و گذشته
sən	sol	qoy	dur	qur	ma	mış	san	این افعال، مخفف شده
o	sol	qoy	dur	qur	ma	mış	(dır)	و در فرم هماهنگی
biz	sol	qoy	dur	qur	ma	mış	ıq	بزرگ صرف می‌شوند.
siz	sol	qoy	dur	qur	ma	mış	sınız	
onlar	sol	qoy	dur	qur	ma	mış	dırlar	

اگر فعلی با پسوند «ما» نفی شود، پسوندهای بعدی آن با هماهنگی بزرگ و با حرف «ا» ساخته می‌شود.

ب) نفی فعل گذشته دورتر:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» باشد، به شکل زیر در گذشته دورتر نفی و صرف می‌شود:

biz gəlməmişdik	بیز گلمه میشدیک	mən gəlməmişdim	من گلمه میشدم
siz gəlməmişdiniz	سیز گلمه میشدینیز	sən gəlməmişdin	سن گلمه میش دین
onlar gəlməmişdilər	اوْنلار گلمه میشدیلر	o gəlməmişdi	اوْ گلمه میشدى

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این چهار حرف «ا، ö، ü، ğ» باشد، به شکل زیر نفی و صرف می‌شوند:

من	mən	sən	سن	o	اوْ	biz	بیز	siz	سیز	onlar	اوْنلار
ایچمه میشدم	ایچمه میشدم	ایچمه میشدن	ایچمه میشدن	ایچمه میشند	ایچمه میشند	ایچمه میشندیک	ایچمه میشندیک	ایچمه میشندیز	ایچمه میشندیز	گورمه میشدلر	گورمه میشدلر
گورمه میشدم	گورمه میشدم	گورمه میشدن	گورمه میشدن	گورمه میشند	گورمه میشند	گورمه میشندیک	گورمه میشندیک	گورمه میشندیز	گورمه میشندیز	دوزمه میشدلر	دوزمه میشدلر
دوزمه میشدم	دوزمه میشدم	دوزمه میشدن	دوزمه میشدن	دوزمه میشند	دوزمه میشند	دوزمه میشندیک	دوزمه میشندیک	دوزمه میشندیز	دوزمه میشندیز	دوزمه میشدلر	دوزمه میشدلر

توجه: از اینکه چنین افعالی با علامت «م، ما» نفی می‌شوند، در نتیجه پسوندهایی که به دنبال آن با هماهنگی بزرگ صرف شوند، با حرف صدادار «ا، ö، ü، ğ» ساخته می‌شوند.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف

» a, ö, e, i, ü « باشد، به شکل زیر نفی شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ال	افعال	ریشه افعا	پسوند نفی	پسوند گذشته	پسوند گذشته و صرفی	پسوند گذشته و صرفی و گذشته دور این افعال، مخفف شده و در فرم هماهنگی بزرگ به کار گرفته می‌شوند.	
mən	gəl	get	bil	gül	döz	mə	miş	dim
sən	gəl	get	bil	gül	döz	mə	miş	din
o	gəl	get	bil	gül	döz	mə	miş	di
biz	gəl	get	bil	gül	döz	mə	miş	dik
siz	gəl	get	bil	gül	döz	mə	miş	siniz
onlar	gəl	get	bil	gül	döz	mə	miş	di lər

پسوند نفی این فعل با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.

علامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر

نفی و صرف می‌شود:

او آلمامیشدی	سن آلمامیشدین	من آلمامیشدیم
اونلار آلمامیشدیلار	سیز آلمامیشدینیز	بیز آلمامیشدیق

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می‌باشد:

من بیغمامیشدیم، سن بیغمامیشدین، او بیغمامیشدی

بیز بیغمامیشدیق، سیز بیغمامیشدینیز، اونلار بیغمامیشدیلار

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ö » می‌باشد:

من قورمامیشدیم، سن قورمامیشدین، او قورمامیشدی

بیز قورمامیشدیق، سیز قورمامیشدینیز، اونلار قورمامیشدیلار

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » می‌باشد:

من قورمامیشدیم، سن قورمامیشدین، او قورمامیشدی

بیز قورمامیشدیق، سیز قورمامیشدینیز، اونلار قورمامیشدیلار

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « a, ö, u, ü »

باشد، به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	پسوند نفی	پسوند گذشته	پسوند گذشته و صرفی	پسوند گذشته و صرفی	پسوند گذشته و صرفی و گذشته
mən	qal	yığ	sor	dur	ma	mış	dım
sən	qal	yığ	sor	dur	ma	mış	dın
o	qal	yığ	sor	dur	ma	mış	di
biz	qal	yığ	sor	dur	ma	mış	dık
siz	qal	yığ	sor	dur	ma	mış	sınız
onlar	qal	yığ	sor	dur	ma	mış	dı lar

هردو پسوند مذکور با هماهنگی بزرگ با حرف «ı» صرف می‌شوند.

پسوند نفی این فعل با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

پسوند گذشته دور این افعال، مخفف شده و در فرم هماهنگی بزرگ به کار گرفته می‌شوند.

#### د) نفی گذشته دور و دور:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیز	گلمه میش میشیک	mən gəlməmişmişəm	من گلمه میش میشم
سیز	گلمه میش میشیسینیز	sən gəlməmişmişən	سن گلمه میش میش سن
اونلار	گلمه میش میشلر	o gəlməmişmiş	او گلمه میش میش

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «tə» باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

او	گولمه میش میش	من گولمه میش میشم	من گولمه میش میشم
اونلار	گولمه میش میشلر	سیز گولمه میش میش سینیز	سیز گولمه میش میش سینیز

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف می‌شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «o» می‌باشد:

او	قورمامیش میشام،	من	قورمامیش میشام،
اونلار	قورمامیش میشلر	سیز	قورمامیش میشیز،

## ۲۲-۲) نفی فعل گذشته استمراری:

یک) نفی فعل گذشته استمراری، فعلی است که عملی نشدن کار را در گذشته استمراری بیان می‌کند. فعل گذشته استمراری، از ترکیب ریشه فعل، علامت نفی، حرف تکمیلی و پسوند زمان حال تشکیل می‌یابد و به شکل « miyirdi » در می‌آید و سپس مخفف ( mirdi ) شده و صرف می‌شود. مثال:

اصل فعل: o gəl mi yirdi

مخفف شده فعل: o gəl mirdi

(a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « ə , e , i » باشد، به شکل زیر در گذشته استمراری نفی می‌شود:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف « ə » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gəlmirdik	گلمیردیک	بیز	mən gəlmirdim	من گلمیردیم
siz gəlmirdiniz	گلمیردینیز	سیز	sən gəlmirdin	سن گلمیردین
onlar gəlmirdilər	گلمیردیلر	اونلار	o gəlmirdi	او گلمیردی

حرف صدادار پسوندهای این فعل با هماهنگی بزرگ و با حرف « ə » ساخته می‌شود.

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » می‌باشد:

او گئدمیردی	سن گئدمیردین	من گئدمیردیم
اونلار گئدمیردیلر	سیز گئدمیردینیز	بیز گئدمیردیک

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ə » ختم شود، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من ایچمیردیم ،	سن ایچمیردین ،	او ایچمیردی
بیز ایچمیردیک ،	سیز ایچمیردینیز ،	اونلار ایچمیردیلر

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف « ə , e , i »

باشد، به وسیله پسوند « ir » به فعل استمراری تبدیل شده و به شکل زیر نفی و مخفف و صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	ریشه افعال	ریشه افعال	ریشه افعال	علامت گذشته و پسوند صرفی
حرف صدادار	mən	gəl	get	sil	m (iy) ir	پسوند نفی، علامت زمان حال،
این چهار ضمیر	sən	gəl	get	sil	m (iy) ir	پسوند گذشته و پسوند صرفی
با آهنگ بالائی	o	gəl	get	sil	m (iy) ir	در هم ادغام شده و مخفف
است.	biz	gəl	get	sil	m (iy) ir	و صرف می‌شوند. mirdi
	siz	gəl	get	sil	m (iy) ir	
	onlar	gəl	get	sil	m (iy) ir	
					dim	
					din	
					di	
					dik	
					diniz	
					dilər	

این پسوند علامت گذشته و پسوند صرفی است. این دو حرف ( y i ) از پسوندهای مذکور حذف می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این دو حرف « ئ ، ة » می‌باشد:

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ة » می‌باشد:

من گئرموردو، سن گئرموردون، او سوزموردو

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می‌باشد:

من سوزموردو، سن سوزموردون، او سوزموردو

افعال مذکور به شکل زیر نفی و صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت نفی و زمان حال	علامت نفی و زمان حال	ضمایر شخصی	پسوند گذشته و ضمیر متصل شخصی
mən	dön	böl	süz	düş	m (üy) ür	پسوند نفی، علامت زمان حال،
sən	dön	böl	süz	düş	m (üy) ür	پسوند گذشته و پسوند صرفی با
o	dön	böl	süz	düş	m (üy) ür	هم ادغام شده و در فرم هماهنگی
biz	dön	böl	süz	düş	m (üy) ür	mürdü صرف و به شکل mürdü
siz	dön	böl	süz	düş	m (üy) ür	مخفف می‌شوند.
onlar	dön	böl	süz	düş	m (üy) ür	
					düm	
					dün	
					dü	
					dük	
					dünüz	
					dülər	

این پسوند، ترکیبی از گذشته و پسوند صرفی است. این دو حرف ( ü ) از پسوندهای مذکور حذف می‌شوند.

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « ئ ، ء »

باشد، به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال:

biz almırdıq	آلمیردیق	بیز	mən almırdım	آلميردیم	من
siz almırdınız	آلمیردینیز	سیز	sən almırdın	آلميردین	سن
onlar almırdılar	آلمیردیلار	اونلار	o almırkı	آلميردی	او

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف «ا» می‌باشد:

من بیغمیردیم ،	او بیغمیردی	سن بیغمیردین ،
بیز بیغمیردیق ،	اونلار بیغمیردینیز ،	سیز بیغمیردینیز ،

- افعال مذکور به شکل زیر نفی و مخفف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت نفی و زمان حال	علامت نفی و زمان حال	پسوند گذشته و پسوند صرفی	پسوند گذشته و پسوند صرفی با هم ادغام شده و در فرم هماهنگی بزرگ صرف و به شکل مخفف می‌شوند.
mən		say	qaz	yığ	dığ	
sən		say	qaz	yığ	dığ	m (iy) ir
o	{	say	qaz	yığ	dığ	m (iy) ir
biz		say	qaz	yığ	dığ	m (iy) ir
siz		say	qaz	yığ	dığ	m (iy) ir
onlar		say	qaz	yığ	dığ	m (iy) ir
					dım	
					dın	
					dı	
					dıq	
					dınız	
					dı lar	

این دو حرف از فعل مذکور حذف می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «o, u» باشد، به شکل زیر در گذشته استمراری نفی و صرف می‌شود. مثال:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف «o» می‌باشد:

biz olmurduq	اولموردوq	بیز	mən olmurdu	اولموردو	من
siz olmurdunuz	اولموردونوز	سیز	sən olmurdun	اولموردون	سن
onlar olmurdular	اولموردولار	اونلار	o olmurdu	اولموردو	او

- دُونموردو، یُونموردو، قُونموردو، سُونموردو، قُونموردو و ...

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «u» باشد، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz uçmurduq	اوچموردوq	بیز	mən uçmurdum	من اوچموردوq
siz uçmurdunuz	اوچموردونوز	سیز	sən uçmurdun	سن اوچموردون
onlar uçmurdular	اوچموردولار	اونلار	o uçmurdu	او اوچموردو

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با یکی از این دو حرف « o, u » باشد، به شکل زیر نفی و در گذشته استمراری صرف شده و به بخش‌های مختلف تعزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت نفی و پسوند زمان حال	علامت نفی و صرفی	پسوند ماضی و صرفی	پسوند نفی، علامت زمان حال، پسوند گذشته و پسوند صرفی با هم ادغام شده و در فرم هماهنگی بزرگ صرف و به شکل مخفف می‌شوند.
mən	{	dur	uç	yol	ol	m (uy) ur
sən		dur	uç	yol	ol	m (uy) ur
o		dur	uç	yol	ol	m (uy) ur
biz		dur	uç	yol	ol	m (uy) ur
siz		dur	uç	yol	ol	m (uy) ur
onlar		dur	uç	yol	ol	m (uy) ur
					dum	
					dun	
					du	
					duq	
					dunuz	
					du lar	
حرف صدادار ضمایر متصل شخصی و علامت گذشته وابسته به کلمات ما قبل خود است. این دو حرف (uy) از پسوندهای مذکور حذف می‌شوند.						

دو) نفی و صرف فعل گذشته دور استمراری:

(a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف « ü , e , i , ö , ī » باشد، به شکل زیر نفی و در گذشته دور استمراری صرف می‌شود. مثال:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ī » ختم می‌شود:

بیز گلمیرمیشیك	mən gəlmirmişəm	من گلمیرمیشم
سیز گلمیرمیش سینیز	sən gəlmirmiśsən	سن گلمیرمیش سن
اونلار گلمیرمیشلر	o gəlmirmiś	او گلمیرمیش

من یئمیرمیشم ، من ایچمیرمیشم ، من دئمیرمیشم و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » باشد، به شکل زیر نفی و

در زمان گذشته دور استمراری برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

او گندمیر میش	سن گندمیر میش سن	من گندمیر میشم (gedmirmışım)
اونلار گندمیر میشلر	سیز گندمیر میش سینیز	بیز گندمیر میشیك

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ا » ختم می‌شود:

او ایچمیر میش	سن ایچمیر میش سن	من ایچمیر میشم (içmirmışım)
اونلار ایچمیر میشلر	سیز ایچمیر میش سینیز	بیز ایچمیر میشیك

- افعالی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر نفی و صرف شده و به

بخشهای مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت زمان و نفی	علامت دور	علامت گذشته دور	پسوند صرفی	
mən		gəl	gəl	m (iy) ir	miş	əm	این دو پسوند با همایهگی کوچک صرف می‌شوند.
sən		get	get	m (iy) ir	miş	sən	
o		sil	sil	{ m (iy) ir	{ miş	(dir)	
biz	{	gəl	gəl	{ m (iy) ir	{ miş	ik	
siz		get	get	{ m (iy) ir	{ miş	siniz	این چهار پسوند با همایهگی بزرگ صرف می‌شوند.
onlar		sil	sil	{ m (iy) ir	{ miş	(dir)lər	

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف « ئ » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف می‌شود:

او گئرمورموش	سن گئرمورموش سن	من گئرمورموشم
اونلار گئرمورموش لر	سیز گئرمورموش سونوز	بیز گئرمورموشك

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ئا » ختم می‌شود:

من گولمورموشم ، سن گولمورموش سن ، او گولمورموش  
بیز گولمورموشك ، سیز گولمورموش سونوز ، اونلار گولمورموشلر

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « a, i, o, u »

باشد، به شکل زیر نفی و در گذشته دور استمراری صرف می‌شود. مثال:

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » میباشد:

من آلمیرمیشام (mən almırkışam)، سن آلمیرمیشسان ، او آلمیرمیش

بیز آلمیرمیشیق ، سیز آلمیرمیش سینیز ، اونلار آلمیرمیشلار

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ı » میباشد:

من بیخمیرمیشام (yıxmırkışam) ، سن بیخمیرمیشسان ، او بیخمیرمیش

بیز بیخمیرمیشیق (yıxmırkışıq) ، سیز بیخمیرمیش سینیز ، اونلار بیخمیرمیشلار

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ə » میباشد:

من دۇنمورموشام (donmurmuşam) ، سن دۇنمورموش سان ، او دۇنمورموش

بیز دۇنمورموشوق (donmurmuşuq) ، سیز دۇنمورموشسونوز ، اونلار دۇنمورموشلار

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » میباشد:

من دۇرمورموشام (durmurmuşam) ، سن دۇرمورموشسان ، او دۇرمورموش

بیز دۇرمورموشوق (durmurmuşuq) ، سیز دۇرمورموشسونوز ، اونلار دۇرمورموشلار

سە) نفى فعل گذشته دورتر استمراری:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در گذشته دورتر

استمراری نفى، مخفف و صرف میشود. مثال:

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » میباشد:

بیز گلمیرمیشدىك	mən gəlmirmişdim	من گلمیرمیشدىم
سیز گلمیرمیشدىنیز	sən gəlmirmişdin	سن گلمیرمیش دین
اونلار گلمیرمیشدىلر	o gəlmirmiş	او گلمیرمیشدى

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ı » میباشد:

من ایتمیرمیشدىم (it mir müş dim) ، سن ایتمیرمیشدىن، او ایتمیرمیشدى

بیز ایتمیرمیشدىك ، سیز ایتمیرمیشدىنیز، اونلار ایتمیرمیشدىلر

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در گذشته دورتر

استمراری نفی، صرف و مخفف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	علامت نفی و زمان	پسوند گذشته دور	پسوند گذشته و صرفی	پسوند گذشته و صرفی	پسوند نفی، علامت زمان حال، پسوند گذشته و پسوند صرفی در فرم هماهنگی بزرگ صرف شده و به شکل «mirdi» مخفف می‌شوند.	
mən	{	gəl	ged	sil	{	m(iy) i r	miş	dim
sən		gəl	ged	sil		m(iy) i r	miş	din
o		gəl	ged	sil		m(iy) i r	miş	(di)
biz		gəl	ged	sil		m(iy) i r	miş	dik
siz		gəl	ged	sil		m(iy) i r	miş	diniz
onlar		gəl	ged	sil		m(iy) i r	miş	dilər

حرف صدادار ضمایر منفصل شخصی وابسته به کلمه ما قبل خود است.

اصل افعال به شکل «گلمی بیر میشم» است، که به شکل «گلمیر میشم» مخفف می‌شود.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر نفی و در گذشته دورتر

استمراری صرف می‌شود:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

من آلمیر میشدیم	من آلمیر میشدیم (almırımıştım)
بیز آلمیر میشدیلار	بیز آلمیر میشدیق (almırımışdıq)

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

من بیخمیر میشدیم، سن بیخمیر میشدین، او بیخمیر میشدی

بیز بیخمیر میشدیق، سیز بیخمیر میشدینیز، او نلار بیخمیر میشدیلار

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «و» باشد، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من یولمور موشدو، سن یولمور موشدون، او یولمور موشدو

بیز یولمور موشدو، سیز یولمور موشدونز، او نلار یولمور موشدولار

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

من دورمور موشدو، سن دورمور موشدون، او دورمور موشدو

بیز دُورمۇرمۇشىدۇق، سیز دُورمۇرمۇشۇنۇز، اوْنلار دُورمۇرمۇشۇلار

#### چهار) نفى فعل گذشته دور و دور (خیلی دور) استمراری:

فعل گذشته دور و دور استمراری، ترکیبی از ریشه فعل، پسوند زمان حال و تکرار دوباره پسوند گذشته (میش میش) می باشد که با پسوند «می، مو» با هماهنگی بزرگ نفى و برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

(a) نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ئ» می باشد:

بیز گلمیرمیش میشیك	mən gəlmirmişmişəm	من گلمیرمیش میشم	پسوند صرفی این دو فعل با هماهنگی کوچک صرف می شود.
سیز گلمیرمیش میشیشیز	sən gəlmirmişmişsən	سن گلمیرمیش میشیش	
اوْنلار گلمیرمیش میش لر	o gəlmirmişmiş	او گلمیرمیش میش	

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ئ» می باشد:

من گندمیرمیش میشم، سن گندمیرمیش میش سن، او گندمیرمیش میش

بیز گندمیرمیش میشیك، سیز گندمیرمیش میش سینیز، اوْنلار گندمیرمیشیشلر

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» می باشد:

من ایچمیرمیش میشم، سن ایچمیرمیش میشسین، او ایچمیرمیش میش ،

بیز ایچمیرمیش میشیك ، سیز ایچمیرمیش میشیشیز ، اوْنلار ایچمیرمیش میشلر

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در گذشته(خیلی) دور

استمراری نفى، صرف و مخفف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می شوند:

پسوند صرفی	علامت گذشته دور و دور	علامت نفى و زمان	ریشه افعان	ضمایر شخصی
əm	miş	miş	mi(yi)r	mən
sən	miş	miş	mi(yi)r	sən
(dir)	miş	miş	mi(yi)r	o
ik	miş	miş	mi(yi)r	biz
siniz	miş	miş	mi(yi)r	siz
dirlər	miş	miş	mi(yi)r	onlar

این دو پسوند صرفی با هماهنگی کوچک صرف می شوند.

سرمیرمیش میشم، گلمیرمیش میشم، ائتمیرمیش میشم، ایچمیرمیش میشم، و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» باشد، به شکل زیر در گذشته دور و دور ( خیلی دور ) نفی و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

اوْ گۆرمۇرمۇش موش	سەن گۆرمۇرمۇش موشىسىن	من گۆرمۇرمۇشموش
اونلار گۆرمۇرمۇش موشلر	سېز گۆرمۇرمۇشموشىسۇنۇز	بىز گۆرمۇرمۇش موشوك

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ت» می باشد:

من گۆلمۇرمۇش موش سەن گۆلمۇرمۇش موش سن اوْ گۆلمۇرمۇش موش  
بىز گۆلمۇرمۇش موشوك سېز گۆلمۇرمۇش موش سونۇز اونلار گۆلمۇرمۇش موشلر

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف «ة, ت» باشد، به شکل زیر در گذشته دور و دور(خیلی دور) استمراری نفی، صرف و مخفف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می شوند:

پسوند متصل شخصی	علامت گذشته دور و دور	ریشه افعان	ضمایر شخصی
mən	m (üy) ür	döz böl süz düş	مۇش
sən	m (üy) ür	döz böl süz düş	مۇش
o	m (üy) ür	döz böl süz düş	مۇش
biz	m (üy) ür	döz böl süz düş	مۇش
siz	m (üy) ür	döz böl süz düş	مۇش
onlar	m (üy) ür	döz böl süz düş	مۇش

حروف صدادار  
ضمایر متصل  
شخصی وابسته  
به کلمات ما  
قبل خود است.

همه این پسوند‌ها با همانگی بزرگ صرف می شوند.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی ( a , o , u , i ) باشد ، به شکل زیر در گذشته دور استمراری نفی و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد:

من آلمیرمیش میشام ، سەن آلمیرمیش میشسان، اوْ آلمیرمیش میش  
بىز آلمیرمیش میشیق، سېز آلمیرمیش میش سینیز، اونلار آلمیرمیش میشلار

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

او يي�ميرميش ميشسان	من يي�ميرميشميشام (yixmirmismisham)
اونلار يي�ميرميش ميش سينيز	بيز يي�ميرميش ميشيق

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «و» می‌باشد:

من دۇنمۇرمۇشماش(donmurmusmusam)، سن دۇنمۇرمۇش موش سان، او دۇنمۇرمۇش موش  
بيز دۇنمۇرمۇش موشوق، سىز دۇنمۇرمۇشموشسونوز، اونلار دۇنمۇرمۇشموشلار

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ئا» می‌باشد:

من دۇرمۇرمۇشماش(durmurmusmusam)، سن دۇرمۇرمۇشموش سان، او دۇرمۇرمۇش موش  
بيز دۇرمۇرمۇشموشوق، سىز دۇرمۇرمۇشموشسونوز، اونلار دۇرمۇرمۇشموشلار

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «ا، ئا» باشد، به شکل زیر درگذشته دور و دور(خیلی دور) استمراری نفی و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی		ریشه افعان				علامت نفی و زمان حال		علامت گذشته دور و دور				پسوند متصل شخصی	
mən		al	aç	qıl	dığ	m (iy) ir		mış	mış		am	حرف صدادار	
sən		al	aç	qıl	dığ	m (iy) ir		mış	mış		san	ضمایر متصل	
o		al	aç	qıl	dığ	m (iy) ir		mış	mış		(dır)	شخصی وابسته	
biz	{	al	aç	qıl	dığ	m (iy) ir		mış	mış		ık	به کلمات ما قبل	
siz		al	aç	qıl	dığ	m (iy) ir		mış	mış		sınız	خود می‌باشد	
onlar		al	aç	qıl	dığ	m (iy) ir		mış	mış		dır lar		

حرف صدادار این چهار ضمیر متصل شخصی با همانگی بزرگ صرف می‌شود.

- من سالمیرمیش میشام، قالمیرمیش میشام، قیرمیرمیش میشام، بیغمیرمیش میشام،  
من دیغمیرمیش میشام، قیرمیرمیش میشام، قیلمیرمیش میشام، سیخmirمیش میشام  
من جیرمیرمیش میشام، بیخmirمیش میشام، ..

### ۲۲-۳) نفی فعل آینده نزدیک در گذشته:

- فعل آینده نزدیک ، که تکرار کار را نیز در خود بیان می کند، به شکل زیر به وسیله پسوند «مه» و «ما» و همچنین با پسوند «مَزْ، ماز» در گذشته نفی می شود. مثال:

نفی فعل آینده نزدیک در گذشته به وسیله «مه ، ما»:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» باشد، به شکل زیر با پسوند «مه» نفی و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz gəlməyərdik	بیز گلمه یردیك	mən gəlməyərdim	من گلمه یردیم
siz gəlməyərdiniz	سیز گلمه یردینیز	sən gəlməyərdin	سن گلمه یردین
onlar gəlməyərdilər	اونلار گلمه یردیلر	o gəlməyərdi	او گلمه یردی

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف «i» باشد، به شکل زیر با پسوند «مه» نفی و مخفف شده و صرف می شوند:

پسوند «مه» نفی و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz içməyərdik	بیز ایچمه یردیك	mən içməyərdim	من ایچمه یردیم
siz içməyərdiniz	سیز ایچمه یردینیز	sən içməyərdin	سن ایچمه یردین
onlar içməyərdilər	اونلار ایچمه یردیلر	o içməyərdi	او ایچمه یردی
		من گئتمه یردیم،	من گئتمه یردیم،
		سیز گئتمه یردینیز،	سیز گئتمه یردینیز،
		او گئتمه یردیلر	او گئتمه یردیلر

یک) به نفی فعل آینده نزدیک در گذشته که به وسیله «مه ، ما» و «مز ، ماز» به کار گرفته می شود، در کنار هم توجه کنید:

- فعل در فرم آینده نزدیک در گذشته در دو فرم بواسیله «مه ، ما» و «مز ، ماز» نفی می شود. برای مثال به افعال جدولهای سه صفحه زیر توجه کنید که آنها در جدولهای سمت راستی با

علامت «مز ، ماز» و در جدولهای سمت چپی با علامت «مه ، ما» نفی می شوند:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

۲) شکلی که با پسوند « مه » نفی می‌شود، ولی خیلی کم مورد استفاده قرار می‌گیرد:	۱) شکلی که با پسوند « مز » نفی می‌شود و در همه جا مورد استفاده قرار می‌گیرد:
mən gəlməyərdim	من گلمه يرديم
sən gəlməyərdin	سن گلمه يردين
o gəlməyərdi	او گلمه يردي
biz gəlməyərdik	بيز گلمه يرديك
siz gəlməyərdiniz	سيز گلمه يردينيز
onlar gəlməyərdilər	اونلار گلمه يرديلر
mən gəlməzdim	من گلمزديم
sən gəlməzdin	سن گلمزدين
o gəlməzdi	او گلمزدي
biz gəlməzdiğik	بيز گلمزديك
siz gəlməzdiniz	سيز گلمزدينيز
onlar gəlməzdlər	اونلار گلمزديلر

۶) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

۲) شکلی که با پسوند « ما » نفی می‌شود:	۱) شکلی که با پسوند « ماز » نفی می‌شود:
mən almayardım	من آلميارديم
sən almayardin	سن آلمياردين
o almayardi	او آلمياردى
mən almazdım	من آلمازديم
sən almazdın	سن آلمازدين
o almazdı	او آلمازدي

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » می‌باشد:

۲) شکلی که با پسوند « ما » نفی می‌شود:	۱) شکلی که با پسوند « ماز » نفی می‌شود:
mən qurmayardım	من قورمايارديم
sən qurmayardin	سن قورمايارددين
o qurmayardi	او قورماياردى
mən qurmazdım	من قورمازديم
sən qurmazdın	سن قورمازدين
o qurmazdı	او قورمازدي

هر دو پسوند نفی (ماز، مز) و (ما، مه) با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند. مثال:

گلمز، آلماز، گلمه، آلما و ...

دو) فعل در آینده نزدیک در گذشته دور با پسوند « مز، مه » نفی می‌شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ا » باشد، به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

(۲) شکلی که با پسوند « مه » نفی می‌شود، ولی خیلی کم مورد استفاده قرار می‌گیرد:	(۱) شکلی که با « مز » نفی می‌شود و امروزه در همه جا مورد استفاده قرار می‌گیرد:
من گلمه یرمیشم سن گلمه یرمیشیں او گلمه یرمیش biz گلمه یرمیشیک siz گلمه یرمیشیںیز onlar گلمه یرمیش لر	من گلمزمیشم سن گلمزمیشیں او گلمزمیش biz گلمزمیشیک siz گلمزمیشیںیز onlar گلمزمیش لر

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می‌باشد:

شکلی که با پسوند « ما » نفی می‌شود:	شکلی که با « ماز » نفی می‌شود:
من آلمایارمیشام سن آلمایارمیشسان او آلمایارمیش	من آلمازمیشام سن آلمازمیشسان او almazmiş

او هئچ زمان ایشیز قالمازمیش، اوناگوره ده جیبی پولسوز اولماییب.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ى » می‌باشد:

من qurmayarmışam سن qurmayarmışsan او qurmayarmış	من قورمازمیشام سن قورمازمیشسان او qurmazmiş
---	---

- هر دو پسوند مذکور (ماز، مز و مه، ما) با همانگی کوچک صرف می‌شوند. مثال:

او بورادا قالماز. او بورایا (بورا) گلمز. او بورادا قالسا دا، یعمک یعمز. و...

من ده بورایا (بورا) گلمه رم. گلسم ده بورادا یعمک یعمه رم. و...

سه) نفی فعل آینده نزدیک در گذشته دورتر:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد:

۱) شکلی که با « مز » نفی میشود و امروزه در همه جا مورد استفاده قرار میگیرد:	۲) شکلی که با پسوند « مه » نفی میشود، ولی خیلی کم مورد استفاده قرار میگیرد:
mən gəlməyərməmişdim من گلمه یرمیشدیم	mən gəlməzmişdim من گلمز میشدیم
sən gəlməyərməmişdin سن گلمه یرمیشدین	sən gəlməzmişdin سن گلمز میشدین
o gəlməyərməmişdi او گلمه یرمیشدی	o gəlməzmişdi او گلمز میشدی
biz gəlməyərməmişdik بیز گلمه یرمیشدیک	biz gəlməzmişdik بیز گلمز میشدیک
siz gəlməyərməmişdiniz سیز گلمه یرمیشدینیز	siz gəlməzmişdiniz سیز گلمز میشدینیز
onlar gəlməyərməmişdilər اونلار گلمه یرمیشدیلر	onlar gəlməzmişdilər اونلار گلمز میشدیلر

- به تجزیه « اونلار گلمز میشدیلر » توجه کنید:

۱) اونلار: ضمیر سوم شخص جمع ،

۳) مز: علامت زمان آینده نزدیک و علامت گذشته دور ،

۵) دی: علامت گذشته،

۲) گل: ریشه فعل ،

۴) میش: علامت نفی

۶) لر: علامت جمع

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی

صرف میشود:

شکلی که با پسوند « ما » نفی میشود:	شکلی که با پسوند « ماز » نفی میشود:
mən almayarmışdım من آلمایارمیشدیم	mən almazmışdım من آلمازمیشدیم
sən almayarmışdın سن آلمایارمیشدین	sən almazmişdin سن آلمازمیشدین
o almayarmışdı او آلمایارمیشدی	o almazmişdı او آلمازمیشدی

چهار) گذشته خیلی دور: من آلمایارمیش میشام ، سن آلمایارمیشمیشیسان ، او آلمایارمیش میش

بیز آلمایارمیش میشیق ، سیز آلمایارمیشمیشینیز ، اونلار آلمایارمیش میشلار

من دانمایارمیشمیشام ، من ساتمایارمیشمیشام ، من قالمایارمیشمیشام و ...

### ۲۲-۳) نفی فعل مصدری در گذشته استمراری:

a) اگر فعل مصدری در جمله به شکل اسم فعلی به کار گرفته شود، با کلمه « دگیل » نفی شده و به وسیله فعل « ایمک » برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>در ترکیب این فعل، « مک »</td></tr> <tr><td>علامت مصدری، « ده » علامت</td></tr> <tr><td>زمان حال است که با هماهنگی</td></tr> <tr><td>کوچک صرف می شود.</td></tr> <tr><td>{ پسوند « دیم » نیز ترکیبی از</td></tr> <tr><td>علامت گذشته و پسوند</td></tr> <tr><td>صرفی است که با هماهنگی</td></tr> <tr><td>بزرگ صرف می شود.</td></tr> </table>	در ترکیب این فعل، « مک »	علامت مصدری، « ده » علامت	زمان حال است که با هماهنگی	کوچک صرف می شود.	{ پسوند « دیم » نیز ترکیبی از	علامت گذشته و پسوند	صرفی است که با هماهنگی	بزرگ صرف می شود.	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>mən gəlməkdə dəyildim</td><td>گلمکده دگیل دیم</td><td>من</td></tr> <tr><td>sən gəlməkdə dəyildin</td><td>گلمکده دگیل دین</td><td>سن</td></tr> <tr><td>o gəlməkdə dəyildi</td><td>گلمکده دگیل دی</td><td>او</td></tr> <tr><td>biz gəlməkdə dəyildik</td><td>گلمکده دگیل دیک</td><td>بیز</td></tr> <tr><td>siz gəlməkdə dəyildiniz</td><td>گلمکده دگیل دینیز</td><td>سیز</td></tr> <tr><td>onlar gəlməkdə dəyildilər</td><td>گلمکده دگیل دیلر</td><td>اونلار</td></tr> </table>	mən gəlməkdə dəyildim	گلمکده دگیل دیم	من	sən gəlməkdə dəyildin	گلمکده دگیل دین	سن	o gəlməkdə dəyildi	گلمکده دگیل دی	او	biz gəlməkdə dəyildik	گلمکده دگیل دیک	بیز	siz gəlməkdə dəyildiniz	گلمکده دگیل دینیز	سیز	onlar gəlməkdə dəyildilər	گلمکده دگیل دیلر	اونلار
در ترکیب این فعل، « مک »																											
علامت مصدری، « ده » علامت																											
زمان حال است که با هماهنگی																											
کوچک صرف می شود.																											
{ پسوند « دیم » نیز ترکیبی از																											
علامت گذشته و پسوند																											
صرفی است که با هماهنگی																											
بزرگ صرف می شود.																											
mən gəlməkdə dəyildim	گلمکده دگیل دیم	من																									
sən gəlməkdə dəyildin	گلمکده دگیل دین	سن																									
o gəlməkdə dəyildi	گلمکده دگیل دی	او																									
biz gəlməkdə dəyildik	گلمکده دگیل دیک	بیز																									
siz gəlməkdə dəyildiniz	گلمکده دگیل دینیز	سیز																									
onlar gəlməkdə dəyildilər	گلمکده دگیل دیلر	اونلار																									

سن منی چاغیراندا، من غذا یئمکده دگیلدیم، بلکه چای ایچمکده یدیم. و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ة » ختم شود، به شکل زیر نفی و برای ضمایر

شخصی صرف می شود:

او گولمکده دگیلدى	سن گولمکده دگیلدین	من گولمکده دگیلدیم
اونلار گولمکده دگیلدیلر	سیز گولمکده دگیلدینیز	بیز گولمکده دگیلديك

سن او را یا گلنده، من گولمکده دگیلدیم. سن گلنده، من یئمک بیشیرمکده یدیم. و ...

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد:

من آلماقدا دگیلدیم، سن آلماقدا دگیلدین، او آلماقدا دگیلدى

بیز آلماقدا دگیلديك، سیز آلماقدا دگیلدینیز، اونلار آلماقدا دگیلدیلر

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « u » ختم می شود:

من دۇرماقدا دگیلدیم، سن دۇرماقدا دگیل دین، او دۇرماقدادگیل دی

بیز دۇرماقدا دگیلديك، سیز دۇرماقدا دگیل دینیز، اونلار دۇرماقدادگیل دیلر

یك) نفی فعل مصدری در گذشته دور که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و حرف

« ٥ ، ٦ » می باشد:

- a) من گلمکده دگیل میشم، سن گلمکده دگیل میش سن، او گلمکده دگیل میش
- b) من سولماقدا دگیل میشم، سن سولماقدا دگیل میش سن، او سولماقدادگیل میش

دو) نفی فعل مصدری در گذشته دورتر استمراری:

- (a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ٦ » باشد، به شکل زیر به کار گرفته می شود:

پسوند « ده » علامت مصدری، پسوند « میش » علامت ماضی بعد، دی علامت گذشته است که با همانگی بزرگ صرف می شوند.	mən gəlməkdə dəyilmışdım sən gəlməkdə dəyilmışdin o gəlməkdə dəyilmışdı biz gəlməkdə dəyilmışdik siz gəlməkdə dəyilmışdiniz onlar gəlməkdə dəyilmışdilər	گلمکده دگیل میشیدیم گلمکده دگیل میشیدین گلمکده دگیل میشیدی گلمکده دگیل میشیدیک گلمکده دگیل میشیدینیز گلمکده دگیل میشیدینیز	من سن او بیز سیز اونلار
--	---	---	--

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف « ٦ » ختم می شود:

او گئرمکده دگیل میشیدی اونلار گئرمکده دگیل میشیدیلر	سن گئرمکده دگیل میشیدین سیز گئرمکده دگیل میشیدینیز	من گئرمکده دگیل میشیدیم بیز گئرمکده دگیل میشیدیک
--	---	---

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد:

- من آلماقدا دگیل میشیدیم، سن آلماقدا دگیل میشیدین، او آلماقدادگیل میشیدی
- بیز آلماقدا دگیل میشیدیک، سیز آلماقدا دگیل میشیدینیز، اونلار آلماقدادگیل میشیدیلر

سه) گذشته دور و دور ( خیلی دور ):

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی است:

- (a) من گلمکده دگیل میش میشم، سن گلمکده دگیل میش میش سن، او گلمکده دگیل میش میش
- (b) من آلماقدا دگیل میش میشم، سن آلماقدادگیل میش میش میش سن، او آلماقدادگیل میش میش میش

## ۲۲-۵) نفی فعل فاعلیت صفتی در گذشته استمراری:

فعل فاعلیت صفتی از ریشه فعل، علامت فاعلیت صفتی، پسوند استمراری «ir» و علامت گذشته ترکیب می‌یابد و به شکل زیر نفی و صرف می‌شود:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» می‌باشد:

biz	gələnmirdik	بیز گلنميردیك	mən	gələnmirdim	من گلنميرديم
siz	gələnmirdiniz	سیز گلنميردینیز	sən	gələnmirdin	سن گلنميردين
onlar	gələnmirdilər	اونلار گلنميردیلر	o	gələnmirdi	او گلنميردى

- رسول بُرجونو وئرنميردی. او بُر چایین اوتاينما گچنميردى(گندنميردى). او ميوه يئيه نميردى. او دانيشانميردى. او يۇخودان اويانميردى. او يېرىيىنەن دۇرانميردى.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف «a, o, u, ə» باشد، به شکل زیر در گذشته استمراری نفی و صرف می‌شود:

در ترکیب این فعل، علامت فعل فاعلیت صفتی «ən» با همانگی کوچک و پسوند صرفی و علامت زمان حال و گذشته (du,du) و پسوند صرفی با همانگی بزرگ صرف می‌شوند.	دو رانميرديم	سۇرانميرديم	يىخانميرديم	سالانميرديم	من
{	دو رانميردين	سۇرانميردين	يىخانميردين	سالانميردين	سن
	دو رانميردي	سۇرانميردى	يىخانميردى	سالانميردى	او
	دو رانميرديق	سۇرانميرديق	يىخانميرديق	سالانميرديق	بیز
	دو رانميردينیز	سۇرانميردينیز	يىخانميردينیز	سالانميردينیز	سیز
	دو رانميرديلار	سۇرانميرديلار	يىخانميرديلار	سالانميرديلار	وٌنلار

یک) نفی فعل فاعلیت صفتی در آینده نزدیک در گذشته:

- فعل فاعلیت صفتی در آینده نزدیک در گذشته در دو فرم با حروف «م، ماز» و یا با حروف «مه، ما» نفی می‌شود:

۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر نفی می‌شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف «ə» صرف می‌شود:

من گلنمزدیم mən gələnməzdim ، سن گلنمزدین ، او گلنمزدی  
بیز گلنمزدیك ، سیز گلنمزدینیز ، اونلار گلنمزدیلر

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

آلانمازدیلار	آلانمازدینیز	آلانمازدیق	آلانمازدی	آلانمازدین	من آلانمازدیم
بیخانمازدیلار	بیخانمازدینیز	بیخانمازدیق	بیخانمازدی	بیخانمازدین	من بیخانمازدیم
اویانمازدیلار	اویانمازدینیز	اویانمازدیق	اویانمازدی	اویانمازدین	من اویانمازدیم
دورانمازدیلار	دورانمازدینیز	دورانمازدیق	دورانمازدی	دورانمازدین	من دورانمازدیم

- تمام افعال مذکور با پسوند « ماز » نفی می‌شوند.

دو) فعل فاعلیت صفتی در آینده نزدیک با علامت « مه، ما » نیز نفی می‌شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ، ة » می‌باشد:

- من گلنمه يرديم ، سن گلنمه يه يردين ، او گلنمه يردى ،  
بیز گلنمه يرديك ، سیز گلنمه يه يردينیز ، او سوزنمه يردى
- من سوزنمه يرديم ، سن سوزنمه يردين ، او سوزنمه يردى ،  
بیز سوزنمه يرديك ، سیز سوزنمه يردينیز ، او نلار سوزنمه يردىلر

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد:

- من آلانماياردیم، آلانماياردین، آلانماياردی، آلانماياردیق، آلانماياردینیز، آلانماياردیلار
- من قالانماياردیم، قالانماياردین، قالانماياردی، قالانماياردیق، قالانماياردینیز، قالانماياردیلار
- من يیخانماياردیم، سن يیخانماياردین، او يیخانماياردی، بیز يیخانماياردیق، سیز يیخانماياردینیز و...
- من سۇرانماياردیم، سن سۇرانماياردین، او سۇرانماياردی، بیز سۇرانماياردیق، سیز سۇرانماياردینیز و...
- من اویانماياردیم، سن اویانماياردین، او اویانماياردی، بیز اویانماياردیق، سیز اویانماياردینیز و...
- من قۇرانماياردیم، سن قۇرانماياردین، او قۇرانماياردی، بیز قۇرانماياردیق، سیز قۇرانماياردینیز و...
- من دۇرانماياردیم، سن دۇرانماياردین، او دۇرانماياردی، بیز دۇرانماياردیق، سیز دۇرانماياردینیز و...

## ۶-۲۲) نفی فعل کمکی در گذشته:

بیز	گله بیلمه دیك	mən gələ bilmədim	من گله بیلمه دیم	گذشته:
سیز	گله بیلمه دینیز	sən gələ bilmədin	سن گله بیلمه دین	
اونلار	گله بیلمه دیلر	o gələ bilmədi	او گله بیلمه دی	

یک) فعل کمکی در گذشته استمراری در دو فرم (مه و می) نفی می شود:

۱) فعل کمکی که در گذشته استمراری با علامت «می» (با هماهنگی بزرگ) نفی می شود:

او گله بیلمیردی	من گله بیلمیردیم	mən gələ bilmirdim	گذشته:
اونلار گله بیلمیردیلر	بیز گله بیلمیردیک		

گذشته دور: من گله بیلمیرمیشم (mən gələ bilmirmişəm)، سن گله بیلمیرمیشیں، او گله بیلمیرمیش،

بیز گله بیلمیرمیشیک، سیز گله بیلمیرمیش سینیز، اونلار گله بیلمیرمیشلر

گذشته دورتر: من گله بیلمیرمیشدیم (mən gələ bilmirmişdim)، سن گله بیلمیرمیشدین و ...

گذشته دور و دور (خیلی دور): من گله بیلمیرمیشمیشم، سن گله بیلمیرمیش میشیں و ...

۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، با علامت «مه» نفی می شود:

گذشته: من گله بیلمه بیردیم (mən gələ bilməyirdim)، سن گله بیلمه بیردین، او گله بیلمه بیردی

بیز گله بیلمه بیردیک، سیز گله بیلمه بیردینیز، اونلار گله بیلمه بیردیلر

گذشته دور: من گله بیلمه بیرمیشم (mən gələ bilməyirmişəm)، سن گله بیلمه بیرمیشیں،

او گله بیلمه بیرمیش، بیز گله بیلمه بیرمیشیک، سیز گله بیلمه بیرمیش سینیز

گذشته دورتر: من گله بیلمه بیرمیشدیم (mən gələ bilməyirmişdim)، سن گله بیلمه بیرمیشدین،

او گله بیلمه بیرمیشلر، بیز گله بیلمه بیرمیشدیک، سیز گله بیلمه بیرمیشدینیز

دو) نفی فعل کمکی در فرم آینده نزدیک در گذشته:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، با حروف «مه، ما» و یا با حروف

«مز، ماز» نفی و صرف می شود:

a) نفی فعل ترکیبی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ بالائی باشد، با علامت

«مز ، ماز» و «مه ، ما» نفی می شود:

۲) افعال زیر با علامت « مه » نفی شده اند:	افعال زیر با علامت « مز » نفی شده اند:
من گوره بیلمه یردیک بیز گوره بیلمه یردیم	من گوره بیلمزدیک بیز گوره بیلمزدیم
سن گوره بیلمه یردینز سیز گوره بیلمه یردین	سن گوره بیلمزدینز سیز گوره بیلمزدین
او نلار گوره بیلمه یردیلر او گوره بیلمه یردی	او نلار گوره بیلمزدیلر او گوره بیلمزدی

b) نفی فعل ترکیبی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با آهنگ پائینی می‌باشد:

۱) این افعال با علامت «مz» نفی می‌شوند:	من آلاییلمه یردیم	بیز آلاییلمه یردیک
سن آلاییلمه یردین	سیز آلاییلمه یردینز	من آلاییلمزدیم
او نلار آلاییلمه یردیلر	او آلاییلمه یردی	بیز آلاییلمزدیک

- از اینکه آخرین حرف صدادار فعل ترکیب «آلایسا alabil»، حرف «ا» می‌باشد، در نتیجه

پسوندهای پدید آن با هماهنگی بزرگ با حرف صدادار «ا» ساخته می‌شوند. مثال:

(ala bil, mir, siniz, mi?)      (sürə bil,mir, siniz, mi?)

۲۲-۷) نفي فعل مجهول در گذشته استمراري:

نفي گذشته: من وۇرۇلمۇردو، سىن وۇرۇلمۇردون، او وۇرۇلمۇردو، بىز وۇرۇلمۇردوق و..

نفي گذشته دور: من وۇرولمۇرمۇشام (mən vurulmurmuşam)، سن وۇرولمۇرمۇشىان

نفي گذشته دورتر: من وۇرۇلمۇرمۇشدىم (mən vurulmurmuşdum) ، سن وۇرۇلمۇرمۇشدىن

- به تجزیه فعل « وُرولموموشدوه » توجه کنید:

۱) vur : ریشه فعل، ۲) mur : مخفف شده علامت نفع و سووند زمان حال.

۲) **ul:** پسوند مجهولی ۳) **dum:** علامت ماضی و پسوند صرفی.

پک) نفی، فعل، مجھول کمکی، در گذشته های مختلف:

گذشته: من گئروله بیلمه دیم (mən görülə bilmədim) ، سن گئروله بیلمه دین ،

او گئوروله بیلمه دی، بین گئوروله بیلمه دیک و ...

گذشته دور: من گُئروله بیلمه میشم (mən görülə bilməmişəm)، سن گُئروله بیلمه میشیم،

او گُئروله بیلمه میش، بیز گُئروله بیلمه میشیک، سیز گُئروله بیلمه میشینیز

گذشته دورتر: من گُئروله بیلمه میشدیم (من نتوانسته بودم دیده بشوم). (mən görülə bilməmişdim.)

(دو) فعل مجهول کمکی التزامی در گذشته (با حروف «مه، ما» و دگیل نفی می شود):

من گُئروله بیلمه ملی یدیم	نفی با «مه»
بیز گُئروله بیلمه ملی یدیک	نفی با «دگیل»
من گُئروله بیلملی دگیلدیم	

سه) نفی فعل مجهول کمکی در گذشته استمراری:

مجهول کمکی، ترکیبی از ریشه فعل، علامت میانوندی، فعل کمکی، زمان حال، گذشته و

علامت نفی است، که به شکل زیر در گذشته استمراری نفی می شود:

من گُئروله بیلمیردیم	mən görülə bilm(iy)irdim	بیز گُئروله بیلمیردیك
سن گُئروله بیلمیردین	sən görülə bilm(iy)irdin	سیز گُئروله بیلمیردینیز
او گُئروله بیلمیردیلر	o görülə bilm(iy)irdi	اونلار گُئروله بیلمیردیلر

منیم باشیم چوخ قاریشیق ایدی، اونون اوچون من گندیب اورادا گُئروله بیلمیردیم.

چهار) نفی فعل مجهول کمکی با فاعلیت صفتی در گذشته استمراری:

من گُئروله بیلنمیردیم، سن گُئروله بیلنمیردین، او گُئروله بیلنمیردی

بیز گُئروله بیلنمیردیك، سیز گُئروله بیلنمیردینیز، اونلار گُئروله بیلنمیردیلر

پنج) نفی گذشته های استمراری مختلف فعل مجهول التزامی با «اولماق»:

گذشته: من گُئرولمى اولموردوم (mən görülməli olmurdu)

گذشته دور: من گُئرولمى اولمورموشام (mən görülməli olmurmuşam)

شش) نفی فعل مجهولی کمکی التزامی به وسیله «دئگیل»:

من گُئروله بیل ملی دئگیلدیم. (mən görülə bilməli deyildim.)

سن گُئروله بیل ملی دئگیلدین. (sən görülə bilməli deyildin.)

## ۸ - ۲۲) نفی ماضی نقلی:

a) ماضی نقلی به شکل زیر نفی و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیز گلمه یه ییک (این فعل صرف نمی‌شود.)	mən gəlməyibəm من گلمه بیسم
سیز گلمه ییب سینیز	sən gəlməyibsən سن گلمه بیب سن
اونلار گلمه ییب لر	o gəlməyib او گلمه بیب (دیر)

او حالا بُورایا گلمه بیبدیر. حسن، منه دئدی، او حالا اُورایا گلمه بیبدیر.

- در موارد زیادی به نادرست پسوند «میش» را به جای ماضی نقلی نیز صرف می‌کنند:

او گلمه میش	سن گلمه میش سن	من گلمه میشم
اونلار گلمه میش لر	سیز گلمه میش سینیز	بیز گلمه میشیک

## ۲۲-۹) حالت فعل آینده دور در گذشته در دو فرم نفی می‌شود:

فرم اول) نفی فعل به وسیله حروف «مه، ما»:

a) نفی فعل آینده دور در گذشته با علامت «مه» به شکل زیر صرف می‌شود:

بیز گلمه یه جه یدیک	mən gəlməyəcəy(i)dim من گلمه یه جه یدیم
سیز گلمه یه جه یدینیز	sən gəlməyəcəy(i)din سن گلمه یه جه یدین
اونلار گلمه یه جه یدیلر	o gəlməyəcəy(i) di او گلمه یه جه یدی

او ، اُورایا گلمه سیدی ، منه گتمه یه جه یدیم.

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می‌باشد:

من آلمایاجاغیدیم ، سن آلمایاجاغیدین ، او آلمایاجاغیدی

بیز آلمایاجاغیدیق ، سیز آلمایاجاغیدینیز ، اونلار آلمایاجاغیدیلار

فرم دوم) نفی فعل با پسوند «می، مو» با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود:

a) من گلمی یه جه یدیم mən gəlmiyəcəy(i) dim ، سن گلمی یه جه یدین

b) من آلمی یاجاغیدیم ، سن آلمی یاجاغیدین ، او آلمی یاجاغیدی

منیم ائحتیاچیم اولماسایدی ، من بُر ماشینی آلمی یاجاغیدیم.

## ۲۲-۱) نفی گذشته فعل آرزوئی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » باشد، به شکل زیر در فرم آرزوئی نفی و در گذشته برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من گلمه يه يديم ،	سن گلمه يه يدين ،	او گلمه يه يدي ،
بيز گلمه يه يديك ،	سيز گلمه يه يدينيز ،	اونلار گلمه يه يدييلر

- توجه شود که فعل آرزوئی با قید زمانی برای زمان حال و آینده نیز صرف می‌شود. مثال:  
او دونن گریدی گتتمه يه يدي. او ايندي گلمه يه يدي بير. او صباح گله بيلمه يه يدي بير.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر نفی و در گذشته صرف می‌شود: (آلمایايديم)

biz almayaydıq	آلمایايديق	بيز	mən almayaydım	من آلمایايديم
siz almayaydinız	آلمایايدينيز	سيز	sən almayaydın	سن آلمایايدين
onlar almayaydilar	آلمایايديلار	اونلار	o almayaydı	او آلمایايدى

- او آلمایايدى بير، نه ياخشى اولارايدى. او صباح بُورادا قالمايايدى بير، نه ياخشى اولارادى.

### يك) نفی گذشته فعل آرزوئی كمكى:

من گله بيلمه يه يديم	سن گله بيلمه يه يدين	او گله بيلمه يه يدي
بيز گله بيلمه يه يديك	سيز گله بيلمه يه يدينيز	اونلار گله بيلمه يه يدييلر

- چنين افعالی، باید با قید زمانی به کار گرفته شوند. مثال:

او دونن(دون) گله بيلمه يه يدي بير. او ايندي گله بيلمه يه يدي بير. او صباح گله بيلمه يه يدي بير.

### دو) نفی گذشته فعل آرزوئی التزامی با فعل كمكى « بيل » و « اولماق »:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » می‌باشد:

بيز گلملى اولا بيلمه يه يديك	mən gəlməli ola bilməyəydim	من گلملى اولا بيلمه يه يديم
سيز گلملى اولا بيلمه يه يدينيز	sən gəlməli ola bilməyəydin	سن گلملى اولا بيلمه يه يدين
اونلار گلملى اولا بيلمه يه يدييلر	o gəlməli ola bilməyəydi	او گلملى اولا بيلمه يه يدى

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «a» می‌باشد:

او آلمالی او لا ييلمه يه يدي	سن آلمالی او لا ييلمه يه يدين	من آلمالی او لا ييلمه يه يديم
اونلار آلمالی او لا ييلمه يه يديلر	سيز آلمالی او لا ييلمه يه يدينيز	بيز آلمالی او لا ييلمه يه يديك

من دونن گله بيلملی او لمایايديم. سن ايندی گله بيلملی او لمایايدين. او صاباح گله بيلملی او لمایايدی بير.

سه) نفی گذشته فعل آرزوئی با فعل فاعلیت صفتی:

او گلنمه يه يدي ،	سن گلنمه يه يدين ،	a) من گلنمه يه يديم ،
اونلار گلنمه يه يديلر ،	سيز گلنمه يه يدينيز ،	بيز گلنمه يه يديك ،

او آلانماياديم ،	سن آلانمايادين ،	b) من آلانماياديم ،
اونلار آلانماياديلار ،	سيز آلانمايادينيز ،	بيز آلانماياديق ،

## ۱۱-۲۲) نفی گذشته فعل شرطی غیر واقعی:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «e» می‌باشد:

biz ḡelməsəydiك	بيز گلمه سه يديك	mən ḡelməsəydim	من گلمه سه يديم
siz ḡelməsəydiniz	سيز گلمه سه يدينيز	sən ḡelməsəydin	سن گلمه سه يدين
onlar ḡelməsəydiləر	اونلار گلمه سه يديلر	o ḡelməsəydi	او گلمه سه يدى

من دونن گلمه سه يديم، او دا گلمه مزدى. او گلمه سه يدى، منده گلمزدىم.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با يکی از اين سه حرف «ö, i, e» باشد،

به شکل زير برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من گندمه سه يديم gedməsəydim ، سن گندمه سه يدى gedməsəydin ، او گندمه سه يدى

بيز گندمه سه يديك gedməsəydiك ، سيز گندمه سه يدينيز gedməsəydiniz ، اونلار گندمه سه يديلر

- من ايچمه سه يديم içməsəydim ، سن ايچمه سه يدين içməsəydin ، او ايچمه سه يدى،

بيز ايچمه سه يديك içməsəydiك ، سيز ايچمه سه يدينيز içməsəydiniz ، اونلار ايچمه سه يديلر

- من گؤرمeh سه يديم görəməsəydim ، سن گؤرمeh سه يدين görəməsəydin ، او گؤرمeh سه يدى

بيز گؤرمeh سه يديك görəməsəydiك ، سيز گؤرمeh سه يدينيز görəməsəydiniz ، اونلار گؤرمeh سه يديلر

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر نفی و با علامت گذشته در فرم شرطی غیر واقعی صرف شده و به بخش‌های مختلف تعزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	علامت گذشته	حروف تکمیلی	علامت شرطی	علامت نفی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
(yə)m	(i)di	y	(yi)sə	mə	əz et bil	mən
(sə)n	(i)di	y	(yi)sə	mə	əz et bil	sən
...	(i)di	y	(yi)sə	mə	əz et bil	o
(yə)k	(i)di	y	(yi)sə	{ mə }	əz et bil	biz
niz	(i)di	y	(yi)sə	{ mə }	əz et bil	siz
lər	(i)di	y	(yi)sə	mə	əz et bil	onlar

حروفی که در جدول مذکور داخل پرانتز قرار گرفته اند، در صرف از افعال حذف می‌شوند.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می‌باشد:

biz almasaydıq	آلماسایدیق	بیز	mən almasaydım	من آلماسایدیم
siz almasaydınız	آلماسایدینیز	سیز	sən almasaydın	سن آلماسایدین
onlar almasaydılار	آونلار آلماسایدیلار	اُنلار	o almasaydı	اُر آلماسایدی

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این سه حرف « u, o, a » باشد، به شکل زیر در زمان گذشته نفی و صرف می‌شود:

اُر بیغماسایدی	yığmasaydın	سن بیغماسایدین	yığmasaydım	من بیغماسایدیم
اُنلار بیغماسایدیلار	yığmasaydınız	سیز بیغماسایدینیز	yığmasaydıq	بیز بیغماسایدیق
اُر سولماسایدی	solmasaydın	سن سولماسایدین	solmasaydım	من سولماسایدیم
اُنلار سولماسایدیلار	solmasaydınız	سیز سولماسایدینیز	solmasaydıq	بیز سولماسایدیق
اُر قۇرماسایدی	qurmasaydın	سن قۇرماسایدین	qurmasaydım	من قۇرماسایدیم
اُنلار قۇرماسایدیلار	qurmasaydınız	سیز قۇرماسایدینیز	qurmasaydıq	بیز قۇرماسایدیق

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر نفی و در زمان گذشته

در فرم شرطی غیر واقعی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی	علامت گذشته	حرف تکمیلی	علامت شرطی	علامت نفی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
( ya)m	( i) dı	y	(y) s a	m a	al sor qur	mən
(sa)n	( i) dı	y	(y) s a	m a	al sor qur	sən
...	( i) dı	y	{(y) s a}	m a	al sor qur	o
(ya)q	( i) dı	y	{(y) s a}	m a	al sor qur	biz
nız	( i) dı	y	{(y) s a}	m a	al sor qur	siz
lar	( i) dı	y	{(y) s a}	m a	al sor qur	onlar

حروفی که در داخل پرانتز قرار گرفته‌اند، در صرف از افعال مذکور حذف می‌شوند.

حروف صدادار این دو ضمیر با آنگ پائینی است.

اصل فعل به شکل «آلمای ایسا یادیام ( al ma yi, aydiyam ) می‌باشد که مخفف می‌شود.

- نفی گذشته‌های مختلف فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آنگ پائینی می‌باشد:

گذشته دور: من آلماسایمیشام ، سن آلماسایمیشسان ، او آلماسایمیش ،

بیز آلماسایمیشیق ، سیز آلماسایمیشیسینیز ،

گذشته دورتر: من آلماسایمیشیدیم ، سن آلماسایمیشیدین ، او آلماسایمیشیدی ،

بیز آلماسایمیشیدیق ، سیز آلماسایمیشیدینیز ،

## ۲-۱۲) نفی گذشته فعل شرطی غیر واقعی در شکلهای مختلف:

یک) نفی شرطی غیر واقعی التزامی:

(a) من گلمه ملی سه یدیم ، سن گلمه ملی سه یدین ، او گلمه ملی سه یدی

بیز گلمه ملی سه یدیک ، سیز گلمه ملی سه یدینیز ، اونلار گلمه ملی سه یدیلر

(b) من آلمامالی سایدیم ، سن آلمامالی سایدین ، او آلمامالی سایدی

بیز آلمامالی سایدیق ، سیز آلمامالی سایدینیز ، اونلار آلمامالی سایدیلار

دو) نفی گذشته فعل شرطی غیر واقعی التزامی با کمک فعل «اولماق» در دو شکل

صرف می‌شود:

یک فرم) من گلمه ملی او لسایدیم ، سن گلمه ملی او لسایدین ، او گلمه ملی او لسایدی

ب) بیز گلمه ملی اولسایدیق، سیز گلمه ملی اولسایدینیز، اونلار گلمه ملی اولسایدیلا  
 دو) من گلملی اولماسایدیم، سن گلملی اولماسایدین، او گلملی اولماسایدی  
 فرم بیز گلملی اولماسایدیق، سیز گلملی اولماسایدینیز، اونلار گلملی اولماسایدیلار  
 سه) نفی گذشته فعل شرطی غیر واقعی التزامی کمکی:

- a) - من گله بیلمه ملی سیدیم، سن گله بیلمه ملی سیدین، او گله بیلمه ملی سیدی  
 b) - من آلابیلمه ملی سیدیم، سن آلابیلمه ملی سیدین، او آلابیلمه ملی سیدی

چهار) نفی گذشته فعل شرطی غیر واقعی التزامی کمکی (با فعل «اولماق»):

- a) - من گله بیلملی اولماسایدیم، سن گله بیلملی اولماسایدین، او گله بیلملی اولماسایدی  
 بیز گله بیلملی اولماسایدیق، سیز گله بیلملی اولماسایدینیز، اونلار گله بیلملی اولماسایدیلار  
 b) - من آلابیلملی اولماسایدیم، سن آلابیلملی اولماسایدین، او آلابیلملی اولماسایدی  
 اونلار آلابیلملی اولماسایدیلار، سیز آلابیلملی اولماسایدینیز، بیز آلابیلملی اولماسایدیلار

توجه: فعل شرطی واقعی را در زمان گذشته صرف نمی‌کنند. ولی بحال آن گذشته فعل شرطی واقعی  
 بکارگرفته می‌شود. (به مثالهای‌های دیگری از این فعل در صفحه ۷۱۱ توجه به فرمائید).

### ۳-۲۲) نفی گذشته فعل «از لحظه آغازین کار» در دو شکل:

یک فرم) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «۵» می‌باشد:

من پُوزاندان ایدیم	سن پُوزاندان ایدین	او پُوزاندان ایدی
بیز پُوزاندان ایدیق	سیز پُوزاندان ایدینیز	اونلار پُوزاندان ایدیلار

- او منیم اویونومو پُوزاندان ایدی کی، من اوندان گوسدو.

دو فرم) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ه» می‌باشد:

- a) - من گلندن ایدیم، سن گلندن ایدین، او گلندن ایدی،  
 بیز گلندن ایدیک، اونلار گلندن ایدیلر  
 b) - من پُوزماياندان ایدیم، سن پُوزماياندان ایدین، او پُوزماياندان ایدی،  
 سیز پُوزماياندان ایدینیز، اونلار پُوزماياندان ایدیلار

### ۲۳) فعل سوالی (علام مخصوص سوالی):

- توضیح مختصری در رابطه با به کارگیری علامت سوالی:

کلمه در زبان ترکی به وسیله علامت «می i» به فرم سوالی تبدیل می‌شود. حرف صدادار علامت سوالی(می) با هماهنگی بزرگ به شکل «می mi، مو mü، می mi، مو mu» در دو فرم زیر به کارگرفته می‌شود:

(a) فرمی که علامت سوالی در آخر اسم و فعل قرار می‌گیرد و به شکل پسوند به کارگرفته می‌شود. امروزه این فرم صرفی در ترکی آذربایجان معمول گشته است.

(b) فرمی که علامت سوالی به شکل میانوند در بین فعل و پسوند صرفی قرار می‌گیرد، شکلی که امروزه در ترکی ترکیه معمول گشته است. چنین صرفی در موارد کمی برای درست شدن قافیه شعر در ترکی آذربایجان به کارگرفته می‌شود.

نحوه به کارگیری علامت سوالی در دو فرم:

یک فرم) فرمی که علامت سوالی در آخر فعل به کارگرفته می‌شود:

اگر کلمه با خط عربی نوشته شود و علامت سوالی به دنبال اسم، صفت و قید به کارگرفته شود، بهتر است که از کلمه ما قبل خود جدا نوشته شود؛ ولی اگر کلمه با خط لاتین نوشته شود، در مواردی پیوسته و یا جدا از کلمه ما قبل خود نوشته شده و بعضًا نیز به وسیله کاما (،) از کلمه تعزیه می‌شود:

اسم: بۇ بى حسن مى؟ o Kərim,mi? او كريم مى؟ o ، او سئل مى؟

او گئول مو؟ o بۇ گول مو؟ bu gülmü? او لاله مى؟ bu Laləmi?

او آلما مى؟ o او ايلدىريم مى؟ Ildirim mi? او تۆپ مو؟ bu top mu?

فعل: من گئديرم مى؟ سن گئديرسن مى؟ او گئدير مى؟ بىز گئديرىك مى؟

صفت: او پىس دىر مى؟ او گۈزىل دىر مى؟ او ياخشى دىر مى؟ او گول دور مو؟

دو فرم) علامت سوالی در فرم قدیمی (فرمی که تنها در کتب و اشعار قدیمی دیده می‌شوند،)

در صرف بین کلمه و ضمیر متصل شخصی به کارگرفته می‌شود. مثال:

در این فرم صرفی علامت سوالی قبل از ضمیر متصل شخصی صرف می‌شود. مثال:

فعل: او گلیر می‌دی؟ او اوخور مو دو؟ او صباح گله جک می‌دیر؟

اسم: او گلن، حسن می‌دیر؟ بۇ گنج قىز، لاله دگيل می‌دیر؟

- اسم) بۇ بى، حسن می‌دیر؟ bu bəy, Həsən mi dir? او، سئل می‌دیر؟ sel mi dir?

o, بۇ ايلديريم می‌دیر؟ o alma mi dir?

- صفت) لاله گؤزل دگيل می‌دیر؟ سن اوونو تانير می‌سان؟ او سنين باجин می‌دیر؟

او عاغيللى قىز می‌دیر؟ ايندى ساعات بىش می‌دیر؟

- برای روشن شدن فرم سوالی افعال، در صفحات زیر افعال مختلف در ترکیبات مختلف در دو

فرم به وسیله حروف «مه، ما» و «مى، مو» و یا به وسیله «دگیل» نفی و صرف می‌شوند:

### ۲۳-۱) فعل در زمانِ حال در شکل سوالی:

- فعل سوالی در زمان حال با پسوند سوالی «مى mi» با هماهنگی بزرگ به دو شکل زیر

صرف می‌شود:

فرم اول) فرمی که پسوند سوالی در آخر فعل به کار گرفته می‌شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» می‌باشد:

biz gəlirikmi?	بىز گليريك مى؟	mən gəlirəmmi?	من گليريم مى؟
siz gəlirsinizmi?	سيز گليرسينيز مى؟	sən gəlirsənmi?	سن گليرسن مى؟
onlar gəlirlərmi?	اونلار گلير لر مى؟	o gəlirmi?	او گلير مى؟

من گلديرم مى؟ سن گلديرسن مى؟ او گلدير مى؟ بىز گلديريك مى؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» می‌باشد:

من ايچيرم مى؟ سن ايچيرسن مى؟ او ايچيرمى؟

اونلار ايچيرلرمى؟ سиз ايچيرسينيزمى؟ بىز ايچيريك مى؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با يکی از این سه حرف «ا, e, i» باشد،

به شکل زیر با پسوند سوالی به کار گرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف و به بخشهاي

مختلف تجزیه می شود:

	ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	علامت زمان حال	علامت صرفی	پسوند صرفی	علامت سوالی	علامت سوالی
حروف صدادار ضمایر منفصل شخصی مستقل از کلمات دیگر صرف می شود.	mən	sər	ged	sil	ir	əm	mi?	علامت سوالی این فعل با همانگی بزرگ با حرف «ا» ساخته می شود.
	sən	sər	ged	sil	ir	sən	mi?	
	o	sər	ged	sil	ir	(dir)	mi?	
	biz	sər	ged	sil	ir	ik	mi?	
	siz	sər	ged	sil	ir	siniz	mi?	
	onlar	sər	ged	sil	ir	dirlər	mi?	

اگر آخرین حرف صدادار فعلی با یکی از این سه حرف «ا، ئ، ئ» باشد، علامت سوالی آن با حرف «ا» ساخته می شود.

توجه: اگر کلمه با خط عربی نوشته شود، علامت سوالی جدا از آن به کار گرفته می شود. مثال:

اسم: او حسن می؟ (o Həsən mi?) ، بُو آغاج می (bu ağaç mi?)

فعل: من گلیرم می؟ سن گلیرسن می؟ او گلر می؟ بیز گلیریک می؟

- علامت سوالی در مناطق ترک نشین ایران به ویژه در محاوره مورد استفاده قرار نمی گیرد ،

بلکه به جای آن آخرین حرف فعل به شکل کشیده بیان می شود. مثال:

سن صباح گله جك سن؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف «ئ، ئ» باشد، به

شكل زیر در زمان حال صرف می شود:

biz gülürük mü ?	بیز گولوروک مو؟	mən gülürəm mi?	من گولورم می؟
siz gülürsünüz mü ?	سیز گولورسونوز مو؟	sən gülürsən mi?	سن گولورسن می؟
onlar gülürlər mi?	اونلار گولورلرمی؟	o gülür mü?	او گولور مو؟

- در صرف این فعل پسوند سوالی برای اول و دوم شخص مفرد و همچنین برای سوم شخص جمع با

علامت «م» و برای سایر ضمایر شخصی با علامت «مو» صرف می شود:

من گلیرم می؟ سن گلیرسن؟ اونلار گلیرلر؟ او اوخویورمو؟ بیز اوخویوروق مو؟ و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این دو حرف «*ü*, *ö*» باشد، به شکل زیر در زمان حال در فرم سوالی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت زمان	علامت صرفی	علامت سوالی	پسوند سوالی
<i>mən</i>		döz gör sur düz		ür	əm	mi?
<i>sən</i>		döz gör sur düz		ür	sən	mi?
<i>o</i>	{	döz gör sur düz	{	ür	(dür)	mü?
<i>biz</i>		döz gör sur düz	{	ür	ük	mü?
<i>siz</i>		döz gör sur düz	{	ür	sünüz	mü?
<i>onlar</i>		döz gör sur düz	{	ür	(dür)lər	mi?
علامت سوالی این فعل با همانگی بزرگ با یکی از این دو حرف « <i>أ</i> , <i>ة</i> » ساخته می‌شود.						
در صرف فعل علامت « <i>dür</i> » حذف می‌شود.						

در بیان کلمه و علامت سوالی بهتر است، که بین آنها کمی فاصله داده شود:

او گلیر می؟ او یازیر می؟ او گولور مو؟

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «*a*, *ı*» باشد، به شکل زیر همراه پسوند سوالی در زمان حال صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر متصل شخصی	ضمایر شخصی	پسوند سوالی
<i>mən</i>		qaz al qır yıx	am
<i>sən</i>		qaz al qır yıx	san
<i>o</i>	{	qaz al qır yıx	(dir)
<i>biz</i>		qaz al qır yıx	ıq
<i>siz</i>		qaz al qır yıx	sınız
<i>onlar</i>		qaz al qır yıx	(dir)lar
علامت سوالی این فعل با همانگی بزرگ با حرف « <i>أ</i> » ساخته می‌شود.			
اگر آخرین حرف صدادار فعلی با یکی از این دو حرف « <i>a</i> , <i>ı</i> » باشد، علامت سوالی آن با حرف « <i>أ</i> » ساخته می‌شود.			

توجه: این علامت سوالی «؟» است که در آخر جملات به جای نقطه گذاشته می‌شود. مثال:

من، بُو کیتابی آلیرام می؟ من، بُو ورقی جیزیرام می؟ من، بُو تُوپو دیغیرام می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «۵» می‌باشد:

biz oluruqmu?	بیز اولوروق مو؟	mən olurammı?	من اولورام می؟
siz olursunuzmu?	سیز اولورسونوز مو؟	sən olursanmı?	سن اولورسان می؟
onlar olurlarmı?	اونلار اولورلار می؟	o olurmu?	او اولور مو؟

- توجه شود که پسوند صرفی افعال مذکور برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف «۵، u» باشد، به شکل زیر در فرم سوالی برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند سوالی	ضمایر متصل شخصی	علامت زمان حال	ریشه افعال	ضمایر شخصی
mən	mi?	am	sol	sol
sən	mi?	san	yol	yol
o	mu?	(dur)	qur	qur
biz	mu?	uq	uy	uy
siz	mu?	sunuz		
onlar	mi?	durlar		

علامت سوالی چنین فعلی با هماهنگی بزرگ با یکی از این دو حرف «۵، u» صرف می‌شود.

هر سه پسوند این فعل با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

علامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.

- پسوند سوالی به شکل زیر با حرف صدادار «۱» و «۲» به کار گرفته می‌شود. مثال:

صرف با حرف «۱، ۲»: من دُونورام می؟ سن قۇنورسان می؟ او سۇلور مو؟ بیز سۇلوروق مو؟

صرف با حرف «۲»: او دۇرور مو؟ او اۇخۇرۇر مو؟ او يۇمۇر مو؟ و ...

- پسوند صرفی افعال مذکور برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. مثال:

من دُونورام می؟	سن دۇنورسان می؟	او دۇرور مو؟
سیز دۇنورسونوز مو؟	بیز دۇنوروق مو؟	او نلار دۇنور(دور) لار می؟

## فرم دوم:

### فرم سوالی فعل در زمان حال در شکل قدیمی:

این فرم سوالی در زبان ترکی آذربایجان قدیمی شده و امروزه در مواردی برای درست شدن قافیه شعر مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ در صورتی که همین فرم صرفی در زبان ترکی ترکیه معمول و رسمی گشته است.

### نحوه صرف فرم قدیمی فعل در زمان حال در شکل سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می‌باشد:

biz	gəlirmiyik?	بیز گلیرمی بیک؟	mən	gəlirmiyəm?	من گلیرمی یم؟
siz	gəlirmisiniz?	سیز گلیرمی سینیز؟	sən	gəlirmisən?	سن گلیرمی سن؟
onlar	gəlirmilər?	اونلار گلیرمی لر؟	o	gəlirmi?	او گلیرمی؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با پسوند سوالی برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعا	ریشه افعا	علامت زمان حال	علامت سوالی	علامت سوالی	پسوند صرفی
mən	sər	ged	iç	bil	i r	yəm?
	sər	ged	iç	bil	i r	sən?
	sər	ged	iç	bil	i r	(dir)?
	sər	ged	iç	bil	i r	yik?
	sər	ged	iç	bil	i r	siniz?
	sər	ged	iç	bil	i r	(dir) lər?

در صرف این فعل به ضمیر اول شخص مفرد و جمع یک حرف اضافی « y » افزوده می‌شود.

حرف صدادار این چهار ضمیر منفصل شخصی وابسته به کلمه ما قبل خود است.

من دوزورمویم؟      سن دوزورموسن؟      او دوزورمو؟

بیز دوزورمویوک؟      سیز دوزورموسونو؟      اونلار دوزورمولو؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئ » باشد ، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz olurmuyuq?	بیز اولورمویوق؟	mən olurmuyam?	من اولورمویام؟
siz olurmusunuz?	سیز اولورموسونوز؟	sən olurmusan?	سن اولورموسان؟
onlar olurmular?	اونلار اولورمولار؟	o olurmu?	او اولور مو؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » می باشد:

biz uçurmuyuq?	بیز اوچورمویوق؟	mən uçurmuyam?	من اوچورمویام؟
siz uçurmusunuz?	سیز اوچورموسونوز؟	sən uçurmusan?	سن اوچورموسان؟
onlar uçurmular?	اونلار اوچورمولار؟	o uçurmu?	او اوچور مو؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « u » و « o » باشد، به شکل زیر با پسوند سوالی برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخش‌های مختلف

تجزیه می شود:

ضمایر شخصی	ضمایر	الفعال	ریشه افعال	علامت زمان	علامت سوالی	علامت سوالی	پسوند صرفی	پسوند صرفی
mən		sol	yol	uy	dur	ur	mu	yam?
sən		sol	yol	uy	dur	ur	mu	san?
o	{	sol	yol	uy	dur	ur	mu	(dur)?
biz	{	sol	yol	uy	dur	ur	mu	yuq?
siz		sol	yol	uy	dur	ur	mu	sunuz?
onlar		sol	yol	uy	dur	ur	mu	(dur)lar?

حروف صدادار ضمایر  
متصل شخصی به  
كلمات ما قبل خود  
وابسته است.

پسوند سوالی و علامت زمان حال با هماهنگی بزرگ صرف می شوند.  
این چهار پسوند زیرین با هماهنگی بزرگ صرف می شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » و یا « ı » می باشد:

- من آلیرمی یام؟ سن آلیرمی سان؟ او آلیرمی؟ بیز آلیرمی ییق؟ سیز آلیرمی سینیز؟ اونلار آلیرمی لار؟
- من ییغیرمی یام؟ سن ییغیرمی سان؟ او ییغیرمی؟ بیز ییغیرمی ییق؟ سیز ییغیرمی سینیز؟
- من قیلیرمی یام؟ سن قیلیرمی سان؟ او قیلیرمی؟ بیز قیلیرمی ییق؟ و....

۲۳-۲) فعل آینده نزدیک در فرم سوالی در دو شکل:

فرم اول) شکلی که علامت سوالی آن در آخر فعل به کار گرفته می شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ة، ö، i، e، ا) باشد، به شکل زیر

در زمان آینده نزدیک با پسوند سوالی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند صرفی	ضمایر متصل شخصی	علامت زمان	ریشه افعانی	ال	ضمایر شخصی
mi?	əm	ər	düş	gül	ged
mi?	sən	ər	düş	gül	ged
mi?	(dir)	ər	düş	gül	ged
mi?	ik	ər	düş	gül	ged
mi?	siniz	ər	düş	gül	ged
mi?	dir lər	ər	düş	gül	ged
ساخته می شود.	بزرگ با حرف «ا»	فعل با هماهنگی	پسوند سوالی این		

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف «u، o، e، a»

۱، a) باشد، به شکل زیر صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند سوالی	ضمیر متصل شخصی	علامت زمان	ریشه افعال	ضمایر شخصی
mi?	am	ar	yol	al
mi?	san	ar	uy	yix
mi?	(dır)	ar	al	yol
mi?	ıq	ar	uy	al
mi?	sınız	ar	al	yix
mi?	dır lar	ar	uy	yol
اگر آخرین حرف صدادار پسوند، آینده حرف «a, e, i» باشد، علامت سوالی آن با حرف صدادار «ı» ساخته می شود.	{	{	{	{

شعری از وجہ: دو شو بدوار چوللرہ یالنیز، گزیر مجنون تک شیدا

او لار مه، تشنہ چو للر ده تایا درد آشنا کونلوم؟

فرم دوم ) فرم قدیمی فعل سوالی در آینده نزدیک:

در صرف این فعل، علامت سوالی در بین فعل و پسوند صرفی قرار می‌گیرد.

فعلى که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، با پسوند «۲۱» در شکل آینده نزدیک و با پسوند «می» در فرم سوالی به کار گرفته می شود.

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر صرف و با علامت سوالی « mi » به کار گرفته شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند صرفی		پسوند سوالی و حرف تکمیلی		علامت آینده نزدیک		افعیه ریشه		ال ضمایر شخصی	
↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
mən		gəl	ged	iç	gül	düş	ər	mi y	əm?
sən		gəl	ged	iç	gül	düş	ər	mi	sən?
o		gəl	ged	iç	gül	düş	ər	mi	(dir)?
biz	{	gəl	ged	iç	gül	düş	ər	mi y	ik?
siz		gəl	ged	iç	gül	düş	ər	mi	sınız?
onlar		gəl	ged	iç	gül	düş	ər	mi	(dir)lər?

حروف صدادار  
ضمایر متصل  
شخصی وابسته  
به کلمات ماضی  
قبل خود است.

در رابطه با اول شخص مفرد و جمع به پسوند سوالی این فعل یک حرف تکمیلی اضافه می شود.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند صرفی	علامت سوالی حرف تکمیلی	علامت آینده نزدیک	ریشه افعال	ضمایر شخصی
این دو پسوند با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.	am?	mı y	ar	al yığ yol uy
{	san?	mı	ar	al yığ yol uy
{	(dır)?	mı	ar	al yığ yol uy
{	ıq?	mı y	ar	al yığ yol uy
{	sınız?	mı	ar	al yığ yol uy
{	(dır)lar?	mı	ar	al yığ yol uy
حروف صدادار ضمیر متصل شخصی وابسته به کلمه ما قبل خود می‌باشد.	می	می	می	می

**توجه:** پسوند سوالی در بین مردم آذربایجان جنوبی خیلی کم به کار گرفته می‌شود.

### ۲۳-۳) فعل مصدری در زمان حال در شکل سوالی:

فعل مصدری در زمان حال در دو فرم زیر صرف می‌شود.

فرم اول) فرم صرفی که پسوند سوالی آن در آخر فعل قرار می‌گیرد:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می‌باشد:

من	گلمکده يم می؟
بیز	گلمکده يیك می؟
من	گولمکده يم می؟
بیز	گولمکده يیك می؟
من	گلمکده سن می؟
بیز	گلمکده سینیز می؟
من	گلمکده دیرمی؟
بیز	گلمکده دیرلرمی؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » می‌باشد:

من	گولمکده يم می؟
بیز	گولمکده يیك می؟
من	گولمکده سن می؟
بیز	گولمکده سینیز می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر همراه پسوند سوالی

صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند سوالی	پسوند صرفی و حرف تکمیلی	پسوند فعلی	علامت مصدری	ریشه افعانی	ال	ضمایر شخصی
mi?	y əm	də	mək	düş	gəl	mən
mi?	sən	də	mək	düş	get	sən
mi?	(dir)	{ də	{ mək	{ gör	{ iç	{ o
mi?	y ik	{ də	{ mək	{ gör	{ get	{ biz
mi?	siniz	{ də	{ mək	{ gəl	{ iç	{ siz
mi?	dirlər	{ də	{ mək	{ gəl	{ gör	{ onla

در صرف، اول شخص مفرد و جمع یک حرف تکمیلی به خود می‌گیرند.

من یئمکده يم می؟ من اکمکده يم می؟ من سیلمکده يم می؟ من دوزمکده يم می؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » می‌باشد:

من آلماقدایام می؟	من آلماقدا دیر می؟	من آلماقداسان می؟	من آلماقدا دیرمی؟
بیز آلماقدایق می؟	بیز آلماقدادیرلار می؟	سیز آلماقدادیز می؟	او نلا ر آلماقدادیز می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

من بیغماقدايام می؟	سن بیغماقداسان می؟	او بیغماقدا دیرمی؟	من بیغماقدايام می؟	سن بیغماقداسان می؟	او بیغماقدا دیرمی؟	من بیغماقدايام می؟	سن بیغماقداسان می؟	او بیغماقدا دیرمی؟
سیز بیغماقدايیق می؟	او نلار بیغماقداسانیز می؟	سیز بیغماقدا دیرلارمی؟	سیز بیغماقدايیق می؟	او نلار بیغماقداسانیز می؟	سیز بیغماقدا دیرلارمی؟	سیز بیغماقدايیق می؟	او نلار بیغماقداسانیز می؟	سیز بیغماقدا دیرلارمی؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

من قۇرماقدايام می؟	سن قۇرماقداسان می؟	او قۇرماقدا دیرمی؟	من قۇرماقدايام می؟	سن قۇرماقداسان می؟	او قۇرماقدا دیرمی؟	من قۇرماقدايام می؟	سن قۇرماقداسان می؟	او قۇرماقدا دیرمی؟
سیز قۇرماقدايیق می؟	او نلار قۇرماقداسانیز می؟	سیز قۇرماقدا دیرلارمی؟	سیز قۇرماقدايیق می؟	او نلار قۇرماقداسانیز می؟	سیز قۇرماقدا دیرلارمی؟	سیز قۇرماقدايیق می؟	او نلار قۇرماقداسانیز می؟	سیز قۇرماقدا دیرلارمی؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر همراه پسوند سوالی

صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند سوالی	پسوند صرفی و حرف تکمیلی	علامت فعلی	علامت مصدری	ریشه افع	ال	ضمایر شخصی
علامت سوالی	yam	mi?			al	mən
این افعال با	san	mi?			yix	sən
حرف صدادار	(dır)	mi?			yol	o
«ا» ساخته	yıq	mi?			uy	biz
می‌شود.	sınız	mi?				sız
	dırılar	mi?				onlar
علامت فعل مصدری و پسوند مصدر با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.						
پسوند چهار ضمیر زیر با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.						

- فرم قدیمی فعل مصدری در شکل سوالی:

فرم دوم) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» باشد، به شکل

زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من ایچمکده می‌بیم؟	من ایچمکده می‌سین؟	من ایچمکده می‌دیرم؟	(a)
بیز ایچمکده می‌بیئک؟	سیز ایچمکده می‌سینیز؟	سیز ایچمکده می‌دیرلر؟	
من قۇرماقدامی بیام؟	من قۇرماقدامی سان؟	من قۇرماقدامی دیرلارمی؟	
بیز قۇرماقدامی بیئیق؟	سیز قۇرماقدامی سینیز؟	سیز قۇرماقدامی دیرلارمی؟	(b)

- اونلار ساعات اون ایکی ده یۇخۇلاماقدايدىلار کى، من اونلارین قاپیسىنى دؤйىدوم.

### ۲۳-۴) فعل امری در فرم سوالی:

این فعل از ترکیب ریشه فعل و علامت سوالی (می) تشکیل می‌یابد و حرف صدادار پسوند آن با هماهنگی بزرگ «um, üm, im» صرف می‌شود. مثال:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» می‌باشد:

biz gələk mi?	بیز گله ک می؟	mən gəlim mi?	من گلیم می؟
siz gəlin mi?	سیز گلین می؟	sən gəl mi?	سن گل می؟
onlar gəlsinlər mi?	اونلار گلسین لرمی؟	o gəlsin mi?	او گلسین می؟

- توجه شود که این فعل برای دوم شخص مفرد و جمع به ندرت به کارگرفته می‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» می‌باشد:

من گəndim می؟	سن گənd می؟	او گəndsin می؟
بیز گəndə k می؟	سیز گəndən می؟	اونلار گəndənlər می؟
سن منه «گل می» دئدین می؟ سن منه «گئت» می ائتدیم؟		

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» می‌باشد:

biz görək mi?	بیز گورک می؟	mən görüm mü?	من گوروم مو؟
siz görün mü?	سیز گورون مو؟	sən gör mü?	سن گور مو؟
onlar görsünlər mi?	اونلار گورسونلر می؟	o görsün mü?	او گورسون مو؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» می‌باشد:

من گولوم مو؟	سن گول مو؟	او گولسون مو؟
بیز گولوك می؟	سیز گولون مو؟	اونلار گولسونلر می؟

- افعال مذکور به ویژه برای دوم شخص مفرد و جمع خیلی کم به کارگرفته می‌شوند.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ə» باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من آلیم می؟	سن آل می؟	او آلسین می؟
-------------	-----------	--------------

بیز آلاق می؟ سیز آلين می؟ اونلار آلسینلار می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می باشد:

من بیغیم می؟	من بیغیم می؟	من بیغیم می؟
بیز بیغاق می؟	سیز بیغین می؟	او بیغین می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «و» می باشد:

biz pozaqmi?	بیز پۇزاق می؟	mən pozummu?	من پۇزوم مو؟
siz pozunmu?	سیز پۇزونمو؟	sən pozmu?	سن پۇزمۇ؟
onlar pozsunlarmi?	اونلار پۇزسونلارمی؟	o pozsunmu?	او پۇزسون مو؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می باشد:

biz quraqmi?	بیز قۇراق می؟	mən qurummu?	من قۇروم مو؟
siz qurunmu?	سیز قۇرونمو؟	sən qurmu?	سن قۇرمۇ؟
onlar qursunlarmi?	اونلار قۇرسونلارمی؟	o qursunmu?	او قۇرسون مو؟

من دۇروم مو؟ من اوخو(يۇ) م مو؟ من يۈيۈم مو؟ من سۈلۈم مو؟

- کلمات سوالى به شکل زیر در جمله به کار گرفته می شوند:

سیز منه دئدینیز، من «بۇ آغاچى كسىم می؟» سن منه دئدین «بۇ آغاچى كس» می؟

(آیا شما به من گفتید که من این درخت را بېرم؟)

سیز منه دئدینیز، من اونو سؤیوم مو؟ (آیا شما به من گفتید، من او را سرزنش بېكىم؟)

سن منه «دۇر» دئدین می؟ (آیا تو به من، «بلند شو» [بايست] گفتی؟)

- به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد نیز توجه کنید:

من گىتىم می؟ (mən gedimmi?) ، من يېيىم می؟ من دېيىم می؟ من سئويم می؟

من ايچىم می؟ (mən içimmi?) ، من بىيچىم می؟ من سىلىم می؟ من بىلىم می؟

من دۈزۈم مو؟ من ئۆپۈم مو؟ من اۋلۇم مو؟

سن اوْنا دئدین، «گەت می؟» سن اوْنا دئدین «گل می؟» من سنه دئدیم، ياشاردان سۇر، من «گلىم می؟»؟

## ۲۳-۵) فعل آینده دور در فرم سوالی در دو شکل:

یک فرم) فعل آینده دور به شکل زیر آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد :

biz gələcəyikmi?	بیز گله جه بیک می؟	من گله جه یم می؟
siz gələcəksinizmi?	سیز گله جکسینیز می؟	سن گله جک سنمی؟
onlar gələcəklərmi?	اونلار گله جک لرمی؟	او گله جک می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ا » میباشد:

او ایچه جک می؟	سن ایچه جکسن می؟	من ایچه جیم می؟
اونلار ایچه جکلر می؟	سیز ایچه جکسینیز می؟	بیز ایچه جییک می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ة » میباشد:

من گئوره جیم می؟	سن گئوره جکسن می؟	او گئوره جک می؟
بیز گئوره جه بیک می؟	سیز گئوره جکسینیز می؟	اونلار گئوره جکلرمی؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » میباشد:

من قالاجاغام می؟	سن قالاجاقسان می؟	او قالاجاق می؟
بیز قالاجاغیق می؟	سیز قالاجاقسینیز می؟	اونلار قالاجاقلارمی؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » میباشد:

من قۇراجاغام می؟	سن قۇراجاقسان می؟	او قۇراجاق می؟
بیز قۇراجاغیق می؟	سیز قۇراجاق سینیز می؟	اونلار قۇراجاق لارمی؟

- اگر دو حرف « k » و « q » در بین دو حرف صدادار قرار گیرند، به حرف « y » و « ڦ » تبدیل میشوند:

گلمک: گلمه یم. دوزمک: دوزمه یم. قیرماق: قیرماغیم. یؤماق: یؤماغیم

دو فرم) فعل آینده دور در شکل سوالی:

من گله جک مییم؟ سن گله جک میسن؟ او گله جک می؟ بیز گله جک میبیک؟

من سۇراجاق مییام؟ سن سۇراجاق میسان؟ او سۇراجاق می؟ بیز سۇراجاق مییق؟

### ۶-۳) فعلِ فاعلیتِ صفتی در فرم سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ا » می‌باشد:

biz gələnikmi?	بیز گلنیک می؟	mən gələnəmmi?	من گلنم می؟
siz gələnsinizmi?	سیز گلن سینیز می؟	sən gələnsənmi?	سن گلنسن می؟
onlar gələndirlərmi?	اونلار گلن دیرلر می؟	o gələndirmi?	او گلنديرمی؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ا » می‌باشد:

او ایچه ندیر می؟	سن ایچه نسن می؟	من ایچه نم می؟
او نلار ایچه نسینیز می؟	سیز ایچه نسینیز می؟	بیز ایچه نیک می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ة » می‌باشد:

من گورنم می؟	سن گورن سن می؟	او گورن دیر می؟
بیز گورنیک می؟	سیز گورن سینیز می؟	اونلار گورندیرلر می؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می‌باشد:

biz alaniqmi?	بیز آلانیق می؟	mən alanammi?	من آلانام می؟
siz alansınızmi?	سیز آلانسینیز می؟	sən alasanmı?	سن آلانسان می؟
onlar alandırlarmı?	اونلار آلاندیرلارمی؟	o alandırımı?	او آلاندیرمی؟

او ساتان(دیر) می؟	او بیغان (دیر) می؟	او سوران (دیر) می؟ و ...
بۇ کیتابی آلان گیم دیر؟	بۇ کیتابی آلان سن سن می؟ یۇخ، من اۇنو آلان دئگیلم.	

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئ » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من قورانام می؟	سن قورانسان می؟
بیز قورانیق می؟	سیز قورانسینیز می؟
او قوران دیر می؟	او نلار قوران دیرلار می؟

- از اینکه علامت فعل فاعلیت صفتی با هماهنگی کوچک با پسوند « an ، en » ساخته می‌شود، در نتیجه پسوندهای

سوالی که به دنبال آنها با هماهنگی بزرگ صرف شوند، با یکی از این دو حرف « ئ ، ئا » ساخته می‌شوند.

### ۲۳-۷) فعلِ شرطی غیر واقعی در فرم سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد:

biz gəlsəkmi?	بیز گلسه ئ می؟	mən gəlsəmmi?	من گلسم می؟
siz gəlsənizmi?	سیز گلسه نیز می؟	sən gəlsənmi?	سن گلسن می؟
onlar gəlsələrmi?	اونلار گلسه لر می؟	o gəlsəmə?	او گلسه می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ا » میباشد:

من ایچسے م می؟	من ایچسے م می؟	من ایچسے م می؟
بیز ایچسے ئ می؟	سیز ایچسے نیز می؟	سیز ایچسے لر می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئة » میباشد:

من گورسە م می؟	من گورسە م می؟
بیز گورسە ئ می؟	سیز گورسە نیز می؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف میشود:

biz alsaqmı?	بیز آلساق می؟	mən alsammı?	من آلسام می؟
siz alsanızmı?	سیز آلسانیز می؟	sən alsanmı?	سن آسان می؟
onlar alsalarmı?	اونلار آلسالار می؟	o alsamı?	او آلسا می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » میباشد:

من اوچسام می؟	من اوچسام می؟
بیز اوچساق می؟	سیز اوچسانیز می؟
- من سورسام می؟	سن سورسان می؟
بیز سورساق می؟	سیز سورسانیز می؟

- از اینکه علامت فعل شرطی با هماهنگی کوچک با پسوند « ئا، ئى » ساخته میشود، در نتیجه پسوندھائی که به دنبال آنها با هماهنگی بزرگ صرف شوند، با یکی از دو حرف « ا، ئ » ساخته میشوند.

### ۲۳-۸) فعلی آرزوئی در فرم سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

او گله می؟	سن گله سن می؟	من گله یم می؟
اونلار گله لر می؟	سیز گله سینیز می؟	بیز گله ک می؟

آی یولداشlar ائوه گئده ک می؟ یعنیک (غذا) می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » می باشد:

من گوله یم می؟	سن گوله سن می؟	او گوله می؟
بیز گوله ک می؟	سیز گوله سینیز می؟	اونلار گوله لرمی؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد:

من قالا(يا) م می؟	سن قالا(يا) سان می؟	او قالا(يا) می؟
بیز قالا(يا) ق می؟	سیز قالا(يا) سینیز می؟	اونلار قالا(يا) لارمی؟

بیز بؤگون بۇرادا قالاق می؟ بیز ساعاتى قۇراق می؟

### ۲۳-۹) فعل در زمان حال همراه فعل کمکی در فرم سوالی:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » می باشد:

او گله بیلیر می؟	سن گله بیلیر سن می؟	من گله بیلیر می؟
اونلار گله بیلیر سینیز می؟	سیز گله بیلیر سینیز می؟	بیز گله بیلیر بیك می؟

### ۲۳-۱۰) فعل فاعلیت صفتی همراه فعل کمکی در فرم سوالی:

من گله بیلن می؟ سن گله بیلن سن می؟ او گله بیلن دیرمی؟  
 بیز گله بیله نیك می؟ سیز گله بیلن سینیز می؟ اونلار گله بیلن دیرلرمی؟

### ۲۳-۱۱) فعل مجهول در زمان حال در فرم سوالی:

من وۇرولورام می؟ سن وۇرولورسان می؟ او وۇرولورمو؟  
 اونلار وۇرولورسونوز مو؟ سیز وۇرولورلارمی؟ بیز وۇرولوروق مو؟

## ۲۳) صرف فعل گذشته در شکل سوالی:

۲۳-۱) فعل گذشته به وسیله پسوند « می » به فرم سوالی تبدیل می شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:

biz gəldik mi?	بیز گلدىك مى؟	mən gəldim mi?	من گلدىم مى؟
siz gəldiniz mi?	سیز گلدىنیز مى؟	sən gəldin mi?	سن گلدىن مى؟
onlar gəldilər mi?	اونلار گلدىلر مى؟	o gəldi mi?	او گلدى مى؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:

من گئردم مو؟ سن گئردون مو؟

بیز گئردوک مو؟ سیز گئردونوز مو؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ا » می باشد:

من سالدیم مى؟ سن سالدین مى؟

بیز سالدیق مى؟ سیز سالدینیز مى؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ا » می باشد:

من قوردم مو؟ سن قوردون مو؟

يك) فعل گذشته دور در شکل سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:

biz gəlmışık mi?	بیز گل میشیك مى؟	mən gəlmışəm mi?	من گل میشم مى؟
siz gəlmışsiniz mi?	سیز گل میش سینیز مى؟	sən gəlmışən mi?	سن گل میش سن مى؟
onlar gəlmışlər mi?	اونلار گل میش لر مى؟	o gəlmış mi?	او گلمیش مى؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:

من گئرموشم مى؟ سن گئرموشسن مى؟

بیز گئرموشوک مو؟ سیز گئرموشسونوز مو؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ا » می باشد:

من آلمیشام مى؟ سن آلمیشسان مى؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئ » میباشد:

من دۇنۇشام مى؟	سن دۇنۇش سان مى؟	او دۇنۇش مو؟
----------------	------------------	--------------

بىز دۇنۇشوق مى؟	سىز دۇنۇش سونۇز مو؟	اۇنلار دۇنۇشلارمى؟
-----------------	---------------------	--------------------

(دو) فعل گذشته دورتر در شکل سوالی:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد:

biz ḡelmişdik mi ?	بىز گلمىشدىك مى؟	mən ḡelmişdimmi?	من گل مىشدىم مى؟
siz ḡelmişdiniz mi? ?	سىز گلمىشدىنiz مى؟	sən ḡelmişdinmi?	سن گل مىشدىن مى؟
onlar ḡelmişdilər mi? ?	اۇنلار گلمىشدىلər مى؟	o ḡelmişdimi?	او گل مىشدى مى؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » میباشد:

من ساتمامىشدىم مى؟	سن ساتمامىشدىن مى؟	او ساتمامىشدى مى؟
--------------------	--------------------	-------------------

بىز ساتمامىشدىق مى؟	سىز ساتمامىشدىنiz مى؟	اۇنلار ساتمامىشدىلارمى؟
---------------------	-----------------------	-------------------------

٢-٤) فعل گذشته استمراری در فرم سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در گذشته استمراری برای

ضمایر شخصی صرف میشود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » میباشد:

biz ḡelirdik mi?	بىز گليردىك مى؟	mən ḡelirdim mi?	من گليردىم مى؟
siz ḡelirdiniz mi?	سىز گليردىنiz مى؟	sən ḡelirdinmi?	سن گليردىن مى؟
onlar ḡelirdilər mi?	اۇنلار گليردىلər مى؟	o ḡelirdimi?	او گليردى مى؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » میباشد:

من سىليردىم مى؟	سن سىليردىن مى؟	او سىليردى مى؟
-----------------	-----------------	----------------

بىز سىليردىك مى؟	سىز سىليردىنiz مى؟	اۇنلار سىليردىلər مى؟
------------------	--------------------	-----------------------

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » میباشد:

من سوزوردوم مو؟	سن سوزوردون مو؟	او سوزوردو مو؟
-----------------	-----------------	----------------

بىز سوزوردوك مو؟	سىز سوزوردونوز مو؟	اۇنلار سوزوردولرمى؟
------------------	--------------------	---------------------

- افعالی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در فرم سوالی نفی و صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شعاعی	ریشه افعا	علامت گذشته و صرفی	پسوند سوالی	افعالی که آخرین حرف صدادار آن با حرف « ئ » باشد، علامت سوالی با همانگی نزد گ با حرف « ئ » ساخته می‌شوند.						
mən		döz döz döz döz döz döz	böl böl böl böl böl böl	düş düş düş düş düş düş	düz düz düz düz düz düz	düm dün (dü) dük dünüz dülər	mü? mü? mü? mü? mü? mi?	افعالی که آخرین حرف صدادار آن با حرف « ئ » باشد، علامت سوالی با همانگی نزد گ با حرف « ئ » ساخته می‌شوند.			
sən											
o											
biz	{										
siz											
onlar											
آخرین حرف علامت جمع « ئ » است، در نتیجه علامت سوالی با حرف « ئ » صرف می‌شود.						علامت جمع با همانگی کوچک صرف می‌شود.					

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئ » می‌باشد:

او آلیر دی می؟	سن آلیردین می؟	من آلیردیم می؟
اونلار آلیردیلار می؟	سیز آلیردینیز می؟	بیز آلیردیق می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئ » می‌باشد:

من دۇنوردو مو؟	سن دۇنوردون مو؟	او دۇنوردو مو؟
بیز دۇنوردوق مو؟	سیز دۇنوردونوز مو؟	اونلار دۇنوردولارمی؟

او دئدی، او گىچەن ایل قىشدا آفرىقادا ايدى ( دايىدى )، سۇر گۇرك ، او رادا دا قارىاغار می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئ » می‌باشد:

من اوخويوردو مو؟	سن اوخويوردون مو؟	او اوخويوردو مو؟
------------------	-------------------	------------------

بیز اوخويوردوq مو؟	سیز اوخويوردونوزمو؟	اونلار اوخويوردولارمی؟
--------------------	---------------------	------------------------

من تۇخويوردو مو؟ سن تۇخويوردون مو؟ او تۇخويوردو مو؟ بیز تۇخويوردوq مو؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئ » می‌باشد:

من سۇروردو مو؟	سن سۇروردون مو؟	او سۇروردو مو؟
----------------	-----------------	----------------

بیز سۇروردوq مو؟	سیز سۇروردونوز مو؟	اونلار سۇروردولارمی؟
------------------	--------------------	----------------------

یک) فعل گذشته دور استمراری در شکل سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد:

biz gəlirmişik mi?	بیز گلیرمیشیک می؟	mən gəlirmişəmmi?	من گلیرمیشم می؟
siz gəlirmişsiniz mi?	سیز گلیرمیشسینیز می؟	sən gəlirmişsənmi?	سن گلیرمیشسَن می؟
onlar gəlirmişlər mi?	اونلار گلیرمیش لرمی؟	o gəlirmişmi?	او گلیرمیش می؟

من گلیرمیشم می؟ من ایچیرمیشم می؟ من بیچیرمیشم می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » میباشد:

او گولورموش مو؟	سن گولورموش سن می؟	من گولورموشم می؟
اونلار گولورموشلرمی؟	سیز گولورموشسونوز مو؟	بیز گولورموشوك مو؟

من اوژولورموشدو مو؟ او اوژولورموشدو مو؟ او اوزولورموشدو لرمی و....

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » میباشد:

من آلیرمیشام می؟	سن آلیرمیش سان می؟	او آلیرمیش می؟
بیز آلیرمیشیق می؟	سیز آلیرمیش سینیز می؟	اونلار آلیرمیشلارمی؟
من قالیرمیشام می؟	سن قالیرمیشسان می؟	او قالیرمیشی؟ و....

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » میباشد:

من قۇرۇرموشام می؟	سن قۇرۇرموش سان می؟	او قۇرۇرموش مو؟
بیز قۇرۇرموشوق مو؟	سیز قۇرۇرموشسونوز مو؟	اونلار قۇرۇرموشلارمی؟
- من قۇرخورموشام می؟	سن قۇرخورموشسان می؟	او قۇرخورموشمو؟

دو) فعل گذشته دورتر استمراری در فرم سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » میباشد:

من گلیرمیشدىم می؟	سن گلیرمیشدىن می؟	او گلیرمیشدىمی؟
بیز گلیرمیشدىك می؟	سیز گلیرمیشدىيىز می؟	اونلار گلیرمیشدىلر می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » میباشد:

من گولورموشدو مو؟ سن گولورموش دون مو؟ او گولورموشدو مو؟

بیز گولورموشدوک مو؟ سیز گولورموش دونوز مو؟ او نلار گولورموشدورلرمی؟

- من دوزورموشدو مو؟ سن دوزورموشدون مو؟ او دوزورموشدو مو؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ، ة » باشد، به شرح زیر

صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

ضمایر شخصی	ضمایر افعا	ال	ریشه افعا	ال	علامت زمان	علامت گذشته دور	علامت گذشته	علامت سوالی	پسوند سوالی
mən	dən	gör	süz	düş	ür	müs	düm	mü?	
sən	dən	gör	süz	düş	ür	müs	dün	mü?	بعد از علامت جمع
o	dən	gör	süz	düş	ür	müs	dü	mü?	با آهنگ بالائی،
biz	dən	gör	süz	düş	ür	müs	dük	mü?	علامت سوالی با حرف
siz	dən	gör	süz	düş	ür	müs	dünüz	mü?	« ئ » صرف می‌شود.
onlar	dən	gör	süz	düş	ür	müs	dü lər	mi?	

علامت جمع با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

این چهار پسوند با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.

من سولورموشدو مو؟ سن سولورموشدون مو؟ او سولورموشدو مو؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

او آلیرمیشدیم می؟	سن آلیرمیشدین می؟	من آلیرمیشدیم می؟
اونلار آلیرمیشدیلارمی؟	سیز آلیرمیشدینیز می؟	بیز آلیرمیشدیق می؟

من بیغیرمیشدیم می؟ سن بیغیرمیشدین می؟ او بیغیرمیشدی می؟

بیز بیغیرمیشدیق می؟ سیز بیغیرمیشدینیز می؟ او زلار بیغیرمیشدیلارمی؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئ » می‌باشد:

من یولورموشدو مو؟ سن پولورموشدون مو؟ او یولورموشدو مو؟

بیز یولورموشدوک مو؟ سیز یولورموشدونوز مو؟ او نلار یولورموشدولارمی؟

- من دونورموشدو مو؟ سن دونورموشدون مو؟ او دونورموشدو مو؟

- من قونورموشدو مو؟ سن قونورموشدون مو؟ او قونورموشدو مو؟

### ۲۳-۳) فعل آینده نزدیک در گذشته در فرم سوالی:

فعل آینده نزدیک در گذشته به شکل زیر در فرم سوالی به کار گرفته می‌شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می‌باشد:

biz gələrdikmi?	بیز گلردىك مى؟	mən gələrdimmi?	من گلردىم مى؟
siz gələrdinizmi?	سیز گلردىنیز مى؟	sən gələrdinmi?	سن گلردىن مى؟
onlar gələrdilərmi?	اونلار گلردىلەر مى؟	o gələrdimi?	او گلردى مى؟

من اونا دئسه يدیم، او گلردى مى؟ بلى، سن اونا دئسه يدیم، او حتماً گلردى.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ل » می‌باشد:

من dövərədim mi?	سن dövərədilən mi?
بیز dövərədilər mi?	سیز dövərədiləz mi?

یك) فعل آینده نزدیک در گذشته دور و شکل سوالی آن:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » می‌باشد:

بیز گلرمیشیك مى؟	mən gələrmışəmmi?	من گلرمیشم مى؟
سیز گلرمیش سینیز مى؟	sən gələrmışənmi?	سن گلرمیش سن مى؟
اونلار گلرمیشلەر مى؟	o gələrmışmi?	او گلرمیش مى؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » می‌باشد:

من گولرمیشم مى؟	سن گولرمیشىن مى؟	او گولرمیش مى؟
بیز گولرمیشیك مى؟	سیز گولرمیش سینیز مى؟	اونلار گولرمیشلەر مى؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ا » می‌باشد:

من yığarمیشام مى؟	سن yığarمیش سان مى؟	او yığarمیش مى؟
بیز yığarمیشىق مى؟	سیز yığarمیش سینیز مى؟	اونلار yığarمیشلەر مى؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » می‌باشد:

من sələrمیشام مى؟	سن sələrمیشسان مى؟	او sələrمیش مى؟
بیز sələrمیشىق مى؟	سیز sələrمیش سینیز مى؟	اونلار sələrمیشلەر مى؟

دو) فعل آینده نزدیک در گذشته دورتر در شکل سوالی:

(a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد:

بیز	گلرمیشدیک می؟	mən gələrmışdimmi?	من گلرمیشدیم می؟
سیز	گلرمیشدینیز می؟	sən gələrmışdinmi?	سن گلرمیشدین می؟
اونلار	گلرمیشدیلر می؟	o gələrmışdimi?	او گلرمیشدی می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد:

- |                    |                      |                        |
|--------------------|----------------------|------------------------|
| من دؤزرمیشدیم می؟  | سن دؤزرمیشدین می؟    | او دؤزرمیشدی می؟       |
| بیز دؤزرمیشدیک می؟ | سیز دؤزرمیشدینیز می؟ | اونلار دؤزرمیشدیلر می؟ |

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ا » میباشد:

- |                    |                     |                        |
|--------------------|---------------------|------------------------|
| من آلامیشدیم می؟   | سن آلامیشدین می؟    | او آلامیشدی می؟        |
| بیز آلامیشدیق می؟  | سیز آلامیشدینیز می؟ | اونلار آلامیشدیلار می؟ |
| من بیغارمیشدیم می؟ | سن بیغارمیشدین می؟  | او بیغارمیشدی می؟      |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئ » میباشد:

- |                     |                       |                          |
|---------------------|-----------------------|--------------------------|
| من سۇرارمیشدیم می؟  | سن سۇرارمیشدین می؟    | او سۇرارمیشدی می؟        |
| بیز سۇرارمیشدیق می؟ | سیز سۇرارمیشدینیز می؟ | اونلار سۇرارمیشدیلار می؟ |

سه) فرم قدیمی فعل آینده نزدیک در گذشته در شکل سوالی:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » میباشد:

- |                 |                   |                     |
|-----------------|-------------------|---------------------|
| من گولرمی دیم؟  | سن گولرمی دین؟    | او گولرمی دی؟       |
| بیز گولرمی دیک؟ | سیز گولرمی دینیز؟ | اونلار گولرمی دیلر؟ |

چهار) فرم قدیمی فعل آینده نزدیک در گذشته دورتر در شکل سوالی:

- |                   |                     |                       |
|-------------------|---------------------|-----------------------|
| من گولرمی میشم؟   | سن گولرمی میشىن؟    | او گولرمی میش؟        |
| بیز گولرمی میشىك؟ | سیز گولرمی میشىنىز؟ | اونلار گولرمی میشىلر؟ |
| من دوزرمی میشم؟   | سن دوزرمی میش سن؟   | او دوزرمی میش؟        |

### ۲۳-۳) فعل مصدری در گذشته استمراری در شکل سوالی در دو فرم صرف می‌شود:

فرم اول) شکلی که پسوند سوالی آن در آخر فعل قرار می‌گیرد:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می‌باشد:

من گلمکده یدیم می؟	او گلمکده یدین می؟	سن گلمکده یدیم می؟	سیز گلمکده یدیک می؟	او نلار گلمکده یدینیز می؟	من گیتمکده یدیم می؟	من سیلمکده یدیم می؟
بیز گلمکده یدیک می؟	او نلار گلمکده یدیلرمی؟	سیز گلمکده یدینیز می؟	من گیتمکده یدیم می؟	من سیلمکده یدیم می؟	و...	
من گولمکده یدیم می؟	او گولمکده یدین می؟	سن گولمکده یدیم می؟	سیز گولمکده یدیک می؟	او نلار گولمکده یدینیز می؟	من گولمکده یدیک می؟	من گولمکده یدیلرمی؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ة » می‌باشد:

من گولمکده یدیم می؟	او گولمکده یدین می؟	سن گولمکده یدیم می؟	سیز گولمکده یدیک می؟	او نلار گولمکده یدینیز می؟	من گولمکده یدیک می؟	من گولمکده یدیلرمی؟
---------------------	---------------------	---------------------	----------------------	----------------------------	---------------------	---------------------

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر همراه پسوند سوالی

صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند سوالی	علامت گذشته حرف تکمیلی	پسوند مصدر	ریشه فعلی	الامات فعلی	ضمایر شخصی	mən	gəl	get	iç	gör	düş	mək	də	y	(i) dim	mi?
sən						mən	gəl	get	iç	gör	düş	mək	də	y	(i) din	mi?
o						mən	gəl	get	iç	gör	düş	mək	də	y	(i) di	mi?
biz						mən	gəl	get	iç	gör	düş	mək	də	y	(i) dik	mi?
siz						mən	gəl	get	iç	gör	düş	mək	də	y	(i) diniz	mi?
onlar						mən	gəl	get	iç	gör	düş	mək	də	y	(i) dilər	mi?

درین دو حرف صدادار یک حرف تکمیلی نهاده می‌شود. این دو پسوند با هماهنگی کوچک ساخته می‌شوند.

من یئمکده یدیم می؟ من آکمکده یدیم می؟ من سیلمکده یدیم می؟ من دوزمکده یدیم می؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من آلماقدايدیم می؟ سن آلماقدايدین می؟ او آلماقدايدی می؟

بیز آلماقدایدیق می؟ سیز آلماقدایدینیز می؟ اونلار آلماقدایدیلار می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ل » می باشد:

من قورماقدایدیم می؟ سن قورماقدایدین می؟ او قورماقدایدی می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر همراه پسوند سوالی

صرف شده و به بخشها مختلط تجزیه می شود:

پسوند سوالی	حروف تکمیلی پسوند گذشته و پسوند صرفی	پسوند فعلی	پسوند مصدر	ریشه افعال	ضمایر شخصی
علامت سوالی	y( i ) dım	da	maq	al	mən
این افعال با حرف « ل » ساخته می شود.	y( i ) dın	da	maq	yıx	sən
	y( i ) dı	da	maq	yol	o
	y( i ) diq	da	maq	uy	biz
	y( i ) dırınız	da	maq	al	siz
	y( i ) dılar	da	maq	yıx	onlar

علامت فعل مصدری و پسوند مصدر با هماهنگی کوچک ساخته می شوند.

پسوند صرفی و گذشته با هماهنگی بزرگ صرف می شوند.

فرم دوم ) - من گلمکده می دیم؟ سن گلمکده می دین؟ او گلمکده می دی؟

- من قالماقدامی دیم؟ سن قالماقدا می دین؟ او قالماقدا می دی؟

### ۲۴-۵) فعل آینده دور در گذشته در شکل سوالی:

فعل آینده دور در گذشته به شکل زیر در فرم سوالی صرف می شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:

من گله جه یدیم می؟ سن گله جه یدین می؟ او گله جه یدی می؟

بیز گله جه یدیک می؟ سیز گله جه یدینیز می؟ اونلار گله جه یدیلرمی؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:

من گئوره جه یدیم می؟ سن گئوره جه یدین می؟ او گئوره جه یدی می؟

بیز گئوره جه یدیک می؟ سیز گئوره جه یدینیز می؟ اونلار گئوره جه یدیلرمی؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئ » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می شود:

من	قالاجاغیدیم می؟
بیز	قالاجاغیدیق می؟

من بیغاجاغیدیم می؟      سن بیغاجاغیدین می؟      اُر بیغاجاغیدی می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ۰ » می باشد:

من قوراچاغیدیم می؟      سن قوراچاغیدین می؟      اُر قوراچاغیدی می؟

بیز قوراچاغیدیق می؟      سیز قوراچاغیدینیز می؟      اونلار قوراچاغیدیلار می؟

یك) فعل آینده دور در گذشته دور در شکل سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:

من	گُوره جه یمیشم می؟
بیز	گُوره جه یمیشیک می؟

من گوله جه یمیشم می؟      من سوزه جه یمیشم می؟      من دوشه جه یمیشم می؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ۰ » می باشد:

من قوراچاغیمیشام می؟      سن قوراچاغیمیشسان می؟      اُر قوراچاغیمیش می؟

بیز قوراچاغیمیشیق می؟      سیز قوراچاغیمیشسینیز می؟      اونلار قوراچاغیمیشلار می؟

- این فعل مخفف شده و به شکل « قوراچاقمیش » نیز صرف می شود.

۶-۲۴) فعل شرطی غیر واقعی در گذشته در شکل سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » باشد، به شکل زیر در گذشته

در فرم سوالی برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

biz gəlsəydikmi?	بیز گلسه یدیک می؟	mən gəlsəydimmi?	من گلسه یدیم می؟
siz gəlsəydimizmi?	سیز گلسه یدینیز می؟	sən gəlsəydimi?	سن گلسه یدین می؟
onlar gəlsəydlərmi?	اونلار گلسه یدیلر می؟	o gəlsəydimi?	او گلسه یدی می؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ۰ » می باشد:

من سؤلسایدیم می؟      سن سؤلسایدین ؟      او سؤلسایدی می؟

۲۵) نفي فعل سوالی در شکلهاي مختلف:

۲۵-۱) نفي فعل در زمان حال در شكل سوالی در دو فرم زير صرف می شود:

یک فرم) شکلی که علامت سوالی در آخر فعل به کار گرفته می‌شود. مثال:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی « i ، e ، ə » باشد، به شکل زیر با پسوند

«می» نفی و در فرم سوالی صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند سوالی	پسوند صرفی	علامت زمان	علامت نفی و حرف تکمیلی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
پسوند سوالی	پسوند صرفی	علامت زمان	علامت نفی و حرف تکمیلی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
mi?	əm	ir	m (iy)	gəl ged iç	mən
mi?	sən	ir	m (iy)	gəl ged iç	sən
mi?	(dir)	ir	m (iy)	gəl ged iç	o
mi?	ik	ir	m (iy)	gəl ged iç	biz
mi?	siniz	ir	m (iy)	gəl ged iç	siz
mi?	dir lər	ir	m (iy)	gəl ged iç	onlar

{ با هماهنگی بزرگ صرف می شود.

b) نفي فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی «u، o، ا، a » باشد، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

ضمایر شخصی	ریشه افعال	علامت نفی و حرف تکمیلی	علامت زمان حال	پسوند صرفی	پسوند سوالی
mən	dol	yol	uy	m (uy)	ur
sən	dol	yol	uy	m (uy)	ur
o	dol	yol	uy	m (uy)	ur
biz	dol	yol	uy	m (uy)	ur
siz	dol	yol	uy	m (uy)	ur
onlar	dol	yol	uy	m (uy)	ur
					am
					san
					(dur)
					uq
					sunuz
					dur lar
					mi?
					mu?
					mu?
					mu?
					mi?

دو فرم) - من گلیرمی یم؟ سن گلیرمی سن؟ او گلیرمی (دیر)؟ بیز گلیرمی ییک؟

- من قۇرۇرمۇ يام؟ سىن قۇرۇرمۇسان؟ او قۇرۇرمۇ (دور)؟ بىز قۇرۇرمۇ يوق؟

## ۲۵-۲) نفی فعل آینده نزدیک در شکل سوالی:

- فرمی که برای حروف پسوندی سوالی در آخر فعل به کار گرفته می‌شود.

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی «ü، ö، e» باشد، به شکل زیر نفی

و در فرم سوالی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند صرفی	ضمایر متصل شخصی	علامت زمان	علامت نفی و حرف تکمیلی	ریشه افعا	ال	ضمایر شخصی
mi?	əm	ər	m (əy)	düş	iç	gəl
mi?	sən	ər	m (əy)	düş	iç	ged
mi?	(dir)	ər	m (əy)	düş	gül	gəl
mi?	ik	ər	m (əy)	düş	gül	ged
mi?	siniz	ər	m (əy)	düş	iç	gəl
mi?	dir lər	ər	m (əy)	düş	gül	ged

از افعال مذکور این دو حرف «y, e» حذف می‌شوند.

چهار ضمیر زیر با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف «a, o, u, ü» باشد، به شکل زیر نفی شده و برای ضمایر شخصی صرف و به بخش‌های مختلف تقسیم می‌شود:

پسوند سوالی	ضمیر متصل شخصی	علامت زمان	علامت نفی	ریشه افعا	ال	ضمایر شخصی
mi?	am	ar	m (ay)	yol	yix	al
mi?	san	ar	m (ay)	uy	yix	al
mi?	(dir)	ar	m (ay)	uy	yix	al
mi?	iq	ar	m (ay)	uy	yix	al
mi?	sınız	ar	m (ay)	uy	yix	al
mi?	dır lar	ar	m (ay)	uy	yix	al

علامت سوالی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

از پسوند آینده نزدیک و علامت نفی این دو حرف (ay) حذف می‌شود.

- من قالما[یا] رام می؟ سن قالما[یا] رسان می؟ او قالما یار می؟

بیز قالما[یا] ریق می؟

### ۲۵-۳) نفی فعل مصدری در شکل سوالی با کلمه «دگیل»:

- این فعل در دو شکل قابل صرف است:

a) نفی فعل سوالی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» میباشد:

او گلمکده دگیل می؟	سن گلمکده دگیلسن می؟	من گلمکده دگیلم می؟
اونلار گلمکده دگیل لرمی؟	سیز گلمکده دگیلسینیز می؟	بیز گلمکده دگیلیک می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» میباشد:

من ایچمکده دگیلم می؟ سن ایچمکده دگیلسن می؟ او ایچمکده دگیل می؟

بیز ایچمکده دگیلیک می؟ سیز ایچمکده دگیلسینیز می؟ اونلار ایچمکده دگیل لرمی؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» میباشد:

من گولمکده دگیلم می؟ سن گولمکده دگیلسن می؟ او گولمکده دگیلمی؟

بیز گولمکده دگیلیدیک می؟ سیز گولمکده دگیلیدینیز می؟ اونلار گولمکده دگیلیدیلرمی؟

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» میباشد:

من آلماقدادگیلم می؟ سن آلماقدادگیل سن می؟ او آلماقدادگیل می؟

بیز آلماقدادگیلیک می؟ سیز آلماقدادگیل سینیز می؟ اونلار آلماقدادگیل لرمی؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» میباشد:

من قورماقادادگیلم می؟ سن قورماقادادگیلسن می؟ او قورماقادادگیل می؟

بیز قورماقادادگیلیک می؟ سیز قورماقادادگیل سینیز می؟ اونلار قورماقادادگیل لرمی؟

- سن منی گئرنده، من ساعتی قورماقادا دگیلیدیم می؟ سن بۇرايا گلنده، من اوخوماقدا دگیلیدیم می؟

### ۲۵-۴) نفی فرم دوم فعل مصدری در شکل سوالی با کلمه «دگیل»:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» میباشد:

من گئتمکده دگیل مییم؟ سن گئتمکده دگیل میسن؟ او گئتمکده دگیل می دیر؟

بیز گئتمکده دگیل مییئك؟ سیز گئتمکده دگیل میسینیز؟ اونلار گئتمکده دگیل میدیرلر؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «تا» میباشد:

من سوزمکده دگیل می‌یم؟ سن سوزمکده دگیل می‌سن؟ او سوزمکده دگیل می‌دیر؟  
 بیز سوزمکده دگیل می‌بیک؟ سیز سوزمکده دگیل می‌سینیز؟ اونلار سوزمکده دگیل می‌دیرلر؟  
 b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

من آلماقدادگیلمی‌یم؟	سن آلماقدادگیل می‌سن؟	او آلماقدادگیلمی‌(دیر)?
بیز آلماقدادگیلمی‌بیک؟	سیز آلماقدادگیل می‌سینیز؟	اونلار آلماقدادگیل می‌لر؟

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:  
 من قورماقادادگیلمی‌یم؟ سن قورماقادادگیل می‌سن؟ او قورماقادادگیل می‌(دیر)?  
 بیز قورماقادادگیلمی‌بیک؟ سیز قورماقادادگیل می‌سینیز؟ اونلار قورماقادادگیل می‌لر؟

#### ۵-۵) نفی فعل آینده دور در فرم سوالی:

نفی فعل سوالی در آینده دور در سه شکل قابل صرف می‌باشد. یک فرم آن با پسوند «مه، ما» با هماهنگی کوچک و فرم دوم آن با پسوند «می، مو» با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. در فرم سوم نیز علامت سوالی ما قبل پسوند صرفی قرار گرفته و با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. مثال:

فرم اول) فعل سوالی که با علامت «مه، ما» نفی می‌شود:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» می‌باشد:	من گلمه يه جه يم می؟ mən gəlməyəcəyəm mi?	من گلمه يه جه يم می؟
	سن گلمه يه جه ك سينيز می؟ sən gəlməyəcəksənmi?	سن گلمه يه جكشن می؟
	او گلمه يه جه ك لرمى؟ o gəlməyəcəkmi?	او گلمه يه جاك می؟

- سن منيم دويونومه (تؤييما) گلمه يه جه كسن می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» می‌باشد:  
 من ايچمه يجيم می؟ سن ايچمه يجكسن می؟ او ايچمه يه جك می؟  
 بیز ايچمه يجبيك می؟ سیز ايچمه يجكسينيز می؟ اونلار ايچمه يه جكلرمى؟  
 - نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» می‌باشد:

من گئورمه يه جئیم می؟ سن گئورمه يه جکسن می؟ او گئورمه يه جلک می؟

بیز گئورمه يه جئیلک می؟ سیز گئورمه يه جکسینیز می؟ اونلار گئورمه يه جکلرمی؟

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف «ü، ö، i، e، a» باشد، به شکل زیر نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند سوال	علامت صرفی	علامت آینده	حروف تکمیلی	علامت نفی	ریشه افعانی	ضمایر شخصی
mi?	əcəy	y	mə	dər sil döz süz	dər sil döz süz	mən
mi?	əcək	y	mə	dər sil döz süz	dər sil döz süz	sən
mi?	əcək	y	mə	dər sil döz süz	dər sil döz süz	o
mi?	əcəy	y	{ mə	dər sil döz süz	dər sil döz süz	biz
mi?	əcək	y	{ mə	dər sil döz süz	dər sil döz süz	siz
mi?	əcək	y	mə	dər sil döz süz	dər sil döz süz	on,lar

پسوند آینده دور و علامت نفی این فعل با همانگی کوچک صرف می‌شوند.

من سرمه يه جئیم می؟ من آله مه يه جیم می؟ من بیلمه يه جیم می؟ من اکمه يه جیم می؟

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «a» می‌باشد:

من قالماياجاگام می؟ سن قالماياجاگاسان می؟ او قالماياجاچاق می؟

بیز قالماياجاگاغیق می؟ سیز قالماياجاگاسینیز می؟ اونلار قالماياجاچاق لارمی؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

من دیغماياجاگام می؟ سن دیغماياجاگاسان می؟ او دیغماياجاچاق می؟

بیز دیغماياجاگاغیق می؟ سیز دیغماياجاگاسینیز می؟ اونلار دیغماياجاچاقلارمی؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ü» می‌باشد:

من قۇرمایجاگام می؟ سن قۇرمایجاگاسان می؟ او قۇرمایجاچاقمی؟

بیز قۇرمایجاگاغیق می؟ سیز قۇرمایجاگاسینیز می؟ اونلار قۇرمایجاچاقلارمی؟

- من سۇلمایجاگام می؟ سن سۇلمایجاگاسان می؟ او سۇلمایجاچاق می؟

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف «a، ü، ö، i» باشد، به شکل زیر نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

» باشد، به شکل زیر نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ال	اعمال	ریشه افعا	علامت نفی	حرف تکمیلی	علامت آینده	علامت آینده	پسوند صرفی	پسوند صرفی	علامت سوال
mən	al	yığ	sor	dur	ma	y	acağ	am		mi?
sən	al	yığ	sor	dur	ma	y	acaq	san		mi?
o	al	yığ	sor	dur	ma	y	acaq	(dır)		mi?
biz	al	yığ	sor	dur	ma	y	acağ	ıq		mi?
siz	al	yığ	sor	dur	ma	y	acaq	sınız		mi?
onlar	al	yığ	sor	dur	ma	y	acaq	dırlar		mi?

پسوند آینده و علامت نفی با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

- از اینکه علامت آینده با هماهنگی کوچک و با حرف « a » صرف می‌شود، در نتیجه پسوند سوالی آن با هماهنگی بزرگ و با حرف « ı » به کار گرفته می‌شود.

فرم دوم) شکل سوالی که با هماهنگی بزرگ با پسوند « می، مو » نیز نفی می‌شود:

- a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ə » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من سَپمِی يَجَّيْمِ مِی؟ او سن سَپمِی يَجَّكَسِن مِی؟

بیز سَپمِی يَجِيْكِ مِی؟ سیز سَپمِی يَجَّکَسِنِیز مِی؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ə » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود.

من بِیچمِی يَه جَهِ يَمِ مِی؟ سن بِیچمِی يَه جَكَسِن مِی؟ او سن بِیچمِی يَه جَكِ مِی؟

بیز بِیچمِی يَه جَه بِیکِ مِی؟ سیز بِیچمِی يَه جَكَسِنِیز مِی؟ او نلار بِیچمِی يَه جَكَلِرِمِی؟

بیز بِیچمِی يَه جَه بِیکِ مِی؟ سیز بِیچمِی يَه جَكَسِنِیز مِی؟ او نلار بِیچمِی يَه جَكَلِرِمِی؟

من يَكِمِي يَه جَه يَمِ مِی؟ سن تِيكِمِي يَه جَكَسِن مِی؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ə » می‌باشد:

من گئرمو يه جه يم مى؟ سن گئرمويه جڪسن مى؟ او گئرمويه جك مى?  
 بيز گئرمو يه جه ييك مى؟ سيز گئرمويه جڪسينيز مى؟ اوٽلار گئرمويه جڪلرمى?  
 a) نفي فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائينى و با حرف « a » مى باشد:

من قالمى ياجاغام مى؟	من قالمى ياجاقسان مى؟	من قالمى ياجاق مى؟
بيز قالمى ياجاغيق مى؟	سيز قالمى ياجاقسينيز مى؟	اوٽلار قالمى ياجاقلارمى؟

من قانمى ياجاغام مى؟ سن قانمى ياجاقسان مى؟ او قانمى ياجاق مى?  
 - نفي فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائينى و با حرف « a » مى باشد:

- من سولمو ياجاغام مى؟ سن سولمو ياجاقسان مى؟ او سولمو ياجاق مى?  
 بيز سولمو ياجاغيق مى؟ سيز سولمو ياجاقسينيز مى؟ اوٽلار سولمو ياجاقلارمى?  
 - من سولمو ياجاغام مى؟ سن سولمو ياجاقسان مى؟ او سولمو ياجاق مى?

- نفي فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائينى و با حرف « a » مى باشد:  
 من بولمو ياجاغام مى؟ سن بولمو ياجاقسان مى؟ او بولمو ياجاق مى?  
 بيز بولمو ياجاغيق مى؟ سيز بولمو ياجاقسينيز مى؟ اوٽلار بولمو ياجاقلارمى?

فرم سوم ) نفي فرم قديمى فعل در آينده دور در شكل سوالى:

- در صرف فرم قديمى، پسوند سوالى بين فعل و پسوند صرفى قرار مى گيرد.

a) نفي فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائي و با حرف « ء » باشد، به شكل زير برای ضمایر شخصی صرف مى شود:

من گئرمه يه جك مى يم؟ سن گئرمه جك مى سن؟ او گئرمه يه جك مى (دير)?  
 بيز گئرمه يه جك مى ييك؟ سيز گئرمه يه جكمى سينيز؟ اوٽلار گئرمه يه جكمى (دير) لر؟  
 من ايچمه يه جك مى يم، سن ايچمه جك مى سن، او ايچمه جك مى و ...

b) نفي فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائينى و با حرف « a » مى باشد:

من قالمايا حاق مى يام؟ سن قالمايا حاق مى سان؟ او قالمايا حاق مى؟  
 بيز قالمايا حاق مى ييق؟ سيز قالمايا حاق مى سينيز؟ اوٽلار قالمايا حاق مى لار؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « لا » میباشد:

من قۇرمایاچاق می یام؟ سن قۇرمایاچاق میسان؟ او قۇرمایاچاق می(دیر)؟

بیز قۇرمایاچاق مییق؟ بیز قۇرمایاچاقمیسینیز؟ اونلار قۇرمایاچاقمی(دیر)لار؟

## ۶-۲۵) نفی فعلی امری در فرم سوالی:

فعل امری با پسوند « مه، ما » با هماهنگی کوچک نفی شده و با پسوند « می » با هماهنگی بزرگ در شکل سوالی به کار گرفته میشود.

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » میباشد:

biz gəlməyək mi?	بیز گلمه یه ک می؟	من گلمه ییم می؟
siz gəlməyin mi?	سیز گلمه یین می؟	سن گلمه می؟
onlar gəlməsinlər mi?	اونلار گلمه سین لرمی؟	او گلمه سین می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » میباشد:

من گئدمه ییم می؟ سن گئدمه سین می؟ او گئدمه می؟

بیز گئدمه یک می؟ سیز گئدمه یین می؟ اونلار گئدمه سینلر می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ö » میباشد:

biz görməyək mi?	بیز گۈرمە یک می؟	من گۈرمە ییم می؟
siz görməyin mi?	سیز گۈرمە یین می؟	سن گۈرمە می؟
onlar görməsinlər mi?	اونلار گۈرمە سیلرمی؟	او گۈرمە سین می؟

من سوزمه ییم می؟ من گولمه ییم می؟ من اوزمه ییم می؟

- توجه شود که افعال مذکور در محاوره خیلی کم به کار گرفته میشوند.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » میباشد:

- من آلماییم می؟ سن آلمامی؟ او آلماسین می؟

بیز آلمایاق می؟ سیز آلمایین می؟ اونلار آلماسینلار می؟

- من دانماییم می؟ من یانماییم می؟ من قالماییم می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

- |   |                  |                        |  |
|---|------------------|------------------------|--|
| - من بیغماییم می؟   | سن بیغما می؟     | او بیغماسین می؟        |  |
| بیز بیغمایاق می؟  | سیز بیغمایین می؟ | اونلار بیغماسینلار می؟ |  |
| سن دئدین، من بُو باداملاری بیغماییم می؟ سن، منه دئدین می؟ |                  |                        |  |

۲۵-۷) صرف نفی فعل فاعلیت صفتی در فرم سوالی در سه شکل:

frm اول) کلمه در شکل اسم و صفت به وسیله کلمه «دگیل» نفی می‌شود:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» می‌باشد:

بیز گلن دگیل یك می؟	من گلن دگیلم می؟
سیز گلن دگیل سینیز می؟	سن گلن دگیل سن می؟
او نلار گلن دگیل لرمی؟	o گلن دگیل(دیر) می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «تا» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

- |                    |                        |
|--------------------|------------------------|
| من گولن دگیلم می؟  | سن گولن دگیلسن می؟     |
| او گولن دگیلیک می؟ | سیز گولن دگیلسینیز می؟ |
| من سورن دگیلم می؟  | من اوزن دگیلم می؟      |

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

biz alan dəyilikmi?	mən alan deyiləmmi?	من آلان دئگیلم می؟
siz alan dəyilsinizmi?	sən alan dəyilsənmi?	سن آلان دئگیلسن می؟
onlar alan dəyil(dir)lərmi?	o alan dəyil(dir)mi?	او آلان دئگیل(دیر) می؟

- سیز، بُو کیتابی آلان دئگیل سینیز می؟ سیز بُو کیتابی ساتان دئگیل سینیز می؟

- من او کیتابی اوخویان دگیلم می؟ سن اوخویان دگیل سن می؟ او اوخویان دگیل می؟

frm دوم) شکل فعلی که در زمان حال نفی و صرف می‌شود:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل «mir» مخفف شده و

برای ضمایر شخصی صرف می شود:

biz gələnmirikmi?	بیز گلن میریک می؟	mən gələnmirəmmi?	من گلن میرم می؟
siz gələnmirsinizmi?	سیز گلن میرسینیز می؟	sən gələnmirsənmi?	سن گلن میرسن می؟
onlar gələnmirlərmi?	اونلار گلن میرلرمی؟	o gələnmirmi?	او گلن میر می؟

سن منه دئدین، حسن گلنمیرمی؟ بلی من دئدیم کی او گلنمیر.

b) نفی فعل فاعلیت صفتی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می باشد:

من آلانمیرام می؟	سن آلانمیرسان می؟
بیز آلانمیریق می؟	سیز آلانمیرسینیز می؟

فرم سوم) فعل فاعلیت صفتی در آینده نزدیک با پسوند «ما، ماز» و «مز، ماز» در فرم سوالی صرف می شود:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ه» می باشد:

من گلن مه رم می؟	سن گلن مزسن می؟
بیز گلن مه ریک می؟	سیز گلن موزسینیز می؟

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می باشد:

biz alanmariq mi?	بیز آلانماریق می؟	mən alanmaram mi?	من آلانمارام می؟
siz alanmazsınız mi?	سیز آلانمازسینیز می؟	sən alanmazsan mi?	سن آلانمازسان می؟
onlar alanmazlar mi?	اونلار آلانمازلار می؟	o alanmaz mi?	او آلانماز می؟

- فعل فاعلیت صفتی در آینده نزدیک با «ما، ماز» همراه فعل کمکی «او» در شکل سوالی:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ه» می باشد:

بیز گلن اولمایاریق می؟	mən gələn olmayarammi?	من گلن اولمایارام می؟
سیز گلن اولمازسینیز می؟	sən gələn olmazsanmi?	سن گلن اولمازسان می؟
اونلار گلن اولمازلار می؟	o gələn olmazmi?	او گلن اولماز می؟

- سئین فیکرینجه اونلاردان بۇرایا گلن اولماز می؟ منجه اونلاردان بۇرایا گلن اولماز.

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » میباشد:

من قالان اولمايارام می؟ سن قالان اولمازارسان می؟ او قالان اولمازار می؟

بیز قالان اولماياريق می؟ سیز قالان اولمازسینیز می؟ او نلار قالان اولمازلا رمی؟

- بیز بیخان اولماياريق می؟ سیز بیخان اولمازسینیز می؟ او نلار بیخان اولمازلا رمی؟

- من یازانام اولمارام می؟ سن یازان اولمايارسان می؟ او یازان اولمازار می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ۱ » میباشد:

من بیغان اولمايارام می؟ سن بیغان اولمازارسان می؟ او بیغان اولمازار می؟

بیز بیغان اولماياريق می؟ سیز بیغان اولمازسینیز می؟ او نلار بیغان اولمازلا رمی؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » میباشد:

من اوخوييان اولمايارام می؟ سن اوخوييان اولمازارسان می؟ او اوخوييان اولمازار می؟

بیز اوخوييان اولماياريق می؟ سیز اوخوييان اولمازسینیز می؟ او نلار اوخوييان اولمازلا رمی؟

## ۲۵-۸) نفی فعلی آرزوئی در فرم سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « e » میباشد:

من گلمه یم می؟ سن گلمه یه سن می؟ او گلمه یه می؟

بیز گلمه یك می؟ سیز گلمه یه سینیز می؟ او نلار گلمه یه لر می؟

سن دئدین، من اورایا گئتمه یم می؟ سن دئدین، او اورایا گلمه یه می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » میباشد:

من گولمه یم می؟ سن گولمه یه سن می؟ او گولمه یه می؟

بیز گولمه یك می؟ سیز گولمه یه سینیز می؟ او نلار گولمه یه لر می؟

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » میباشد:

من قالمايام می؟ سن قالماياسان می؟ او قالمايا می؟

بیز قالماياق می؟ سیز قالماياسینیز می؟ او نلار قالمايالار می؟

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ۱ » میباشد:

من يعمايام می؟ سن يعماياسان می؟ او يعمايا می؟

## ۲۶) نفی فعل گذشته در فرم سوالی: یک) نفی گذشته:

a) فعل گذشته به وسیله پسوند « مه » نفی می شود. علامت نفی به ریشه فعل متصل شده و با هماهنگی کوچک همراه علامت سوالی صرف می شود:  
- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:

biz ḡelmədik mi?	بیز گلمه دیک می؟	mən ḡelmədim mi?	من گلمه دیم می؟
siz ḡelmədiniz mi?	سیز گلمه دینیز می؟	sən ḡelmədin mi?	سن گلمه دین می؟
onlar ḡelmədilər mi?	اونلار گلمه دیلر می؟	o ḡelmədi mi?	او گلمه دی می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:  
من اؤتمه دیم می؟ سن اؤتمه دین می؟ او اؤتمه دی می؟  
سیز اؤتمه دینیز می؟ اونلار اؤتمه دیلر می؟  
- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این پنج حرف « ئ ، ة ، ئ ، ئ ، ئ » باشد، به شکل زیر صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می شوند:

ضمایر شخصی	علامت نفی					ریشه افعال		علامت گذشته و صرفی		پسوند سوالی
mən		gəl	ver	bil	döz	düş	mə		dim	mi?
sən		gəl	ver	bil	döz	düş	mə		din	mi?
o		gəl	ver	bil	döz	düş	mə		di	mi?
biz	{	gəl	ver	bil	döz	düş	mə		dik	mi?
siz		gəl	ver	bil	döz	düş	mə		diniz	mi?
onlar		gəl	ver	bil	döz	düş	mə		dilər	mi?

پسوندهایی که به دنبال علامت نفی (mə) با هماهنگی بزرگ صرف شوند، با حرف « ئ » ساخته می شوند.

- از اینکه علامت نفی با هماهنگی کوچک صرف می شود و به ریشه فعل متصل می شود، در نتیجه پسوندهای بعدی که با هماهنگی بزرگ صرف شوند، با یکی از این دو حرف (ئ ، ئ ) ساخته می شوند.  
b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من آلمادیم می؟      او آلمادی می؟      سن آلمادین می؟

بیز آلمادیق می؟      اونلار آلمادیلار می؟      سیز آلمادیز می؟

سن او کیتابی آلمادین می؟      سیز آونو یازمادین می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «۵» می باشد:

من دونمادیم می؟      سن دونمادین می؟      او دونمادی می؟

بیز دونمادیق می؟      اونلار دونمادیلار می؟      سیز دونمادیز می؟

- پسوندھائی که به دنبال پسوند نفی (ma) با همانگی بزرگ صرف شوند، با حرف «۱»

ساخته می شوند.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف «۱، a، u، o» باشد، به شکل زیر صرف شده و به بخشهاي مختلف تجزیه می شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	ریشه افعال	علامت نفی	علامت نفی	علامت گذشته و صرفی	علامت گذشته و صرفی	پسوند سوالی	پسوند سوالی
mən		sal	yığ	sor	dur	ma	dım	mi?	
sən		sal	yığ	sor	dur	ma	dın	mi?	
o		sal	yığ	sor	dur	ma	dı	mi?	
biz	{	sal	yığ	sor	dur	ma	dık	mi?	
sız		sal	yığ	sor	dur	ma	dınız	mi?	
onlar		sal	yığ	sor	dur	ma	dı lar	mi?	
پسوند گذشته و صرفی در فرم همانگی بزرگ صرف می شود.									

پسوند سوالی این  
فعل با همانگی  
بزرگ با حرف «۱»  
صرف می شود.

- پسوندھائی که با همانگی بزرگ به دنبال علامت نفی (ma) صرف شوند، با حرف «۱» ساخته می شوند. مثال:

من قالمادیم می؟ من آلمادیم می؟ من قیرمادیم می؟ من سیخمادیم می؟ من قؤخمادیم می؟

دو) نفی فعل گذشته دور در فرم سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «۵» باشد، به شکل زیر نفی

و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من گلمه میشم می؟ mən gəlməmişəmmi? بیز گلمه میشیک می؟ siz gəlməmişsiniz mi? سیز گلمه میش سینیز می؟ onlar gəlməmişlər mi? او گلمه میش می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد:

من گولمه میشم می؟	من گولمه میش سن می؟	من گولمه میش می؟
بیز گولمه میشیک می؟	سیز گولمه میش سینیز می؟	او گولمه میش می؟

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ا » میباشد:

من سالمامیشام می؟ سن سالمامیش سان می؟ او سالمامیش می؟ سیز سالمامیش سینیز می؟ او نلار سالمامیشلار می؟ من بیغمامیشیدیم می؟ سن بیغمامیشیدین می؟ او بیغمامیشیدی می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ۆ » میباشد:

من سوْلمامیشام می؟ سن سوْلمامیش سان می؟ او سوْلمامیش می؟ سیز سوْلمامیش سینیز می؟ او نلار سوْلمامیشلار می؟ بیز اورایا گئدنده، اورادا اوْت علف لر سوْلمامیشیدیلارمی؟

سه) نفی فعل گذشته دورتر در فرم سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف میشود:

من گلمه میشیدیم می؟ mən gəlməmişdimmi?	بیز گلمه میشیدیك می؟
سن گلمه میشیدین می؟ sən gəlməmişdinmi?	سیز گلمه میشیدینیز می؟
او گلمه میشیدیلر می؟ o gəlməmişdimi?	او نلار گلمه میشیدیلر می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد:

من دؤزمه میشیدیم می؟ سن دؤزمه میشیدین می؟ او دؤزمه میشیدی می؟ سیز دؤزمه میشیدیك می؟ او نلار دؤزمه میشیدیلر می؟

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ا » میباشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می شود:

او اونلار	قالمامیشدیں می? قالمامیشیدیلار می?	سن سیز	قالمامیشیدین می? قالمامیشیدینیز می?	من بیز	قالمامیشیدیم می? قالمامیشیدیق می?
--------------	---------------------------------------	-----------	--	-----------	--------------------------------------

من قی یمامیشدیم می؟ سن قی یمامیشدین می؟ او قی یمامیشدی می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « لا » می باشد:

من دُورمامیشدیم می؟ سن دُورمامیشدین می؟ او دُورمامیشدی می؟

بیز دُورمامیشیدیق می؟ سیز دُورمامیشیدینیز می؟ اونلار دُورمامیشیدیلار می؟

چهار) نفی فعل گذشته دور و دور در فرم سوالی:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می شود:

بیز سیز اونلار	گلمه میش میشیک می? گلمه میش میشیشیز می? گلمه میش میش میشلر می?	mən gəlməmişmişəmmi? sən gəlməmişmişsənmİ? o gəlməmişmişmi?	من سن او	گلمه میش میش می? گلمه میش میشیش می? گلمه میش میش میشلر می؟
----------------------	--	---	----------------	--

او گتمه میش میش می؟ او دئمه میش میش می؟

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من آلمامیش میشام می؟ سن آلمامیش میش سان می؟ او آلمامیش میش می؟

بیز آلمامیش میشیق می؟ سیز آلمامیش میش سینیز می؟ اونلار آلمامیش میشلار می؟

من بیغمامیش میشام می؟ سن بیغمامیش میش سان می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « لا » باشد، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من قُورمامیش میشام می؟ سن قُورمامیش میشسان می؟ او قُورمامیش میش می؟

بیز قُورمامیش میشیق می؟ سیز قُورمامیش میشیشیز می؟ اونلار قُورمامیشیشلار می؟

- بعد از پسوند نفی « ma » پسوندهای بعدی با هماهنگی بزرگ و با حرف « ا » ساخته می شوند.

## ۲۶-۱) نفی فعل گذشته استمراری در فرم سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در گذشته استمراری نفی و با علامت سوالی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ا» می‌باشد:

من سیلمیردیم می؟	او سیلمیردین می؟
------------------	------------------

بیز سیلمیردیک می؟	اونلار سیلمیردینیز می؟
-------------------	------------------------

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ۆ» می‌باشد:

من گئورموردو مو؟	سن گئورموردون مو؟
------------------	-------------------

بیز گئورموردوک مو؟	اونلار گئورموردونوز مو؟
--------------------	-------------------------

- افعالی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در فرم سوالی نفی، صرف و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند سوالی		علامت صرفی فعل	علامت نفی و زمان حال	ضمایر شخصی	ریشه افعا	ال		
mən	döz	böl	düş	düz	mür	düm	mü?	افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با حرف «تا» و «ۆ» باشند، پسوند سوالی آن با هماهنگی بزرگ پسوند سوالی آن با هماهنگی بزرگ با حرف «تا و او» صرف می‌شود.
sən	döz	böl	düş	düz	mür	dün	mü?	
o	döz	böl	düş	düz	{ mür	(dü)	mü?	
biz	döz	böl	düş	düz	{ mür	dük	mü?	
siz	döz	böl	düş	düz	{ mür	dünüz	mü?	
onlar	döz	böl	düş	düz	{ mür	dülər	mi?	

هر سه پسوند این افعال با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.

من دؤزموردو مو؟ من اوپموردو مو؟ او اوشوموردو مو؟ او گولموردو مو؟

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

من قالمیردیم می؟	سن قالمیردین می؟
------------------	------------------

بیز قالمیردیق می؟	اونلار قالمیردیلارمی؟
-------------------	-----------------------

من قانمیردیم می؟	من سانمیردیم می؟
------------------	------------------

یک) نفی فعل گذشته دور استمراری در فرم سوالی::

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » میباشد:

بیز	گلمیرمیشیک می؟	mən gəlmirmışəm mi?	من گلمیرمیشم می؟
سیز	گلمیرمیشیسینیز می؟	sən gəlmirmiṣṣən mi?	سن گلمیرمیش سن می؟
اونلار	گلمیرمیشلر می؟	o gəlmirmiṣ mi?	اوف گلمیرمیش می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » میباشد:

من دوشمورموش می؟ سن دوشمورموش سن می؟ اوف دوشمورموش مو؟

بیز دوشمورموشوك مو؟ سیز دوشمورموش سونوزمو؟ اونلار دوشمورموشلرمی؟

- نفی افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر در فرم سوالی در

گذشته دور استمراری صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند سوالی	علامت گذشته دور	علامت گذشته	پسوند تقی و تکمیلی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
پسوند سوالی	əm	mi?		m (üy)	mən
این فعل با دو حرف « ئ، ئى » ساخته می‌شود	sən	mi?		m (üy)	sən
	....	mü?		m (üy)	o
	ük	mü?	{	m (üy)	biz
	sünüz	mü?	{	m (üy)	siz
	...lər	mi?		m (üy)	onlar
چهار پسوند این فعل با همانگی بزرگ ساخته می‌شوند.	دو حرف (ئ، ي) از افعال مذکور حذف می‌شوند.				

- پسوند نفی و زمان حال در اصل به شکل « müür » است، که در صرف به شکل « mür » مخفف می‌شود.

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « آ » باشد، به شکل زیر

برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

من آلمیرمیشام می؟	سن آلمیرمیشسان می؟	بیز آلمیرمیشیق می؟
اوف آلمیرمیش می؟	سیز آلمیرمیش سینیز می؟	اونلار آلمیرمیشلار می؟

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد:

من قیرمیرمیشام می؟	سن قیرمیرمیش سان می؟
بیز قیرمیرمیشیق می؟	سیز قیرمیرمیشیینیز می؟
اوْ قابلاری قیرمیرمیش می؟ اوْ پارچانی جیرمیش می؟	

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «و» می‌باشد:

من سۆرمورموشام می؟	سن سۆرمورموش سان می؟
بیز سۆرمورموشوق مو؟	سیز سۆرمورموشونوزمو؟
دو) نفى فعل گذشته دورتر استمراری در فرم سوالی:	

a) نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ه» می‌باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیز گلمیرمیشیدیك می؟	mən gəlmirmişdimmi?	من گلمیرمیشیدیم می؟
سیز گلمیرمیشیدینیز می؟	sən gəlmirmişdinmi?	سن گلمیرمیشیدین می؟
اوْ گلمیرمیشیدیلر می؟	o gəlmirmişdimi?	اوْ گلمیرمیشیدی می؟

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ة» می‌باشد:

من گئرمورموشدو مو؟	سن گئرمورموشدون مو؟	اوْ گئرمورموشدو مو؟
بیز گئرمورموشدوک مو؟	سیز گئرمورموشدونوز مو؟	اوْنلار گئرمورموشدو لرمی؟

b) نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «ا» می‌باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

اوْ قیرمیرمیشیدی می؟	سن قیرمیرمیشیدین می؟	من قیرمیرمیشیدیم می؟
اوْنلار قیرمیرمیشیدیلار می؟	سیز قیرمیرمیشیدینیز می؟	بیز قیرمیرمیشیدیق می؟

- نفى فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف «لا» می‌باشد:

من قۇرمورموشدو مو؟	سن قۇرمورموشدون مو؟	اوْ قۇرمورموشدو مو؟
بیز قۇرمورموشدوق مو؟	سیز قۇرمورموشدونوز مو؟	اوْنلار قۇرمورموشدولارمی؟

## ۲۶-۲) نفی فعل گذشته آینده نزدیک در فرم سوالی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر با علامت « مه، ما » و « مز، ما » نفی و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

۱) فعلی که با « مز » نفی می شود، امروزه در همه جا مورد استفاده قرار می گیرد:	۲) فعلی که با پسوند « مه » نفی می شود ، امروزه به ندرت مورد استفاده قرار گرفته می شود:
من گلمزدیم می؟	mən gəlməzdımmi?
سن گلمزدین می؟	sən gəlməzdınnı?
او گلمزدی می؟	o gəlməzdımi?
بیز گلمزدیک می؟	biz gəlməzdıkkı?
سیز گلمزدینیز می؟	siz gəlməzdınnızı?
اونلار گلمزدیلر می؟	onlar gəlməzdılırmı?

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « a » می باشد:

من دوزمزدیم می؟	سن دوزمزدین می؟	او دوزمزدی می؟	بیز دوزمزدیک می؟
سیز دوزمزدینیز می؟	اونلار دوزمزدیلر می؟		

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر با پسوند « مز » نفی و صرف می شود:

من آلمازدیم می؟	سن آلمازدین می؟	او آلمازدی می؟	بیز آلمازدیق می؟
سیز آلمازدینیز می؟	اونلار آلمازدیلار می؟		

یک) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر با پسوند « ما » نفی و صرف می شود:

من آلمایاردیم می؟	سن آلمایاردین می؟	او آلمایاردی می؟	بیز آلمایاردیق می؟
سیز آلمایاردینیز می؟	اونلار آلمایاردیلار می؟		

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » می باشد:

من دُورمایاردیم می؟	سن دُورمایاردین می؟	او دُورمایاردی می؟	بیز دُورمایاردیق می؟
سیز دُورمایاردینیز می؟	اونلار دُورمایاردیلار می؟		

### ۲۶-۳) فرم قدیمی نفی فعل گذشته آینده نزدیک در فرم سوالی:

شکل صرفی که علامت سوالی در بین فعل و علامت نفی و ضمایر متصل شخصی به کار گرفته می شود:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:

من گلمزمی دیم؟	سن گلمزمی دین؟	او گلمزمی دی؟
بیز گلمزمی دیک؟	سیز گلمزمی دینیز؟	اونلار گلمزمی دیلر؟

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد:

من آلمازمی دیم؟	سن آلمازمی دین؟	او آلمازمی دی؟
بیز آلمازمی دیق؟	سیز آلمازمی دینیز؟	اونلار آلمازمی دیلار؟

### ۲۶-۴) نفی فعل گذشته مصدری در فرم سوالی در دو فرم:

فرم اول:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

من گلمکده دَگِيلديم می؟	سن گلمکده دَگِيلدين می؟	او گلمکده دَگِيلدي می؟
بیز گلمکده دَگِيلديک می؟	سیز گلمکده دَگِيلدينیز می؟	اونلار گلمکده دَگِيليلر می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئة » می باشد:

من گئورمکده دَگِيلديم می؟	سن گئورمکده دَگِيلدين می؟	او گئورمکده دَگِيلدي می؟
بیز گئورمکده دَگِيلديک می؟	سیز گئورمکده دَگِيلدينیز می؟	اونلار گئورمکده دَگِيليلر می؟

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد:

من آلماقدا دَگِيلديم می؟	سن آلماقدا دَگِيلدين می؟	او آلماقدا دَگِيلدي می؟
بیز آلماقدا دَگِيلديک می؟	سیز آلماقدا دَگِيلدينیز می؟	اونلار آلماقدا دَگِيليلر می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « لا » می باشد:

من قۇرماقدا دگىلدىم مى؟ سىن قۇرماقدا دگىلدىن مى؟ او قۇرماقدا دگىلدىمى؟  
بىز قۇرماقدا دگىلدىك مى؟ سىز قۇرماقدا دگىلدىنىز مى؟ او نلار قۇرماقدا دگىلدىلىر مى؟

#### ٢٦-٥) نفى فعل مصدرى در گذشته دور استمرارى در فرم سوالى(با دگىل):

a) نفى فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى و با حرف « ئ » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصى صرف مى شود:

بىز گلمکده دگىل مىشىك مى؟	mən gəlməkdə dəyilmışəm mi?	من گلمکده دگىل مىشم مى؟
سىز گلمکده دگىل مىشىسىزىمى؟	sən gəlməkdə dəyilmışsən mi?	سەن گلمکده دگىل مىشىسىزىمى؟
او نلار گلمکده دگىل مىش لىمى؟	o gəlməkdə dəyilmış mi?	اۇ گلمکده دگىل مىش مى؟

- نفى فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى و با حرف « ئ » مى باشد:

من گۇرمکده دگىل مىشىم مى؟ سىن گۇرمکده دگىل مىش سن مى؟ او گۇرمکده دگىل مىش مى؟  
بىز گۇرمکده دگىل مىشىك مى؟ سىز گۇرمکده دگىل مىش سىنىز مى؟ او نلار گۇرمکده دگىل مىشلىرى مى؟

b) نفى فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائينى و با حرف « ئا » مى باشد:

او آلماقدا دگىل مىش مى؟	سەن آلماقدا دگىل مىش سن مى؟	من آلماقدا دگىل مىشم مى؟
او نلار آلماقدا دگىل مىش سىنىز مى؟	سىز آلماقدا دگىل مىش سىنىز مى؟	بىز آلماقدا دگىل مىشىك مى؟

- نفى فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائينى و با حرف « ئا » مى باشد:

من دۇرماقدا دگىلەيمىشىم مى؟ سەن دۇرماقدا دگىلەيمىشىن مى؟ او دۇرماقدا دگىلەيمىش مى؟  
بىز دۇرماقدا دگىلەيمىشىك مى؟ سىز دۇرماقدا دگىلەيمىش سىنىز مى؟ او نلار دۇرماقدا دگىلەيمىشلىرى مى؟

توجه: از اينكە آخرین حرف صدادار کلمه نفى « دگىل » حرف « ئا » مى باشد ، در نتیجه تمام پسوندھائى کە بعد

از آن با هماهنگى بزرگ صرف شوند ، با حرف « ئا » ساخته مى شوند

#### ٢٦-٦) نفى فعل مصدرى در گذشته دورتر استمرارى در فرم سوالى(با دگىل):

a) فعلى كه آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائى و با حرف « ئ » مى باشد:

- من گلمکده دگىل مىشىدىم مى؟ mən gəlməkdə dəyilmışdim mi? ، بىز گلمکده دگىل مىشىدىك مى؟  
سەن گلمکده دگىل مىشىدىن مى؟ sən gəlməkdə dəyilmışdinmi? ، سىز گلمکده دگىل مىشىدىنىز مى؟  
اۇ گلمکده دگىل مىشىدىمى؟ o gəlməkdə dəyilmışdi mi? ، او نلار گلمکده دگىل مىشىدىلىرى مى؟

نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:

او گولمکده دگیل میشندیم؟	سن گولمکده دگیل میشدنیم می؟	من گولمکده دگیل میشیدیم می؟
اونلار گولمکده دگیل میشیدیلر می؟	سیز گولمکده دگیل میشیدینیز می؟	بیز گولمکده دگیل میشیدیک می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئ » می باشد:

من گورمکده دگیل میشیدیم می؟ سن گورمکده دگیل میشدنیم می؟ او گورمکده دگیل میشندیم می؟

بیز گورمکده دگیل میشیدیک می؟ سینیز گورمکده دگیل میشیدینیز می؟ اونلار گورمکده دگیل میشیدیلر می؟

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » می باشد:

او آلماقدا دگیل میشندیم می؟	سن آلماقدا دگیل میشدنیم می؟	من آلماقدا دگیل میشیدیم می؟
اونلار آلماقدا دگیل میشیدیلر می؟	سیز آلماقدا دگیل میشیدینیز می؟	بیز آلماقدا دگیل میشیدیک می؟

بیز یازماقدا دگیل میشیدیک می؟ سیز یازماقدا دگیل میشیدینیز می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » می باشد:

من قیلماقدا دگیل میشیدیم می؟ سن قیلماقدا دگیل میشدنیم می؟ او قیلماقدا دگیل میشندیم می؟

بیز قیلماقدا دگیل میشیدیک می؟ سیز قیلماقدا دگیل میشیدینیز می؟ اونلار قیلماقدا دگیل میشیدیلر می؟

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » می باشد:

من دۇرماقدا دگیل میشیدیم می؟ سن دۇرماقدا دگیل میشدنیم می؟ او دۇرماقدا دگیل میشندیم می؟

بیز دۇرماقدا دگیل میشیدیک می؟ سیز دۇرماقدا دگیل میشیدینیز می؟ اونلار دۇرماقدا دگیل میشیدیلر می؟

فرم دوم) نفی فعل مصدری در گذشته در فرم سوالی با کلمه « دگیل »:

a) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » می باشد:

من گئتمکده دگیل می دیم؟ سن گئتمکده دگیل می دین؟ او گئتمکده دگیل می دی؟

بیز گئتمکده دگیل می دیک؟ سیز گئتمکده دگیل می دینیز؟ اونلار گئتمکده دگیل می دیلر؟

b) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ئا » می باشد:

من آلماقداد گیلمی دیم؟ سن آلماقداد گیل می دین؟ او آلماقداد گیل می دی؟

اونلار آلماقداد گیل می دینیز؟ سیز آلماقداد گیل می دینیز؟ بیز آلماقداد گیلمی دیک؟

## ۲۷) فعل شرطی واقعی (با علامت ماضی)

فعلی است که از ترکیب ریشه فعل و پسوند گذشته « دی » و علامت شرطی « ئا » تشکیل می‌یابد و به شکل زیر صرف شده و به بخش‌های مختلف تقسیم می‌شود. مثال:

پسوند صرفی	حروف تکمیلی	علامت شرطی	علامت گذشته	ریشه افعال
(ə)m	(y)	(i) di	gəl	mən
(ə)m	(y)	(i) di	gül	mən
(a)m	(y)	(i) di	sor	mən

↑                      ↑                      ↑                      ↑                      ↑  
تمام حروفی که داخل پرانتز قرار گرفته اند، در صرف از افعال حذف می‌شوند.

ضمیر منفصل شخصی

- اگر در صرف فعل، دو حرف صدادار در کنار هم قرار گیرند، ما بین آنها یک حرف تکمیلی افزوده می‌شود، ولی در مخفف می‌شوند.

- در ترکیب افعال مذکور علامت « دی » پسوند « ماضی » است، که در این فعل مفهوم « گذشته » را نمی‌رساند، به همین دلیل برای بیان زمان دقیق کار، به جمله یک کلمه قید زمانی افزوده می‌شود. مثال: ( گلديسه م، گلديسم ) او دونن گلديسه، من ده همن گنتديم. او، ايندي گلديسه، من حرکت ائده رم ( ائده جه يم ).

### صرف نفی فعل شرطی واقعی (با پسوند ماضی):

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف « ئا » باشد، به شکل زیر با علامت ماضی در فرم « شرطی واقعی » صرف می‌شود:

biz gəldiysək	بیز گلديسه ک	mən gəldiysəm	من گلديسه م
siz gəldiysəniz	سیز گلديسه نیز	sən gəldiysən	سن گلديسه ن
onlar gəldiysələr	اوْنلار گلديسه لر	o gəldiysə	او گلديسه

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف ( او ، او ) می‌باشد:

من گولدویسم،	سن گولدویسن،
او گولدویسە،	سیز گولدویسە نیز،
اوْنلار گولدویسە لر،	بیز گولدویسک،

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف «ö, e, i» باشد، به شکل زیر صرف می‌شود:

gördüysəm	گُئردویسم	içdiysəm	ایچدیسم	getdiysəm	گَئتدیسم	من
gördüysən	گُئردویسن	içdiysən	ایچدیسنه	getdiysən	گَئتدیسنه	سن
gördüysə	گُئردویسنه	içdiysə	ایچدیسنه	getdiysə	گَئتدیسنه	او
gördüysək	گُئردویسنه ک	içdiysək	ایچدیسنه ک	getdiysək	گَئتدیسنه ک	بیز
gördüysəniz	گُئردویسنه نیز	içdiysəniz	ایچدیسنه نیز	getdiysəniz	گَئتدیسنه نیز	سیز
gördüysələr	گُئردویسنه لر	içdiysələr	ایچدیسنه لر	getdiysələr	گَئتدیسنه لر	اونلار

ائديسم (ائديسه م)، يئيديسم، بيلديسم، سيلديسم، گولدوسم، دوزدوسم، و...

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف «i, e, ö» باشد، به شکل زیر با علامت ماضی در فرم شرطی واقعی صرف و مخفف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضما	اعال	ريشه افعـال	علامت گذشته	علامت تكميلي	حـرف شـرطـي	علامـت شـرـطـي	پـسـونـدـ صـرفـي	پـسـونـدـ صـرفـي
mən		gəl	ged	sil	(i) di	y	(i) sə	(yə)m	
sən		gəl	ged	sil	(i) di	y	(i) sə	(sə)n	حروف مخفف شده
o	{	gəl	ged	sil	(i) di	y	(i) sə	...	پسوندها بدین شکل
biz		gəl	ged	sil	(i) di	y	(i) sə	(yə)k	با فعل شرطی به کار
siz		gəl	ged	sil	(i) di	y	(i) sə	niz	گرفته می‌شوند.
onlar		gəl	ged	sil	(i) di	y	(i) sə	...lər	

در صرف افعال، تمام حروفی که داخل پرانتز قرار گرفته اند، از افعال حذف می‌شوند.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف «ö» می‌باشد:

- من گُئردویسم، سن گُئردویسن، او گُئردویسنه، بیز گُئردویسنه ک، سیز گُئردویسنه نیز

- من گولدویسم، سن گولدویسن، او گولدویسنه، بیز گولدویسنه ک و...

- افعال شرطی واقعی که آخرین حرف صدادار ریشه آنها با حرف « ئ، ة » باشد، به شکل زیر نفی، صرف و مخفف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	علامت گذشته	حروف تکمیلی	علامت شرطی	علامت صرفی	پسوند صرفی	
mən		gör	gül	( ü ) dü	y	( i ) sə	( y ə ) m	پسوند صرفی فعل
sən		gör	gül	( ü ) dü	y	( i ) sə	( s ə ) n	شرطی بدین شکل
o	{	gör	gül	{ ( ü ) dü	{ y	{ ( i ) sə	{ ( ... )	مخفف شده
biz	{	gör	gül	{ ( ü ) dü	{ y	{ ( i ) sə	{ ( y ə ) k	به کار گرفته
siz		gör	gül	{ ( ü ) dü	{ y	{ ( i ) sə	{ ...niz	می شود.
onlar		gör	gül	{ ( ü ) dü	y	{ ( i ) sə	{ ...lər	

↑                          ↑                          ↑

در صرف فعل، تمام حروفی که داخل پرانتز قرار گرفته اند، از آن حذف می‌شوند.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz aldiysaq	آلدیساق	بیز	mən aldiysam	من آلدیسام
siz aldiysanız	آلدیسا نیز	سیز	sən aldiysan	سن آلدیسان
onlar aldiysalar	آونلار آلدیسالار	اوْنلار	o aldiysa	اوْ آلدیسا

من سالدیسام، من یازدیسام، من قالدیسام و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ا » می‌باشد:

biz yiğdışaq	ییغدیساق	بیز	mən yiğdışam	من بیغدیسام
siz yiğdışanız	ییغدیسانیز	سیز	sən yiğdışan	سن بیغدیسان
onlar yiğdışalar	ییغدیسالار	اوْنلار	o yiğdışa	اوْ بیغدیسا

- اصل فعل به شکل « بیغدی بیسایام yiğdışayam » است، که به شکل « بیغدیسام »

» مخفف می‌شود.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « a ، ئ » باشند، به شکل زیر همراه علامت ماضی در فرم شرطی واقعی، مخفف و صرف شده و به

بخش‌های مختلف تجزیه و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	علامت گذشته	حرف تکمیلی	علامت شرطی	علامت صرفی	پسوند صرفی	پسوند صرفی فعل شرطی بدین شکل مخفف شده به کار گرفته می‌شود.
mən	{}	sal	qır	(ı) dı	y	(ı) sa	(ya)m	{}
sən		sal	qır	(ı) dı	y	(ı) sa	(sa)n	
o		sal	qır	(ı) dı	y	(ı) sa	(...)	
biz		sal	qır	(ı) dı	y	(ı) sa	(ya)q	
siz		sal	qır	(ı) dı	y	(ı) sa	niz	
onlar		sal	qır	(ı) dı	y	(ı) sa	...lar	

در صرف افعال، تمام حروفی که داخل پرانتز قرار گرفته اند از آنها حذف می‌شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « ı ، u ، o » می‌باشد:

- من سؤلدويسام solduysam ، سن سؤلدويسان solduysan ، او سؤلدويسا

- من قوردويسام qurduysam ، سن قوردويسان qurduysan ، او قوردويسا

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از این دو حرف « ı ، u ، o »

باشد، به شکل زیر با علامت گذشته در فرم شرطی واقعی صرف و مخفف شده و به بخش‌های

مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر افعال	ریشه افعال	علامت گذشته	حرف تکمیلی	علامت شرطی	علامت صرفی	پسوند صرفی	حرف صدادار پسوند صرفی فعل شرطی وابسته به کلمات ما قبل خود می‌باشد.
mən	{}	sor	qur	(u) du	y	(ı) sa	(ya)m	{}
sən		sor	gül	(u) du	y	(ı) sa	(sa)n	
o		sor	gül	(u) du	y	(ı) sa	(...)	
biz		sor	gül	(u) du	y	(ı) sa	(ya)q	
siz		sor	gül	(u) du	y	(ı) sa	...niz	
onlar		sor	gül	(u) du	y	(ı) sa	...lar	

در صرف افعال ، تمام حروفی که داخل پرانتز قرار گرفته اند، از آنها حذف می‌شوند.

- اصل فعل به شکل « sorduysam » است، که در صرف به شکل « soruduyisayam »

مخفف می‌شود.

## ۲۷-۱) نفی فعل شرطی واقعی با علامت ماضی:

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» باشد، به شکل زیر با علامت ماضی در فرم شرطی واقعی نفی و صرف می‌شود:

biz gəlmə disək	گلمه دیسه ک	بیز	mən gəlmədisəm	من گلمه دی سم
siz gəlmədisəniz	گلمه دیسه نیز	سیز	sən gəlmədisən	سن گلمه دیسه ن
onlar gəlmədisələr	اونلار گلمه دیسه لر	او	o gəlmədisə	او گلمه دیسه

با وجودی که این فعل با علامت ماضی به کار گرفته می‌شود، ولی آن مفهوم گذشته را ندارد. اما با کلمه قید زمانی بر همه زمانها قابل صرف است.

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با حرف «ə» باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

biz gülmə disək	گولمه دیسه ک	بیز	mən gülmədisəm	من گولمه دی سم
siz gülmədisəniz	گولمه دیسه نیز	سیز	sən gülmədisən	سن گولمه دیسه ن
onlar gülmədisələr	اونلار گولمه دیسه لر	او	o gülmədisə	او گولمه دی سه

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر نفی و همراه علامت گذشته در فرم شرطی واقعی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضمایر شخصی	ریشه افعال	پسوند نفی	علامت گذشته	علامت تکمیلی	حروف تکمیلی	علامت شرطی	پسوند صرفی
mən		əz et bil		mə	(yi) di	y	(i) sə	(yə)m
sən		əz et bil		mə	(yi) di	y	(i) sə	(sə)n
o		əz et bil		mə	(yi) di	y	(i) sə	...
biz	{	əz et bil		mə	(yi) di	y	(i) sə	(yə)k
siz		əz et bil		mə	(yi) di	y	(i) sə	...niz
onlar		əz et bil		mə	(yi) di	y	(i) sə	...lər

حروفی که داخل پرانتز قرار گرفته اند، در صرف از اصل فعل مخفف می‌شوند.

- افعال مذکور با کلمات قید زمانی در زمان گذشته، حال و آینده قابل صرف می‌باشند.

b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » باشد، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی نفی و صرف می‌شود:

biz	almadısaq	بیز آلمادیساق	mən	almadısam	من آلما دیسام
siz	almadısanız	سیز آلمادیسا نیز	sən	almadısan	سن آلما دیسان
onlar	almadısalar	اونلار آلمادیسالار	o	almadısa	او آلما دیسا

- نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این سه حرف « i ، o ، u » باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

بیغمادیسا	او	yığmadısan	سن بیغمادیسان	yığmadısam	من بیغمادیسام
اونلار	بیغمادیسالار	yığmadısanız	سیز بیغمادیسانیز	yığmadısaq	بیز بیغمادیساق
سولمادیسا	او	solmadısan	سن سولمادیسان	solmadısam	من سولمادیسام
اونلار	سولمادیسالار	solmadısanız	سیز سولمادیسانیز	solmadısaq	بیز سولمادیساق
قورمادیسا	او	qurmadiyan	سن قورمادیسان	qurmadisam	من قورمادیسام
اونلار	قورمادیسالار	qurmadiyanız	سیز قورمادیسانیز	qurmadisaq	بیز قورمادیساق

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر نفی و همراه علامت گذشته و شرطی واقعی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

ضمایر شخصی	ضما	فعال	ریشه افعال	پسوند نفی	علامت گذشته	حرف تکمیلی	علامت شرطی	پسوند صرفی
mən	al	sor	qur		ma	(yi) dı		(i) sa
sən	al	sor	qur		ma	(yi) dı		(sa) n
o	al	sor	qur		ma	(yi) dı		...
biz	al	sor	qur		ma	(yi) dı		(y a) q
siz	al	sor	qur		ma	(yi) dı		... niz
onlar	al	sor	qur		ma	(yi) dı		... lar

حروفی که در داخل پرانتز قرار گرفته اند، در صرف از افعال حذف می‌شوند.

اصل افعال مذکور به شکل « آلمای بدیسایام، سوْرماساییدیسایام، قُورما دیسایام » است، که مخفف شده و به شکل « آلمادیسام، سوْرمادیسام، قُورمادیسام » به کار گرفته می‌شود.

## ۲۸) فعل و یا جمله « آرزوی غیر واقعی » با علامت مخصوص گذشته:

جمله « آرزوی غیر واقعی » زمانی به کار گرفته می شود که به آرزوی مورد نظر امکان دسترسی نباشد. چنین جمله ای در زبان ترکی آذربایجان به وسیله ماضی « فعل آرزوئی » همراه یکی از کلمات « کشکه ، کاش ، کاشکی ، ای کاش و...» به کار گرفته می شود:  
کشکه ایندی منیم ده آتم و آنام ساغ اولایدی.

- در جمله آرزوی غیر واقعی، یکی از کلمات مذکور در اول جمله و ماضی فعل آرزوئی در آخر جمله جای گرفته و صرف می شود. توجه شود که در مواردی به ویژه برای درست شدن قافیه شعر و زیبائی جمله، می توان جای کلمه « کشکه » را تغییر داد.

فعل در فرم « آرزوی غیر واقعی » مفهوم زمان ماضی را نمی دهد؛ درنتیجه برای بیان زمان دقیق فعل، باید به جمله کلمه قید زمانی نیز افروده شود:

**کشکه من دونن بُورادا اولایدیم.** کشکه منده صباح او را گشته بیله یدیم

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف « a,ı,o,u » باشد، به شکل زیر در فرم آرزوی غیر واقعی برای ضمایر شخصی صرف می شود:

keşkə ( kaş ki ) mən alaydım	کشکه من آلایدیم	کاش ( کاشکی )
keşkə ( kaş ki ) sən alaydın	کشکه سن آلایدین	کاش ( کاشکی )
keşkə ( kaş ki ) o alaydı	کشکه او آلایدی	کاش ( کاشکی )
keşkə (kaş ki) biz alaydıq	کشکه بیز آلایدیق	کاش ( کاشکی )
keşkə (kaş ki) siz alaydınız	کشکه سیز آلایدینیز	کاش ( کاشکی )
keşkə (kaş ki) onlar alaydılار	کشکه اونلار آلایدیلار	کاش ( کاشکی )

- اگر من دون ( دونن ) گلمه یه یدیم ( یا شرطی: گلمه سه یدیم )، او شاقلا ر آج سوسوز قالار دیلار.

توجه: اگر ماضی فعل آرزوئی با کلمات شک و تردید ( اگر، شاید، بلکه و...) به کار گرفته شود،

آن جمله جنبه شک و تردید به خود می گیرد. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این سه حرف «u، o، ۱» باشد، به شکل زیر در فرم آرزوی غیر واقعی برای ضمایر شخصی صرف می شود:

كىشىكە اوْ قىلايدى	كىشىكە سن قىلايدىن	كىشىكە من قىلايدىم	قىلماق
كىشىكە اوْنلار قىلايدىلار	كىشىكە سىز قىلايدىنiz	كىشىكە بىز قىلايدىق	qilmaq

دۇنماق donmaq	كىشىكە من دۇنایديم كىشىكە سىز دۇنایدىيىز كىشىكە بىز دۇنایدىيىق	كىشىكە سىز دۇنایدىيىز كىشىكە سىز دۇنایدىيىز كىشىكە سىز دۇنایدىيىز	كىشىكە اوْ دۇنايىدى كىشىكە اوْنلار دۇنايىدىلار
------------------	--	---	---

كىشىكە اوْ يۇيَايدى	كىشىكە سىن يۇيَايدىن	كىشىكە من يۇيَايدىم	يۇماق
كىشىكە اوْنلار يۇيَايدىلار	كىشىكە سىز يۇيَايدىنiz	كىشىكە بىز يۇيَايدىق	yumaq

- کاشکی یای اولایدی و بُو گُؤلۇن سُوپىو دۇنمايىدی، ايندى بىز اورادا اوزىدிக.

کاش کی اوْ دا بُورادا اولایدی. کاشکی سنه اوْنون یانیندا قالايدین.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی ( $a_{1,0,u}$ ) باشد، به شکل زیر در فرم آرزوی غیر واقعی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شود:

پسوند صرفی و علامت گذشته	حروف تکمیلی	علامت آرزوئی	ریشه افعال	ضمایر شخصی
این پسوندها، علامت مخفف شده پسوند	dım	y	a	mən
صرفی و علامت گذشته هستند.	dın	y	a	sən
	dı	y	{ a } y	o
	dıq	y	{ a } y	biz
	dınız	y	{ a } y	siz
	dırılar	y	a	onlar

پسوند مذکور در اصل به شکل «*idiyim* » است، که به شکل «*dım* » مخفف می‌شود.

من سالايديم، قالايديم، قورايديم، يۇيايديم، دۇنايديم، يۇنايديم

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و یا حرف «ه» باشد، به شکانزی در فرم

آرزوی غیر واقعی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

keşkə (kaş ki)	mən	gələydim	گله یدیم	من	کشکه (کاشکی)
keşkə (kaş ki)	sən	gələydin	گله یدین	سن	کشکه (کاشکی)
keşkə (kaş ki)	o	gələydi	گله یدی	او	کشکه (کاشکی)
keşkə (kaş ki)	biz	gələydik	گله یدیک	بیز	کشکه (کاشکی)
keşkə (keş ki)	siz	gələyдинiz	گله یدینیز	سیز	کشکه (کاشکی)
keşkə (kaş ki)	onlar	gələydilər	گله یدیلر	اونلار	کشکه (کاشکی)

کلمه «گله یدی» را با خط عربی به شکل «گلیدی» و «کشکه» را به شکل «کشکه» و «کاشکی» و نیز می‌نویسنند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این چهار حرف «ة، ئ، ئى، ئىن» باشد، به شکل زیر در فرم آرزوی غیر واقعی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

کشکه اوْ گئده یدی	کشکه سن گئده یدین	کشکه من گئده یدیم	گئده یدیم gedəydim
کشکه اونلار گئده یدیلر	کشکه سیز گئده یدینیز	کشکه بیز گئده یدیک	
کشکه اوْ بیچه یدی	کشکه سن بیچه یدین	کشکه من بیچه یدیم	بیچه یدیم biçəydim
کشکه اونلار بیچه یدیلر	کشکه سیز بیچه یدینیز	کشکه بیز بیچه یدیک	
کشکه اوْ دؤزه یدی	کشکه سن دؤزه یدین	کشکه من دؤزه یدیم	دؤزه یدیم dözəydim
کشکه اونلار دؤزه یدیلر	کشکه سیز دؤزه یدینیز	کشکه بیز دؤزه یدیک	
کشکه اوْ گوله یدی	کشکه سن گوله یدین	کشکه من گوله یدیم	گوله یدیم güləydim
کشکه اونلار گوله یدیلر	کشکه سیز گوله یدینیز	کشکه بیز گوله یدیک	

توجه: معمولاً در جملات ترکی، اسم (فاعل و ضمير) در اول جمله به کار گرفته می‌شود، ولی در جملات آرزوی غیر واقعی، کلمه ربطی «کشکه، کاشکی، و...» در اول جمله و ماضی فعل آرزوی در آخر جمله قرار گرفته و به شکل زیر در زمانهای مختلف برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

کشکه من ده دونن بُورا یا گله یدیم. کاشکی اوْ دا ایندی بُورادا اوْلايدی (لار).

فعالی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی ( $\ddot{\text{a}}, \ddot{\text{o}}, \ddot{\text{e}}, \ddot{\text{i}}$ ) باشد، به شکل زیر در فرم آرزوی غیر واقعی صرف شده و به بخش‌های مختلف تجزیه می‌شوند:

پسوند صرفی و علامت گذشته	حروف تکمیلی	علامت آرزوئی	ریشه افعان	ضمایر شخصی
این پسوندها، علامت مخفف شده پسوند صرفی و علامت گذشته هستند.	y	(i) dim	gül	mən
	y	(i) din	döz	sən
	y	(i) di	iç	o
	y	(i) dik	döz	biz
	y	(i) diniz	ged	siz
	y	(i) diler	sər	onlar

- کشکه منیم بالام ایندی قوربتدن گله پدی. کشکه منیم آنام و آتم ساغ او لاپدی (لار).

کشکه منیم بالام اولمه ییدی و اوونون نیسکیلی منیم اوره ییمده قالمایادی. و...  
توجه: فعل آرزوی غیر واقعی در کتب قدیمی عمدتاً با کلمه «کاش» به کار گرفته شده است، که امروزه (به ویژه در محاوره) به شکل «کشکه» صرف می‌شود.

- جملات آرزوئی غیر واقعی به وسیله کلمات قید زمانی به شکل زیر در زمانهای مختلف به کار گرفته ممکنند. مثال:

( keskə sən sabah qələydin. )

( keskə o dünən buraya qələydi. )

کاشکے (کشکه) من اوں ایلدن سو نرا آنادان او لاپدیم:

([keskə] kaskı mən on ildən sonra anadan olaydım.)

کئشکه منیم ایندیکے عاگلیم، اوں ایلدن قاباق مندہ او لایدی۔

( keskə mənim indiki əqlim, on ildən qabaq məndə olaydı.)

کیشکہ من صاباح اُور ایا گلہ پدیم۔ کیشکہ سن گلن ایا اُور ایا گلہ پدیں۔

کاشکی سن ده صباح اورادا اولایدین. کئشکه بیزده صباح اورادا اولایلله یدیلک.

کئشکه منده اوز آنا دیلیمده مدرسیه گنده بیله یدیم ( گنده یدیم ).

- در رابطه با به کارگیری جملات آرزوی غیر واقعی به اشعار زیر توجه کنید:

معجز: سنین او گول بوزیوه من گلاب اولیدیم ( اولایدیم ) کاش

آیاغوه ( آیاغینا ) بالا بیر جوت جوراب اولیدیم کاش...

وحدت شبستری: گوزل قاپوندا سنین من گدا اولیدیم کاش

او نازلی گوزلریوه من فدا اولیدیم کاش

احمد جمیل: دئیه ردیم: بیر کؤلگه لی بولاقدا اولماسام من

کاش بیرپیاله جیک سو، بیر پارچا بُوز اولایدیم...

او لحظه ده سینه مدن گلن بیر سس دُواردیم

وطین گویلرینده کاش بیر اولدوز اولایدیم

صابر: لال اولسا نُلو میرزا جوادین دیلی ای کاش

تا آغزین آچوب ائله دی هر گیزلی سوزو فاش

باکیخانوف: وُرون سیزین یارانیزدان جانیم دیری اولور،

کاش بوز جانیم اولایدی کی، جانان یُلوندا فدا ائده یدیم.

نگاررفیق بیگلی: کاش گوللر، چیچکلر اولایدی یو کوم آغیر مرمیلر ( گلوله لر ) داشیمایایدیم

- در مواردی جمله آرزوی غیر واقعی، بدون کلمه «کاش» به کارگرفته شده و به تنهائی

با ماضی فعل آرزوئی صرف شده است. مثال:

شهریار: من قاییدیب بیرده اوشاق اولایدیم بیر گول آچیب، اوندان سورا سو لايدیم

نگاررفیق بیگلی: شفقلر ائپیدی آلنیندان ( آنیندان ) هر گون سس دُمان ایچینده یاشامایایدی

جملات « آرزوی غیر واقعی » را میتوان بدون کلمه قید زمانی با مفهوم زمان

گذشته، حال و آینده نزدیک نیز به کارگرفت. مثال:

کاشکی من او شاق اولایدیم. ( kaşki mən uşaq olaydım. )

کاشکی من ده ایندی جاوان او لا يديم. (kaşki, mən də indi cavan olaydım.)

کاشکی منيم اون قارداشيم او لا يدي. (kaşki mənim on qardaşım olaydı.)

كىشىكە منيم آنام، آنام ساغ او لا يدى.. (olaydilar)

كىشىكە من بير قوش او لوب، قانات آچىپ، داغدا، داشدا او چايديم.

(keşkə mən bir quş olub, qanat açıb, dağda-- daşda uçaydım.)

- فعل آرزوی غير واقعی را می توان به کمک افعال کمکی « بىلماڭ » « او لماق » و يا علامت التزامی و .. به شکل زیر نیز صرف کرد. مثال:

- كىشىكە من گلملی او لا يديم. (keşkə mən gəlməli olaydım.)

كىشىكە سن گلملی او لا يدىن. كىشىكە او گلملی او لا يدى. كىشىكە بىز گلملی او لا يدىق.

كىشىكە سىز گلملی او لا يدىنiz. كىشىكە او نلار گلملی او لا يدىلار.

- كىشىكە بىز بۇرادا قالمالى او لا يدىق. كىشىكە بىز ده قاچمالى او لاما يايديق.

كىشىكە بىز ده آلمالى او لا يدىق. كىشىكە سىز ده دينملى او لا يدىنiz. و ...

- كىشىكە من گله بىلمللى او لا يديم. (keşkə mən gələ bilməli olaydım.)

كىشىكە بىز ده دانيشا بىلمللى او لا يدىق. كىشىكە سىز ده قاچا بىلمللى او لاما يايدينiz. و ...

- در محاوره جمله « آرزوی غير واقعی » با ماضی فعل آرزوئی برای زمان گذشته دور و نزدیک

( بدون کلمه قید زمانی ) نیز به کارگرفته می شود. مثال:

- گذشته دور: کاشکى من ده اورايا گله يميشم، کاشکى سن ده اورايا گله يميشىسىن، کاشکى او گله يميش،

کاشکى او دا بۇرادا او لا يميش. کىشىكە او دا اورايا گىتمە يه يميش [ گىتمى يه يميش ]

- گذشته دورتر:

کاشکى مندە گله يميشىدىم. کاشکى سن گله يميشىدىن. کاش او گله يميشىدى. کاشکى بىز ده

گله يميشىدىك. کاش سىز ده گله يميشىدىنiz. کاشکى او نلار دا گىدە يميشىدىلر. کاشکى من ده

دونن اورايا گىدە يميشىدىم. کىشىكە من گىدىب، او نو بۇرايا گىتىرە يميشىدىم.

## ۲۹) فعل و یا جمله «شک و تردید» در فرمهای مختلف:

جمله «شک و تردید» زمانی به کارگرفته می‌شود، که بیان کننده مطلب در مورد به وقوع پیوستن فعل جمله اطمینان ندارد و یا آن را نمی‌داند و یا نمی‌خواهد تایید کند.

در زبان ترکی آذربایجان، اگر یکی از کلمات «بیه bəyəh، بلکه bəlkə، اگرəgər، حتماً، احتمالاً و...» در جمله به کارگرفته شود، فعل آن به «شک و تردید» تبدیل می‌شود و بدین سان چند در صد عملی شدن «کار» را به شکل تقریبی بیان می‌کند.

کلمات مذکور همراه بیان «شک و تردید»، برای سوالی که بعد از بیان جمله می‌تواند مطرح شود، جواب می‌دهد. سوال و جوابی که ممکن است به سه نوع زیر مطرح شود:

۱) تایید جمله سوالی و امری، به شکل بلى. و...

۲) رد جمله سوال و یا امری به شکل نه، یوْخ، و...

۳) بیان جمله به شکل «شک و تردید» و .... که موضوع این مبحث می‌باشد. مثال:

سن گئت گئر، یاشار هارادادیر؟ بیه او بُوگون ايشله يير.

او شاید ایندی گله. یاشار شاید منی گورمك ايسته مير.

- کلمات «شک و تردید» به شکل زیر با فعل آرزوئی به کارگرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند. مثال:

bəyə (şayəd) mən gələ(yə)m	بیه (شاید، بلکه، اگر) من گلم
bəyə (şayəd) sən gələsən	بیه (شاید، بلکه، اگر) سن گله سن
bəyə (şayəd) o gələ	بیه (شاید، بلکه، اگر) او گله
bəyə (şayəd) biz gələk	بیه (شاید، بلکه، اگر) بیز گله ك
bəyə (şayəd) siz gələsiniz	بیه (شاید، بلکه، اگر) سیز گله سینیز
bəyə (şayəd) onlar gələlər	بیه (شاید، بلکه، اگر) اونلار گله لر

توجه: کلمات شک و تردید در جملات مختلف به شکل کلمه ربطی نیز به کارگرفته می‌شوند.

- کلمات «شک و تردید» (مثل: اگر، بیه، شاید، و...) را می‌توان با اکثر فرمهای مختلف

فعل گذشته، حال و آینده و... به کار گرفت. مثال:  
 با پسوند زمان حال:

دئیه سن احمد بُوگون گلیر. (deyəsən Əhməd bugün gəlir.)  
 بلکه او ایندی گلیر، بیز بُورادا او توراق، او نو گوزله يك.  
 شاید او یولدادیر ایندی گلیر؛ سیز بُویورون، بُورادا آیله شین. بیه او گلیر  
 . شاید او گندیر. بلکه او گلمه بیر(گلمیر).  
 آینده نزدیک: دئیه سن او هرگون بُورایا.. (deyəsən o hərgün buraya gələr.) بلکه او  
 بُوگون بُورایا گلر. شاید او بُورایا گلمز. اگر او گلر. (əgər o gələr.)  
 آینده (دور): دئیه سن او گله جک.(deyəsən o gələcək.) بلکه اونلار بیزه گلچکلر.  
 گذشته: حتماً او بُورایا گلیردی. (hətmən o buraya gəlirdi.)  
 احتمال وارکی او بُورایا گلمیردی. (ehtimal var ki, o buraya gəlmirdi.)  
 بیه گلیردی. (şayəd) gəlirdi. بیه ایسته میردی.  
 اگر گلردى əgər gələrdi ، اگر من گله جه یدیم. (əgər mən gələcəydim.)  
 بلکه او گلمکده یدی. (bəlkə o gəlməkdəydi.)  
 اگر من گله جه یدیم. (əgər mən gələcəydim.)  
 فعل شرطی: اگر او گلسه چوخ یاخشیدی. اگر او دونن بُورایا گلسه یدی، بیز سوپنردیک.  
 اگر او گلسه، من سوپنرم.  
 به این نکته توجه شود که بعضی از کلمات «شک و تردید» همچون «اگر ...» در زبان  
 ترکی و فارسی معنی مترادفی دارند ، اما عملکرد آنها در دستور زبان این دو زبان با  
 یکدیگر متفاوت است. برای مثال به مفهوم سه کلمه «شاید، حتماً، اگر» توجه کنید:  
 - «شاید صباح قار یاغاجاق». شاید فردا برف خواهد بارید [بارد]. یعنی با گفتن  
 «شاید» بیان کننده مطلب در باریدن برف شک دارد و امکان باریدن برف را کمتر  
 از پنجاه در صد می‌پنداشد:

شاید او گله. شاید او صاباح گئده. شاید او ائشیده.

- « احتمالاً (احتیمالاً) صاباح قار یاغاجاق » [ احتمال وارکی صاباح قار یاغا ].

(احتمالاً فردا برف خواهد بارید). یعنی امکان باریدن برف بیشتر از پنجاه درصد است.

- « اگر صاباح قار یاغاجاق ». (اگر فردا برف خواهد بارید [ بیارد ]). کلمه « اگر » در

زبان ترکی با مفهوم « شک و تردید » به کارگرفته می‌شود، ولی آن اشاره ای به چند در

صد باریدن برف نمی‌کند. در زبان ترکی جملاتی امثال « ائله بیل صاباح قار یاغاجاق ».

« ممکوندور صاباح قار یاغا » و... نیز به چند درصد عملی شدن کار اشاره ای

نمی‌کند. علاوه بر مفاهیم فوق، اگر بر روی کلمه « اگر » و... تکیه شود و آخر فعل جمله

نیز کشیده بیان شود ( مثل: اگر صاباح قار یاغاجاق )، جمله به شکل طنز و یا در فرم عدم

قبول صحت مطلب نیز به حساب می‌آید.

بنابراین کلمه « اگر » در زبان ترکی یکی از علائم « شک و تردید » است، که بر عکس

سایر کلمات « شک و تردید »، به مقدار و کمیت امکان عملی شدن فعل در جمله اشاره

ای نمی‌کند، در صورتی که کلمه « اگر » در زبان فارسی علاوه بر بیان « شک و تردید »

علامت شرطی، یا آرزوئی و شک و تردید نیز به حساب می‌آید. بنابراین در زبان ترکی فعل

شرطی و آرزوئی موجود است و بیان آنها نیازی به کلمه به اضافه ندارد.

- برای روشن شدن مطلب به معنی شعر ترکی زیر توجه کنید، که مصرع اول آن با فعل

شرطی و مصرع دوم آن با مفهوم « شک و تردید » سروده شده است که هر دو مصرع آن

در زبان فارسی با کلمه « اگر » ترجمه می‌شود، ولی معنی واقعی فعل ترکی را نمی‌تواند

بیان کند.

شعر از خاقانی شروانی:

یۇلوندا قىلىنچلا ئۇلدۇرۇلسىم من

خوشدور بۇنو اگر سن اىستىرسىن

۱) معنی مصرع اول شعر به شکل زیر است:

- اگر در راه ( به حاطر ) تو، من با شمشیر کشته شوم و... ( فعل « اولدورولسم »
- اگر کُشته شوم ) با علامت شرطی ( سه ) و پسوند صرفی است که مترادف با آن در زبان فارسی علامتی موجود نیست، در نتیجه با کلمه « اگر » بیان می شود.

۲) معنی مصرع دوم شعر مذکور به شکل زیر است:

خوشدور بُونو اگر سن ایستیرسن ( خوش است این اگر تو می خواهی ) این مصرع شعر، با کلمه « اگر » به کارگرفته شده که در زبان ترکی مفهوم فرم « شک و تردید » را می دهد. در فارسی کلمه « اگر » به جای فعل شرطی، آرزوئی و شک و تردید نیز به کارگرفته می شود.

- فعل در فرم « آرزوی غیر واقعی » با کلمه « شک و تردید »:  
در مواردی کلمات « شک و تردید » با گذشته فعل آرزوئی که به شکل « آرزوی غیر واقعی » صرف می شود، در یک جمله به کارگرفته شده و با مفهوم « آرزوی غیر واقعی » در فرم « شک و تردید » به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود:

bəyə	( şayəd )	mən	gələydim	بیه ( شاید ، بلکه ، اگر ) من گله یدیم
bəyə	( şayəd )	sən	gələydin	بیه ( شاید ، بلکه ، اگر ) سن گله دین
bəyə	( şayəd )	o	gələydi	بیه ( شاید ، بلکه ، اگر ) او گله یدی
bəyə	( şayəd )	biz	gələydik	بیه ( شاید ، بلکه ، اگر ) بیز گله یدیک
bəyə	( şayəd )	siz	gələyдинiz	بیه ( شاید ، بلکه ، اگر ) سیز گله یدینیز
bəyə	( şayəd )	onlar	gələydlər	بیه ( شاید ، بلکه ، اگر ) اونلار گله یدیلر

- اگر سن، منه دئسە یدین، شاید من گله یدیم.

( اگر تو به من می گفتی، من شاید می آمدم .)

- اگر سن بیزه گلسە یدین، بلکه اوْ دا گله یدی.

- سن ایچسە یدین، شاید اوْدا ایچە یدی.

- اگر سن اوْخوسایدین، احتمالاً اوْ دا اوْخویایدی.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

bəyə (əyər)	mən	alaydım	بیه (شاید، بلکه، اگر) من آلابدیم
bəyə (əyər)	sən	alaydın	بیه (شاید، بلکه، اگر) سن آلابدین
bəyə (əyər)	o	alaydı	بیه (شاید، بلکه، اگر) او آلابدی
bəyə (əyər)	biz	alaydıq	بیه (شاید، بلکه، اگر) بیز آلابدیق
bəyə (əyər)	siz	alaydınız	بیه (شاید، بلکه، اگر) سیز آلابدینیز
bəyə (əyər)	onlar	alaydalar	بیه (شاید، بلکه، اگر) اونلار آلابدیلار

توجه: - کلمات شک و تردید، در جملات مختلف به شکل کلمه ربطی و ... نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

- به این نکته نیز دقت شود، که جمله «شک و تردید» با ماضی فعل آرزوئی(دی) به کارگرفته می‌شود، اما آن مفهوم قید زمانی ندارد، بنابراین باید به جمله یک علامت و یا کلمه قید زمانی افزوده شده و بدین منوال زمان آن مشخص شود. کلمات «شک و تردید» در زمان گذشته، حال و آینده و ... نیز قابل صرف می‌شود. مثال:

- گذشته نا مشخص: شاید او گله یدی. بلکه او گله بیلمه یه یدی.

بلکه او گله بیله یدی. بلکه او گله بیلمه یه یدی.

- با مفهوم گذشته مشخص: شاید او دونن گله یدی. بلکه او دونن گلمه یه یدی.

بلکه او دونن گلن مه یه یدی. بلکه او گله بیلمه یه یدی.

- با مفهوم زمان حال: بلکه او ایندی گله یدی. شاید او بیزی ایندی گئوره یدی.

اگر او ایندی گله یدی. اگر او ایندی گلمه یه یدی.

شاید او صاباح گله. اگر او صاباح گله. بلکه او صاباح گله.

شاید او صاباح گله بیلمه ییدی. بلکه او صاباح بورایا گلمک

ایسته یه. اگر او صاباح گله بیلمه یه. شاید او گله بیلنمه یه.

- با مفهوم آینده:

### ۳۰) فعل یا جمله غیر شهودی ،

جمله ای است که بیان کننده آن شاهد انجام کار نبوده، بلکه آن را از شخصی دیگری شنیده است که به شکل غیر شهودی بازگو می‌کند. علامت جمله غیر شهودی علامت « میش » است که به فعل پیوند می‌خورد. مثال:

لاله گچن ایل تهرانا گتمیش.

او اورادا بیر اوْتاق احارة ائیله میش و بیر ایل ده اورادا دانیشگاهها گتمیش.

منیم ائشیتدییمه گوره، یاشار گچن هفتنه یه جن خوی دا یاشاییرمیش.

اوْنون آتل آناسی دا اورمیه ده ( اورمویا دا ) یاشاییرمیشلار.

گچن ایل قره داغدا زلزله اوْلموش و اوْ میلته چوخ لو جان و مال خسارتی وُرموش.

- با علامت « میش » داستان نیز نقل می‌شود. مثال:

بیرگون وار ایمیش، بیرگون یوْخویموش، تانری دان غیر هئچ کیم یوْخ اویموش. و...

### ۳۱) فعل مرکب یا جمله گذشته در آینده:

جمله ای که گذشته را در آینده بیان می‌کند. ترکیبی از فعل گذشته دور(میش) با فعل کمکی « اول » ( در فرم آینده دور و آینده نزدیک ) می‌باشد.

جمله گذشته در آینده، کاری را در زمان آینده بیان می‌کند که تا به وقوع پیوستن آن، کار دیگری اتفاق می‌افتد که کار مورد نظر را بی‌نتیجه می‌گذارد. مثال:

a) افعال مرکبی که گذشته را در آینده دور بیان می‌کنند، به شکل زیر صرف می‌شوند:

گتمیش اوْلاجاق، گلمیش اوْلاجاق، ینمیش اوْلاجاق، ایچمیش اوْلاجاق، دئمیش اوْلاجاق، یاتمیش اوْلاجاق، یانمیش اوْلاجاق، اورنمیش اوْلاجاق، ینمیش اوْلاجاق و...

- افعال مذکور به شکل زیر در آخرین بخش جمله مرکب به کارگرفته می‌شوند:

من طیاره میدانینا گلنە چن، منیم اوْچاغیم ( طیارم ) اوْچموش اوْلاجاق.

منیم چیچیک قیزیم مدرسیه گنده نجن، اوْبورو قیزیم مدرسہ نی قورتارمیش اوْلاجاق.

من درسینی باشلایاناجان، من درسیمی قورتارمیش اوْلاجاغام.

سن ائوند چیخاناجان، من مقصديمه ده چاتميش او لا جاغام.

b) در مواردی جملات مذکور به وسیله فعل آينده نزديك نيز به کارگرفته می شوند. مثال:

- گتنيش اولار، گلميش اولار، يئنميش اولار، ايچميش اولار، او خوموش اولار، قالميش اولار، قانميش اولار، قيرميش اولار، دۇنماش اولار، سۈلموش اولار و ...

- من ده مدرسيه گىدرىم، مندە او نون كىمى يازماق و پۇزماق اويرنميش اولارام.

من ده مدرسيه گتسىھ يدىم، مندە او نون كىمى يازماق و پۇزماق اويرنميش اولاردىم.

## ٣٢) فعل تركىيى در فرم جمله ناكمال:

- افعال تركىيى كه با پسوندھاى متعددى با مفهوم وسيعى به کارگرفته می شوند، اين افعال به تنهائي جمله ناكمال محسوب می شوند. مثال:

او مسئله قالدىرىيلدى. شهره بمبالار ياغدىرىيلدى. كىتابلار ياندىرىيلدى. او د سۇندورولدو.  
آغاچلار سىندىرىيلدى. و ...

من سئودىرىيلدىم. او گولدورولدو. شىشه لر سىلدىرىيلدى. امرى بىلدىرىيلدى.  
متهم دىندىرىيلدى. كىتابلار بىغدىرىيلدى. بارىشىق دانىشىغى دۇندورولدو.

اگر اسم و ضمير شناخته شده و يا مشخص باشد، با افعال مذکور به شكل زير بدون اسم و ضمير نيز به کارگرفته می شوند. مثال:

سوردورولدو، گولدورولدو، دۇندورولدو، قالدىرىيلدى، سالدىرىيلدى و ...

- افعال مذکور به شكل زير برای ضمایر شخصى صرف می شوند:

من سالدىرىيلدىم ، سن سالدىرىيلدىن ، او سالدىرىيلدى ،

اونلار سالدىرىيلدىلار ، سىز سالدىرىيلدىنiz ، بىز سالدىرىيلدىق ،

- افعال مذکور با پسوند مصدرى (استمرارى) به مصدر تبدیل شده و به شكل زير در فرم فعل مصدرى در زمان حال برای ضمایر شخصى صرف می شوند. مثال:

من سالدىرىيلماقدايم ، سن سالدىرىيلماقداسان ، او سالدىرىيلماقدادير ،

بىز سالدىرىيلماقدايق ، سىز سالدىرىيلماقداسينيز ، او نلار سالدىرىيلماقداديرلار

- من وُردوولماقدايم، سن وُردوولماقداسان، او وُردوولماقدادير  
بيز وُردوولماقدايق، سيز وُردوولماقداسينيز، اوئنلار وُردوولماقداديرلار
- حمله و يا فعل « او سالديريللدي » به شكل زير از ريشه فعل با پسوندهای مختلف ترکيب يافته است:
- (۱) او : ضمير سوم شخص مفرد ،
  - (۲) سال : ريشه فعل با مفهوم « حمله شده » و يا « به پائين انداخته شده » ،
  - (۳) دير : علامتی مخصوص برای انجام دستور، خواسته و يا امری ،
  - (۴) ايل : علامت مجھولی برای کار انجام « شده » ،
  - (۵) دی : علامت گذشته

### ۳۳) فعل « تداوم کار » در فرم حمله:

فعل « تداوم کار » از ترکيب ريشه فعل و علامت پسوندی « ديقجا » و « ديكجه » تشکيل می یابد. علامت « ديقجا، ديكجا » از دو سیلاپ ترکيب می یابد که حرف صدادار سیلاپ اول آن با هماهنگی بزرگ ( ديق، دوق، ديك، دوك ) و حرف صدادار سیلاپ دوم آن با هماهنگی کوچک ( جه، جا ) صرف می شود:

- دانيسديقجا، يازديقجا، او خودوقجا، قاچديقجا، دُوردوقيجا، قازديقجا، ساتديقجا،  
يئديكجه، ايشه ديكجه، گئتيكجه، سوردوکجه، مينديكجه، دئديكجه و ...
- افعال مذکور به شکل زير در بخش اول جملات مرکب به کار گرفته می شوند:
- او دانيسديقجا، دانيشماغا هوسله نير. او يئري ديكجه ، يئينله شير.
  - او پوللانديقجا ، قىتمىزلاشىر. او ايشه مه ديكجه ، تىبلله شير.

### ۳۴) فعل يا « کار متقابل » در شکل حمله:

عمل متقابل، حمله و يا فعلی است که انجام کاري دو و يا چند نفر را که در مقابل هم به نفع و يا زيان يكديگر انجام می دهند، بيان می کند.

- کار متقابل، فعل و يا حمله ناکاملی است که با ترکيب فعل و پسوند « ايش، اوش » ساخته می شود. حرف صدادار علامت « کار متقابل » با هماهنگی بزرگ صرف شده و همراه اسم و

یا ضمیر به کار گرفته می‌شوند. مثال:

- اوپ : اوپوشمک: همدیگر را بوسیدن . بیز اوپوشوروک ، اونلار اوپوشورلر
- قون : قونوشماق: با یکدیگر صحبت کردن . بیز قونوشوروق ، و...
- سهو : سهویشمک: با یکدیگر عشق ورزی کردن. عاشق یکدیگر شدن. و...
- چلک : چکیشمک ، من چکیشیرم ، سن چکیشیرسن ، او چکیشیر و...
- دؤیوشمک: سر به سر شدن (زدن) ، کله به کله زدن (مثل گاو و قوچ و...)
- ووُر : ووروشماق ، کتک کاری کردن . هم دیگر را زدن.
- اوْخو : اوْخوشماق ، بیز اوْخوشوروق ، سیز اوْخوشورسونوز و...
- توْققوشماق، سیخیشمک، یاپیشمک، دئیشمک، گژروشمک و...

- افعال مذکور به شکل زیر در زمانهای مختلف برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند:

زمان حال:	من چکیشیرم	سن چکیشیرسن	او چکیشیر و...	
زمان آینده نزدیک:	من چکیشه رم	سن چکیشه رسن	او چکیشه ر و...	
زمان آینده دور:	من چکیشه جه یم	بیز چکیشه جه بیک	سیز چکیشه جه سینیز و...	
در زمان گذشته:	من چکیشديم	سن چکیشدين	او چکیشدي	و....

### ۳۵) فعل در «مدت عملی شدن کار» در شکل جمله:

- در فرم فعل: اوْخویاراق (در حین حالی که خوانده می‌شود).

دانیشاراق، سئوینه رک، دوشونه رک، آنلاشاراق، باریشاراق ،  
اوْخوراق ، باخواراق ، گوله رک ، یئره رک . بیله رک ، و..

در فرم جمله همراه اسم و ضمیر:

حسن کیتاب اوْخویاراق، بیزیم دانیشیغیمیزا دا قولاق آسیردی.

او سئوینه رک، دانیشیردی. سن دانیشاراق، یئمک ده یئیردین.

من یئمک یعیه رک، تلویزیونا دا باخیردیم.

## پنجم دهم:

جمله بندی در زبان ترکی آذربایجان و ویژگی‌های آن:

جمله چیست؟

جمله، تفهیم مقصودی به شخص دیگری است که در شکل آوا، واژه و یا در ترکیب چند کلمه به کار گرفته می‌شود.

- جمله ای که به وسیله چند کلمه ساخته شود، در سه شکل زیر به کار گرفته می‌شود:

a) جمله کامل، جمله ای است که مقصود را به شکل کامل بیان می‌کند. مثال:

حسن بُوگون بُورایا گله جلک.

گولناز دونن اوچاق ( طیاره ) ایله اورمیه یه ( اورمویایا ) گنتدی.

توجه: - از اینکه در دو جمله مذکور فعل، فاعل، و زمان کار به شکل کامل بیان می‌شود، در نتیجه به آن

جمله کامل می‌گوئیم.

- اورمویا، اورمویه ده دئیلر. اما اورمویه نمی‌تواند کلمه ترکی باشد، چرا که حرف صدادار

سیلاپ اول آن « ل » و سیلاپ بعدی آن حرف « ئ » است. در نتیجه کلمه « اُرمو » و یا

« اُرمویا » درست تر است: اُرمو، من اُرمویالی یام.

b) جمله نیمه کامل، جمله ای است که اسم را معرفی می‌کند، ولی نمی‌تواند فاعلیت فاعل، فعل و زمان انجام کار را بیان کند. مثال:

بُو خانیمین آدی گولناز دیر. گولناز خانیم، یاشار بیین ( بَگِين ) باجی سی دیر. گولناز خانیم، چوخ باشاریقلی و ادبی دیر.

توجه: در سه جمله مذکور، خانم « گولناز » معرفی شده است، او فاعل جمله محسوب می‌شود، اما برای وی فعالیت و کار و زمانی بیان نشده است. چرا که فعل جمله ناقص است و قادر به بیان مشخصات کامل نیست. به همین دلیل چنین جمله ای را جمله نیمه کامل می‌نامیم.

c) جمله ناکامل در شکل آوا و کلمه در ترکیبات مختلف بیان می‌شود. از اینکه آوا و کلمه مقصود را به شکل کامل بیان نمی‌کند، در نتیجه به آن جمله « ناکامل » می‌گوئیم. مثال:

های، هارای، گل، کلمه، گولدورولدو و...  
( بقیه در صفحه ۷۴۱)

ویژگی‌هایی که جمله سازی را در زبان ترکی آسان تر می‌کند:

- زبان ترکی، زبان التصاقی است، که در آن علائم صرفی (ام، سن، دیر، دور، و...) به فعل و

علائم حالت‌های تصريفی (به، از، را، در و...) به اسم پیوند زده می‌شوند. مثال:

من حسنه من حسنه دئیدم. من حسنه گئردو<sup>m</sup>. بو کیتاب حسنه دیر.

حسن صباح گلیر. حسن یاخشی آدامدیر، او ایندی یاواش یاواش گلیر.

- در جمله سازی، اساس جمله را اسم و فعل تشکیل می‌دهند و سایر کلمات نیز عمداً برای توصیف و بیان چگونگی آنها به کار گرفته می‌شوند. مثال:

حسن گلیر. احمد یاواش یاواش گلیدیر. حسن بوگون گله جک. حسن ساعت‌های کمی به جن بیزه گله جک

حسین بوگون ساعت‌های بیشه جن دؤلانا دؤلانا بو رایا گله جک.

- برای روشن شدن هرچه بهتر ویژگی‌های جمله سازی در زبان ترکی، اگر در ترکیب کلمات ترکی به علائم حالت‌های تصريفی و یا به پسوندهای صرفی دقت کنیم و آنها را با علائم و کلمات زبان فارسی در مقایسه قرار دهیم، به راحتی متوجه تفاوت و ویژگی‌های این دو زبان می‌شویم. مثال:

«من به حسن گفتہ ام» (من حسنه دئمیشم). «من حسن را دیدم» (من حسنه گئردو<sup>m</sup>). «این نوشته از حسن است.» (بو یازی حسنه دیر). «این کتاب مال حسن است.» (بو کیتاب حسنه دیر).

- چنانکه در ترکیب جملات مذکور مشاهده می‌شود، علائم حالت‌های تصريفی اسم (به، را، از، مال و...) و پسوندهای صرفی فعل (ام، م، است و...) در زبان فارسی مستقل و یا پیوسته به کلمه نوشته شده و به پس و پیش نیز کشیده می‌شوند، ولی همین علائم در زبان (التصاقی) ترکی به شکل پسوند(ه، م، دیر) در ترکیب کلمه به کار گرفته می‌شوند. مثال:

به احمد (احمده)، احمد را (احمدی)، او احمد است. (او احمد دیر).

- اگر به کلمات - «خواهد آمد» (گله جک)، «مال حسن» (حسنه) - توجه کنیم، ملاحظه می‌شود که آنها در زبان فارسی به شکل دو کلمه مختلف جدا از هم نوشته شده اند و در ترکیب با یکدیگر معنی زمان «آینده» و یا «مالکیت» را بیان می‌کنند. اما همان مفاهیم در زبان ترکی به وسیله یک کلمه همراه پسوند بیان می‌شوند.

- اگر در زبان فارسی جای کلمات «حسن» را با کلمه «به» و «را» و جای کلمه «خواهد» را با «آمد» عوض کنیم (آمد خواهد. حسن مال)، به اصول زبان صدمه می‌خورد و جمله فهمیده نمی‌شود. در صورتی که همین مفاهیم و علائم در زبان ترکی به شکل پسوند پیوسته به کلمه به کارگرفته می‌شوند. مثال:

به حسن : Həsənə ، حسن را : Həsənəi ، مال حسن: Həsənin ، خواهد آمد: gələcək  
من حسن را دیدم. (من حسنى گوردون). حسن فردا خواهد آمد. (حسن صباح گله جك).  
توجه: در نتیجه پسوند خوردن پسوندها به کلمات و پس و پیش کردن کلمات در جمله (چه عمدی و یا سهوی باشد)، به مفهوم جمله صدمه نمی‌زند.

- در اصول جمله سازی زبان ترکی، طبق معمول فاعل و مفعول و در مواردی نیز قید زمانی در اولین و یا در دومین کلمه جمله به کارگرفته می‌شود؛ ولی اگر کلمه ای برای گوینده و یا نویسنده جمله مهم باشد، آن را به جلو کشیده و بدین سان ببروی آن تاکید می‌کند. برای مثال به جمله - احمد دن بُو گون بُورایا خبر گلر.

- توجه کنید که کلمات آن هرماه پسوندها در جملات جدول زیر به پس و پیش کشیده می‌شوند، ولی تغییری در معنی جمله به وجود نمی‌آید. مثال:

Əhmədən bugün buraya xəbər gələr.	احمد دن بُو گون بُورایا خبر گلر.
bugün Əhmədən xəbər gələr buraya.	بُو گون احمد دن خبر گلر بُورایا.
buraya bugün xəbər gələr Əhmədən.	بُورایا بُو گون خبر گلر احمد دن.
Əhmədən xəbər gələr buraya bugün.	احمد دن خبر گلر بُورایا بُو گون.

- در جمله بندی مذکور، کلمات و پسوندهای مختلف به شکل زیر به یکدیگر متصل شده و به کارگرفته می‌شوند:

کلمه «گون» به کلمه «بُو»، حروف «یا» به کلمه «بُورا»، حروف «دن» به کلمه احمد و حروف «ار» به فعل «گل» پسوند خورده اند، در نتیجه علائم حالتها تصریفی و پسوندهای صرفی در زبان ترکی به پس و پیش کشیده نمی‌شوند.

از اینکه در زبان ترکی پسوندها پیوسته به کلمات به کارگرفته می‌شوند، در نتیجه جا به جا

کردن کلمات معنی جمله را عوض نمی‌کند.

- برای مثال دیگر به ترکیب جمله - « او فردا به اینجا خواهد آمد. » ( او صاباح بُورایا گله جک. ) - توجه شود که اگر در زبان فارسی جای کلمات را عوض کنیم ، بر اصول زبان صدمه می‌خورد و جمله فهمیده نمی‌شود. اکنون برای نمونه جای کلمات این جمله « او فردا به اینجا خواهد آمد. » را عوض می‌کنیم:

او آمد فردا خواهد به این جا. ( او صاباح بُورایا گله جک. )

ولی اگر کلمات جمله مذکور را در زبان ترکی جا به جا کنیم ، به مفهوم جمله صدمه نمی‌خورد، چون حالت‌های اسم و علائم صرفی فعل به خود کلمات پیوند خورده اند. مثال:

او صاباح بُورایا گله جک. صاباح بُورایا گله جک او. گله جک بُورایا او صاباح.

توجه: جا به جا کردن کلمات در زبان ترکی به مفهوم جمله صدمه نمی‌زند، ولی از زیائی جمله می‌کاهد و آن را به شکل غیر متعارف در می‌آورد.

## (۱) جمله ساده

جمله ای است که برای بیان مقصودی از ترکیب چند کلمه تشکیل می‌یابد. در بین کلمات جمله تنها یک فعل به کار گرفته می‌شود، که به وسیله آن ضمیر شخصی صرف می‌شود و در انتهای کلمات نیز یک نقطه ( . ) قرارداده شده و بدین وسیله جمله به پایان می‌رسد. مثال:

شئوکت خانیم بُوگون شاما بیزه قۇنالق ( قۇنالخ ) گله جک. ياشار ئىي ( bay ) دونن اۇچاق ( طیاره ) ايله تهران دان تبریزه گىتىدى. لاله خانیم بُوگون ايشە گىتمە يە جک. دئىز خانیم، هارادا ايشلە يە؟ دئىز خانیم، منىم خالاقىزىم دىرى. لاله خانیم، حسىن باجىسى دىرى.

- جمله ساده از لحاظ مفهوم در دو شکل زیر به کار گرفته می‌شود:

a) جمله ای که موقعیتِ فعل، فاعل و قید زمان آن را به شکل روشن بیان می‌کند:

لاله بُوگون بیزه گله جک. من صاباح ايشە گىتمە يە جە يم. ياشار ايندى ايشە گىدىرى.

حسن گلن هفتە اورمیيە يە گىنده جک. سئودا خانیم بُوگون آخشام بیزه گله جک.

چىچىك خانیم دونن آخشام ساعات بىشىدە كى اۇچاق ايله اورمیيە يە گىتىدى ( اۇچدو ).

b) جمله ای که با فعل نا کامل « ايمك » به کار گرفته شود، نمی‌تواند فعل، فاعل، قید زمان

را بیان کند به همین دلیل آن را جمله نیمه کامل می‌نامیم. مثال:

بُوْ بَیِّ (bay) حسن دیر. بُوْ خانیم گولناز دیر. بُوْ خانیم لاله دیر، اوْ یاخشی بیرون خانیم دیر.  
لاله منیم باجیم دیر. لاله گوزل بیرون قیز دیر. یاشار، لاله ایله نشانلی دیر.  
حسن یاشارین قارداشی دیر. یاشارینان حسین یولداشیدیلار.

توجه: الف) در ترکیب هر جمله تنها یک فعل به کارگرفته می‌شود. مثال:

لاله خانیم گوزل دیر. حسن بَیِّ (bay) جومه (جمعه) گونلری ایشله مز.

ب) جمله ساده با فعل مرکب نیز به کارگرفته می‌شود. مثال:

حسن ماشین سوره بیلمز. لاله بُوْگون مدرسیه گنده بیلمه یه جك.

ث) بَیِّ (bay)، و یا bay معنی آقا را می‌دهد. بیان (bayan) نیز معنی «خانم» را می‌دهد. بیانلار و بایلار، معنی «خانمهای و آقایان» را می‌دهند.

## ۲) جمله مرکب،

جمله‌ای است که عمدتاً مضامون مطلب را به شکل کامل بیان می‌کند. جمله مرکب از لحاظ ترکیب لااقل از دو جمله (بند، مصرع، بخش) تشکیل می‌یابد و در هر بخش آن تنها یک فعل و در بین بخش‌های مختلف آن یک علامت کاما(،) و یا یک حرف ربطی(و) به کارگرفته می‌شود. جمله مرکب از چند جمله کامل و یا نیمه کامل ترکیب می‌یابد و در فرم‌های مختلف زیر به کارگرفته می‌شود. مثال:

a) جمله مرکبی که جمله اول آن نیمه کامل و جمله دوم آن کامل است:

بُوْ لاله خانیم دیر، اوْ هرگون سحر بُوْ اوْتوبوس ایله ایشه گندر.  
دئنیز خانیم منه دئدی، «یاشار صاباح قطار ایله تبریزه گنده جك».

b) جمله مرکبی که از چند جمله کامل و نیمه کامل تشکیل می‌یابد:

احمد گلنده، بیزه سلام وئردی و بیزیم کیفیمیزی سوروشدو (سوردو).

حسن تبریزه گلنده، اوْرادا بیرون هفتہ قالیب و سونرا اورمییه یه گنری دؤنه ر.

بُوْ بَیِّ (bay) نادر دیر، اوْ دونن ساعات آلتی دا بُورایا گلدی و اوزونو منه معرفی ائله دی.

بُوْ گولناز خانیم دیر، اوْ ایکی آیدان سونرا بیزیم شیرکت ده ایشه (ایشله مه یه) باشلایحاق.

بۇ دا لاله خانیم دیر، دونن گنجه منه تلفن ائیله دى و دئدی کى، « واختین اولورسا ، لوطفاً

صباح سحر ساعات يېددىدە منىم اوپىمە گل و منى ماشىن ايله طيارە ميدانىنا آپار. »

توجه: - در جمله، علامت « کاما » و « و » در بین دو کلمه نيز قرارداده مى شود. يعني در بین کلمات

مختلف يك کاما و در بین آخرین کلمه و ما قبل آن يك « و » نهاده مى شود:

گولناز خانیم دئدی کى، لاله، حسن، حسین و فرييا بۇگون بىزە قۇناق گلە جىكلەر.

- در بندھاى ميانى جمله مرکب مى توان ضمير و اسم را حذف كرد. چراكه اسم و ضمير در صرف

فعل به شكل ضمير متصل شخصى معنكس مى شوند:

بۇ دا لاله خانیم دیر، ( او ) دونن گنجه منه تلفن ائیله دى و ( او ، منه ) دئدی کى،

( سنين ) « واختین اولورسا ، ( سن ) منىم اوپىمە گل. »

چنانكە ملاحظه مى شود، کلمات داخل پرانتز قرارگرفته شده را مى توان از جمله حذف كرد.

5) جمله مرکبى كه هر دو جمله آن كامل است. مثال:

ياشار دونن ساعات آلتىدا بۇرایا گلدى و سلام عليك دن سۇنرا منى شاما دعوت ائیله دى.

من صباح ماشىن ايله اورمىيە يە گىنده جە يەم و آخشام دا اوچاق ايله باكى يا اوچاجاگام.

d) اگر دو موضوع مختلف در رابطه با يكديگر در يك جمله مرکب به كارگرفته شوند،

در بین آنها يك نقطه و کاما ( ؟ ) قرارداده مى شود. مثال:

من دونن آخشام لاله ايله سينامىا گىتمىشىديم ؛ ياشار ايله نىڭكار خانیم دا بىزى خىاوانىن كافە لرىنىدە

آخтарىرمىشىدilar. من ايندى تئرئن(قطار) ايله زنجانا گىدىرم؛ سىز ده گىرك صباح آخشام اورمىيە دە

( او مۇ دا و يا او مۇيا دا ) اولا سىنىز.

e) اگر در جمله به مطلبى اشاره شود، كه آن نياز به توضيح اضافه داشته باشد؛ لازم است كه در

انتهای جمله دو نقطه ( : ) نهاده شده و سپس مطلب مورد نظر شرح داده شود. مثال:

معلم دونن كلاس دا بىزە (شاگىدرە) دئدی، مسئله نىن حللى بۇشكىل ده دئىيلر و يا يازىلار:

اوونو، ايكىي يە بؤل، اولار بېش.

بېشى، ايكىي يە ضرب ائيله (چىرپ)، اولار اون.

f) جمله مرکبى كه هر دو بخش آن نيمه كامل است:

بۇ فرييا خانیم دیر، او منىم باجى قىزىم دير. بۇ جوان حسن دير و او ۱۸ ياشىندادير.

(n) جمله مرکبی که دو بخش آن نیمه کامل و بخش سوم آن کامل است:

بۇ بى ياشار دير، اوْ منيم باجى اوْغلوم دور، من اوْنو گچن هفتە بۇرايا دعوت ائيلە مىشىدىم.  
بۇ بایان بالاخانىم و بۇ باي دا (بى ده) عاباس دير، اوْنلار بۇگون ماشىن لا تېرىزە گىدىرلر.

(z) جمله مرکبی که همه بخشەی آن نیمه کامل ھستند. مثال:

لالە ياشارىن باجى سى دير، منيم ده باجى قىزىم دير، اوْنلار منيم باجىمىن اوْشاقلارىدىرلار.  
ياشار ياخشى بىر آدامدىر، اوْ چوخ ادبى و باشارىقلى دير، آمما بىر آز حوصلە سىز دير.  
- جملاتى کە اساس فرم آنها را فعل تعىين مىكىند:

### ۳) جمله سوالى،

جمله اى است کە در آن شخص ، کار و يا شئ اى، در دو فرم به وسیله فعل سوالى مورد سوال قرار مىگىرد. مثال:

(a) جمله سوالى کە با کلمه سوالى و علامت سوالى(؟) به کارگرفته مىشود. مثال:

كىم؟ كىمە؟ كىمەدە؟ نە؟ نە يە؟ نە دە؟ نى يە؟ هار؟ هاراي؟  
هارادا؟ كىم اوچون؟ نە اوچون؟ نە رە؟ كىمەن دىر؟ نە يېن دىر؟ هارانىن دىر؟

- کلمات مذكور به شكل زير در جمله به کارگرفته مىشوند. مثال:

او كىم دير؟ او نە دير؟ سن هارايىا گىدىرسن؟ او نە يېردىن گلىرى?  
او هارالى دير؟ او نە اوچون بۇرايا گلىيدىر؟ او نى يە داهى بۇرايا گلمىردى؟

(b) جمله سوالى با علائم سوالى «مى ، مۇ ، مو» به کارگرفته مىشود. حرف صدادار علائم سوالى با ھماهنگى بزرگ صرف شده و به کلمه ما قبل خود پيوسته و در مواردى نيز جدا از آن نوشته مىشود. مثال:

او گلىرىمى؟ او گولورمو؟ او دۇنورمو؟ او يېرىرىمى؟ او وارمى؟ او دەگىل مى؟ او بۇرادا يۇخ مو؟ او اولمازمى؟ او اولمالى دىرىمى؟ آدام مى؟ گول مو؟ حسن بۇگون بۇرايا گله جىك مى؟ سىز دونن حسىنى بۇرادا گۈردونۇز مو؟  
(فعل سوالى درص ۶۶۲)

### ۴) جمله امرى:

جمله امرى، جمله اى است کە شخصى خواسته خود را به شكل فرمان و دستور به شخص

دیگری بیان می کند. علامت ویژه جمله امری، فعل امری است که اگر به تنهایی به کار گرفته شود، جمله محسوب می شود. مثال:

گل، گشت، دُور، قال، سال، بیغ، سیل، دوز، و...

- اگر جمله ای در فرم امری بیان شود، توجه شنونده را به خود جلب می کند، در نتیجه آن همانند جمله تعجبی با علامت تعجب (!) نیز به کار گرفته می شود:

او بُوگون بُورایا گلمه سین ! اوْنا دئین، منیم ایشیمه قاریشماسین ! سن بُو سؤزو داهی دئمه !

سن داهی يالان دانیشما ! سن، او آنلاشمانی(بى) امضاء ائله مه ! سن بُو ماشینی آلما !

سیز بُورادان چیخین ! سیز گتمه بین ! سیز ایشله مه بین !

- جمله امری، در موارد کمی بدون اسم و ضمیر نیز به کار گرفته می شود. مثال:

گتمه ! یئمه ! بیغما ! گل بُورایا ! گشت اوْرايا ! گولمه بین ! بُو کیتابلارى

یازماين! دُوارلارى جیزمایین ! پُوللاریزی خرج ائدمه بین ! ( فعل امری ص ۳۵۸ )

## ۵) جمله شرطی،

جمله ای است که عملی شدن کار با شرط به انجام رساندن کار دیگر ممکن می شود.

جملات شرطی در ترکی آذربایجان به شکل زیر در پنج فرم به کار گرفته می شوند، که یک فرم آن

شرطی غیر واقعی و چهار فرم دیگر آن شرطی واقعی هستند. مثال: ( فعل شرطی در ص ۴۴۸ )

a) جمله شرطی غیر واقعی: احمد اورمیه یه گدسه، من گندمه یه جیم.

b) جمله شرطی واقعی با فعل در زمان حال: حسن ایندی اوْرايا گدیرسە، من ده گندیرم.

c) جمله شرطی واقعی با فعل در آینده نزدیک: یاشار بُوگون اوْرايا گدرسە، من ده گنده رم.

d) جمله شرطی واقعی با فعل در آینده دور: یاشار بُوگون اوْرايا گنده جَحکسە، من ده گنده جیم.

e) جمله شرطی واقعی با علامت ماضی: حسین صباح بُورایا گلدیسە، من اوْنو قارشیلارام.

## ۶) جمله آرزوئی واقعی،

جمله ای است که با علامت فعل آرزوئی به کار گرفته می شود. این جمله زمانی بیان می شود که

عملی شدن کار امکان پذیر می باشد. مثال: ( در صفحه ۴۴۲ )

من بُوگون ده بُو ایمتاحدان دا ياخشى نمره ايله قبول اولسام ، نه ياخشى اولار.

ايندي ياشار بُورايا گله بير، نه ياخشى اولار. او ايندي دُوروب گنده بير، نه راحات اولاريق.  
او ايندي گله بيلمه يه بير، من نه قدر سئونيه رم. او ايندي گنده بيلمه يه بير، نه ياخشى اولار.

## ٧) جمله آرزوئی غیر واقعی،

جمله اي است که آرزوئی را بيان می کند که عملی شدن آن امکان پذیر نیست.

جمله آرزوی غیر واقعی عمدتاً با گذشته فعل آرزوئی همراه کلمات مخصوص آرزوی غیر واقعی (کاشکی، کشکه، ای کاش، کاش) به کار گرفته می شود. مثال:

کاشکی من ده بير قوش اولوب قانات آچيپ داغدا داشدا اوچايديم.  
کاشکي منده ايندي جوان(گنج) اولايديم. کشکه منيم اون قارداشيم اولايدى.  
کشکه، ايندي منيم آتم و آنم ساغ اولايدى. کاشکي منيم ده اونون كيبي ميليونلار پۈلۈم اولايدى.  
اي کاشکي، منيم اون باجي و قارداشيم اولايدى.  
( فعل آرزوئی در صفحه ٧١٧ )

## ٨) فعل و يا جمله «شك و تردید»:

جمله شك و تردید، جمله اي است که بيان کننده مطلب، در به وقوع پيوستان فعل، «شك و تردید» داشته باشد. مثال:

بيه او ايندي گله. بلکه او گندib دير. دئيه سن احمد بۇگون گلىر.  
شاييد او گله. شاييد او صباح گنده. شاييد او ايشىده.

- در رابطه با به کار گیری افعال و جملات شك و تردید، لطفاً به صفحه ٧٢٣ همین کتاب مراجعه فرمائید.

- جملاتی که اساس آنها را تنها فعل تعیین نمی کند:

## ٩) جمله تعجبی،

جمله اي است، که بيان آن تعجب شوننده را بر می انگيزد؛ به همین دليل است که با علامت تعجب (!) و همراه يكى از کلمات زير به کار گرفته می شود. مثال:

هاراي، كمك، عجب ! واه واه ! بي ! يوخها ! واي واي ! آه ! آى ! واي !  
خبر دار ! توجه ! عجبا ! يوخ ده ! واه واه ! عجبها ! گۈزله !

توجه: اگر کلمات مذکور به تنهائي به کار گرفته شوند، جمله محسوب می شوند.

- جمله تعجبی را می‌توان با فرمهای مختلف فعلی (زمان حال، آینده و گذشته) همراه کلمات و علامت تعجب (!) به شکل زیر به کار گرفت. مثال:

گؤزله‌ها ماشین گلیر! دیقت ائله، او شاغی ماشین وورار!  
باش بُوگون گلمه دی‌ها!  
بُو عجب پیس ایش اولدو! بی بعله ده ایش اولار! بُو جور دا بیر ایش اولار!  
من ائشیدیم کی، نگار خانیم اریندن آیریلماق ایسته بیر! بُوجور دا بیر ایش اولار!  
باخ‌ها، جماعتنین ایشیندن هنچ باش چیخاتماق اولمور! وای وای گور نه ایشلر وار!  
بُو آدام دلی دیرها! قاباغا باخ دا! چوخ دانیشما دا! (در فرم امری آرزوئی)

#### ۱۰) بیان «نقل قول» در جمله (نقل قول مستقیم):

«نقل قول»، جمله و یا کلمه‌ای است که بیانات شخص دیگر را کلمه به کلمه بیان می‌کند. جمله و یا کلمه «نقل قول» شده در نگارش در داخل گیوه «...» نوشته می‌شود. جمله «نقل قول» عمدتاً در جملات مرکب به کار گرفته می‌شود. مثال:

حسن منه دئدی، «من ساعات سککیزده سیزه گله جه یم».  
او منه دئدی، «حسن دونن گنتدی و صباح آخشم گئری گله جك».  
چیچک خانیم منه یازیدیر، «من بُوگون سیزه گله جه یم».  
باش بَی (bəy)، منه سؤیله دی، «من گلن هفتنه مریم ایله ائوله نه جیم».  
حسن، منه دئدی، «من ایندی یولدايام ساعات ایکی یه جن سیزه گله جه یم»!  
لا له منه یازیدیر، «من جومه (جمعه) گونو کیلاسا (کلاسا) گله بیلمه یه جیم».

#### ۱۱) بیان «نقل به معنی» در جمله (نقل قول غیر مستقیم)،

«نقل به معنی»، جمله و یا کلمه‌ای است که گفته شخص دیگر را «نقل به معنی» می‌کند. در جمله «نقل به معنی» شده، گفتار شخص دیگر، کلمه به کلمه نقل نشده، بلکه معنی و مضامون آن بیان و یا نوشته می‌شود. مثال:

لا له منه سؤیله بیر، او ساعات سککیزده بیزه گله جك.  
باش منه دئدی کی، او صباح آخشم باکی یا گشده جك.  
لا له منه دئمیشدی، او گلن ایل مریم ایله ائوله نه جك.

یاشار منه دئدی، او یولدادیر ساعات ایکی یه بین بیزه گله جک.

به مقایسه جملاتی که «نسل قول» و یا «نسل به معنی» می‌شوند، توجه کنید:

- جمله نسل قولی: ژاله منه دئدی، «من صاباح ساعات بئشده سیزه گله جه يم».

جمله نسل به معنی: ژاله منه دئدی، او صاباح ساعات بئشده بیزه گله جک.

- جمله نسل قولی: صابر منه دئدی، «من جمعه(جومعه) گونلری ايشله مه رم».

جمله نسل به معنی: صابر منه دئدی، او جمعه گونلری ايشله مه ز.

- جمله نسل قولی: سئودا منه سؤیله دی کی، «من صاباح آخشم سیزه گله جه م».

جمله نسل به معنی: سئودا منه سؤیله دی کی، او صاباح آخشم بیزه گله جک.

- جمله نسل قولی: لاله منه سؤیله دی، «من صاباح ساعات یئددیده مدرسه يه گنده جیم».

جمله نسل به معنی: لاله منه سؤیله دی، او صاباح ساعات یئددیده مدرسیه گنده جک.

## ۱۲) جمله طنز

جمله ای است که با شیوه خاصی در فرمهای مختلف به کارگرفته می‌شود. مثال:

جمله طنز، غیر واقعی بودن بیانات شخص مورد نظر را روشن می‌کند.

جمله طنز، بیانات شخص دیگر را به طنز می‌کشد.

جمله طنز، نادرست بودن بیانات شخص را افشا می‌کند. ....

- جمله طنز، در زبان ترکی عمدتاً با فعل سوالی، آرزوی غیر واقعی و شرطی همراه با یکی از کلمات زیر به کارگرفته می‌شود:

دئیه سن، نه ها، یوخسا، ائله بیل، بی، اوهو، وۇها، هاها، هىھى، اورا باخ‌ها، باخ ده،

واي واي، سن الله، کاش، کاشکى، و...

- جمله طنز به شکل زیر در جمله به کارگرفته می‌شود:

(برای نمونه جمله ای را در نظر می‌گیریم که شخصی به نام حسن بیان کرده است:

«صاباح هاوا ياخشى اولماياحاق.»، «صاباح ياغيش ياغاجاق.»)

اکنون گفته حسن را در جملات زیر در شکلهای مختلف به طنز می‌کشیم:

حسن ده ملانصرالدین و اوونون خانیمی کیبی منجیم دیر و صاباح هوانین ياخشى و پیس اولماسینی بیلیر. بلی کی

حسن بیلیر، مگر او عالیم دَگیل می؟

حسن نی به بیلمه سین، عالیم دیر دا، اوچ کیلاس ساواودی وار! حسنه باخ ها، هر بیرشی دن باش چیخادار. حسنه دئگین بُورا دا نه زمان هوا ياخشی اولوب کی صباح دا ياخشی اولا. بیزیم منجیم (حسن)، بُؤیورموشدو کیمی او خومامیش عالم (منجم) اولوبلا ر و هاوانيں ياخشی پیس اولماسینی بیرگون قاباخدان بیلیرلر (دئیرلر).

- در رابطه با جمله طنز به دو شعر زیر از علی اکبر طاهر زاده توجه کنید:

ملت نجه تاراج اولور اولسون نه ایشیم وار  
دؤشمنله محتاج اولور اولسون نه ایشیم وار،...  
تا آغزین آچیب ائیله دی هر گیزلی سوزو فاش...  
لال اولسا نولور میرزا جوادین دیلی ای کاش

### ۱۲) جمله خبری:

در زبان ترکی علامتِ ویژه ای برای بیان جمله خبری موجود نیست، ولی جملاتی که علامت سوالی، آرزوئی، آرزوی غیر واقعی، شرطی، امری نداشته باشند، به شکل جمله خبری بیان می‌شوند. مثال:

لاله گلیر. او ياخشی بیر قیز دیر. من صباح اورمییه یه گندیرم. یاشار بُرگون بُورایا گله جلک.  
حسن بُورایا گلمه یه جلک. یاشار بُرگون آخشم ماشین ایله اردیله گندجک. (گنده جه ک)

### ۱۳) جمله ناکامل:

- آواها و افعال و کلماتی که به تنهائی و یا همراه اسم و ضمیر شخصی به کار گرفته شوند، جمله محسوب می‌شوند، ولی چنین جملاتی نمی‌توانند مفهوم کاملی را بیان کنند؛ در نتیجه به آنها، جملات ناکامل می‌گوئیم.

جملات ناکامل به اشکال زیر به کار گرفته می‌شوند:

- آواها و کلماتی که در زیر ملاحظه می‌نمایید، اگر تنها به کار گرفته شوند، جمله ناکامل محسوب می‌شوند. مثال:

- هارای!	وای!	وای وای!	وهی!	هئی!	وه واه!	به!	ووها!
- گل!	گشت!	گلمه!	گتمه!	آلما!	دانیشما!	قاریشما!	
- دئمه ها!	گل ها!	قاقچ دا!	کیم؟	هارا؟	هارادان؟	هارایا؟	
- نه ره دن؟	نه ره نین؟	او نه دیر؟	او کیم دیر؟	بُر نه دیر؟			

- توجه! ائله! مثال ( میثال ) : میثال دئ!

- طریقه فهماندن حرفی که در بیان کلمه به درستی فهمیده نمی شود:

اگر در بیان کلمه ای، حرفی از آن شنیده و یا فهمیده نشود، بهتر است که برای فهماندن صحیح آن ، کلمه ای گفته شود ، که اولین حرف آن حرفی باشد که به درستی فهمیده نمی شود. برای مثال به جملات زیر توجه شود:

معلم: حسن لطفاً، قارا تخته نین اوستوندہ بیر « یـ ، ىـ » حرفی ياز ؟ ائله اولسون کي شاگردلر اونو اوْزاقدان اوْخويابيلسيينلر !

معلم: يازدين مى؟

حسن: بلى، من « بـ » حرفی(نى) بؤيوك يازديم.

معلم: يۇخ يۇخ، سن باشا دوشمه دين! من دئمه ديم، « بـ (به) » حرفی(نى) بؤيوك ياز. من دئديم، « يـ » حرفی(نى) بؤيوك ياز.

حسن: من « دـ » حرفی(نى) بؤيوك يازديم.

معلم: من دئمه ديم، « دـ » حرفی(نى) بؤيوك ياز! من دئديم، « يـ » حرفی(نى) بؤيوك ياز! معلم: منيم دئدىييم حرف، « بـ (ىـ ) » دير؛ ياشار كىيى يازيلان « يـ » ؛ « يايـ » كىيمى (كىيى) يازيلان بير « يـ » دير.

حسن: من باشا دوشدو، سىز « ىـ » حرفی (نى) « ياز » دئدىنيز.

معلم: بلى (أود) دوزدو، من « ىـ » حرفی (نى) « ياز » دئديم.

حسن: ايندى « يـ » حرفی (نى) بؤيوك و دوز يازديم.

- « سـ » ، سلام كىيمى يازيلان بير « سـ ».

- « دـ » ، داود كىيى يازيلان بير « دـ ».

ارزش یابی دانشگاه مونیخ (بخش شرق شناسی) در رابطه با این کتاب.  
در این نامه خوانده می شود که این کتاب هم تا (die ihresgleichen sucht) ندارد.



LUDWIG-MAXIMILIANS-UNIVERSITÄT MÜNCHEN

DEPARTMENT FÜR KULTURWISSENSCHAFTEN UND ALTERTUMSKUNDE  
INSTITUT FÜR DEN NAHEN UND MITTLEREN OSTEN  
FACHBEREICH TURKOLOGIE/IRANISTIK



LMU - Geschwister-Scholl-Platz 1 · 80539 München

Dr. Özgür Savap

Telefon +49 (0)89 2180-3711  
Telefax +49 (0)89 2180-3799

Sevencig@lmu.de  
[www.islamestudies.lmu.de](http://www.islamestudies.lmu.de)  
Postanschrift:  
Veterinärstraße 1  
80539 München

Ihr Zeichen, Ihre Nachricht vom

Unser Zeichen

München, Oktober 2013

#### Gutachten zur Manuskriptvorlage

#### Farsça Azerbaycan Türk Dilbilgisi Grammatik des Aserbaidschanischen Türkischen in persischer Sprache

Herr Ali Mohammadi (Güneyli) hat mit diesem Manuskript (744 DIN A 4 Seiten) eine aserbaidschanische Grammatik vorgelegt, die ihresgleichen sucht. (Er hatte zuvor eine Miniaturausgabe seines Werkes bereits in Buchform veröffentlicht.)

Es gibt zwar für den deutschsprachigen Raum ein aserbajdschanisches Lehrbuch von Nehmat Rahmati und Koçkut Bugday (Otto Harrassowitz Verlag, Wiesbaden 1998, 17 Lektionen auf 239 Seiten), das aber -wie der Name es zum Ausdruck bringt, ein Lehrbuch ist und keine Grammatik.

Ich halte es als Dozent für türkische Sprache (unter anderem auch für Aserbaidschanisch) dringend für notwendig, daß das Werk von Herrn Mohammadi (Güneyli) in deutscher Sprache bei einem deutschsprachigen Verlag öffentlich zugänglich gemacht wird.

Mit freundlichen Grüßen bitte ich um Kenntnisnahme und Förderung.

Dr. Özgür Savap  
Dozent für türkische Sprache und Literatur

Dienstgebäude  
Veterinärstraße 1  
80539 München

Öffentliche Verkehrsmittel  
U-Bahn:  
U 3, U6, Haltestelle "Universität"

Bayerische Landesbank München  
Kto. 24 868 BLZ 700 500 00  
USH-IdNr. DE 811 295 325

- چنانکه در اول همین کتاب اشاره شد ، در بخش شرق شناسی دانشگاه مونیخ کتابهای متعددی از زبانهای مختلف ، منجمله از زبان ترکی آذربایجان نگاهداری می شود ، که من در نوشتن این کتاب از آنها استفاده کرده ام.

بدین وسیله از کار نیک مردم آگاه و خیر خواه و انسان دوست آلمان که چنین مؤسساتی را برپا کرده اند قدر دانی می کنم و همچنین از کارکنان و مسئولین محترم بخش شرق شناسی دانشگاه مونیخ که از نیابت آنان آقای دکتر اوزگور ساواشچی زحمت کشیده و این نامه تاییدیه را نوشته است تشکر می کنم !

قسمتهایی از نامه تشویقی و انتقادی دکتر زهتابی در رابطه با چاپ اول این کتاب :

---

حؤرمتلى هم يئرلىم - گونئيليم ديلچى عاليم على محمدى جنابلارى !

عزيز دوست ! تانيمىدىغىم غربتىدە ياشاييان بير گونئيليمىن دۇغما آنا ديليمىزى بۇ اندازە دە اوركىن سعومە سى، قايدا - قانونلارينى يازماغا جان آتماسى و آنا ديلينى بۇتون دونيا خلقلىرى و اوز ميلە تىنە تانىتىدىرماغا چالىشاماسىنى اشىتىدىب بىلدىكىدە او قدر سئوينىب گۈوندىم كى، شادلىقدان گۈزلريم سۈلاندى.

آخى گونئ قديم زامانلارдан دۇنيا شۇھرتلى شخصىتلرىن: شىئىخ محمود، ميرزا فتىلى آخودزادە، خىابانى، معجز، وايقانلى آدام، كۆزە كونانلى حاجى مهدى، شىبتىرىلى سيد محمد ابوالضياء ، خومنانلى ميرزا جعفر، بىنисلى شىئىخ محمد حسین، چنه وانلى واثيقى، عاشيق قشم ، دريانلى حاجى مهدى ، شرفخانلى ناظير، و... ين وطننى ، دۇغولوب ، بۇيا باشا چاتىدىغى ديار اولموشدور. اشىتىدىب بىلدىكىدە كى، گونئىن «كفلمولك» كىندىن دانىشگاه اوستادى «آقاي انزايى» ايلە عىينى زاماندا بير ديلچى عاليم دە واردىر،

هم سئوينىدىم ، هىمە فخر ائتدىم. ....

---

چون گۇردومن كى، سىز دۇنيانىن ان قديم و زنگىن دىللرىندن اولان آذرى توركجه سىنин دە رىن ، گەنپىش و زنگىن خصوصىتلرى و اينجە لىكلەرنى دۇيموش و اونلارى علمى باخىمدان يازىپ تانىتىدىرماغا چالىش مىش سىنىز. بۇ مقدس ايش و دۇيغۇنۇز تقدىر و تشویقه لايىقدىر و يقين بىلىن كى، سىزىن قدر بىلەن خلقىنېز هەچ وقت سىزىن زەختلىرىنىزى اۇنوتماز. ....

---

كىتابىزىن تازا چاپىنин اىضا حالارى دۇغما آنا ديليمىزدە اولىماسى لازىم و ياخشىدەر، چونكى ، هم خلقىمىز آنا ديليمىزدە اوخويار ، هىمە ديليمىزىن بير سира قايدا - قانونلارينى فارسجا اىضاح ائتمك و فارسجا وئرمك غئير مومكۇندور ، هر بير ديلين اوز خصوصىتى واردىر.

عزيز هم يئرلىم ! بو شرفلى مىللى و اىسلامى ايشىنېزدە سىزە بئۈيۈك موققىتلىر و باجاريلار دىلە يىب ، آرزو ائدىرم كى ، بېرىلىنده كى دوستلارلا علاقە و رابطە نىز مەحكم اولسون ، تا اونلارين واسىطە سىلە علمى علاقە مىز داوم ائتسىن و نحو كىتابىنى اونلارين واسىطە سىلە سىزە گۈندرەمە يىم مومكۇ اولسون . ساغ اولون . سىزە باجاريلار آرزو لار لا :

دوقتور محمد تقى زهتابى ، كىريشچى ،

بېرىلىن ۱۹۹۸ ، ۱۲ ، ۱۰